



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

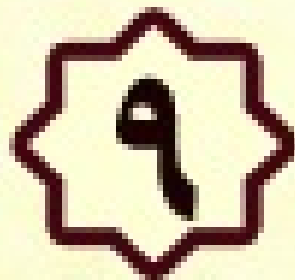
www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

دانشنامه

عقاید اسلامی

معرفت‌شناسی

معدی‌ای شری



تصحیح
معدی‌ای شری

پیشگامی:
دکتر رضا بنجار

کتابخانه ملی، تهران، جمهوری اسلامی ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشنامه عقاید اسلامی

نویسنده:

محمد محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۴	دانشنامه عقاید اسلامی جلد ۹
۱۴	مشخصات کتاب
۱۵	اشاره
۲۱	۸ / ۴ مقصود از توانمندی
۲۷	۸ / ۵ آنچه بر بطلان نظریه جبر دلالت می کند
۴۵	۸ / ۶ جعل احادیث درباره تشبیه و جبر
۴۷	۸ / ۷ دلایل باطل بودن نظریه تفویض
۵۱	۸ / ۸ سرزنش جبرگرایان
۵۳	۸ / ۹ سرزنش تفویض گرایان
۵۵	۸ / ۱۰ سرزنش قدریه
۶۴	۸ / ۱۱ مراد از قدریه
۶۴	اشاره
۶۴	الف آنچه دلالت می کند بر این که قدریه همان مفوضه هستند
۷۲	ب آنچه دلالت می کند که قدریه همان جبرگرایان اند
۷۶	فصل نهم : نقش قضا و قدر در خوش بختی و بدبختی
۷۶	۹ / ۱ خوش بخت ، در رحم مادرش خوش بخت است و همچنین بدبخت
۸۲	۹ / ۲ معنای خوش بختی و بدبختی نوزاد ، پیش از تولد
۹۴	پژوهشی پیرامون حدیث «خوش بخت در رحم مادرش خوش بخت است»
۹۴	اشاره
۹۵	۱ . خداوند ، قبل از تولد انسان ها ، به خوش بختی و بدبختی آنها علم دارد
۹۶	۲ . خوش بختی برای مؤمن و بدبختی برای کافر ، تقدیر شده است
۹۷	۳ . انتخاب انسان در عالم دُر ، در خوش بختی و بدبختی او مؤثر است
۹۷	جمع بندی

۱۰۰	فصل دهم : نقش انسان در قضا و قدر
۱۰۰	۱ / ۱۰ نقش عمل در سرنوشت انسان
۱۰۴	۲ / ۱۰ نقش جهاد در سرنوشت نیک
۱۰۶	۳ / ۱۰ نقش کارهای زشت در سرنوشت بد
۱۱۰	فصل یازدهم : ایمان به قضا و قدر
۱۱۰	۱ / ۱۱ معنای ایمان به قَدَر
۱۱۲	۲ / ۱۱ واجب بودن ایمان به قَدَر
۱۱۴	۳ / ۱۱ تحریم تکذیب تقدیر
۱۲۰	۴ / ۱۱ آنچه با ایمان به تقدیر ، منافات ندارد
۱۲۲	۵ / ۱۱ آنچه مایه توهم ناسازگاری بین تدبیر و ایمان به تقدیر است
۱۲۶	توضیحی درباره آنچه به ظاهر بر تعارض تقدیر و تدبیر ، دلالت دارد
۱۳۰	فصل دوازدهم : خشنودی به قضا و قدر
۱۳۰	۱ / ۱۲ تشویق به خُشنودی به قضا
۱۴۳	۲ / ۱۲ بر حذر داشتن از ناخشنودی به قضا
۱۴۷	۳ / ۱۲ عوامل خشنودی به قضا
۱۴۷	الف خرد
۱۴۹	ب یقین
۱۵۵	ج دعا
۱۶۱	د فضل خدا
۱۶۱	۴ / ۱۲ موانع خشنودی به قضا
۱۶۳	۵ / ۱۲ آثار خشنودی به قضا
۱۶۳	الف نزدیکی به خدا و خشنودی او
۱۶۷	ب زدودن اندوه
۱۷۰	ج زندگی خوش
۱۷۲	د آسودگی
۱۷۶	ه بی نیازی

- و پاک دامنی ۱۷۸
- ز شجاعت ۱۸۰
- ح از بین رفتن حسد ۱۸۰
- ط برطرف شدن گرفتاری ۱۸۰
- ی استحکام یقین ۱۸۰
- ک آسان شمردن رخدادهای ۱۸۰
- ل پذیرش دعا ۱۸۲
- ۱۲ / ۶ سیره اهل بیت در راضی بودن به قضای الهی ۱۸۲
- بخش سوم : عدالت و شرور ۱۸۸
- اشاره ۱۸۸
- درآمد ۱۹۰
- پیدایش «نُتویه» ۱۹۰
- شُرور و انکار آفریدگار ۱۹۱
- پاسخ اجمالی به شبهه شُرور ۱۹۱
- پاسخ تفصیلی به شبهه شُرور ۱۹۲
- یک . معنای «خیر» و «شر» ۱۹۲
- دو . ملاک تشخیص خیر و شر ۱۹۲
- سه . خیر و شر در جهان بینی اسلامی ۱۹۳
- چهار . تفاوت عقیده امامیه و اشاعره ۱۹۶
- پنج . اقسام خیر و شر ۱۹۷
- ۱ . خیر و شرّ مطلق ۱۹۷
- ۲ . خیر و شرّ نسبی ۱۹۷
- شش . خلقت و تقدیر خیر و شر ۱۹۸
- اشاره ۱۹۸
- ۱ . مقصود از خلقت شر ۱۹۹
- ۲ . کدام نوع از شُرور؟ ۱۹۹

- ۳ . خلقت خیر پیش از خلقت شر - ۲۰۰
- ۴ . نقش اراده انسان در پیدایش شرور ۲۰۰
- هفت . حکمت گرفتاری های انسان های آگاه ۲۰۱
- اشاره ۲۰۱
- ۱ . مصیبت های خود کرده ۲۰۲
- اشاره ۲۰۲
- اقسام مصیبت های خودکرده ۲۰۳
- الف مجازات ۲۰۳
- ب تأدیب ۲۰۵
- ج تطهیر ۲۰۶
- ۲ . سختی های سازنده ۲۰۷
- هشت . عوامل ناکامی های مستضعفان ۲۱۲
- اشاره ۲۱۲
- ۱ . سوء استفاده از آزادی ۲۱۳
- ۲ . آثار تکوینی گناه ۲۱۴
- ۳ . رعایت نکردن مسائل بهداشتی ۲۱۶
- ۴ . حکمت های ناشناخته ۲۱۶
- فصل یکم : معیار شناخت خیر و شر ۲۲۰
- فصل دوم : حکمت گرفتاری ها ۲۳۹
- ۱ / ۲ آزمایش و آزمون ۲۳۹
- ۲ / ۲ یادآوری و پندپذیری ۲۴۱
- ۳ / ۲ کیفر بدی ها ۲۴۷
- ۴ / ۲ پاکی مؤمنان از گناهان ۲۵۲
- ۵ / ۲ تکامل انبیا و اولیا ۲۶۷
- ۶ / ۲ عوامل گرفتاری های مستضعفان ۲۸۲
- فصل سوم : عوامل شرور ۲۹۱

- ۲۹۱ نادانی ۱ / ۳
- ۲۹۳ کفر ۲ / ۳
- ۲۹۳ خشم خدا ۳ / ۳
- ۲۹۵ نفس بد فرمان ۴ / ۳
- ۲۹۷ صفات ناشایست ۵ / ۳
- ۲۹۷ الف آزمندی
- ۲۹۷ ب طمع
- ۲۹۹ ج لذتجویی
- ۲۹۹ د خشم
- ۳۰۱ ه کینه
- ۳۰۱ و بگو مگو کردن
- ۳۰۳ ز پستی
- ۳۰۳ ح لجبازی
- ۳۰۵ ط نیرنگ
- ۳۰۵ ی کم حیایی
- ۳۰۵ ک تنبلی و بی حوصلگی
- ۳۰۸ ل چیرگی شهوت
- ۳۰۸ م بدگمانی
- ۳۰۸ ن دنیادوستی
- ۳۰۸ س این ویژگی ها
- ۳۱۳ ۶ / ۳ اعمال ناشایست
- ۳۱۳ الف میخوارگی
- ۳۱۵ ب دروغ
- ۳۱۷ ج هرزه زبانی
- ۳۱۹ ۷ / ۳ شیطان های جن و انس
- ۳۱۹ الف وسوسه شیطان (ابلیس)

- ب ندیمان بد ۳۲۱
- ۸ / ۳ و این کارها ۳۲۱
- فصل چهارم : موانع شرور ۳۲۵
- ۱ / ۴ شناخت ۳۲۵
- ۲ / ۴ ایمان ۳۲۷
- ۳ / ۴ فضایل اخلاقی ۳۲۹
- الف پرهیزگاری ۳۲۹
- ب حیا ۳۳۱
- ج معاشرت نیکو ۳۳۳
- د کینه زدایی ۳۳۳
- ه توکل به خدا ۳۳۳
- ۴ / ۴ کارهای نیکو ۳۳۷
- الف فرمان برداری از خدا ۳۳۷
- ب به خیر ، رو کردن ۳۳۹
- ج همنشینی با نیکان ۳۴۱
- د صدقه ۳۴۱
- ه قرائت قرآن ۳۴۱
- و جلوگیری از غیبت مؤمن ۳۴۳
- ز زیارت امام حسین علیه السلام ۳۴۳
- ح و این کارها ۳۴۳
- ط یاری جستن از خدا ۳۴۵
- بخش چهارم : عدل الهی ، نیک بختی و بدبختی ۳۵۹
- اشاره ۳۵۹
- درآمد ۳۶۱
- اشاره ۳۶۱
- سعادت و شقاوت در مکتب های مختلف ۳۶۲

۳۶۳	سعدت و شقاوت در مکتب اسلام
۳۶۴	حقیقت سعادت و شقاوت
۳۶۷	فصل یکم: معنای نیک بختی و بدبختی
۳۶۷	۱ / ۱ حقیقت نیک بختی
۳۶۹	۲ / ۱ حقیقت بدبختی
۳۷۲	۳ / ۱ نشانه های نیک بختی
۳۸۵	۴ / ۱ نشانه های تیره بختی
۳۹۳	فصل دوم: عوامل نیک بختی
۳۹۳	۱ / ۲ شناخت
۳۹۵	۲ / ۲ ایمان
۳۹۹	۳ / ۲ ولایت اهل بیت
۴۰۳	۴ / ۲ توفیق
۴۰۷	۵ / ۲ اخلاق و رفتار خوب
۴۰۷	الف اخلاص
۴۰۷	ب پرهیزگاری
۴۰۷	ج پارسایی در دنیا
۴۰۹	د دوستی در راه خدا
۴۰۹	ه پیوند با خدا
۴۰۹	و پیروی از قرآن
۴۱۱	ز کار شایسته
۴۱۳	ح کوشایی در عمل
۴۱۳	ط همراهی با حق
۴۱۵	ی استمرار عبادت
۴۱۵	ک توبه
۴۱۷	ل اطاعت از خدا
۴۱۹	م بخشش دارایی

- ن حسابرسی از خود ۴۱۹
- س جهاد با نفس ۴۱۹
- ع همنشینی با دانشمندان و پیروی از آنان ۴۲۱
- ف پیشگامی در انجام دادن نیکی ها ۴۲۱
- ص آماده شدن برای مرگ ۴۲۱
- ق یاری جستن از خدا ۴۲۳
- ۶ / ۲ ویژگی های نیک بختان ۴۳۱
- ۷ / ۲ عوامل کمال نیک بختی ۴۳۳
- ۸ / ۲ آنچه تیره بختان را نیک بخت کند ۴۳۵
- فصل سوم : عوامل تیره بختی ۴۳۹
- ۱ / ۳ نادانی ۴۳۹
- ۲ / ۳ کفر ۴۴۱
- ۳ / ۳ زشتی های اخلاقی ۴۴۳
- الف دنیا دوستی ۴۴۳
- ب آزمندی ۴۴۷
- ج طمعکاری ۴۴۷
- د بخل ورزی ۴۴۹
- ه ریا ۴۵۱
- و حسدورزی ۴۵۱
- ز غفلت ۴۵۳
- ح تعصب ۴۵۳
- ۴ / ۳ اعمال ناشایست ۴۵۳
- الف نافرمانی خدا ۴۵۳
- ب مخالفت با اهل بیت ۴۵۷
- ج پیروی از خواسته های نفس ۴۵۹
- د دستگیری ۴۶۱

۴۶۱ ه نافرمانی پدر و مادر

۴۶۱ و این کارها

۴۷۲ درباره مرکز

سرشناسه: محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵ -

عنوان قراردادی: موسوعه العقائد الاسلامیه . فارسی

عنوان و نام پدید آور: دانش نامه عقاید اسلامی / محمدی ری شهری، همکار رضا برنجکار؛ مترجم مهدی مهریزی؛ برای
موسسه علمی و فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر.

مشخصات نشر: قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۵ -

مشخصات ظاهری: ج.

فروست: مرکز تحقیقات دارالحدیث؛ ۱۰۲.

شابک: ۲۴۵۰۰۰ ریال: دوره ۱-۱۱۷-۴۹۳-۹۶۴-۳؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال: دوره، چاپ سوم ۱-۱۱۷-۴۹۳-۹۶۴-۸؛ ج. ۱-۹۶۴-
۴۹۳-۱-۱۱۸-۴۹۳-۱؛ ج. ۱، چاپ دوم: ۹۷۸۹۶۴۴۹۳۱۱۷۸؛ ج. ۱، چاپ سوم ۱-۱۱۸-۴۹۳-۹۶۴-۵؛ ج. ۲-۴۹۳-۹۶۴-۱۱۹-X-
؛ ج. ۲، چاپ دوم: ۱-۱۱۹-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸؛ ج. ۳-۱۲۰-۴۹۳-۹۶۴-۳؛ ج. ۳، چاپ دوم: ۱-۱۲۰-۴۹۳-۹۶۴-۸؛ ج. ۴-
۹۶۴-۱-۱۲۱-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸؛ ج. ۴، چاپ سوم ۱-۱۲۱-۴۹۳-۹۶۴-۵؛ ج. ۵-۱۲۳-X-۴۹۳-۹۶۴-۵؛ ج. ۵، چاپ سوم ۱-۹۶۴-
۴۹۳-۲-۱۲۲-۴۹۳-۲؛ ج. ۶-۱۲۳-۴۹۳-۹۶۴-۸؛ ج. ۶-۱۲۳-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸؛ ج. ۶-۱۲۳-۴۹۳-۹۶۴-۹؛ ج. ۶، چاپ دوم (دوره، چاپ دوم)؛ ج. ۷-۹۶۴-
۴۹۳-۶-۱۲۴-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸؛ ج. ۷-۱۲۴-۴۹۳-۹۶۴-۶؛ ج. ۷-۱۲۴-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸؛ ج. ۷، چاپ دوم (دوره)؛ ۵۰۰۰۰ ریال (ج. ۸)؛ ج. ۸، چاپ
سوم ۱-۹۶۴-۴۹۳-۶-۲۵۲-۶؛ ج. ۹-۲۵۳-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸؛ ج. ۹-۲۵۳-۴۹۳-۹۶۴-۵۵۰۰۰ ریال (ج. ۹)، چاپ دوم

یادداشت: فارسی-عربی.

یادداشت: هر یک از جلد های این کتاب با همکاری و ترجمه افراد مختلف انجام شده است.

یادداشت: ج. ۸ و ۹ (چاپ اول: ۱۳۸۶).

یادداشت: ج. ۷ تا ۹، ۷ (چاپ دوم: ۱۳۸۶).

یادداشت: ج. ۱، ۲، ۴ تا ۹ (چاپ سوم: ۱۳۸۷).

یادداشت: کتابنامه.

مندرجات: ج. ۱-۳. معرفت شناسی. - ج. ۴-۷. خداشناسی. - ج. ۸-۹. عدالت خداوند

موضوع: اسلام -- عقاید -- احادیث

موضوع: احادیث شیعه -- قرن ۱۴

شناسه افزوده: برنجکار، رضا، ۱۳۴۲ -

شناسه افزوده: مهریزی، مهدی، ۱۳۴۱ -، مترجم

شناسه افزوده: دار الحدیث. مرکز تحقیقات

شناسه افزوده: دار الحدیث. مرکز چاپ و نشر

رده بندی کنگره: BP۲۱۱/۵م۳۳۴م۸۰۴۱ ۱۳۸۵/

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۱۷۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۴۷۲۸۱

ص: ۱

اشاره

٨ / ٤ معنَى الإِسْتِطَاعَةِ رسولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ جَعَلَ الإِسْتِطَاعَةَ إِلَى نَفْسِهِ فَقَدْ كَفَّرَ. (١)

تاريخ دمشق عن عبد الله بن جعفر عن الإمام علي عليه السلام: أَنَّهُ خَطَبَ النَّاسَ يَوْمًا ... فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِمَّنْ كَانَ شَهِدَ مَعَهُ الْجَمَلَ ، فَقَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، أَخْبِرْنَا عَنِ الْقَدْرِ ؟ فَقَالَ : بَحْرٌ عَمِيقٌ فَلَا تَلْجُهُ ، قَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَخْبِرْنَا عَنِ الْقَدْرِ ؟ قَالَ : بَيْتٌ مُظْلِمٌ فَلَا تَدْخُلُهُ ، قَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، أَخْبِرْنَا عَنِ الْقَدْرِ ؟ قَالَ : سَيَرُّ اللَّهِ فَلَا تَتَكَلَّفُهُ ، قَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، أَخْبِرْنَا عَنِ الْقَدْرِ ؟ قَالَ : أَمَّا إِذْ أُبَيِّتَ ، فَأَيُّهُ أَمْرٌ بَيْنَ أَمْرَيْنِ ؛ لَا - جَبْرٌ وَلَا - تَفْوِيضٌ . قَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، إِنْ فُلَانًا يَقُولُ بِالإِسْتِطَاعَةِ وَهُوَ حَاضِرُكَ ، فَقَالَ : عَلَيَّ بِهِ ، فَأَقَامُوهُ قَالَ : قُلْ : أَمْلِكُهَا بِاللَّهِ الَّذِي إِنْ شَاءَ مَلَكَهَا . (٢)

الكافي عن علي بن أسباط: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الإِسْتِطَاعَةِ ، فَقَالَ : يَسْتَطِيعُ الْعَبْدُ بَعْدَ أَرْبَعِ خِصَالٍ : أَنْ يَكُونَ مُخْلِئَ السَّرْبِ ، صَاحِحَ الْجِسْمِ ، سَلِيمَ الْجَوَارِحِ ، لَهُ سَبَبٌ وَارِدٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، قَالَ : قُلْتُ : جُعِلَتْ فِدَاكَ ، فَسَّرْ لِي هَذَا . قَالَ : أَنْ يَكُونَ الْعَبْدُ مُخْلِئَ السَّرْبِ ، صَاحِحَ الْجِسْمِ ، سَلِيمَ الْجَوَارِحِ ، يُرِيدُ أَنْ يَزِنِي فَلَا يَجِدُ امْرَأَةً ثُمَّ يَجِدُهَا ، فَإِنَّمَا أَنْ يَعِصِمَ نَفْسَهُ فَيَمْتَنِعَ كَمَا امْتَنَعَ يَوْسُفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، أَوْ يُخْلِئَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ إِرَادَتِهِ فَيَزِنِي فَيَسْمَى زَانِيًا ، وَلَمْ يُطْعِ اللَّهَ بِإِكْرَاهٍ وَلَمْ يَعِصِهِ بِغَلْبِهِ . (٣)

١- .كنز العمال: ج ١ ص ١٣٩ ح ٦٦٢ نقلًا عن الديلمي عن أنس .

٢- .تاريخ دمشق: ج ٥١ ص ١٨٢ ، مطالب السؤل: ص ٢٦ ، كنز العمال: ج ١ ص ٣٤٨ ح ١٥٦٧ نقلًا عن حليه الأولياء .

٣- .الكافي: ج ١ ص ١٦٠ ح ١ ، التوحيد: ص ٣٤٨ ح ٧ ، الاعتقادات للصدوق: ص ٣٨ عن الإمام الكاظم عليه السلام ، الفقه

المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام: ص ٣٥٢ عن العالم عليه السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار: ج ٥ ص ٣٧ ح ٥٤ .

۸ / ۴ مقصود از توانمندی

۸ / ۴ مقصود از توانمندی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس توانمندی را به خود نسبت دهد، کفر ورزیده است.

تاریخ دمشق به نقل از عبد الله بن جعفر: یکی از همراهان امام علی علیه السلام در جنگ جَمَل، برخاست و گفت: ای امیر مؤمنان! ما را درباره قَدَر، آگاه فرما. فرمود: «دریای ژرفی است. در آن، وارد نشو». گفت: ای امیر مؤمنان! ما را درباره قَدَر، آگاه فرما. فرمود: «خانه [وحشت انگیز و] تاریکی است. وارد آن نشو». گفت: ای امیر مؤمنان! ما را درباره قَدَر، آگاه فرما. فرمود: «راز خداست. خود را درباره آن به زحمت نینداز». گفت: ای امیر مؤمنان! ما را درباره قَدَر، آگاه فرما. فرمود: «اکنون که نپذیرفتی [و پافشاری کردی]، همانا آن، امری (چیزی) بین دو امر (دو چیز) است؛ نه جبر است و نه تفویض». گفت: ای امیر مؤمنان! فلانی قائل به توانمندی [خویش] است و در محضر توست. فرمود: «او را به نزد من بیاورید». پس، او را بلند کردند... فرمود: «بگو: آن را به وسیله خدایی دارم که اگر بخواهد، در اختیارم می گذارد».

الکافی به نقل از علی بن اسباط: از امام رضا علیه السلام درباره توانمندی پرسیدم. فرمود: «بنده با داشتن چهار ویژگی، توانمند می شود: راهش بدون مراقب (مانع)، تنش و اعضای بدنش سالم باشند، و از جانب خداوند عز و جلبرایش سببی فراهم باشد». گفتم: فدایت شوم! این را برایم تفسیر کن. فرمود: «این که بنده بدون مراقب باشد، جسم سالم داشته باشد و اعضای سالم داشته باشد، [مثل این است که] می خواهد زنا کند؛ ولی زنی نمی یابد. سپس آن را بیابد. آن گاه یا خودش را حفظ می کند و خودداری می کند، همچنان که یوسف علیه السلام خودداری نمود، یا میان خود و خواسته اش مانعی نمی بیند و زنا می کند و زناکار نامیده می شود، در حالی که به اجبار، خدا را فرمان نبرده و با غلبه کردن هم نافرمانی نکرده است».

الإمام الصادق عليه السلام: الإِسْتِطَاعَةُ قَبْلَ الْفِعْلِ ، لَمْ يَأْمُرِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِقَبْضٍ وَلَا بَسْطٍ إِلَّا وَالْعَبْدُ لِذَلِكَ مُسْتَطِيعٌ . (١)

عنه عليه السلام: مَا كَلَّفَ اللَّهُ الْعِبَادَ كُفْلَهُ فِعْلٍ وَلَا نَهَاهُمْ عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ جَعَلَ لَهُمُ الْإِسْتِطَاعَةَ ، ثُمَّ أَمَرَهُمْ وَنَهَاهُمْ فَلَا يَكُونُ الْعَبْدُ آخِذَا وَلَا تَارِكًا إِلَّا بِإِسْتِطَاعِهِ مُتَّقِدَمَهُ قَبْلَ الْأَمْرِ وَالنَّهْيِ ، وَقَبْلَ الْأَخْذِ وَالْتَرَكِ ، وَقَبْلَ الْقَبْضِ وَالْبَسْطِ . (٢)

عنه عليه السلام: لَا يَكُونُ الْعَبْدُ فَاعِلًا وَلَا مُتَحَرِّكًا إِلَّا وَالْإِسْتِطَاعَةَ مَعَهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، وَإِنَّمَا وَقَعَ التَّكْلِيفُ مِنَ اللَّهِ بَعْدَ الْإِسْتِطَاعَةِ ، فَلَا يَكُونُ مُكَلَّفًا لِلْفِعْلِ إِلَّا مُسْتَطِيعًا . (٣)

عنه عليه السلام: لَا يَكُونُ مِنَ الْعَبْدِ قَبْضٌ وَلَا بَسْطٌ إِلَّا بِإِسْتِطَاعِهِ مُتَّقِدَمِهِ لِلْقَبْضِ وَالْبَسْطِ . (٤)

التوحيد عن عوف بن عبد الله الأزدي عن عمه: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْإِسْتِطَاعَةِ ، فَقَالَ : وَقَدْ فَعَلُوا ؟ (٥) فَقُلْتُ : نَعَمْ ، زَعَمُوا أَنَّهَا لَا تَكُونُ إِلَّا عِنْدَ الْفِعْلِ وَإِرَادِهِ فِي حَالِ الْفِعْلِ لَا قَبْلَهُ . فَقَالَ : أَشْرَكَ الْقَوْمُ . (٦)

- ١- التوحيد : ص ٣٥٢ ح ٢١ عن أبي بصير ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٣٨ ح ٥٩ .
- ٢- التوحيد : ص ٣٥٢ ح ١٩ عن هشام بن سالم ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٣٨ ح ٥٧ .
- ٣- التوحيد : ص ٣٤٥ ح ٢ عن سهل بن أبي محمد المصيصي و ص ٣٥١ ح ١٨ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٣٥ ح ٤٦ .
- ٤- التوحيد : ص ٣٥٢ ح ٢٠ عن سليمان بن خالد ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٣٨ ح ٥٨ .
- ٥- هذا إخبار ، أى وقد فعلوا ما يوجب أمثال هذه الضلالات فى الدين (هامش المصدر) .
- ٦- التوحيد : ص ٣٥٠ ح ١٢ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٣٤ ح ٤٦ .

امام صادق علیه السلام: توانمندی، پیش از انجام دادن کار است. خداوند عز و جل به انجام دادن و ندادنِ کاری فرمان نمی دهد، مگر وقتی که بنده توانمندی آن را داشته باشد.

امام صادق علیه السلام: خداوند، بندگان را به انجام دادن تکلیفی موظف نمی کند و از چیزی باز نمی دارد، مگر این که [ابتدا] برای آنان توانمندی قرار می دهد و سپس امر و نهی می نماید. پس، بنده انجام دهنده یا ترک کننده نیست، مگر این که پیش از امر و نهی، و پیش از انجام دادن و ندادن، و پیش از تنگنایی و گشایش، توانمندی ای داشته باشد.

امام صادق علیه السلام: بنده هیچ کار و حرکتی نمی کند، مگر این که توانمندی ای از جانب خداوند عز و جل همراه اوست، و تکلیف از طرف خدا، تنها پس از توانمندی است. بنا بر این، بنده به انجام دادن کار، موظف نیست، جز وقتی که توانمند باشد.

امام صادق علیه السلام: هیچ انجام دادن و ندادنی به وسیله بنده اتفاق نمی افتد، مگر این که توانمندی، پیش از انجام دادن و ندادن است.

التوحید به نقل از عوف بن عبد الله ازدی، از عمویش: از امام صادق علیه السلام درباره توانمندی پرسیدم. فرمود: «آیا [این گم راهی ها را در دین] پدید آورده اند؟». گفتم: بله. آنان گمان برده اند که توانمندی، تنها در حال انجام دادن کار و [همزمان با] اراده همراه کار است و پیش تر از آن نیست. فرمود: «آن قوم، مشرک شده اند».

الكافي عن صالح النيلي: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَلْ لِلْعِبَادِ مِنَ الْإِسْتِطَاعَةِ شَيْءٌ؟ قَالَ: فَقَالَ لِي: إِذَا فَعَلُوا الْفِعْلَ كَانُوا مُسْتَطَاعِينَ بِالْإِسْتِطَاعَةِ الَّتِي جَعَلَهَا اللَّهُ فِيهِمْ. قَالَ: قُلْتُ وَمَا هِيَ؟ قَالَ: الْآلَةُ مِثْلُ الزَّانِي إِذَا زَنَى كَانَ مُسْتَطَاعًا لِلزَّانَا حِينَ زَنَى، وَلَوْ أَنَّهُ تَرَكَ الزَّانَا وَلَمْ يَزِنْ كَانَ مُسْتَطَاعًا لِتَرْكِهِ إِذَا تَرَكَ. قَالَ: ثُمَّ قَالَ: لَيْسَ لَهُ مِنَ الْإِسْتِطَاعَةِ قَبْلَ الْفِعْلِ قَلِيلٌ وَلَا كَثِيرٌ، وَلَكِنْ مَعَ الْفِعْلِ وَالتَّرْكِ كَانَ مُسْتَطَاعًا. قُلْتُ: فَعَلَى مَاذَا يُعَذِّبُهُ؟ قَالَ: بِالْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ وَالْآلَةِ الَّتِي رَكَّبَ فِيهِمْ، إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُجْبِرْ أَحَدًا عَلَى مَعْصِيَتِهِ. (١)

الكافي عن رجل من أهل البصره: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْإِسْتِطَاعَةِ فَقَالَ...: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ خَلْقًا فَجَعَلَ فِيهِمْ آلَةَ الْإِسْتِطَاعَةِ ثُمَّ لَمْ يُفَوِّضْ إِلَيْهِمْ، فَهُمْ مُسْتَطَاعُونَ لِلْفِعْلِ وَقَتَ الْفِعْلِ مَعَ الْفِعْلِ إِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ الْفِعْلَ، فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوهُ فِي مُلْكِهِ لَمْ يَكُونُوا مُسْتَطَاعِينَ أَنْ يَفْعَلُوا فِعْلًا لَمْ يَفْعَلُوهُ؛ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَعَزُّ مِنْ أَنْ يُضَادَّهُ فِي مُلْكِهِ أَحَدٌ. قَالَ الْبَصْرِيُّ، فَالنَّاسُ مَجْبُورُونَ؟ قَالَ: لَوْ كَانُوا مَجْبُورِينَ كَانُوا مَعْدُورِينَ. قَالَ: فَفَوِّضْ إِلَيْهِمْ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَمَا هُمْ؟ قَالَ: عَلِمَ مِنْهُمْ فِعْلًا فَجَعَلَ فِيهِمْ آلَةَ الْفِعْلِ، فَإِذَا فَعَلُوا كَانُوا مَعَ الْفِعْلِ مُسْتَطَاعِينَ. (٢)

١- الكافي: ج ١ ص ١٦٢ ح ٣.

٢- الكافي: ج ١ ص ١٦١ ح ٢، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام: ص ٣٥٢ عن العالم عليه السلام نحوه.

الکافی به نقل از صالح نیلی: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا بندگان، بهره ای از توانمندی دارند؟ فرمود: «هنگامی که کاری انجام می دهند، با توانمندی ای که خداوند در آنان قرار داده، توانمندند». گفتم: آن چیست؟ فرمود: «وسیله است، مانند زناکار که وقتی زنا می کند، برای انجام دادن آن توانمند است، و اگر زنا را ترک کند و زنا نکند برای ترک آن هم، توانمند است». سپس فرمود: «[بنده] پیش از انجام دادن کار، چه اندک باشد و چه بسیار، توانمندی ندارد؛ لیکن همراه انجام دادن و ترک آن، توانمند است». گفتم: پس بر چه اساس، [خداوند] بنده را کیفر می دهد؟ فرمود: «با حجت رسایش و وسیله ای که در آنان قرار داده است. خداوند، کسی را بر نافرمانی خویش وادار نمی کند».

الکافی به نقل از مردی از اهالی بصره: از امام صادق علیه السلام درباره توانمندی پرسیدم. فرمود: «... همانا خداوند، مردم را آفرید و وسیله توانمندی را در آنان قرار داد؛ اما به آنان واگذار نکرد. پس، آنان برای انجام دادن کار، در هنگام آن و همراه با آن، توانمند هستند، [البته] هر گاه آن کار را انجام دهند. پس هر گاه در قلمرو فرمان روایی خداوند، کاری را انجام ندهند، دیگر توانمند نیستند کاری را که انجام نداده اند، انجام دهند؛ زیرا خداوند عز و جلقدرتمندتر از آن است که کسی بتواند در فرمان روایی اش با او ضدیت نماید». مرد بصری گفت: پس مردم مجبورند؟ فرمود: «اگر مجبور بودند، عذر داشتند». گفت: پس خدا آنان را به خودشان واگذار نموده است؟ فرمود: «نه». گفت: پس چگونه اند؟ فرمود: «[خداوند، انجام دادن] کاری را از سوی آنان می داند. آن گاه وسیله آن را در اختیارشان قرار می دهد. پس وقتی کار را انجام دادند، با انجام دادن آن، توانمند هستند».

٨ / ٥ ما يُدُلُّ عَلَى بُطْلَانِ الْقَوْلِ بِالْجَبْرِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا عَرَفَ اللَّهُ مَنْ شَبَّهَهُ بِخَلْقِهِ ، وَلَا وَصَفَهُ بِالْعَدْلِ مَنْ نَسَبَ إِلَيْهِ ذُنُوبَ عِبَادِهِ . (١)

الإمام على عليه السلام: يَا بَنَ آدَمَ ، أَتَظُنُّ أَنَّ الَّذِي نَهَاكَ دَهَاكَ! وَإِنَّمَا دَهَاكَ أَسْفَلُكَ وَأَعْلَاكَ وَاللَّهُ بَرِيءٌ مِنْ ذَلِكَ . (٢)

عنه عليه السلام: كُلُّ مَا اسْتَغْفَرْتَ اللَّهَ تَعَالَى مِنْهُ فَهُوَ مِنْكَ ؛ وَكُلُّ مَا حَمَدْتَ اللَّهَ تَعَالَى فَهُوَ مِنْهُ . (٣)

نزهه الناظر: جَمَعَ الْحَجَّاجُ بْنُ يُوْسُفَ أَهْلَ الْعِلْمِ وَسَأَلَهُمْ عَنِ الْقَضَاءِ وَالْقَدْرِ ، فَقَالَ أَحَدُهُمْ : سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : يَا بَنَ آدَمَ ، مَنْ وَسَّعَ لَكَ الطَّرِيقَ لَمْ يَأْخُذْ عَلَيْكَ الْمَضِيقَ . (٤) وَقَالَ آخَرُ : سَمِعْتُهُ يَقُولُ : إِذَا كَانَتِ الْخَطِيئَةُ عَلَى الْخَاطِئِ حَتْمًا كَانَ الْقِصَاصُ فِي الْقَضِيَّةِ ظُلْمًا . وَقَالَ آخَرُ : سَمِعْتُهُ يَقُولُ : مَا كَانَ مِنْ خَيْرٍ فَبِأَمْرِ اللَّهِ وَبِعِلْمِهِ ، وَمَا كَانَ مِنْ شَرٍّ فَبِعِلْمِ اللَّهِ لَا بِأَمْرِهِ . فَقَالَ الْحَجَّاجُ : أ كُلُّ هَذَا مِنْ قَوْلِ أَبِي تُرَابٍ ؟ لَقَدْ اغْتَرَفُوهَا مِنْ عَيْنِ صَافِيَةٍ ! (٥)

- ١- التوحيد : ص ٤٧ ح ١٠ عن محمد بن زياد ومحمد بن سيار عن الإمام العسكري عن آباءه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٣ ص ٢٩٧ ح ٢٣ .
- ٢- .. الطرائف : ص ٣٢٩ ، كنز الفوائد : ج ١ ص ٣٦٤ كلاهما عن الحسن البصرى ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٥٨ ح ١٠٨ .
- ٣- .. الطرائف : ص ٣٢٩ عن عامر الشعبي ، كنز الفوائد : ج ١ ص ٣٦٥ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٥٨ ح ١٠٨ .
- ٤- .. فى الطرائف : «أَيَدُلُّكَ عَلَى الطَّرِيقِ وَيَأْخُذُ عَلَيْكَ الْمَضِيقَ؟»
- ٥- نزهه الناظر : ص ٥١ ح ٢٥ وراجع كنز الفوائد : ج ١ ص ٣٦٤ والطرائف : ص ٣٢٩ .

۸ / ۵ آنچه بر بطلان نظریه جبر دلالت می کند

ر. ک: دانش نامه عقاید اسلامی: ج ۸ ص ۴۵۹ (تحلیلی درباره جبر و تفویض و امر بین الأمرین).

۸ / ۵ آنچه بر بطلان نظریه جبر دلالت می کند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدا را نشناخته است کسی که او را به آفریده اش تشبیه نماید، و خدا را به دادگری توصیف نکرده است کسی که گناهان بندگانش را بدو نسبت دهد.

امام علی علیه السلام: ای فرزند آدم! آیا گمان می بری آن که تو را [از گناهان و پلیدی ها] باز داشته، گرفتارت ساخته است، در حالی که تنها، پایین و بالای توست که گرفتارت نموده و خداوند، از آن میرا است؟

امام علی علیه السلام: هر چه از خدای متعال آمرزش خواستی، از جانب توست و هر چه خدای متعال را ستودی، از جانب خداست.

نزه الناظر: حجاج بن یوسف، دانشمندان را گرد آورد و درباره قضا و قدر از آنان پرسید. یکی از آنان گفت: از امیر مؤمنان، علی بن ابی طالب، شنیدم که می گفت: «ای فرزند آدم! کسی که راه را برای تو گسترده است، بر تو سخت نمی گیرد». دیگری گفت: از او شنیدم که می گفت: «اگر خطا برای خطا کار حتمی شود، قصاص بر خطا، ستم خواهد بود». و دیگری گفت: از او شنیدم که می گفت: «آنچه خیر است، به فرمان و دانش خداست و آنچه شر است، به دانش خداست؛ اما به فرمان او نیست». حجاج گفت: آیا همه اینها از سخنان ابو تراب (علی علیه السلام) است؟ همانا اینان آنها را از چشمه زلالی برداشته اند! (۱)

۱-.. قریب به مضمون این روایت در الطرائف: ص ۳۲۹ و بحار الأنوار: ج ۵ ص ۵۸ آمده لیکن سند هیچ یک معتبر نیست و با عنایت به دشمنی حجاج با امام علی علیه السلام نقل سخن آن حضرت نزد وی چنان که در این حدیث آمده بعید بنظر می رسد و بعیدتر آن که وی با جمله «لقد اغترفوها من عین صافیه» اعتراف به فضل آن بزرگوار نماید، با این وصف وقوع چنین جریانی را نیز نمی توان تکذیب کرد، آن چه مهم است این است که این روایت برای بطلان جبر به برهان عقلی استناد کرده و برهان در مباحث اعتقادی از هر گوینده ای قابل قبول است، و آوردن این روایت در این جا از این باب است.

الإمام على عليه السلام لَمَّا سِيلَ عَنِ الْقَضَاءِ وَالْقَدْرِ : لا- تقولوا : وَكَلَّهُمُ اللَّهُ إِلَى أَنْفُسِهِمْ فَتَوَهَّنُوهُ ، ولا- تقولوا : أَجْبَرَهُمْ عَلَى الْمَعَاصِي فَتَظَلَّمُوهُ ، وَلَكِنْ قُولُوا : الْخَيْرُ بِتَوْفِيقِ اللَّهِ ، وَالشَّرُّ بِخِذْلَانِ اللَّهِ ، وَكُلُّ سَابِقٍ فِي عِلْمِ اللَّهِ . (١)

عنه عليه السلام فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ : جَلَّ اللَّهُ أَنْ يُرِيدَ الْفَحْشَاءَ . (٢)

عنه عليه السلام فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ : لا تَحْمِلُوا ذُنُوبَكُمْ وَخَطَايَاكُمْ عَلَى اللَّهِ ، وَتَذَرُوا أَنْفُسَكُمْ وَالشَّيْطَانَ . (٣)

عنه عليه السلام : كُنْ مُؤَاخِذَا نَفْسِكَ ، مُغَالِبًا سَوْءَ طَبْعِكَ ، وَإِيَّاكَ أَنْ تَحْمِلَ ذُنُوبَكَ عَلَى رَبِّكَ . (٤)

الكافي عن سهل بن زياد وإسحاق بن محمد وغيرهما رفعوه ، قال : كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَالِسًا بِالْكَوْفَةِ بَعْدَ مُنْصَرَفِهِ مِنْ صِفِّينَ ، إِذْ أَقْبَلَ شَيْخٌ فَجَثَا بَيْنَ يَدَيْهِ ، ثُمَّ قَالَ لَهُ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، أَخْبِرْنَا عَنْ مَسِيرِنَا إِلَى أَهْلِ الشَّامِ أَبْقَضَاءٍ مِنَ اللَّهِ وَقَدْرٍ ؟ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَجَلٌ يَا شَيْخُ ، مَا عَلَوْتُمْ تَلَعَهُ (٥) وَلَا هَبَطْتُمْ بَطْنَ وَاذٍ إِلَّا بِقَضَاءٍ مِنَ اللَّهِ وَقَدْرٍ . فَقَالَ لَهُ الشَّيْخُ : عِنْدَ اللَّهِ أَحْتَسِبُ عَنَائِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ . فَقَالَ لَهُ : مَهْ يَا شَيْخُ ! فَوَاللَّهِ لَقَدْ عَظَّمَ اللَّهُ الْأَجْرَ فِي مَسِيرِكُمْ وَأَنْتُمْ سَائِرُونَ ، وَفِي مَقَامِكُمْ وَأَنْتُمْ مُقِيمُونَ ، وَفِي مُنْصَرَفِكُمْ وَأَنْتُمْ مُنْصَرِفُونَ ، وَلَمْ تَكُونُوا فِي شَيْءٍ مِنْ حَالَاتِكُمْ مُكْرَهِينَ وَلَا- إِلَيْهِ مُضْطَرِّينَ . فَقَالَ لَهُ الشَّيْخُ : وَكَيْفَ لَمْ نَكُنْ فِي شَيْءٍ مِنْ حَالَاتِنَا مُكْرَهِينَ وَلَا- إِلَيْهِ مُضْطَرِّينَ ، وَكَانَ بِالْقَضَاءِ وَالْقَدْرِ مَسِيرُنَا وَمُنْقَلَبُنَا وَمُنْصَرَفُنَا ؟ فَقَالَ لَهُ : وَتَظُنُّ أَنَّهُ كَانَ قَضَاءً حَتْمًا وَقَدْرًا لِأَزْمًا ؟ إِنَّهُ لَوْ كَانَ كَذَلِكَ لَبَطَلَ الثَّوَابُ وَالْعِقَابُ وَالْأَمْرُ وَالنَّهْيُ وَالزَّجْرُ مِنَ اللَّهِ ، وَسَقَطَ مَعْنَى الْوَعْدِ وَالْوَعِيدِ (٦) ، فَلَمْ تَكُنْ لَائِمَةً لِلْمُذْنِبِ وَلَا مَحْمَدَةً لِلْمُحْسِنِ ، وَلَكَانَ الْمُذْنِبُ أَوْلَى بِالْإِحْسَانِ مِنَ الْمُحْسِنِ ، وَلَكَانَ الْمُحْسِنُ أَوْلَى بِالْعُقُوبَةِ مِنَ الْمُذْنِبِ ، تِلْكَ مَقَالَةُ إِخْوَانِ عَبْدِهِ الْأَوْثَانِ وَخُصَمَاءِ الرَّحْمَنِ وَحِزْبِ الشَّيْطَانِ وَقَدَرِيهِ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَمَجُوسِيهَا . إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَلَّفَ تَخْيِيرًا وَنَهَى تَحْذِيرًا ، وَأَعْطَى عَلَى الْقَلِيلِ كَثِيرًا ، وَلَمْ يُعْصَ مَغْلُوبًا وَلَمْ يُطْعَ مُكْرَهًا وَلَمْ يُمْلِكْ مُفَوَّضًا ، وَلَمْ يَخْلُقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ، وَلَمْ يَبْعَثِ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ عَبَثًا . ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ ، فَأَنشَأَ الشَّيْخُ يَقُولُ : أَنْتَ الْإِمَامُ الَّذِي نَرْجُو بِطَاعَتِهِ يَوْمَ النَّجَاهِ مِنَ الرَّحْمَنِ غُفْرَانًا أَوْضَحْتَ مِنْ أَمْرِنَا مَا كَانَ مُلْتَبَسًا (٧) جَزَاكَ رَبُّكَ بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا (٨)

١- الاحتجاج : ج ١ ص ٤٩٣ ح ١٢٢ ، عوالي اللآلي : ج ٤ ص ١٠٩ ح ١٦٤ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٩٥ ح ١٦ .

٢- شرح نهج البلاغه : ج ٢٠ ص ٢٦٨ ح ١٠٦ .

٣- شرح نهج البلاغه : ج ٢٠ ص ٣١٦ ح ٦٣١ .

٤- غرر الحكم : ح ٧١٧٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٩٢ ح ٦٦٣٥ .

٥- التلعة : ما ارتفع من الأرض (الصحاح : ج ٣ ص ١١٩٢ «تلع»).

٦- الوعدُ والوَعِيدُ : الوعد يستعمل في الخير والشرِّ ، فإذا أسقطوا الخير والشرِّ ، قالوا في الخير : الوعد ، وفي الشرِّ : الوعيد

(الصحاح : ج ٢ ص ٥٥١ «وعد»).

٧- .كَبِسَتْ الأَمْرَ : إِذَا خَلَطَتْ بَعْضُهُ بَبَعْضِ (النهايه : ج ٤ ص ٢٢٥ «لبس»).

٨- .الكافى : ج ١ ص ١٥٥ ح ١ ، التوحيد : ص ٣٨٠ ح ٢٨ ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ١ ص ١٣٩ ح ٣٨ كلاهما عن عليّ بن جعفر الكوفى عن الإمام الهادى عن آباءه عن الإمام الحسين عليهم السلام عن السكونى عن الإمام الصادق عن آباءه عن الإمام عليّ عليهم السلام ، الاحتجاج : ج ١ ص ٤٨٩ ح ١٢٠ عن الإمام الهادى عليه السلام وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٩٥ ح ١٩ .

امام علی علیه السلام وقتی درباره قضا و قدر، مورد پرسش قرار گرفت: نگوئید: خداوند، آنان را به خودشان وا گذاشته است تا [بدین سخن]، خدا را سبک شمارید، و نگوئید: خداوند، آنان را بر انجام دادن گناهان، وادار ساخته تا [بدین گونه] خدا را ستمگر بدانید. بگوئید: خیر، با توفیق خداوند است و شر، با نبود توفیق خداست، و همه اینها در علم پیشین خدا بوده است.

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به وی: خداوند، بزرگ تر از آن است که زشتی را اراده نماید.

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به وی: گناهان و لغزش های خود را بر دوش خداوند، بار نکنید، در حالی که خودتان و شیطان را رها نموده اید (نادیده گرفته اید).

امام علی علیه السلام: خودت را مؤاخذه کن، بر بدی سرشتت فائق شو، و از این که گناهانت را به پروردگارت نسبت دهی، پرهیز.

الکافی به نقل از سهل بن زیاد و اسحاق بن محمد و غیر آن دو، در حدیثی که به اهل بیت علیهم السلام نسبت داده: امیرمؤمنان، پس از بازگشت از جنگ صفین، در کوفه نشسته بود. در این هنگام، پیرمردی آمد و در برابر ایشان ایستاد و سپس به ایشان گفت: ای امیر مؤمنان! ما را درباره رفتنمان به سوی شام. آگاه فرما که: آیا به قضا و قدر خدا بوده است؟ امیر مؤمنان فرمود: «بله، ای پیر! شما از تپه ای بالا نرفتید و به درّه ای فرود نیامدید، جز با قضا و قدر خداوند». پیرمرد به امام علیه السلام گفت: ای امیر مؤمنان! پس سختی هایم را به حساب خدا می گذارم [، که اختیاری در آنها نداشته ام]. امام به او فرمود: «درنگ کن، ای پیر! به خدا که همانا خداوند برای شما در راهی که پیمودید و در جایگاهی که ایستادید و در راهی که باز گشتید، پاداش بزرگ قرار داد و شما در هیچ یک از کارهایتان مجبور و ناچار نبودید». پیرمرد گفت: چگونه ما در هیچ یک از کارهایمان مجبور و ناچار نبودیم، در حالی که رفتن ما و تغییر مسیر ما و بازگشت ما به قضا و قدر بوده است؟ فرمود: «آیا تو گمان بردی که آن، قضایی حتمی و قدری لازم است؟ اگر چنین بود، پاداش و کیفر و امر و نهی و جلوگیری کردن خداوند، بیهوده می شود و وعده و تهدید، بی اعتبار می گشت. آن گاه، دیگر سرزنشی برای گناهکار و ستایشی برای نیکوکار نبود و [بلکه] گناهکار از نیکوکار به پاداش نیک، و نیکوکار از گناهکار به کیفر، سزاوارتر بود. این، سخن همفکران بت پرستان و دشمنان خدای بخشنده و حزب شیطان و قدریه و مجوس این امت است. همانا خدای تبارک و تعالی [بندگان را] با وجود اختیار، مکلف نمود و [آنان را] با برحذر داشتن، نهی کرد و بر عمل اندک، پاداش بسیار بخشید و از روی شکست، نافرمانی نگردید و از روی اجبار، فرمانبری نشد و به صورت واگذاری، چیزی را در اختیار کسی قرار نداد و آسمان ها و زمین و میان آن دو را بیهوده نیافرید و پیامبران بشارت دهنده و انداز کننده را به جهت بازی و بیهوده برنینگیخت. آن، گمان کسانی است که کفر ورزیدند و وای بر کسانی که کفر ورزیدند، از آتش جهنم!». آن گاه پیرمرد، این شعر را خواند: تو آن امامی هستی که به سبب پیروی اش در روز نجات (رستاخیز) از خداوند بخشنده، امید آمرزش داریم از دین ما آنچه مُشْتَبِه بود، روشن ساختی پروردگار تو در برابر این نیکویی، پاداش نیک به تو عطا کند!

الكافي عن يونس بن عبد الرحمن عن غير واحد عن الإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام: إِنَّ اللَّهَ أَرْحَمُ بِخَلْقِهِ مِنْ أَنْ يُجْبَرَ خَلْقَهُ عَلَى الذُّنُوبِ ثُمَّ يُعَذِّبَهُمْ عَلَيْهَا ، وَاللَّهُ أَعَزُّ مِنْ أَنْ يُرِيدَ أَمْرًا فَلَا يَكُونُ . قَالَ : فَسَيِّئًا عَلَيْهِمَا السَّلَام : هَلْ بَيْنَ الْجَبْرِ وَالْقَدْرِ مَنَزِلَةٌ ثَالِثَةٌ ؟ قَالَا : نَعَمْ ، أَوْسَعُ مِمَّا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ . (١)

الإمام الكاظم عليه السلام: إِنْ كَانَتِ الْمَعْصِيَةُ مِنَ اللَّهِ فَمِنْهُ وَقَعَ الْفِعْلُ ، فَهُوَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يُؤَاخِذَ عَبْدَهُ بِمَا لَا دَخَلَ لَهُ فِيهِ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام وَقَدْ سُئِلَ عَنِ الْقَضَاءِ وَالْقَدْرِ : مَا اسْتَطَعْتَ أَنْ تَلُومَ الْعَبْدَ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْهُ ، وَمَا لَمْ تَسْتَطِعْ أَنْ تَلُومَ الْعَبْدَ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنَ اللَّهِ . يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى لِلْعَبْدِ : لِمَ عَصَيْتَ ؟ لِمَ فَسَقْتَ ؟ لِمَ شَرِبْتَ الْخَمْرَ ؟ لِمَ زَنَيْتَ ؟ فَهَذَا فِعْلُ الْعَبْدِ ، وَلَا يَقُولُ لَهُ : لِمَ مَرَضْتَ ؟ لِمَ عَلَوْتَ ؟ لِمَ قَصُرْتَ ؟ لِمَ ابْيَضَّتْ ؟ لِمَ اسْوَدَّدْتَ ؟ لِأَنَّهُ مِنْ فِعْلِ اللَّهِ تَعَالَى . (٣)

١- الكافي : ج ١ ص ١٥٩ ح ٩ ، التوحيد : ص ٣٦٠ ح ٣ ، مختصر بصائر الدرجات : ص ١٣٣ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٥١ ح ٨٢ .

٢- عوالي اللآلي : ج ٤ ص ١٠٩ ح ١٦٦ وراجع أعلام الدين : ص ٣١٨ .

٣- الطرائف : ص ٣٣٠ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٥٩ ح ١٠٩ .

الكافی به نقل از یونس بن عبد الرحمان ، از تعدادی : امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند : «خداوند به آفریدگانش مهربان تر از آن است که آنان را به انجام دادن گناهان وا دارد و سپس بر پایه آنها کیفرشان دهد ، و خداوند ، برتر از آن است که کار ناشدنی را اراده کند» . آن دو امام علیهما السلام مورد پرسش قرار گرفتند که : آیا بین جبر و قَدَر (تقدیر) ، مقام سومی نیز وجود دارد؟ فرمودند: «بله ؛ فراتر از آنچه میان آسمان و زمین است» .

امام کاظم علیه السلام : اگر گناه از جانب خدا باشد ، فعل هم از او صادر شده است . بنا بر این ، خداوند ، برتر از آن است که بنده اش را به خاطر چیزی که در آن دخالتی نداشته ، بازخواست نماید .

امام صادق علیه السلام وقتی درباره قضا و قدر ، مورد پرسش قرار گرفت : آنچه توانستی بنده را به وسیله آن سرزنش کنی ، از جانب اوست ، و آنچه نتوانستی بنده را به جهت آن سرزنش کنی ، از جانب خداوند است . خدای متعال به بنده می فرماید : «چرا نافرمانی کردی؟ چرا گناه کردی؟ چرا می خوارگی کردی؟ چرا زنا کردی؟» . پس ، اینها فعل بنده اند ؛ ولی به او نمی فرماید : «چرا بیمار شدی؟ چرا قد بلند شدی؟ چرا قد کوتاه شدی؟ چرا سفید شدی؟ چرا سیاه شدی؟» ؛ چرا که اینها از افعال خدای متعال اند .

الطرائف: روى كثير من المسلمين عن الإمام جعفر بن محمد الصادق عليه السلام أنه قال يوماً لبعض المُجَبَّرِ: هل يكون أحدٌ أقبِلَ لِلْعِذْرِ الصَّحِيحِ مِنَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: لا.. فَقَالَ لَهُ: فما تقول فيمن قال: ما أقدر، وهو لا يقدر؛ أيقون معذورا أم لا؟ فَقَالَ الْمُجَبَّرُ: يكون معذورا. قَالَ لَهُ: فإذا كان الله يعلم من عباده أنهم ما قدروا على طاعته، وقال لسان حالهم أو مقالهم لله يوم القيامة: يا رب ما قدرنا على طاعتك لأنك منعتنا منها، أما يكون قولهم وعذرهم صريحا على قول المُجَبَّرِ؟ قَالَ: بلى والله. قَالَ: فيجب على قولك أن الله يقبل هذا العذر الصحيح ولا يؤخذ أحدا أبدا، وهذا خلاف قول أهل الملل كلهم. فتأب المُجَبَّرُ من قوله بالجبر في الحال. (١)

التوحيد عن محمد بن عجلان: قلتُ لأبي عبد الله عليه السلام: فَوَضَّ اللَّهُ الأَمْرَ إِلَى العِبَادِ؟ فَقَالَ: اللَّهُ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يُفَوِّضَ إِلَيْهِمْ. قُلْتُ: فَأَجَبَرَ اللَّهُ العِبَادَ عَلَى أفعالِهِمْ؟ فَقَالَ: اللَّهُ أَعْدَلُ مِنْ أَنْ يُجَبِّرَ عبداً عَلَى فِعْلٍ ثُمَّ يُعَذِّبُهُ عَلَيْهِ. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ النَّاسَ فِي القَدَرِ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ: رَجُلٌ يَزْعُمُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَجَبَرَ النَّاسَ عَلَى المَعاصِي، فَهَذَا قَدْ ظَلَمَ اللَّهُ فِي حُكْمِهِ فَهُوَ كَافِرٌ... (٣)

-
- ١- الطرائف: ص ٣٢٧، بحار الأنوار: ج ٥ ص ٥٨ ح ١٠٧ وراجع الصراط المستقيم: ج ٣ ص ٦٠ ح ١.
 - ٢- التوحيد: ص ٣٦١ ح ٦، مختصر بصائر الدرجات: ص ١٣٣، تفسير القمى: ج ١ ص ٢٤ نحوه، بحار الأنوار: ج ٥ ص ٥١ ح ٨٣.
 - ٣- التوحيد: ص ٣٦٠ ح ٥، الخصال: ص ١٩٥ ح ٢٧١، جامع الأخبار: ص ٤٢ ح ٣٨ كلها عن حريز بن عبد الله، تحف العقول: ص ٤٦٠ نحوه، بحار الأنوار: ج ٥ ص ٩ ح ١٤.

الطرائف: بسیاری از مسلمانان از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده اند که ایشان روزی به یکی از جبری ها فرمود: «آیا کسی هست که عذر صحیح را بهتر از خداوند بپذیرد؟». [جبری] گفت: نه. فرمود: «پس درباره کسی که می گوید: نمی توانم، در حالی که واقعاً نمی تواند، چه می گویی؟ آیا او معذور است، یا نه؟». گفت: معذور است. فرمود: «پس وقتی خداوند می داند که بندگانش از فرمانبری او ناتوان اند، و زبان حال و یا وضعیتشان در روز رستاخیز، به گونه ای است که می گویند: پروردگارا! ما بر فرمانبری ات توانا نبودیم؛ چرا که ما را از آن باز داشتی، آیا سخن و عذر آنها بر اساس نظر جبری ها صحیح نیست؟». گفت: آری، به خدا! فرمود: «بنا بر این، بر پایه نظر تو لازم است که خداوند، این عذر صحیح را بپذیرد و هرگز کسی را بازخواست ننماید، در حالی که این بر خلاف نظر همه آیین مداران و دینداران است». آن گاه جبری، بی درنگ از اعتقاد خود به جبر، توبه کرد.

التوحید به نقل از محمّد بن عجلان: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا خداوند، کار را به خود بندگان واگذار کرده است؟ فرمود: «خداوند، گرامی تر از آن است که کار را به خودشان واگذارد». گفتم: آیا خداوند، بندگان را بر کارهایشان وادار ساخته است؟ فرمود: «خداوند، دادگرتراز آن است که بنده ای را بر کاری وادارد و سپس بر پایه آن او را کیفر دهد».

امام صادق علیه السلام: مردم درباره قدر بر سه دسته اند: کسی می پندارد که خداوند عز و جلمردم را بر انجام دادن گناهان، وادار ساخته است. این شخص، خدا را در داوری اش ستمگر دانسته و کافر است....

عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ أَرْحَمُ بِعِبَادِهِ مِنْ أَنْ يُجْبِرَهُمْ عَلَى الْمَعَاصِي ثُمَّ يُعَاقِبُهُمْ عَلَيْهَا ، وَهُوَ أَيْضًا أَجَلُّ وَأَعَزُّ وَأَرْفَعُ وَأَجْدَرُ وَأَعْلَمُ مِنْ أَنْ يُرِيدَ أَمْرًا فَيَكُونُ فِي اسْتِطَاعَةِ الْعِبَادِ غَيْرُهُ عَلَى مَعْنَى الْكُرْهِ وَالْعَلْبَةِ ، بَلْ سَبَقَ عِلْمُهُ فِي خَلْقِهِ ، وَنَفَذَ تَقْدِيرُهُ فِي بَرِيَّتِهِ وَقَضَاءَهُ فِي عِبَادِهِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَهُمْ كَيْفَ يَخْلُقُهُمْ . وَعَلِمَ مَا هُمْ عَامِلُونَ وَإِلَى مَا هُمْ صَائِرُونَ ، وَعَلِمَ مَنْ أَطَاعَهُ مِمَّنْ عَصَاهُ . فَخَلَقَهُمْ عَلَى ذَلِكَ لِئِثْبَتِهِمْ عَلَى الطَّاعَةِ وَيُعَاقِبَهُمْ عَلَى الْمَعْصِيَةِ بِهِ ، وَلَيْسَ يُعَاقِبُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى عِلْمِهِ وَلَا- قَضَائِهِ وَلَا- قَدْرِهِ ، بَلْ يُعَاقِبُ عَلَى الْمَعَاصِي وَيُثَبِّبُ عَلَى الطَّاعَةِ ... (١)

الاحتجاج: من سؤال الزنديق الذي سأل أبا عبد الله عن مسائل كثيرة أن قال: ... فأخبرني عن الله عز وجل كيف لم يخلق الخلق كلهم مطيعين موحدين وكان على ذلك قادرا؟ قال عليه السلام: لو خلقهم مطيعين لم يكن لهم ثواب، لأن الطاعة إذا ما كانت فعلهم لم تكن جنه ولا ناز، ولكن خلق خلقه فأمرهم بطاعته ونهاهم عن معصيته، واحتج عليهم برؤسيله، وقطع عُذرهم بكتبه، ليكونوا هم الذين يطيعون ويعصون، ويستوجبون بطاعتهم له الثواب وبمعصيتهم إياه العقاب. قال: فالعمل الصالح من العبد هو فعله، والعمل الشر من العبد هو فعله؟ قال: العمل الصالح من العبد بفعله والله به أمره، والعمل الشر من العبد بفعله والله عنه نهاه. قال: أليس فعله بالآله التي ركبها فيه؟ قال: نعم، ولكن بالآله التي عمل بها الخير، صدر على الشر الذي نهاه عنه. قال: فألى العبد من الأمر شيء؟ قال: ما نهاه الله عن شيء إلا وقد علم أنه يطيق تركه، ولا أمره بشيء إلا وقد علم أنه يستطيع فعله، لأنه ليس من صفته الجور والعبث والظلم وتكليف العباد ما لا يطيقون. قال: فمن خلقه الله كافرا، أيسطيع الإيمان وله عليه بتركه الإيمان حجة؟ قال عليه السلام: إن الله خلق خلقه جميعا مسلمين، أمرهم ونهاهم، والكفر اسم يلحق الفعل حين يفعله العبد، ولم يخلق الله العبد حين خلقه كافرا، إنه إنما كفر من بعد أن بلغ وقتا لزمته الحجة من الله، فعرض عليه الحق فبجده، فإينكاره الحق صار كافرا. (٢)

١- تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٦٨.

٢- الاحتجاج: ج ٢ ص ٢١٢ و ٢٢٢ ح ٢٢٣، بحار الأنوار: ج ٥ ص ١٨ ح ٢٩.

امام صادق علیه السلام: خداوند به بندگانش مهربان تر از آن است که آنان را بر انجام دادن گناهان وادار کند و سپس بر پایه آنها کیفرشان دهد. همچنین، او گرامی تر و پیروزمندتر و بلندمرتبه تر و شایسته تر و داناتر از آن است که کاری را بر پایه اجبار و زور، اراده کند، در حالی که غیر آن در توانایی بندگان است؛ بلکه پیش از آفریدن آنها، دانش او درباره آفریدگان، پیشی گرفته و تقدیرش درباره مردمش و قضایش درباره بندگانش ثابت گردیده که چگونه آنان را بیافریند. او به آنچه آنان عمل می کنند و چه سرنوشتی دارند، آگاه است و می داند که چه کسی از او فرمان می برد و چه کسی نافرمانی اش می کند. پس، آنان را بدین سان آفرید تا بر فرمانبری، پاداش و بر نافرمانی، کیفرشان دهد و این چنین نیست که خداوند عز و جل بر پایه دانش و قضا و قدرش مجازات نماید؛ بلکه بر پایه نافرمانی ها کیفر و بر پایه فرمانبری، پاداش می دهد ...

الاحتجاج: از جمله پرسش های زندیق که درباره مسائل بسیاری از امام صادق علیه السلام پرسید، این بود که گفت ... به من خبر بده که چرا خداوند عز و جل همه مردم را فرمان بردار و یکتا پرست نیافرید، در حالی که بر آن توانا بود؟ [امام علیه السلام] فرمود: «اگر آنان را فرمان بردار می آفرید، پاداشی نداشتند؛ چرا که وقتی کار آنان، پیوسته فرمانبری بود، دیگر بهشت و جهنمی نبود؛ لیکن مردم را آفرید و آنان را به فرمانبری خود امر کرد و از نافرمانی اش باز داشت و به وسیله فرستادگان خویش، بر ایشان استدلال نمود و به وسیله کتاب های آسمانی اش بهانه شان را برید تا آنان [اختیار داشته باشند که] فرمانبری و نافرمانی کنند و به خاطر طاعتشان در خور پاداش، و به خاطر گناهشان در خور کیفر گردند». گفت: آیا عمل نیکوی بنده، فعل خدا، و عمل بد بنده نیز فعل خداست؟ فرمود: «عمل نیکوی بنده، فعل [خود] اوست و خداوند، او را پدان امر کرده، و عمل بد بنده نیز فعل [خود] اوست؛ ولی خداوند، او را از آن باز داشته است». گفت: آیا عمل بنده با وسیله ای نیست که خدا آن را در اختیارش قرار داده است؟ فرمود: «چرا؛ لیکن او با همان وسیله ای که با آن عمل خیر انجام می دهد، بر عمل بدی که [خدا] او را از آن باز داشته، توانا می گردد». گفت: آیا به بنده در انجام دادن کار، اختیاری داده شده است؟ فرمود: «خداوند، بنده را از چیزی باز نداشت، جز این که می داند او توان ترکش را دارد، و به چیزی فرمانش نداد، جز این که می داند او توان انجام دادن آن را دارد؛ زیرا جور و بیهودگی و ستم و تکلیف کردن بندگان به چیزی که توان انجام دادنش را ندارند، از صفات خداوند نیست». گفت: کسی که خداوند او را کافر آفریده، آیا توان ایمان آوردن دارد و در صورت ترک ایمان، آیا برای خدا علیه او دلیلی هست؟ [امام علیه السلام] فرمود: «خداوند، همه مردم را تسلیم شده آفرید [و آن گاه] امر و نهیشان کرد. و کفر، اسمی است که بر فعل بنده، هنگامی که آن را انجام می دهد، گذاشته می شود. خداوند، هنگام آفرینش، بنده را کافر نیافرید؛ [بلکه] او پس از آن که به رشد می رسد و حجت از جانب خدا بر او تمام می شود، کافر می گردد. خداوند، حق را به او عرضه می دارد و او انکار می کند و به سبب انکار حق، کافر می شود.

الإمام الرضا عليه السلام: خَرَجَ أَبُو حَنِيفَةَ ذَاتَ يَوْمٍ مِنْ عِنْدِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَاسْتَقْبَلَهُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ : يَا غُلَامُ مِمَّنِ الْمَعْصِيَةِ ؟ قَالَ : لَا تَخْلُو مِنْ ثَلَاثٍ : إِمَّا أَنْ تَكُونَ مِنَ اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلُّهُ ، فَلَا يَتَّبِعِيكَ لِلْكَرِيمِ أَنْ يُعَذِّبَ عَبْدَهُ بِمَا لَا يَكْتَسِبُهُ . وَإِمَّا أَنْ تَكُونَ مِنَ اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلُّهُ وَمِنْ الْعَبْدِ وَلَيْسَ كَذَلِكَ ، فَلَا يَتَّبِعِيكَ لِلشَّرِيكَ الْقَوِيَّ أَنْ يَظْلِمَ الشَّرِيكَ الضَّعِيفَ . وَإِمَّا أَنْ تَكُونَ مِنَ الْعَبْدِ وَهِيَ مِنْهُ ، فَإِنْ عَاقَبَهُ اللَّهُ فَبِذَنبِهِ ، وَإِنْ عَفَا عَنْهُ فَبِكْرَمِهِ وَجُودِهِ . (١)

١- التوحيد : ص ٩٦ ح ٢ ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ١ ص ١٣٨ ح ٣٧ وليس فيه «وليس كذلك» ، الأمالى للصدوق : ص ٤٩٥ ح ٦٧٥ كلها عن عبد العظيم الحسني عن الإمام الهادي عن أبيه عليهما السلام ، تحف العقول : ص ٤١٢ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٤ ح ٢ .

امام رضا علیه السلام: روزی ابو حنیفه از نزد امام صادق علیه السلام بیرون آمد و با امام کاظم علیه السلام رو به رو شد و به او گفت: ای جوان! گناه و نافرمانی از جانب کیست؟ فرمود: «از سه حالت، بیرون نیست: یا از جانب خداوند عز و جل است، که چنین نیست. برای بخشنده سزاوار نیست که بنده اش را به خاطر کاری که نکرده، کیفر دهد. یا از جانب خداوند عز و جل و بنده است، که چنین هم نیست. برای شریک نیرومند، شایسته نیست که بر شریک ناتوانش ستم روا بدارد. و یا از جانب بنده است، که [البته] از جانب بنده است. پس اگر او را کیفر دهد، به خاطر گناهش است و اگر از او درگذرد، به خاطر کرم و جودش است.»

الكافي عن أبي طالب القمي عن رجل عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال : قُلْتُ : أَجَبَرَ اللَّهُ الْعِبَادَ عَلَى الْمَعَاصِي ؟ قَالَ : لَا . قُلْتُ : فَفَوَّضَ إِلَيْهِمُ الْأَمْرَ ؟ قَالَ : لَا . قَالَ : قُلْتُ : فَمَاذَا ؟ قَالَ : لُطْفٌ مِّن رَّبِّكَ بَيْنَ ذَلِكَ . (١)

الكافي عن الحسن بن علي الوشاء عن الإمام الرضا عليه السلام ، قال : سَأَلْتُهُ ، فَقُلْتُ : اللَّهُ فَوَّضَ الْأَمْرَ إِلَى الْعِبَادِ ؟ قَالَ : اللَّهُ أَعَزُّ مِن ذَلِكَ . قُلْتُ : فَجَبَّرَهُمْ عَلَى الْمَعَاصِي ؟ قَالَ : اللَّهُ أَعْدَلُ وَأَحْكَمُ مِنْ ذَلِكَ . قَالَ : ثُمَّ قَالَ : قَالَ اللَّهُ : يَا بَنِي آدَمَ أَنَا أَوْلَى بِحَسَنَاتِكُمْ مِنْكُمْ ، وَأَنْتَ أَوْلَى بِسَيِّئَاتِكُمْ مِنِّي ، عَمِلْتَ الْمَعَاصِيَ بِقُوَّتِي الَّتِي جَعَلْتُهَا فِيكَ . (٢)

عيون أخبار الرضا عليه السلام عن إبراهيم بن أبي محمود : سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ : ... عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ هَلْ يُجْبَرُ عِبَادُهُ عَلَى الْمَعَاصِي ؟ فَقَالَ : بَلْ يُخَيَّرُهُمْ وَيُمَهِّلُهُمْ حَتَّى يَتُوبُوا . قُلْتُ : فَهَلْ يُكَلِّفُ عِبَادَهُ مَا لَا يُطِيقُونَ ؟ فَقَالَ : كَيْفَ يَفْعَلُ ذَلِكَ ، وَهُوَ يَقُولُ : «وَمَا رَبُّكَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ» (٣) !؟ (٤)

١- الكافي : ج ١ ص ١٥٩ ح ٨ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٨٣ .

٢- الكافي : ج ١ ص ١٥٧ ح ٣ ، التوحيد : ص ٣٦٢ ح ١٠ ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ١ ص ١٤٣ ح ٤٦ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ١٦ ح ٢٠ وراجع تحف العقول : ص ٤٦٠ .

٣- فصلت : ٤٦ .

٤- عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ١ ص ١٢٣ ح ١٦ ، الاحتجاج : ج ٢ ص ٣٩٦ ح ٣٠٣ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ١١ ح ١٧ .

الکافی به نقل از ابو طالب قمی، از مردی: [به امام صادق علیه السلام] گفتم: آیا خداوند، بندگان را بر انجام دادن گناهان، وادار ساخته است؟ فرمود: «نه». گفتم: آیا کار را به خودشان وا نهاده است؟ فرمود: «نه». گفتم: پس چگونه است؟ فرمود: «لطفی است از جانب پروردگار تو میان آن دو».

الکافی به نقل از حسن بن علی و شاء: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: آیا خداوند، کار را به بندگان، واگذار کرده است؟ فرمود: «خداوند، برتر از آن است». گفتم: آیا آنان را بر انجام دادن گناهان، وادار نموده است؟ فرمود: «خداوند، دادگرتر از آن است» و سپس فرمود: «خداوند فرمود: ای فرزند آدم! من به نیکی های تو از خودت شایسته ترم، و تو به بدی هایت از من سزاوارتری. گناهان را به خاطر نیرویی که من در اختیار تو گذاشتم، انجام دادی».

عیون أخبار الرضا علیه السلام به نقل از ابراهیم بن ابی محمود: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: ... آیا خداوند عز و جل بندگان را بر انجام دادن گناهان، وادار می کند؟ فرمود: «[خیر؛] بلکه آنان را مخیر می کند و به ایشان مهلت می دهد که توبه نمایند». گفتم: آیا بندگان را به چیزی که در توانشان نیست، موظف می کند؟ فرمود: «چه طور این کار را می کند، در حالی که می فرماید: «و خدا بر بندگان [خود]، ستمکار نیست»».

٨ / ٦ وَضَعُ الْأَخْبَارِ فِي التَّشْبِيهِ وَالْجَبْرِ التَّوْحِيدِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ : قُلْتُ لَهُ : يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، إِنَّ النَّاسَ يَنْشُبُونَنَا إِلَى الْقَوْلِ بِالتَّشْبِيهِ وَالْجَبْرِ لِمَا رُوِيَ مِنَ الْأَخْبَارِ فِي ذَلِكَ عَنِ آبَائِكَ الْأَيْمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ . فَقَالَ : يَا بَنَ خَالِدٍ ، أَخْبِرْنِي عَنِ الْأَخْبَارِ الَّتِي رُوِيَتْ عَنِ آبَائِي الْأَيْمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فِي التَّشْبِيهِ وَالْجَبْرِ أَكْثَرَ أَمْ الْأَخْبَارُ الَّتِي رُوِيَتْ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي ذَلِكَ ؟! فَقُلْتُ : بَلْ مَا رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي ذَلِكَ أَكْثَرَ . قَالَ : فَلْيَقُولُوا : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ بِالتَّشْبِيهِ وَالْجَبْرِ إِذَا . فَقُلْتُ لَهُ : إِنَّهُمْ يَقُولُونَ : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمْ يَقُلْ مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا وَإِنَّمَا رُوِيَ عَلَيْهِ . قَالَ : فَلْيَقُولُوا فِي آبَائِي عَلَيْهِمُ السَّلَامُ : إِنَّهُمْ لَمْ يَقُولُوا مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا وَإِنَّمَا رُوِيَ عَلَيْهِمُ . ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ قَالَ بِالتَّشْبِيهِ وَالْجَبْرِ فَهُوَ كَافِرٌ مُشْرِكٌ وَنَحْنُ مِنْهُ بُرَاءٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . يَا بَنَ خَالِدٍ ، إِنَّمَا وَضَعَ الْأَخْبَارَ عَنَّا فِي التَّشْبِيهِ وَالْجَبْرِ الْغُلَاةُ الَّذِينَ صَيَّرُوا عَظْمَةَ اللَّهِ ، فَمَنْ أَحَبَّهُمْ فَقَدْ أَبْغَضَنَا وَمَنْ أَبْغَضَهُمْ فَقَدْ أَحَبَّنَا ، وَمَنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ عَادَانَا وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ وَالَانَا ، وَمَنْ وَصَلَهُمْ فَقَدْ قَطَعَنَا وَمَنْ قَطَعَهُمْ فَقَدْ وَصَلَنَا ، وَمَنْ جَفَاهُمْ فَقَدْ بَرَّانَا وَمَنْ بَرَّاهُمْ فَقَدْ جَفَانَا ، وَمَنْ أَكْرَمَهُمْ فَقَدْ أَهَانَنَا وَمَنْ أَهَانَهُمْ فَقَدْ أَكْرَمَنَا ، وَمَنْ قَبِلَهُمْ فَقَدْ رَدَّنَا وَمَنْ رَدَّهُمْ فَقَدْ قَبَلْنَا ، وَمَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهِمْ فَقَدْ أَسَاءَ إِلَيْنَا وَمَنْ أَسَاءَ إِلَيْهِمْ فَقَدْ أَحْسَنَ إِلَيْنَا ، وَمَنْ صَدَّقَهُمْ فَقَدْ كَذَّبْنَا وَمَنْ كَذَّبَهُمْ فَقَدْ صَدَّقْنَا ، وَمَنْ أَعْطَاهُمْ فَقَدْ حَرَمْنَا وَمَنْ حَرَمَهُمْ فَقَدْ أَعْطَانَا . يَا بَنَ خَالِدٍ ، مَنْ كَانَ مِنْ شِيعَتِنَا فَلَا يَتَّخِذَنَّ مِنْهُمْ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا . (١)

١- التوحيد : ص ٣٦٣ ح ١٢ ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ١ ص ١٤٢ ح ٤٥ ، الاحتجاج : ج ٢ ص ٣٩٩ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٥٢ ح ٨٨ .

۸ / ۶ جعل احادیث درباره تشبیه و جبر

۸ / ۶ جعل احادیث درباره تشبیه و جبر التوحید به نقل از حسین بن خالد: به امام رضا علیه السلام گفتم: ای فرزند پیامبر خدا! مردم، ما را به قائلان به تشبیه و جبر، منسوب می کنند، به دلیل احادیثی که در این باره از پدرانِ امام تو، روایت شده است. فرمود: «ای پسر خالد! به من خبر بده آیا احادیثی که از پدرانِ امام من، امامان علیهم السلام، درباره تشبیه و جبر، روایت شده اند، بیشترند، یا اخباری که از پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره روایت شده اند؟». گفتم: بلکه اخباری که در این باره از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده، بیشترند. فرمود: «پس باید بگویند: پیامبر خدا به تشبیه و جبر، قائل بوده است». گفتم: آنها می گویند: پیامبر خدا در این باره چیزی نفرموده است و تنها از او، چنین روایت شده است. فرمود: «پس باید درباره پدران من علیهم السلام [نیز] بگویند که: آنان در این باره چیزی نگفته اند و تنها از آنان، چنین روایت شده است». سپس فرمود: «هر کس به تشبیه و جبر قائل باشد، کافر و مشرک است و ما در دنیا و آخرت از او بیزاریم. ای پسر خالد! همانا احادیث نقل شده از ما درباره تشبیه و جبر را غلات، جعل کرده اند؛ آنانی که عظمت خداوند را کوچک شمردند. هر کس به آنان علاقه مند باشد، به ما کینه ورزیده و هر کس به آنان کینه ورزد، به ما علاقه مند است و هر کس آنان را دوست بدارد، با ما دشمنی کرده و هر کس با آنان دشمنی کند، با ما دوستی کرده است و هر کس با آنان پیوند داشته باشد، از ما بریده و هر کس از آنان بُرد، با ما پیوند برقرار کرده است و هر کس با آنان جفا کند، به ما نیکی کرده و هر کس به آنان نیکی کند، به ما جفا نموده است و هر کس آنان را گرامی بدارد، ما را سُبُک شمرد و هر کس آنان را سُبُک شمارد، ما را گرامی داشته است و هر کس آنان را بپذیرد، ما را انکار کرده و هر کس آنان را انکار کند، ما را پذیرفته است و هر کس به آنان نیکویی کند، به ما بدی کرده و هر کس به آنان بدی کند، به ما نیکویی نموده است و هر کس آنان را تصدیق کند، ما را تکذیب کرده و هر کس آنان را تکذیب کند، ما را تصدیق نموده است و هر کس به آنان بیخشد، ما را محروم ساخته و هر کس آنان را محروم سازد، به ما بخشیده است. ای پسر خالد! هر کس شیعه ماست، نباید آنان را دوست و یاور بگیرد».

٨ / ٧ ما يَدُلُّ عَلَى بُطْلَانِ الْقَوْلِ بِالتَّفْوِيضِ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ ، وَقَدْ سُئِلَ عَنِ الْقَدْرِ : عَزَّ عَنْ أَنْ يَكُونَ لَهُ فِي الْمُلْكِ إِلَّا مَا يَشَاءُ . (١)

عنه عليه السلام وَقَدْ سُئِلَ عَنِ الْقَضَاءِ وَالْقَدْرِ : لَا تَقُولُوا : وَكَلَّمَهُمُ اللَّهُ إِلَى أَنْفُسِهِمْ فَتَوَهَّنُوهُ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ النَّاسَ فِي الْقَدْرِ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ : ... وَرُجُلٌ يَزْعُمُونَ أَنَّ الْأَمْرَ مَفْوُضٌ إِلَيْهِمْ ، فَهَذَا قَدْ أَوْهَنَ اللَّهُ فِي سُلْطَانِهِ فَهُوَ كَافِرٌ . (٣)

١- شرح نهج البلاغه : ج ٢٠ ص ٢٦٨ ح ١٠٦ .

٢- الاحتجاج : ج ١ ص ٤٩٢ ح ١٢٢ ، عوالي اللآلي : ج ٤ ص ١٠٩ ح ١٦٤ وفيه «إلى» بدل «على» ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٩٥ ح ١٦ .

٣- التوحيد : ص ٣٦٠ ح ٥ ، الخصال : ص ١٩٥ ح ٢٧١ ، جامع الأخبار : ص ٤٢ ح ٣٨ كلها عن حريز بن عبد الله ، تحف العقول : ص ٤٦٠ وفيه «هالك» بدل «كافر» ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٩ ح ١٤ .

۸ / ۷ دلایل باطل بودن نظریه تفویض

۸ / ۷ دلایل باطل بودن نظریه تفویض امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به وی، وقتی درباره قدر، مورد پرسش قرار گرفت: خداوند، برتر از آن است که در [قلمرو] حکومتش، چیزی جز آنچه او بخواهد، باشد.

امام علی علیه السلام وقتی درباره قضا و قدر، مورد پرسش قرار گرفت: نگویید: خداوند، آنان را به خودشان وا گذاشته است، تا مبادا او را سُبُک بشمارید.

امام صادق علیه السلام: همانا مردم درباره قدر، سه گونه اند: ... و کسی گمان می برد که کار به آنان واگذار شده است. چنین کسی خدا را در سلطنتش سُبُک شمرده است و او کافر است.

عنه عليه السلام: اللَّهُ أَعَزُّ مِنْ أَنْ يَكُونَ فِي سُلْطَانِهِ مَا لَا يُرِيدُ . (١)

عنه عليه السلام وَقَدْ سَأَلَهُ سَائِلٌ : هَلْ أَمْرُهُمْ مُفَوَّضٌ إِلَيْهِمْ ؟ : اللَّهُ أَعَزُّ مِنْ أَنْ يَجُوزَ فِي مُلْكِهِ مَا لَا يُرِيدُ . (٢)

تفسير القمى : سُئِلَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَفَوَّضَ اللَّهُ إِلَى الْعِبَادِ أَمْرًا ؟ فَقَالَ : اللَّهُ أَجَلُّ وَأَعْظَمُ مِنْ ذَلِكَ . (٣)

التوحيد عن محمد بن عجلان : قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَوَّضَ اللَّهُ الْأَمْرَ إِلَى الْعِبَادِ ؟ فَقَالَ : اللَّهُ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يُفَوَّضَ إِلَيْهِمْ . (٤)

الكافي عن الحسن بن عليّ الوشاء عن الإمام الرضا عليه السلام ، قال : سَأَلْتُهُ ، فَقُلْتُ : اللَّهُ فَوَّضَ الْأَمْرَ إِلَى الْعِبَادِ ؟ قَالَ : اللَّهُ أَعَزُّ مِنْ ذَلِكَ . (٥)

الطرائف : رُوِيَ أَنَّ الْفَضْلَ بْنَ سَهْلٍ سَأَلَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بَيْنَ يَدَيْ الْمَيَامُونِ ، فَقَالَ : يَا أَبَا الْحَسَنِ الْخَلْقُ مَجْبُورُونَ ؟ فَقَالَ : اللَّهُ أَعْدَلُ مِنْ أَنْ يُجْبَرَ خَلْقُهُ ثُمَّ يُعَذِّبُهُمْ . قَالَ : فَمُطْلَقُونَ ؟ قَالَ : اللَّهُ أَحْكَمُ مِنْ أَنْ يُهْمَلَ عَبْدُهُ وَيَكَلَّهُ إِلَى نَفْسِهِ . (٦)

-
- ١- الكافي : ج ١ ص ١٦٠ ح ١٤ ، التوحيد : ص ٣٦٠ ح ٤ ، المحاسن : ج ١ ص ٤٦١ ح ١٠٦٨ كلها عن هشام بن سالم ، مشكاة الأنوار : ص ٢٥٧ ح ٧٥٨ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٤١ ح ٦٤ .
 - ٢- إحقاق الحق : ج ١٩ ص ٥٢٧ نقلاً عن الإنصاف في التنبيه على المعاني والأسباب .
 - ٣- تفسير القمى : ج ١ ص ٢٤ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ١١٦ ح ٤٦ .
 - ٤- التوحيد : ص ٣٦١ ح ٦ ، مختصر بصائر الدرجات : ص ١٣٣ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٥١ ح ٨٣ .
 - ٥- الكافي : ج ١ ص ١٥٧ ح ٣ ، التوحيد : ص ٣٦٢ ح ١٠ ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ١ ص ١٤٣ ح ٤٦ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ١٥ ح ٢٠ .
 - ٦- الطرائف : ص ٣٣٠ ، العدد القوي : ص ٢٩٩ ح ٣٤ ، نزاهة الناظر : ص ١٣٢ ح ٢٣ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٥٩ ح ١١٠ .

امام صادق علیه السلام: خداوند، برتر از آن است که در سلطنتش، چیزی را که نمی خواهد، وجود داشته باشد.

امام صادق علیه السلام وقتی پرسشگری از او پرسید: وقتی پرسشگری از او پرسید: آیا کارشان به خودشان واگذار شده است؟
 امام صادق علیه السلام وقتی پرسشگری از او پرسید: آیا کارشان به خودشان واگذار شده است؟ : خداوند، برتر از آن است
 که در [قلمرو] حکومتش، چیزی را که نمی خواهد، روا بداند.

تفسیر القمّی به نقل از امام صادق علیه السلام، وقتی پرسشگری از وی پرسید: آیا خدا کاری را به بندگان وا گذاشته است؟ :
 خداوند، برتر و بزرگ تر از آن است.

التوحید به نقل از محمّد بن عجلان: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا خدا کار را به بندگان سپرده است؟ فرمود: «خداوند،
 گرامی تر از آن است که [کار را] به آنان وا گذارد».

الکافی به نقل از حسن بن علی و شاء: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: آیا خدا کار را به بندگان سپرده است؟ فرمود:
 «خداوند، برتر از آن است».

الطرائف: روایت شده که فضل بن سهل در نزد مأمون از امام رضا علیه السلام پرسید و گفت: ای ابو الحسن! آیا مردم
 مجبورند؟ فرمود: «خداوند، دادگتر از آن است که آفریدگانش را مجبور کند و سپس کیفرشان دهد». گفت: پس رهایند؟
 فرمود: «خداوند، حکیم تر از آن است که بنده اش را رها کند و به خودش وا گذارد».

٨ / ٨ ذُمُ الْقَائِلِينَ بِالْجَبْرِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حَمْسَهُ لَا تَطْفَأُ نِيرَانَهُمْ وَلَا تَمُوتُ أَبْدَانُهُمْ: رَجُلٌ أَشْرَكَ، وَرَجُلٌ عَقَّ (١) وَالِدِيهِ، وَرَجُلٌ سَعَى بِأَخِيهِ إِلَى السُّلْطَانِ فَقَتَلَهُ، وَرَجُلٌ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ، وَرَجُلٌ أَذْنَبَ وَحَمَلَ ذَنْبَهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يَعْمَلُونَ الْمَعَاصِيَ، وَيَقُولُونَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ قَدَّرَهَا عَلَيْهِمْ، الزَّادُ عَلَيْهِمْ كَالشَّاهِرِ سَيْفَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَهْلَ الْجَبْرِ مِنْ بَعْدِ مُوسَى قَاتَلُوا أَهْلَ النَّبُوَّةِ فَظَهَرُوا عَلَيْهِمْ فَقَتَلُوهُمْ زَمَانًا طَوِيلًا، ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ فِيهِ فَهَاجَرُوا إِلَى غَيْرِ (٤) آبَائِهِمْ فَقَاتَلَهُمْ (٥) فَقَتَلُوهُمْ. (٦)

الطرائف عن محمد بن علي المكي بإسناده: إِنَّ رَجُلًا قَدِمَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَخْبِرْنِي بِأَعْجَبِ شَيْءٍ رَأَيْتَ؟ قَالَ: رَأَيْتُ قَوْمًا يَنْكِحُونَ أُمَّهَاتِهِمْ وَبَنَاتِهِمْ وَأَخَوَاتِهِمْ، فَإِذَا قِيلَ لَهُمْ: لِمَ تَفْعَلُونَ ذَلِكَ؟ قَالُوا: قَضَاءُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَيْنَا وَقَدَّرَهُ! فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَيَكُونُ فِي أُمَّتِي أَقْوَامٌ يَقُولُونَ مِثْلَ مَقَالَتِهِمْ، أُولَئِكَ مَجُوسُ أُمَّتِي. (٧)

- ١- عَقَّ وَالِدَهُ: إِذَا آذَاهُ وَعَصَاهُ وَخَرَجَ عَلَيْهِ (النهاية: ج ٣ ص ٢٧٧ «عق»).
- ٢- كنز الفوائد: ج ٢ ص ٤٧ عن أيوب بن نوح عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٥ ص ٦٠ ح ١١٢.
- ٣- الطرائف: ص ٣٤٤ عن جابر بن عبد الله، بحار الأنوار: ج ٥ ص ٤٧ ح ٧٥.
- ٤- العَبْرُ: التُّرَابُ (القاموس المحيط: ج ٢ ص ٩٩ «غير»). أي هاجروا إلى ديار آبائهم.
- ٥- الظاهر أَنَّ الصواب: «فقاتلوهم» كما في الأصول الستة عشر. وفي بحار الأنوار: «فقاتلتهم».
- ٦- رجال الكشي: ج ١ ص ١٠٨ ح ٥٠، الأصول الستة عشر: ص ٣٦ وفيه «غير أنبيائهم فقاتلوهم فقتلوه» بدل «غير آبائهم فقاتلوهم فقتلوهم» وكلاهما عن أبي ذر، بحار الأنوار: ج ٢٢ ص ٤٠٧ ح ٢٤.
- ٧- الطرائف: ج ٢ ص ٣٤٤، بحار الأنوار: ج ٥ ص ٤٧ ح ٧٤.

۸ / ۸ سرزنش جبرگرایان

۸ / ۸ سرزنش جبرگرایان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پنج گروه اند که آتش جهنمشان خاموش نمی گردد و بدن هایشان نابود نمی شود: کسی که شرک ورزد، کسی که پدر و مادرش را بیازارد، کسی که درباره برادرش نزد پادشاه، بدگویی کند و [به خاطر آن،] پادشاه او را بکشد، کسی که به ناحق [و نه برای قصاص،] کسی را بکشد، و کسی که گناه کند و بار گناهش را بر دوش خداوند عز و جلیبندازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در آخر الزمان، مردمانی خواهند بود که گناه می کنند و می گویند که همانا خدای متعال، آن را بر آنان مقدر نموده است. منکر آنان، مانند کسی است که در راه خدا شمشیر می کشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پس از موسی علیه السلام جبرگرایان با خاندان نبوت به جنگ پرداختند و آنها را کشتند و برای مدتی طولانی بر آنان چیره گشتند. سپس خداوند، جوانانی را فرستاد و آنان به سرزمین پدرانشان هجرت نمودند و با آنها جنگیدند و آنها را کشتند. (۱)

الطرائف به نقل از محمد بن علی مکی، با اسناد خود: مردی به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «درباره شگفت آورترین چیزی که دیده ای، به من خبر بده». گفت: قومی را دیدم که با مادران و دختران و خواهرانشان ازدواج می کردند. وقتی به آنان گفته شد: «چرا چنین می کنید؟»، گفتند: این را خدای متعال بر ما حکم و تقدیر نموده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «به زودی، در میان امت من نیز چنین قوم هایی پیدا خواهند شد که مثل آنان سخن می گویند. آنان، مجوس امت من اند».

۱- در رجال کشی به جای «غیر آبائهم ..» آمده است: غیر انبیائهم فقاتلوهم فقتلوه؛ [آنان به جانب غیر پیامبرانشان کوچیدند و با آنها جنگیدند و آنها را کشتند]. ظاهراً ضمیر مفعولی قتلوه، هم باشد.

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُجْبِرُ عِبَادَهُ عَلَى الْمَعَاصِي أَوْ يُكَلِّفُهُمْ مَا لَا يُطِيقُونَ فَلَا تَأْكُلُوا ذَبِيحَتَهُ ، وَلَا تَقْبَلُوا شَهَادَتَهُ ، وَلَا تُصَلُّوا وَرَاءَهُ ، وَلَا تُعْطَوْهُ مِنَ الزَّكَاةِ شَيْئًا . (١)

الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ قَالَ بِالْجَبْرِ ، فَلَا تُعْطَوْهُ مِنَ الزَّكَاةِ ، وَلَا تَقْبَلُوا لَهُ شَهَادَةً ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا يُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ، وَلَا يُحْمَلُهَا فَوْقَ طَاقَتِهَا ، وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا ، وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى . (٢)

٨ / ٩ دَمُّ الْقَائِلِينَ بِالتَّفْوِيزِ لِلْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ النَّاسَ فِي الْقَدَرِ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجِهٍ : ... وَرَجُلٌ يَزْعُمُ أَنَّ الْأَمْرَ مَفْوُضٌ إِلَيْهِمْ ، فَهَذَا قَدْ أَوْهَنَ اللَّهُ فِي سُلْطَانِهِ فَهُوَ كَافِرٌ . (٣)

١- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ١ ص ١٢٤ ح ١٦ عن إبراهيم بن أبي محمود عن الإمام الرضا عن أبيه عليهما السلام ، الاحتجاج : ج ٢ ص ٣٩٧ ح ٣٠٣ عن إبراهيم بن أبي محمود عن الإمام الرضا عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام ، كشف الغمّة : ج ٣ ص ٧٥ عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ١١ ح ١٧ .

٢- .التوحيد : ص ٣٦٢ ح ٩ ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ١ ص ١٤٣ ح ٤٧ بزيادة «شيئا» بعد «الزكاة» و «أبدا» بعد «شهادته» وكلاهما عن عبد السلام بن صالح الهروي ، روضه الواعظين : ص ٤٨ عن الإمام الرضا عليه السلام ، كشف الغمّة : ج ٣ ص ٧٩ عن أبي الحسن عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ١٦ ح ٢١ وراجع التوحيد : ص ٣٦٠ ح ٥ وعيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ١ ص ١٢٤ ح ١٧ .

٣- .التوحيد : ص ٣٦٠ ح ٥ ، الخصال : ص ١٩٥ ح ٢٧١ ، نزهة الناظر : ص ١١٨ ح ٦٢ وفيه «منافق» بدل «كافر» ، جامع الأخبار : ص ٤٢ ح ٣٨ كلّها عن حريز بن عبد الله ، تحف العقول : ص ٤٦٠ وفيه «هالك» بدل «كافر» ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٩ ح ١٤ .

۸ / ۹ سرزنش تفویض گرایان

امام صادق علیه السلام: کسی که گمان دارد خدای متعال، بندگانش را بر ارتکاب گناهان، مجبور می سازد، یا آنان را به آنچه در توانشان نیست، موظف می کند، ذبح شده او را نخورید و گواهی اش را نپذیرید و پشت سرش نماز نخوانید و به او چیزی از زکات ندهید.

امام رضا علیه السلام: به کسی که قائل به جبر است، زکات ندهید و گواهی اش را نپذیرید. خداوند تبارک و تعالی کسی را جز به اندازه توانش موظف نمی کند و بیشتر از توانش را بر او بار نمی نماید، و هیچ کس جز به خودش بد نمی کند و هیچ کس گناه دیگری را بر دوش نمی کشد.

۸ / ۹ سرزنش تفویض گرایان امام صادق علیه السلام: مردم درباره قدر سه دسته اند: ... و کسی می پندارد که کار به خود بندگان واگذار شده است. در حقیقت، او خداوند را در سلطنتش سُبُک شمرده است و کافر است.

الإمام الرضا عليه السلام: القائل بالتفويض مُشْرِكٌ . (١)

١٠ / ٨ أَدُمُ الْقَدْرِ يَهْرَسُ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصِنْفَانٍ مِنْ أُمَّتِي لَيْسَ لَهُمَا فِي الْإِسْلَامِ نَصِيبٌ : الْمُرْجِيَّةُ (٢) ، وَالْقَدْرِيَّةُ (٣) .

عنه صلى الله عليه وآله وصنفان من أمتي لا تنالهم شفاعتي يوم القيامة : المرجئة ، والقدرية . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله وصنفان من أمتي لا يردان عليّ الحوض ولا يدخلان الجنة : القدرية والمرجئة . (٥)

عنه صلى الله عليه وآله : القدرية مجوس هذه الأمة ، خصماء الرحمن وشهداء الزور . (٦)

عنه صلى الله عليه وآله : القدرية مجوس هذه الأمة ، إن مرضوا فلا تعودوهم ، وإن ماتوا فلا تشهدوهم . (٧)

- ١- عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ١ ص ١٢٤ ح ١٧ ، الاحتجاج : ج ٢ ص ٣٩٨ كلاهما عن بريد بن عمير بن معاوية الشامي ، نثر الدرّ : ج ١ ص ٣٦٣ ، نزهة الناظر : ص ١٣١ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ١٢ ح ١٨ .
- ٢- المرجئة : هم فرقة من فرق الإسلام يعتقدون أنه لا يضّرّ مع الإيمان معصيه ، كما لا ينفع مع الكفر طاعه ، سيموا المرجئة لاعتقادهم أنّ الله تعالى أرجأ تعذيبهم على المعاصي ، أي أخره عنهم (مجمع البحرين : ج ٢ ص ٦٧٥ «رجأ»).
- ٣- الخصال : ص ٧٢ ح ١١٠ عن ابن عمر ، ثواب الأعمال : ص ٢٥٢ ح ٣ ، مختصر بصائر الدرجات : ص ١٣٥ كلاهما عن داوود بن سليمان عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٧ ح ٧ ؛ سنن الترمذي : ج ٤ ص ٤٥٤ ح ٢١٤٩ ، سنن ابن ماجه : ج ١ ص ٢٤ ح ٦٢ كلاهما عن ابن عباس وفيه «من هذه الأمة» بدل «أمتي» ، المعجم الأوسط : ج ٥ ص ٣٧٠ ح ٥٥٨٧ عن أبي سعيد الخدري ، كنز العمال : ج ١ ص ١١٨ ح ٥٥٨ .
- ٤- حليه الأولياء : ج ٩ ص ٢٥٤ عن أنس ، المعجم الأوسط : ج ٦ ص ٦٩ ح ٥٨١٧ عن جابر ، السنن لابن أبي عاصم : ص ٤٤٧ ح ٩٤٦ عن ابن عباس وليس فيهما «يوم القيامة» ، كنز العمال : ج ١ ص ١١٩ ح ٥٥٩ .
- ٥- المعجم الأوسط : ج ٤ ص ٢٨١ ح ٤٢٠٤ عن أنس ، السنن لابن أبي عاصم : ص ٤٤٨ ح ٩٤٩ عن أبي ليلي عن أبيه وليس فيه «ولا يدخلان الجنة» ، كنز العمال : ج ١ ص ١١٩ ح ٥٦٠ .
- ٦- جامع الأخبار : ص ٤٥٩ ح ١٢٨٩ ، مستدرک الوسائل : ج ١٨ ص ١٨٥ ح ٢٢٤٥٧ .
- ٧- سنن أبي داوود : ج ٤ ص ٢٢٢ ح ٤٦٩١ ، المستدرک على الصحيحين : ج ١ ص ١٥٩ ح ٢٨٦ ، السنن الكبرى : ج ١٠ ص ٣٤٢ ح ٢٠٨٦٩ كلّها عن ابن عمر ، كنز العمّال : ج ١ ص ١١٩ ح ٥٦٦ ؛ عوالي اللآلي : ج ١ ص ١٦٦ ح ١٧٥ ، مستدرک الوسائل : ج ١٢ ص ٣١٧ ح ١٤١٩٠ .

۸ / ۱۰ سرزنش قدریه

امام رضا علیه السلام: معتقد به تفویض ، مشرک است.

۸ / ۱۰ سرزنش قَدَرِیِّه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دو گروه از اَمّت من هستند که برای آنان در اسلام ، بهره ای نیست: مُرَجِّئَه (۱) و قدریه.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دو گروه از اَمّت من هستند که روز رستاخیز ، شفاعتم شامل آنها نمی گردد: مرچئه و قدریه.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دو گروه از اَمّت من هستند که در حوض [کوثر] بر من وارد نمی شوند و به بهشت ، داخل نمی گردند: قدریه و مرچئه.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : قدریه ، مَجُوس این اَمّت اند . دشمنان خدای بخشنده و گواهی دهندگان به دروغ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : قدریه ، مَجُوس این اَمّت اند ؛ اگر بیمار شدند ، عیادتشان نکنید و اگر مُردند ، در تجهیز (تکفین و تشیع و تدفین) آنان حاضر نشوید.

۱- .. مُرَجِّئَه ، گروهی از مسلمانان اند که معتقدند گناه ، به ایمان ، زیانی نمی رساند ، چنان که طاعت همراه با کفر ، بی فایده است . دلیل نامیده شدن ایشان به «مرچئه» ، این است که معتقدند خداوند ، کیفر گناهشان را به تأخیر انداخته است و «ارجاء» به معنای «به تأخیر انداختن» است . برای آگاهی از عقاید مرچئه ، مراجعه کنید به کتاب مقالات تاریخی ، رسول جعفریان : مقاله «مرچئه : تاریخ و اندیشه» .

عنه صلى الله عليه و آله : لِكُلِّ أُمَّةٍ مَجُوسٌ وَمَجُوسٌ هَذِهِ الْأُمَّةِ الْقَدَرِيَّةُ ، فَإِنْ مَرَضُوا فَلَا تَعُودُوهُمْ ، وَإِنْ مَاتُوا فَلَا تَشْهَدُوهُمْ ، وَإِنْ لَقَيْتُمُوهُمْ فِي طَرِيقٍ فَأَلْجِئُوهُمْ إِلَى ضَيْقِهِ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله : لَا تُجَالِسُوا أَهْلَ الْقَدَرِ وَلَا تُفَاتِحُوهُمْ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله : لُعِنَتِ الْقَدَرِيَّةُ عَلَى لِسَانِ سَبْعِينَ نَبِيًّا . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله : إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ : أَلَا لِيُقِمَ خُصَمَاءَ اللَّهِ ، أَلَا وَهُمْ الْقَدَرِيَّةُ . (٤)

الإمام عليّ عليه السلام : وَاللَّهِ مَا كَذَبْتُ وَلَا كُذِّبْتُ وَلَا ابْتَدَعْتُ ، مَا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ إِلَّا فِي الْقَدَرِيَّةِ خَاصَّةً : «إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ * يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ذُقُوا مَسَّ سَقَرٍ * إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (٥) أَلَا إِنَّهُمْ مَجُوسٌ هَذِهِ الْأُمَّةِ ، فَإِنْ مَرَضُوا فَلَا تَعُودُوهُمْ ، وَإِنْ مَاتُوا فَلَا تَشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ ، سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوقًا كَبِيرًا . (٦)

- ١- . كنز الفوائد : ج ١ ص ١٢٣ عن أبي هريره ؛ السنن الكبرى : ج ١٠ ص ٣٤٢ ح ٢٠٨٧٠ عن حذيفه ، مسند الشاميين : ج ٣ ص ٣٤٣ ح ٢٤٣٨ ، كتاب السنه : ص ١٥١ ح ٣٤٢ كلاهما عن أبي هريره وكلها نحوه .
- ٢- . سنن أبي داود : ج ٤ ص ٢٢٨ ح ٤٧١٠ ، مسند ابن حنبل : ج ١ ص ٧٣ ح ٢٠٦ ، المستدرک على الصحيحين : ج ١ ص ١٥٩ ح ٢٨٧ ، صحيح ابن حبان : ج ١ ص ٢٨٠ ح ٧٩ كلها عن عمر بن الخطاب ، كنز العمال : ج ١ ص ١١٩ ح ٥٦٤ .
- ٣- . الطرائف : ص ٣٤٤ ، الصراط المستقيم : ج ١ ص ٣٩ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٤٧ ح ٧٣ ؛ كنز العمال : ج ١ ص ١١٩ ح ٥٦٣ نقلاً عن العلل للدارقطني عن الإمام عليّ عليه السلام .
- ٤- . المعجم الأوسط : ج ٦ ص ٣١٧ ح ٦٥١٠ ، كتاب السنه : ص ١٤٨ ح ٣٣٦ كلاهما عن عمر بن الخطاب ، كنز العمال : ج ١ ص ١٢٠ ح ٥٦٩ وراجع تفسير القرطبي : ج ١٧ ص ٣٠٥ .
- ٥- . القمر : ٤٧ ٤٩ .
- ٦- . مسند زيد : ص ٤٠٩ عن زيد بن عليّ عن آبائه عليهم السلام وراجع ثواب الأعمال : ص ٢٥٢ ح ٢ و ص ٢٥٣ ح ٥ ومختصر بصائر الدرجات : ص ١٣٥ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر اّمتی، مجوسی دارد و مجوس این اّمت، قدریّه هستند. اگر بیمار شدند، عیادتشان نکنید و اگر مُردند، بر مرده آنان حاضر نشوید و اگر در راهی به آنان برخوردید، راه را بر آنان تنگ کنید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با قدریّه همنشینی ننمایید و کاری را با آنها شروع نکنید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: قدریّه بر زبان هفتاد پیامبر، نفرین شده اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه روز رستاخیز شود، منادی ندا سر می دهد: «هان! دشمنان خدا بایستند». بدانید که آنان، قدریّه هستند.

امام علی علیه السلام: به خدا سوگند، دروغ نگفته ام و به من دروغ گفته نشده و بدعت هم نگذاشته ام. این آیه نازل نشد، مگر در خصوص قدریّه: «قطعاً بزهکاران در گم راهی و جنون اند. روزی که در آتش به رو کشیده می شوند، [به آنان گفته می شود: «زبانۀ آتش را بچشید». ماییم که هر چیزی را به اندازه آفریده ایم». آگاه باشید که آنان مجوس این اّمت اند. پس اگر بیمار شدند، عیادتشان نکنید و اگر مُردند، بر [تشییع] جنازه هایشان حاضر نشوید. خداوند از آنچه آنان می گویند، منزّه و فراتر و بزرگ تر است.

صحيح مسلم عن أبي هريره : جاء مُشْرِكُو قُرَيْشٍ يُخَاصِمُونَ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْقَدْرِ ، فَتَزَلَّتْ : «يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ذُقُوا مَسَّ سَقَرٍ * إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» . (١)

الإمام علي عليه السلام : لِكُلِّ أُمَّةٍ مَجُوسٌ ، وَمَجُوسٌ هَذِهِ الْأُمَّةِ الَّذِينَ يَقُولُونَ بِالْقَدْرِ (٢) . (٣)

عنه عليه السلام : ما غلا أحدٌ في القدر إلا خرَّج من الإيمان . (٤)

الإمام الباقر عليه السلام : ما الليلُ بالليلِ ولا النهارُ بالنهارِ أشبهُ من المُرَجِّثِ بِالْيَهُودِيِّهِ ، ولا من القَدْرِئِيِّهِ بِالنَّصْرَانِيِّهِ . (٥)

تفسير العياشي عن الحسن بن محمّد الجعفيّ عن بعض أصحابنا : بعثَ عبدُ المَلِكِ بنُ مروانَ إلى عاملِ المَدِينَةِ أن وِجَّهَ إلَيَّ مُحَمَّدَ بنَ عَلِيِّ بنِ الحُسَيْنِ ولا تُهَيِّجْهُ ولا تُرَوِّعْهُ ، واقضِ لَهُ حوائِجَهُ . وقد كانَ وَرَدَ عَلَيَّ عبدُ المَلِكِ رَجُلٌ مِنَ القَدْرِئِيِّهِ فَحَضَرَ جَمِيعُ مَنْ كانَ بِالشَّامِ فَأَعْيَاهُمْ جَمِيعًا ، فَقَالَ : ما لِهَذَا إلَّا مُحَمَّدُ بنُ عَلِيٍّ ، فَكَتَبَ إلى صاحِبِ المَدِينَةِ أن يَحْمِلَ مُحَمَّدَ بنَ عَلِيٍّ إلَيْهِ ، فَأَتَاهُ صاحِبُ المَدِينَةِ بِكِتابِهِ . فَقَالَ لَهُ أبو جَعْفَرٍ عليه السلام : إِنِّي شَيْخٌ كَبِيرٌ لا أَقْوَى عَلَيَّ الخُرُوجِ ، وهذا جَعْفَرُ ابْنِي يَقُومُ مَقامِي . فَوَجَّهَهُ إلَيْهِ ، فَلَمَّا قَدِمَ عَلَيَّ الأَمَوِيُّ ازدراه لِصِغَرِهِ وَكَرِهَ أن يَجْمَعَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ القَدْرِئِيِّ مَخَافَةَ أن يَغْلِبَهُ ، وَتَسامَعَ النَّاسُ بِالشَّامِ بِقُدُومِ جَعْفَرٍ لِمُخَاصَمَةِ القَدْرِئِيِّ ، فَلَمَّا كانَ مِنَ الغَدِ اجْتَمَعَ النَّاسُ بِخُصُومَتَيْهِمَا . فَقَالَ الأَمَوِيُّ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام : إِنَّهُ قَدْ أَعْيَانَا أمرُ هَذَا القَدْرِئِيِّ ، وَإِنَّمَا كَتَبْتُ إِلَيْكَ لِاجْتِمَاعِ بَيْنِكَ وَبَيْنَهُ ، فَإِنَّهُ لَمْ يَدَعْ عِنْدَنَا أَحَدًا إلَّا خَصَمَهُ . فَقَالَ : إِنَّ اللهَ يَكْفِينَاهُ . قَالَ : فَلَمَّا اجْتَمَعُوا ، قَالَ القَدْرِئِيُّ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام : سَلْ عَمَّا شِئْتُ . فَقَالَ لَهُ : اقْرَأْ سورَةَ الحَمْدِ ، قَالَ : فَقَرَأَهَا ، وَقَالَ الأَمَوِيُّ وَأَنَا مَعَهُ : ما في سورَةِ الحَمْدِ غُلْبَتنا (٦) ! إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ ! قَالَ : فَجَعَلَ القَدْرِئِيُّ يَقْرَأُ سورَةَ الحَمْدِ حَتَّى بَلَغَ قولَ اللهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» . فَقَالَ لَهُ جَعْفَرٌ عليه السلام : قِفْ ! مَنْ تَسْتَعِينُ وما حاجتُكَ إلى المَعُونَةِ ؟ إِنَّ الأَمْرَ إِلَيْكَ ! «فَبِهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (٧) . (٨)

١- صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢٠٤٦ ح ١٩ ، سنن الترمذی : ج ٥ ص ٣٩٩ ح ٣٢٩٠ ، سنن ابن ماجه : ج ١ ص ٣٢ ح ٨٣ ، مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٥١٦ ح ١٠١٦٧ كلها عن أبي هريره .

٢- في المصدر : «بالقدرة» ، وما في المتن أثبتناه من جامع الأخبار .

٣- ثواب الأعمال : ص ٢٥٤ ح ١٠ عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، جامع الأخبار : ص ٤٦٠ ح ١٢٩٥ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ١٢٠ ح ٥٨ .

٤- ثواب الأعمال : ص ٢٥٣ ح ٨ عن سعيد بن جبیر ، جامع الأخبار : ص ٤٦٠ ح ١٢٩٥ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ١٢٠ ح ٦٠ .

٥- ثواب الأعمال : ص ٢٥٤ ح ٩ عن محمد بن مسلمه ، جامع الأخبار : ص ٤٦٠ ح ١٢٩٧ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ١٢٠ ح ٦١ .

٦- في المصدر : «علينا» ، والتصويب من بحار الأنوار .

٧- .. البقره : ٢٥٨ .

٨- . تفسير العياشي : ج ١ ص ٢٣ ح ٢٤ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٥٥ ح ٩٨ .

صحیح مسلم به نقل از ابو هریره : مشرکان قریش با پیامبر صلی الله علیه و آله درباره قَدَر به نزاع پرداختند . آن گاه [این آیه] نازل شد: «روزی که در آتش به رو کشیده می شوند ، [به آنان گفته می شود:] «زبان آتش را بچشید». ما میم که هر چیزی را به اندازه آفریده ایم» .

امام علی علیه السلام : برای هر امتی ، مَجوسی هست و مجوس این امت ، کسانی هستند که به قَدَر قائل اند .

امام علی علیه السلام : هیچ کس در قَدَر از حد تجاوز نکرد، مگر این که از ایمان، خارج شد.

امام باقر علیه السلام : شباهت شب به شب ، و روز به روز ، از شباهت مُرَجئه به یهودیت ، و قدریه به نصرانیت، بیشتر نیست .

تفسیر العیاشی به نقل از حسن بن محمد جمال ، از برخی از شیعیان : عبد الملک بن مروان ، پیکری را به سوی فرماندار مدینه روانه کرد که : «محمّد بن علی بن الحسین (امام باقر علیه السلام) را به سوی من روانه کن و او را پریشان نکن و نترسان و نیازهایش را برآورده کن» و این ، در حالی بود که مردی از قدریه بر عبد الملک وارد شده بود و همه کسانی که در شام بودند ، حاضر شده بودند و او همه آنها را محکوم کرده بود . عبد الملک گفت: جز محمّد بن علی (امام باقر علیه السلام) کسی حریف این نمی شود . بدین خاطر ، نامه ای به فرماندار مدینه نوشت تا محمّد بن علی را نزد او بفرستد . فرماندار مدینه نامه عبد الملک را نزد امام علیه السلام آورد. امام باقر علیه السلام به او فرمود: «من پیری کهن سالم و توان سفر ندارم . این پسر ، جعفر ، جانشین من است» . فرماندار مدینه ، او (امام صادق علیه السلام) را به سوی عبد الملک ، روانه نمود . وقتی امام صادق علیه السلام نزد حاکم اموی (عبد الملک) آمد ، او ایشان را به خاطر کم سالی ، تحقیر کرد و از ترس این که مَرَد قَدَری بر او چیره گردد ، نپسندید که او را با قَدَری ، رو در رو قرار دهد . مردم شام از آمدن امام جعفر صادق علیه السلام برای مناظره (مناظره) با قَدَری ، باخبر شدند . فردا که شد ، مردم برای مناظره آنها گرد آمدند . حاکم اموی (عبد الملک) به امام صادق علیه السلام گفت : این قَدَری ، ما را ناتوان ساخته است . به تو نامه نوشتم تا شما را در یک مکان ، گرد آورم ؛ چرا که او کسی از ما را باقی نگذاشت ، مگر این که بر او پیروز شد. [امام علیه السلام] فرمود: «خداوند، در مقابل او ما را بس است» . وقتی آن دو ، رو در رو قرار گرفتند ، قَدَری به امام صادق علیه السلام گفت : از هر چه می خواهی ، بپرس . [امام علیه السلام] فرمود: «سوره حمد را تلاوت کن» . او آن را تلاوت کرد . حاکم اموی در حالی که من در کنار او بودم با شگفتی گفت: درباره موضوع ما ، چه چیزی در سوره حمد هست؟! ما شکست خوردیم! قَدَری ، شروع به تلاوت سوره حمد کرد تا این که به این سخن خداوند تبارک و تعالی رسید: «تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوئیم» . امام صادق علیه السلام به او فرمود: «همین جا توقّف کن . از چه کسی یاری می جوئی و تو چه نیازی به کمک داری ، در حالی که کار به تو واگذار شده است؟» . «پس کسی که کفر می ورزید ، مبهوت شد و البته خداوند ، قوم ستمکار را هدایت نمی کند» .

٨ / ١١ مَعْنَى الْقَدَرِيَّهَا مَا يَدُلُّ عَلَى أَنَّ الْقَدَرِيَّةَ هُمْ الْمَفْوضُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :الْقَدَرِيَّةُ الَّذِينَ يَقُولُونَ :الْخَيْرُ وَالشَّرُّ بِأَيْدِينَا ؛ لَيْسَ لَهُمْ فِي شَفَاعَتِي نَصِيبٌ ، وَلَا أَنَا مِنْهُمْ وَلَا هُمْ مِنِّي . (١)

عنه صلى الله عليه وآله :لِكُلِّ أُمَّةٍ مَجُوسٌ ، وَمَجُوسُ أُمَّتِي الَّذِينَ يَقُولُونَ :لَا قَدَرَ ، إِنْ مَرَضُوا فَلَا تَعُودُهُمْ ، وَإِنْ مَاتُوا فَلَا تَشْهَدُهُمْ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله :أَلَا إِنَّ لِكُلِّ أُمَّةٍ مَجُوسًا ، وَمَجُوسُ هَذِهِ الْأُمَّةِ (٣) الَّذِينَ يَقُولُونَ : لَا قَدَرَ ، وَيَزْعُمُونَ أَنَّ الْمَشِيئَةَ وَالْقَدَرَ إِلَيْهِمْ وَلَهُمْ . (٤)

رجال الكشي عن ابن عباس :إِنَّ خَلِيلِي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ... أَمَرَنِي أَنْ أَبْرَأَ مِنْ خَمْسَةٍ ... مِنْ الْقَدَرِيَّةِ وَهُمْ الَّذِينَ ضَاهُوا النَّصَارَى فِي دِينِهِمْ فَقَالُوا : لَا قَدَرَ . (٥)

١- .الفردوس : ج ٣ ص ٢٣٨ ح ٤٧٠٦ عن أنس بن مالك ، كنز العمال : ج ١ ص ١٣٧ ح ٦٥١ وراجع الطرائف : ج ٢ ص ٣٤٤ وبحار الأنوار : ج ٥ ص ٤٧ ح ٧٣ .

٢- .مسند ابن حنبل : ج ٢ ص ٣٨٩ ح ٥٥٨٨ عن عبد الله بن عمر ، سنن أبي داود : ج ٤ ص ٢٢٢ ح ٤٦٩٢ ، السنن الكبرى : ج ١٠ ص ٣٤٢ ح ٢٠٨٧٠ كلاهما عن حذيفة نحوه ، كتاب السنه : ص ١٥٠ ح ٣٣٩ عن ابن عمر ، كنز العميال : ج ١ ص ١١٨ ح ٥٥٤ .

٣- .. قال العلامة الطباطبائي قدس سره في تعليقه على الكافي : إِنَّ تَسْمِيَةَ هَؤُلَاءِ بِالْقَدَرِيَّةِ مَأخُودَةٌ مِمَّا صَحَّ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : «إِنَّ الْقَدَرِيَّةَ مَجُوسُ هَذِهِ الْأُمَّةِ» الْحَدِيثُ ، فَأَخَذْتُ الْمَجْبَرَةَ تَسْمِيَةَ الْمَفْوضِ بِالْقَدَرِيَّةِ ؛ لِأَنَّهُمْ يَنْكُرُونَ الْقَدَرَ وَيَتَكَلَّمُونَ عَلَيْهَا ، وَالْمَفْوضُ تَسْمِيَةُ الْمَجْبَرَةِ بِالْقَدَرِيَّةِ ؛ لِأَنَّهُمْ يَثْبُتُونَ الْقَدَرَ : وَالَّذِي يَتَحَصَّلُ مِنْ أَخْبَارِ أُمَّةِ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنَّهُمْ يَسْمَوْنَ كِلْتَا الْفِرْقَتَيْنِ بِالْقَدَرِيَّةِ وَيَطْبِقُونَ الْحَدِيثَ النَّبَوِيَّ عَلَيْهِمَا ، أَمَّا الْمَجْبَرَةُ فَلِأَنَّهُمْ يَنْسُبُونَ الْخَيْرَ وَالشَّرَّ وَالطَّاعَةَ وَالْمَعْصِيَةَ جَمِيعًا إِلَى غَيْرِ الْإِنْسَانِ ، كَمَا أَنَّ الْمَجُوسَ قَائِلُونَ بِكَوْنِ فَاعِلِ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ جَمِيعًا غَيْرِ الْإِنْسَانِ ، وَقَوْلُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي هَذَا الْخَبَرِ مَبْنِيٌّ عَلَى هَذَا النَّظَرِ ، وَأَمَّا الْمَفْوضُ فَلِأَنَّهُمْ قَائِلُونَ بِخَالِقِينَ فِي الْعَالَمِ هُمَا الْإِنْسَانُ بِالنَّسْبَةِ إِلَى أَفْعَالِهِ ، وَاللَّهُ سَبْحَانَهُ بِالنَّسْبَةِ إِلَى غَيْرِهَا ، كَمَا أَنَّ الْمَجُوسَ قَائِلُونَ بِإِلَهِ الْخَيْرِ وَإِلَهِ الشَّرِّ ، وَقَوْلُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّوَايَاتِ التَّالِيَةِ : لَا جَبَرَ وَلَا قَدَرَ ، نَاطِرٌ إِلَى هَذَا الْإِعْتِبَارِ» (الكافي : ج ١ ص ١٥٧ ، الهامش) .

٤- .تفسير القمي : ج ١ ص ١٩٩ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ١٩٧ ح ١٤ .

٥- .رجال الكشي : ج ١ ص ٢٧٦ الرقم ١٠٦ ، بحار الأنوار : ج ٢ ص ١٥٢ ح ٢٠ .

اشاره

الف آنچه دلالت می کند بر این که قدریّه همان مفوضه هستند

۸ / ۱۱ مراد از قدریّهالف آنچه دلالت می کند بر این که قدریّه همان مفوضه هستند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: قدریّه ، کسانی هستند که می گویند: خیر و شر ، در اختیار ماست . آنان از شفاعت من بهره ای ندارند . نه من از آنان هستم و نه آنان از من اند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای هر امتی ، مجوسی هست و مجوس امت من ۱ ، کسانی هستند که می گویند: قدری وجود ندارد . اینان اگر بیمار شدند ، عیادتشان نکنید و اگر مُردند ، بر [جنازه] آنان حاضر نشوید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هان! برای هر امتی ، مجوسی هست و مجوس این امت ، کسانی هستند که می گویند: «قدری وجود ندارد» و گمان می کنند که مشیت و قدرت به آنان واگذار شده و از آن آنهاست.

رجال الکشی به نقل از ابن عباس : دوست من ، پیامبر خدا ... ، به من دستور داد که از پنج گروه ، بیزاری جویم : ... از قدریّه و آنان کسانی هستند که در دینشان همانند نصارا شدند و گفتند: قدری وجود ندارد .

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّهُ سَيَكُونُ فِي أُمَّتِي أَقْوَامٌ يُكَذِّبُونَ بِالْقَدْرِ . (١)

سبل الهدى والرشاد عن ابن عباس عن رسول الله صلى الله عليه وآله: صَدَقْنَا مِنْ أُمَّتِي لَا سِيَّهَمَ لَهُمْ فِي الْإِسْلَامِ : الْمُرْجِيَّةُ وَالْقَدْرِيَّةُ . قِيلَ : وَمَا الْمُرْجِيَّةُ ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : الَّذِينَ يَقُولُونَ : الْإِيمَانُ قَوْلٌ وَلَا عَمَلٌ (٢) . قِيلَ : فَمَا الْقَدْرِيَّةُ ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : الَّذِينَ يَقُولُونَ : لَمْ يُقَدِّرِ الشَّرُّ . (٣)

جامع الأحاديث عن أبي أمامه : أَشْهَدُ بِاللَّهِ لَسَيَجْعَتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ : إِنَّ هَذِهِ الْآيَةَ نَزَلَتْ فِي الْقَدْرِيَّةِ : « إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ * يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ذُقُوا مَسَّ سَقَرٍ * إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدْرِ » . (٤)

رسول الله صلى الله عليه وآله: لَعَنَ اللَّهُ الْقَدْرِيَّةَ وَقَدْ فَعَلَ ، لَعَنَ اللَّهُ الْقَدْرِيَّةَ وَقَدْ فَعَلَ ، لَعَنَ اللَّهُ الْقَدْرِيَّةَ وَقَدْ فَعَلَ . مَا قَالُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ ، وَلَا قَالُوا كَمَا قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ ، وَلَا قَالُوا كَمَا قَالَتِ الْأَنْبِيَاءُ وَلَا قَالُوا كَمَا قَالَتِ أَهْلُ الْجَنَّةِ ، وَلَا قَالُوا كَمَا قَالَتِ أَهْلُ النَّارِ ، وَلَا قَالُوا كَمَا قَالَ الشَّيْطَانُ . قَالَ اللَّهُ : « وَ مَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ » (٥) وَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ : « لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا » (٦) وَقَالَتِ الْأَنْبِيَاءُ فِي قِصَّةِ نُوحٍ : « وَ لَا يَنْفَعُكُمْ نُضِجِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصِخَ لَكُمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ » (٧) وَقَالَتِ أَهْلُ الْجَنَّةِ : « وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ » (٨) وَقَالَتِ أَهْلُ النَّارِ : « رَبَّنَا عَلَبْنَا شَفَوْتَنَا » (٩) وَقَالَ الشَّيْطَانُ : « رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي » (١٠) . (١١)

١- .سنن أبي داود: ج ٤ ص ٢٠٤ ح ٤٦١٣ ، مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٣٩٩ ح ٥٦٤٣ ، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ١٥٩ ح ٢٨٦ ، السنن الكبرى: ج ١٠ ص ٣٤٥ ح ٢٠٨٨١ كلها عن عبد الله بن عمر ، كنز العمال: ج ١ ص ١١٨ ح ٥٥٧ .

٢- .. في كنز العمال: «بلا عمل» .

٣- .سبل الهدى والرشاد: ج ١٠ ص ١٥٩ ، كنز العمال: ج ١ ص ١٣٦ ح ٦٤٢ كلاهما نقلاً عن البيهقي .

٤- .جامع الأحاديث للقمي: ص ٢٤٠ ؛ الفردوس: ج ٤ ص ٣٣٠ ح ٦٩٥٧ ، الدر المنثور: ج ٧ ص ٦٨٣ نقلاً عن ابن عساکر وكلاهما نحوه وليس فيهما ذيله من «يوم سيحبون ...» وراجع التوحيد: ص ٣٨٢ ح ٢٩ وثواب الأعمال: ص ٢٥٢ ح ٢ و ص ٢٥٣ ح ٥ .

٥- .الإنسان: ٣٠ .

٦- .البقرة: ٣٢ .

٧- .هود: ٣٤ .

٨- .الأعراف: ٤٣ .

٩- .المؤمنون: ١٠٦ .

١٠- .الحجر: ٣٩ .

١١- .الدر المنثور: ج ٨ ص ٣٧٩ نقلاً عن ابن مردويه عن ابن عباس .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زودی در میان امت من، اقوامی به وجود می آیند که قدر را تکذیب می کنند.

سبیل الهدی و الرشاد به نقل از ابن عباس: پیامبر خدا فرمود: «دو گروه از امت من هستند که در اسلام سهمی ندارند: مُرجئه و قدریه». گفته شد: مرجئه کیان اند؟ فرمود: «آنان که می گویند: ایمان، گفتار بدون رفتار است». گفته شد: قدریه کیان اند؟ فرمود: «آنان که می گویند: شر، مقدر نشده است».

جامع الأحادیث به نقل از ابو امامه: خدا را گواه می گیرم که همانا از پیامبر خدا شنیدم که می فرمود: «این آیه درباره قدریه نازل شده است: «قطعاً بزهکاران در گم راهی و جنون اند. روزی که در آتش به رو کشیده می شوند، [، به آنان گفته می شود: [زبان آتش را بجشید [و احساس کنید]». ماییم که هر چیزی را به اندازه آفریده ایم»».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، قدریه را لعنت کند و لعنت کرده است. خداوند، قدریه را لعنت کند و لعنت کرده است. خداوند، قدریه را لعنت کند و لعنت کرده است. آن طور که خدا فرمود، نگفتند و آن طور که فرشتگان گفتند، نگفتند و آن طور که پیامبران گفتند، نگفتند و آن طور که بهشتیان گفتند، نگفتند و آن طور که جهنمیان گفتند، نگفتند و آن طور که شیطان گفت، نگفتند. خداوند فرمود: «و تا خدا نخواهد، [شما] نخواهید خواست». و فرشتگان گفتند: «ما را جز آنچه [خود] به ما آموخته ای، هیچ دانشی نیست». و پیامبران چنان که در قصه نوح آمده گفتند: «و اگر بخواهم برای شما خیرخواهی [و دلسوزی] کنم، در صورتی که خدا بخواهد شما را بی راه بگذارد، خیرخواهی من شما را سودی نمی بخشد». و بهشتیان گفتند: «و اگر خدا ما را ره نمی نمود، ما خود، ره نمی یافتیم». و جهنمیان گفتند: «پروردگارا! شقاوتمان بر ما چیره شد» و شیطان گفت: «پروردگارا! به سبب آن که مرا گم راه ساختی».

الإمام زين العابدين عليه السلام فى قولِ اللهِ تعالى : «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ» (١) : إِنَّ الْقَدْرِيَّةَ يَحْتَجِّجُونَ بِأَوْلِيَّهَا ، وَلَيْسَ كَمَا يَقُولُونَ ، أَلَا تَرَى أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ : «وَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ» وَقَالَ نُوْحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «وَ لَا يَنْفَعُكُمْ نُصِيْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصِيْحَ لَكُمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ» قَالَ : الْأَمْرُ إِلَى اللَّهِ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ . (٢)

الإمام الباقر عليه السلام فى قوله تعالى : «كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ * فَرِيقًا هَدَى وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ» (٣) : خَلَقَهُمْ حِينَ خَلَقَهُمْ مُؤْمِنًا وَكَافِرًا وَشَقِيًّا وَسَعِيدًا وَكَذَلِكَ يَعُودُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُهْتَدِيًا وَضَالِمًا يَقُولُ : «إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيْطَانَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ» (٤) وَهُمْ الْقَدْرِيَّةُ الَّذِينَ يَقُولُونَ : لَا قَدَرَ ، وَيَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَى الْهُدَى وَالضَّلَالَةِ ، وَذَلِكَ إِلَيْهِمْ إِنْ شَاءُوا اهْتَدَوْا وَإِنْ شَاءُوا ضَلُّوا ، وَهُمْ مَجُوسُ هَذِهِ الْأُمَّةِ ، وَكَذَبَ أَعْدَاءُ اللَّهِ ، الْمَشِيئَةُ وَالْقُدْرَةُ لِلَّهِ «كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ» مَنْ خَلَقَهُ اللَّهُ شَقِيًّا يَوْمَ خَلَقَهُ كَذَلِكَ يَعُودُ إِلَيْهِ شَقِيًّا ، وَمَنْ خَلَقَهُ سَعِيدًا يَوْمَ خَلَقَهُ كَذَلِكَ يَعُودُ إِلَيْهِ سَعِيدًا . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : الشَّقِيُّ مِنَ الشَّقَى فِى بَطْنِ أُمَّهِ ، وَالسَّعِيدُ مِنَ سَعِدٍ فِى بَطْنِ أُمَّهِ . (٥)

١- الرعد : ١١ .

٢- قرب الإسناد : ص ٣٥٨ ح ١٢٨٢ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٥ ح ٤ .

٣- الأعراف : ٢٩ و ٣٠ .

٤- الأعراف : ٣٠ .

٥- تفسير القمى : ج ١ ص ٢٢٦ عن أبى الجارود ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٩ ح ١٣ .

امام زین العابدین علیه السلام درباره این گفته خدای متعال: «در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی دهد، تا آنان حال خود را تغییر دهند. و چون خدا برای قومی آسیبی بخواهد، هیچ برگشتی برای آن نیست»: قدریّه به قسمت اوّل آیه استدلال می کنند، در حالی که آن گونه که آنها می گویند، نیست. آیا نمی بینی که خداوند تبارک و تعالی [در ادامه آیه] می فرماید: «و چون خدا برای قومی آسیبی بخواهد، هیچ برگشتی برای آن نیست» و نوح علیه السلام گفت: «و اگر بخواهم برای شما خیرخواهی و [دلسوزی] کنم، در صورتی که خدا بخواهد شما را بی راه بگذارد، خیرخواهی من شما را سودی نمی بخشد.» امر، به دست خداست و هر که را بخواهد، هدایت می کند.

امام باقر علیه السلام درباره این گفته خدای متعال: درباره این گفته خدای متعال: «همان گونه که شما را پدید آورد، [به سوی او] برمی گردید. [این، در حالی است که] گروهی را هدایت نموده، و گروهی گم راهی برایشان ثابت شده است» امام باقر علیه السلام درباره این گفته خدای متعال: «همان گونه که شما را پدید آورد، [به سوی او] برمی گردید. [این، در حالی است که] گروهی را هدایت نموده، و گروهی گم راهی برایشان ثابت شده است»: هنگام آفرینش، آنان را مؤمن و کافر و بدبخت و خوش بخت آفرید و روز رستاخیز، همین طور هدایت یافته و گم راه شده باز می گردند. می فرماید: «زیرا آنان شیاطین را به جای خدا، دوستان [خود] گرفته اند و می پندارند که راه یافتگان اند» و آنان همان قدریّه هستند که می گویند: «قَدَر وجود ندارد» و گمان می کنند که بر هدایت و گم راهی توانمندند، و آن به ایشان واگذار شده که اگر خواستند، هدایت یابند و اگر خواستند، گم راه گردند. آنان، مجوس این امت اند، و دشمنان خدا دروغ می گویند. مشیت و قدرت، از آن خداست. «همان گونه که شما را پدید آورد، [به سوی او] برمی گردید»، [یعنی] هر که را خداوند در روز آفرینش بدبخت آفریده، همان گونه بدبخت به سوی او بر می گردد، و هر که را در روز آفرینش خوش بخت آفریده، همان گونه خوش بخت به سوی او بر می گردد. پیامبر خدا فرمود: «بدبخت در رَجَم مادرش بدبخت آفریده شده و خوش بخت در رَجَم مادرش خوش بخت آفریده شده است».

الإمام الصادق عليه السلام: يَا وَيْحَ (١) هَذِهِ الْقَدَرِيَّةُ ! إِنَّمَا يَقْرَأُونَ هَذِهِ الْآيَةَ : «إِلَّا امْرَأَتُهُ قَدَرْنَهَا مِنَ الْغَبْرِينَ» (٢) وَيَحْتُمُّ مَنْ قَدَرَهَا إِلَّا اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى . (٣)

عنه عليه السلام في قول الله تعالى : «وَلَوْلَمَا فَضَّلَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتَهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا» (٤) : إِنَّكَ لَتَسْأَلُ عَنِ كَلَامِ الْقَدَرِ (٥) وَمَا هُوَ مِنْ دِينِي وَلَا دِينَ آبَائِي ، وَلَا وَجَدْتُ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَقُولُ بِهِ . (٦)

عنه عليه السلام: إِنَّ الْقَدَرِيَّةَ مَجُوسٌ هَذِهِ الْأُمَّةُ ، وَهُمْ الَّذِينَ أَرَادُوا أَنْ يَصِفُوا اللَّهَ بِعَدْلِهِ فَأَخْرَجُوهُ مِنْ سُلْطَانِهِ ، وَفِيهِمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ : «يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ذُقُوا مَسَّ سَقَرٍ * إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» . (٧)

١- وَيُحِّجُّ : كَلِمَةٌ عَذَابٌ (الصَّحاح : ج ١ ص ٤١٧ «ويح»).

٢- النمل : ٥٧ .

٣- تفسير العياشي : ج ٢ ص ٢٣ ح ٥٧ عن الحسين بن عليّ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٥٦ ح ١٠٢ .

٤- النساء : ٨٣ .

٥- في بحار الأنوار : «كلام أهل القدر» .

٦- تفسير العياشي : ج ١ ص ٢٦١ ح ٢١٠ ، تفسير كنز الدقائق : ج ٣ ص ٤٨٧ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٥٦ ح ١٠١ .

٧- التوحيد : ص ٣٨٢ ح ٢٩ ، نور الثقلين : ج ٥ ص ١٨٥ ح ٣٤ كلاهما عن عليّ بن سالم .

امام صادق علیه السلام: وای بر این قدریّه که این آیه را قرائت می کنند: «جز زنش (همسر لوط) را، که مقدر کردیم از باقی ماندگان در آن شهر باشد»، وای بر آنان! جز خداوند تبارک و تعالی چه کسی آن را مقدر نمود؟

امام صادق علیه السلام در جواب پرسش راوی، درباره این گفته خدای متعال: «و اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نبود، مسلماً جز [شمار] اندکی، از شیطان پیروی می کردید»: تو از گفته های قدریّه می پرسی، در حالی که آن از دین من و دین پدران من نیست و هیچ یک از اهل بیت را نیافتیم که بدان قائل باشد.

امام صادق علیه السلام: قدریّه، مجوس این امت اند. و آنان کسانی هستند که خواستند خدا را با دادگری اش توصیف نمایند؛ ولی او را از سلطنتش بیرون کردند. درباره آنان این آیه نازل شده است: «روزی که در آتش به رو کشیده می شوند، [به آنان گفته می شود: «زبان آتش را بچشید [و احساس کنید]». ماییم که هر چیزی را به اندازه آفریده ایم».

الإمام الكاظم عليه السلام: مَسَاكِينُ الْقَدْرِئَةِ ، أَرَادُوا أَنْ يَصِفُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِعَدْلِهِ فَأَخْرَجُوهُ مِنْ قُدْرَتِهِ وَسُلْطَانِهِ . (١)

ب ما يَدُلُّ عَلَى أَنَّ الْقَدْرِئَةَ هُمُ الْجَبْرِيُّهُرُ سَوَّلَ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حِينَ قَالَ : لُعِنَتِ الْقَدْرِئَةُ عَلَى لِسَانِ سَبْعِينَ نَبِيًّا ، فَقِيلَ لَهُ : وَمَنْ الْقَدْرِئَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ؟ فَقَالَ : قَوْمٌ يَزْعُمُونَ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدَّرَ عَلَيْهِمُ الْمَعَاصِيَ وَعَدَّبَهُمْ عَلَيْهَا . (٢)

عنه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يَعْمَلُونَ الْمَعَاصِيَ ، وَيَقُولُونَ : إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدَّ قَدَّرَهَا عَلَيْهِمْ ، الزَّادُ عَلَيْهِمْ كَالشَّاهِرِ سَيْفُهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ . (٣)

الإمام علي عليه السلام في جواب رَجُلٍ شَامِيٍّ : لَعَلَّكَ أَرَدْتَ قَضَاءَ لَازِمًا وَقَدَّرًا حَتْمًا ، لَوْ كَانَ ذَلِكَ كَذَلِكَ لَبَطَلَ الثَّوَابُ وَالْعِقَابُ ، وَسَقَطَ الْوَعْدُ وَالْوَعِيدُ ، وَالْأَمْرُ مِنَ اللَّهِ وَالنَّهْيُ ، وَمَا كَانَتْ تَأْتِي مِنَ اللَّهِ لِأَنَّهُ لِمَذْنِبٍ ، وَلَا مَحْمَدَةٌ لِمُحْسِنٍ ، وَلَا كَانَ الْمُحْسِنُ أَوْلَى بِثَوَابِ الْإِحْسَانِ مِنَ الْمِذْنِبِ ، وَلَمَّا الْمِذْنِبُ أَوْلَى بِعُقُوبَةِ الذَّنْبِ مِنَ الْمُحْسِنِ ، تِلْكَ مَقَالَةُ إِخْوَانِ عَبْدِهِ الْأَوْثَانِ ، وَجُنُودِ الشَّيْطَانِ ، وَخُصَمَاءِ الرَّحْمَنِ ، وَشُهَدَاءِ الزُّورِ وَالْبُهْتَانِ ، وَأَهْلِ الْعَمَى وَالطُّغْيَانِ ، هُمْ قَدْرِئَةُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَمَجُوسُهَا . (٤)

أعلام الدين : رُوِيَ أَنَّ طَاوُوسَ الْيَمَانِيَّ دَخَلَ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَكَانَ يَعْلَمُ أَنَّهُ يَقُولُ بِالْقَدْرِ ، فَقَالَ لَهُ : يَا طَاوُوسُ ، مَنْ أَقْبَلُ لِلْعُذْرِ مِنَ اللَّهِ مِمَّنْ اعْتَذَرَ وَهُوَ صَادِقٌ فِي اعْتِدَارِهِ ؟ فَقَالَ : لَا أَحَدٌ أَقْبَلُ لِلْعُذْرِ مِنْهُ . فَقَالَ لَهُ : مَنْ أَصْدَقُ مِمَّنْ قَالَ : لَا أَقْدِرُ وَهُوَ لَا يَقْدِرُ ؟ فَقَالَ طَاوُوسُ : لَا أَحَدٌ أَصْدَقُ مِنْهُ . فَقَالَ لَهُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا طَاوُوسُ ، فَمَا بَالُ مَنْ هُوَ أَقْبَلُ لِلْعُذْرِ ، لَا يَقْبَلُ عُذْرَ مَنْ قَالَ : لَا أَقْدِرُ ، وَهُوَ لَا يَقْدِرُ ؟ فَقَامَ طَاوُوسُ وَهُوَ يَقُولُ : لَيْسَ بَيْنِي وَبَيْنَ الْحَقِّ عَدَاوَةٌ ، وَاللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَاتِهِ ، فَقَدْ قَبِلْتُ نَصِيحَتَكَ . (٥)

١- الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام : ص ٣٤٩ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٥٤ ح ٩٣ .

٢- الطرائف : ص ٣٤٤ ، الصراط المستقيم : ج ١ ص ٣٩ وفيه بزياده «والمرجئه» بعد «القدرية» ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٤٧ ح ٧٣ .

٣- الطرائف : ص ٣٤٤ عن جابر بن عبد الله ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٤٧ ح ٧٥ .

٤- الاحتجاج : ج ١ ص ٤٩٠ ح ١٢٠ عن الإمام الهادي عليه السلام ، الطرائف : ص ٣٢٦ عن الأصمغ بن نباته نحوه ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٩٥ ح ١٩ ؛ شرح نهج البلاغه : ج ١٨ ص ٢٢٧ عن الأصمغ بن نباته نحوه .

٥- أعلام الدين : ص ٣١٧ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٥٨ ح ١٠٥ .

ب آنچه دلالت می کند که قدریّه همان جبرگرایان اند

امام کاظم علیه السلام: قدریّه بینوا، خواستند خدا را به دادگری اش توصیف نمایند؛ ولی او را از قدرت و سلطنتش بیرون کردند.

ب آنچه دلالت می کند که قدریّه همان جبرگرایان اندالطرائف: پیامبر خدا فرمود: «قدریّه بر زبان هفتاد پیامبر، نفرین شده اند». گفته شد: ای پیامبر خدا! قدریّه کیان اند؟ فرمود: «قومی که می پندارند خدای سبحان، گناهان را بر آنان مقدر نموده و بر پایه آنها کیفرشان خواهد داد».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در آخر الزمان، قومی پیدا می شوند که مرتکب گناه می شوند و می گویند که خدای متعال، آن را برایشان مقدر نموده است. منکر آنان، همانند کسی است که در راه خدا شمشیر می کشد.

امام علی علیه السلام در پاسخ مرد شامی: شاید منظور تو، قضایی لازم و قدری حتمی است. اگر چنین باشد، به یقین، پادشاه و کیفر بیهوده می شوند و وعده و تهدید و امر خدا و نهی [او]، بی اعتبار می گردند. و [دیگر] از جانب خدا برای گناهکار، سرزنش، و برای نیکوکار، ستایشی نیست و نیکوکار به پادشاه نیک از گناهکار، و گناهکار به کیفر از نیکوکار، سزاوارتر نیست. آن، سخن برادران بت پرستان و سپاه شیطان و دشمنان خدای بخشنده و گواهان بر دروغ و بهتان، و کوران و طغیانگران است. آنان، قدریّه و مجوس این امت اند.

أعلام الدین: روایت شده که طاووس یمانی به حضور امام جعفر صادق علیه السلام رسید و امام علیه السلام می دانست که او به قدر معتقد است. پس به او فرمود: «ای طاووس! چه کسی عذرپذیرتر از خداست درباره آن که عذر بخواهد و در عذرخواهی اش راست باشد؟». گفت: هیچ کسی عذرپذیرتر از خدا نیست. فرمود: «چه کسی راستگوتر از آنی است که نمی تواند و می گوید: نمی توانم؟». گفت: هیچ کس راستگوتر از او نیست». امام صادق علیه السلام به او فرمود: «ای طاووس! چرا کسی که عذرپذیرترین است، عذر کسی را که می گوید: نمی توانم و واقعا نمی تواند، نپذیرد؟». طاووس برخاست، در حالی که می گفت: بین من و حق، دشمنی وجود ندارد و خداوند، داناتر است که رسالت هایش را کجا قرار دهد. من خیرخواهی تو را پذیرفتم.

ص: ۵۶

راجع : دانش نامه عقاید اسلامی : ج ۸ ص ۸۰ (الاعتقاد بالجبر) .

ص: ۵۷

ر. ک: دانش نامه عقاید اسلامی: ج ۸ ص ۸۱ (اعتقاد به جبر).

الفصل التاسع: دور القضاء والقدر في السعادة والشقاوة ٩ / ١ السعيد سعيد في بطن أمه وكذلك الشقيئالكتاب «وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا» . (١)

الحديثرسول الله صلى الله عليه وآله: السعيد من سعد في بطن أمه ، والشقيئ من شقيئ في بطن أمه . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: إنَّ النُّطْفَةَ إِذَا اسْتَقَرَّتْ فِي الرَّحِمِ فَمَضَى لَهَا أَرْبَعُونَ يَوْمًا ... جَاءَ مَلَكُ الرَّحِمِ فَصَوَّرَ عَظْمَهُ وَلَحْمَهُ وَدَمَهُ وَشَعْرَهُ وَبَشَرَهُ وَسَمْعَهُ وَبَصَرَهُ ، فَيَقُولُ : يَا رَبِّ أَذَكَرٌّ أَمْ أَنْثَى ؟ يَا رَبِّ أَشَقِيئٌ أَمْ سَعِيدٌ ؟ فَيَقْضِي اللَّهُ عِزًّا وَجَلًّا مَا شَاءَ وَيَكْتُبُ ، ثُمَّ يَقُولُ : أَيُّ رَبِّ أَيُّ شَيْءٍ رِزْقُهُ ؟ فَيَقْضِي اللَّهُ مَا شَاءَ ، فَيَكْتُبُ ، ثُمَّ يُطَوَّى بِالصَّحِيفَةِ فَلَا تُنْشَرُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . (٣)

١- .مریم : ٣٢ .

٢- .الزهد للحسين بن سعيد : ص ١٤ ح ٢٨ عن الصباح بن سيابه ، تفسير القمى : ج ١ ص ٢٢٧ عن أبى الجارود عن الإمام الباقر عليه السلام ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٩٢ عن أبى الصباح عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٩ ح ١٣ ؛ سنن ابن ماجه : ج ١ ص ١٨ ح ٤٦ عن عبد الله بن مسعود وفيه ذيله ، المعجم الأوسط : ج ٨ ص ٢٢٣ ح ٨٤٦٥ عن أبى هريره وفيه صدره ، كنز العمال : ج ١ ص ١٠٧ ح ٤٩١ .

٣- .المعجم الكبير : ج ٣ ص ١٧٧ ح ٣٠٤١ ، فتح البارى : ج ١١ ص ٤٨٤ وليس فيه ذيله من «يا رب أشقى...» ، السنه لابن أبى عاصم : ص ٨٠ ح ١٧٩ كلاهما نحوه وكلها عن حذيفه بن أسيد، كنز العمال: ج ١ ص ١٢١ ح ٥٧٥ .

فصل نهم: نقش قضا و قدر در خوش بختی و بدبختی

۹ / ۱ خوش بخت، در رحم مادرش خوش بخت است و همچنین بدبخت

فصل نهم: نقش قضا و قدر در خوش بختی و بدبختی ۹ / ۱ خوش بخت، در رحم مادرش خوش بخت است و همچنین بدبختقرآن «و مرا نسبت به مادرم نیکوکار کرده و زورگو و نافرمانم نگردانیده است».

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوش بخت، کسی است که در رحم مادرش خوش بخت گشته است و بدبخت، کسی است که در رحم مادرش بدبخت شده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: وقتی نطفه در رحم قرار گرفت و چهل روز از آن سپری شد...، فرشته رجم می آید و استخوان و گوشت و خون و مو و پوست و گوش و چشم آن (جنین) را شکل می دهد و می گوید: «پروردگارا! آیا مرد است، یا زن؟ پروردگارا! آیا بدبخت است، یا خوش بخت؟». آن گاه خداوند عز و جل آنچه را بخواهد، حکم می کند و همان نوشته می شود. سپس می گوید: «پروردگارا! روزی او چیست؟». آن گاه خدا آنچه را بخواهد، حکم می کند. پس نوشته می شود و سپس در یک صفحه پیچیده می شود و تا روز رستاخیز، گشوده نمی شود.

عنه صلى الله عليه و آله :فَرَّغَ اللَّهُ إِلَى كُلِّ عَبْدٍ مِنْ خَمْسٍ : مِنْ أَجَلِهِ وَرِزْقِهِ وَأَثَرِهِ وَشَقِيَّتِي أُمِّ سَعِيدٍ . (١)

الإمام علي عليه السلام فى تفسيرِ عِلْمِ الْغَيْبِ : يَعْلَمُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مَا فِى الْأَرْحَامِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى ، وَقَبِيحٍ أَوْ جَمِيلٍ ، وَسَيِّئٍ أَوْ بَخِيلٍ ، وَشَقِيَّتِي أَوْ سَعِيدٍ ، وَمَنْ يَكُونُ فِى النَّارِ حَطْبًا أَوْ فِى الْجَنَانِ لِلنَّبِيِّينَ مُرَافِقًا . (٢)

عنه عليه السلام :اللَّهُمَّ دَاخِيَ الْمَدْحُوَاتِ (٣) ، وَدَاعِمِ الْمَسْمُوكَاتِ ، وَجَابِلِ الْقُلُوبِ عَلَى فِطْرَتِهَا ، شَقِيَّتِهَا وَسَعِيدِهَا ... (٤)

الإمام زين العابدين عليه السلام فى دُعَائِهِ : لَيْتَ شِعْرَى أَلِلِلشَّقَاءِ وَلَدَتْنِي أُمِّي أَمْ لِلْعَنَاءِ رَبَّتْنِي ؟ فَلَيْتَهَا لَمْ تُلِدْنِي وَلَمْ تَرْبَّنِي وَلَيْتَنِي عَلِمْتُ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ جَعَلْتَنِي ؟ وَبِقُرْبِكَ وَجَوَارِكَ خَصَّصْتَنِي ؟ فَتَقَرَّرْ بِذَلِكَ عَيْنِي وَتَطْمَئِنَّ لَهُ نَفْسِي . (٥)

عنه عليه السلام فى دُعَائِهِ : مَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ خَتَمَتْ لَهُ بِهَا ، وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الشَّقَاوَةِ خَذَلَتْهُ لَهَا . (٦)

- ١- مسند ابن حنبل : ج ٨ ص ١٦٩ ح ٢١٧٨٢ ، السننه لابن أبى عاصم : ص ١٣٤ ح ٣٠٧ وفيه «مضجعه» بدل «أثره» ، تاريخ دمشق : ج ١٦ ص ٢٩٠ ح ٣٩٣١ بزياده «ومضجعه» بعد «أثره» وكلها عن أبى الدرداء ، كنز العمال : ج ١ ص ١٠٧ ح ٤٩٢ .
- ٢- نهج البلاغه : الخطبه ١٢٨ ، بحار الأنوار : ج ٣٢ ص ٢٥٠ ح ١٩٧ ؛ ينابيع المودّه : ج ٣ ص ٤٣٥ .
- ٣- داحى المدحوات : الدّحو : البسط ، والمدحوات : الأرضون (النهايه : ج ٢ ص ١٠٦ «دحا»).
- ٤- نهج البلاغه : الخطبه ٧٢ ، الغارات : ج ١ ص ١٥٩ عن أبى سلام الكندى ، فلاح السائل : ص ٤٤٣ ح ٣٠٣ عن فاطمه عليها السلام وفيهما «بارئ» بدل «داعم» ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٢٩٧ ح ٥ .
- ٥- بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ١٤٣ .
- ٦- الصحيفه السجاديّه : ص ١٨٢ الدعاء ٤٦ ، المزار الكبير : ص ٤٥٩ ، مصباح المتهجد : ص ٣٧٠ ح ٥٠٠ ، جمال الأسبوع : ص ٢٦٣ ؛ شرح نهج البلاغه : ج ٦ ص ١٧٩ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند برای هر بنده ای ، پنج چیز را از پیش تعیین کرده است : آجلش را ، روزی اش را ، عملش را و بدبختی یا خوش بختی او را .

امام علی علیه السلام در تفسیر علم غیب : خداوند سبحان ، آنچه را در رَجْم هاست (اعم از : مرد و زن ، زشت و زیبا ، سخاوتمند و بخیل ، بدبخت و خوش بخت ، و آن که هیزم آتش جهنم است و یا در بهشت همراه پیامبران است) ، می داند .

امام علی علیه السلام : خدایا! ای گستراننده زمین و برپادارنده آسمان ها و پدید آورنده دل ها (چه بدبخت آنها و چه خوش بخت آنها) بر پایه فطرتشان ... !

امام زین العابدین علیه السلام در دعایش : ای کاش می دانستم که مادرم مرا برای بدبختی به دنیا آورد یا برای رنج ، بزرگم کرد ! ای کاش مرا نمی زایید و بزرگم نمی کرد ! ای کاش می دانستم که آیا مرا از خوش بختان قرار دادی و مرا به قُرب و همجواری ات ویژه ساختی ، تا بدان ، چشمم روشن شود و جانم آرام گیرد !

امام زین العابدین علیه السلام در دعایش : هر که از خوش بختان بود ، سعادت را سرانجام او قرار دادی و هر که از بدبختان بود ، به خاطر بدبختی ، او را خوار ساختی .

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا خَلَقَ الْخَلْقَ مِنْ طِينٍ أَفْضَلَ بِهَا كِفَايَةَ الْقِدَاحِ (١)، فَأَخْرَجَ الْمُسْلِمَ فَجَعَلَهُ سَعِيدًا، وَجَعَلَ الْكَافِرَ شَقِيئًا. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّعَادَةَ وَالشَّقَاءَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ خَلْقَهُ، فَمَنْ خَلَقَهُ اللَّهُ سَعِيدًا لَمْ يُبَغِّضْهُ أَبَدًا، وَإِنْ عَمِلَ شَرًّا أَبْغَضَ عَمَلَهُ وَلَمْ يُبَغِّضْهُ، وَإِنْ كَانَ شَقِيئًا لَمْ يُحِبَّهُ أَبَدًا، وَإِنْ عَمِلَ صَالِحًا أَحَبَّ عَمَلَهُ وَأَبْغَضَهُ لِمَا يَصِيرُ إِلَيْهِ، فَإِذَا أَحَبَّ اللَّهُ شَيْئًا لَمْ يُبَغِّضْهُ أَبَدًا، وَإِذَا أَبْغَضَ شَيْئًا لَمْ يُحِبَّهُ أَبَدًا (٣). (٤)

عنه عليه السلام: يُسَلِّكُ بِالسَّعِيدِ فِي طَرِيقِ الْأَشْقِيَاءِ حَتَّى يَقُولَ النَّاسُ: مَا أَشْبَهَهُ بِهِمْ، بَلْ هُوَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَتَدَارَكُهُ السَّعَادَةُ، وَقَدْ يُسَلِّكُ بِالشَّقِيئِ طَرِيقَ السَّعِيدِ حَتَّى يَقُولَ النَّاسُ: مَا أَشْبَهَهُ بِهِمْ بَلْ هُوَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَتَدَارَكُهُ الشَّقَاءُ، إِنَّ مَنْ كَتَبَهُ اللَّهُ سَعِيدًا وَإِنْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا فَوَاقٌ (٥) نَاقَهُ خَتَمَ لَهُ بِالسَّعَادَةِ. (٦)

١- القِدَاحُ: هو السهم الذي كانوا يستقسمون به (النهاية: ج ٤ ص ٢٠ «قدح»). فإنهم كانوا يخطونها ويقرعون بها بعدما يكتبون عليها أسماءهم، وفي التشبيه إشارة لطيفة إلى اشتباه خير بني آدم بشرهم إلى أن يميز الله الخبيث من الطيب (مرآة العقول: ج ٢١ ص ٢٦).

٢- الكافي: ج ٦ ص ١٥ ح ٥ عن أبي حمزة، بحار الأنوار: ج ٦٠ ص ٣٦٣ ح ٥٧.

٣- بيان: خلق السعادة والشقاوة فقدّرهما بتقدير التكليف الموجه لهما، أو أن يكتب في الألواح السماوية كونه من أهل الجنة، أو من أهل النار. موافقا لعلمه سبحانه، التابع لما يختارونه بعد وجودهم وتكليفهم بإرادتهم واختيارهم والمراد بالخلق ثانيا الإيجاد في الخارج (مرآة العقول: ج ٢ ص ١٦٦).

٤- الكافي: ج ١ ص ١٥٢ ح ١، التوحيد: ص ٣٥٧ ح ٥ نحوه، المحاسن: ج ١ ص ٤٣٥ ح ١٠٠٩ وفيه «يصيره» بدل «يصير» وكلها عن منصور بن حازم، بحار الأنوار: ج ٥ ص ١٥٧ ح ١١.

٥- فَوَاقٌ نَاقَهُ: وهو ما بين الحلبتين من الراحة (النهاية: ج ٣ ص ٤٧٩ «فوق»).

٦- الكافي: ج ١ ص ١٥٤ ح ٣، التوحيد: ص ٣٥٧ ح ٤ وفيه «علمه» بدل «كتبه»، المحاسن: ج ١ ص ٤٣٧ ح ١٠١٣ نحوه وكلها عن علي بن حنظله، بحار الأنوار: ج ٥ ص ١٥٩ ح ١٥.

امام باقر علیه السلام: وقتی خداوند تبارک و تعالی مردم را از گِل آفرید ، مانند تیر قرعه (۱) آن ها را انداخت . آن گاه مسلمان را بیرون آورد و او را خوش بخت قرار داد ، و کافر را بدبخت قرار داد .

امام صادق علیه السلام: خداوند ، پیش از آن که بندگانش را بیافریند ، خوش بختی و بدبختی را آفرید . خداوند ، هر که را خوش بخت آفریده ، هرگز دشمنش نمی دارد و اگر او کار بدی انجام دهد ، کارش را دشمن می دارد ، نه خودش را . و چنانچه [بنده اش] بدبخت باشد ، هرگز او را دوست نمی دارد و اگر او کار خوبی انجام دهد ، کارش را دوست می دارد ؛ ولی خودش را به خاطر سرانجامش دشمن می دارد . پس هر گاه خداوند عز و جل چیزی را دوست بدارد ، هرگز دشمنش نمی دارد و هر گاه چیزی را دشمن بدارد ، هرگز دوستش نمی دارد . (۲)

امام صادق علیه السلام: [گاهی] خوش بخت را در طریق بدبختان می برند . به گونه ای که مردم می گویند : «او چه قدر شبیه آنان و بلکه از خود آنان است!» و سپس خوش بختی ، او را در می یابد ، و گاهی بدبخت را در راه خوش بختان می برند ، به گونه ای که مردم می گویند : «او چه قدر شبیه آنان و بلکه از خود آنان است!» و سپس بدبختی ، او را در می یابد . همانا خداوند ، برای هر که خوش بختی تقدیر کند ، هر چند از عمر دنیا جز به اندازه فاصله دو دوشیدن شتر باقی نمانده باشد ، خوش بختی را فرجام او قرار خواهد داد .

۱- .واژه «سهم» که در متن عربی حدیث آمده است، به تیرچه هایی گفته می شد که نام افراد را بر آنها می نوشتند و آنها را در داخل کیسه ای می ریختند و با آن قرعه می زدند . در این تشبیه ، اشاره ای ظریف است به مُشْتَبِه بودن (معلوم نبودن) خوب و بد انسان ها ، تا این که خداوند ، پلید را از پاک ، مشخص کند .

۲- .توضیح ، این که خوش بختی و بدبختی را آفرید و آن دو را با مقدر کردن تکالیفی که موجب آن دو می شوند ، فراهم آورد ، یا بر اساس آنچه مردمان ، پس از به وجود آمدن و مکلف شدن ، با اراده و خواست خودشان انتخاب می کنند ، در لوح های آسمانی می نویسد که او بهشتی است و یا جهنمی ، و مراد از آفرینش دوم ، به وجود آوردن در عالم هستی است (مرآة العقول : ج ۲ ص ۱۶۶) .

٩ / ٢ معنى سَعَادَةِ المَوْلُودِ وَشَقَاوَتِهِ قَبْلَ وِلَادَتِهَا التَّوْحِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ: سَأَلْتُ أَبَا الحَسَنِ مَوْسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مَعْنَى قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ، وَالسَّعِيدُ مَنْ سَعَدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ»، فَقَالَ: الشَّقِيُّ مَنْ عَلِمَ اللَّهُ وَهُوَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَنَّهُ سَيَعْمَلُ أَعْمَالَ الْأَشْقِيَاءِ، وَالسَّعِيدُ مَنْ عَلِمَ اللَّهُ وَهُوَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَنَّهُ سَيَعْمَلُ أَعْمَالَ السُّعَدَاءِ. قُلْتُ لَهُ: فَمَا مَعْنَى قَوْلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اِعْمَلُوا فَكُلُّ مَيْسَرٍ لِمَا خُلِقَ لَهُ. فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ لِيَعْبُدُوهُ وَلَمْ يَخْلُقْهُمْ لِيَعْبُوهُ، وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (١) فَيَسَّرَ كُلَّمَا لِمَا خُلِقَ لَهُ، فَالْوَيْلُ (٢) لِمَنْ اسْتَحَبَّ العَمَى عَلَى الْهُدَى. (٣)

الإمام علي عليه السلام: كُنَّا فِي جِنَازِهِ فِي بَقِيعِ الغَرَقَدِ (٤)، فَأَتَانَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَفَعَدَدَ وَقَعَدْنَا حَوْلَهُ وَمَعَهُ مِخْصَرَةٌ (٥) فَكَسَسَ فَجَعَلَ يَنْكُتُ بِمِخْصَرَتِهِ، ثُمَّ قَالَ: مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ مَا مِنْ نَفْسٍ مَنفُوسَةٍ إِلَّا كُتِبَ مَكَانُهَا مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، وَإِلَّا قَدْ كُتِبَ شَقِيَّةٌ أَوْ سَعِيدَةٌ. فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَفَلَا نَتَكَلَّمُ عَلَى كِتَابِنَا وَنَدْعُ العَمَلَ، فَمَنْ كَانَ مِنَّا مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ فَسَيَصِيرُ إِلَى عَمَلِ أَهْلِ السَّعَادَةِ، وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَّا مِنْ أَهْلِ الشَّقَاوَةِ فَسَيَصِيرُ إِلَى عَمَلِ أَهْلِ الشَّقَاوَةِ. قَالَ: أَمَّا أَهْلُ السَّعَادَةِ فَيَسَّرُونَ لِعَمَلِ السَّعَادَةِ، وَأَمَّا أَهْلُ الشَّقَاوَةِ فَيَسَّرُونَ لِعَمَلِ الشَّقَاوَةِ، ثُمَّ قَرَأَ: «فَأَمَّا مَنْ أُعْطِيَ وَاتَّقَى * وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى * فَسَيُسِّرُهُ لِلْيُسْرَى» (٦). (٧)

- ١- الذاريات: ٥٦.
- ٢- الويل: كلمه عذاب، وقيل: وادٍ في جهنم لو أرسلت فيه الجبال لماعت من حره (الصحيح: ج ٥ ص ١٨٤٦ «ويل»).
- ٣- التوحيد: ص ٣٥٦ ح ٣، بحار الأنوار: ج ٥ ص ١٥٧ ح ١٠.
- ٤- بقيق الغرقد: موضع بظاهر المدينة فيه قبور أهلها (النهاية: ج ١ ص ١٤٦ «بقيق»).
- ٥- المِخْصَرَةُ: ما يختصره الإنسان بيده فيمسكه من عصا أو عُكَّازه أو مِرْعَعه أو قَضِيب، وقد يَتَكَيُّ عليه (النهاية: ج ٢ ص ٣٦ «خصر»).
- ٦- الليل: ٧٥.
- ٧- صحيح البخاري: ج ١ ص ٤٥٨ ح ١٢٩٦، صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٣٩ ح ٦، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٢٧٣ ح ١٠٦٧، مسند أبي يعلى: ج ١ ص ٢٩٠ ح ٥٧٨ كلها عن أبي عبد الرحمن والثلاثة الأخيره نحوه.

۹ / ۲ معنای خوش بختی و بدبختی نوزاد ، پیش از تولد

۹ / ۲ معنای خوش بختی و بدبختی نوزاد ، پیش از تولد نقش قضا و قدر در خوش بختی و بدبختیالتوحید به نقل از محمد بن ابی عمیر : از امام کاظم علیه السلام درباره معنای این سخن پیامبر خدا که : «بدبخت ، کسی است که در رَحِم مادرش بدبخت گشته است و خوش بخت ، کسی است که در رَحِم مادرش خوش بخت شده است» پرسیدم . فرمود : «بدبخت ، کسی است که خدا در حالی که او در رَحِم مادرش است ، می داند که او کارهای بدبختان را خواهد کرد ، و خوش بخت ، کسی است که خدا در حالی که او در رَحِم مادرش است ، می داند که او کارهای خوش بختان را خواهد کرد» . به ایشان گفتم : پس معنای این سخن پیامبر خدا که : «عمل کنید ، که هر کس برای آنچه آفریده شده موفق است» ، چیست؟ فرمود : «خداوند عز و جل جن و انس را آفرید تا او را پرستند و آنان را نیافرید که نافرمانی اش کنند ، و این [به دلیل] سخن خداوند عز و جل است که : «و جن و انس را نیافریدم ، جز برای آن که مرا پرستند» . این چنین [خداوند ، راه رسیدن] هر کس را به فلسفه آفرینش خود ، هموار ساخته است . پس ، وای بر کسی که گم راهی را بر هدایت ترجیح دهد !

امام علی علیه السلام : در بقیع غرقد (۱) کنار جنازه ای بودیم که پیامبر صلی الله علیه و آله ، در حالی که چوب دستی ای همراه داشت ، پیش ما آمد و نشست و ما نیز اطراف او نشستیم . [پیامبر صلی الله علیه و آله] چوب دستی اش را سر و ته کرد و شروع به زمین زدن آن نمود و سپس فرمود : «هیچ یک از شما نیست (/ هیچ مولودی نیست) ، مگر این که مکان او در بهشت و جهنم ، مقرر شده است و بدبختی و خوش بختی او ، از پیش ، معین شده است» . مردی گفت : ای پیامبر خدا! [بدین ترتیب] آیا نباید به آنچه درباره ما تقدیر شده ، تکیه کنیم و عمل را رها نماییم؟! از میان ما ، آن که سعادتمند است ، به سمت عمل سعادت‌مندان خواهد رفت و از میان ما ، آن که بدبخت است ، به سمت عمل بدبختان خواهد رفت . فرمود : «سعادت‌مندان ، به عمل سعادت آمیز ، موفق می شوند و بدبختان ، به عمل بدبختانه» . آن گاه [این آیه را] قرائت فرمود : «اما آن که [حق خدا را داد و پروا داشت و] پاداش [نیکوتر را تصدیق کرد، به زودی، راه آسانی را پیش پای او خواهیم گذاشت و اما آن که بخل ورزید و خود را بی نیاز دید و] پاداش [نیکوتر را به دروغ گرفت، به زودی، راه دشواری را به او هموار خواهیم نمود» .

۱- قبرستان بقیع معروف در مدینه ، این گورستان بدان جهت «بقیع غرقد» نامیده شده که درخت غرقد در آن بوده است .

سنن الترمذى عن عمر بن الخطاب: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: «فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ» (١) سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتُ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ فَعَلَى مَا نَعْمَلُ؟ عَلَى شَيْءٍ قَدْ فُرِغَ مِنْهُ أَوْ عَلَى شَيْءٍ لَمْ يُفْرَغَ مِنْهُ؟ قَالَ: بَلْ عَلَى شَيْءٍ قَدْ فُرِغَ مِنْهُ وَجَرَتْ بِهِ الْأَقْلَامُ يَا عُمَرُ، وَلَكِنْ كُلُّ مُسَيَّرٍ لِمَا خُلِقَ لَهُ. (٢)

المعجم الكبير عن ابن عباس في قوله: «فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ»: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَحْرِصُ أَنْ يُؤْمِنَ جَمِيعُ النَّاسِ وَيَتَابِعُوهُ عَلَى الْهُدَى، فَأَخْبَرَهُ اللَّهُ أَنَّهُ لَا يُؤْمِنُ إِلَّا مَنْ سَبَقَ لَهُ مِنَ السَّعَادَةِ فِي الذِّكْرِ الْأَوَّلِ، وَلَا يَضِلُّ إِلَّا مَنْ سَبَقَ لَهُ مِنَ الشَّقَاءِ فِي الذِّكْرِ الْأَوَّلِ، ثُمَّ قَالَ عَزَّ وَجَلَّ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «لَعَلَّكَ بَخِخٌ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (٣) يَقُولُ: «إِنْ نَشَأَ نُنَزِّلُ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ» (٤). (٥)

١- هود: ١٠٥.

٢- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٢٨٩ ح ٣١١١، كنز العمال: ج ١ ص ٣٣٩ ح ١٥٤٦.

٣- الشعراء: ٣.

٤- الشعراء: ٤.

٥- المعجم الكبير: ج ١٢ ص ١٩٧ ح ١٣٠٢٥، تفسير الطبرى: ج ٧ الجزء ١١ ص ١٧٣، تفسير ابن كثير: ج ١ ص ٦٢ كلاهما نحوه وكلها عن ابن عباس.

سنن الترمذی به نقل از عمر بن خطاب: وقتی این آیه نازل شد: «پس، بعضی از آنان تیره بخت اند و [برخی] نیک بخت»، از پیامبر خدا پرسیدم و گفتم: ای پیامبر خدا! بر چه اساسی عمل کنیم: بر اساس آنچه که [خدا] از تقدیر آن فراغت یافته است، یا بر آنچه هنوز از تقدیرش فارغ نشده است؟ فرمود: «ای عمر! بلکه بر چیزی که مقدر شده و قلم ها آن را نوشته اند؛ لیکن هر کس به آنچه برای آن آفریده شده، موفق می شود».

المعجم الکبیر به نقل از ابن عباس، درباره این سخن خدا: «پس، بعضی از آنان تیره بخت اند و [برخی] نیک بخت»: همانا پیامبر خدا آرزو داشت تا همه مردم ایمان بیاورند و در راه هدایت، از او پیروی نمایند. خداوند، او را آگاه ساخت که جز کسی که در کتاب نخست (لوح محفوظ) پیشینه خوش بختی دارد، ایمان نمی آورد و جز کسی که در کتاب نخست، پیشینه بدبختی دارد، گم راه نمی گردد. سپس به پیامبرش صلی الله علیه و آله فرمود: «شاید تو از این که [مشرکان] ایمان نمی آورند، جان خود را تباه سازی». [نیز] می فرماید: «اگر بخواهیم، معجزه ای از آسمان بر آنان فرود می آوریم تا گردن هایشان در برابر آن، خاضع گردد».

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَنْقُلُ الْعَبْدَ مِنَ الشَّقَاءِ إِلَى السَّعَادَةِ وَلَا يَنْقُلُهُ مِنَ السَّعَادَةِ إِلَى الشَّقَاءِ . (١)

عنه عليه السلام لَمَّا سُئِلَ: فَمَا السَّعَادَةُ وَمَا الشَّقَاوَةُ؟: السَّعَادَةُ سَبَبٌ خَيْرٌ تَمَسَّكَ بِهِ السَّعِيدُ فَيَجُزُّهُ إِلَى النَّجَاهِ، وَالشَّقَاوَةُ سَبَبٌ خِذْلَانٍ تَمَسَّكَ بِهِ الشَّقِيُّ فَيَجُزُّهُ إِلَى الْهَلَاكِه، وَكُلٌّ يَعْلَمُ اللَّهُ (٢). (٣)

الكافي عن أبي بصير: كُنْتُ بَيْنَ يَدَيِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَالِسًا وَقَدْ سَأَلَهُ سَائِلٌ فَقَالَ: جُعِلَتْ فِدَاكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، مِنْ أَيْنَ لِحَقَّ الشَّقَاءُ أَهْلَ الْمَعْصِيَةِ حَتَّى حَكَمَ اللَّهُ لَهُمْ فِي عِلْمِهِ بِالْعِزَابِ عَلَى عَمَلِهِمْ؟ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّهَا السَّائِلُ، حُكْمُ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ لَا يَقُومُ لَهُ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِهِ بِحَقِّهِ، فَلَمَّا حَكَمَ بِذَلِكَ وَهَبَ لِأَهْلِ مَحَبَّتِهِ الْقُوَّةَ عَلَى مَعْرِفَتِهِ، وَوَضَعَ عَنْهُمْ ثِقَلَ الْعَمَلِ بِحَقِيقَتِهِ مَا هُمْ أَهْلُهُ، وَوَهَبَ لِأَهْلِ الْمَعْصِيَةِ الْقُوَّةَ عَلَى مَعْصِيَتِهِمْ لِسَبْقِ عِلْمِهِ فِيهِمْ، وَمَنْعَهُمْ إِطَاقَةَ الْقَبُولِ مِنْهُ، فَوَافَقُوا مَا سَبَقَ لَهُمْ فِي عِلْمِهِ وَلَمْ يَقْدِرُوا أَنْ يَأْتُوا حَالًا تُنَجِّيهِمْ مِنْ عِزَابِهِ؛ لِأَنَّ عِلْمَهُ أَوْلَى بِحَقِيقَةِ التَّصَدِيقِ، وَهُوَ مَعْنَى شَاءَ مَا شَاءَ وَهُوَ سِرُّهُ .

(٤)

١- التوحيد: ص ٣٥٨ ح ٦ عن هشام بن سالم، بحار الأنوار: ج ٥ ص ١٥٨ ح ١٢ .

٢- إشاره إلى بطلان مزعمه أن السعادة والشقاوة ذاتيتان والعبد مجبول عليهما وليستا في حيطته ومقدرته، وأن السعادة سبب خير تمسك به العبد باختياره وإرادته فيجزه إلى النجاه والسعادة، والشقاوة سبب خذلان تمسك به باختياره وإرادته فيجزه إلى الشقاوة والهلكة، والله تعالى عالم بأن العبد أيهما يختار ويريد (بحار الأنوار: ج ١٠ ص ١٨٤) .

٣- الاحتجاج: ج ٢ ص ٢٤٣، بحار الأنوار: ج ١٠ ص ١٨٤ .

٤- الكافي: ج ١ ص ١٥٣ ح ٢، التوحيد: ص ٣٥٤ ح ١ نحوه، بحار الأنوار: ج ٥ ص ١٥٦ ح ٨ .

امام صادق علیه السلام: همانا خداوند تبارک و تعالی بنده را از بدبختی به سوی خوش بختی می برد؛ ولی او را از خوش بختی به سوی بدبختی نمی برد.

امام صادق علیه السلام وقتی از خوش بختی و بدبختی، مورد پرسش قرار گرفت: خوش بختی، وسیله خیر است که سعادت‌مند بدان چنگ می زند، تا این که او را به رستگاری می برد، و بدبختی، سبب نابودی است که بدبخت بدان چنگ می زند، تا این که او را به نابودی می کشاند، و همه اینها با علم خداست. (۱)

الکافی به نقل از ابو بصیر: در حضور امام صادق علیه السلام نشسته بودم که پرسشگری از ایشان پرسید: فدایت شوم، ای فرزند پیامبر خدا! از کجا بدبختی به اهل گناه رسید که خداوند در علم خود، به خاطر عمل آنان، برایشان کیفر نوشت؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «ای پرسشگر! کسی از آفریدگان [از پیش خود] نمی توانست به ادای حقّ خدای متعال در قبال حکمش به پا خیزد. پس وقتی حکم به ادای حقّ خویش فرمود، به دوستدارانش نیرو می بخشد و از آنان سنگینی بار عمل کردن به حقیقت آنچه را سزاوار آن اند، بر می دارد. [نیز] به خاطر دانش پیشین خویش درباره گناهکاران، برای ارتکاب گناه، به آنان نیرو می بخشد و تاب [و روحیه ی] پذیرش [حکم الهی] را از آنان دریغ می نماید [با این که توان و لوازم تکلیف را بدانان می بخشد] پس آنان مطابق همان می کنند که در علم او گذشت و تاب [روحیه ی] پدید آوردن وضعیتی را نیافتند که آنان را از کیفر خدا برهاند؛ زیرا دانش او، شایسته تر و برای تصدیق است، [بی آن که جبری متوجه بندگان نماید] و این است معنای: خواست آنچه را که خواست؛ و این راز اوست».

۱- اشاره به بطلان پنداری است که در آن، بدبختی و خوش بختی، امری ذاتی تلقی می شوند که بندگان بر آنها سرشته شده اند و در حیطه و قدرت خداوند نیستند، در حالی که سعادت، وسیله خوبی است که بنده با اختیار و خواست خود، آن را انتخاب می کند و او را به نجات و سعادت می رساند و شقاوت، وسیله درماندگی است که بنده با خواست و اراده خود، آن را انتخاب می کند و آن، وی را به نابودی و شوربختی می اندازد. خداوندِ والا می داند که بنده کدام یک از آن دو را بر می گزیند.

الإمام الصادق عليه السلام في دُعائه: يا ذا المن لا من عليك، يا ذا الطول (١) لا إله إلا أنت، ظهر اللاجين ومأمن الخائفين، وجار المستجبرين، إن كان عندك في أم الكتاب أتى شقي أو محروم أو مُقتر على رزقي، فامح من أم الكتاب شقائي وحرمانى وإقتار رزقى، واكتبني عندك سعيًا موفقا للخير، مؤسعا على رزقك، فإنك قلت في كتابك المنزل على نبيك المرسل صلواتك عليه وآله: «يُمحوا الله ما يشاء ويثبت وعنده أم الكتاب» (٢). (٣)

التوحيد عن عبد الله بن سلام: سألت رسول الله صلى الله عليه وآله فقلت: أخبرني أيعذب الله عز وجل خلقا بلا حجة؟ فقال صلى الله عليه وآله: معاذ الله. قلت: فأولاد المشركين في الجنة أم في النار؟ فقال صلى الله عليه وآله: الله تبارك وتعالى أولى بهم، إنّه إذا كان يوم القيامة وجمع الله عز وجل الخلائق لفصل الفضاء يأتي بأولاد المشركين، فيقول لهم: عبيدى وإمائى من ربكم وما دينكم وما أعمالكم؟ قال: فيقولون: اللهم ربنا أنت خلقتنا ولم نخلق شيئا، وأنت أمّتنا ولم نمت شيئا، ولم تجعل لنا ألسنة نطق بها ولا أسمعا نسمع بها ولا كتابا نقرأه ولا رسولا نتبعه، ولا علم لنا إلا ما علمتنا. قال: فيقول لهم عز وجل: عبيدى وإمائى إن أمرتكم بأمر أتفعلوه؟ فيقولون: السمع والطاعة لك يا ربنا. قال: فيأمر الله عز وجل نارًا يقال لها الفلق أشد شىء في جهنم عذابا، فتخرج من مكانها سوداء مظلمة بالسلاسل والأغلال، فيأمرها الله عز وجل أن تنفخ في وجوه الخلائق نفخة، فتنفخ، فمن شدها نفختها تنقطع السماء وتنطمس النجوم وتجمد البحار وتزول الجبال وتظلم الأبصار وتضع الحوامل حملها، ويشيب الولدان من هولها يوم القيامة، ثم يأمر الله تبارك وتعالى أطفال المشركين أن يلقوا أنفسهم في تلك النار، فمن سبق له في علم الله عز وجل أن يكون سعيدا ألقى نفسه فيها، فكانت عليه بردا وسلاما كما كانت على إبراهيم عليه السلام، ومن سبق له في علم الله عز وجل أن يكون شقيا امتنع فلم يلق نفسه في النار، فيأمر الله تبارك وتعالى النار فتلقطه لتركة أمر الله وامتناعه من الدخول فيها، فيكون تبعا لابائه في جهنم وذلك قوله عز وجل: «فمنهم شقي وسعيد * فأما الذين شقوا ففي النار لهم فيها زفير وشهيق * خالدين فيها مادامت السموات والأرض إلا ما شاء ربك إن ربك فعال لما يريد * وأما الذين سعدوا ففي الجنة خالدين فيها مادامت السموات والأرض إلا ما شاء ربك عطاء غير مجذوذ» (٤). (٥)

١- الطول: الفضل (النهاية: ج ٣ ص ١٤٥ «طول»).

٢- الرعد: ٣٩.

٣- تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٧٢ ح ٢٣٢ عن ذريح بن محمد المحاربي، المقنعه: ص ١٧٣، مصباح المتهجد: ص ٥٤٤ كلاهما من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، الإقبال: ج ١ ص ٩٢، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٧.

٤- هود: ١٠٨ ١٠٥.

٥- التوحيد: ص ٣٩٠ ح ١، بحار الأنوار: ج ٥ ص ٢٩١ ح ٧.

امام صادق علیه السلام در دعایش: ای صاحب مَنّت! که بر تو مَنّتی نیست. ای صاحب فضل! معبودی جز تو نیست. [ای اِپشتیبان پناهندگان و پناهگاه ترسندگان و پناه دهنده پناهجویان! اگر من در اُمّ الکتاب (لوح محفوظ)، نزد تو، بدبخت یا محروم و یا روزی ام را بر من تنگ گرفته ای، بدبختی و محرومیت و تنگی روزی ام را از اُمّ الکتاب، محو کن و مرا نزد خود، خوش بخت و موفق به نیکی و دارای روزی فراوان، مقرر فرما؛ چرا که تو در کتاب نازل شده بر پیامبر فرستاده ات که درود تو بر او و خاندانش باد فرمودی: «خدا آنچه را بخواهد، محو یا اثبات می کند، و اصل کتاب، نزد اوست».

التوحید به نقل از عبد الله بن سلام: از پیامبر خدا پرسیدم و گفتم: مرا آگاه ساز که آیا خداوند عز و جل بی دلیل، مردمی را کیفر می دهد؟ فرمود: «پناه بر خدا! [چنین نیست]». گفتم: پس فرزندان مشرکان، آیا در بهشت اند، یا دوزخ؟ فرمود: «خداوند تبارک و تعالی [نسبت به مهربانی] به آنان سزاوارتر است. هر گاه روز رستاخیز شد و خداوند عز و جل مردمان را برای داوری گرد آورد، فرزندان مشرکان را می آورد و به آنان می فرماید: بندگان و کنیزان من! پروردگار شما کیست؟ و آیین و اعمال شما چیست؟ می گویند: خدایا! پروردگار ما! تو ما را آفریدی و ما چیزی را نیافریده ایم، و تو ما را میراندی و ما چیزی را نمیرانده ایم، و برای ما زبانی که بدان سخن بگوییم و گوشی که بدان بشنویم و کتابی که آن را قرائت کنیم و فرستاده ای که از او پیروی نماییم، قرار ندادی و البته ما، جز آنچه تو به ما آموخته ای، دانشی نداریم. خداوند عز و جل به آنان می فرماید: بندگان و کنیزان من! آیا اگر شما را به کاری فرمان دهم، آن را انجام می دهید؟ می گویند: گوش به فرمان تویم، ای پروردگار ما! آن گاه خداوند عز و جل به آتشی که به آن، فلق گفته می شود و سخت ترین کیفر در جهنّم است، فرمان می دهد و آن از جایگاه خود به صورت سیاه و تاریک همراه با غل ها و زنجیرها بیرون می آید. خداوند عز و جل به آن دستور می دهد که در چهره مردمان، دمی بدمد. آن هم می دمَد و از شدّت دم آن، آسمان، پاره می گردد و ستارگان، ناپدید می شوند و دریاها منجمد و کوه ها محو و دیدگان، کور می گردند و زنان باردار [اگر این صحنه را مشاهده کنند، از شدّت ترس]، وضع حمل می نمایند و نوزادان از ترس آن در روز رستاخیز، پیر می گردند. سپس خداوند تبارک و تعالی کودکان مشرکان را فرمان می دهد که خودشان را در این آتش بیفکنند. هر که در دانش خداوند عز و جل پیشینه نیک بختی داشته باشد، خود را در آن می افکند؛ ولی آن آتش برای او سرد و سلامت می شود، همچنان که برای ابراهیم علیه السلام شد، و هر که در دانش خداوند عز و جل پیشینه تیره بختی داشته باشد، خودداری می کند و خود را در آن آتش نمی افکند. آن گاه خداوند تبارک و تعالی به آتش فرمان می دهد و آتش، او را به خاطر این که فرمان خدا را ترک کرده و از وارد شدن در آن خودداری نموده است، می بلعد. پس به دنبال پدرانش، در جهنّم خواهد بود و این، [معنای] سخن خداوند عز و جل است که: «آن گاه بعضی از آنان تیره بخت اند و [برخی] نیک بخت: کسانی که تیره بخت شده اند، در آتش، فریاد و ناله ای دارند [و] تا آسمان ها و زمین برجایند، در آن، ماندگار خواهند بود، مگر آن که پروردگارت چیزی [دیگر] بخواهد، که پروردگار تو، همان می کند که بخواهد. و کسانی که نیک بخت شده اند، تا آسمان ها و زمین برجایند، در بهشت، جاودان خواهند بود، مگر آن که پروردگارت چیزی [دیگر] بخواهد، که [این،] بخششی است که بریدنی نیست».

الكافي عن سهل بن زياد عن غير واحد رفعوه: إِنَّهُ سِيئِلٌ عَنِ الْأَطْفَالِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جَمَعَهُمُ اللَّهُ وَأَجَجَ لَهُمْ نَارًا وَأَمَرَهُمْ أَنْ يَطْرَحُوا أَنْفُسَهُمْ فِيهَا، فَمَنْ كَانَ فِي عِلْمِ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلَّ أَنْهُ سَيِّعِيذٌ رَمَى بِنَفْسِهِ وَكَانَتْ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا، وَمَنْ كَانَ فِي عِلْمِهِ أَنْهُ شَقِيٌّ امْتَنَعَ فَيَأْمُرُ اللَّهُ بِهِمْ إِلَى النَّارِ، فَيَقُولُونَ: يَا رَبَّنَا، تَأْمُرُ بِنَا إِلَى النَّارِ وَلَمْ تُجِرْ عَلَيْنَا الْقَلَمَ؟ فَيَقُولُ الْجَبَّارُ: قَدْ أَمَرْتُكُمْ مُشَافَهَةً فَلَمْ تُطِيعُونِي، فَكَيْفَ وَلَوْ أُرْسَلْتُ رُسُلِي بِالْغَيْبِ إِلَيْكُمْ. (١)

كتاب سليم بن قيس عن سليم: قُلْتُ لِابْنِ عَبَّاسٍ: أَخْبِرْنِي بِأَعْظَمِ مَا سَمِعْتُمْ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا هُوَ؟ قَالَ سُلَيْمٌ: فَأَتَانِي بِشَيْءٍ قَدْ كُنْتُ سَمِعْتُهُ أَنَا مِنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: دَعَانِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفِي يَدِهِ كِتَابٌ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ دُونَكَ هَذَا الْكِتَابَ، فَقُلْتُ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَمَا هَذَا الْكِتَابُ؟ قَالَ: كِتَابٌ كَتَبَهُ اللَّهُ، فِيهِ تَسْمِيَةُ أَهْلِ السَّعَادَةِ وَأَهْلِ الشَّقَاوَةِ مِنْ أُمَّتِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، أَمَرَنِي رَبِّي أَنْ أَدْفَعَهُ إِلَيْكَ. (٢)

١- الكافي: ج ٣ ص ٢٤٨ ح ٢، بحار الأنوار: ج ٥ ص ٢٩١ ح ٨.

٢- كتاب سليم بن قيس: ج ٢ ص ٨٠٤ ح ٣٣، بحار الأنوار: ج ٤٠ ص ١٨٧ ح ٧٢.

الکافی به نقل از سهل بن زیاد، از چند نفر، در حدیثی که سند آن را به معصوم رسانده اند: او درباره کودکانش، مورد پرسش قرار گرفت. فرمود: «وقتی روز رستاخیز شد، خداوند، آنان را گرد می آورد و آتشی را برای آنان شعله ور می نماید و به آنان دستور می دهد که خود را در آن بیفکنند. آن که در دانش خداوند عز و جل نیک بخت است، خود را در آتش می اندازد، در حالی که آتش برای او سرد و سلامت است، و آن که در دانش خدا تیره بخت است، خودداری می ورزد و خداوند، فرمان می دهد که آنان را به سوی آتش دوزخ بَرند. آنان می گویند: ای پروردگار ما! فرمان می دهی که ما را به سوی آتش بَرند، در حالی که بر ما قلم [تیره بختی] نرانده ای؟ [خداوند] جَبَّار می فرماید: «من شما را رو در رو فرمان دادم و مرا اطاعت نکردید. چه می کردید اگر فرستاده ای را از غیب برایتان می فرستادم؟».

کتاب سلیم بن قیس به نقل از سلیم: به ابن عباس گفتم: مرا آگاه ساز که بزرگ ترین چیزی که از علی بن ابی طالب علیه السلام شنیده اید، چیست. او چیزی را برایم گفت که خودم آن را از علی علیه السلام شنیده بودم. فرمود [ه بود]: «پیامبر خدا مرا در حالی که در دستش کتابی بود، خواست و فرمود: ای علی! این کتاب را بگیر. گفتم: ای پیامبر خدا! این، چه کتابی است؟ فرمود: کتابی است که خدا نوشته است. در آن، نام نیک بختان و تیره بختان امت من تا روز رستاخیز، هست. پروردگارم به من فرمان داد که آن را به تو بدهم.».

پژوهشی پیرامون حدیث «خوش بخت در رحم مادرش خوش بخت است»

اشاره

پژوهشی پیرامون حدیث «خوش بخت در رحم مادرش خوش بخت است» از ظاهر این حدیث، چنین برداشت می‌شود که خوش بختی و بدبختی، مادرزادی اند و سعادت و شقاوت انسان‌ها، پیش از آن که متولد شوند، مشخص است. به سخن دیگر، هر کسی در شکم مادر سعادت‌مند باشد، زندگی او پس از تولد نیز توأم با خوش بختی است و اگر در شکم مادر بدبخت رقم خورده باشد، پس از تولد نیز بدبخت خواهد بود. بنا بر این برداشت، این سؤال، مطرح می‌شود که: آیا این حدیث، بر مجبور بودن انسان‌ها در پیمودن راه سعادت و شقاوت، دلالت ندارد؟ پیش از پاسخگویی به این سؤال، توجه به این نکته ضروری است که اعتقاد به جبر چنان که پیش از این به تفصیل توضیح دادیم به معنای انکار علم حضوری انسان به اختیار و آزادی خویش و نیز به معنای انتساب ظلم و فعل قبیح به خداوند متعال است و در صورت جبری بودن افعال انسان، دین و شریعت و ارزش‌های اخلاقی بی‌معنا خواهند بود. بر اساس این نکته مسلم و تردیدناپذیر، قضا و قدر الهی و از جمله تقدیر خوش بختی و بدبختی انسان، حتماً باید به گونه‌ای تفسیر شود که به مجبور بودن انسان در انتخاب راه زندگی نینجامد.

۱. خداوند، قبل از تولد انسان ها، به خوش بختی و بدبختی آنها علم دارد

با عنایت به این نکته، می توان گفت که این حدیث، به یکی از معانی زیر، اشاره دارد:

۱. خداوند، قبل از تولد انسان ها، به خوش بختی و بدبختی آنها علم دارد خداوند متعال، سرنوشت همه انسان ها را قبل از تولد آنها می داند؛ اما روشن است که علم ازلی خداوند، علت صدور افعال انسان نیست. به سخن دیگر، خداوند متعال می داند که هر انسانی با اراده و انتخاب خود، چه راهی را در زندگی انتخاب می کند. با این فرض، انسان در انتخاب راه خوب یا بد، مجبور نیست. این تفسیر از حدیث، عینا از امام کاظم علیه السلام روایت شده است: الشَّقِيُّ مَنْ عَلِمَ اللَّهُ وَهُوَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَنَّهُ سَيَعْمَلُ أَعْمَالَ الْأَشْقِيَاءِ، وَالسَّعِيدُ مَنْ عَلِمَ اللَّهُ وَهُوَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَنَّهُ سَيَعْمَلُ أَعْمَالَ السُّعْدَاءِ. (۱) بدبخت، کسی است که خداوند از همان زمانی که او در رحم مادرش است، می داند که او کارهای بدبختان را خواهد کرد؛ و خوش بخت، کسی است که خداوند از همان زمانی که او در رحم مادرش است، می داند که او کارهای خوش بختان را خواهد کرد. به بیان روشن تر، اگر معنای حدیث مورد بحث، این بود که خداوند متعال عدّه ای از مردم را فطرتا خوش بخت و مؤمن و عدّه ای دیگر را فطرتا بدبخت و کافر آفریده است، انسان ها در پیمودن راه سعادت و شقاوت، مجبور بودند، حال آن که چنین نیست و آفریدگار جهان، هیچ کس را بدبخت و کافر نیافریده و همه را فطرتا موخّذ آفریده است، چنان که در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است:

۲. خوش بختی برای مؤمن و بدبختی برای کافر ، تقدیر شده است

إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ خَلْقَهُ جَمِيعًا مُسْلِمِينَ ، أَمَرَهُمْ وَنَهَاَهُمْ ، وَالْكَفْرُ اسْمٌ يَلْحَقُ الْفِعْلَ حِينَ يَفْعَلُهُ الْعَبْدُ ، وَلَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ الْعَبْدَ حِينَ خَلَقَهُ كَافِرًا، إِنَّهُ إِنَّمَا كَفَرَ مِنْ بَعْدِ أَنْ بَلَغَ وَقْتًا لَزِمَتْهُ الْحُجَّةُ مِنَ اللَّهِ ، فَعَرَضَ عَلَيْهِ الْحَقُّ فَجَحَدَهُ ، فَيُنْكَارُهُ الْحَقُّ صَارَ كَافِرًا . (۱) خداوند ، آفریده های خود را آفرید و به آنها دستور داد و نهیشان کرد . و کفر، آن زمانی که کافر کفر را انجام می دهد ، به کافر می پیوندد . خداوند ، وقتی بنده را آفرید ، او را کافر نیافرید . همانا بنده ، زمانی کافر گشت که حجّت از سوی خدا به او رسید و بر او عرضه شد ؛ ولی او آن را انکار نمود . پس به خاطر انکار کردن حق، کافر گردید .

۲. خوش بختی برای مؤمن و بدبختی برای کافر ، تقدیر شده است معنای دیگری که برای حدیث می توان نمود ، این است که خداوند متعال برای فرزندان که می داند در آینده راه درست زندگی را انتخاب می کنند و ایمان می آورند ، در شکم مادرهایشان خوش بختی مقدر کرده و برای فرزندان که می داند در آینده راه نادرست را انتخاب می کنند و کفر می ورزند ، در شکم مادرهایشان بدبختی مقدر نموده است ، چنان که در حدیثی ، از پیامبر خدا آمده است که : سَبَقَ الْعِلْمُ وَجَفَّ الْقَلَمُ ، وَمَضَى الْقَدَرُ بِتَحْقِيقِ الْكِتَابِ وَتَصْدِيقِ الرُّسُلِ ، وَبِالسَّعَادَةِ مِنَ اللَّهِ عِزُّ وَجَلِّ لِمَنْ آمَنَ وَاتَّقَى ، وَبِالشَّقَاءِ لِمَنْ كَذَّبَ وَكَفَرَ ، وَبِوَلَايَةِ اللَّهِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَبِرَاءَتِهِ مِنَ الْمُشْرِكِينَ . (۲) علم ، پیشی گرفت و قلم ، رقم زد و قدر ، قطعی شد برای به حقیقت پیوستن کتاب [آسمانی] و تصدیق پیامبران و برای سعادت مندی هر مؤمن و تقوای پیشه ای از جانب خدا و برای بدبختی هر تکذیب کننده و کافر و نیز برای

۱- ر. ک: ص ۲۴ ح ۶۱۱۷ .

۲- ر. ک: ص ۳۷۰ ح ۶۷۱۹ .

۳. انتخاب انسان در عالم ذر ، در خوش بختی و بدبختی او مؤثر است

جمع بندی

ولایت خداوند بر مؤمنان و برائتش از مشرکان . بنا بر این ، سعادت و شقاوت ، گرچه به وسیله خداوند عز و جل تقدیر می شوند، اما بر اساس ایمان و تقوا ، و کفر وانکار که عمل اختیاری انسان اند برای انسان ، رقم می خورند .

۳. انتخاب انسان در عالم ذر ، در خوش بختی و بدبختی او مؤثر است سومین معنای ارائه شده برای حدیث مورد بحث، آن است که بر اساس شماری از احادیث، انتخاب انسان در عالم ذر که پیش از عالم کنونی بوده در تکوین سرشت او مؤثر بوده است ، بدین معنا که افرادی که در آن عالم ، راه درست را انتخاب کرده اند ، سرشتشان در این جهان نیز تمایل به انتخاب راه درست دارد که موجب خوش بختی آنها می شود و کسانی که راه نادرست را انتخاب کرده اند ، طبعاً مایل به کارهای ناشایست هستند که موجب بدبختی آنها می شود ، هر چند آنها که تمایل به بدی دارند ، می توانند راه درست را انتخاب کنند و آنها که تمایل به نیکی دارند ، می توانند راه نادرست را انتخاب نمایند و در هر دو صورت ، اجباری در کار نیست .

جمع بندی به نظر می رسد که معنای حدیث مورد بحث ، همان معنای نخست است که در کلام امام کاظم علیه السلام آمده است و معنای دوم نیز به همان معنا باز می گردد ؛ اما معنای سوم ، علاوه بر این که مبتنی بر اعتقاد به عالم ذر است و خود این مسئله ، نیاز به بررسی دارد ، انطباق آن با حدیث «خوش بخت ، در شکم مادرش خوش بخت است ...» مشکل است . گفتنی است که سایر احادیثی که در باب گذشته آمده اند ، هر چند به معنای

حدیث مورد بحث اشاره ندارند، ولی در تفسیر و تبیین آن می توانند مورد بهره برداری قرار گیرند.

الفصل العاشر: دور الإنسان في القضاء والقدر ١٠ / ١ دور العَمَلِ فِي مَصِيرِ الْإِنْسَانِ الْكِتَابُ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» . (١)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: كَمَا تَكُونُونَ يُؤَلَّى أَوْ يُؤَمَّرُ (٢) عَلَيْكُمْ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا جَعَلَ أَمْرَهُمْ إِلَى مُتْرَفِيهِمْ . (٤)

الإرشاد: كَتَبَ [عَلِيٌّ] عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْفَتْحِ إِلَى أَهْلِ الْكُوفَةِ [بَعْدَ حَرْبِ الْجَمَلِ]: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: مِنْ عَبْدِ اللَّهِ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى أَهْلِ الْكُوفَةِ: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ فَإِنِّي أَحْمَدُ إِلَيْكُمْ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، أَمَا بَعْدُ: فَإِنَّ اللَّهَ حَكَمَ عَدْلًا لَا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ، وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ . (٥)

١- .الرعد : ١١ .

٢- .. الظاهر أن التردد من الراوى .

٣- .مسند الشهاب : ج ١ ص ٣٣٧ ح ٥٧٧ ، الفردوس : ج ٣ ص ٣٠٥ ح ٤٩١٨ كلاهما عن أبي بكره ، كنز العمال : ج ٦ ص ٨٩ ح ١٤٩٧٢ .

٤- .كنز العمال : ج ٦ ص ٨٩ ح ١٤٩٧٣ نقلًا عن الفردوس عن الإمام علي عليه السلام .

٥- .الإرشاد : ج ١ ص ٢٥٨ ، الجمل : ص ٢١٣ ، بحار الأنوار : ج ٣٢ ص ٣١٨ .

فصل دهم: نقش انسان در قضا و قدر

۱۰ / ۱ نقش عمل در سرنوشت انسان

فصل دهم: نقش انسان در قضا و قدر ۱۰ / نقش عمل در سرنوشت انسانقرآن«در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی دهد تا این که آنان حال خود را تغییر دهند».

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همان گونه که هستید، بر شما سرپرستی (حکومت) می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، هر گاه برای قومی، بدی اراده نماید، کارشان را به ستمگرانِ خوش گذران (مُتْرِفین) آنها می سپارد.

الإرشاد: [علی علیه السلام] به مردم کوفه نوشت: «به نام خداوند بخشنده مهربان. از بنده خدا، علی امیر مؤمنان، به مردم کوفه. درود بر شما! همانا من خدایی را که جز او معبودی نیست، در برابر شما می ستایم. اما بعد، خداوند، داور دادگری است که حال (سرنوشت) قومی را تغییر نمی دهد تا این که خودشان وضعیتشان را تغییر دهند، و هر گاه خداوند، بدی قومی را اراده نماید، [اراده اش] برگشت پذیر نیست و آنان غیر از او فرمان روایی ندارند».

الإمام علي عليه السلام في صفة أهل الصبر والمقاومة من المؤمنين: لم يمتنوا على الله بالصبر، ولم يستعظموا بذل أنفسهم في الحق، حتى إذا وافق وارِدُ القضاء انقطع مده البلاء، حملوا بصائرهم على أسيافهم، ودانوا لربهم بأمر واعظهم. (١)

عنه عليه السلام من كلامه في استبطاء من قعد عن نصرته: ما أظن هؤلاء القوم يعنى أهل الشام إلا ظاهرين عليكم... أرى أمورهم قد علت ونيرانكم قد حبت، وأراهم جادين وأراكم وانين (٢)، وأراهم مجتمعين وأراكم متفرقين، وأراهم لصاحبيهم مطيعين وأراكم لى عاصين. (٣)

عنه عليه السلام: والله لقد خشيت أن يدال هؤلاء القوم عليكم بصيلاجهم في أرضهم وفسادكم في أرضكم، وبأدائهم الأمانة وخيانتكم، وبطواعيتهم إمامهم ومعصيتكم له، واجتماعهم على باطلهم وتفريقكم على حقاكم. (٤)

عنه عليه السلام في خطبته بعد فراغه من أمر الخوارج: إن الله قد أحسن نصركم، فتوجهوا من فوركم هذا إلى عدوكم من أهل الشام... «يقوم ادخلوا الأرض المقدسة التي كتب الله لكم ولا تزددوا على أذباركم فتقلبوا حسرين» (٥). (٦)

١- نهج البلاغة: الخطبة ١٥٠، بحار الأنوار: ج ٢٩ ص ٦١٦ ح ٢٩؛ ينابيع المودة: ج ٣ ص ٢٧٣.

٢- ونيتم: أي قصرتم وفترتم (النهاية: ج ٥ ص ٢٣١ «ونا»).

٣- الإرشاد: ج ١ ص ٢٧٤، الغارات: ج ٢ ص ٥١١ وفيه «الطائعين» بدل «مطيعين»، بحار الأنوار: ج ٣٤ ص ١٥١ ح ٩٦٣؛ الإمامة والسياسة: ج ١ ص ١٧٢ نحوه.

٤- المعجم الكبير: ج ٣ ص ١٠٢ ح ٢٨٠١، تاريخ دمشق: ج ١٤ ص ١٧٨ كلاهما عن المسيب بن نجبه، الإمامة والسياسة: ج ١ ص ١٧٤؛ الغارات: ج ٢ ص ٤٨٨ عن المسيب بن نجبه الفزاري وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٣٤ ص ٥٧.

٥- المائدة: ٢١.

٦- شرح نهج البلاغة: ج ٢ ص ١٩٢؛ الغارات: ج ١ ص ٢٤ نحوه وليس فيه ذيله.

امام علی علیه السلام در توصیف مؤمنان اهل صبر و مقاومت : بر خداوند به خاطر صبر و مقاومتشان منتی نگذارند ، و جانبازی در راه حق را بزرگ نشمردند تا این که وقتی قضا [و قدر] ، موافق پایان یافتن زمان بلا شد، آگاهی و بینایی خویش را بر شمشیرهایشان حمل کردند (با بصیرت، شمشیر زدند) و به فرمان پند دهنده شان (پیامبر صلی الله علیه و آله) ، به پروردگارشان گردن نهادند .

امام علی علیه السلام از سخنانش درباره گندی کسانی که او را یاری نکردند : این قوم (أهل شام) را جز کسانی که بر شما پیروز می شوند ، نمی پندارم ... آنها را می بینم که کارشان بالا گرفته ؛ ولی آتش شما خاموش گشته است . آنان را کوشا می بینم شما را سُست . آنان را متّحد ، ولی شما را پراکنده می بینم . آنان را می بینم که از فرمانده شان فرمان می برند ؛ ولی شما از من نافرمانی می کنید .

امام علی علیه السلام : به خدا ، همانا می ترسم که [روزگار بچرخد و] این قوم [بر شما غلبه کنند و] به خاطر درستی شان در سرزمینشان و فساد شما در سرزمینتان و به جهت امانتداری شان و خیانتکاری شما ، و به جهت فرمانبری شان از رهبرشان و نافرمانی شما از رهبرتان ، و به خاطر همبستگی شان در [راه] باطلشان و پراکندگی شما در حقّتان، کار را به دست گیرند .

امام علی علیه السلام در خطبه اش پس از فراغت از غائله خوارج : همانا خداوند ، خوب یاری تان کرد . پس هم اینک به سوی دشمن شامی تان راهی شوید ... «ای قوم من! به سرزمین مقدّسی که خداوند برای شما مقرّر داشته است ، در آید و به عقب باز نگردید که زیانکار خواهید شد» .

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ يَمُوتُ بِالذُّنُوبِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ ، وَمَنْ يَعِيشُ بِالْإِحْسَانِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَعِيشُ بِالْأَعْمَارِ . (١)

١٠ / ٢ دَوْرُ الْجِهَادِ فِي حُسْنِ الْقَضَاءِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي صِفَةِ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بَعْدُونَا الْكَبْتَ (٢) وَأَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ ، حَتَّى اسْتَقَرَّ الْإِسْلَامُ مُلْقِيَا جِرَانَهُ (٣) وَمُتَّبِعُونَا أَوْطَانَهُ . (٤)

عنه عليه السلام من كلامه يوم صفين: لَقَدْ كَانَ الرَّجُلُ مِنَّا وَالْآخِرُ مِنْ عِدُونَا يَتَصَاوِلَانِ تَصَاوُلَ الْفَحْلَيْنِ ، يَتَخَالَسَانِ أَنْفُسَهُمَا أَيُّهُمَا يَسْقَى صَاحِبَهُ كَأْسَ الْمَنُونِ ، فَمَرَّةً لَنَا مِنْ عِدُونَا وَمَرَّةً لِعِدُونَا مِنَّا ، فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صُبْرًا صُدُقًا أَنْزَلَ اللَّهُ بَعْدُونَا الْكَبْتَ ، وَأَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ . (٥)

نهج السعادة عن الإمام علي عليه السلام في الإخبار عما يقع بعده: أَلَا وَإِنَّهُ لَا يَزَالُ الْبَلَاءُ بِكُمْ مِنْ بَعْدِي حَتَّى يَكُونَ الْمُحِبُّ لِي وَالْمُتَّبِعُ أَذَلَّ فِي أَهْلِ زَمَانِهِ مِنْ فَرخِ الْأُمَمِ ! قَالُوا : وَلِمَ ذَلِكَ ؟ قَالَ : ذَلِكَ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ ، بِرِضَاكُمْ بِالِدِّيَّةِ فِي الدِّينِ ، فَلَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا ظَهَرَ الْجَوْرُ مِنْ أَيْمِهِ الْجَوْرَ بَاعَ نَفْسَهُ مِنْ رَبِّهِ وَأَخَذَ حَقَّهُ مِنَ الْجِهَادِ لَقَامَ دِينَ اللَّهِ ... (٦)

١- الأمل للطوسي : ص ٣٠٥ ح ٦١١ عن الفضيل بن يسار عن أبيه و ص ٧٠١ ح ١٤٩٨ وفيه «بالأعمال» بدل «بالأعمار» ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٨٧ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ١٤٠ ح ٦ .

٢- الكبت : الصِّرفُ والإذلال (الصحاح : ج ١ ص ٢٦٢ «كبت»).

٣- جِرَانُ البعير بالكسر : مقدّم عنقه ، من مذبحه إلى منحره ، فإذا برك البعير ومدّ عنقه على الأرض ، قيل : ألقى جِرَانَهُ بالأرض (مجمع البحرين : ج ١ ص ٢٨٧ «جرن»).

٤- نهج البلاغة : الخطبه ٥٦ ، بحار الأنوار : ج ٣٠ ص ٣٢٨ .

٥- وقعه صفين : ص ٥٢١ عن الشعبي ، الإرشاد : ج ١ ص ٢٦٨ ، نهج السعادة : ج ٢ ص ٢٥٩ .

٦- نهج السعادة : ج ٣ ص ٢٩٨ ح ٨٠ نقلًا عن تيسير المطالب عن زاذان .

۱۰ / ۲ نقش جهاد در سرنوشت نیک

امام صادق علیه السلام: کسانی که به خاطر گناهان می میرند ، بیش از کسانی هستند که به خاطر آجل ها [یشان] می میرند ، و کسانی که به سبب نیکوکاری زندگی می کنند ، بیش از کسانی هستند که به خاطر عمرها [ی طبیعی] زندگی می کنند .

۱۰ / ۲ نقش جهاد در سرنوشت نیک امام علی علیه السلام در وصف یاران پیامبر خدا: وقتی خداوند ، راستی ما را [در ایمان و فداکاری] دید ، بر دشمن ما خواری [و شکست] ، و برای ما یاری [و پیروزی] فرو فرستاد ، تا این که اسلام ، همچون شتری که هنگام استراحت ، سینه و گردن خود را بر زمین می نهد ، استقرار یافت و در جایگاه خود قرار گرفت .

امام علی علیه السلام از سخنانش در روز صفین: همانا مردی از ما و مردی از دشمن ما ، همانند دو حیوان نر با هم گلاویز می شدند و به جان یکدیگر می افتادند تا یکی از آن دو ، دیگری را از جام مرگ ، سیراب می کرد . گاهی ما پیروز می شدیم و گاهی دشمن ، چیره می گشت . وقتی خداوند عز و جل شکیب ها و راستی های ما را دید ، دشمن ما را خواری [و شکست] ، و ما را یاری [و پیروزی] نصیب کرد .

نهج السعادة به نقل از امام علی علیه السلام در پیشگویی آنچه پس از وی رخ می داد: «هلاک پس از من ، بلا (گرفتاری و سختی) پیوسته دامنگیرتان خواهد بود ، به طوری که دوست و پیرو من ، در میان مردم روزگار خود ، از کنیززاده ، خوارتر می شود» . گفتند: چرا؟ فرمود: «این ، نتیجه عملکرد شماست ، به خاطر این که به پستی در دین رضایت می دهید . اگر یکی از شما وقتی ستم ستمگران را دید ، جانش را به پروردگارش تقدیم بدارد و با جهاد ، حقش را بستاند ، به یقین ، دین خدا پایدار می ماند ...» .

١٠ / ٣ دور الأعمال السيئة في سوء القضاء الإمام على عليه السلام لما خرج إلى صفين وممر بخرائب الميدانين : إن هؤلاء القوم كانوا وارثين فأصبحوا موروثين ، وإن هؤلاء القوم استحلوا الحرام فحلت بهم النقم ، فلا تستحلوا الحرام فتحل بكم النقم . (١)

الكافي عن أبي حمزة الثمالي : قال أمير المؤمنين عليه السلام في خطبته : أعوذ بالله من الذنوب التي تعجل الفناء . فقام إليه عبد الله بن الكواء الشكري (٢) فقال : يا أمير المؤمنين ، أو تكون ذنوب تعجل الفناء ؟ فقال : نعم ويلك ، قطيعه الرجم ، إن أهل البيت ليجتمعون ويتواسون وهم فجرة فيرزقهم الله ، وإن أهل البيت ليتفرقون ويقطع بعضهم بعضاً فيحرمهم الله وهم أتقياء . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام : كان أبي عليه السلام يقول : نعوذ بالله من الذنوب التي تعجل الفناء وتقرب الآجال وتخلي الديار ، وهي قطيعه الرجم والعقوق وترك البر . (٤)

١- تاريخ بغداد : ج ١ ص ١٣٣ عن أبي بكر بن عياش ، كنز العمال : ج ١٦ ص ٢٠٥ ح ٤٤٢٢٨ وراجع المستدرک على الصحيحين : ج ٢ ص ٤٨٨ ح ٣٦٨٠ و تهذيب الكمال : ج ١٢ ص ١٥٩ ح ٢٥٩٩ .

٢- وكان من رؤساء الخوارج .

٣- الكافي : ج ٢ ص ٣٤٧ ح ٧ ، الدعوات : ص ٦١ ح ١٥١ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٤ ص ١٣٧ ح ١٠٧ .

٤- الكافي : ج ٢ ص ٤٤٨ ح ٢ عن إسحاق بن عمار ، بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ٢٥٣ .

۱۰ / ۳ نقش کارهای زشت در سرنوشت بد

۱۰ / ۳ نقش کارهای زشت در سرنوشت بد امام علی علیه السلام وقتی به مقصد صَفَیْن بیرون رفت و از ویرانه های مدائن گذشت: همانا این قوم، [خود، روزگاری] ارث بر بودند و سپس ارث گذار شدند! این قوم، حرام ها را حلال شمردند تا این که بلاها بر آنها روا گشت. پس، شما حرام ها را حلال نشمارید، که عذاب ها بر شما [نیز] روا می گردند.

الکافی به نقل از ابو حمزه ثمالی: امیر مؤمنان در خطبه اش فرمود: «از گناهایی که نابودی را سرعت می بخشند، به خدا پناه می برم». عبد الله بن کَوَّای یَشْکُری (از بزرگان خوارج) برخاست و گفت: ای امیر مؤمنان! مگر گناهایی هستند که نابودی را سرعت ببخشند؟ فرمود: «آری، وای بر تو! بریدن پیوند خویشاوندی. همانا [گاهی] خانواده گرد هم می آیند و به همدیگر یاری می رسانند، در حالی که گناهکارند؛ ولی خداوند، روزی شان می دهد، و [گاهی] خانواده از هم پراکنده می شوند و از همدیگر می بُرند و خدا آنان را محروم می کند، در حالی که پرهیزگارند».

امام صادق علیه السلام: همواره پدرم علیه السلام می فرمود: «از گناهایی که نابودی را سرعت می بخشند و آجل ها را نزدیک می گردانند و سرزمین ها را [از ساکنانش] تهی می کنند، به خدا پناه می بریم، و آنها عبارت اند از: قطع رَحِم، بدرفتاری با پدر و مادر، و ترک نیکی».

الكافي عن حذيفه بن منصور عن الإمام الصادق عليه السلام: اتَّقُوا الْحَالِقَةَ فَإِنَّهَا تُمِيتُ الرِّجَالَ ، قُلْتُ : وَمَا الْحَالِقَةُ ؟ قَالَ : قَطِيعُهُ الرِّجَمِ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام: كَمَا أَنَّ بَادِيَّ النَّعْمِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَقَدْ نَحَلَّكُمْوهُ ، فَكَذَلِكَ الشَّرُّ مِنْ أَنْفُسِكُمْ وَإِنْ جَرَى بِهِ قَدْرُهُ . (٢)

عنه عليه السلام: إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَدْعِيهِ غَيْرُ صَاحِبِهِ إِلَّا تَبَّرَ (٣) اللَّهُ عُمَرَةَ . (٤)

-
- ١- الكافي: ج ٢ ص ٣٤٦ ح ٢ ، مشكاة الأنوار: ص ٢٨٧ ح ٨٦٤ ، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ١٣٣ ح ١٠٢ .
 - ٢- التوحيد: ص ٣٦٨ ح ٦ عن زراره ، تفسير كنز الدقائق: ج ٣ ص ٤٨١ ، بحار الأنوار: ج ٥ ص ١١٤ ح ٤٢ .
 - ٣- تَبَّرَهُ: أَي كَسَرَهُ وَأَهْلَكَهُ (النهاية: ج ١ ص ١٧٩ «تبر»).
 - ٤- الكافي: ج ١ ص ٣٧٣ ح ٥ ، ثواب الأعمال: ص ٢٥٥ ح ٤ ، المناقب لابن شهر آشوب: ج ١ ص ٢٥٨ وفيه «بتر» بدل «تبر» وكلها عن الوليد بن صبيح ، بحار الأنوار: ج ٢٥ ص ١١٢ ح ٩ .

الكافی به نقل از حدیقه بن منصور: امام صادق علیه السلام فرمود: «از حالقه بپرهیزید؛ چرا که مردان را می‌کشد». گفتم: حالقه چیست؟ فرمود: «قطع رَجَم».

امام صادق علیه السلام: چنان که آغاز نعمت‌ها از جانب خداوند عز و جلاست و آنها را به شما بخشید، همین طور شر از جانب خودتان است، هر چند به تقدیر الهی است.

امام صادق علیه السلام: این کار (امامت) را کسی جز صاحبش ادعا نمی‌کند، مگر این که خداوند، عمرش را کوتاه می‌کند

الفصل الحادى عشر: الإيمان بالقضاء والقدر ١١ / اَمَعْنَى الْإِيمَانِ بِالْقَدْرِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَوْ كَانَ لَكَ جَبَلٌ أُحِدٍ ذَهَبًا أَنْفَقْتَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَا قَبِلَهُ اللَّهُ مِنْكَ حَتَّى تُؤْمِنَ بِالْقَدْرِ ، وَتَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَكَ وَأَنَّ مَا أَخْطَأَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَكَ ، وَأَنَّكَ إِنْ مِتَّ عَلَى غَيْرِ هَذَا دَخَلْتَ النَّارَ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّى يُؤْمِنَ بِالْقَدْرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ ، حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَهُ ، وَأَنَّ مَا أَخْطَأَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَهُ . (٢)

الإمام على عليه السلام: إِنَّ أَحَدَكُمْ لَنْ يَخْلُصَ الْإِيمَانَ إِلَى قَلْبِهِ ، حَتَّى يَسْتَيْقِنَ يَقِينًا غَيْرَ ظَنٍّ أَنَّ مَا أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَهُ وَمَا أَخْطَأَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَهُ ، وَيُقَرَّرَ بِالْقَدْرِ كُلِّهِ . (٣)

-
- ١- .مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ١٤٥ ح ٢١٦٦٧ ، سنن أبى داود: ج ٤ ص ٢٢٥ ح ٤٦٩٩ ، السنن الكبرى: ج ١٠ ص ٣٤٤ ح ٢٠٨٧٤ كلاهما نحوه ، تاريخ دمشق: ج ٣١ ص ٤٠٤ ح ٦٥٦٢ كلها عن زيد بن ثابت .
 - ٢- .سنن الترمذى: ج ٤ ص ٤٥١ ح ٢١٤٤ عن جابر بن عبد الله ، المعجم الأوسط: ج ٢ ص ٢٧١ ح ١٩٥٥ عن شعيب عن أبيه وفيه «لن يؤمن» بدل «لا يؤمن» ، كنز العمال: ج ١ ص ١١٥ ح ٥٤١؛ التوحيد: ص ٣٨٠ ح ٢٧ عن شعيب عن أبيه وفيه صدره .
 - ٣- .كنز العمال: ج ١ ص ٣٤٤ ح ١٥٥٧ نقلاً عن اللالكائى .

فصل یازدهم: ایمان به قضا و قدر

۱ / ۱۱ معنای ایمان به قَدَر

فصل یازدهم: ایمان به قضا و قدر ۱ / ۱۱ معنای ایمان به قَدَر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر برای تو کوهی از طلا باشد و آن را در راه خدا انفاق کنی، خداوند، آن را از تو نمی پذیرد، تا این که به قَدَر، ایمان بیاوری و بدانی که آنچه به تو رسیده، نباید از تو به خطا می رفته [و باید به تو می رسیده] و آنچه از تو به خطا رفته، نباید به تو می رسیده است. تو اگر با غیر این اندیشه بمیری، به جهنم درمی آیی.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده، ایمان ندارد، تا این که به خیر و شرّ قَدَر، ایمان بیاورد و بداند که آنچه بدو رسیده، ممکن نبوده به او نرسد و آنچه به او نرسیده، ممکن نبوده به او برسد.

امام علی علیه السلام: هیچ یک از شما ایمان خالص در دلش جای نمی گیرد، تا این که یقین کامل کند که آنچه بدو رسیده، ممکن نبوده به او نرسد و آنچه به او نرسیده، ممکن نبوده به او برسد، و [تا این که] به همه قَدَر (خیر و شرّ آن)، اعتراف کند.

١١ / ٢ وجوب الإيمان بالقدر رسول الله صلى الله عليه وآله: الإيمان بالقدر نظام التوحيد . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: إن القدر نظام التوحيد ، فمن وحد الله وآمن بالقدر فقد استمسك بالعرش الوثقى . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: لا يؤمن أحدكم حتى يؤمن بالقدر خيره وشره وحلوه ومره . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: لا يؤمن عبد حتى يؤمن بأربعه: حتى يشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له ، وأنى رسول الله بعثى بالحق ، وحتى يؤمن بالبعث بعد الموت ، وحتى يؤمن بالقدر . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله وقد سُئل عن الإيمان: أن تؤمن بالله وملائكته وكتبه ورسله واليوم الآخر ، والقدر خيره وشره . (٥)

عنه صلى الله عليه وآله: لا يجد خلاوة الإيمان حتى يؤمن بالقدر خيره وشره وحلوه ومره . (٦)

١- الفردوس: ج ١ ص ١١٤ ح ٣٨٥ عن أبي هريره ، سير أعلام النبلاء: ج ٥ ص ٣٤٣ من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام ، كنز العمال: ج ١ ص ١٠٦ ح ٤٨٠ .

٢- المعجم الأوسط: ج ٤ ص ٤٦ ح ٣٥٧٣ عن ابن عباس ، كنز العمال: ج ١ ص ١٠٧ ح ٤٨٨ .

٣- التوحيد: ص ٣٨٠ ح ٢٧ عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه ؛ تاريخ دمشق: ج ٥ ص ٢٥٠ ح ١٢٧٣ عن أنس وفيه «عبد» بدل «أحدكم» ، كنز العمال: ج ١ ص ٣٥١ ح ١٥٧١ .

٤- الخصال: ص ١٩٨ ح ٨ عن ربعي بن خراش عن الإمام عليّ عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٥ ص ٨٧ ح ٢ ؛ مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٢١٠ ح ٧٥٨ ، المستدرک على الصحيحين: ج ١ ص ٨٧ ح ٩٠ ، صحيح ابن حبان: ج ١ ص ٤٠٤ ح ١٧٨ وليس فيه «وحده لا شريك له» وكلها عن ربعي بن خراش عن الإمام عليّ عليه السلام ، كنز العمال: ج ١ ص ١١٦ ح ٥٤٢ .

٥- سنن الترمذی: ج ٥ ص ٧ ح ٢٦١٠ ، سنن النسائي: ج ٨ ص ٩٨ كلاهما عن عمر بن الخطاب ، مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ١٦٠ ح ١٧٥٠٩ عن عامر أو أبي عامر أو أبي مالك نحوه وراجع بحار الأنوار: ج ٦ ص ٢٤٢ نقلاً عن بعض الكتب القديمة عن ابن عباس .

٦- كنز العمال: ج ١ ص ١٢٦ ح ٥٩٥ نقلاً عن ابن النجار عن أنس .

۱۱ / ۲ واجب بودن ایمان به قَدَر

۱۱ / ۲ واجب بودن ایمان به قَدَر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ایمان به قَدَر ، شیرازه یکتاپرستی است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا قَدَر ، شیرازه یکتاپرستی است . هر که خدا را یگانه بداند و به قَدَر ایمان آورد ، در حقیقت ، به ریسمان محکم ، چنگ زده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ یک از شما ایمان ندارد ، مگر این که به خیر و شر و شیرینی و تلخی قَدَر ، ایمان بیاورد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بنده ای ایمان ندارد ، مگر این که به چهار چیز ایمان آورد : گواهی دهد که معبودی جز خدای یگانه نیست و شریکی ندارد ، و [گواهی دهد که]من فرستاده خدایم و به حق ، مبعوث نموده است ، و به رستاخیز پس از مرگ ایمان آورد ، و به قَدَر ، ایمان آورد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وقتی درباره ایمان ، مورد پرسش قرار گرفت : این است که به خدا و فرشتگانش و کتاب هایش و فرستادگانش و روز آخرت و خیر و شرّ قَدَر ، ایمان بیاورد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی شیرینی ایمان را نمی چشد ، مگر این که به خیر و شر و شیرینی و تلخی قَدَر ، ایمان بیاورد .

- عنه صلى الله عليه و آله : ما بَلَغَ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَهُ ، وما أَخْطَأَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَهُ . (١)
- عنه صلى الله عليه و آله : لا يَتَّقِي اللَّهَ عَبْدٌ حَقَّ تَقَاتِهِ ، حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَهُ ، وما أَخْطَأَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَهُ . (٢)
- الإمام الصادق عليه السلام حِينَما ذُكِرَ عِنْدَهُ الْقَدَرُ وَكَلَامُ الْإِسْتِطَاعَةِ : هَذَا كَلَامٌ خَبِيثٌ ، أَنَا عَلَى دِينِ آبَائِي لَا أَرْجِعُ عَنْهُ ، الْقَدَرُ حُلُوهٌ وَمُرَّةٌ مِنَ اللَّهِ ، وَالْخَيْرُ وَالشَّرُّ كُلُّهُ مِنَ اللَّهِ . (٣)
- ١١ / ٣ تحريمُ التَّكْذِيبِ بِالْقَدَرِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ فَأَنَا مِنْهُ بَرِيءٌ . (٤)
- عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ كَذَّبَ بِالْقَدَرِ ، فَقَدَرَ بِمَا جِئْتُ بِهِ . (٥)
- عنه صلى الله عليه و آله : قَالَ رَبُّ الْعِزَّةِ جَلَّ جَلَالُهُ : مَنْ آمَنَ بِي وَلَمْ يُؤْمِنْ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ فَلَيْتَمَسَ رَبًّا غَيْرِي . (٦)
- عنه صلى الله عليه و آله : يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يُكْذِبُونَ بِالْقَدَرِ ، أَلَا أَوْلَيْكَ مَجُوسٌ هَذِهِ الْأُمَّةُ ، فَإِنْ مَرَضُوا فَلَا تَعُودُوا (٧) ، وَإِنْ مَاتُوا فَلَا تَشْهَدُوهُمْ . (٨)

- ١- .مسند ابن حنبل : ج ١٠ ص ٤١٧ ح ٢٧٥٦٠ ، مسند الشاميين : ج ٣ ص ٢٦١ ح ٢٢١٤ ، مسند الشهاب : ج ٢ ص ٦٤ ح ٨٩٠ ، السننه لابن أبي عاصم : ص ١١٠ ح ٢٤٦ كَلَّهَا عَنْ أَبِي الدرداء ، كنز العمال : ج ١ ص ٢٥ ح ١٢ ، الكافي : ج ٢ ص ٥٨ ح ٧ عن صفوان الجمال وح ٤ عن زراره وكلاهما عن الإمام الصادق عن الإمام عليّ عليهما السلام ، تحف العقول : ص ٢٠٧ عن الإمام عليّ عليه السلام والثلاثة الأخيره نحوه .
- ٢- .تاريخ بغداد : ج ١٢ ص ٢٩١ الرقم ٦٧٣٥ عن أنس .
- ٣- .المحاسن : ج ١ ص ٤٤١ ح ١٠٢١ عن داوود بن سليمان الحمّار ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ١٦١ ح ٢١ .
- ٤- .مسند أبي يعلى : ج ٦ ص ٤٥ ح ٦٣٧٣ عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ١ ص ١٠٧ ح ٤٨٥ .
- ٥- .كنز العمال : ج ١ ص ١٠٦ ح ٤٨٤ نقلًا عن ابن عدى عن ابن عمر .
- ٦- .الفردوس : ج ٣ ص ١٨٧ ح ٤٥١٤ عن حذيفه بن اليمان ، كنز العمال : ج ١ ص ١٢٩ ح ٦٠٧ نقلًا عن الشيرازي في الألقاب عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله .
- ٧- .في المصدر : «فلا يعودوا» ، وما في المتن أثبتناه من السننه لابن أبي عاصم .
- ٨- .المعجم الأوسط : ج ٥ ص ٢٧٦ ح ٥٣٠٣ عن ابن عمر ، السننه لابن أبي عاصم : ص ١٥٠ ح ٣٤٠ عن عمر بن الخطّاب ، كنز العمال : ج ١ ص ١٣٨ ح ٦٥٣ .

۱۱ / ۳ تحریم تکذیب تقدیر

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای به حقیقت ایمان نمی رسد، مگر این که بداند آنچه به او رسیده، ممکن نبوده به او نرسد و آنچه به او نرسیده، ممکن نبوده به او برسد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای به شایستگی، از خدا پروا نمی کند، مگر این که بداند آنچه به او رسیده، ممکن نبوده به او نرسد و آنچه به او نرسیده، ممکن نبوده به او برسد.

امام صادق علیه السلام هنگامی که از قَدَر و عقیده معتقدان به توانمندی مطلق، سخن به میان آمد: این، کلام پلیدی است. من بر دین پدرانم هستم و از آن، باز نمی گردم. شیرینی و تلخی قَدَر، از جانب خداست و همه خیر و شر، از جانب خداست.

۱۱ / ۳ تحریم تکذیب تقدیر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که به خیر و شر قَدَر ایمان نیاورد، من از او بیزارم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که قَدَر را تکذیب نماید، در حقیقت به آنچه من آورده ام، کفر ورزیده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پروردگار عزت عز و جل فرمود: «هر که به من ایمان آورد، ولی به خیر و شر قَدَر، ایمان نیاورد، باید در پی پروردگاری غیر از من باشد».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در آخر الزمان، قومی خواهند بود که قَدَر را تکذیب می کنند. هان! آنان، مجوس این اُمَّت اند. اگر بیمار شدند، عیادتشان نکنید و اگر مُردند، بر [جنازه] آنان حاضر نشوید.

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ مَجُوسَ هَذِهِ الْأُمَّةِ الْمُكَذِّبُونَ بِأَقْدَارِ اللَّهِ ، إِنْ مَرَضُوا فَلَا تَعُودُهُمْ ، وَإِنْ مَاتُوا فَلَا تَشْهَدُهُمْ ، وَإِنْ لَقِيتُمُوهُمْ فَلَا تُسَلِّمُوا عَلَيْهِمْ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: ثَلَاثَةٌ لَا يُقْبَلُ مِنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صَرْفٌ وَلَا عَدْلٌ (٢): عَاقٌ ، وَمَنَانٌ (٣) ، وَمُكَذِّبٌ بِقَدْرِ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: أَرْبَعَةٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: عَاقٌ ، وَمَنَانٌ ، وَمُكَذِّبٌ بِالْقَدْرِ ، وَمُدْمِنٌ خَمْرٍ . (٥)

عنه صلى الله عليه وآله: سَبْعَةٌ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَكُلُّ نَبِيٍّ مُجَابٍ: الزَّائِدُ فِي كِتَابِ اللَّهِ ، وَالْمُكَذِّبُ بِقَدْرِ اللَّهِ ، وَالتَّيَارِكُ لِسَيِّئَتِي ، وَالْمُسْتَحِلُّ مِنْ عَتْرَتِي مَا حَرَّمَ اللَّهُ ، وَالْمَتَسَلِّطُ بِالْجَبْرُوتِ لِئِذَلَّ مِنْ أَعَزَّةِ اللَّهِ وَيُعَزَّ مِنْ أَذَلَّةِ اللَّهِ ، وَالْمُسْتَأْثِرُ بِقِيَّةِ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْتَحِلُّ لَهُ . (٦)

١- .سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٣٥ ح ٩٢ ، المعجم الأوسط: ج ٤ ص ٣٦٨ ح ٤٤٥٥ ، السنه لابن أبي عاصم: ص ١٤٤ ح ٣٢٨ وفيه «فلا تصلوا» بدل «فلا تشهدوا» وكلها عن جابر بن عبد الله ، كنز العمال: ج ١ ص ١١٨ ح ٥٥٥ .

٢- .. أى لا- يقبل منهم فرض ولا- نفل . وقيل الصرف التوبه والعدل الفداء وفي الحديث: فقيل يا رسول الله ما العدل؟ قال: الفديه . قال: فقيل: فما الصرف يا رسول الله؟ قال: التوبه (بحار الأنوار: ج ٢٧ ص ٦٦) . وقيل: الصرف ، الحيله والعدل، النصره

٣- .المَنَانُ: الَّذِي لَا يُعْطَى شَيْئًا إِلَّا مَنَّهُ وَاعْتَدَّ بِهِ عَلَى مَنْ أَعْطَاهُ (النهايه: ج ٤ ص ٣٦٦ «منن»).

٤- .المعجم الكبير: ج ٨ ص ١١٩ ح ٧٥٤٧ ، تاريخ دمشق: ج ٤٥ ص ٣٩٥ ح ٩٩١٩ و ج ٦٠ ص ٢٦٤ ح ١٢٤٦٠ وليس فيهما «يوم القيامة» وكلها عن أبي أمامه ، كنز العمال: ج ١٦ ص ٣٢ ح ٤٣٨١٢ .

٥- .الخصال: ص ٢٠٣ ح ١٨ عن أبي أمامه ، بحار الأنوار: ج ٥ ص ٨٧ ح ٣ ؛ المعجم الكبير: ج ٨ ص ٢٤١ ح ٧٩٣٨ عن أبي أمامه ، كنز العمال: ج ١٦ ص ٦٧ ح ٤٣٩٦٧ .

٦- .الخصال: ص ٣٣٨ ح ٤١ عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، المحاسن: ج ١ ص ٧٤ ح ٣٣ عن عبد المؤمن الأنصارى عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «سبعه» بدل «ستّه» بزياده «والمحرّم ما أحلّ الله» فى آخره ، المناقب للكوفى: ج ٢ ص ١٧٢ ح ٦٥٠ عن سلمان وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار: ج ٥ ص ٨٨ ح ٤ ؛ سنن الترمذى: ج ٤ ص ٤٥٧ ح ٢١٥٤ ، صحيح ابن حبان: ج ١٣ ص ٦٠ ح ٥٧٤٩ ، المعجم الكبير: ج ٣ ص ١٢٧ ح ٢٨٨٣ كلّها عن عائشه نحوه ، كنز العمال: ج ١٦ ص ٨٥ ح ٤٤٠٢٤ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا مجوس این امت، قَدَرهای خدای متعال را تکذیب می کنند. اگر بیمار شدند، عیادتشان نکنید و اگر مُردند، بر [جنازه] آنان حاضر نشوید و اگر به آنان برخوردید، سلامشان ندهید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه کس اند که روز رستاخیز، هیچ عمل واجب یا مستحبی از آنان (۱) پذیرفته نمی شود: بدرفتار با پدر و مادر، مَنّت گذار، و تکذیب کننده قَدَر.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار کس اند که خداوند در روز رستاخیز، به آنان نگاه نمی کند: بدرفتار با پدر و مادر، مَنّت گذار، تکذیب کننده قَدَر، و می گسار.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شش کس اند که خداوند و هر پیامبرِ اجابت شده ای، آنها را نفرین کرده اند: افزایشنده به کتاب خدا، تکذیب کننده قَدَر، ترک کننده سنّت من، حلال شمارنده چیزی که خدا آن را درباره خاندانم حرام نموده، زورگویی که کسی را که خدا عزیزش کرده، خوار می کند و کسی را که خدا ذلیلش کرده، عزیز می گرداند و کسی که فِئ ء (۲) را به انحصار خود درآورد و آن را بر خویشان روا بشمارد.

۱- برای صرف و عدل (که در متن عربی حدیث آمده است) معانی گوناگونی ذکر شده است، گفته شده: صرف، به معنای واجب و عدل به معنای مستحب است، و نیز گفته شده: صرف به معنای توبه و عدل به معنای فدیة دادن است. در حدیث است که از پیامبر سؤال شد: عدل چیست؟ فرمود: فدیة دادن. و سؤال شد: صرف چیست؟ فرمود: توبه. نیز گفته شده: صرف، چاره اندیشی و عدل یاری کردن است.

۲- فِئ ء، بر چیزهایی اطلاق می شود که می توان به مسالمت از کفار گرفت و نیز زمین هایی را که ساکنان آنها به موجب عهدنامه ای تسلیم شده باشند، در بر می گیرد.

عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ أُمَّتِي لَا تَزَالُ مُسْتَمَكِنَةً مِنْ دِينِهَا مَا لَمْ يُكذَّبُوا بِالْقَدْرِ ، فَإِذَا كَذَّبُوا بِالْقَدْرِ فَعِنْدَ ذَلِكَ هَلَاكُهُمْ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله : مَا هَلَكَتْ أُمَّةٌ قَطُّ حَتَّى تُشْرِكَ بِاللَّهِ ، وَمَا أَشْرَكَتْ أُمَّةٌ بِاللَّهِ حَتَّى يَكُونَ أَوَّلُ شَرِكِهَا التَّكْذِيبَ بِالْقَدْرِ .

(٢)

عنه صلى الله عليه و آله : مَا هَلَكَتْ أُمَّةٌ قَطُّ إِلَّا بِالشَّرِكِ بِاللَّهِ عِزِّ وَ جَلِّ ، وَمَا أَشْرَكَتْ أُمَّةٌ حَتَّى يَكُونَ بُدْؤُ شَرِكِهَا التَّكْذِيبَ بِالْقَدْرِ .

(٣)

عنه صلى الله عليه و آله : أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي خَصَلَتَيْنِ : تَكْذِيبًا بِالْقَدْرِ ، وَتَصَدِيقًا بِالنُّجُومِ . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله : ثَلَاثُ أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي : الْإِسْتِسْقَاءُ بِالْأَنْوَاءِ (٥) ، وَحَيْفُ (٦) السُّلْطَانِ ، وَتَكْذِيبُ بِالْقَدْرِ . (٧)

الإمام على عليه السلام : لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُؤْمِنَ بِالْقَدْرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ . (٨)

- ١- .مسند الشاميين : ج ١ ص ٣٩٩ ح ٦٩٢ عن أبي موسى الأشعري ، كنز العمال : ج ١ ص ١٢٦ ح ٥٩٦ .
- ٢- .المعجم الصغير : ج ٢ ص ١٠٤ ، مسند الشاميين : ج ٢ ص ٣٢٨ ح ١٤٣١ ، السنه لابن أبي عاصم : ص ١٤١ ح ٣٢٢ ، تاريخ دمشق : ج ٤٥ ص ٣٩٤ ح ٩٩١٨ والثلاثة الأخيره نحوه وكلها عن عبد الله بن عمر .
- ٣- .تاريخ دمشق : ج ٤٥ ص ٣٩٤ ح ٩٩١٧ عن عبد الله بن عمرو بن العاص ، كنز العمال : ج ١ ص ١٣٩ ح ٦٦١ .
- ٤- .تاريخ دمشق : ج ٢٣ ص ٢٠٧ عن أنس ، كنز العمال : ج ١ ص ١١٩ ح ٥٦٧ ؛ بحار الأنوار : ج ٥٨ ص ٢٧٧ ح ٧٥ .
- ٥- .النوء : سقوط نجم من المنازل في المغرب مع الفجر وطلوع رقيه من المشرق يقابله من ساعته في كل ليله إلى ثلاثة عشر يوما ... وكانت العرب تضيف الأمطار والرياح والحز والبر إلى الساقط منها (الصحاح : ج ١ ص ٧٩ «نوأ») .
- ٦- .الحيف : الجور والظلم (النهايه : ج ١ ص ٤٦٩ «حيف») .
- ٧- .مسند ابن حنبل : ج ٧ ص ٤١١ ح ٢٠٨٧٥ ، المعجم الكبير : ج ٢ ص ٢٠٨ ح ١٨٥٣ ، مسند أبي يعلى : ج ١٣ ص ٤٥٥ ح ٧٤٦٢ كلها عن جابر بن سمره ، كنز العمال : ج ١٦ ص ٢٧ ح ٤٣٧٨٦ ؛ بحار الأنوار : ج ٥٨ ص ٣٣٠ ح ٢٦ .
- ٨- .السنن الكبرى : ج ١٠ ص ٣٤٥ ح ٢٠٨٧٧ عن الشعبي ، كنز العمال : ج ١ ص ٣٤٣ ح ١٥٥٤ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همواره امت من در دینشان استوارند، مادام که قَدَر را تکذیب نکنند. پس هر گاه قَدَر را تکذیب کردند، آن گاه زمان نابودی آنهاست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگز امتی نابود نشد، مگر این که به خدا شرک ورزید، و هیچ امتی به خدا شرک نوزید، مگر این که آغاز شرکشان تکذیب قَدَر بود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگز امتی نابود نشد، مگر با شرک ورزیدن به خداوند عز و جل، و امتی شرک نوزید، مگر این که آغاز شرکشان تکذیب قَدَر بود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پس از خودم بر امتم از دو چیز، هراسانم: تکذیب قَدَر و تصدیق [پیشگویی با] ستارگان.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از سه چیز بر امتم هراسانم: طلب باران با نوء، (۱) ستمگری پادشاه، و تکذیب قَدَر.

امام علی علیه السلام: کسی که به خیر و شرّ قَدَر ایمان ندارد، از ما نیست.

۱- نوء، به اُفول یک ستاره در مغرب و طلوع همزمان ستاره رقیب آن در مشرق در سیزده شب اول هر ماه، گفته می شود... اعراب، بارش باران، وزش بادهای و پیدایش گرما و سرما را به چنین رخدادی نسبت می دادند.

الإمام الحسن عليه السلام: مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِالْقَدْرِ خَيْرُهُ وَشَرُّهُ ، فَقَدْ فَجَرَ . (١)

الإمام الباقر عليه السلام : يُحَشِّرُ الْمُكْذِبُونَ بِقَدْرِ اللَّهِ مِنْ قُبُورِهِمْ قَدْ مُسَخُوا قِرْدَةً وَخَنَازِيرَ . (٢)

١١ / ٤ ما لَا يُنَافِي الْإِيمَانَ بِالْقَدْرِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : الدَّوَاءُ مِنَ الْقَدْرِ ، وَقَدْ يَنْفَعُ بِإِذْنِ اللَّهِ . (٣)

الإمام الباقر عليه السلام : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقِيلَ لَهُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ رُقِيَ (٤) يُسْتَشْفَى بِهَا ، هَلْ تَرُدُّ مِنْ قَدْرِ اللَّهِ ؟
فَقَالَ : إِنَّهَا مِنْ قَدْرِ اللَّهِ . (٥)

سنن الترمذى عن أبى خزامه عن أبيه : سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَقُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَرَأَيْتَ رُقِيَ نَسْرَقِيهَا وَدَوَاءً
نَتَدَاوَى بِهِ وَتُقَاةً تَنْتَقِيهَا ، هَلْ تَرُدُّ مِنْ قَدْرِ اللَّهِ شَيْئًا ؟ قَالَ : هِيَ مِنْ قَدْرِ اللَّهِ . (٦)

التوحيد عن الأصعب بن نباته : إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَدَلَ مِنْ عِنْدِ حَائِطٍ مَائِلٍ إِلَى حَائِطٍ آخَرَ ، فَقِيلَ لَهُ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَتَفِرُّ مِنْ
قَضَاءِ اللَّهِ ؟ فَقَالَ : أَفِرُّ مِنْ قَضَاءِ اللَّهِ إِلَى قَدْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ . (٧)

- ١- إرشاد القلوب : ص ١٦٣ ، تحف العقول : ص ٢٣١ نحوه ، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام : ص ٤٠٨ عن الإمام الحسين عليه السلام ، العدد القويّ : ص ٣٤ ح ٢٥ وفيها «كفر» بدل «فجر» ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ١٢٣ ح ٧١ .
- ٢- ثواب الأعمال : ص ٢٥٣ ح ٤ ، مختصر بصائر الدرجات : ص ١٣٥ ، جامع الأخبار : ص ٤٦٠ ح ١٢٩٢ كلّها عن أبى حمزه ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ١١٨ ح ٥٣ .
- ٣- المعجم الكبير : ج ١٢ ص ١٣١ ح ١٢٧٨٤ عن ابن عباس ، كنز العمال : ج ١٠ ص ٥ ح ٢٨٠٨١ .
- ٤- الرُّقِيَّةُ : العُوذَةُ الَّتِي يُرْقَى بِهَا صَاحِبُ الْآفَةِ كَالْحُمَى وَالصَّرْعِ وَغَيْرِ ذَلِكَ مِنَ الْآفَاتِ (النهاية : ج ٢ ص ٢٥٤ «رقى»).
- ٥- قرب الإسناد : ص ٩٥ ح ٣٢٠ عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٨٧ ح ١ .
- ٦- سنن الترمذى : ج ٤ ص ٣٩٩ ح ٢٠٦٥ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١١٣٧ ح ٣٤٣٧ ، مسند ابن حنبل : ج ٥ ص ٢٧٢ ح ١٥٤٧٢ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ١ ص ٨٦ ح ٨٧ ، المعجم الكبير : ج ٣ ص ١٩٢ ح ٣٠٩٠ ، أسد الغابة : ج ٦ ص ٨٥ الرقم ٥٨٤٩ كلّها نحوه ، كنز العمال : ج ١٠ ص ١٠٤ ح ٢٨٥٢٩ .
- ٧- التوحيد : ص ٣٦٩ ح ٨ ، الاعتقادات للصدوق : ص ٣٥ ، مختصر بصائر الدرجات : ص ١٣٦ ، عوالى اللآلى : ج ٤ ص ١١١ ح ١٦٩ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٩٧ ح ٢٤ .

۱۱ / ۴ آنچه با ایمان به تقدیر ، منافات ندارد

امام حسن علیه السلام: کسی که به خیر و شرّ قَدَر ایمان ندارد ، فاسق است .

امام باقر علیه السلام: تکذیب کنندگان قَدَر خدا ، در حالی از قبرهایشان برانگیخته می شوند که به صورت بوزینه ها و خوک ها مسخ شده اند .

۱۱ / ۴ آنچه با ایمان به تقدیر ، منافات ندارد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : درمان ، بخشی از تقدیر است و به اذن خدا سود می بخشد .

امام باقر علیه السلام : به پیامبر خدا گفته شد : ای پیامبر خدا! رُقیه ای (۱) که با آن طلب شفا می شود ، آیا قَدَر خدا را باز می گرداند؟ فرمود : «آن ، جزو قَدَر خداست» .

سنن الترمذی به نقل از ابو خزّامه ، از پدرش : از پیامبر خدا پرسیدم و گفتم : ای پیامبر خدا! آیا رُقیه هایی که آن را با خود همراه می کنیم و دوایی که بدان مداوا می کنیم و حرزی که خودمان را با آن حفاظت می کنیم ، آیا چیزی از قَدَر خدا را باز می گرداند؟ فرمود : «آن ، جزو قَدَر خداست» .

التوحید به نقل از اصبع بن نباته : امیر مؤمنان از کنار دیوار کجی برخاست و به کنار دیوار دیگری رفت . به او گفته شد : ای امیر مؤمنان! آیا از قضای خدا فرار می کنی؟ فرمود : «از قضای خداوند به قَدَر خداوند ، فرار می کنم» .

۱- رُقیه ، دعایی است که بر پوست و یا کاغذی می نویسند و با بیمار و یا شخص گرفتار و ... همراه می کنند تا او از شرّ آن بیماری یا گرفتاری ، در امان بماند .

التوحيد عن علي بن سالم عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال : سَأَلْتُهُ عَنِ الرُّقَى أَتَدْفَعُ مِنَ الْقَدْرِ شَيْئًا ؟ فَقَالَ : هِيَ مِنَ الْقَدْرِ . (١)

١١ / ٥ ما يُوهِمُ تَنَافِي الإِيمَانِ بِالْقَدْرِ وَالتَّدْبِيرِ الإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : رَبِّ حَيَاهِ سَبَبُهَا التَّعَرُّضُ لِلْمَوْتِ ، وَرُبَّ مَيْتَةٍ سَبَبُهَا طَلَبُ الْحَيَاةِ . (٢)

الكافي عن زيد الشحام عن الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ جَلَسَ إِلَى حَائِطٍ مَائِلٍ يَقْضَى بَيْنَ النَّاسِ ، فَقَالَ بَعْضُهُمْ : لَا تَقْعُدِ تَحْتَ هَذَا الْحَائِطِ فَإِنَّهُ مُعَوَّرٌ . فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ : حَرَسَ امْرَأَةً أَجَلُهُ . فَلَمَّا قَامَ سَقَطَ الْحَائِطُ . قَالَ : وَكَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِمَّا يَفْعَلُ هَذَا وَأَشْبَاهَهُ ، وَهَذَا الْيَقِينُ . (٣)

الكافي عن سعيد بن قيس الهمداني : نَظَرْتُ يَوْمًا فِي الْحَرْبِ إِلَى رَجُلٍ عَلَيْهِ ثُوبَانِ ، فَحَرَكَتُ فَرَسِي فَإِذَا هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فِي مِثْلِ هَذَا الْمَوْضِعِ ؟ فَقَالَ : نَعَمْ يَا سَعِيدَ بْنَ قَيْسٍ ، إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدِ إِلَا وَلَهُ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ وَوَاقِيَةٌ ، مَعَهُ مَلَكَانِ يَحْفَظَانِهِ مِنْ أَنْ يَسْقُطَ مِنْ رَأْسِ جَبَلٍ أَوْ يَقَعَ فِي بئرٍ ، فَإِذَا نَزَلَ الْقَضَاءُ حَلْيَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ كُلِّ شَيْءٍ . (٤)

١- التوحيد : ص ٣٨٢ ح ٢٩ ، الاعتقادات للصدوق : ص ٣٥ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٩٧ ح ٢٤ .

٢- نثر الدرر : ج ١ ص ٢٨٧ .

٣- الكافي : ج ٢ ص ٥٨ ح ٥ ، حليه الأبرار : ج ٢ ص ٦١ ح ١ ، بحار الأنوار : ج ٤١ ص ٦ ح ٦ .

٤- الكافي : ج ٢ ص ٥٩ ح ٨ ، المناقب لابن شهر آشوب : ج ٣ ص ٢٩٧ عن قيس بن سعيد الهمداني ، حليه الأبرار : ج ٢ ص

٦١ ح ٢ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ١٠٥ ح ٣١ وراجع تفسير العياشي : ج ٢ ص ٢٠٥ ح ١٦ .

۱۱ / ۵ آنچه مایه توهم ناسازگاری بین تدبیر و ایمان به تقدیر است

التوحید به نقل از علی بن سالم: از امام صادق علیه السلام درباره رُقیه پرسیدم که: آیا چیزی از قَدَر را دفع می کند؟ فرمود: «آن، جزو قَدَر است».

۱۱ / ۵ آنچه مایه توهم ناسازگاری بین تدبیر و ایمان به تقدیر است: امام علی علیه السلام: چه بسا زندگی ای که سبب آن، در کام مرگ رفتن است، و چه بسا مرگی که سبب آن، در پی زندگی بودن است!

الکافی به نقل از زید شَحام، از امام صادق علیه السلام: امیر مؤمنان که درود خدا بر او باد نزد دیوار کجی نشسته بود و میان مردم، داوری می کرد. کسی از آنان به امیر مؤمنان گفت: کنار این دیوار منشین، که کج است. امیر مؤمنان که درود خدا بر او باد فرمود: «أجل، از انسان، پاسداری می کند» و وقتی برخاست، دیوار فرو ریخت. امیر مؤمنان، همواره این کار و شبیه آن را انجام می داد و این، همان یقین است.

الکافی به نقل از سعید بن قیس هَمَدانی: روزی در جنگ، نگاهم به مردی افتاد که تنها دو قطعه لباس بر تن داشت. اسبم را حرکت دادم. دیدم امیر مؤمنان است. گفتم: ای امیر مؤمنان! حتی این جا هم [بدون زره]؟ فرمود: «آری، ای سعید بن قیس! هیچ بنده ای نیست، مگر این که از جانب خدا، پاسدار و نگه دارنده ای دارد و دو فرشته همراه اویند که او را از سقوط از بالای کوه یا افتادن در چاه، حفظ می کنند. پس وقتی قضا فرود آمد، میان او و هر چیز دیگر را خالی می کنند».

الإمام علي عليه السلام: إِنَّ مَعَ كُلِّ إِنْسَانٍ مَلَكَيْنِ يَحْفَظَانِهِ، فَإِذَا جَاءَ الْقَدْرُ خَلِيَا بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ. (١)

١- نهج البلاغه: الحكمة ٢٠١، خصائص الأئمة عليهم السلام: ص ١١٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٥٢ ح ٣٣٤١، بحار الأنوار: ج ٥ ص ١٤ ح ٨؛ الطبقات الكبرى: ج ٣ ص ٣٤، تفسير الطبري: ج ٨ الجزء ١٣ ص ١١٩، تاريخ دمشق: ج ٤٢ ص ١٥٤ كلها عن أبي مجلز بزياده «مما لم يقدر» بعد «يحفظانه»، كنز العمال: ج ١ ص ٣٤٨ ح ١٥٦٦.

امام علی علیه السلام: همانا با هر انسانی، دو فرشته ای است که مراقبتش می کنند و وقتی قَدَر آمد، میان او و قَدَر را خالی می کنند.

توضیحی درباره آنچه به ظاهر بر تعارض تقدیر و تدبیر ، دلالت دارد

توضیحی درباره آنچه به ظاهر بر تعارض تقدیر و تدبیر ، دلالت دارد در نگاه ابتدایی به احادیث این باب، به نظر می رسد که ایمان به تقدیر ، با برنامه ریزی و تدبیر برای زندگی ، منافات دارد ؛ اما با تأمل ، روشن می شود که این تنافی و تعارض ، ظاهری است . در حدیث اول آمده است : **رُبَّ حَيَاةٍ سَبَّحَتْهَا التَّعَرُّضُ لِلْمَوْتِ ، وَرُبَّ مَيِّتَةٍ سَبَّحَتْهَا طَلَبُ الْحَيَاةِ .** (۱) چه بسا زندگی ای که سبب آن ، در کام مرگ رفتن است ! و چه بسا مرگی که سبب آن ، در پی زندگی رفتن است ! این سخن ، در مقام بیان این واقعیت است که تدبیر، همیشه سودمند نیست ؛ بلکه گاه ، خلاف چیزی که تدبیر شده ، روی می دهد . بنا بر این ، مؤمن ، ضمن داشتن تدبیر و تلاش ، نباید تمام اعتماد خود را به اسباب ظاهری ، اختصاص دهد ؛ بلکه در کنار تدبیر ، باید با استمداد از خداوند متعال و توکل به او، آینده خود را تضمین کند . در واقع ، این حدیث می گوید : توکل ، متمم و مکمل تدبیر است و بدون آن ، چه بسا تدبیر ، نتیجه نداشته باشد و یا خلاف آنچه تدبیر شده ، نتیجه دهد . در حدیث دوم این باب (۲) نیز آمده که امام علی علیه السلام در کنار دیواری که کج شده

۱- ر . ک : ص ۱۰۴ ح ۶۲۴۴ .

۲- ر . ک : ص ۱۰۴ ح ۶۲۴۵ .

بود و احتمال می رفت فرو بریزد ، نشسته بود و قضاوت می کرد . هنگامی که به او گفتند از آن جا بلند شود، با این استدلال که اَجَل ، از انسان پاسداری می کند ، به سخن آنان اعتنا نکرد و به کار خود ادامه داد و دیوار ، پس از برخاستن ایشان فرو ریخت . در کنار این حدیث ، حدیث دیگری (۱) روایت شده که امام علی علیه السلام در حادثه ای مشابه، این گونه عمل نکرد ؛ بلکه از کنار دیواری که احتمال فرو ریختن آن بود ، بلند شد و هنگامی که به اعتراض ، به او گفته شد : «ای امیر مؤمنان! آیا از قضای خدا می گریزی؟» ، فرمود : «از قضای خدا به قَدَر خدا می گریزم» ؛ یعنی : هم صدمه دیدن کسی که در زیر دیوار کج می نشیند ، قضای الهی است و هم مصدوم نشدن کسی که از آن می گریزد ، تقدیر اوست ؛ ولی هیچ یک قضای حتمی نیست و انسان ، موظف است برای حفظ جان خود ، از یک قضا بگریزد و به قضایی دیگر پناه ببرد . بنا بر این ، بر فرض صحّت حدیث مخالف این حدیث، باید گفت که امام علیه السلام در آن حادثه خاص (همانند آنچه در حدیث سوم این باب (۲) آمده که امام علیه السلام در میدان جنگ ، بدون زره و تنها با لباس معمولی حضور یافت) ، به دلیل آن که می دانسته مشکلی برای او پیش نخواهد آمد، برای حفظ جان خود ، اقدام نکرده است . در مورد حدیث چهارم (۳) نیز که بر این مطلب دلالت دارد که بر هر انسانی ، دو فرشته مأمور حفاظت از جان او هستند تا تقدیر الهی فرا رسد ، ظاهراً مقصود از «تقدیر» در آن ، «تقدیر حتمی» است که با آن، هیچ تلاش و تدبیری سودمند

۱- ر. ک : ص ۱۰۲ ح ۶۲۴۲ .

۲- ر. ک : ص ۱۰۴ ح ۶۲۴۶ .

۳- .. ر. ک : ص ۱۰۶ ح ۶۲۴۷ .

نیست، نه «تقدیر موقوف (معلق)» که بدپذیر است و انسان می تواند با تدبیر و توکل و دعا، سرنوشت خود را تغییر دهد. البته از آن جا که انسان از مقدرات قطعی و غیر قطعی خود آگاهی ندارد، همیشه باید با تلاش و تدبیر در کنار استمداد از خداوند متعال، از مشکلات احتمالی زندگی پیشگیری کند و سرنوشت بهتری را برای خود رقم زند.

الفصل الثانی عَشَرَ : الرِّضَا بالقضاء والقدر ١٢ / الْحَثُّ عَلَى الرِّضَا بِالْقَضَاءِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ رِضَاءً بِمَا قَضَى اللَّهُ لَهُ ، وَمِنْ شَقَاوَةِ ابْنِ آدَمَ تَرْكُهُ اسْتِخَارَةَ اللَّهِ ، وَمِنْ شَقَاوَةِ ابْنِ آدَمَ سَخَطُهُ بِمَا قَضَى اللَّهُ لَهُ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله : مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ رِضَاءً بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ . (٢)

معانى الأخبار عن أحمد بن أبى عبد الله عن أبيه رفعه : جاء جبرئيل عليه السلام إلى النبي صلى الله عليه و آله فقال : يا رسول الله إن الله تبارك وتعالى أرسلنى إليك بهدييه لم يعطها أحدا قبلك . قال رسول الله صلى الله عليه و آله : قلت : وما هي ؟ قال : الصبر وأحسن منه . قلت : وما هو ؟ قال : الرضا . (٣)

١- سنن الترمذى : ج ٤ ص ٤٥٥ ح ٢١٥١ عن سعد ، كنز العمال : ج ٧ ص ٨١٤ ح ٢١٥٣٣ .

٢- نثر الدر : ج ١ ص ١٦٨ .

٣- معانى الأخبار : ص ٢٦٠ ح ١ ، عدّه الداعى : ص ٨٤ ، مشكاة الأنوار : ص ٤٢٢ ح ١٤١٩ كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٦٩ ص ٣٧٣ ح ١٩ .

فصل دوازدهم: خشنودی به قضا و قدر

۱۲ / ۱ تشویق به خشنودی به قضا

فصل دوازدهم: خشنودی به قضا و قدر ۱۲ / ۱ تشویق به خشنودی به قضا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از نیک بختی فرزند آدم، خشنودی اوست به آنچه خداوند برای او حکم نموده است، و از تیره بختی فرزند آدم، ترک طلب خیر از خداوند است و [نیز] از تیره بختی فرزند آدم، ناخشنودی اش از حکم خداوند درباره اوست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از خوش بختی فرزند آدم، خشنودی اوست به آنچه خداوند برایش قسمت نموده است.

معانی الأخبار به نقل از احمد بن ابی عبد الله، از پدرش، در حدیثی که آن را به معصوم رسانده است: جبرئیل علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! خداوند تبارک و تعالی مرا با هدیه ای پیش تو فرستاده که آن را پیش از تو به کسی عطا ننموده است. پیامبر خدا فرمود: گفتم: آن چیست؟ گفت: شکیبایی و بهتر از آن. گفتم: آن (بهتر از شکیبایی) چیست؟ گفت: خشنودی [به قضا].

رسول الله صلى الله عليه وآله: ناجى داوودُ رَبَّهُ ، فَقَالَ : إلهي لِكُلِّ مَلِكٍ خِزَانَةٌ ، فَأَيْنَ خِزَانَتُكَ ؟ فَقَالَ جَلَّ جَلَالُهُ : لِي خِزَانَةٌ أَعْظَمُ مِنْ عَرْشِ ، وَأَوْسَعُ مِنْ الْكُرْسِيِّ ، وَأَطْيَبُ مِنَ الْجَنَّةِ ، وَأَزِينُ مِنَ الْمَلَكُوتِ ... لَهَا أَرْبَعَةُ أَبْوَابٍ : الْعِلْمُ وَالْحِلْمُ وَالصَّبْرُ وَالرِّضَا ؛ أَلَا وَهِيَ الْقَلْبُ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: الإِيمَانُ فِي عَشْرَةٍ : الْمَعْرِفَةُ وَالطَّاعَةُ ، وَالْعِلْمُ وَالْعَمَلُ ، وَالْوَرَعُ وَالِاجْتِهَادُ ، وَالصَّبْرُ وَالْيَقِينُ ، وَالرِّضَا وَالْتَسْلِيمُ ؛ فَأَيُّهَا فَقَدْ صَاحِبُهُ بَطَلَ نِظَامُهُ . (٢)

شعب الإيمان عن عباده بن الصلت: قَالَ رَجُلٌ : يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ الْعَمَلِ أَفْضَلُ ؟ قَالَ : الصَّبْرُ وَالسَّمَاحَةُ . قَالَ : أُرِيدُ أَفْضَلَ مِنْ ذَلِكَ . قَالَ : لَا تَتَّبِعِ اللَّهَ فِي شَيْءٍ مِنْ قَضَائِهِ . (٣)

الإمام علي عليه السلام: كُنْ أَبْدَا رَاضِيًا بِمَا يَأْتِي بِهِ الْقَدَرُ . (٤)

عنه عليه السلام: مِنْ أَفْضَلِ الإِيمَانِ الرِّضَا بِمَا يَأْتِي بِهِ الْقَدَرُ . (٥)

عنه عليه السلام: الإِيمَانُ أَرْبَعَةٌ أَرْكَانٍ : الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ ، وَالتَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ ، وَتَفْوِضُ الْأَمْرِ إِلَى اللَّهِ ، وَالتَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ . (٦)

-
- ١- عوالي اللآلي : ج ١ ص ٢٤٩ ح ٦ عن أنس ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٥٩ ح ٣٧ .
 - ٢- كنز الفوائد : ج ٢ ص ١١ ، معدن الجواهر : ص ٧٠ وفيه «فسد» بدل «بطل» ، أعلام الدين : ص ١٤٤ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٦٩ ص ١٧٥ ح ٢٨ .
 - ٣- شعب الإيمان : ج ٧ ص ١٢٣ ح ٩٧١٤ ، كنز العمال : ج ٣ ص ٧١٢ ح ٨٥٤٠ .
 - ٤- غرر الحكم : ح ٧١٤٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٩١ ح ٦٦١٤ وفيه «يجرى» بدل «يأتي» .
 - ٥- غرر الحكم : ح ٩٢٦٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٦٧ ح ٨٤٩٢ .
 - ٦- الكافي : ج ٢ ص ٥٦ ح ٥ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاة الأنوار : ص ٥٢ ح ٥٠ نحوه ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١٨٤ ، بحار الأنوار : ج ٧٢ ص ٣٣٣ ح ١٧ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : داوود علیه السلام با پروردگارش مناجات کرد و گفت : بار الها! هر پادشاهی ، خزانه ای دارد . خزانه تو کجاست؟ خداوند عز و جل فرمود : «خزانه ای دارم که بزرگ تر از عرش ، گسترده تر از کرسی ، خوش بوتر از بهشت، و آراسته تر از ملکوت است ... و چهار دروازه دارد : دانش و بردباری و شکیبایی و خشنودی [به قضا] . بدان که آن [خزانه] ، قلب است» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ایمان ، ده جزء دارد : شناخت و فرمانبری ، دانش و عمل ، پارسایی و تلاش ، شکیبایی و یقین ، و خشنودی [به قضا] و تسلیم . صاحب ایمان ، هر کدام از اینها را نداشته باشد ، ساختار ایمانش به هم می ریزد .

شعب الایمان به نقل از عباد بن صلت : مردی گفت : ای پیامبر خدا! کدام عمل ، بهتر است؟ فرمود : «شکیبایی و بزرگ منشی» . گفت : بهتر از آن را می خواهم . فرمود : «خدا را در چیزی از قضایش ، متهم نکن» .

امام علی علیه السلام : همیشه به آنچه قَدَر پیش می آورد ، خشنود باش .

امام علی علیه السلام : از بهترین ایمان ، خشنودی به چیزی است که قَدَر پیش می آورد .

امام علی علیه السلام : ایمان ، چهار رکن دارد : خشنودی به قضای خدا ، توکل بر خدا ، واگذاری کار به خدا ، و تسلیم شدن در برابر امر خدا .

عنه عليه السلام: طوبى لِمَنْ ذَكَرَ الْمَعَادَ ، وَعَمِلَ لِلْحِسَابِ ، وَقِنَعَ بِالْكَفَافِ ، وَرَضِيَ عَنِ اللَّهِ . (١)

عنه عليه السلام: نِعَمَ الْقَرِينُ الرَّضَا . (٢)

عنه عليه السلام: إِنَّكَ لَنْ تَحْمِلَ إِلَى الْآخِرَةِ عَمَلًا أَنْفَعَ لَكَ مِنَ الصَّبْرِ وَالرَّضَا ، وَالْخَوْفِ وَالرَّجَاءِ . (٣)

عنه عليه السلام: غَايَةُ الدِّينِ الرَّضَا . (٤)

عنه عليه السلام: الدِّينُ شَجَرَةٌ أَصْلُهَا التَّسْلِيمُ وَالرَّضَا . (٥)

الإمام الكاظم عليه السلام: رَفَعَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَوْمٌ فِي بَعْضِ غَزَوَاتِهِ ، فَقَالَ : مَنِ الْقَوْمُ ؟ فَقَالُوا : مُؤْمِنُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ . قَالَ : وَمَا بَلَغَ مِنْ إِيْمَانِكُمْ ؟ قَالُوا : الصَّبْرُ عِنْدَ الْبَلَاءِ ، وَالشُّكْرُ عِنْدَ الرَّخَاءِ ، وَالرَّضَا بِالْقَضَاءِ . فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : حُلَمَاءُ عُلَمَاءَ ، كَادُوا مِنَ الْفِقْهِ أَنْ يَكُونُوا أَنْبِيَاءَ إِنْ كُنْتُمْ كَمَا تَصِفُونَ ، فَلَا تَبْنُوا مَا لَا تَسْكُنُونَ ، وَلَا تَجْمَعُوا مَا لَا تَأْكُلُونَ ، وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ . (٦)

- ١- نهج البلاغه: الحكمه ٤٤ ، مشكاه الأنوار : ص ٢٢٨ ح ٦٣٧ ، روضه الواعظين : ص ٤٩٧ وليس فيهما ذيله ، بحار الأنوار : ج ٧٢ ص ٤٦ ح ٥٧ ؛ المعجم الكبير : ج ٤ ص ٥٦ ح ٣٦١٨ عن زيد بن وهب ، كتر العمال : ج ١٣ ص ٣٧٥ ح ٣٧٠٢٧ .
- ٢- نهج البلاغه: الحكمه ٤ ، تحف العقول : ص ٢٠٢ ، بحار الأنوار : ج ٦٩ ص ٤٠٩ ح ١٢٠ .
- ٣- غرر الحكم : ح ٣٨١٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٧٢ ح ٣٦٠٢ .
- ٤- غرر الحكم : ح ٦٣٥١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٤٨ ح ٥٩٠٦ .
- ٥- غرر الحكم : ح ١٢٥٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٦ ح ١١٦٤ .
- ٦- الكافي : ج ٢ ص ٤٨ ح ٤ عن سليمان الجعفرى عن الإمام الرضا عليه السلام ، مشكاه الأنوار : ص ٧٥ ح ١٤٣ عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، التمحيص : ص ٦١ ح ١٣٧ عن سليمان الجعفرى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٢٢ ص ١٤٤ ح ١٣٢ .

امام علی علیه السلام: خوشا به حال کسی که به یاد رستاخیز است و برای حساب پس دادن، عمل می کند و به اندازه کفاف، قانع است و از خدا خشنود است!

امام علی علیه السلام: بهترین همراه، خشنودی [به قضای الهی] است.

امام علی علیه السلام: همانا تو هرگز عملی را به آخرت نمی بری که برایت سودمندتر از شکیبایی و خشنودی [به قضا]، و بیم و امید باشد.

امام علی علیه السلام: کمال دین، خشنودی [به قضا] است.

امام علی علیه السلام: دین، [مانند] درختی است که ریشه آن، تسلیم و خشنودی است.

امام کاظم علیه السلام: در یکی از جنگ های پیامبر خدا، گروهی، خود را به ایشان عرضه داشتند. فرمود: «اینان کیان اند؟» گفتند: مؤمنان اند، ای پیامبر خدا! فرمود: «ایمانشان به چه مرتبه ای رسیده است؟». گفتند: [به مرتبه] شکیبایی در گرفتاری، و سپاس گزاری در آسایش، و خشنودی به قضا. پیامبر خدا فرمود: «بردباران، دانشمندان و در فقه (فهم)، نزدیک به پیامبران. حال اگر چنانید که توصیف می کنید، خانه هایی را که در آنها سکونت نخواهید کرد، نسازید و دارایی هایی را که نخواهید خورد، جمع نکنید و از خدایی که به سوی او باز خواهید گشت، پروا نمایید».

الإمام علي عليه السلام: ما قضى الله سبحانه على عبد قضاء فرضى به ، إلا كانت الخير له فيه . (١)

عنه عليه السلام :أغض (٢) على القذى والألم ، ترص أبدا . (٣)

عنه عليه السلام :ثلاث من كنن فيه فقد رزق خير الدنيا والآخرة ؛ هُنَّ : الرضا بالقضاء والصبر على البلاء ، والشكر في الرخاء . (٤)

الإمام زين العابدين عليه السلام :الصبر والرضا عن الله رأس طاعه الله ، ومن صبر ورضى عن الله فيما قضى عليه فيما أحب أو كره ، لم يفض الله عز وجل له فيما أحب أو كره إلا ما هو خير له . (٥)

الكافي عن هاشم بن البريد :إن رجلاً سأل علي بن الحسين عليه السلام عن الزهد فقال : عَشْرَةٌ أَشْيَاءُ فَأَعْلَى دَرَجَةِ الزُّهْدِ أَدْنَى دَرَجَةِ الْوَرَعِ وَأَعْلَى دَرَجَةِ الْوَرَعِ أَدْنَى دَرَجَةِ الْيَقِينِ وَأَعْلَى دَرَجَةِ الْيَقِينِ أَدْنَى دَرَجَةِ الرُّضَا . أَلَا وَإِنَّ الزُّهْدَ فِي آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ» (٦) . (٧)

الإمام الباقر عليه السلام :من رضى بالقضاء أتى عليه القضاء وعظم الله أجره ، ومن سخط القضاء مضى عليه القضاء وأحبط الله أجره . (٨)

١- غرر الحكم : ح ٩٦٦٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٨٣ ح ٨٩١٤ .

٢- أغضى على الشيء : سكت و صبر . ويقال : أغضى عينا على قذى : صبر على أذى (المعجم الوسيط : ج ٢ ص ٦٥٥ «غضا»)

٣- نهج البلاغه : الحكمه ٢١٣ ، غرر الحكم : ح ٢٣١٩ ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ١٥٦ ح ٧٢ .

٤- غرر الحكم : ح ٤٦٧٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢١٢ ح ٤٢٢٣ .

٥- الكافي : ج ٢ ص ٦٠ ح ٣ ، كثر الفوائد : ج ١ ص ١٣١ نحوه وكلاهما عن أبي حمزه الثمالي ، مشكاة الأنوار : ص ٧٥ ح ١٤٤ ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ١٥٩ ح ٧٥ .

٦- الحديد : ٢٣ .

٧- الكافي : ج ٢ ص ١٢٨ ح ٤ ، الخصال : ص ٤٣٧ ح ٢٦ ، معاني الأخبار : ص ٢٥٢ ح ٤ ، تحف العقول : ص ٢٧٨ ، تفسير القمى : ج ٢ ص ٢٦٠ ، مشكاة الأنوار : ص ٢٠٥ ح ٥٥٢ ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٣١٠ ح ٥ .

٨- الكافي : ج ٢ ص ٦٢ ح ٩ عن عبد الله بن محمّد الجعفي ، الخصال : ص ٢٣ ح ٨٠ عن الفراء عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، مشكاة الأنوار : ص ٥١ ح ٤٢ ، التمهيد : ص ٦٢ ح ١٤١ ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ١٣٩ ح ٢٦ .

امام علی علیه السلام: خداوند سبحان برای بنده ای، قضایی را مقدر نکرد که بنده به آن خشنود باشد، مگر این که خیر او در آن است.

امام علی علیه السلام: رنج و درد (۱) را تحمل کن تا همیشه خرسند باشی.

امام علی علیه السلام: سه چیز در هر کس باشد، در حقیقت، خیر دنیا و آخرت نصیبش گشته است: خشنودی به قضا، شکیبایی بر گرفتاری، و سپاس گذاری در آسایش.

امام زین العابدین علیه السلام: شکیبایی و خشنودی از خداوند، اساس فرمانبری خدا هستند. هر کس شکیبایی ورزد و به قضای خدا درباره خویش در آنچه را می پسندد یا نمی پسندد خشنود باشد، خداوند عز و جل به آنچه او می پسندد یا نمی پسندد، حکم نمی کند، مگر این که برایش خیر باشد.

الکافی به نقل از هاشم بن برید: مردی از امام زین العابدین علیه السلام درباره زهد (بی رغبتی به دنیا) پرسید. فرمود: «ده چیز است. بالاترین درجه زهد، پایین ترین درجه پارسایی (وَرَع)، و بالاترین درجه پرهیزگاری، پایین ترین درجه یقین، و بالاترین درجه یقین، پایین ترین درجه خشنودی است. بدانید که زهد، در آیه ای از کتاب خداوند عز و جل است: «تا بر آنچه از دست شما رفته، اندوهگین نشوید و به [سبب] آنچه به شما داده است، شادمانی نکنید».

امام باقر علیه السلام: هر که به قضا خشنود باشد، قضا او را در بر می گیرد و خداوند، پاداشش را بزرگ می گرداند، و هر که از قضا ناخشنود باشد، قضا بر او جاری می شود؛ ولی خداوند، پاداشش را محو می کند.

۱- کلمه «قندی» که در متن عربی حدیث آمده، به معنای «خاشاک» است که به چشم می رود و در این جا، مقصود، آزار و رنج است و «رنج، چون عادت شود، آسودگی است».

عنه عليه السلام: العبد بين ثلاثه: بلاء وقضاء ونعمه، فعليه في البلاء من الله الصبر فريضه وعليه في القضاء من الله التسليم فريضه، وعليه في النعمه من الله عز وجل الشكر فريضه. (١)

الإمام الصادق عليه السلام في ذكر ما فرض الله على الجوارح من الإيمان: أميا ما فرض على القلب من الإيمان، فالإقراء والمعرفة والعقد والرضا. (٢)

الكافي عن علاء بن كامل: كنت جالسا عند أبي عبد الله عليه السلام فصيرحت صارخه من الدار، فقام أبو عبد الله عليه السلام ثم جلس فاسترجع (٣)، وعاد في حديثه حتى فرغ منه، ثم قال: إنا لنحب أن نعا في أنفسنا وأولادنا وأموالنا، فإذا وقع القضاء فليس لنا أن نحب ما لم يحب الله لنا. (٤)

الكافي عن أحمد بن عمر: دخلت على أبي الحسن الرضا عليه السلام أنا وحسين بن ثوير بن أبي فاخته، فقلت له: جعلت فداك، إنا كنا في سعه من الرزق وغضاره (٥) من العيش، فتغيرت الحال بعض التغيير، فادع الله عز وجل أن يرزقنا ذلك إينا. فقال: أي شئ تريدون تكونون ملوكا؟ أيسرك أن تكون مثل طاهر وهرثمه (٦)، وأنتك على خلاف ما أنت عليه؟ قلت: لا والله ما يسرني أن لي الدنيا بما فيها ذهبا وفضه وأنى على خلاف ما أنا عليه. قال: فقال: فمن أيسر منكم فليشكر الله، إن الله عز وجل يقول: «لئن شكرتم لأزيدنكم» (٧) وقال سبحانه وتعالى: «اعملوا آل داود شكرا وقليل من عبادي الشكور» (٨) وأحسبوا الظن بالله فإن أبا عبد الله عليه السلام كان يقول: من حسن ظنه بالله كان الله عنده ظنه به، ومن رضى بالليل من الرزق قبل الله منه اليسير من العمل، ومن رضى باليسير من الحلال خفت مؤنته وتنعم أهله، وبصره الله داء الدنيا ودواءها، وأخرجه منها سالما إلى دار السلام. (٩)

- ١- الخصال: ص ٨٦ ح ١٧ عن أبي حمزه الثمالي، المحاسن: ج ١ ص ٦٧ ح ١٧ عن أبي حمزه الثمالي عن الإمام الصادق عليه السلام، روضه الواعظين: ص ٥١٨، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٤٣ ح ٤١.
- ٢- الكافي: ج ٢ ص ٣٤ ح ١، تفسير العياشي: ج ١ ص ١٥٧ ح ٥٢٩ كلاهما عن أبي عمرو الزبيرى، دعائم الإسلام: ج ١ ص ٥، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٢٤ ح ٦.
- ٣- استرجع: أي قال: إنا لله وإنا إليه راجعون (النهاية: ج ٢ ص ٢٠٢ «رجع»).
- ٤- الكافي: ج ٣ ص ٢٢٦ ح ١٣، بحار الأنوار: ج ٤٧ ص ٤٩ ح ٧٨.
- ٥- في غضاره من العيش: أي في خصب وخير (النهاية: ج ٣ ص ٣٧٠ «غضير»).
- ٦- الطاهر هو أبو الطيب أو أبو طلحه طاهر بن الحسين بن مصعب بن زريق بن ماهان الملقب ب (ذو اليمينين) والى خراسان، كان من أكبر قواد المأمون والمجاهدين فى تثبيت دولته... وهرثمه: هو هرثمه بن أعين، كان أيضا من قواد المأمون وفى خدمته، وكان مشهورا معروفا بالتشيع ومجبا لأهل البيت عليهم السلام من أصحاب الرضا عليه السلام، بل من خواصه وأصحاب سزه (هامش المصدر).

٧- إِبْرَاهِيمَ : ٧ .

٨- سِبْأً : ١٣ .

٩- الكافي : ج ٨ ص ٣٤٦ ح ٥٤٦ ، تحف العقول : ص ٤٤٨ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٣٤٢ ح ٤٤ .

امام باقر علیه السلام: بنده در میان سه چیز قرار دارد: گرفتاری، قضا و نعمت. در گرفتاری ای که از جانب خداست، باید شکیبایی ورزد، و در قضایی که از سوی خداوند است، باید تسلیم باشد، و در نعمتی که از جانب خداست، باید سپاس بگذارد.

امام صادق علیه السلام در بیان وظایف ایمانی که خداوند بر عهده هر انسانی نهاده است: ایمانی که بر دل انسان واجب نموده، اقرار [به خدا] و شناخت و باور و خشنودی [به قضا] است.

الکافی به نقل از علاء بن کامل: نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودم که ناگهان فریادی از خانه بلند شد. امام صادق علیه السلام برخاست. سپس نشست و «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» گفت (۱). و به سخن خود باز گشت، تا این که از آن فارغ شد. سپس فرمود: «ما دوست داریم که در جانمان و فرزندانمان و دارایی هایمان عافیت (آسایش) داشته باشیم؛ [اما] وقتی قضا رخ داد، [دیگر] برای ما روا نیست که چیزی را که خدا برای ما نمی پسندد، دوست داشته باشیم».

الکافی به نقل از احمد بن عمر: من به همراه حسین بن ثُویر بن ابی فاخته به حضور امام رضا علیه السلام رسیدم و گفتم: فدایت شوم! ما در فراوانی روزی و آسایش به سر می بردیم که ناگهان وضعیت، اندکی دگرگون شد. از خداوند بخواه که آن [وضعیت قبل] را به ما باز گرداند. فرمود: «چه می خواهید؟ آیا می خواهید پادشاه باشید؟ آیا خوش حال می شوی که مانند طاهر و هرثمه، (۲) اما بر خلاف آنچه اکنون هستی (پیرو اهل بیت) باشی؟!». گفتم: نه. به خدا سوگند که خوش حال نمی شوم دنیا با همه زر و سیمش برای من باشد و من غیر از آنی باشم که هستم». فرمود: «پس، هر یک از شما که در آسایش است، باید خدا را سپاس بگذارد، که خداوند عز و جل می فرماید: «اگر واقعاً سپاس گزاری کنی، [نعمت] شما را افزون خواهیم کرد» و خدای پاک و والا فرمود: «ای خاندان داوود! شکر گزار باشید. و از بندگان من، اندکی سپاس گزارند». و به خدا خوش گمان باشید؛ چرا که صادق علیه السلام می فرمود: هر کس به خدا خوش گمان باشد، خداوند به تناسب گمان او، با وی رفتار می کند، و هر کس به روزی اندک خشنود باشد، خداوند عمل اندک را از او می پذیرد، و هر کس به روزی حلال اندک خشنود باشد، مخارج زندگی اش سبک و خانواده اش در نعمت خواهند بود و خداوند، او را از بیماری و درمان دنیا آگاه می کند و او را به سلامت، از دنیا به خانه سلامت (آخرت) بیرون می برد».

۱- یعنی مصیبتی به امام علیه السلام وارد شده بود.

۲- هر دو، از فرماندهان و همکاران نزدیک مأمون عباسی بودند.

الإمام عليّ عليه السلام في الديوان المنسوب إليه: إصبر على الدهر لا تغضب على أحدٍ فلا ترى غير ما في اللوح محفوظ ولا تُقيمن بدارٍ لا انتفاع بها فالأرض واسعة والرّزق مبسوط (١)

١- الديوان المنسوب إلى الإمام عليّ عليه السلام: ص ٣٣٤ الرقم ٢٥٧.

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به او: بر [سختی] روزگار، شکیبایی کن و بر کسی خشم مگیر که غیر از آنچه در لوح محفوظ است، نمی بینی و در خانه ای که سودی ندارد، اقامت نکن که زمین، پهناور است و روزی، گسترده.

١٢ / ١٢ التَّحْدِيثُ مِنْ عَدَمِ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قَالَ اللَّهُ حَيْلٌ جَلَالُهُ: مَنْ لَمْ يَرْضَ بِقَضَائِي وَلَمْ يُؤْمِنْ بِقَدْرِي، فَلْيَلْتَمِسْ إِلَهَا غَيْرِي. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ حَيْلٌ تَنَاوُهُ يَقُولُ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي، مَا خَلَقْتُ مِنْ خَلْقِي خَلْقًا أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ، وَلِذَلِكَ سَمَّيْتُهُ بِاسْمِي مُؤْمِنًا، لِأَحْرَمُهُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَهِيَ خَيْرَةٌ لَهُ مِنِّي، وَإِنِّي لَأَمْلِكُهُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَهِيَ خَيْرَةٌ لَهُ مِنِّي، فَلْيَرْضَ بِقَضَائِي، وَلْيَصْبِرْ عَلَى بِلَائِي، وَلْيَشْكُرْ نِعْمَائِي، أَكْتُبُهُ يَا مُحَمَّدُ مِنْ الصَّادِقِينَ عِنْدِي. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله مِمَّا أَوْصَى بِهِ عَلَيْنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ شَرُّ النَّاسِ مَنْ اتَّهَمَ اللَّهَ فِي قَضَائِهِ. (٣)

مسند ابن حنبل عن عباده بن الصامت: إِنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، أَيُّ الْعَمَلِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: الْإِيمَانُ بِاللَّهِ، وَتَصَدِيقٌ بِهِ، وَجِهَادٌ فِي سَبِيلِهِ. قَالَ: أُرِيدُ أَهْوَنَ مِنْ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: السَّمَاخَةُ وَالصَّبْرُ. قَالَ: أُرِيدُ أَهْوَنَ مِنْ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: لَا تَتَّهَمِ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي شَيْءٍ قَضَى لَكَ بِهِ. (٤)

١- التوحيد: ص ٣٧١ ح ١١، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١ ص ١٤١ ح ٤٢، مختصر بصائر الدرجات: ص ١٣٨ كلها عن الحسين بن خالد عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ١٣٩ ح ٢٥؛ المعجم الكبير: ج ٢٢ ص ٣٢١ ح ٨٠٧، أسد الغابة: ج ٦ ص ٣١٧ الرقم ٦٣٣٠ كلاهما عن أبي هند الدارمي وفيهما «لم يصبر على بلائي» بدل «لم يؤمن بقدري»، كنز العمال: ج ١ ص ١٠٦ ح ٤٨٣.

٢- مشكاة الأنوار: ص ٧٣ ح ١٣٦ عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ١٥٨ ح ٧٥.

٣- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٦٣ ح ٥٧٦٢ عن حماد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٢٧ ح ٢٦٥٦ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٥٤ ح ٣.

٤- مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٤٠٣ ح ٢٢٧٨٠، تفسير ابن كثير: ج ٨ ص ١٦٤، تاريخ دمشق: ج ٣٤ ص ٩٢ ح ٦٩٤٧.

۱۲ / ۲ بر حذر داشتن از ناخشنودی به قضا

۱۲ / ۲ بر حذر داشتن از ناخشنودی به قضاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل فرمود : «هر کس به قضای من خشنود نباشد و به قدر من ایمان نیاورد ، باید در پی خدایی غیر از من باشد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند که ثنایش والاست می فرماید : «به عزّت و جلالم سوگند از میان آفریدگانم آفریده ای که نزد من محبوب تر از بنده مؤمنم باشد ، نیافریدم و بدین جهت ، او را به اسم خودم ، مؤمن ، نام نهادم . البته [گاه] او را از آنچه میان مشرق و مغرب است ، محروم می سازم و این انتخاب من برای اوست ، و او را از آنچه میان مشرق و مغرب است ، بهره مند می سازم و آن انتخاب من برای او است . پس باید به قضای من ، خشنود باشد و بر بالای من ، شکیبایی بورزد و نعمت های مرا سپاس بگذارد . ای محمد! او را در شمار صدیقین (بندگان راستین) در گاه خود می نویسم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از جمله سفارش هایش به علی علیه السلام : ای علی! بدترین مردم ، کسی است که خداوند را در قضایش متهم کند .

مسند ابن حنبل به نقل از عباده بن صامت : مردی به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و گفت : ای پیامبر خدا! کدام عمل ، بهتر است ؟ فرمود : «ایمان به خدا و تصدیق او و جهاد در راه او» . گفت : ای پیامبر خدا! آسان تر از این را می خواهم . فرمود : «بزرگ منشی و شکیبایی» . گفت : ای پیامبر خدا! آسان تر از این را می خواهم . فرمود : خداوند تبارک و تعالی را در قضایی که برایت مقدر کرده ، متهم نکن» .

الإمام علي عليه السلام: إن كنتَ غيرَ قانعٍ بِقَضَائِهِ وَقَدْرِهِ ، فَاطْلُبْ رَبًّا سِوَاهُ . (١)

عنه عليه السلام: أَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، الْمُتَسَخِّطُ لِقَضَاءِ اللَّهِ . (٢)

عنه عليه السلام: أَلَا- فَالْحَيْذَرُ الْحَيْذَرُ مِنْ طَاعَةِ سَادَاتِكُمْ وَكُبْرَائِكُمْ ، الَّذِينَ تَكَبَّرُوا عَنْ حَسَبِهِمْ ، وَتَرَفَّعُوا فَوْقَ نَسَبِهِمْ ، وَأَلْقَوْا الْهَجِينَةَ (٣) عَلَى رَبِّهِمْ ، وَجَاحَدُوا (٤) اللَّهَ عَلَى مَا صَنَعَ بِهِمْ ، مُكَابِرَةً لِقَضَائِهِ ، وَمُغَالَبَةً لِلْإِيهِ . (٥)

عنه عليه السلام: مَنْ أَصْبَحَ عَلَى الدُّنْيَا حَزِينًا ، فَقَدْ أَصْبَحَ لِقَضَاءِ اللَّهِ سَاحِطًا . (٦)

عنه عليه السلام: مَنْ لَمْ يَرْضَ بِالْقَضَاءِ دَخَلَ الْكُفْرَ دِينَهُ . (٧)

عنه عليه السلام: لَا تَتَوَلَّ أَهْلَ السَّخَطِ ، وَلَا تُسَخِّطْ أَهْلَ الرِّضَا . (٨)

الإمام الكاظم عليه السلام: حَدَّثَنِي أَبِي أَنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ قَالَ : يَا رَبُّ أَيُّ عِبَادِكَ شَرُّ ؟ قَالَ: الَّذِي يَتَّهَمُنِي . قَالَ : يَا رَبُّ ، وَفِي عِبَادِكَ مَنْ يَتَّهَمُكَ ؟ قَالَ : نَعَمْ الَّذِي يَسْتَجِيرُنِي ، ثُمَّ لَا يَرْضَى بِقَضَائِي ! (٩)

١- التوحيد : ص ٣٧٢ ح ١٣ عن الأصمغ بن نباته ، روضه الواعظين : ص ٤٦٠ .

٢- غرر الحكم : ح ٣٢٢٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١١٥ ح ٢٥٥٣ وفيه «المسخط» بدل «المتسخط» .

٣- الهجينة في الكلام : العيب والقبح (المصباح المنير : ص ٦٣٥ «هجن»).

٤- جحده ، أنكره مع علمه ، ويقال له : المكابره (تاج العروس : ج ٤ ص ٣٧٦ «جحد»).

٥- نهج البلاغه : الخطبه ١٩٢ ، بحار الأنوار : ج ١٤ ص ٤٦٧ ح ٣٧ .

٦- نهج البلاغه : الحكمه ٢٢٨ ، تحف العقول : ص ٢١٧ ، تفسير العياشي : ج ١ ص ١٢٠ ح ٣٧٩ بزياده «مكتوب في التوراه» في أولهما ، بحار الأنوار : ج ٧٢ ص ١٩٦ ح ٢١ .

٧- غرر الحكم : ح ٨٩٦٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٦٣ ح ٨٤٣٠ .

٨- دستور معالم الحكم : ص ٦٣ .

٩- تاريخ يعقوبى : ج ٢ ص ٤١٤ .

امام علی علیه السلام: اگر به قضا و قدر خدا قانع نیستی ، پروردگار دیگری بجوی .

امام علی علیه السلام: روز رستاخیز ، سخت کیفرترین مردم ، کسی است که به قضای خدا ناخشنود باشد .

امام علی علیه السلام: هان! از فرمانبری اشراف و بزرگانتان کناره بگیرید، کناره بگیرید ؛ آنان که به خاطر تبارشان تکبر می کنند و خود را از اصل و نسبشان بالاتر می برند و بر پروردگارشان عیب می گذارند و [عملاً] در آنچه خداوند در حقشان کرده [و از آنچه هستند ، بالاترشان نبرده] به انکار کار او برخاستند [و این] از سر گردن کشی از حکم خدا و ستیزه جویی در برابر نعمت های اوست [که به اهل فضل ، ارزانی داشته است] .

امام علی علیه السلام: هر کس به خاطر دنیا اندوهگین شود ، در حقیقت ، به قضای خدا ناخشنود است .

امام علی علیه السلام: هر کس به قضا خشنود نباشد ، کفر در دینش نفوذ کرده است .

امام علی علیه السلام: اهل خشم [به قضا] را دوست نگیر و با خشنودان [به قضا] ، خشم نکن .

امام کاظم علیه السلام: پدرم برایم نقل کرد که موسی بن عمران گفت : پروردگارا! کدام بندگانت شَرّند؟ فرمود : «آن که مرا متّهم کند» . گفت : پروردگارا! آیا در میان بندگانت ، کسی تو را متّهم می کند؟ فرمود : «آری ؛ آن که به من پناه آورد و سپس به قضای من ، خشنود نگردد» .

١٢ / ٣ مبادئ الرضا بالقضاء العقل للإمام علي عليه السلام: حَدُّ الْعَقْلِ النَّظْرُ فِي الْعَوَاقِبِ ، وَالرُّضَا بِمَا يَجْرِي بِهِ الْقَضَاءُ . (١)

عنه عليه السلام: كَلَّمَازِدَادَ عَقْلِ الرَّجُلِ ، قَوَى إِيمَانَهُ بِالْقَدْرِ . (٢)

الإمام الكاظم عليه السلام: يَتَّبِعِي لِمَنْ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ أَلَّا يَسْتَبِطُهُ فِي رِزْقِهِ ، وَلَا يَتَّهَمَهُ فِي قَضَائِهِ . (٣)

الإمام علي عليه السلام: مَا أَعْجَبَ هَذَا الْإِنْسَانَ مَسْرُورًا بِدَرْكٍ مَا لَمْ يَكُنْ لِيَفْوَتَهُ ، مَحْزُونًا عَلَى فَوْتٍ مَا لَمْ يَكُنْ لِيُدْرِكَهُ ، وَلَوْ أَنَّهُ فَكَّرَ لَأَبْصَرَ وَعَلِمَ أَنَّهُ مُدَبَّرٌ ، وَأَنَّ الرِّزْقَ عَلَيْهِ مُقَدَّرٌ ، وَلَاقْتَصَرَ عَلَى مَا تَيْسَّرَ ، وَلَمْ يَتَعَرَّضْ لِمَا تَعَسَّرَ . (٤)

١- مختصر بصائر الدرجات: ص ١٤٠ ، غرر الحكم: ٤٩٠١ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٣٢ ح ٤٤٤٧ .

٢- غرر الحكم: ح ٧٢٠٢ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٩٦ ح ٦٧١٦ .

٣- الكافي: ج ٢ ص ٦١ ح ٥ ، التمهيد: ص ٦٣ ح ١٤٢ كلاهما عن صفوان الجمال ، تهذيب الأحكام: ج ٩ ص ٢٧٧ ح

١٠٠١ عن علي بن أسباط عن الإمام الرضا عليه السلام ، تحف العقول: ص ٤٠٨ ، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ١٥٤ ح ٦٤ .

٤- تحف العقول: ص ٢١٥ ، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٥٤ ح ٩٩ .

الف خرد

۱۲ / ۳ عوامل خشنودی به قضا الف خرد امام علی علیه السلام: حدّ عقل (معیار سنجش خرد) ، عاقبت اندیشی و خشنودی به چیزی است که قضا به آن ، جریان یافته است .

امام علی علیه السلام: هر اندازه خرد مرد افزایش یابد ، ایمان او به قدر ، محکم تر می شود .

امام کاظم علیه السلام: سزاوار است کسی که خرد از خدا دریافت کرده است (۱) [و دارای بصیرت الهی است] ، خدا را در روزی دادنش ، کند نشمارد و او را در قضایش ، متهم نسازد .

امام علی علیه السلام: چه شگفت آور است این انسان ، که به دریافت چیزی که هرگز ممکن نیست از دست بدهد ، شادمان است و به خاطر از دست دادن چیزی که هرگز ممکن نیست بدو برسد ، اندوهناک . چنانچه می اندیشید ، می فهمید و می دانست که آن ، تدبیر شده و روزی برایش تقدیر شده است و در نتیجه ، بر آنچه در دسترس است ، اکتفا می کرد و آنچه را سخت به دست می آید ، دنبال نمی کرد .

۱- ر. ک: دانش نامه عقاید اسلامی: ج ۱ ص ۴۲۶ پ ۱ .

ب اليقين رسول الله صلى الله عليه وآله: لَمَّا أَهَيَّطَ اللَّهُ آدَمَ إِلَى الْأَرْضِ قَامَ وَجَاهًا (١) الْكَعْبَةَ فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ ، فَأَلْهَمَهُ اللَّهُ هَذَا الدُّعَاءَ :... اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا يُبَاشِرُ قَلْبِي ، وَيَقِينًا صَادِقًا حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَا يُصِيبُنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي ، وَرِضًا بِمَا قَسَمْتَ لِي . (٢)

الإمام علي عليه السلام: الرِّضَا ثَمَرَةُ الْيَقِينِ . (٣)

عنه عليه السلام: أَصْلُ الرِّضَا حُسْنُ الثَّقَةِ بِاللَّهِ . (٤)

عنه عليه السلام: بِالرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ يُسْتَدَلُّ عَلَى حُسْنِ الْيَقِينِ . (٥)

عنه عليه السلام: مَنْ قَوِيَ دِينُهُ أَيْقَنَ بِالْجَزَاءِ وَرَضِيَ بِمَوَاقِعِ الْقَضَاءِ . (٦)

عنه عليه السلام: إِنْ عَقَدْتَ إِيْمَانَكَ فَارْضَ بِالْمَقْضَى عَلَيْكَ وَلَكَ ، وَلَا تَرْجُ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ ، وَانْتَظِرْ مَا أَتَاكَ بِهِ الْقَدَرُ . (٧)

عنه عليه السلام: كَيْفَ يَرْضَى بِالْقَضَاءِ مَنْ لَمْ يَصْدُقْ يَقِينُهُ؟! (٨)

عنه عليه السلام في صِفَةِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ : إِنْ أَوْحَشَتْهُمْ الْغُرْبَةُ أَنْسَبَهُمْ ذِكْرُكَ ، وَإِنْ صُيِّبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَصَائِبُ لَجَّؤُوا إِلَى الْإِسْتِجَارَةِ بِكَ ، عِلْمًا بِأَنَّ أَرْمَهُ (٩) الْأُمُورِ بِيَدِكَ ، وَمَصَادِرُهَا عَن قَضَائِكَ . (١٠)

١- الوجاه: التَّجَاهُ . يقال : دارى وجاه دارِكٍ : حِذَاءَهَا مِنْ تَلْقَاءِ وَجْهَهَا (المعجم الوسيط : ج ٢ ص ١٠١٥ «وجه»).

٢- المعجم الأوسط : ج ٦ ص ١١٧ ح ٥٩٧٤ عن عائشه ، تاريخ دمشق : ج ٧ ص ٤٢٨ ح ٢٠٣٨ عن بريده وفيه «بقضائك» بدل «بما قسمت» ، كتر العمال : ج ٢ ص ١٨٤ ح ٣٦٥٧ نقلًا عن البزار عن ابن عمر وفيه «ورضى من المعيشه» بدل «ورضا» .

٣- غرر الحكم : ح ٧٢٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٩ ح ٨٧ .

٤- غرر الحكم : ح ٣٠٨٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٢١ ح ٢٧٣٨ .

٥- غرر الحكم : ح ٤٢٨٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٨٨ ح ٣٨٧٦ وفيه «بقدر» بدل «بقضاء» .

٦- غرر الحكم : ح ٨٦٩١ .

٧- مختصر بصائر الدرجات : ص ١٣٩ ، غرر الحكم : ح ٣٧٢٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٦٢ ح ٣٤٦٢ .

٨- غرر الحكم : ح ٦٩٩٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٨٤ ح ٦٤٩٢ .

٩- الزمام : المقوود ، والجمع أزممه (تاج العروس : ج ١٦ ص ٣٢٤ «زمم»).

١٠- نهج البلاغه : الخطبه ٢٢٧ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٢٣٠ ح ٦ .

ب یقین

ب یقینپيامبر خدا صلی الله علیه و آله وقتی خداوند ، آدم را به زمین فرو فرستاد، آدم رو به روی کعبه ایستاد و دو رکعت نماز به جا آورد. آن گاه خداوند ، این دعا را به او الهام فرمود: « ... خدایا! از تو ایمانی قلبی می خواهم و یقینی صادقانه تا بدانم جز آنچه برایم مقرّر داشته ای ، به من نمی رسد و [نیز] خشنودی ای به آنچه برایم تقسیم کرده ای» .

امام علی علیه السلام: خشنودی، نتیجه یقین است.

امام علی علیه السلام: ریشه خشنودی ، اعتماد کامل به خداست.

امام علی علیه السلام: بر نیکویی یقین ، با خشنودی به قضای خداوند ، پی برده می شود .

امام علی علیه السلام: هر که دینش محکم باشد، به پاداش [روز قیامت] ، یقین پیدا می کند و به جایگاه های قضا خشنود می گردد.

امام علی علیه السلام: اگر ایمانت را استوار کردی، به قضا ، چه بر زیان و چه به سود خود ، خشنود باش، و به کسی جز خدا امید نبند، و در انتظار چیزی باش که قدر برایت پیش می آورد .

امام علی علیه السلام: کسی که یقین راستین ندارد ، چگونه به قضا خشنود گردد؟!

امام علی علیه السلام در توصیف دوستان خداوند سبحان : اگر تنهایی ، آنان را به وحشت اندازد، یاد تو با ایشان همدم است و اگر گرفتاری ها به آنان روی آورد، به تو پناه می برند ، بدین جهت که می دانند زمام امور ، به دست توست و ریشه آنها از جانب قضای تو .

الإمام الحسن عليه السلام: مَنْ اتَّكَلَّ عَلَى حُسْنِ الْإِخْتِيَارِ مِنَ اللَّهِ لَهُ ، لَمْ يَتَمَنَّ أَنْهُ فِي غَيْرِ الْحَالِ الَّتِي اخْتَارَهَا اللَّهُ لَهُ . (١)

الإمام زين العابدين عليه السلام: الرِّضَا بِمَكْرُوهِ الْقَضَاءِ أَرْفَعُ دَرَجَاتِ الْيَقِينِ . (٢)

الإمام الباقر عليه السلام: أَحَقُّ خَلْقِ اللَّهِ أَنْ يُسَلَّمَ لِمَا قَضَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ، مَنْ عَرَفَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ أَعْلَمَ النَّاسِ بِاللَّهِ ، أَرْضَاهُمْ بِقَضَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ . (٤)

عنه عليه السلام: لَقِيَ الْحَسَنُ بُنَّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَبْدَ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ فَقَالَ : يَا عَبْدَ اللَّهِ ، كَيْفَ يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا وَهُوَ يَسْخَطُ قِسْمَهُ ، وَيُحَقِّقُ مَنَزَلَتَهُ ، وَالْحَاكِمُ عَلَيْهِ اللَّهُ؟! (٥)

عنه عليه السلام: اِعْلَمُوا أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ عَبْدٌ مِنْ عِبِيدِهِ حَتَّى يَرْضَى عَنِ اللَّهِ فِيمَا صَدَّعَ اللَّهُ إِلَيْهِ ، وَصَنَعَ بِهِ عَلَى مَا أَحَبَّ وَكَرِهَ ، وَلَنْ يَصْنَعَ اللَّهُ بِمَنْ صَبَرَ وَرَضِيَ عَنِ اللَّهِ إِلَّا مَا هُوَ أَهْلُهُ ، وَهُوَ خَيْرٌ لَهُ مِمَّا أَحَبَّ وَكَرِهَ . (٦)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي ، وَيَقِينًا صَادِقًا حَتَّى يَذْهَبَ بِالشَّكِّ عَنِّي ، حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي ، وَالرِّضَا بِمَا قَسَمْتَ لِي ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ نَفْسًا طَيِّبَةً تُؤْمِنُ بِلِقَائِكَ ، وَتَقْنَعُ بِعَطَائِكَ ، وَتَرْضَى بِقَضَائِكَ ... (٧)

١- تحف العقول : ص ٢٣٤ ، أعلام الدين : ص ٣٠٠ عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١٠٦ ح ٦٠ ؛ شرح نهج البلاغه : ج ٣ ص ١٥٦ .

٢- تحف العقول : ص ٢٧٨ ، التمهيد : ص ٦٠ ح ١٣١ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١٣٥ ح ١ .

٣- الكافي : ج ٢ ص ٦٢ ح ٩ عن عبد الله بن محمد الجعفي ، مشكاة الأنوار : ص ٥١ ح ٤٢ ، التمهيد : ص ٦٢ ح ١٤١ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١٨٥ ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ١٥٣ ح ٦٣ .

٤- الكافي : ج ٢ ص ٦٠ ح ٢ عن ليث المرادي ، مسكن الفؤاد : ص ٨٢ ، مشكاة الأنوار : ص ٧٣ ح ١٣٣ ، التمهيد : ص ٦٠ ح ١٣٠ عن ابن مسكان ، بحار الأنوار : ج ٧٢ ص ٣٣٣ ح ١٩ .

٥- الكافي : ج ٢ ص ٦٢ ح ١١ ، مشكاة الأنوار : ص ٧٤ ح ١٣٧ ، بحار الأنوار : ج ٤٣ ص ٣٥١ ح ٢٥ .

٦- الكافي : ج ٨ ص ٨١ ح ١ عن إسماعيل بن جابر وإسماعيل بن مخلد السراج ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٢١٧ ح ٩٣ .

٧- تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ٩٠ ح ٢٤٩ عن معاوية بن وهب ، الإقبال : ج ١ ص ٣٢٨ ، المصباح للكفعمي : ص ٧٦٢ من دون إسناد إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ١٣٢ ح ٣ .

امام حسن علیه السلام: هر که بر بهتر بودنِ انتخاب خداوند برای خویش اعتماد کند، آرزو نمی کند که در غیر وضعیتِی باشد که خدا برای او اختیار کرده است.

امام زین العابدین علیه السلام: خشنودی به قضای ناخوشایند، بالاترین درجه یقین است.

امام باقر علیه السلام: شایسته ترین آفریده خدا برای تسلیم بودن به قضای خداوند ، کسی است که خداوند عز و جل را بشناسد .

امام صادق علیه السلام: داناترین مردم به خدا، خشنودترین آنان به قضای خداوند است .

امام صادق علیه السلام: حسن بن علی علیهما السلام با عبد الله بن جعفر دیدار کرد و فرمود: «ای عبد الله! چگونه کسی خود را مؤمن می داند، در حالی که به قسمت خود، ناخشنود است و جایگاه خود را تحقیر می کند، با این که خدا بر او چنین حکم کرده است؟» .

امام صادق علیه السلام: بدانید که هرگز بنده ای از بندگان خدا مؤمن [حقیقی] نخواهد شد، مگر این که به آنچه خدا برای او و یا در حق او کرده، خشنود باشد، خوشایندش باشد یا نباشد. و البته خداوند عز و جلهرگز در حق کسی که شکیبایی ورزد و از او خشنود باشد، جز آنچه را که سزاوار [خداوندی] اوست، انجام نمی دهد و این برای او از آنچه می پسندد و نمی پسندد، بهتر است .

امام صادق علیه السلام: خدایا! از تو ایمانی قلبی می خواهم و یقینی راستین که شک را از من بزدايد، تا بدانم جز آنچه برایم مقرر داشته ای، به من نمی رسد و به آنچه قسمتم نموده ای، خشنود باشم. خدایا! از تو جانی پاک می خواهم که به دیدار تو ایمان داشته باشد و به بخشش تو قانع، و به قضای تو خشنود باشد....

الكافي عن يونس: سِيَأَلْتُ أَيَا الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ : ... فَأَيُّ شَيْءٍ الْيَقِينُ ؟ قَالَ : التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ ، وَالتَّسْلِيمُ لِلَّهِ ، وَالرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ ، وَالتَّفْوِيضُ إِلَى اللَّهِ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام: بَيْنَا مُوسَى صَيِّلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَمْشِي عَلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ ، إِذْ جَاءَ صَيِّبًا فُخْرًا لِلشَّمْسِ سَاجِدًا وَتَكَلَّمَ بِالشَّرِكِ ، ثُمَّ ألقى شَبَكَتَهُ فَأَخْرَجَهَا مَمْلُوءَةً ، ثُمَّ عَادَ فَأَخْرَجَ مِثْلَ ذَلِكَ حَتَّى اكْتَفَى ، ثُمَّ مَضَى فَجَاءَ آخِرُ فِتْوَضًا ، ثُمَّ قَامَ فَصَيَّلَنِي وَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ، ثُمَّ ألقى شَبَكَتَهُ فَلَمْ يَخْرُجْ لَهُ شَيْءٌ ، ثُمَّ أَعَادَ فَخَرَجَتْ إِلَيْهِ سَمَكَةٌ صَغِيرَةٌ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَنْصَرَفَ . فَقَالَ مُوسَى : يَا رَبِّ ؛ جَاءَ عَبْدُكَ الْكَافِرُ فَألقى شَبَكَتَهُ ثَلَاثًا فَخَرَجَتْ لَهُ مَمْلُوءَةٌ ، ثُمَّ جَاءَ عَبْدُكَ الْمُؤْمِنُ فِتْوَضًا فَأَسْبَغَ الوُضُوءَ ، ثُمَّ صَلَّى وَحَمِدَكَ وَدَعَاكَ ، ثُمَّ ألقى شَبَكَتَهُ ثَلَاثًا فَخَرَجَتْ لَهُ سَمَكَةٌ صَغِيرَةٌ فَحَمِدَكَ وَأَنْصَرَفَ ! فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ يَا مُوسَى أَنْظِرْ عَن يَمِينِكَ ، فَنَظَرَ مُوسَى فَكَشَفَ لَهُ الْغِطَاءَ عَمَّا أَعَدَّ اللَّهُ لِعَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ ، ثُمَّ قِيلَ : يَا مُوسَى ! ، أَنْظِرْ عَن يَسَارِكَ ، فَنَظَرَ فَكَشَفَ لَهُ الْغِطَاءَ عَمَّا أَعَدَّ اللَّهُ لِعَبْدِهِ الْكَافِرِ . ثُمَّ قَالَ : يَا مُوسَى ، مَا ضَرَّ هَذَا مَا صَنَعْتَ بِهِ ، وَمَا نَفَعَ هَذَا مَا أُعْطِيْتَهُ . فَقَالَ مُوسَى : يَا رَبِّ حَقٌّ لِمَنْ عَرَفَكَ أَنْ يَرْضَى بِمَا صَنَعْتَ . (٢)

١- الكافي : ج ٢ ص ٥٢ ح ٥ ، مشكاة الأنوار : ص ٤٣ ح ٢٠ ، التمهيد : ص ٦٣ ح ١٤٥ ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ١٣٨ ح ٤

٢- مشكاة الأنوار : ص ٥٠٢ ح ١٦٨٢ ، المؤمن : ص ١٩ ح ٤ ، أعلام الدين : ص ٤٣٣ عن الإمام الباقر عليه السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ١٣ ص ٣٤٩ ح ٣٨ .

الكافی به نقل از یونس : از امام رضا علیه السلام پرسیدم: یقین چیست؟ فرمود: «توکل بر خدا و تسلیم بودن در برابر خدا و خشنودی به قضای خدا و واگذاری [کارها] به خدا» .

امام صادق علیه السلام: زمانی موسی که درود خدا بر او باد در ساحل دریا قدم می زد که صیادی آمد و به خورشید ، سجده کرد و سخنان شرک آمیز گفت . سپس تور ماهیگیری اش را به دریا انداخت و آن را پر از ماهی بیرون آورد . سپس [کارش را] تکرار کرد و هر بار، همانند مرتبه قبل، [تورش را] بیرون آورد ، تا این که راضی شد. سپس او رفت و دیگری آمد و وضو ساخت و ایستاد و نماز به جا آورد و خدا را ثنا نمود . سپس تور ماهیگیری اش را به دریا انداخت و چیزی برایش بیرون نیامد . او [کارش را] تکرار کرد و [تنها] ماهی کوچکی بیرون آمد . آن گاه ، خدا را ستود و رفت . موسی گفت : پروردگارا! بنده کافرت آمد و سه مرتبه تورش را انداخت و پُر بیرون آمد . سپس بنده مؤمنت آمد و به نیکی وضو ساخت و سپس نماز گزارد و تو را ستود و دعا کرد . سپس سه مرتبه تورش را انداخت و یک ماهی کوچک برای او بیرون آمد . آن گاه تو را ستود و باز گشت! خداوند به او وحی فرمود: «ای موسی! به راست خود ، بنگر» . موسی علیه السلام نگاه کرد . آن گاه پرده از روی آنچه برای بنده مؤمنش فراهم ساخته بود، کنار زده شد. سپس گفته شد: «ای موسی! به چه خود ، بنگر» . موسی علیه السلام نگاه کرد . آن گاه پرده از روی آنچه برای بنده کافرش مهیا ساخته بود، کنار زده شد. سپس فرمود: «ای موسی! این که با مؤمن کردم، زیان نرساند و آن که به کافر بخشیدم، سود نرساند» . موسی گفت : پروردگارا! [پس] شایسته است آن که تو را می شناسد ، به کار تو خشنود باشد.

ج الدعاء الإمام على عليه السلام: أتى النبي صلى الله عليه وآله رجلاً فقال: يا رسول الله صلى الله عليه وآله إن نفسي لا تشبع ولا تقنع. فقال له رسول الله صلى الله عليه وآله: قل: اللهم رضى بقضائك، وصبرنى على بلائك، وبارك لى فى أقدارك، حتى لا أحب تعجيل شىء أخرته، ولا تأخير شىء عجلته. (١)

عنه عليه السلام: جلست مع رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: يا أبا حسن إنما أحب إليك خمسمئة شاه ورعاتها أهبها لك، أو خمس كلمات أعلمكهن تدعو بهن؟ فقلت له: بأبى أنت وأمى، أما من يريد الدنيا فيريد خمسمئة شاه ورعاتها، وأما من يريد الآخرة فيريد خمس كلمات، قال: فأيهما تريد؟ قلت: الخمس كلمات. قال: فقل: اللهم اغفر لى ذنبي، وطيب لى كسبى، ووسع لى فى خلقى، ومنتعنى بما قسمت لى، ولا تذهب بنفسى إلى شىء قد صرفته عنى. (٢)

عنه عليه السلام فى دعاء علمه لكميل بن زياد النخعي: اللهم إنى أسألك سؤال خاضع متذل خاشع، أن تسامحنى وترحمنى وتجعلننى بقسمك راضياً قانعاً، وفى جميع الأحوال متواضعاً. (٣)

عنه عليه السلام فى دعائه: اللهم... وأسألك أن ترزقنى شكر نعمتك، وصبرا على بليتك، ورضى بقدرك. (٤)

١- الجعفریات: ص ٢٢٠ عن الإمام الكاظم عن آباءه عليهم السلام، مستدرک الوسائل: ج ١٥ ص ٢٧٦ ح ١٨٢٢٨.

٢- تاريخ دمشق: ج ٤٢ ص ٣٧٠ ح ٨٩٦٦، التدوين فى أخبار قزوين: ج ١ ص ٢٥٨ نحوه وكلاهما عن سهل بن سعد الساعدى.

٣- مصباح المتهدج: ص ٨٤٥ ح ٩١٠، الإقبال: ج ٣ ص ٣٣٣، البلد الأمين: ص ١٨٨، المصباح للكفعمى: ص ٧٣٨.

٤- بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٣٩ ح ٩ نقلاً عن مهج الدعوات: ص ١٣٠ وفى الطبعة التى بأيدينا «بقدرتك» بدل «بقدرك»، العدد القويه: ص ٢١٨ من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه.

ج دعا

ج دعای امام علی علیه السلام: مردی به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و گفت: ای پیامبر خدا! جانم سیر و قانع نمی گردد. پیامبر خدا به او فرمود: «بگو: خدایا! مرا به قضایت خشنود کن و بر بلایت شکیباساز و تقدیرهایت را برایم مبارک گردان، تا جلو افتادن چیزی را که به تأخیر انداخته ای و تأخیر چیزی را که جلو انداخته ای، دوست نداشته باشم».

امام علی علیه السلام: با پیامبر خدا همنشین شدم. فرمود: «ای ابو الحسن! همانا دوست دارم پانصد گوسفند را همراه با شبانشان به تو ببخشم، یا پنج سخن به تو بیاموزم که به وسیله آنها خدا را بخوانی». گفتم: پدر و مادرم، به فدایت! هر کس دنیا را بخواهد، پانصد گوسفند همراه با شبانشان را می خواهد، و هر کس آخرت را بخواهد، پنج سخن را می خواهد. فرمود: «تو کدام را می خواهی؟». گفتم: پنج سخن را. فرمود: «پس بگو: خدایا! گناهم را بیامرز و کسبم را پاک گردان و در اخلاقم گشایش عطا کن و از آنچه قسمتم نموده ای، بهره مندم کن و جانم را در پی چیزی مبر که آن را از من دور گردانیده ای».

امام علی علیه السلام در دعایی که به کمیل بن زیاد نخعی آموخت: خدایا! همانند درخواست فروتن و ذلیل و خاشع، از تو می خواهم که بر من آسان بگیری و به من رحم کنی و مرا به قسمتت خشنود و قانع سازی و مرا در همه حالت ها متواضع قرار دهی.

امام علی علیه السلام در دعایش: خدایا! ... و از تو می خواهم که سپاس گزاری بر نعمتت، و شکیبایی بر بلایت، و خشنودی به قدرت را روزی ام گردانی.

رسول الله صلى الله عليه وآله إذا فرغ من صلاته: اللهم... وأسألك الرضا بالقضاء. (١)

الإمام زين العابدين عليه السلام: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَيَلَمَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ: اللَّهُمَّ مَنْ عَلَيَّ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ، وَالتَّفْوِيضِ إِلَيْكَ، وَالرِّضَا بِقَدْرِكَ، وَالتَّسْلِيمِ لِأَمْرِكَ، حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَلْتَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. (٢)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَطَيِّبْ بِقَضَائِكَ نَفْسِي، وَوَسِّعْ بِمَوَاقِعِ حُكْمِكَ صَدْرِي، وَهَبْ لِي الثَّقَةَ لِأَقْرَبِّ مَعَهَا بِأَنَّ قَضَاءَكَ لَمْ يَجْرِ إِلَّا بِالْخَيْرِ. (٣)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَوَفِّقْنِي لِقبُولِ مَا قَضَيْتَ لِي وَعَلَيَّ، وَرَضْنِي بِمَا أَخَذْتَ لِي وَمِنِّي. (٤)

عنه عليه السلام في دُعَائِهِ عِنْدَ المَرَضِ: اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَبِّبْ إِلَيَّ مَا رَضَيْتَ لِي، وَيَسِّرْ لِي مَا أَحَلَلْتَ بِي. (٥)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارزُقْنِي الحَقَّ عِنْدَ تَقْصِيرِي فِي الشُّكْرِ لِمَكَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فِي اليُسْرِ وَالْعُسْرِ وَالصَّحَّةِ وَالسَّقَمِ، حَتَّى أَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِي رَوْحَ الرِّضَا وَطُمَأْنِينَةَ النَّفْسِ مِنِّي بِمَا يَجِبُ لَكَ، فِيمَا يَحْدُثُ فِي حَالِ الخَوْفِ وَالْأَمْنِ وَالرِّضَا وَالسُّخْطِ وَالضَّرِّ وَالنَّفْعِ. (٦)

١- الكافي: ج ٢ ص ٥٤٨ ح ٦ عن محمد بن الفرغ عن الإمام الجواد عليه السلام، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣١ ح ٢٠٦٩، فلاح السائل: ص ٣٦٠ ح ٢٤١ عن فاطمة عليها السلام فيه «بعد القضاء» بدل «بالقضاء»، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٨٧ ح ١١؛ سنن النسائي: ج ٣ ص ٥٥، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٧٠٥ ح ١٩٢٣ وفيه «بعد القضاء» بدل «بالقضاء» وكلاهما عن عمّار بن ياسر، كنز العمال: ج ٢ ص ١٧٤ ح ٣٦١١.

٢- الكافي: ج ٢ ص ٥٨٠ ح ١٤ عن أبي حمزة، الأصول الستة عشر: ص ٤ عن زيد عن الإمام الصادق عن الإمام عليّ عليهما السلام، مشكاة الأنوار: ص ٤٥ ح ٢٨ عن الإمام الصادق عن الإمام عليّ عليهما السلام، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٢٩٢ ح ٦.

٣- الصحيفه السجاديّه: ص ١٣٩ الدعاء ٣٥.

٤- الصحيفه السجاديّه: ص ٦٢ الدعاء ١٤، المصباح للكفعمي: ص ٢٨٠.

٥- الصحيفه السجاديّه: ص ٦٦ الدعاء ١٥، المصباح للكفعمي: ص ١٩٨، الدعوات: ص ١٧٥ ح ٤٩٠.

٦- الصحيفه السجاديّه: ص ٩٥ الدعاء ٢٢.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که از نمازش فراغت یافت : خدایا! ... و خشنودی به قضا را از تو می خواهم .

امام زین العابدین علیه السلام :امیر مؤمنان که درود خدا بر او باد همواره می فرمود : «خدایا! به خاطر توکل بر تو و واگذاری [کارها] به تو و خشنودی به قدر تو و تسلیم در برابر امر تو، بر من منت نه تا جلو افتادن آنچه را تأخیر انداخته ای و تأخیر آنچه را جلو انداخته ای ، دوست نداشته باشم، ای پروردگار جهانیان!» .

امام زین العابدین علیه السلام :خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست و جانم را به قضایت خشنود گردان و سینه ام را برای جایگاه های حکمت گشایش بده و به من اعتماد [بر خودت را] ببخشی تا با آن ، اقرار آورم که قضای تو ، جز به بهترین ، جریان نمی یابد.

امام زین العابدین علیه السلام :خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا به پذیرش آنچه به سود و زیان من مقدر نموده ای، موفق گردان و مرا به هر آنچه نصیب کردی یا از من گرفتی ، خشنود ساز .

امام زین العابدین علیه السلام در دعایش به هنگام بیماری : خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست و آنچه را که برای من رضایت داده ای، محبوبم گردان و آنچه را برایم حلال نموده ای ، در دسترسم قرار ده.

امام زین العابدین علیه السلام :خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست و در هنگام کوتاهی ام در شکر تو از نعمت هایی که در حال راحتی و سختی ، تندرستی و بیماری ، به من ارزانی داشتی ، نیل به حقیقت را روزی ام فرما ، تا از جانم نسیم خشنودی و [شمیم تسلیم و] آرامش یافتن درونم را نسبت به آنچه برای [اطاعت و ادای حق] تو لازم است ، احساس نمایم ؛ خواه در حال ترس پدیدار گردد یا ایمنی ، خشنودی یا خشم ، زیان با سود .

عنه عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ فِي الْإِسْتِخَارَةِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاقْضِ لِي بِالْخَيْرِ وَأَلْهِمْنَا مَعْرِفَةَ الْإِخْتِيَارِ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ ذَرْعًا إِلَى الرِّضَا بِمَا قَضَيْتَ لَنَا وَالتَّسْلِيمِ لِمَا حَكَمْتَ فَأَرْحَ عَنَّا رَيْبَ الْإِرْتِيَابِ، وَأَيَّدْنَا بِتَقِينِ الْمُخْلِصِينَ. وَلَا تَسِيْمْنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَةِ عَمَّا تَخَيَّرْتَ فَتَنْغَمِطَ قَدْرُكَ، وَنَكْرَهُ مَوْضِعَ رِضَاكَ، وَنَجْنَحَ إِلَى التَّيِّبِ هِيَ أَبْعَدُ مِنْ حُسْنِ الْعَاقِبَةِ، وَأَقْرَبُ إِلَى ضِدِّ الْعَاقِبَةِ. حَبِّبْ إِلَيْنَا مَا نَكْرَهُ مِنْ قَضَائِكَ، وَسَهِّلْ عَلَيْنَا مَا نَسْتَصْعِبُ مِنْ حُكْمِكَ، وَأَلْهِمْنَا الْإِنْقِيَادَ لِمَا أوردت عَلَيْنَا مِنْ مَشِيئَتِكَ حَتَّى لَا نُحِبَّ تَأْخِيرَ مَا عَجَلْتَ وَلَا تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا نَكْرَهُ مَا أَحْبَبْتَ وَلَا نَتَخَيَّرَ مَا كَرِهْتَ. (١)

الإمام الصادق عليه السلام: زَارَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَبْرَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَقَفَ عَلَى الْقَبْرِ فَبَكَى، ثُمَّ قَالَ: ... اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ. (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ رَضِّنِي بِقَضَائِكَ وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَلْتَ. (٣)

١- الصحيفه السجاديّه: ص ١٣٥ الدعاء ٣٣، المصباح للكفعمي: ص ٥١٩، البلد الأمين: ص ١٦٣.

٢- كامل الزيارات: ص ٩٢ ح ٩٣ عن علي بن مهدي بن صدقه الرقي عن الإمام الرضا عن أبيه عليهما السلام، مصباح المتهجد: ص ٧٣٨ ح ٨٢٩، المزار الكبير: ص ٢٨٣ ح ١٣، المزار للشهيد الأول: ص ١١٥ والثلاثة الأخيره عن جابر الجعفي عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ٢٦٤ ح ٢.

٣- الدعاء للطبراني: ص ١٤٧ ح ٤١٠ عن عبد الله بن عمر، كنز العمال: ج ٤ ص ٢٦ ح ٩٣٢٣ نقلاً عن عمل اليوم والليله لابن السني؛ الكافي: ج ٥ ص ٤٨٨ ح ٢ عن محمد بن عجلان عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٧٥ ح ٢٣٣، الإقبال: ج ١ ص ١٠٥ كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام، مصباح المتهجد: ص ٥٤٨ ح ٦٣٩ من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٣٧٦.

امام زین العابدین علیه السلام بخشی از دعایش در طلب خیر: خدایا! به دانشت، از تو خیر می خواهم. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و برایم خیر، مقدر فرما و شناخت انتخاب [صحیح] را به ما الهام کن و آن را وسیله ای جهت خشنودی به آنچه برای ما قضا (حکم) نموده ای و تسلیم شدن به آنچه حکم کرده ای، قرار ده و نگرانی شک و دودلی را از ما دور کن و ما را با یقین مخلصان، تأیید فرما و ما را به ناتوانی شناخت آنچه اختیار نموده ای، گرفتار مکن تا مبادا تقدیرت را سبک بشماریم و جایگاه خشنودی ات را نپسندیم و به جایی برگردیم که از فرجام خوب، دورتر و به ضد آسایش، نزدیک تر است. [خدایا!] آنچه را از قضای تو نمی پسندیم، محبوبمان گردان و هر حکم خودت را که بر ما سخت می آید، آسان گردان و فرمان برداری از مشیتت را که بر ما جاری نموده ای، به ما الهام فرما تا تأخیر آنچه را که جلو انداخته ای و جلو انداختن آنچه را که به تأخیر انداخته ای، دوست نداشته باشیم و آنچه را تو دوست داری، ناپسند نشماریم و آنچه را تو ناپسند می داری، انتخاب نکنیم.

امام صادق علیه السلام: زین العابدین، علی بن الحسین علیهما السلام، قبر امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام را زیارت نمود و بر سر قبر ایستاد و گریست. سپس فرمود: «... خدایا! جانم را به تقدیرت، مطمئن، و به قضایت، خشنود گردان».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدایا! مرا به قضایت خشنود کن و تقدیرت را برایم مبارک گردان تا جلو افتادن آنچه را تأخیر انداخته ای و تأخیر آنچه را جلو انداخته ای، دوست نداشته باشم.

الإمام الصادق عليه السلام في دُعائه: اللَّهُمَّ لَا بُدَّ مِنْ أَمْرِكَ ، وَلَا بُدَّ مِنْ قَدْرِكَ ، وَلَا بُدَّ مِنْ قَضَائِكَ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ ، اللَّهُمَّ فَمَا قَضَيْتَ عَلَيْنَا مِنْ قَضَاءٍ وَقَدَّرْتَ عَلَيْنَا مِنْ قَدَرٍ فَأَعْطِنَا مَعَهُ صَبْرًا يَفْهَرُهُ وَيَدْمَعُهُ ، وَاجْعَلْ لَنَا صَاعِدًا فِي رِضْوَانِكَ ، يَنْمَى فِي حَسَنَاتِنَا وَتَفْضِيلِنَا وَسُودَدِنَا وَشَرَفِنَا وَمَجْدِنَا وَنِعْمَاتِنَا وَكَرَامَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَلَا تَنْقُصْهُ مِنْ حَسَنَاتِنَا ... (١)

دَفَضَلُ اللَّهِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِعَبْدٍ خَيْرًا أَرْضَاهُ بِمَا قَسَمَ لَهُ وَبَارَكَ لَهُ فِيهِ ، وَإِذَا لَمْ يُرِدْ بِهِ خَيْرًا لَمْ يُرْضِهِ بِمَا قَسَمَ لَهُ وَلَمْ يُبَارِكْ لَهُ فِيهِ . (٢)

١٢ / ٤ موانع الرضا بالقضاء الإمام علي عليه السلام: كَيْفَ يَقْدِرُ عَلَى إِعْمَالِ الرِّضَا ، الْقَلْبُ الْمُتَوَلِّهُ (٣) بِالدُّنْيَا!؟ (٤)

- ١- تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٩٣ ح ٢٥٣ عن معتب و ج ٦ ص ٣٦ ح ٧٤ عن يونس بن ظبيان وفيه «يدفعه» بدل «يدمغه» ، مصباح المتعجب: ص ٥٦٩ ح ٦٧٦ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، المزار الكبير: ص ٢٣٨ ح ٦ عن يوسف الكناسي ومعاوية بن عمّار، المزار للشهيد الأول: ص ٥٢ عن صفوان ، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ١٣٥ ح ٣.
- ٢- الرضا عن الله بقضائه لابن أبي الدنيا: ص ٨٩ ح ٥٥ ، الفردوس: ج ١ ص ٢٤٤ ح ٩٤٦ عن يزيد بن عبد الله ، كنز العمال: ج ٣ ص ٣٩٥ ح ٧١١٧ .
- ٣- الولة: ذهابُ العقل والتخيّر من شدّة الوجد (النهاية: ج ٥ ص ٢٢٧ «وله»).
- ٤- غرر الحكم: ح ٦٩٨٦ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٨٤ ح ٦٤٨٨ .

۱۲ / ۴ موانع خشنودی به قضا

امام صادق علیه السلام در دعایش : خدایا! از امر تو ، از تقدیر تو و از قضای تو گریزی نیست ، و هیچ نیرو و توانی ، جز از تو نیست . خدایا! هر قضایی که بر ما مقدر نموده ای و هر تقدیری که بر ما داری ، به همراه آن ، شکیبایی ای عطا کن که بر قضا چیره شود و آن را درهم شکند ، و آن را برای ما وسیله صعود در خشنودی ات قرار ده ، به گونه ای که نیکی ها و برتری و بزرگی و شرف و عظمت و نعمت و کرامت ما را در دنیا و آخرت، افزون کند ، و آن را از نیکی های ما کم نکن

د فضل خدایمبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل ، هر گاه برای بنده ای نیکی بخواهد، او را به آنچه برای او قسمت نموده ، خشنود می سازد و برایش در آن ، برکت قرار می دهد، و هنگامی که برای بنده ای نیکی نخواهد، او را به آنچه قسمتش نموده، خشنود نمی سازد و در آن ، برایش برکت قرار نمی دهد.

۱۲ / ۴ موانع خشنودی به قضا امام علی علیه السلام: دل شیدا به دنیا، چگونه بر تحصیل خشنودی [به قضا] ، توانا می گردد؟! .

عنه عليه السلام: مَنْ كَثُرَ مُنَاهُ قَلَّ رِضَاهُ. (١)

عنه عليه السلام: الشَّرُّ (٢) لَا يَرْضَى. (٣)

عنه عليه السلام: لَنْ يُلْقَى الشَّرُّ رَاضِيًا. (٤)

الإمام الصادق عليه السلام: سَمِعْتُ أَبِي مُحَمَّدًا الْبَاقِرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: تَعَلَّقَ الْقَلْبُ بِالْمَوْجُودِ شَتْرَكَ، وَبِالْمَفْقُودِ كُفِّرَ، وَهُمَا خَارِجَانِ عَنِ سُنَّةِ الرِّضَا، وَأَعْجَبُ مِمَّنْ يَدْعِي الْعُبُودِيَّةَ لِلَّهِ، كَيْفَ يُنَازِعُهُ فِي مَقْدُورَاتِهِ؟ حَاشَا الرَّاظِينَ الْعَارِفِينَ عَنِ ذَلِكَ. (٥)

١٢ / ٥ آثار الرِّضَا بِالْقَضَاءِ التَّقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ وَرِضْوَانُهُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّكَ لَنْ تَتَقَرَّبَ إِلَيَّ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ الرِّضَا بِقَضَائِي، وَلَنْ تَعْمَلَ عَمَلًا أَحَبَّ لِحَسَنَاتِكَ مِنَ الْكِبْرِ. (٦)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ رَضِيَ عَنِ اللَّهِ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ. (٧)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ لَيَرْضَى عَنِ الْعَبْدِ أَنْ يَأْكُلَ الْأَكْلَةَ فَيَحْمَدَهُ عَلَيْهَا، أَوْ يَشْرَبَ الشَّرْبَةَ فَيَحْمَدَهُ عَلَيْهَا. (٨)

١- غرر الحكم: ح ٧٨٨٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٢٤ ح ٧١٥٧.

٢- شَرَّةٌ: غَلَبَ حِرْصُهُ وَاشْتَدَّ، وَقِيلَ: الشَّرَّةُ: أَسْوَأُ الْحِرْصِ (تاج العروس: ج ١٩ ص ٥٢ «شره»).

٣- غرر الحكم: ح ٨٨٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤١ ح ٩٣٢.

٤- غرر الحكم: ح ٧٤٠٧.

٥- مسكن الفؤاد: ص ٨٢، مصباح الشريعة: ص ٤٨٤، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ١٤٩ ح ٤٥.

٦- حليه الأولياء: ج ٧ ص ١٢٧ و ج ٥ ص ٤٥ وفيه «الكبرياء» بدل «الكبر»، الفردوس: ج ١ ص ١٤٣ ح ٥٠٩ كلَّها عن ابن عباس.

٧- تاريخ دمشق: ج ٣٣ ص ٣٦٠ ح ٦٨٩٠ عن عائشه، كنز العمال: ج ٣ ص ١٥٩ ح ٥٩٥٦.

٨- صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٩٥ ح ٨٩، سنن الترمذی: ج ٤ ص ٢٦٥ ح ١٨١٦، السنن الكبرى للنسائي: ج ٤ ص ٢٠٢ ح ٦٨٩٩، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٢٣٥ ح ١٢١٦٩، المصنف لابن أبي شيبة: ج ٥ ص ٥٦٣ ح ١ كلَّها عن أنس بن مالك، كنز العمال: ج ١٥ ص ٢٤٥ ح ٤٠٧٧٨.

۱۲ / ۵ آثار خشنودی به قضا

الف نزدیکی به خدا و خشنودی او

امام علی علیه السلام: هر که آرزویش بسیار باشد، خشنودی اش اندک است .

امام علی علیه السلام: آکنده از آز ، خشنود نمی شود .

امام علی علیه السلام: آکنده از آز ، روی خشنودی را نمی بیند.

امام صادق علیه السلام: از پدرم محمد باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: «دل بستگی به موجود، شرک است و به مفقود، کفر، و آن دو ، از سنت خشنودی ، خارج اند. از کسی که ادعای بندگی خدا می کند ، در شگفتم که چگونه با خدا در تقدیرهایش در کشمکش است !. خشنودان دانا ، از چنان کشمکشی به دورند» .

۱۲ / ۵ آثار خشنودی به قضا الف نزدیکی به خدا و خشنودی او پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای متعال به موسی علیه السلام وحی فرمود: «تو هرگز با چیزی که محبوب تر از خشنودی به قضای من باشد، به من نزدیک نمی شوی و هرگز عملی را انجام نمی دهی که برای نیکی هایت، نابود کننده تر از تکبر باشد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و هر که از خدا خشنود باشد، خدا [نیز] از او خشنود است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا خداوند از بنده خشنود می گردد [آن گاه] که لقمه ای بخورد و او را به خاطر آن بستاید، یا جرعه ای بنوشید و او را به خاطر آن بستاید.

الإمام علي عليه السلام: تَحَرَّرَ رِضَا اللَّهِ بِرِضَاكَ بِقَدْرِهِ . (١)

عنه عليه السلام: إِنَّكُمْ إِنْ صَبَرْتُمْ عَلَى الْبَلَاءِ ، وَشَكَرْتُمْ فِي الرَّخَاءِ ، وَرَضِيْتُمْ بِالْقَضَاءِ ، كَانَ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ الرَّضَا . (٢)

عنه عليه السلام: عَلَامَةُ رِضَا اللَّهِ سُبْحَانَهُ عَنِ الْعَبْدِ ، رِضَاهُ بِمَا قَضَى بِهِ سُبْحَانَهُ لَهُ وَعَلَيْهِ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ فِيمَا نَاجَى اللَّهُ بِهِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَنْ يَا مُوسَى ، مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ ، وَإِنِّي إِنَّمَا أَبْتَلِيهِ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ ، وَأَزْوَى عَنْهُ مَا يَشْتَهِيهِ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ ، وَأَعْطِيهِ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ ، وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا يَصْلُحُ عَبْدِي فَلْيَصْبِرْ عَلَى بَلَائِي ، وَلْيَشْكُرْ نِعْمَائِي ، وَلْيَرْضَ بِقَضَائِي ، أَكْتُبُهُ فِي الصُّدُوقِ عِنْدِي إِذَا عَمِلَ بِمَا يُرْضِينِي ، وَأَطَاعَ أَمْرِي . (٤)

رسول الله صلى الله عليه و آله : مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ بِالْيَسِيرِ مِنَ الرِّزْقِ ، رَضِيَ اللَّهُ مِنْهُ بِالْيَسِيرِ مِنَ الْعَمَلِ . (٥)

١- غرر الحكم : ح ٤٥٠٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٠٣ ح ٤١١٨ .

٢- غرر الحكم : ح ٣٨٤٥ .

٣- غرر الحكم : ح ٦٣٤٤ .

٤- الأمل للمفيد : ص ٩٣ ح ٢ ، الكافي : ج ٢ ص ٦١ ح ٧ ، التوحيد : ص ٤٠٥ ح ١٣ ، الأمل للطوسي : ص ٢٣٨ ح ٤٢١ كلها عن داوود بن فرقد ، المؤمن : ص ١٧ ح ٩ كلها نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ١٤٠ ح ٣٠ .

٥- تحف العقول : ص ٥٧ ، الكافي : ج ٢ ص ١٣٨ ح ٣ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٤ ص ٤١٠ ح ٥٨٩٠ كلاهما عن الهيثم بن واقد عن الإمام الصادق عليه السلام ، الخصال : ص ٦١٦ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام ، الأمل للطوسي : ص ٧٢١ ح ١٥٢١ عن إبراهيم بن مهزم عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٦٩ ص ٤٠٦ ح ١١٤ .

امام علی علیه السلام: خشنودی خدا را با خشنودی ات به قدر او بجوی.

امام علی علیه السلام: اگر شما بر گرفتاری، شکیبیا، و در آسایش، سپاس گزار، و به قضا خشنود باشید، از جانب خداوند سبحان هم از شما خشنود خواهد بود.

امام علی علیه السلام: نشانه خشنودی خداوند سبحان از بنده، خشنودی او (بنده) به آن چیزی است که خداوند سبحان به سود و زیان وی حکم کرده است.

امام صادق علیه السلام: در مناجات خداوند با موسی بن عمران علیه السلام آمده است: «ای موسی! هیچ آفریده ای را نیافریدم که نزد من، محبوب تر از بنده مؤمنم باشد. همانا من او را به خاطر چیزی که برایش بهتر است، گرفتار می سازم و چیزی را که می خواهد، به خاطر چیزی که برایش بهتر است، از او باز می دارم و به خاطر چیزی که برایش بهتر است، به او می بخشم، و من به آنچه صلاح بنده ام است، داناترم. پس باید بر بالای من شکیبیا باشد و نعمت هایم را سپاس گزار و به قضایم خشنود باشد. آن گاه که به آنچه مرا خشنود می سازد، عمل کرد، و امرم را اطاعت نمود، او را در شمار صدیقین (بندگان راستین) در گاه خود می نویسم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به روزی اندک از جانب خدا خشنود باشد، خداوند [نیز] به عمل اندک او خشنود می شود.

كنز الفوائد: قال لُقمانُ الحَكِيمُ لِأبْنِهِ فِي وَصِيَّتِهِ: يَا بُنَيَّ، أُحِبُّكَ عَلَى سِتِّ خِصَالٍ، لَيْسَ مِنْهَا خَصَلَةٌ، إِلَّا وَهِيَ تُقَرِّبُكَ إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ، وَتُبَاعِدُكَ مِنْ سَيِّئِهِ: الْأُولَى: أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا تُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا. وَالثَّانِيَةُ: الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ فِيمَا أَحَبَّتْ وَكَرِهَتْ. وَالثَّلَاثَةُ: أَنْ تُحِبَّ فِي اللَّهِ وَتُبْغِضَ فِي اللَّهِ. وَالرَّابِعَةُ: تُحِبَّ لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ، وَتَكْرَهُ لَهُمْ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ. وَالخَامِسَةُ: تَكْظُمَ الْغَيْظَ، وَتُحْسِنُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ. وَالسَّادِسَةُ: تَرْكُ الْهَوَى، وَمُخَالَفَةُ الرَّدَى. (١)

ب ذهابُ الحُزْنِ رسولُ الله صلى الله عليه وآله: الإِيْمَانُ بِالْقَدْرِ يُذْهِبُ الْهَمَّ وَالْحَزْنَ. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عِزُّ وَجَلِّ بِحِكْمَتِهِ وَفَضْلِهِ، جَعَلَ الرُّوحَ وَالْفَرَحَ فِي اليَقِينِ وَالرِّضَا، وَجَعَلَ الْهَمَّ وَالْحَزْنَ فِي الشُّكِّ وَالسَّخَطِ. (٣)

الإمام علي عليه السلام: الرِّضَا يَنْفِي الحُزْنَ. (٤)

-
- ١- .كنز الفوائد: ج ٢ ص ١٦٤، معدن الجواهر: ص ٥٥، أعلام الدين: ص ١٥٤، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٤٥٧ ح ٢٦.
 - ٢- .مسند الشهاب: ج ١ ص ١٨٧ ح ٢٧٧، تفسير القرطبي: ج ١٧ ص ١٤٨، الفردوس: ج ١ ص ١١٣ ح ٣٨٤ كلُّها عن أبي هريره، كنز العمال: ج ١ ص ١٠٦ ح ٤٨١.
 - ٣- .التوحيد: ص ٣٧٥ ح ٢٠ عن وهب بن وهب أبي البختری عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص ٦، المحاسن: ج ١ ص ٨١ ح ٤٧ عن السري بن خالد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيهما «بحكمته» بدل «بحكمته»، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٦١ ح ٤.
 - ٤- .غرر الحكم: ح ٤١٠.

ب زدودن اندوه

کنز الفوائد: لقمان حکیم در سفارش خود به پسرش فرمود: «ای پسر! تو را به شش خصلت، تشویق می‌کنم. خصلتی از آنها نیست، جز این که تو را به رضوان خداوند عز و جل نزدیک می‌سازد و تو را از خشم او دور می‌نماید: نخست: این که خدا را پرستی و چیزی را با او شریک نگردانی. دوم: خشنودی به قضای خدا در آنچه می‌پسندی و نمی‌پسندی. سوم: این که: در راه خدا، دوستی و دشمنی کنی. چهارم: آنچه را برای خود می‌پسندی، برای مردم بیسندی و آنچه را برای خود نمی‌پسندی، برای آنان نیز نپسندی. پنجم: خشم را فرو ببری و به کسی که به تو بد کرده، نیکی نمایی. و ششم: ترک هوای نفس و مخالفت با عوامل هلاکت بار».

ب زدودن اندوه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ایمان به قدر، غم و اندوه را برطرف می‌سازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل به واسطه حکمت و فضلش، آسایش و خوشی را در یقین و خشنودی [به قضا]، و غم و اندوه را در تردید و خشم [بر قضا]، قرار داده است.

امام علی علیه السلام: خشنودی، اندوه را برطرف می‌کند.

رسول الله صلى الله عليه وآله: كَانَ تَحْتَ الْجِدَارِ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ: «وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا» (١) لَوْحٌ مِنْ ذَهَبٍ ، مَكْتُوبٌ فِيهِ : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، عَجَبًا لِمَنْ أَيْقَنَ بِالمَوْتِ كَيْفَ يَفْرُحُ ، وَعَجَبًا لِمَنْ أَيْقَنَ بِالقَدْرِ كَيْفَ يَحْزَنُ ، وَعَجَبًا لِمَنْ أَيْقَنَ بِزَوَالِ الدُّنْيَا وَتَقَلُّبِهَا بِأَهْلِهَا كَيْفَ يَطْمَئِنُّ قَلْبُهُ إِلَيْهَا ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ . (٢)

الإمام علي عليه السلام: مَنْ رَضِيَ بِقِسْمِ اللَّهِ ، لَمْ يَحْزَنْ عَلَى مَا فَاتَهُ . (٣)

عنه عليه السلام: مَنْ رَضِيَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ ، لَمْ يَحْزَنْ عَلَى مَا فِي يَدِ غَيْرِهِ . (٤)

عنه عليه السلام: مَنْ أَيْقَنَ بِالقَدْرِ لَمْ يَكْتَرِثْ بِمَا نَابَهُ . (٥)

عنه عليه السلام: نِعَمَ الطَّارِدُ لِلْهَمِّ ، الرِّضَا بِالقَضَاءِ . (٦)

عنه عليه السلام: مَنْ رَضِيَ بِرِزْقِ اللَّهِ ، لَمْ يَحْزَنْ عَلَى مَا فَاتَهُ . (٧)

مصباح الشريعة فيما نَسَبَهُ إِلَى الإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا انْقَادَ القَلْبُ لِمُورِدِ قَضَاءِ اللَّهِ بِشَرَطِ الرِّضَا عَنْهُ ، كَيْفَ لَا يَنْفَتِحُ القَلْبُ بِالشُّرُورِ وَالرَّوْحِ وَالرَّاحَةِ ؟ (٨)

ج طيبُ العيشِ مسند ابن حنبل عن أبي العلاء بن الشخير: حَدَّثَنِي أَحَدُ بَنِي سُلَيْمٍ ، وَلَا أَحْسَبُهُ إِلَّا قَدْ رَأَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَبْتَلِي عَبْدَهُ بِمَا أَعْطَاهُ ، فَمَنْ رَضِيَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بَارَكَ اللَّهُ لَهُ فِيهِ وَوَسَّعَهُ ، وَمَنْ لَمْ يَرْضَ لَمْ يُبَارِكْ لَهُ . (٩)

١- .الكهف: ٨٢.

٢- .كتر الفوائد: ج ١ ص ٣٨٠ عن أنس بن مالك، الكافي: ج ٢ ص ٥٩ ح ٩، تهذيب الأحكام: ج ٩ ص ٢٧٧ ح ١٠٠١ عن علي بن أسباط عن الإمام الرضا عليه السلام، معاني الأخبار: ص ٢٠٠ ح ١ عن الإمام علي عليه السلام، علل الشرايع: ص ٦٢ ح ١ عن محمد بن عماره عن الإمام الصادق عليه السلام وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٢٩٥ ح ١٢.

٣- .تحف العقول: ص ٨٨، غرر الحكم: ح ٨٩٣٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٦٣ ح ٨٤٢٣، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٣٦ ح ١.

٤- .غرر الحكم: ح ٨٩٤٠.

٥- .غرر الحكم: ح ٨٩٣٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٣٥ ح ٧٥١٥.

٦- .غرر الحكم: ح ٩٩٠٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٩٤.

٧- .نهج البلاغه: الحكمة ٣٤٩، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٣٤٥ ح ٢.

٨- .مصباح الشريعة : ص ٢٢ ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٦٧ ح ٢٥ .

٩- .مسند ابن حنبل : ج ٧ ص ٢٨٢ ح ٢٠٣٠١ ، أسد الغابه : ج ٥ ص ٤٦٤ الرقم ٥٥٨١ ، الإصابه : ج ٦ ص ٥٦٢ الرقم ٩٤٦٥
كلاهما عن يزيد بن عبد الله بن الشخير .

ج زندگی خوش

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زیر دیواری که خدای متعال، آن را در کتابش ذکر کرده: «و زیر آن، گنجی برای آن دو است»، لوحی زرّین است که در آن، نوشته شده است: «به نام خداوند بخشنده مهربان. شگفتا از کسی که به مرگ باور دارد، چگونه شادی می کند، و شگفتا از کسی که قدر را باور دارد، چگونه اندوهگین می شود، و شگفتا از کسی که نابود شدن دنیا و دگرگونی [احوال] اهل آن را باور دارد، چگونه دلش به آن، آرام می گیرد! هیچ معبودی جز خدا نیست».

امام علی علیه السلام: هر کس به آنچه خداوند، قسمت او نموده، خشنود باشد، به خاطر چیزی که از دست داده، اندوهگین نمی شود.

امام علی علیه السلام: هر کس به آنچه خدا قسمتش نموده، خشنود باشد، بر آنچه در دست دیگری است، غصّه نمی خورد.

امام علی علیه السلام: هر کس به قدر باور داشته باشد، به آنچه او را گرفتار می سازد، اهمّیت نمی دهد.

امام علی علیه السلام: خشنودی به قضا، دور کننده نیکویی برای اندوه است!

امام علی علیه السلام: هر کس به روزی خدا خشنود باشد، بر چیزی که از دست داده، اندوه نمی خورد.

مصباح الشریعه در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده است: هر گاه دل در برابر قضای الهی [در رویدادها، البتّه] به شرط خشنودی به آن رام باشد، چگونه [ممکن است] این دل، با سرور و خوش حالی و راحتی، گشایش نیابد؟!

ج زندگی خوشمسنند ابن حنبل به نقل از ابو العلاء بن شخیر: یکی از بنی سلیم که تصور می کنم پیامبر خدا را دیده بود، برای من روایت کرد: «خداوند تبارک و تعالی بنده اش را با آنچه عطايش کرده، می آزمايد. هر کس به آنچه خداوند عز و جلازوی اش نموده، خشنود باشد، خداوند برای او در آن، برکت و فراوانی قرار می دهد، و هر که خشنود نباشد، آن را برایش مبارک نمی کند».

الإمام علي عليه السلام: مَنْ رَضِيَ بِالْقَضَاءِ طَابَ عَيْشُهُ . (١)

عنه عليه السلام: إِنَّ أَهْنَ النَّاسِ عَيْشًا مَنْ كَانَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ رَاضِيًا . (٢)

عنه عليه السلام: إِنَّكُمْ إِنْ رَضَيْتُمْ بِالْقَضَاءِ ، طَابَتْ عَيْشَتُكُمْ وَفُزْتُمْ بِالْغِنَاءِ . (٣)

د الرَّاحِهُرُ سَوَلُ اللّٰهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي بَيَانِ مَا كَانَ فِي صَاحِبِهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِيهَا : عَجِبْتُ ... لِمَنْ يُؤْمِنُ بِالْقَدْرِ كَيْفَ يَنْصَبُ (٤) ؟ (٥)

عنه صلى الله عليه و آله :الدُّنْيَا دُولٌ ، فَمَا كَانَ لَكَ مِنْهَا أَتَاكَ عَلَى ضَعْفِكَ ، وَمَا كَانَ مِنْهَا عَلَيْكَ لَمْ تَدْفَعْهُ بِقُوَّتِكَ ، وَمَنْ انْقَطَعَ رَجَاؤُهُ مِمَّا فَاتَ اسْتِرَاحَ بَدْنُهُ ، وَمَنْ رَضِيَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ قَرَّتْ عَيْنُهُ . (٦)

١- غرر الحكم : ح ٨٠١١ و ح ٨٤٣٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٥٤ ح ٨١٧٧ .

٢- غرر الحكم : ح ٣٣٩٧ .

٣- مختصر بصائر الدرجات : ص ١٣٩ ، غرر الحكم : ح ٣٨٤٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٧٤ ح ٣٦٣١ .

٤- النَّصَبُ : التَّعْبُ (النهاية : ج ٥ ص ٦٢ «نصب»).

٥- الخصال : ص ٥٢٥ ح ١٣ ، معاني الأخبار : ص ٣٣٤ ح ١ وفيه «أيقن» بدل «يؤمن» وكلاهما عن أبي ذرّ ، بحار الأنوار : ج

١٢ ص ٧١ ح ١٤ ؛ صحيح ابن حبان : ج ٢ ص ٧٨ ح ٣٦١ ، تفسير القرطبي : ج ٢٠ ص ٢٥ كلاهما عن أبي ذرّ وفيهما «أيقن» بدل «يؤمن» ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٩٣٧ ح ٤٣٦١٠ .

٦- التمحيص : ص ٥٤ ح ١٠٦ عن الإمام الباقر عليه السلام ، الأمالي للطوسي : ص ٢٢٥ ح ٣٩٣ عن الحسن بن موسى عن أبيه

الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عن علي عليه و آله ، تحف العقول : ص ٤٠ ، بحار الأنوار : ج ١٠٣ ص ٣٦ ح ٧٤ ؛

الفرديوس : ج ٢ ص ٢٣١ ح ٣١١٣ عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله .

د آسودگی

امام علی علیه السلام: هر کس به قضا خشنود باشد، از زندگی خوشی برخوردار می گردد .

امام علی علیه السلام: گواراترین مردم در زندگی، کسی است که به آنچه خدا روزی اش نموده، خشنود باشد.

امام علی علیه السلام: اگر شما به قضا خشنود گشتید، زندگی تان خوش می شود و به توانگری می رسید .

د آسودگی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در نقل نکته ای که در صحیفه موسی علیه السلام بوده است : در آن چنین بود: «در شگفتم... از کسی که به قدر ایمان دارد ، چگونه رنج می برد!» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دنیا در گردش است (دست به دست می گردد) . آن مقداری که برای توست، با وجود ناتوانی ات ، به تو می رسد، و آن مقدار که به زیان توست ، نمی توانی آن را با توانت دور کنی . هر کس امیدش به آنچه از دست داده، قطع شود ، تنش آسوده می گردد ، و هر کس به آنچه خدا روزی اش نموده، خشنود باشد، چشمش روشن می شود.

الإمام علي عليه السلام: مَنْ رَضِيَ بِقِسْمِهِ اسْتَرَاخَ . (١)

عنه عليه السلام: مَنْ رَضِيَ بِالْقَضَاءِ اسْتَرَاخَ . (٢)

عنه عليه السلام: مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ عِزًّا وَجَلَّ بِمَا قَسَمَ لَهُ ، اسْتَرَاخَ بَدْنَهُ . (٣)

عنه عليه السلام فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ : مَنْ رَضِيَ بِمَا قَسَمَ لَهُ ، اسْتَرَاخَ قَلْبُهُ وَبَدْنُهُ (٤) . (٥)

عنه عليه السلام: كُلُّ رَاضٍ مُسْتَرِيحٌ . (٦)

عنه عليه السلام: إِرْضَ تَسْتَرِحْ . (٧)

عنه عليه السلام: الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ ، يُهَوِّنُ الْعَظِيمَ الرَّزَايَا . (٨)

عنه عليه السلام: مَنْ حَسَنَ رِضَاهُ بِالْقَضَاءِ ، حَسُنَ صَبْرُهُ عَلَى الْبَلَاءِ . (٩)

عنه عليه السلام: اخْتَرْتُ مِنَ التَّوْرَةِ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ آيَةً فَنَقَلْتُهَا إِلَى الْعَرَبِيَّةِ ، وَأَنَا أَنْظُرُ إِلَيْهَا فِي كُلِّ يَوْمٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ : ... الثَّانِيَةَ عَشَرَ :
يَا بَنَ آدَمَ ، إِنْ رَضِيْتَ بِمَا قَسَمْتُ لَكَ أَرَحْتَ قَلْبَكَ وَبَدَنَكَ وَأَنْتَ مَحْمُودٌ ، وَإِنْ لَمْ تَرْضَ بِمَا قَسَمْتُ لَكَ سَلَطْتُ عَلَيْكَ الدُّنْيَا
تَرَكُضُ فِيهَا كَرَكُضِ الْوَحْشِ فِي الْبَرِّيَّةِ ، وَلَا تَنَالُ إِلَّا مَا قَدَّرْتُ لَكَ وَأَنْتَ مَذْمُومٌ . (١٠)

١- غرر الحكم : ح ٧٧٣٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٢٩ ح ٧٣٣٠ وفيه «قنع» بدل «رضى» .

٢- غرر الحكم : ح ٧٧٣٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٢٩ ح ٧٣٢٩ .

٣- الخصال : ص ٦٣٢ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ١٣٩ ح ٢٧ .

٤- وفي نسخة : «نفسه» .

٥- شرح نهج البلاغه : ج ٢٠ ص ٢٦٢ ح ٦١ .

٦- غرر الحكم : ح ٦٨٣٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٧٥ ح ٦٣٢٨ .

٧- غرر الحكم : ح ٢٢٤٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٧٨ ح ١٩٠٠ .

٨- غرر الحكم : ح ١٥٤٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٩ ح ١٢٣٩ .

٩- غرر الحكم : ح ٨٨٢٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٣٦ ح ٧٥٤٤ وفيه «أحسن» بدل «حسن» في الموضع الأول .

١٠- المواعظ العديده : ص ٤١٩ .

امام علی علیه السلام: هر کس به قسمتش خشنود باشد، آسوده می شود.

امام علی علیه السلام: هر کس به قضا خشنود باشد، آسوده می شود.

امام علی علیه السلام: هر کس از خداوند عز و جل به آنچه روزی اش نموده، خشنود باشد، بدنش آسوده می گردد.

امام علی علیه السلام از حکمت های منسوب به وی: هر کس به آنچه برایش قسمت شده، خشنود باشد، دل و تنش آسوده می گردد.

امام علی علیه السلام: هر خشنودی [به قضا]، آسوده است.

امام علی علیه السلام: [به قضا] خشنود باش، آسوده می شوی.

امام علی علیه السلام: خشنودی به قضای خداوند، سختی مصیبت ها را آسان می گرداند.

امام علی علیه السلام: هر کس خشنودی اش به قضا نیکو باشد، شکیبایی اش بر گرفتاری نیکو می گردد.

امام علی علیه السلام: دوازده آیه را از تورات، انتخاب کردم. آنها را به عربی برگرداندم و هر روز، سه مرتبه به آنها می نگرم: «... دوازدهم. ای فرزند آدم! اگر به آنچه برایت قسمت کرده ام، خشنود باشی، دل و تنت را آسوده نموده ای، در حالی که ستوده ای؛ و اگر به آنچه برایت قسمت کرده ام، خشنود نباشی، دنیا را بر تو مسلط می کنم تا در آن، همانند حیوان وحشی در بیابان، [پیوسته] بگردی، ولی با نکوهیدگی جز به آنچه برایت مقدر شده، دست نیابی و آن هم با نکوهیدگی».

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ الرَّوْحَ وَالرَّاحَةَ فِي الْيَقِينِ وَالرِّضَا ، وَجَعَلَ الْهَمَّ وَالْحَزْنَ فِي الشُّكِّ وَالسَّخَطِ .
(١)

راجع: ص ١٤٨ ح ٦٣٣٦ .

ه الغنير رسول الله صلى الله عليه وآله: اِرْضَ بِقَسَمِ اللَّهِ ، تَكُنْ مِنْ أَعْنَى النَّاسِ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ رَضِيَ بِقَسَمِ اللَّهِ كَانَ غَنِيًّا . (٣)

الإمام علي عليه السلام: الرِّضَا غِنَاءٌ ، وَالسَّخَطُ عِنَاءٌ . (٤)

عنه عليه السلام: ثَمَرَةُ الرِّضَا الْغِنَاءُ . (٥)

عنه عليه السلام فِي وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنْفِيَّةِ : يَا بُنَيَّ ... لَا مَالَ أَذْهَبَ لِلْفَاقَةِ مِنَ الرِّضَا بِالقَوْتِ . (٦)

عنه عليه السلام: لَا يُذْهَبُ الْفَاقَةُ مِثْلَ الرِّضَا وَالْقُنُوعِ . (٧)

عنه عليه السلام: نَالَ الْغِنَى مَنْ رَضِيَ بِالْفَضَاءِ . (٨)

- ١- مشكاة الأنوار: ص ٤٤ ح ٢٣ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، الكافي: ج ٢ ص ٥٧ ح ٢ عن أبي ولاد الحنّاط وعبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام بزياده «بعده وقسطه» بعد «الله»، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ١٤٣ ح ٧ .
- ٢- الأمالى للمفيد: ص ٣٥٠ ح ١، الأمالى للطوسى: ص ١٢٠ ح ١٨٧ كلاهما عن إسماعيل بن مسلم السكونى عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام، الأمالى للصدوق: ص ٢٦٩ ح ٢٩٥ عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، روضه الواعظين: ص ٤٧٤، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٣٦٨ ح ٤ .
- ٣- كنز الفوائد: ج ٢ ص ١٦٢، تاريخ يعقوبى: ج ٢ ص ٣٠٣ عن أبي خالد الكابلى عن الإمام زين العابدين عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٧١ ح ٧ .
- ٤- غرر الحكم: ح ٧١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٧ ح ٧٦٦ و ٧٦٧ .
- ٥- غرر الحكم: ح ٤٦٠٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٠٨ ح ٤١٨٧ .
- ٦- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٨٤ ح ٥٨٣٤، نهج البلاغه: الحكمة ٣٧١، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٤١١ ح ١٢٨؛ دستور معالم الحكم: ص ٣٠ .
- ٧- غرر الحكم: ح ١٠٨٨٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٤٤ ح ١٠١١٢ .
- ٨- غرر الحكم: ح ٩٩٥٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٩٧ ح ٩١٥٩ .

ه بی نیازی

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای متعال ، آسایش و راحتی را در یقین و خشنودی ، و غم و اندوه را در تردید و ناخشنودی ، قرار داده است.

ر . ک : ص ۱۴۹ ح ۶۳۳۶ .

ه بی نیازپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به قسمت خدا خشنود باش تا از بی نیازترین مردم باشی.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که به قسمت خدا خشنود باشد ، ثروتمند است.

امام علی علیه السلام :خشنودی [به قضا] ، ثروت است و ناخشنودی [از آن] ، رنج.

امام علی علیه السلام :نتیجه خشنودی [به قضا] ، توانگری است.

امام علی علیه السلام در سفارش به پسرش محمد بن حنفیه : ای پسر! ... هیچ ثروتی ، فقر را برطرف نمی کند ، مگر رضایت به قوت.

امام علی علیه السلام :هیچ چیزی مانند خشنودی [به قضا] و قناعت، نیازمندی را برطرف نمی سازد.

امام علی علیه السلام :هر که به قضا خشنود بود ، به بی نیازی رسید .

عنه عليه السلام: الزم الرضا، يلزمك الغناء والكرامة. (١)

عنه عليه السلام: كل الغنى في القناعة والرضا. (٢)

عنه عليه السلام: كفى بالسخط عناء، كفى بالرضا غنى. (٣)

عنه عليه السلام: أغنى الناس الرضا بقسم الله. (٤)

عنه عليه السلام: الفقير الرضا ناج من حبال إبليس، والغني واقع في حباله. (٥)

عنه عليه السلام: ملوك الدنيا والآخرة، الفقراء الراضون. (٦)

الإمام الصادق عليه السلام: ما ناصح (٧) الله عبداً في نفسه فأعطى الحق منها وأخذ الحق لها، إلا أعطى خصلتين: رزقا من الله يسعه، ورضى عن الله ينجيه. (٨)

عنه عليه السلام: ليس مع الشدة غنى، ولا مع الرضا فاقة. (٩)

و العفا للإمام علي عليه السلام: الرضا بالكفاف يؤدى إلى العفاف. (١٠)

١- غرر الحكم: ح ٢٤٤٧.

٢- غرر الحكم: ح ٦٨٧٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٧٥ ح ٦٣٢٣.

٣- غرر الحكم: ح ٧٠٦٧ و ٧٠٦٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٨٧ ح ٦٥٥٥ و ٦٥٥٦.

٤- غرر الحكم: ح ٣٢٢٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ١١٥ ح ٢٥٥١.

٥- غرر الحكم: ح ١٩٢٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٨ ح ١٤٧٥.

٦- غرر الحكم: ح ٩٨١٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٨٧ ح ٩٠٠٠.

٧-.. «النصح والنصيحة»: خلاف «الغش» (معجم مقاييس اللغة: ج ٥ ص ٤٣٥ «نصح»)، «النصيحة كلمه يعبر بها عن جمله، هي إرادته الخير للمنصوح له... وأصل النصح في اللغة: الخلوص» (النهاية: ج ٥ ص ٦٣ «نصح»؛ إذا فقوله: «ناصح الله...» يعني ما أخلص لله بإرادته الخير لدينه ولخلقه، فيما له وما عليه...).

٨- المحاسن: ج ١ ص ٩٦ ح ٦٢ عن معاوية عن أبيه، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٢٨ ح ١٧.

٩- جامع الأحاديث للقمي: ص ٢٠٧.

١٠- غرر الحكم: ح ١٥١٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٧ ح ٣٤٣.

و پاک دامنی

امام علی علیه السلام: با خشنودی [به قضا] همراه باش، که توانگری و بزرگی با تو خواهد بود.

امام علی علیه السلام: همه ثروت، در قناعت و خشنودی [به قضا] است.

امام علی علیه السلام: ناخشنودی [به قضا]، برای ناداری، و خشنودی [به آن]، برای توانگری، کافی است.

امام علی علیه السلام: توانگرترین مردم، کسی است که به قسمت خدا خشنود باشد.

امام علی علیه السلام: نیازمند خشنود [به قضا]، از دام های ابلیس نجات می یابد و ثروتمند [ناخشنود (به قضا)]، در دام های او گرفتار می شود.

امام علی علیه السلام: پادشاهان دنیا و آخرت، بینوایانی هستند که به قضای الهی راضی اند.

امام صادق علیه السلام: هیچ بنده ای درباره خویشتن با خدا از در اخلاص و خیرخواهی درنیامد که حق [خدا و خلق] را از خود پردازد و حقّ خویش را [نیز بازستاند]. مگر که این دو ویژگی به او داده شد: روزی ای کفایت کننده و خشنودی ای نجاتبخش از جانب خداوند. (۱)

امام صادق علیه السلام: با سختگیری، توانگری ای نیست و با خشنودی، تنگ دستی ای.

و پاک دامنیامام علی علیه السلام: خشنود بودن به مقدار کفاف [از روزی]، پاک دامنی می آورد.

۱- دو کلمه «نُصَح» و «نصیحت»، در عربی، ضد غشّ شمرده می شوند. کلمه «نصیحت»، برای قصد خیر به کار می رود و «نُصَح» در لغت، به معنای «خُلوص» است. بنا بر این، تعبیر «نَصِيحَ اللَّهِ» که در اصل عربی حدیث به کار رفته است یعنی: «آنچه تنها برای خداوند و به قصد خیرخواهی برای دین و مخلوقات خدا اراده می شود، به سود شخص باشد یا به زیان او».

ز الشَّجَاعَةُ الكافي عن صفوان الجمال: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا» (١) فَقَالَ: أَمَا إِنَّهُ مَا كَانَ ذَهَبًا وَلَا فِضَّةً وَإِنَّمَا كَانَ أَرْبَعَ كَلِمَاتٍ: ... مَنْ أَيْقَنَ بِالْقَدَرِ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ. (٢)

ح دَفَعَ الْحَسَدَ الْإِمَامَ عَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ رَضِيَ بِحَالِهِ لَمْ يَعْتَوِرْهُ (٣) الْحَسَدُ. (٤)

ط دَفَعَ الْبَلَاءَ الْإِمَامَ عَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا دَفَعَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ عَنِ الْمُؤْمِنِ شَيْئًا مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ، إِلَّا بِرِضَاهُ بِقَضَائِهِ وَحُسْنِ صَبْرِهِ عَلَى بَلَائِهِ. (٥)

ي قُوَّةُ الْيَقِينِ الْإِمَامَ عَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ رَضِيَ بِالْمَقْدُورِ قَوِيَ يَقِينُهُ. (٦)

ك الْإِسْتِخْفَافُ بِالْغَيْرِ الْإِمَامَ عَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ رَضِيَ بِالْقَدَرِ اسْتَخَفَّ بِالْغَيْرِ (٧). (٨)

١- الكهف: ٨٢.

٢- الكافي: ج ٢ ص ٥٨ ح ٦، تفسير العياشي: ج ٢ ص ٣٣٨ ح ٦٦ وفيه «آمن» بدل «أيقن»، مشكاة الأنوار: ص ٤٤ ح ٢١، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٨٤، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ١٥٢ ح ١١.

٣- اعتوروا الشيء: تداولوه فيما بينهم (تاج العروس: ج ٧ ص ٢٧٦ «عور»).

٤- غرر الحكم: ح ٨١٨٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٥٤ ح ٨١٩١.

٥- غرر الحكم: ح ٩٦٧١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٨٣ ح ٨٩١٦.

٦- غرر الحكم: ح ٨٤٦٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٤٩ ح ٧٩٥٩.

٧- .. غَيْرُ الدَّهْرِ: أَحْدَاثُهُ وَأَحْوَالُهُ الْمُغَيَّرَةُ (تاج العروس: ج ٧ ص ٣٣٣ «غير»).

٨- غرر الحكم: ح ٨٤٥٤.

ز شجاعت

ح از بین رفتن حسد

ط برطرف شدن گرفتاری

ی استحکام یقین

ک آسان شمردن رخدادها

ز شجاعت‌الکافی به نقل از صفوان جمّال: از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند عز و جل پرسیدم: «و اما آن دیوار، از آن دو پسر [بچه] یتیم در آن شهر بود، و زیر آن، گنجی متعلق به آن دو بود». فرمود: «آن [گنجینه]، طلا و نقره نبود؛ بلکه چهار سخن بود: ... هر کس تقدیر [الهی] را باور داشته باشد، جز از خدا نمی هراسد».

ح از بین رفتن حسد امام علی علیه السلام: هر کس به وضع موجودش خشنود باشد، حسد، او را در بر نمی گیرد.

ط برطرف شدن گرفتاری امام علی علیه السلام: خداوند سبحان، چیزی از گرفتاری دنیا و کیفر آخرت مؤمن را برطرف نمی کند، جز با خشنودی او به قضای خدا و شکیبایی نیکویش بر بلای خدا.

ی استحکام یقین امام علی علیه السلام: هر کس به تقدیر شده خشنود باشد، یقینش محکم می شود.

ک آسان شمردن رخدادها امام علی علیه السلام: هر کس به قَدَر خشنود باشد، حوادث را آسان می شمارد.

ل إجابته الدعاء الإمام الصادق عليه السلام: لَقِيَ الْحَسَنُ بَنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ جَعْفَرٍ فَقَالَ: ... أَنَا الضَّامِنُ لِمَنْ لَمْ يَهْجَسْ فِي قَلْبِهِ إِلَّا الرِّضَا ، أَنْ يَدْعُو اللَّهَ فَيَسْتَجَابَ لَهُ . (١)

١٢ / ٦ سِيرَةُ أَهْلِ الْبَيْتِ فِي الرِّضَا بِقِضَاءِ اللَّهِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ لِشَيْءٍ قَدْ مَضَى: لَوْ كَانَ غَيْرُهُ . (٢)

الإمام علي عليه السلام: رَضِينَا عَنِ اللَّهِ قِضَاءَهُ وَسَلَّمْنَا لِلَّهِ أَمْرَهُ . (٣)

عنه عليه السلام في ذم العاصين من أصحابه: أَحْمَدُ اللَّهُ عَلَيَّ مَا قَضَى مِنْ أَمْرٍ ، وَقَدَّرَ مِنْ فِعْلٍ ، وَعَلَى ابْتِلَائِي بِكُمْ . (٤)

تاريخ دمشق: قِيلَ لِلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَبَا ذَرٍّ يَقُولُ: الْفَقْرُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الْغِنَى ، وَالسُّقْمُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الصُّحَّةِ . فَقَالَ: رَجِمَ اللَّهُ أَبَا ذَرٍّ! أَمْيَا أَنَا أَقُولُ: فَمَنْ اتَّكَلَّ عَلَى حُسْنِ اخْتِيَارِ اللَّهِ لَهُ لَمْ يَتَمَنَّ أَنْهُ فِي غَيْرِ الْحَالِهِ الَّتِي اخْتَارَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ ، وَهَذَا حَدُّ الْوُقُوفِ عَلَى الرِّضَا بِمَا يُصْرَفُ بِهِ الْقِضَاءُ . (٥)

- ١- الكافي: ج ٢ ص ٦٢ ح ١١ ، مشكاة الأنوار: ص ٧٤ ح ١٣٧ ، بحار الأنوار: ج ٤٣ ص ٣٥١ ح ٢٥ .
- ٢- الكافي: ج ٢ ص ٦٣ ح ١٣ ، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٨٥ كلاهما عن ابن أبي يعفور ، مشكاة الأنوار: ص ٥٠ ح ٤١ ، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ١٥٧ ح ٧٥ .
- ٣- نهج البلاغه: الخطبة ٣٧ ، بحار الأنوار: ج ٣٩ ص ٣٥١ ح ٢٥ .
- ٤- نهج البلاغه: الخطبة ١٨٠ ، الغارات: ج ١ ص ٢٩١ عن جندب بن عبد الله ، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٥٦٤ .
- ٥- تاريخ دمشق: ج ١٣ ص ٢٥٣ عن محمد بن يزيد المبرّد ، سير أعلام النبلاء: ج ٣ ص ٢٦٢ نحوه ، تاريخ الخلفاء: ص ٢٢٧ ، كنز العمال: ج ٣ ص ٧١٢ ح ٨٥٣٧ .

ل پذیرش دعا

۱۲ / ۶ سیره اهل بیت در راضی بودن به قضای الهی

ل پذیرش دعا امام صادق علیه السلام: حسن بن علی علیهما السلام با عبد الله بن جعفر دیدار کرد و فرمود: «... من برای کسی که در دلش جز خشنودی خطور نمی کند، ضمانت می کنم که دعا کند و به اجابت برسد».

۱۲ / ۶ سیره اهل بیت در راضی بودن به قضای الهی امام صادق علیه السلام: هیچ گاه پیامبر خدا درباره چیزی که گذشته بود، نمی فرمود: کاش غیر این بود.

امام علی علیه السلام: در کار خدا، به قضایش خشنودیم و به فرمانش تسلیم.

امام علی علیه السلام در سرزنش اصحاب نافرمانش: خدا را بر هر چیزی که حکم نموده و بر هر کاری که مقدر کرده و بر گرفتار شدنم به شما، می ستایم.

تاریخ دمشق: به امام حسن بن علی علیهما السلام گفته شد: ابو ذر می گفت: در نزد من، ناداری، محبوب تر از ثروت، و بیماری، محبوب تر از سلامت است. فرمود: «خدا ابو ذر را رحمت کند! اما من می گویم: هر کس به حُسن انتخاب خداوند تکیه نماید، آرزو نمی کند که در غیر وضعیتی باشد که خدا برای او انتخاب نموده است و این مقام، دستیابی به خشنودی ای است که قضا [ای ناخوشایند الهی] با آن، برگردانده می شود.

الإمام الصادق عليه السلام: إنا قومٌ نَسألُ اللهَ ما نُحِبُّ فيمَن نُحِبُّ ، فَيُعطينا ، فإذا أَحَبَّ ما نَكَرَهُ فيمَن نُحِبُّ رَضِينا . (١)

سير أعلام النبلاء عن سفيان الثوري: اِشْتَكى بَعْضُ أولادِ مُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ عليهما السَّلامُ فَجَزَعَ عَلَيْهِ ، ثُمَّ أُخْبِرَ بِمَوْتِهِ فَسَرَى عَنْهُ ، فَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ ، فَقَالَ : نَدْعُو اللهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فيما نُحِبُّ ، فإذا وَقَعَ ما نَكَرَهُ لَمْ نُخَالِفِ اللهَ فيما أَحَبَّ . (٢)

الكافي عن يونس بن يعقوب عن بعض أصحابنا: كان قومٌ أتوا أبا جعفرٍ عليه السلام فوافقوا صبيًا له مريضًا ، فرأوا منه اهتمامًا وعمًا وجعل لا يقتر ، قال : فقالوا : والله لئن أصابه شيءٌ إنا لنتخوف أن نرى منه ما نكره . قال : فما لبثوا أن سمعوا الصياح عليه ، فإذا هو قد خرَجَ عليهم مُتَبَسِّطَ الوجهِ في غيرِ الحالِ التي كان عليها . فقالوا له : جعلنا الله فداك ، لقد كُنَّا نَخافُ مما نرى منك أن لو وَقَعَ أن نرى منك ما يَغُثُّنا . فقال لهم : إنا لنحبُّ أن نعاफी فيمَن نُحِبُّ ، فإذا جاء أمرُ اللهِ سلَّمنا فيما أَحَبَّ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: إنا أهلُ بيتٍ نَجْزِعُ قَبْلَ المُصِيبِ ، فإذا نَزَلَ أمرُ اللهِ عز و جل رَضِينا بِقَضائِهِ وسَلَّمنا لِأمرِهِ ، وليسَ لنا أن نَكَرَهُ ما أَحَبَّ اللهُ لنا . (٤)

١- الدعوات : ص ٢٨٦ ح ١٦ ، إحقاق الحق : ج ١١ ص ٤٢٩ نقلًا عن مقتل الحسين عن الشافعي عن الإمام الحسين عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٤٧ ص ١٨ ح ٨ .

٢- سير أعلام النبلاء : ج ٤ ص ٤٠٧ ، حلية الأولياء : ج ٣ ص ١٨٧ عن عمرو بن دينار ، تاريخ دمشق : ج ٥٤ ص ٢٩٤ ؛ إحقاق الحق : ج ١٢ ص ٢٨٦ نقلًا عن مفيد العلوم ومبيد الهموم عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه .

٣- الكافي : ج ٣ ص ٢٢٦ ح ١٤ ، بحار الأنوار : ج ٤٦ ص ٣٠١ ح ٤٤ .

٤- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ١٨٧ ح ٥٦٧ ، وسائل الشيعة : ج ٢ ص ٩١٨ ح ٤ .

امام صادق علیه السلام: ما مردمانی هستیم که آنچه را دوست داریم، برای کسی که دوست داریم، از خداوند می خواهیم و خدا آن را به ما می دهد. پس هر گاه خدا چیزی را دوست بدارد که ما آن را برای کسی که دوست داریم، نمی پسندیم، به خواست خداوند، خشنود می شویم.

سیر أعلام النبلاء به نقل از سفیان ثوری: یکی از فرزندان محمد بن علی علیهما السلام [بیمار شد و] شکوه نمود. ایشان برایش بی تابی کرد. سپس مرگ او را به ایشان خبر دادند و اندوه از دل ایشان رفت. در این باره از ایشان سؤال شد. فرمود: «ما خداوند تبارک و تعالی را درباره چیزی که دوست داریم، می خوانیم؛ اما هر گاه آنچه ما نمی پسندیم، رخ داد، با خدا درباره آنچه دوست می دارد، مخالفت نمی کنیم».

الکافی به نقل از یونس بن یعقوب، از برخی از شیعیان: گروهی به خدمت امام باقر علیه السلام رسیدند و دیدند کودک بیماری دارد که برایش نگران و غمگین است و بی قراری می کند. گفتند: به خدا، اگر اتّفاقی برایش رخ دهد، می ترسیم رفتاری از امام علیه السلام بینیم که دوست نداریم. زمانی نگذشت که فریاد شیون بر [مرگ] او را شنیدند. ناگهان دیدند که امام علیه السلام با چهره ای باز و در غیر آن حالتی که [پیش تر] داشت، بیرون آمد. به امام علیه السلام گفتند: فدایت گردیم! می ترسیدیم از تو رفتاری بینیم که ما را غمگین کند. به آنان فرمود: «ما علاقه مندیم که به کسانی که دوستشان داریم، عافیت داده شود؛ اما وقتی فرمان خدا آمد، تسلیم همان چیزی می شویم که خدا دوست دارد».

امام صادق علیه السلام: ما اهل بیتی هستیم که پیش از مصیبت، بی تابی می کنیم؛ اما وقتی زیان خدا فرود آمد، به قضای او خشنود و تسلیم دستور اویم. برای ما روا نیست آن چیزی را که خدا برای ما دوست دارد، نپسندیم.

الكافي عن علاء بن كامل: كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَصَيَّرَتْ صَارِحَةً مِنَ الدَّارِ ، فَقَامَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ جَلَسَ فَمَاسْتَرَجَعَ ، وَعَادَ فِي حَدِيثِهِ حَتَّى فَرَغَ مِنْهُ . ثُمَّ قَالَ : إِنَّا لَنُحِبُّ أَنْ نُعَافِيَ فِي أَنْفُسِنَا وَأَوْلَادِنَا وَأَمْوَالِنَا ، فَإِذَا وَقَعَ الْقَضَاءُ فَلَيْسَ لَنَا أَنْ نُحِبَّ مَا لَمْ يُحِبَّ اللَّهُ لَنَا . (١)

الكافي عن قتيبة الأعشى: أَتَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَعُوذُ ابْنًا لَهُ فَوَجَدْتُهُ عَلَى الْبَابِ ، فَإِذَا هُوَ مُهْتَمٌّ حَزِينٌ ، فَقُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ كَيْفَ الصَّبِيُّ ؟ فَقَالَ : وَاللَّهِ إِنَّهُ لِمَا بِهِ ، ثُمَّ دَخَلَ فَمَكَثَ سَاعَةً ، ثُمَّ خَرَجَ إِلَيْنَا وَقَدْ أُسْفِرَ وَجْهُهُ وَذَهَبَ التَّعْيِيرُ وَالْحُزْنُ . قَالَ : فَطَمِعْتُ أَنْ يَكُونَ قَدْ صَلَحَ الصَّبِيُّ فَقُلْتُ : كَيْفَ الصَّبِيُّ جُعِلْتُ فِدَاكَ ؟ فَقَالَ : لَقَدْ (٢) مَضَى لِسَبِيلِهِ . فَقُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ، لَقَدْ كُنْتُ وَهُوَ حَيٌّ مُهْتَمًّا حَزِينًا وَقَدْ رَأَيْتُ حَالَكَ السَّاعَةَ وَقَدْ مَاتَ غَيْرَ تِلْكَ الْحَالِ ، فَكَيْفَ هَذَا ؟ فَقَالَ : إِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّمَا نَجْزِعُ قَبْلَ الْمُصِيبَةِ ، فَإِذَا وَقَعَ أَمْرُ اللَّهِ رَضِينَا بِقَضَائِهِ ، وَسَلَّمْنَا لِأَمْرِهِ . (٣)

١- الكافي: ج ٣ ص ٢٢٦ ح ١٣ ، بحار الأنوار: ج ٤٧ ص ٤٩ ح ٧٨ .

٢- .. في المصدر: «وقد»، والتصويب من بحار الأنوار .

٣- الكافي: ج ٣ ص ٢٢٥ ح ١١ ، بحار الأنوار: ج ٤٧ ص ٤٩ ح ٧٦ .

الکافی به نقل از علاء بن کامل : خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودم که ناگهان صدایی از خانه بلند شد . امام صادق علیه السلام برخاست . سپس نشست و فرمود : «إِنَّا لِلَّهِ وِإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» و به ادامه سخن ، باز گشت ، تا از آن فارغ شد . آن گاه فرمود: «ما دوست داریم که خودمان و فرزندانمان و دارایی هایمان در عافیت [و سلامتی] باشند ؛ اما وقتی قضا واقع شد، برای ما روا نیست که چیزی را که خدا برای ما دوست نداشته ، دوست بداریم» .

الکافی به نقل از قتیبه أعشى : خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم تا از پسرش عیادت کنم . امام علیه السلام را جلوی در دیدم که غم زده و اندوهگین است . گفتم : فدایت شوم! حال کودک ، چه طور است؟ فرمود: «به خدا ، او درگیر همان بیماری است که بدان مبتلا است» . سپس [به اندرونی] وارد شد و مدّتی ماند . سپس در حالی که چهره اش باز شده و دگرگونی و اندوهش برطرف گردیده بود ، بیرون آمد . امیدوار شدم که حال بچه خوب شده است . گفتم : فدایت شوم! حال بچه چه طور است؟ فرمود : «تمام کرد» . گفتم : فدایت شوم! آن گاه که او زنده بود، شما غمگین و اندوهناک بودی ؛ امّا اکنون که او از دنیا رفته ، حال تو را غیر از آن می بینم . این چگونه است؟ فرمود : «ما اهل بیت، تنها پیش از مصیبت ، بی تابی می کنیم ؛ اما وقتی دستور خدا عملی شد، به قضایش خشنود، و به فرمایش تسلیم هستیم»

بخش سوم: عدالت و شرور

اشاره

بخش سوم: عدالت و شرور در آمد فصل یکم: معیار شناخت خیر و شرفصل دوم: حکمت گرفتاری هافصل سوم: عوامل شرور فصل چهارم: موانع شرور

درآمد

پیدایش «تئویه»

درآمدیکی از مسائلی که از گذشته های بسیار دور ، مورد توجه بوده است و مکرر مورد پرسش قرار می گیرد ، این است که : پدیدآورنده مصائب (گرفتاری ها) و سُرور (بدی ها و ناگواری ها) در جهان آفرینش کیست؟ به عبارت روشن تر ، با عنایت به این که خداوند متعال ، عادل است و به هیچ کس ، کمترین ظلمی روا نمی دارد، این پرسش ها مطرح می شوند که : خالق و تقدیرکننده ناکامی ها و مشکلات کیست؟ چرا خدا گروهی را زشت و گروهی را زیبا آفریده است؟ چرا در جهان ، نادانی ، ناتوانی ، ناداری ، محرومیت ، تبعیض ، ستم ، ستمگر ، و عوامل گم راهی وجود دارند؟ پدیدآورنده سیل ، توفان ، زلزله ، بیماری و مرگ کیست؟ آیا وضعیّت مناسب جهان ، این نیست که در آن ، بدی ها و ناکامی ها نباشند و به جای آنها ، خوشی ها و شادمانی ها قرار گیرند؟ و آیا بویژه با تفسیری که ما از ظلم و عدل داریم این سُرور ، ظلم محسوب نمی شوند؟

پیدایش «تئویه» شبهه سُرور ، موجب شده است که گروهی به نام «تئویه» ، به وجود دو آفریدگار ،

شُرور و انکار آفریدگار

پاسخ اجمالی به شبهه شُرور

قائل شوند: یکی خالق نیکی ها و دیگری خالق شُرور. طایفه ای از آنان، نور را خالق نیکی، و ظلمت را خالق شر دانسته اند و طایفه ای معتقد شده اند که یزدان، خالق خیر است و اهریمن، خالق شر. (۱)

شُرور و انکار آفریدگار برخی وجود شُرور و ناکامی ها را دلیل فاقد شعور بودن هستی و انکار آفریدگار می دانند.

پاسخ اجمالی به شبهه شُرور آنچه به طور اجمالی در پاسخ شبهه شُرور می توان گفت، این است که: اولاً: ملاک تشخیص خیر و شر، درک ابتدایی و سطحی عقل نیست؛ چرا که ممکن است چیزی به ظاهر، شر، ولی در واقع، خیر باشد. عکس این مطلب نیز درست است. بنا بر این، بسیاری از چیزهایی که انسان، آنها را شر می پندارد و آنها را با عدالت و حکمت الهی ناسازگار می بیند، در واقع، عین عدالت و حکمت اند. ثانیاً: شر، مخلوق و تقدیر شده خداوند متعال است؛ ولی منسوب به او نیست؛ چرا که اراده انسان در پدید آمدن آن، نقش دارد و بر اساس سنّت غیر قابل تغییر آفرینش، پیشگیری از شُرور، تنها با پیشگیری از عوامل آنها امکان پذیر است. (۲) ثالثاً: آفرینش شر و تقدیر شدن آن، استقلالی نیست؛ بلکه به تبع خیر است.

۱- ر. ک: ج ۱ ص ۳۷۹ (تقدیر خیر و شر).

۲- ر. ک: ص ۲۷۱ (بخش سوم / فصل سوم: عوامل شُرور) و ص ۳۰۳ (فصل چهارم: موانع شُرور).

پاسخ تفصیلی به شبهه شرور

یک . معنای «خیر» و «شر»

دو . ملاک تشخیص خیر و شر

بنا بر این ، منافاتی با عدالت و حکمت ندارد. این ، پاسخ اجمالی قرآن و احادیث اسلامی و به تعبیری پاسخ خود خداوند متعال به «شبهه شرور» و منافات نداشتن آن با عدالت و حکمت اوست.

پاسخ تفصیلی به شبهه شرور برای پاسخ دادن به شبهه شرور ، چند مسئله باید مورد بررسی قرار بگیرند :

یک . معنای «خیر» و «شر» خیر و شر ، گاهی به معنای لذت و درد ، مورد لحاظ قرار می گیرند. این معنا ، معنایی سطحی و ابتدایی است ؛ چرا که ممکن است انسان از چیزی لذت ببرد ؛ اما آن چیز برای انسان ، زیانبار باشد و موجب بدبختی او شود . خیر ، در معنای درست ، عبارت است از : چیزی که برای انسان ، سودمند باشد و سعادت او را به دنبال بیاورد . شر نیز در معنای درست ، عبارت است از : چیزی که برای انسان ، زیانبار باشد و موجب بدبختی او گردد.

دو . ملاک تشخیص خیر و شر نکته مهم در تعریف خیر و شر ، این است که : از کجا می توان فهمید که چیزی حقیقتاً برای انسان ، سودمند است یا زیانبار؟ به عبارت دیگر ، ملاک تشخیص خیر و شر و سود و زیان چیست؟ آیا ملاک تشخیص خیر و شر و سود و زیان ، همان درک ابتدایی و سطحی عقل است و یا درکی است که عقل ، پس از تأمل و احاطه یافتن بر تمام ابعاد موضوع ، پیدا می کند؟ بی شک ، عقل تا زمانی که تمام ابعاد یک موضوع روشن نباشد ، نمی تواند

سه . خیر و شر در جهان بینی اسلامی

درباره سودمند و یا زیانبار بودن آن ، داوری کند . داوری سطحی عقل درباره موضوعی که تمام ابعادش روشن نیست ، از نظر علمی ، فاقد اعتبار است ؛ زیرا چه بسا چیزهایی هستند که در نظر ابتدایی ، سودمند جلوه می کنند ؛ ولی با تأمل ، معلوم می شود که در واقع برای انسان زیانبارند و نیز چه بسا چیزهایی که در دید ابتدایی ، زیانبار جلوه می کنند ؛ ولی با تأمل و بررسی آثار آنها ، سودمند بودنشان مشخص می گردد.

سه . خیر و شر در جهان بینی اسلامیدر جهان بینی اسلامی ، خیر، سودی است که برای زندگی همیشهگی انسان ، زیانبار نباشد و شر، زیانی است که برای زندگی همیشهگی انسان ، سودمند باشد . امام علی علیه السلام می فرماید : **مَا شَرٌّ بِشَرِّ بَعْدَهُ الْجَنَّةُ ، وَمَا خَيْرٌ بِخَيْرٍ بَعْدَهُ النَّارُ وَكُلُّ نَعِيمٍ دُونَ الْجَنَّةِ مَحْقُورٌ ، وَكُلُّ بَلَاءٍ دُونَ النَّارِ عَافِيَةٌ .** (۱) شری که پس از آن ، بهشت باشد ، شر نیست . خیری که پس از آن ، آتش باشد ، خیر نیست . هر نعمتی غیر از بهشت ، کوچک است و هر بلایی جز آتش ، عافیت . و در احادیثی دیگر می فرماید : **لَا تَعُدَّنَّ خَيْرًا مَا أَدْرَكَتْ بِهِ شَرًّا .** (۲) خیری را که با آن ، شر عایدت می شود ، خیر نشمار . **لَا تَعُدَّنَّ شَرًّا مَا أَدْرَكَتْ بِهِ خَيْرًا .** (۳) شری را که با آن ، خیر به دست می آوری ، شر نشمار .

۱- ر . ک : ص ۲۱۲ ح ۶۴۰۱ .

۲- ر . ک : ص ۲۱۲ ح ۶۴۰۲ .

۳- ر . ک : ص ۲۱۲ ح ۶۴۰۳ .

بر اساس این جهان بینی، قرآن کریم، مکرر یادآور می شود که درک ابتدایی و سطحی عقل، ملاک تشخیص خیر و شر نیست: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَن تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (۱). بر شما کارزار واجب شده است، در حالی که برای شما ناگوار است. و بسا چیزی را خوش نمی دارید و آن برای شما خوب است، و بسا چیزی را دوست می دارید و آن برای شما بد است، و خدا می داند و شما نمی دانید». نیز می فرماید: «وَلَوْلَا إِذْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْمِتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ» (۲). و اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، قطعاً آمرزش خدا و رحمت او از [همه] آنچه [کافران] جمع می کنند، بهتر است». در این آیات، جنگیدن در راه خدا و کشته شدن در این راه، «خیر» معرفی شده اند، در حالی که در نظر ابتدایی عقل، شر محسوب می شوند. همچنین در آیه نخست، به یک اصل کلی عقلی اشاره شده است که: درک ابتدایی عقل، نمی تواند ملاک تشخیص خیر و شر و سودمند یا زیانبار بودن چیزی باشد. از همین روست که کشته شدن در راه خدا که در نظر ابتدایی عقل، شر محسوب می شود، با عنایت به پیامدهای آن، در واقع، نه تنها شر نیست، بلکه خیر محض است. به عکس، ثروت فراوان از نظر قرآن کریم، برای رفاه زدگان و استثمارگران، شر و مایه بدبختی است، در صورتی که از نظر مردم کوتاه فکر و درک ابتدایی عقل، مایه خوش بختی است و خیر محسوب می گردد:

۱- بقره: آیه ۲۱۶.

۲- آل عمران: آیه ۱۵۷.

«وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ . (۱) و کسانی که به آنچه خدا از فضل خود به آنان عطا کرده ، بخل می ورزند ، هرگز تصوّر نکنند که آن (بخل ورزی) برای آنان خوب است ؛ بلکه برایشان بد است» . نیز بر پایه این جهان بینی، قرآن کریم ، زندگی کافران و برخورداری آنان از امکانات و نعمت های مادی دنیا را نه تنها به سود آنها نمی داند ، بلکه برای آنها زیانبار می داند : «فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ . (۲) اموال و فرزندان آنان ، تو را به شگفت نیآورد . جز این نیست که خدا می خواهد آنان را در زندگی دنیا به وسیله اینها عذاب کند و جانشان در حال کفر ، بیرون رود» . همچنین تأکید می کند که مهلت دادن به کافران و طولانی شدن عمرشان ، به سود آنها نیست: «وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنْفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ لِيُزِدُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ . (۳) و البته نباید کسانی که کافر شده اند ، تصوّر کنند این که به ایشان مهلت می دهیم ، برای آنان نیکوست . ما فقط به آنان مهلت می دهیم تا بر گناه [خود] بیفزایند و [آن گاه] عذابی خفّت آور خواهند داشت» .

۱- آل عمران : آیه ۱۸۰ .

۲- توبه : آیه ۵۵ .

۳- آل عمران : آیه ۱۷۸ .

چهار . تفاوت عقیده امامیه و اشاعره

بنا بر این ، خیر یا شر بودن چیزهایی که به ظاهر ، خوب و مایه خوش بختی ، یا بد و مصیبت تلقی می شوند ، بستگی به نوع جهتگیری انسان در برابر آنها دارد . ناکامی ها و ناگواری ها ، در صورتی واقعا شرنند که موجب رشد و تکامل انسان نباشند و کام روایی ها در صورتی واقعا خیرند که موجب انحطاط و بدبختی انسان نشوند . بر این اساس ، انسان می تواند با انتخاب صحیح ، چیزهای به ظاهر بد را تبدیل به خیر نماید و با انتخاب نادرست ، چیزهای به ظاهر خوب را به شر تبدیل کند .

چهار . تفاوت عقیده امامیه و اشاعره ممکن است کسی بگوید : بر اساس آنچه در تبیین ملاک خیر و شر گذشت ، عقل به خاطر احاطه نداشتن بر تمام مصالح و مفاسد ، در بسیاری از موارد نمی تواند درباره خیر یا شر بودن چیزها داوری کند . آیا این ، همان سخن اشاعره نیست که می گویند : «عقل ، توان تشخیص خیر و شر را ندارد»؟ پاسخ ، این است که : از نظر اشاعره ، حُسن و قُبْح اشیا ، ذاتی نیست ؛ بلکه اعتباری (قراردادی) است . آنها بر این باورند که تنها خداست که می تواند چیزی را خیر و یا شر قرار دهد و عقل ، حق داوری درباره خوب و بد را ندارد . از این رو ، اگر خداوند ، کاری را انجام دهد که به تشخیص عقل ، صد در صد قبیح و خلاف عدل است ، چون خدا آن را انجام داده ، باید معتقد شد که آن کار ، زیبا و عین عدالت است . این ، در حالی است که از نظر امامیه و نیز معتزله ، حسن و قبح اشیا ، ذاتی و افعال خداوند بر اساس مصالح و مفاسد واقعی اند و عقل می تواند مصالح و مفاسد و حسن و قبح اشیا را درک کند ، اما نه در همه موارد ؛ چرا که عقل به اسرار

پنج . اقسام خیر و شر**۱ . خیر و شرّ مطلق****۲ . خیر و شرّ نسبی**

هستی ، احاطه ندارد : «وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (۱) و به شما از دانش ، جز اندکی داده نشده است . بنا بر این ، انسان ، بسیاری از چیزهایی را که در نگاه ابتدایی ، شر و زیانبار و بر خلاف عدالت و حکمت می پندارد ، اگر احاطه علمی به همه ابعاد و آثار آنها پیدا کند ، خواهد دید که واقعا خیر و سودمندند و عین عدالت و حکمت اند .

پنج . اقسام خیر و شرخیر و شر را به دو قسمت می توان تقسیم کرد :

۱ . خیر و شرّ مطلقخیر مطلق ، پدیده ای است که سود محض باشد و برای هیچ چیز و هیچ کس زیانی نداشته باشد . شرّ مطلق نیز آن است که زیان محض باشد و برای هیچ چیز و هیچ کس ، سودی نداشته باشد .

۲ . خیر و شرّ نسبی کمتر پدیده ای را می توان یافت که خیر مطلق و یا شرّ مطلق باشد و غالبا پدیده ها ترکیبی از خیر و شرّند . از این رو ، پدیده هایی که سود آنها بر زیانشان غلبه دارد ، «خیر» و پدیده هایی که زیان آنها بر سودشان غلبه می کند ، «شر» نامیده می شوند . بنا بر این ، ممکن است پدیده ای برای یکی ، سودآور و خیر باشد و برای دیگری و یا دیگران ، زیانبار و شر . برای نمونه ، نیش حشرات و چنگال و دندان درندگان که ابزار دفاع و تغذیه آنها هستند برای خود آنها خیرند ؛ ولی برای

انسان ها ، شر محسوب می گردند. عکس مطلب نیز درست است . ممکن است چیزی برای یکی ، شر و زیانبار ؛ ولی برای دیگری و دیگران ، خیر باشد، مانند باران ؛ چرا که با ویرانی خانه یا لانه ای، برای صاحب خانه و لانه ، شر است ؛ ولی برای عموم مردم ، خیر است . از این رو برای داوری درباره خیر و یا شر بودن هر پدیده ، باید همه ابعاد و آثار آن را ملاحظه نمود .

شش . خلقت و تقدیر خیر و شر از دیدگاه قرآن و احادیث ، خیر و شر ، هر دو مخلوق و تقدیر شده خداوند متعال هستند ؛ چرا که هیچ پدیده ای نیست که پدیدآورنده ای جز خدا داشته باشد و از دایره تقدیر و تدبیر ، خداوند بیرون باشد . قرآن کریم تصریح می فرماید : «وَإِنْ تُصَبِّهُمُ حَسَنَةً يَّقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصَبِّبُهُمْ سَيِّئَةً يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلُّ مَنْ عِنْدِ اللَّهِ . (۱) و اگر [پیشامد] خوبی به آنان برسد ، می گویند : «این ، از جانب خداست» و چون صدمه ای به ایشان برسد ، می گویند : «این ، از جانب توست» . بگو : همه [ی پیشامدهای خوب و بد،] از جانب خدایند» . و نیز می فرماید : «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكُمْ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ . (۲) هیچ مصیبتی ، نه در زمین و نه در نفس های شما نمی رسد ، مگر پیش از آن که آن را پدید بیاوریم ، در کتابی هست . این کار بر خدا آسان است» .

۱- نساء : آیه ۷۸ .

۲- حدید : آیه ۲۲ . نیز ، ر . ک : تغابن : آیه ۱۱ و دانش نامه عقاید اسلامی : ج ۸ ص ۷۹ (تقدیر خیر و شر) .

۱. مقصود از خلقت شر

۲. کدام نوع از شرور؟

همچنین در حدیث قدسی آمده است: **أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا، خَالِقُ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ، وَهُمَا خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِي.** (۱) من خدایم و معبودی جز من نیست؛ آفریننده خیر و شر. آن دو، آفریده‌هایی از آفریدگان من هستند. در این جا چند مطلب، قابل طرح است:

۱. مقصود از خلقت شر معروف است که «شر» در تحلیل نهایی، گاه به امر عدمی و گاه به امر وجودی ای که سبب امر عدمی زیانبار می‌شود، بازگشت می‌نماید. بنا بر این، آفرینش شر نمی‌تواند به معنای آفرینش عدم باشد؛ بلکه به معنای ایجاد پدیده‌ای است که به امر عدمی زیانبار، منتهی می‌گردد، مانند پدیده‌های: زلزله، توفان، سیل و میکروب که موجب مرگ (عدم حیات) و بیماری (عدم سلامت) می‌گردند.

۲. کدام نوع از شرور؟ پیش از این، شر را به «شر مطلق» و «شر نسبی» تقسیم کردیم. نیز گفتیم که گاهی شر چیزی بر خیر آن، غلبه دارد و آن پدیده «شر» محسوب می‌شود، و گاهی خیر چیزی بر شرش غلبه دارد و آن پدیده، «خیر» شمرده می‌شود، و گاهی خیر و شر پدیده‌ای برابرنند و آن پدیده، نه خیر محسوب می‌شود و نه شر. اکنون باید دید که کدام یک از اقسام شرور، مخلوق خداوند متعال اند. بی تردید، خداوند حکیم و دادگر، پدیده‌ای را که شر مطلق است، یا شر آن بر خیرش غلبه دارد و یا خیر و شر آن برابرنند، نمی‌آفریند؛ بلکه آفریده‌های او یا

۱- ر. ک: دانش نامه عقاید اسلامی: ج ۸ ص ۳۸۲ ح ۶۰۴۶.

۳. خلقت خیر پیش از خلقت شر**۴. نقش اراده انسان در پیدایش شرور**

خیر مطلق اند و یا خیر آنها بیش از شرشان است. بنا بر این، تنها قسم اخیر از اقسام شرور را می توان مخلوق خدا دانست.

۳. خلقت خیر پیش از خلقت شر در شماری از احادیث آمده است که خداوند متعال، خیر را پیش از شر آفریده، چنان که در حدیثی قدسی می خوانیم: **أَنَا اللَّهُ الْكَرِيمُ، خَلَقْتُ الْخَيْرَ قَبْلَ الشَّرِّ**. (۱) من خدای بزرگووارم. خیر را پیش از شر آفریدم. این گونه احادیث، ظاهراً به نکته مهمی اشاره دارند که در تبیین آفرینش شرور، باید مورد توجه باشد. آن نکته، این است که شر، آفرینشی مستقل و جدا از خیر ندارد، بدین معنا که خداوند متعال چیزی را که ذاتاً شر باشد، نیافریده است؛ بلکه آنچه آفریده، خیر است و شر به تبع آفرینش خیر پدید می آید. برای نمونه، خداوند متعال زمین را می آفریند. آفرینش زمین، خیر است؛ اما زلزله که لازمه طبیعت زمین است نیز پدید می آید. یا خداوند متعال، ابر و باد و باران را که همگی خیرند، می آفریند؛ اما همین ها گاه موجب توفان و سیل زیانبار می گردند.

۴. نقش اراده انسان در پیدایش شرور مهم ترین مسئله در باب شرور و منافات نداشتن آنها با عدالت و حکمت الهی، نقش انسان در پیدایش آنهاست، بدین معنا که هر چند در نظام هستی، هیچ چیز از دایره خلقت و تقدیر الهی خارج نیست، لیکن بر اساس همان نظام، اراده

۱- ر. ک: دانش نامه عقاید اسلامی: ج ۸ ص ۳۸۸ ح ۶۰۵۱.

هفت . حکمت گرفتاری های انسان های آگاه

اشاره

انسان در پیدایش شرور و ناکامی هایی که به او می رسند ، نقش اصلی دارد . قرآن کریم ، با این که همه خوشی ها و ناخوشی هایی را که به انسان می رسند ، از جانب خدای متعال می داند ، در عین حال ، تصریح می کند که : «مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ . (۱) هر چه از خوبی ها به تو می رسد ، از جانب خداست و آنچه از بدی به تو می رسد ، از خود توست» . به سخن دیگر ، شرور از یک نگاه ، مخلوق خدایند و از نگاه دیگر ، منسوب به انسان . از این نظر که همه پدیده ها سرانجام به علل و مسبب الأسباب منتهی می شوند ، شرور ، مخلوق خدایند ؛ اما از این نظر که اراده انسان در پدید آمدن آنها نقش دارد ، شرور به انسان نسبت داده می شوند و نه خدا ، چنان که امام صادق علیه السلام در مقام نیایش ، به خداوند متعال می فرماید : الْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ . (۲) خیر ، در دستان توست و شر ، منسوب به تو نیست . بنا بر این ، شرور ، مخلوق خدا هستند ، نه منسوب به او . (۳)

هفت . حکمت گرفتاری های انسان های آگاهبا عنایت به آنچه در شش مسئله گذشته این پژوهش آمد و با تأمل در آیات و احادیثی که به حکمت شرور و مصیبت ها و ناکامی ها اشاره دارند ، می توان به این جمع بندی رسید که از دیدگاه قرآن و حدیث ، مصائب (گرفتاری ها) انسان های آگاه ، یا آثار کردار ناشایست آنهاست و یا وسیله ای برای تکامل آنها .

۱- نساء : آیه ۷۹ .

۲- ر . ک : دانش نامه عقاید اسلامی : ج ۸ ص ۳۹۰ ح ۶۰۵۵ .

۳- توضیح بیشتر این مسئله مهم ، در تبیین حکمت شرور و مصائب خواهد آمد (ر . ک : ص ۲۱۹ «حکمت گرفتاری ها») .

۱. مصیبت های خود کرده

اشاره

توضیح این اجمال ، بدین شرح است :

۱. مصیبت های خود کرده از دیدگاه قرآن کریم ، همه مصیبت های رسیده به آن دسته از افراد آگاهی که مرتکب گناه می شوند، دستاورد خود آنان و نتیجه گناه آنان است : «وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ . (۱) و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد ، به سبب دستاورد خود شماست ، و [خدا] از بسیاری در می گذرد . « این سخن ، بدین معناست که مصائب و ناملایماتی که متوجه جامعه می شوند (مانند : قحطی ، گرانی ، توفان و زلزله) ، همه به خاطر گناهی هستند که مردم مرتکب می شوند ، هر چند کیفر همه گناهان آنان نیستند ؛ چرا که خداوند متعال ، بسیاری از گناهان را بر اساس حکمت خود ، مورد عفو قرار می دهد، و گرنه جنبده ای در زمین ، باقی نمی ماند : «وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرهَا مِنْ دَابَّةٍ . (۲) و اگر خدا مردم را به [سزای] آنچه انجام داده اند ، مؤاخذه می کرد ، هیچ جنبده ای را بر پشت زمین ، باقی نمی گذاشت . « قرآن با صراحت اعلام می کند که اگر انسان ، مرتکب کارهای ناشایست نشود و در مسیر زندگی ، راه صحیح را انتخاب کند ، برکات الهی از آسمان و زمین، او را فرا خواهند گرفت : «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ

۱- شورا: آیه ۳۰ .

۲- فاطر: آیه ۴۵. نیز، ر.ک: نحل: آیه ۶۱ .

الف مجازات

وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ . (۱) و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به پرهیزگاری گراییده بودند ، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم ؛ ولی تکذیب کردند . پس به [کیفر] دستاوردشان ، [گریبان] آنان را گرفتیم . از آن سو ، آن گاه که انسان از اراده و آزادی خود سوء استفاده کند ، بر اساس سنّت ثابت و تغییرناپذیر آفرینش ، نه تنها خود و جامعه را با مصائب و مشکلات توان فرسا مواجه می سازد ؛ بلکه فساد او ، برکات زمین را از بین می برد و دریا و خشکی را به تباهی می کشد : «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ . (۲) به سبب آنچه دست های مردم فراهم آورده اند ، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است» .

اقسام مصیبت های خودکرده مصیبت ها و ناکامی هایی را که در اثر کردار ناشایست انسان ، گریبانگیر او می شوند ، می توان به سه دسته تقسیم کرد :

الف مجازاتاز دیدگاه قرآن کریم ، مصائب و ناکامی های افرادی که هیچ نقطه مثبتی در زندگی ندارند و زندگی آنها سراسر فساد و تباهی است ، بخشی از کیفر اعمال آنهاست . این کیفر ، اعتباری (قراردادی) نیست ؛ بلکه کیفر تکوینی است و نتیجه طبیعی کردار ناشایست گناهکار است .

۱- اعراف : آیه ۹۶ . نیز ، ر.ک : مائده : آیه ۶۶ .

۲- روم : آیه ۴۱ .

اقوام و ملت های مختلفی در طول تاریخ ، دچار بلاهای گوناگونی چون زلزله و توفان شده اند که قرآن ، آنها را نتیجه طبیعی کردار ناشایست آنان می داند . در سوره عنکبوت ، پس از نقل سرگذشت قوم نوح و ابراهیم و لوط و بیان مخالفت قوم عاد و ثمود و نیز مقابله قارون و فرعون و هامون با پیامبران الهی و امتناعشان از پذیرش دعوت آنان ، آمده است : «فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ فَمِنْهُمْ مَنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَنَّا أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَنَّا خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنَّا أَعْرَفْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ . (۱)» و هر یک [از ایشان] را به گنااهش گرفتار [عذاب] کردیم . از آنان کسانی بودند که بر [سر] ایشان بادی همراه با شن فرو فرستادیم ، و از آنان کسانی بودند که فریاد [مرگبار] ، آنان را فرا گرفت ، و برخی از آنان را در زمین فرو بردیم ، و بعضی را غرق نمودیم . و [این] خدا نبود که بر آنان ستم کرد ؛ بلکه خودشان بر خود ، ستم می کردند . « این که برخی مصیبت ها برای مجازات انسان اند ، مسئله مهمی است که قرآن کریم ، مکرر ، آن را بازگو کرده (۲) و در احادیث اسلامی ، فراوان مورد تأکید قرار گرفته است ، چنان که از امام رضا علیه السلام روایت شده : كَلَّمَا أَحَدَثَ الْعِبَادُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْمَلُونَ ، أَحَدَثَ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْرِفُونَ . (۳) هر گاه مردم گناهانی را انجام دهند که پیش تر انجام نداده اند ، خداوند بلاهایی

۱- عنکبوت : آیه ۴۰ .

۲- ر. ک : هود : آیه ۱۰۱، توبه : آیه ۷۰ ، آل عمران : آیه ۹ ، یونس : آیه ۱۳ ، کهف : آیه ۵۹ ، قصص : آیه ۵۹ ، نحل : آیه ۱۱۲ .

۳- الکافی : ج ۲ ص ۲۷۵ ح ۲۹ ، علل الشرایع : ص ۵۲۲ ح ۷ و فیه «یعلمون» بدل «یعملون» .

ب تأدیب

را برایشان پدید می آورد که سابقاً آنها را نمی شناخته اند.

ب تأدیب حکمت بخشی از مصائب و ناکامی های انسان ، تأدیب و آگاهسازی او از خطر گناه و کجروی است . امام علی علیه السلام در این باره می فرماید : **الْبَلَاءُ لِلظَّالِمِ أَدَبٌ** . (۱) بلا برای ستمگر ، تنبیه است . قرآن کریم ، نقش مشکلات زندگی را در آگاهسازی مردم ، چنین تبیین می فرماید : **«ظَهَرَ الْفُسَادُ فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ** . (۲) به سبب آنچه دست های مردم فراهم آورده اند ، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است ، تا [سزای] بعضی از آنچه را کرده اند ، به آنان بچشانند . « این آیه شریف ، تباهی هایی که در کره زمین (اعم از خشکی و دریا) پدید می آیند و مشکلات ناشی از آنها را ، معلول کردار ناشایست انسان ها می داند و حکمت آنها را هشدار دادن به جامعه های خطاکار، و آگاهسازی و تأدیب (تربیت) مردم ، معرفی می کند . این معنا در آیات دیگری نیز مورد تأکید قرار گرفته است . (۳) امام علی علیه السلام درباره نقش تربیتی مشکلات زندگی می فرماید : **إِنَّ اللَّهَ يَتْلَى عِبَادَهُ عِنْدَ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ بِنَقْصِ الثَّمَرَاتِ ، وَحَسْبِ الْبَرَكَاتِ ، وَإِغْلَاقِ**

۱- ر. ک: ص ۲۱۸ ح ۶۴۱۰ .

۲- روم: آیه ۴۱ .

۳- ر. ک: سجده: آیه ۲۱، اعراف: آیه ۹۴ و ۱۳۰ ، مؤمنون: آیه ۷۶ .

ج تطهیر

خَزَائِنِ الْخَيْرَاتِ ، لِيَتُوبَ تَائِبٌ ، وَيُقْلَعَ مَقْلَعٌ ، وَيَتَذَكَّرَ مَتَذَكَّرٌ ، وَيَزْدَجِرَ مُرْدَجِرٌ . (۱) خداوند ، بندگانش را با اعمال بد ، به کمبود محصول و کاهش برکت ، و بسته شدن خزائن خیر ، مبتلا می کند تا توبه کننده ای ، توبه کند و از بیخ و بن برکنده ای ، [گناهانش] بر کند و پندگیرنده ای پند گیرد و بازداشته شده ای از گناه ، از آن خودداری نماید .

ج تطهیر حکمت بخشی دیگر از مصائب و مشکلات زندگی ، تطهیر (تَحْمِيسٌ) انسان از گناهان است . کردار ناشایست ، جان انسان را آلوده می کند و آینه روان را تیره می سازد: «كَلِمَا بَيْلُ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ . (۲) نه چنین است ؛ بلکه آنچه مرتکب می شدند ، زنگار بر دل هایشان بسته است» . بلاها و گرفتاری های زندگی ، یکی از عوامل پاکسازی زنگارها و آلودگی های جان هستند ؛ چرا که روح انسان در آتش مصائب ، پاک و خالص می شود . از پیامبر خدا در این باره روایت شده است که : مَا يُصِيبُ الْمُؤْمِنَ مِنْ وَصَبٍ ، وَلَا نَصَبٍ ، وَلَا سَقَمٍ ، وَلَا حَزَنٍ ؛ حَتَّىٰ اللَّهُمَّ يُهْمُهُ ، إِلَّا كُفِّرَ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِهِ . (۳) به مؤمن ، درد طولانی و رنج و بیماری و اندوهی نمی رسد و حَتَّىٰ اندیشناک چیزی نمی شود ، مگر این که به خاطر آن ، از بدی های او چشم پوشی می شود .

۱- ر . ک : ص ۲۲۲ ح ۶۴۱۵ .

۲- مَطْفُفِينَ : آیه ۱۴ .

۳- ر . ک : ص ۲۳۶ ح ۶۴۴۰ .

۲. سختی های سازنده

بنا بر این ، مصائب و مشکلات زندگی برای افراد پاکی که احیانا دچار آلودگی شده اند، نه تنها اعلام کننده خطر و آگاهی بخش اند ، بلکه تیرگی هایی را که گناهان در روح آنها پدید آورده اند نیز زایل می سازند و بدین سان ، موانع بهره گیری از عبادات، در مسیر کمالات معنوی ، از سر راه آنها برداشته می شوند . امام علی علیه السلام می فرماید : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ تَمَحِيصَ ذُنُوبِ شِيْعَتِنَا فِي الدُّنْيَا بِمِخْنِهِمْ ، لِتَسْلَمَ لَهُمْ (۱) طاعاتُهُمْ وَيَسْتَحِقُّوا عَلَيْهَا ثَوَابَهَا . (۲) ستایش، خدایی را که تطهیر گناهان شیعیان ما را در دنیا، در محنت های آنان قرار داد تا طاعات و [عبادات] آنها سالم [و برقرار] بماند و در نتیجه آن [طاعات و عبادات]، شایستگی پاداش بیابند . بر این اساس، سختی های زندگی برای اهل ایمان ، از جمله نعمت های بزرگ خداوند محسوب می شوند ، چنان که از امام صادق علیه السلام روایت شده است : لِلَّهِ فِي السَّرَّاءِ نِعْمَةٌ التَّفَضُّلِ ، وَفِي الضَّرَّاءِ نِعْمَةٌ التَّطَهُّرِ . (۳) خداوند در آسایش ، نعمت احسان و در سختی ها نعمت پاک شدن دارد.

۲. سختی های سازنده حکمت بخشی از شرور و سختی ها و گرفتاری های زندگی، آزمودن انسان و سازندگی اوست . قرآن کریم ، تصریح می کند که انسان به وسیله «شر» و «خیر» ، آزمایش می شود :

۱- .فی بحار الأنوار : «بها» بدل «لهم».

۲- . ر . ك : ص ۲۴۲ ح ۶۴۵۲ .

۳- . ر . ك : ص ۲۴۲ ح ۶۴۵۳ . برای آشنایی بیشتر با احادیث مربوط به این موضوع ، ر . ك : میزان الحکمه : عنوان البلاء «تمحیص البلاء للذنوب» و عنوان الذنب «مکفرات الذنوب» .

«وَنَبَلُّوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً» (۱) و شما را از راه آزمایش به بد و نیک ، می آزماییم» . شر ، شامل انواع سختی ها ، بیماری ها و مشکلات زندگی ، و خیر ، شامل انواع نعمت ها و خوشی هاست . در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که : امیر مؤمنان ، بیمار شد و جمعی به عیادت رفتند . ایشان در جواب احوالپرسی ، بر خلاف متعارف فرمود : «أصبحت بشرًا» . عیادت کنندگان که انتظار این گونه پاسخ را از امیر مؤمنان نداشتند ، با تعجب پرسیدند : «سبحان الله ! این ، کلام مثل توست؟» و ایشان در پاسخ فرمود : يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : «وَنَبَلُّوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَ إِنِنَّا تُرْجِعُونَ» (۲) ، فَالْخَيْرُ الصَّحَّةُ وَالْغِنَى ، وَالشَّرُّ الْمَرَضُ وَالْفَقْرُ ابْتِلَاءً وَ اخْتِبَارًا . (۳) خدای متعال می فرماید: «و شما را از راه آزمایش به بد و نیک می آزماییم ...» . خیر ، صحت و غناست و شر ، بیماری و فقر است به خاطر آزمایش و انتخاب . آیه ای که در کلام امیر مؤمنان آمده ، دلیل روشنی است بر این که حکمت بخشی از مصائب ، «آزمایش» است تا انسان ، در نتیجه شکیبایی و موفقیت در امتحان ، به کمال برسد . این معنا در آیه ای دیگر ، چنین آمده است : «وَلَنَبَلِّوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِيرِ الصَّابِرِينَ» . (۴)

۱- انبیاء : آیه ۳۵ .

۲- الانبیاء : آیه ۳۵ .

۳- ر . ک : ص ۲۲۰ ح ۶۴۱۳ .

۴- بقره : آیه ۱۵۵ .

و قطعاً شما را با چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جان ها و محصولات می آزمایشیم ، و شکیبایان را مژده بده .
 بر این اساس ، شُرور و سختی هایی که برای آزمون و سازندگی انسان اند ، نه تنها منافاتی با عدالت و حکمت خداوند ندارند ، بلکه عین حکمت اند . امام علی علیه السلام می فرماید : **أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَعَاذَكُمْ مِنْ أَنْ يَجُورَ عَلَيْكُمْ ، وَلَمْ يُعَذِّبْكُمْ مِنْ أَنْ يَبْتَلِيَكُمْ . (۱)** هلا ای مردمان! خداوند ، شما را پناه داده که به شما ستم نکند و پناه نداده که شما را مبتلا نکند . گفتنی است که آزمایش الهی ، به منظور کشف حقیقت برای خود انسان و یا دیگران نیست ؛ بلکه برای این است که استعداد های نهفته انسان ، به اراده و اختیار او پرورش یابند ، به گونه ای که آنچه را در درون دارد ، آشکار کند . امام علی علیه السلام می فرماید : **أَلَا إِنَّ تَعَالَى اللَّهُ قَدْ كَشَفَ الْخَلْقَ كَشْفَهُ ، لَا أَنَّهُ جَهْلٌ مَا أَخْفَوْهُ مِنْ مَصُونٍ أَسْرَارِهِمْ وَمَكْنُونٍ ضَمَائِرِهِمْ ، وَلَكِنْ لِيَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ، فَيَكُونَ الثَّوَابُ جَزَاءً وَالْعِقَابُ بَوَاءً . (۲)** ها! بدانید که خداوند متعال ، [پنهانی های] مردم را آشکار کرد ، نه از سر این که نمی دانست نگاهدار چه اسراری هستند یا در درون خود ، چه پنهان کرده اند؛ بلکه برای این که آنان را بیازماید که کدامشان از جهت عمل ، بهتر است تا ثواب ، پاداش و عقاب ، تقاص آنان باشد . جان انسان ، همانند جسم او در سختی ها پرورش می یابد و آب داده و پولادین می گردد . امام علی علیه السلام در پاسخ به پندار کسانی که تصوّر می کردند

۱- ر . ک : نهج البلاغه : خطبه ۱۰۳ .

۲- ر . ک : نهج البلاغه : خطبه ۱۴۴ .

زندگی در شرایط سخت و تغذیه ساده ، موجب ضعف و ناتوانی جسمی می گردد ، می فرماید : **أَلَا وَإِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ أَصْلَبُ عودا ، وَالرَّوَاتِعَ الْخَضِرَةَ أَرْقُ جُلُودًا وَالنَّائِبَاتِ الْعِذِيَّةَ أَقْوَى وَقودًا وَأَبْطَأَ حُمُودًا . (۱)** بدانید که درخت بیابانی [که آب کمتر می خورد] ، چوبش سخت تر ، و درختان سبز ، پوستشان نازک تر است و شعله آتش گیاهان صحرایی ، فروخته تر و خاموشی آنها دیرتر است . در نظام حکیمانه جهان ، سختی ها و مشکلاتی که به اهل ایمان می رسند ، به منظور پرورش استعداد های درونی و تکامل آنهایند . در واقع ، خداوند متعال ، جان دوستان خود را در این جهان ، با بلا تغذیه می نماید و به تعبیر زیبای پیامبر خدا : **إِنَّ اللَّهَ لِيُعْذِي عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ بِالْبَلَاءِ ، كَمَا تُعْذِي الْوَالِدَةُ وَلَدَهَا بِاللَّبَنِ . (۲)** خداوند ، بنده مؤمنش را با بلا تغذیه می کند ، همان گونه که مادر ، فرزندش را با شیر تغذیه می کند . نیز هر کس در بزم الهی مقرب تر است ، جام بلا بیشترش می دهند ، چنان که در حدیثی دیگر از پیامبر خدا آمده است : **مَا كُرِّمَ عَبْدٌ عَلَى اللَّهِ إِلَّا از دَادَ عَلَيْهِ الْبَلَاءُ . (۳)** هیچ بنده ای در نزد خداوند گرامی نشد ، مگر که [خدا] بلا را بر او افزون کرد . درست به همین دلیل است که رهبران بزرگ الهی ، بیش از دیگران در این

۱- نهج البلاغه : نامه ۴۵ .

۲- ر . ک : ص ۲۶۲ ح ۶۴۸۸ .

۳- بحار الأنوار : ج ۹۶ ص ۲۸ .

جهان ، محنت دیده و بلا- کشیده اند . امام صادق علیه السلام در حدیثی می فرماید : **إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءَ الْأَنْبِيَاءِ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ، ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَالْأَمْثَلُ .** (۱) گرفتارترین مردم به بلا ، پیامبران و پس از آنها دنباله روان آنها و آن گاه ، شریف ترین هاند . و در حدیثی دیگر می فرماید : **إِنَّمَا يَبْتَلِي اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عِبَادَهُ عَلَى قَدَرٍ مَنَازِلِهِمْ عِنْدَهُ .** (۲) خداوند خجسته و والا ، بندگانش را به اندازه جایگاهی که در نزد او دارند ، گرفتار می کند . بنا بر این ، مصائب (گرفتاری های) زندگی ، دو جهت می توانند داشته باشند : گاه برای مجازات و تأدیب و تطهیرند و گاه برای پرورش استعدادها و کمالیابی نفس ها و البته ، محنت های اولیای الهی ، از قسم دوم اند . از این رو ، در جریان برخورد یزید بن معاویه با امام زین العابدین علیه السلام ، هنگامی که یزید ، آیه : **«وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ ؛** (۳) و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد ، به سبب دستاورد خود شماست» را قرائت کرد و این چنین ، مصائب وارد شده بر اهل بیت امام حسین علیه السلام را مجازات الهی معرفی نمود ، امام زین العابدین علیه السلام در پاسخ فرمود : لیست هذه الآية فينا ، إنَّ فينا قول الله عز و جل : **«مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا» .** (۴) این آیه درباره ما نیست . درباره ما این سخن خداوند متعال است که :

۱- .الكافي : ج ۲ ص ۲۵۲ .

۲- .الأمالی ، مفید : ص ۲۴ .

۳- .شورا : آیه ۳۰ .

۴- .حدید : آیه ۲۲ .

هشت . عوامل ناکامی های مستضعفان

اشاره

«هیچ مصیبتی نه در زمین و نه در نفس های شما [به شما] نمی رسد ، مگر پیش از آن که آن را پدید آوریم ، در کتابی است» . جالب توجه است که همه آنچه درباره حکمت مصائب بیان کردیم ، در این حدیث کوتاه پیامبر خدا می توان ملاحظه کرد که : **إِنَّ الْبَلَاءَ لِلظَّالِمِ أَدْبُ ، وَلِلْمُؤْمِنِ امْتِحَانٌ ، وَلِلْأَنْبِيَاءِ دَرَجَةٌ ، وَلِلْأَوْلِيَاءِ كَرَامَةٌ . (۱)** بلا ، برای ستمگر تنبیه است و برای مؤمن ، امتحان و برای پیامبران ، درجه و برای اولیا ، کرامت .

هشت . عوامل ناکامی های مستضعفان آنچه تاکنون درباره حکمت شرور و مصائب گفته شد، در خصوص افراد آگاهی است که پیام خداوند به آنان رسیده و حجت بر آنان تمام شده است . اکنون باید دید شرور و ناکامی هایی که گریبانگیر افراد مستضعف (ناتوان یا ناآگاه) می شوند، چه حکمتی دارند . به سخن دیگر، در طول تاریخ ، بسیاری بوده اند و هستند که به دلایل گوناگون ، پیام خداوند به آنها نرسیده و یا به اقتضای خلقتشان نتوانسته اند مسئولیت پذیر باشند تا با عمل کردن به وظیفه خود ، هدف مورد نظر از آفرینش را برای خود ، رقم بزنند . کودکان بی پناه، عقب مانده های ذهنی و دیوانگان، مصادیق بارز این گونه انسان ها هستند . ناکامی های این گونه افراد که در اصطلاح ، «مستضعف» نامیده می شوند را چگونه می توان توجیه کرد؟ پاسخ اجمالی این پرسش ، این است که : اولاً ، مسئولیت ناکامی های انسان های مستضعف به استثنای مواردی که

۱. سوء استفاده از آزادی

حکمت های خاصی دارند بر عهده انسان های آگاه است. ثانياً، خداوند، آسیب هایی را که به افراد بی گناه وارد می شوند، در آخرت، جبران خواهد کرد. توضیح این اجمال، به مقدمه ای کوتاه نیاز دارد و آن، این است که: قانون اسباب که در قرآن، «سنت خدا» نامیده می شود ایجاب می کند که جهان آفرینش بر اساس نظام خاص خود، اداره شود. قرآن کریم، بارها تأکید نموده که سنت خدا، تغییرناپذیر است. (۱) این، بدان معناست که مدیریت و کارهای خداوند متعال، قانونی خاص دارد که ثابت و تغییرناپذیر است و همانند قوانین اعتباری (قراردادی)، تغییرپذیر نیست. امام صادق علیه السلام در حدیثی، این حقیقت را روشن تر بیان می نماید: **أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِأَسْبَابٍ فَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا**. (۲) خداوند، امور را جز از طریق اسباب، به پیش نمی برد. پس برای هر چیزی سبب قرار داده است. بر اساس قانون اسباب و یا همان سنت ثابت خداوند در اداره جهان آفرینش، عوامل مصائب و ناکامی های مستضعفان، بدین شرح اند:

۱. سوء استفاده از آزادی در جهان اسباب، نتیجه برخورداری انسان از آزادی و اختیار، این است که عده ای، از آزادی خود، سوء استفاده می کنند و به حقوق دیگران تجاوز می نمایند. قرآن درباره سوء استفاده یکی از سران استکبار از آزادی خود،

۱- ر. ک: احزاب: آیه ۲۳ و ۶۲، فتح: آیه ۲۳، اسراء: آیه ۷۷، فاطر: آیه ۴۳ و ۳۵.

۲- الکافی: ج ۱ ص ۱۸۳.

۲. آثار تکوینی گناه

می فرماید: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ مِنْهُ طَالَمَا فَهَمُّهُمُ يَنْتَضِعُونَ لِحُكْمِهِ وَكَانَ مِنْ الْمُفْسِدِينَ» (۱) همانا فرعون در سرزمین [مصر] سر بر افراشت و مردم آن را طبقه طبقه ساخت ؛ طبقه ای از آنان را زبون می داشت: پسرانشان را سر می برید و زنانشان را [برای بهره کشی] زنده بر جای می گذاشت . وی از فسادکاران بود . بنا بر این ، سوء استفاده انسان های آگاه از آزادی است که پدید آمدن دو طبقه ظالم و مظلوم، و استثمارگر و استثمارشده را موجب گردیده است، نه خواست آفریدگار هستی، تا عدالت او با آن ، مورد سؤال قرار گیرد و به فرموده امام علی علیه السلام : ما جاع فقيرٌ إلا بما مُتّع به غنيٌّ . (۲) هیچ ناداری ، گرسنه نشد ، مگر به خوش گذرانی ثروتمندی .

۲. آثار تکوینی گناهدر جهان اسباب، کردار ناشایست انسان های آگاه ، به طور طبیعی و تکوینی ، در سرنوشت جامعه مؤثر است . شخص گنهکار ، نه تنها زندگی خود را تباه می کند ، بلکه جامعه را در سرایشی انحطاط و سقوط قرار می دهد . شخص گنهکار ، همچون انسان نادانی است که در میان دریا، کشتی را سوراخ می کند . اگر سایر سرنشینان مانع این عمل خطرناک شوند ، همه نجات می یابند ، و گرنه ، هم سوراخ کننده کشتی و هم جز او ، همه غرق می شوند، چه مقصر

۱- قصص: آیه ۴ .

۲- نهج البلاغه : حکمت ۳۲۸ .

باشند و چه نباشند، بزرگ باشند و یا کوچک . قرآن کریم با صراحت ، اعلام می فرماید : «وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً . (۱) و از فتنه ای که تنها به ستمکاران شما نمی رسد ، بترسید . » . بر اساس نظام حکیمانه آفرینش ، نتیجه ظلم ، فراگیر است . آتش که گرفت ، خشک و تر می سوزند . کردار ناشایست انسان ، نه تنها مایه فساد جامعه می شود ، بلکه محیط زیست را نیز تباہ می سازد : «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ . (۲) و به سبب آنچه دست های مردم فراهم آورده اند ، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است . » . در جهان اسباب ، هنگامی که توده مردم در برابر تجاوز و حق کشی ها سکوت می کنند ، همه آنها و حتی مستضعفان ، به انواع بلاها که آثار تکوینی گناه اند دچار می شوند و دعای نیکان نیز برای تغییر سرنوشت جامعه ، ثمربخش نخواهد بود ، چنان که امام علی علیه السلام فرمود : لا تترکوا الأمر بالمعروف والنهي عن المنکر ، فیؤلی علیکم شراؤکم ، ثم تدعون فلا یستجاب لکم . (۳) امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید ، که مبادا بدانان بر شما مسلط شوند و آن گاه ، دعا کنید و دعایتان مستجاب نشود .

۱- انفال : آیه ۴۵ .

۲- روم : آیه ۴۱ .

۳- ر . ک : ص ۲۶۶ ح ۶۴۹۵ .

۳. رعایت نکردن مسائل بهداشتی**۴. حکمت های ناشناخته**

۳. رعایت نکردن مسائل بهداشتی در جهان اسباب، تنها گناه نیست که در سرنوشت جامعه و از جمله انسان های مستضعف (ناآگاه و ناتوان)، مؤثر است؛ بلکه اشتباه پدران و مادران و رعایت نکردن مسائل بهداشتی به وسیله آنان نیز در پیدایش افراد معلول و عقب مانده ذهنی، مؤثر است. (۱) در این گونه موارد، مسئولیت ناکامی این گونه افراد، مستقیماً متوجه انسان های آگاه است و بر خداوند متعال، ایرادی وارد نیست؛ چرا که در این زمینه و برای پیشگیری از پیدایش این گونه افراد، رهنمودهای ارزنده ای از پیشوایان اسلام به مردم ارائه شده است. (۲)

۴. حکمت های ناشناخته افزون بر عواملی که درباره ناکامی های مستضعفان بدانها اشارت رفت، چه بسا حکمت های نهفته ای وجود دارند که بر ما مجهول اند و اگر راز آنها گشوده شود، مشخص می گردد که آنچه به وقوع پیوسته، عین عدل و حکمت است، چنان که در جریان همراهی موسی علیه السلام با خضر علیه السلام، هنگامی که خضر علیه السلام پسر بچه به ظاهر بی گناهی را کشت، موسی علیه السلام به شدت به وی اعتراض کرد که: «أَقْتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا. ۳ آیا شخص بی گناهی را بدون این که کسی را به قتل رسانده باشد، کشتی؟ واقعا کارناپسندی مرتکب شدی».

۱- ر. ک: دانش نامه احادیث پزشکی.

۲- کهف: آیه ۷۴.

آن گاه خضر علیه السلام برای بیان این که کارش صحیح و حکیمانه بوده است، می گوید: «وَأَمَّا الْعَلْمُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنِينَ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهَقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا * فَأَرَدْنَا أَنْ يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا . (۱) و اما نوجوان ، پدر و مادرش ، [هر دو] مؤمن بودند . پس ترسیدیم [مبادا] آن دو را به طغیان و کفر بکشاند . پس خواستیم که پروردگارشان ، آن دو را به پاک تر و مهربان تر از او عوض دهد» . بنا بر این با توجه به محدودیت علم انسان درباره راز هستی، با نگاه سطحی نمی توان ناکامی های مستضعفان را بر خلاف عدل و حکمت دانست . این ، در حالی است که خداوند متعال ، ناکامی های مستضعفان را که خود ، هیچ نقشی در آنها ندارند در جهان دیگر ، جبران خواهد نمود .

الفصل الأول: الميزان في معرفه الخير والشّر الكتاب «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَن تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» . (١)

«وَلَمَّا يَخْسِبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرٌ لَّهُمْ يَلُ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ مِيرِثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» . (٢)

«وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا» . (٣)

«فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا * قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَن تُعَلِّمَنِ مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا * قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسِيَّطِعَ مَعِيَ صَبْرًا * وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا * قَالَ سَيَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا * قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْتَلِئْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ أُخْبِرْتُ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا * فَاذْرُوكَ حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا * قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسِيَّطِعَ مَعِيَ صَبْرًا * قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا * فَاذْرُوكَ حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقْتَلْتَنِي بَعْضًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا * قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّكَ لَنْ تَسِيَّطِعَ مَعِيَ صَبْرًا * قَالَ إِنْ سَأَلْتَكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصِِّبْنِي قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّي عُذْرًا * فَاذْرُوكَ حَتَّىٰ إِذَا أَتَىٰ أَهْلَ قَوْمِهِ اسْتَسْطَعَمَ أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَن يُصَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَن يَنْقَضَ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتُمْ لَنَخَذْتُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا * قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ سَأُتْبِئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسِيَّطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا * أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسْكِينٍ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا * وَ أَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَن يُرْهِمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا * فَأَرَدْنَا أَنْ يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا * وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ وَ مَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكُ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسِيَّطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا» . (٤)

١- البقره: ٢١٦ .

٢- آل عمران: ١٨٠ .

٣- الإسراء: ١١ .

٤- الكهف: ٨٢٦٥ .

فصل یکم : معیار شناخت خیر و شر

فصل یکم : معیار شناخت خیر و شر قرآن «بر شما کارزار ، واجب شده است، در حالی که برای شما ناگوار است. و بسا چیزی را خوش نمی دارید و آن برای شما خوب است، و بسا چیزی را دوست می دارید و آن برای شما بد است، و خدا می داند و شما نمی دانید» .

«و کسانی که به آنچه خدا از فضل خود عطایشان کرده، بخل می ورزند، هرگز تصوّر نکنند که آن (بخل) برای آنان خوب است؛ بلکه برایشان بد است. به زودی ، آنچه به آن بخل ورزیده اند، روز قیامت ، طوق گردنشان می شود. میراث آسمان ها و زمین ، از آن خداست و خدا به آنچه می کنید ، آگاه است» .

«و انسان، همان گونه که خیر را فرا می خواند، [پیشامد] بد را می خواند و انسان ، همواره شتاب زده است» .

«پس ، بنده ای از بندگان ما را یافتند که از جانب خود به او رحمتی عطا کرده و از نزد خود بدو دانشی آموخته بودیم . موسی به او گفت: «آیا از تو پیروی کنم ، به شرط این که از بینشی که آموخته شده ای ، به من یابد بدهی؟» . گفت: تو هرگز نمی توانی همپای من صبر کنی ، و چگونه می توانی بر چیزی که به شناخت آن احاطه نداری ، صبر کنی؟ گفت: «إن شاء الله ، مرا شکیبیا خواهی یافت و در هیچ کاری ، تو را نافرمانی نخواهم کرد» . گفت: اگر مرا پیروی می کنی، از چیزی سؤال مکن، تا [خود] از آن با تو سخن آغاز کنم. پس ره سپار گردیدند، تا وقتی که سوار کشتی شدند . [وی] آن را سوراخ کرد. [موسی] گفت: «آیا کشتی را سوراخ کردی تا سرنشینانش را غرق کنی؟ واقعاً به کار ناروایی مبادرت ورزیدی!» . گفت: آیا نگفتم که تو هرگز نمی توانی همپای من صبر کنی؟ [موسی] گفت: «به سبب آنچه فراموش کردم، مرا مؤاخذه مکن و در کارم بر من سخت مگیر» . پس رفتند تا به نوجوانی برخوردند. [بنده ما] او را کُشت . [موسی به او] گفت: «آیا شخص بی گناهی را ، بدون این که کسی را به قتل رسانده باشد ، کُشتی؟ واقعاً کار ناپسندی مرتکب شدی!» . گفت: آیا به تو نگفتم که هرگز نمی توانی همپای من صبر کنی؟ [موسی] گفت: «اگر از این پس ، چیزی از تو پرسیدم، دیگر با من همراهی مکن [و] در نزد من قطعاً معذور خواهی بود» . پس رفتند تا به اهل قریه ای رسیدند. از مردم آن جا ، خوراکی خواستند و [آنها] از مهمان نمودن آن دو ، خودداری کردند. پس در آن جا دیواری یافتند که می خواست فرو بریزد و [بنده ما] آن را استوار کرد. [موسی] گفت: «اگر می خواستی ، [می توانستی] برای آن مزدی بگیری» . گفت: این [بار، وقت] جدایی میان من و توست. به زودی ، تو را از تأویل آنچه نتوانستی بر آن صبر کنی ، آگاه خواهم ساخت : امّا کشتی، از آن بینوایانی بود که در دریا کار می کردند . خواستم آن را معیوب کنم، که پیش روی آنان ، پادشاهی بود که هر کشتی [درستی] را به زور می گرفت. امّا نوجوان، پدر و مادرش [هر دو] مؤمن بودند . پس ترسیدیم که [مبادا] آن دو را به طغیان و کفر ، بکُشد. پس خواستیم که پروردگار آن دو ، آن دو را به پاک تر و مهربان تر از او عوض دهد. و امّا دیوار، از آن دو پسر [بچه] یتیم در آن شهر بود و زیر آن، گنجی متعلق به آن دو بود، و پدر آن دو ، [مردی] نیکوکار بود . پس ، پروردگار تو خواست که آن دو ، به حدّ رشد برسند و گنجینه خود را که رحمتی از جانب پروردگارت بود بیرون آورند. و من ، این [کارها] را خودسرانه انجام

ندادم. این بود تأویل آنچه نتوانستی بر آن شکیبایی ورزی».

الحديث صحيح مسلم عن أنس: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يُؤْتَى بِأَنْعَمِ أَهْلِ الدُّنْيَا مِنْ أَهْلِ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، فَيَصْبَغُ (١) فِي النَّارِ صَبْغَةً ، ثُمَّ يُقَالُ: يَا بَنَ آدَمَ ، هَلْ رَأَيْتَ خَيْرًا قَطُّ ؟ هَلْ مَرَّ بِكَ نَعِيمٌ قَطُّ ؟ فَيَقُولُ: لَا وَاللَّهِ يَا رَبِّ ! وَيُؤْتَى بِأَشَدِّ النَّاسِ بُؤْسًا فِي الدُّنْيَا مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، فَيَصْبَغُ صَبْغَةً فِي الْجَنَّةِ فَيُقَالُ لَهُ: يَا بَنَ آدَمَ ، هَلْ رَأَيْتَ بُؤْسًا قَطُّ ؟ هَلْ مَرَّ بِكَ شِدَّةٌ قَطُّ ؟ فَيَقُولُ: لَا وَاللَّهِ يَا رَبِّ ، مَا مَرَّ بِي بُؤْسٌ قَطُّ ، وَلَا رَأَيْتُ شِدَّةً قَطُّ . (٢)

١- يُصْبَغُ: أَي يُغَمَّسُ كَمَا يُغَمَّسُ الثَّوْبُ فِي الصَّبْغِ (النَّهَائِيه: ج ٣ ص ١٠ «صَبْغ»).

٢- صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢١٦٢ ح ٥٥ ، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٤٠٥ ح ١٣١١٠ ، مسند أبي يعلى: ج ٣ ص ٤١٨ ح ٣٥٠٨ ، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص ٣٩١ ح ١٣١٣ ، المصنف لابن أبي شيبة: ج ٨ ص ١٣٩ ح ٩٩ والثلاثة الأخيره نحوه ، كنز العمال: ج ١٤ ص ٥٣٨ ح ٣٩٥١٣ .

حدیث صحیح مسلم به نقل از انس بن مالک: پیامبر خدا فرمود: «روز قیامت، مرفّه ترین مردم دنیا را که از جهنمیان است، می آورند و او را کاملاً در دوزخ فرو می برند. سپس به او گفته می شود: «ای فرزند آدم! آیا هرگز خیری دیده ای؟ آیا هرگز نعمتی به تو برخورده کرده است؟». می گوید: نه به خدا، ای پروردگار من! و بیچاره ترین مردم دنیا را که از بهشتیان است، می آورند و در بهشت، فرو می برند. سپس به او گفته می شود: «ای فرزند آدم! آیا هرگز رنجی دیده ای؟ آیا هرگز به تو سخت گذشته است؟». می گوید: نه به خدا، هرگز رنجی به من برخورد نکرده و هرگز سختی ندیده ام.

مسند ابن حنبل عن أبي سعيد الخدري عن رسول الله صلى الله عليه وآله: إن موسى قال: أي رب، عبدك المؤمن تَقْتَرُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا. قَالَ: فَيَفْتَحُ لَهُ بَابَ الْجَنَّةِ فَيَنْظُرُ إِلَيْهَا، قَالَ: يَا مُوسَى هَذَا مَا أَعَدَدْتُ لَهُ. فَقَالَ مُوسَى: أَي رَبِّ وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ، لَوْ كَانَ أَقْطَعَ الْيَدَيْنِ وَالرِّجْلَيْنِ يُسْحَبُ عَلَيَّ وَجْهَهُ مِنْذُ يَوْمِ خَلَقْتَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَكَانَ هَذَا مَصِيرَهُ، لَمْ يَرِ بُؤْسًا قَطُّ. قَالَ: ثُمَّ قَالَ مُوسَى: أَي رَبِّ عَبْدُكَ الْكَافِرُ تُوسِّعُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا، قَالَ: فَيَفْتَحُ لَهُ بَابَ مِنَ النَّارِ. فَيَقَالُ: يَا مُوسَى هَذَا مَا أَعَدَدْتُ لَهُ. فَقَالَ مُوسَى: أَي رَبِّ، وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ، لَوْ كَانَتْ لَهُ الدُّنْيَا مِنْذُ يَوْمِ خَلَقْتَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَكَانَ هَذَا مَصِيرَهُ كَأَنَّ لَنْ يَرِ خَيْرًا قَطُّ.

(١)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إن الله إذا أدخل أهل الجنة الجنة، وأهل النار النار، قال: يا أهل الجنة، «كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عِبَادَ سَبِّينَ * قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ». قَالَ: لَبِثْتُمْ مَا اتَّجَرْتُمْ فِي يَوْمٍ أَوْ بَعْضِ يَوْمٍ، رَحِمْتِي وَرِضْوَانِي وَجَنَّتِي، امْكُثُوا فِيهَا خَالِدِينَ مُخَلَّدِينَ. ثُمَّ يَقُولُ: يَا أَهْلَ النَّارِ، «كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عِبَادَ سَبِّينَ * قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ». فَيَقُولُ: بِئْسَ مَا اتَّجَرْتُمْ فِي يَوْمٍ أَوْ بَعْضِ يَوْمٍ، نَارِي وَسَخَطِي، امْكُثُوا فِيهَا خَالِدِينَ مُخَلَّدِينَ. (٢)

١- مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ١٦٢ ح ١١٧٦٧، كنز العمال: ج ٦ ص ٤٨٧ ح ١٦٦٦٥.

٢- تفسير ابن كثير: ج ٥ ص ٤٩٣ عن أبي يعقوب بن عبد الكلاعي، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٨٥ ح ٣٩٣٦٣.

مسند ابن حنبل به نقل از ابو سعید خُدری ، از پیامبر خدا : موسی گفت : پروردگارا! بر بنده مؤمن خود در دنیا سخت می گیری . پس ، در بهشت برای موسی گشوده شد و به آن نگریست . [خدا] فرمود : «ای موسی! این ، چیزی است که برای او مهیا ساخته ام» . موسی گفت : پروردگارا! به عزّت و جلالت ، سوگند ، اگر او را [حتّی] بی دست و پا آفریده بودی و تا روز رستاخیز بر صورت کشیده می شد ، ولی این (بهشت) سرنوشت او بود ، چنان بود که هرگز رنجی ندیده است . سپس موسی گفت : پروردگارا! به بنده کافرت در دنیا فراوانی می دهی . پس برای موسی دری از جهنّم ، گشوده شد . و گفته شد : «ای موسی! این ، چیزی است که برای او مهیا ساخته ام» . موسی گفت : پروردگارا! به عزّت و جلالت سوگند ، اگر تا روز رستاخیز ، همه دنیا برای او بود ، ولی این (جهنّم) سرنوشت او بود ، چنان بود که هرگز خیری ندیده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه خداوند ، بهشتیان را به بهشت و جهنّمیان را به جهنّم وارد کند ، می فرماید: «ای بهشتیان! «چند سال در زمین ماندید؟» . « می گویند : «یک روز ، یا مقداری از یک روز» . می فرماید: «در یک روز یا مقداری از یک روز ، چه داد و ستد خوبی کردید! رحمت من و خشنودی من و بهشت من [، ارزانی شما باد! همیشه و جاودانه در آن بمانید» . سپس می فرماید: «ای دوزخیان! «چند سال در زمین ماندید؟» . « می گویند : «یک روز ، یا مقداری از یک روز» . می فرماید: «در یک روز یا مقداری از یک روز ، چه تجارت بدی کردید! آتش من و جهنم و ناخشنودی من [، سزای شماست!] در آن ، همیشه و جاودانه بمانید» .

عنه صلى الله عليه وآله: تَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبِّ عَبْدُكَ الْمُؤْمِنُ تَزْوَى عَنْهُ الدُّنْيَا وَتَعْرِضُهُ لِلْبَلَاءِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ بِكَ. فَيَقُولُ: اِكْشِفُوا عَن ثَوَابِهِ، فَإِذَا رَأَوْا ثَوَابَهُ، تَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبِّ مَا يَضُرُّهُ مَا أَصَابَهُ فِي الدُّنْيَا، وَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبِّ عَبْدُكَ الْكَافِرُ تَبَسُّطُ لَهُ فِي الدُّنْيَا وَتَزْوَى عَنْهُ الْبَلَاءُ وَقَدْ كَفَرَ بِكَ. فَيَقُولُ: اِكْشِفُوا عَن عِقَابِهِ فَإِذَا رَأَوْا عِقَابَهُ، قَالُوا: يَا رَبِّ مَا يَنْفَعُهُ مَا أَصَابَهُ فِي الدُّنْيَا.

(١)

عنه صلى الله عليه وآله: يُؤْتَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَنْعَمِ أَهْلِ الدُّنْيَا مِنَ الْكُفَّارِ. فَيُقَالُ: اِغْمِسُوهُ فِي النَّارِ غَمْسَةً، فَيُغْمَسُ فِيهَا، ثُمَّ يُقَالُ لَهُ: أَيُّ فُلَانٍ! هَلْ أَصَابَكَ نَعِيمٌ قَطُّ؟ فَيَقُولُ: لَا، مَا أَصَابَنِي نَعِيمٌ قَطُّ. وَيُؤْتَى بِأَشَدِّ الْمُؤْمِنِينَ ضَرًّا وَبَلَاءً، فَيُقَالُ: اِغْمِسُوهُ غَمْسَةً فِي الْجَنَّةِ، فَيُغْمَسُ فِيهَا غَمْسَةً، فَيُقَالُ لَهُ: أَيُّ فُلَانٍ! هَلْ أَصَابَكَ ضَرٌّ قَطُّ أَوْ بَلَاءٌ؟ فَيَقُولُ: مَا أَصَابَنِي قَطُّ ضَرٌّ وَلَا بَلَاءٌ. (٢)

١- حليه الأولياء: ج ٤ ص ١٢٣ عن عبد الله بن عمرو بن العاص و ص ١١٨، المصنف لابن أبي شيبة: ج ٨ ص ٢٣٢ ح ٦، الزهد لهناد: ج ١ ص ٢٣٨ ح ٤٠٣ والثلاثة الأخيره عن خيثمه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، كنز العمال: ج ٦ ص ٤٨٨ ح ١٦٦٦٧.

٢- سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٤٤٥ ح ٤٣٢١، الزهد لابن المبارك: ص ٢٢٠ ح ٦٢٢، تفسير ابن كثير: ج ٤ ص ١٩٧ كلها عن أنس والأخيران من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام؛ التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص ٥٧٧ ح ٣٣٩ كلها نحوه، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٢٣٤ ح ٤٩.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فرشتگان می گویند: پروردگارا! دنیا را از بنده مؤمن خود، باز می داری و او را در معرض بلا قرار می دهی، در حالی که او به تو مؤمن است. می فرماید: «پرده از روی پاداش او بردارید». فرشتگان، وقتی پاداش او را دیدند، می گویند: پروردگارا! آنچه در دنیا بدو رسیده، زیانی به او نمی رساند. فرشتگان می گویند: پروردگارا! برای بنده کافرت در دنیا فراوانی قرار می دهی و بلا را از او باز می داری، در حالی که او به تو کافر است. می فرماید: «پرده از کیفرش بردارید». [فرشتگان،] وقتی کیفر او را دیدند، می گویند: پروردگارا! آنچه در دنیا بدو رسیده، سودی برایش ندارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روز رستاخیز، مرفّه ترین کافر دنیا را می آورند و گفته می شود: «او را در آتش دوزخ فرو ببرید» و او در آن فرو برده می شود. سپس به او گفته می شود: «ای فلانی! آیا هرگز به تو نعمتی رسیده است؟». می گوید: نه، هرگز به من نعمتی نرسیده است. آن گاه زیانبارترین و گرفتارترین مؤمن را می آورند. گفته می شود: «او را در بهشت، فرو ببرید» و او در آن فرو برده می شود. آن گاه به او گفته می شود: «ای فلانی! آیا هرگز به تو زیان و بلایی رسیده است؟». می گوید: نه، هرگز به من زیان و بلایی نرسیده است.

صحيح البخارى عن حذيفه بن اليمان: كَانَ النَّاسُ يَسْأَلُونَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الْخَيْرِ، وَكُنْتُ أَسْأَلُهُ عَنِ الشَّرِّ مَخَافَةَ أَنْ يُدْرِكَنِي. فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّا كُنَّا فِي جَاهِلِيَّتِهِ وَشَرًّا، فَجَاءَنَا اللَّهُ بِهَذَا الْخَيْرِ فَهَلْ بَعْدَ هَذَا الْخَيْرِ مِنْ شَرٍّ؟ قَالَ: نَعَمْ. قُلْتُ: وَهَلْ بَعْدَ ذَلِكَ الشَّرِّ مِنْ خَيْرٍ. قَالَ: نَعَمْ، وَفِيهِ دَخْنٌ. (١) قُلْتُ: وَمَا دَخْنُهُ؟ قَالَ: قَوْمٌ يَهْدُونَ بِغَيْرِ هُدًى، تَعْرِفُ مِنْهُمْ وَتُنَكِّرُ. قُلْتُ: فَهَلْ بَعْدَ ذَلِكَ الْخَيْرِ مِنْ شَرٍّ؟ قَالَ: نَعَمْ، دُعَاةٌ إِلَى أَبْوَابِ جَهَنَّمَ، مَنْ أَجَابَهُمْ إِلَيْهَا قَذَفُوهُ فِيهَا. قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، صِفْ لَهُمْ لَنَا. فَقَالَ: هُمْ مِنْ جِلْدَتِنَا، وَيَتَكَلَّمُونَ بِاللِّسَانَيْنِ، قُلْتُ: فَمَا تَأْمُرُنِي إِنْ أَدْرَكَنِي ذَلِكَ؟ قَالَ: تَلْزِمُ جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ وَإِمَامَهُمْ. قُلْتُ: فَمَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ جَمَاعَةً وَلَا إِمَامًا؟ قَالَ: فَاعْتَرِلْ تِلْكَ الْفِرْقَ كُلَّهَا، وَلَوْ أَنْ تَعْصَّ بِأَصْلِ شَجَرِهِ حَتَّى يُدْرِكَكَ الْمَوْتُ وَأَنْتَ عَلَى ذَلِكَ. (٢)

١- دَخْنٌ: أَى فساد واختلاف، تشبيهاً بدخان الحطب الرطب (النهاية: ج ٢ ص ١٠٩ «دخن»).

٢- صحيح البخارى: ج ٣ ص ١٣١٩ ح ٣٤١١، صحيح مسلم: ج ٣ ص ١٤٧٥ ح ٥١ و ص ١٤٧٦ ح ٥٢، السنن الكبرى: ج ٨ ص ٢٧١ ح ١٦٦١٧ كلاهما نحوه، المستدرک على الصحيحين: ج ١ ص ١٩٧ ح ٣٨٦، كنز العمال: ج ١١ ص ٢٢٣ ح ٣١٣٠٥

صحیح البخاری به نقل از حذیفه بن یمان : مردم درباره خیر ، از پیامبر خدا می پرسیدند ؛ ولی من از ایشان از ترس این که شر مرا دریابد ، درباره شر می پرسیدم . گفتم : ای پیامبر خدا! ما در نادانی و شر بودیم که خداوند ، این خیر (اسلام) را برای ما آورد. آیا پس از این خیر، شرّی هست؟ فرمود: «آری». گفتم : آیا پس این شر ، خیری هست؟ فرمود: «آری، و در آن ، بلوایی خواهد بود». گفتم : بلوایش چیست؟ فرمود: «گروهی ، به راهی غیر از راه هدایت من می روند و تو ، معروف و مُنکری از آنان می بینی». گفتم : آیا پس از آن خیر، شرّی خواهد بود؟ فرمود: «آری ؛ کسانی هستند که به سوی درهای جهنّم فرا می خوانند . هر کس آنان را اجابت کند، او را در آن می افکنند». گفتم : ای پیامبر خدا! آنان را برای ما توصیف کن . فرمود: «آنان شبیه مایند و به زبان ما سخن می گویند». گفتم : اگر آنان را دیدم ، چه کنم؟ فرمود: «همراه جماعت مسلمانان و امامشان باش». گفتم : اگر جماعت و امامی نداشتند [، چه کنم]؟ فرمود: «از همه آن فرقه ها دوری کن ، هر چند [مجبور باشی از گرسنگی ، ریشه درخت به دندان بکشی ، تا این که مرگ ، تو را دریابد و تو در آن حال باشی].»

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ: ذُو النَّمِرَةِ ١ وَكَانَ مِنْ أَقْبَحِ النَّاسِ وَإِنَّمَا سُمِّيَ ذُو النَّمِرَةِ مِنْ قُبْحِهِ فَأَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَخْبِرْنِي مَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيَّ؟ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكَ سَبْعَ عَشْرَةَ رَكْعَةً فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ وَصَوْمَ شَهْرِ رَمَضَانَ إِذَا أَدْرَكَتَهُ وَالْحَجَّ إِذَا اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَالزَّكَاةَ وَفَسَّرَهَا لَهُ. فَقَالَ: وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا مَا أَزِيدُ رَبِّيَ عَلَى مَا فَرَضَ عَلَيَّ شَيْئًا. فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَلِمَ يَا ذَا النَّمِرَةِ؟ فَقَالَ: كَمَا خَلَقَنِي قَبِيحًا. قَالَ: فَهَبْطِ جَبْرَيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ رَبَّكَ يَأْمُرُكَ أَنْ تُبَلِّغَ ذَا النَّمِرَةَ عَنْهُ السَّلَامَ، وَتَقُولَ لَهُ: يَقُولُ لَكَ رَبُّكَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: أَمَا تَرْضَى أَنْ أَحْشُرَكَ عَلَى جَمَالِ جَبْرَيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؟ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا ذَا النَّمِرَةِ هَذَا جَبْرَيْلُ يَأْمُرُنِي أَنْ أُبَلِّغَكَ السَّلَامَ وَيَقُولَ لَكَ رَبُّكَ: أَمَا تَرْضَى أَنْ أَحْشُرَكَ عَلَى جَمَالِ جَبْرَيْلَ؟ فَقَالَ ذُو النَّمِرَةِ: فَإِنِّي قَدْ رَضِيْتُ يَا رَبُّ فَوَعِزَّتْكَ لِأَزِيدَنَّكَ حَتَّى تَرْضَى. (١)

١- الكافي: ج ٨ ص ٣٣٦ ح ٥٣١، بحار الأنوار: ج ٢٢ ص ١٤٠ ح ١٢٢.

امام صادق علیه السلام: در زمان پیامبر خدا، مردی بود که به او ذُو النَّمْرَةِ (دارای لکه سیاه و سفید) (۱) گفته می شد. او زشت ترین مردم بود و به همین جهت، ذُو النَّمْرَةِ نامیده شده بود. وی به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و گفت: ای پیامبر خدا! مرا از آنچه خداوند عز و جل بر من واجب نموده، آگاه کن. پیامبر خدا به او فرمود: «خداوند بر تو، هفده رکعت نماز در شبانه روز و روزه ماه رمضان اگر آن ماه را درک کردی و حج هر گاه که توانش را داشتی و زکات را واجب نموده است» و آنها را برای او توضیح داد. گفت: سوگند به آن که به حق، تو را به پیامبری برانگیخت، من چیزی [از مستحبات] را به آنچه پروردگارم بر من واجب نموده، نمی افزایم». پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «ای ذُو النَّمْرَةِ! چرا؟». گفت: به خاطر آن که مرا زشت آفرید. آن گاه جبرئیل علیه السلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و گفت: ای پیامبر خدا! پروردگارت به تو دستور می دهد که از جانب او به ذُو النَّمْرَةِ سلام برسانی و به او بگویی: پروردگارت تبارک و تعالی می فرماید: آیا خشنود نیستی که در روز رستاخیز، تو را به زیبایی جبرئیل، محشور نمایم؟ پیامبر خدا به او فرمود: «ای ذُو النَّمْرَةِ! این، جبرئیل است که [از سوی خدا] به من امر می کند به تو سلام برسانم، و پروردگارت به تو می فرماید: آیا خشنود نیستی که تو را به زیبایی جبرئیل، محشور نمایم؟». ذُو النَّمْرَةِ گفت: همانا من خشنود شدم. ای پروردگار من! سوگند به عزّت، [بر واجباتم] افزون می کنم تا خشنود گردی.

۱- درباره وی اطلاعات زیادی در دست نیست، بجز همین روایت امام صادق علیه السلام. گفته اند او مردی زشت رو بوده و درباره اش جبرئیل علیه السلام نازل شد و از وضع خوب او و زیبایی اش در قیامت، خبر داد. در القاموس آمده است: نَمْرَه، نقطه لک و رنگ است و اَنْمَر، به دارنده یک لک سیاه و یک لک سفید گفته می شود.

الإمام علي عليه السلام: ما خَيْرُ خَيْرٍ (١) لا يُنالُ إلَّا بِشَرٍّ، ويُسرِّ لا يُنالُ إلَّا بِعُسْرِ؟! (٢)

عنه عليه السلام في وصيته لابنه مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: يَا بُنَيَّ، ... ما خَيْرٌ بِخَيْرٍ بَعْدَهُ النَّارُ، وما شَرٌّ بِشَرٍّ بَعْدَهُ الْجَنَّةُ، كُلُّ نَعِيمٍ دُونَ الْجَنَّةِ مَحْقُورٌ، وَكُلُّ بَلَاءٍ دُونَ النَّارِ عَافِيَةٌ. (٣)

عنه عليه السلام: لا تُعَدَّنْ خَيْرًا ما أَدْرَكَتْ بِهِ شَرًّا. (٤)

عنه عليه السلام: لا تُعَدَّنْ شَرًّا ما أَدْرَكَتْ بِهِ خَيْرًا. (٥)

عنه عليه السلام: شَرُّ الْعَمَلِ ما أَفْسَدَتْ بِهِ مَعَادَكَ. (٦)

الإمام الصادق عليه السلام في وصيته لابن جُنْدَبٍ: يَا بَنَ جُنْدَبٍ، الْخَيْرُ كُلُّهُ أَمَامَكَ، وَإِنَّ الشَّرَّ كُلَّهُ أَمَامَكَ، وَلَنْ تَرَى الْخَيْرَ وَالشَّرَّ إِلَّا بَعْدَ الْآخِرِهِ؛ لِأَنَّ اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ جَعَلَ الْخَيْرَ كُلَّهُ فِي الْجَنَّةِ وَالشَّرَّ كُلَّهُ فِي النَّارِ، لِأَنَّهُمَا الْبَاقِيَانِ. (٧)

الإمام علي عليه السلام: احذروا عِبَادَ اللَّهِ الْمَوْتَ وَقُرْبَهُ، وَأَعِدُّوا لَهُ عِدَّتَهُ، فَإِنَّهُ يَأْتِي بِأَمْرٍ عَظِيمٍ، وَخَطْبٍ (٨) جَلِيلٍ، بِخَيْرٍ لا يَكُونُ مَعَهُ شَرٌّ أَبَدًا، أَوْ شَرًّا لا يَكُونُ مَعَهُ خَيْرٌ أَبَدًا. (٩)

١- في غرر الحكم (طبعه طهران) ص ٨١٩ ح ٢١٩: «فما خيرٌ خيرا».

٢- نهج البلاغه: الكتاب ٣١، تحف العقول: ص ٧٧، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٠٥، غرر الحكم: ح ١٠٣٧١، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢١٤ ح ١؛ دستور معالم الحكم: ص ٢٤.

٣- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٩٢ ح ٥٨٣٤، نهج البلاغه: الحكمة ٣٨٧، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٩٩ ح ٢٠٣؛ دستور معالم الحكم: ص ٢٤ ليس فيه ذيله من «كل نعيم...».

٤-.. غرر الحكم: ح ١٠١٨٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٢٠ ح ٩٤٥٨.

٥- غرر الحكم: ح ١٠١٨٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٢٠ ح ٩٤٥٧.

٦- غرر الحكم: ح ٥٦٩٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٩٣ ح ٥٢١٧.

٧- تحف العقول: ص ٣٠٦، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٨٤ ح ١.

٨- جَلَّ الْخَطْبُ: أي عظم الأمر والشأن (النهاية: ج ٢ ص ٤٥ «خطب»).

٩- نهج البلاغه: الكتاب ٢٧، الأمالي للمفيد: ص ٢٦٣ ح ٣، الأمالي للطوسي: ص ٢٧ ح ٣١ كلاهما عن أبي إسحاق الهمداني، تحف العقول: ص ١٧٨ كلها نحوه، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١١، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٥٨١ ح ٧٢٦.

امام علی علیه السلام: خیری که جز با شر به دست نیاید، چه خیری است؟! و آسودگی ای که جز با سختی حاصل نشود، چه آسودگی ای است؟

امام علی علیه السلام در سفارش به پسرش محمد بن حنفیه: ای پسر! ... هیچ خیری که پس از آن، جهنم باشد، خیر نیست و هیچ شری که پس از آن، بهشت باشد، شر نیست. هر نعمتی کمتر از بهشت، کوچک است و هر بلائی کمتر از جهنم، آسایش است.

امام علی علیه السلام: خیری را که با آن، شر عایدت می شود، خیر نشمار.

امام علی علیه السلام: چیزی که با آن خیر را در می یابی، شر مشمار.

امام علی علیه السلام: بدترین عمل، چیزی است که با آن، آخرت و معادت را تباه کنی.

امام صادق علیه السلام در سفارش به ابن جندب: ای ابن جندب! همه خیر و همه شر، در پیش روی تو آند و هرگز خیر و شر را نخواهی دید، جز پس از آخرت؛ زیرا خداوند عز و جل همه خیر را در بهشت و همه شر را در دوزخ قرار داده است؛ چرا که آن دو، ماندگارند.

امام علی علیه السلام: بندگان خدا را از مرگ و نزدیکی آن بترسانید، و ساز و برگ آن را مهیا کنید؛ چرا که مرگ با حادثه ای با شکوه و پدیده ای بزرگ می آید: با خیری که هرگز شر به همراه ندارد، یا شری که هرگز خیر به همراه ندارد.

عنه عليه السلام: يوقفُ العبدُ بينَ يديِ اللهِ ، فيقولُ : قيسوا بينَ نِعْميَ عَلَيْهِ وَبَيْنَ عَمَلِهِ ، فَتَسْتَغْرِقُ (١) النَّعْمُ الْعَمَلَ ، فيقولونَ : قدِ اسْتَغْرَقَتِ النَّعْمُ الْعَمَلَ . فيقولُ : هبوا لَهُ نِعْميَ وقيسوا بينَ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ مِنْهُ ، فَإِنَّ اسْتَوَى الْعَمَلَانِ أَذْهَبَ اللَّهُ الشَّرَّ بِالْخَيْرِ وَأَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ ، فَإِنْ كَانَ لَهُ فَضْلٌ أَعْطَاهُ اللَّهُ بِفَضْلِهِ ، وَإِنْ كَانَ عَلَيْهِ فَضْلٌ وَهُوَ مِنْ أَهْلِ التَّقْوَى ، لَمْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ تَعَالَى وَاتَّقَى الشَّرْكَ بِهِ ، فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْمَغْفِرَةِ ، يَغْفِرُ اللَّهُ لَهُ بِرَحْمَتِهِ إِنْ شَاءَ وَيَتَفَضَّلُ عَلَيْهِ بِعَفْوِهِ . (٢)

الإمام الباقر عليه السلام: يا جابِرُ فَاحْفَظْ مَا اسْتَرَعَاكَ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ مِنْ دِينِهِ وَحِكْمَتِهِ ، وَلَا تَسْأَلَنَّ عَمَّا لَكَ عِنْدَهُ إِلَّا مَا لَهُ عِنْدَ نَفْسِكَ ، فَإِنْ تَكُنِ الدُّنْيَا عَلَى غَيْرِ مَا وَصَفْتُ لَكَ (٣) ، فَتَحَوَّلْ إِلَى دَارِ الْمُسْتَعْتَبِ ، فَلَعَمْرِي لَرُبِّ حَرِيصٍ عَلَى أَمْرٍ قَدْ شَقِيَ بِهِ حِينَ أَتَاهُ ، وَلَرُبِّ كَارِهٍِ لِأَمْرٍ قَدْ سَعِدَ بِهِ حِينَ أَتَاهُ ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : «وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَيَمْحَقَ الْكُفْرِينَ» (٤) . (٥)

الزهد عن عطاء الخراساني: مَرَّ نَبِيُّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ بِسَاحِلٍ ، فَإِذَا هُوَ بِرَجُلٍ يَصْطَادُ حَيْتَانًا ، فَقَالَ : بِاسْمِ اللَّهِ ، وَأَلْقَى شَبَكَتَهُ فَلَمْ يَخْرُجْ فِيهَا حَوْثٌ وَاحِدٌ ثُمَّ مَرَّ بِآخَرَ ، فَقَالَ : بِاسْمِ الشَّيْطَانِ ، فَخَرَجَ فِيهَا مِنَ الْحَيْتَانِ حَتَّى جَعَلَ الرَّجُلُ يَتَقَاعَسُ مِنْ كَثْرَتِهَا . فَقَالَ : أَيْ رَبِّ هَذَا الَّذِي دَعَاكَ وَلَمْ يُشْرِكْ بِكَ شَيْئًا ابْتَلَيْتَهُ بِأَنْ لَمْ يَخْرُجْ فِي شَبَكَتِهِ شَيْءٌ ، وَهَذَا الَّذِي دَعَا غَيْرَكَ ابْتَلَيْتَهُ وَخَرَجَ فِي شَبَكَتِهِ مَا جَعَلَ يَتَقَاعَسُ تَقَاعَسًا مِنْ كَثْرَتِهَا ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ كُلَّ ذَلِكَ بِيَدِكَ فَأَنْتَ هَذَا ؟ قَالَ : إِكْثَرُوا لِعِبَادِي عَنِ مَنْزِلِهِمَا فَلَمَّا رَأَى مَا أَعَدَّ اللَّهُ لِهَذَا مِنَ الْكِرَامَةِ ، وَمَا أَعَدَّ اللَّهُ لِهَذَا مِنَ الْهَوَانِ . قَالَ : رَضِيْتُ يَا رَبِّي ! (٦)

١- في المصدر : «فستغرق» وما أثبتناه من بحار الأنوار .

٢- الأُمالي للطوسي : ص ٢١٢ ح ٣٦٩ ، كنز الفوائد : ج ١ ص ٢٢٣ ، عدّه الداعي : ص ١٣٦ ، أعلام الدين : ص ٤٣ و ص ١٤٩ كلّها عن عطاء بن يسار ، بحار الأنوار : ج ٧ ص ٢٦٢ ح ١٤ .

٣- .. إشاره إلى ما قال الإمام عليه السلام في أول كلامه في وصف الدنيا .

٤- آل عمران : ١٤١ .

٥- الكافي : ج ٢ ص ١٣٣ ح ١٦ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١٩٤ كلاهما عن جابر ، بحار الأنوار : ج ٧ ص ٣٦ ح ١٧ .

٦- الزهد لابن المبارك : ص ٢٢٠ ح ٦٢١ .

امام علی علیه السلام: بنده در پیشگاه خداوند ، نگه داشته می شود و [خدا] می فرماید: «میان نعمت های من بر او و عمل او ، مقایسه کنید» و [البته] نعمت ها بر عمل [او] ، غلبه دارند . آنان می گویند: نعمت ها بر عمل ، غلبه دارند . آن گاه می فرماید: «نعمت هایم را به او ببخشید و میان خیر و شرّ او ، مقایسه کنید» . اگر عمل خیر و شر برابر شدند، خداوند ، شر را به وسیله خیر ، از بین می برد و او را به بهشت ، وارد می کند و اگر برای او فضیلتی باشد، خداوند در مقابل آن، به وی تفضّل می نماید، و اگر شرّش بیشتر باشد ، و از پرهیزگاران بوده و به خدای متعال شرک نورزیده و از شرک پرهیز کرده باشد، از آمرزیده شدگان است. اگر خدا بخواهد ، او را با رحمتش می آمرزد و با بخشش خود ، بر او تفضّل می نماید .

امام باقر علیه السلام: ... ای جابر! دین و حکمت خدا را که خداوند عز و جل از تو رعایت آن را خواسته است ، نگهداری کن، و از چیزی که تو در نزد او داری ، درخواست نکن ، مگر از چیزی که او در نزد تو دارد . اگر دنیا غیر از آنی بود که برای تو توصیف کردم (۱) ، پس به سراغ خانه سختی ها (دنیا) برو [تا خود آن را ببینی] (۲) . به جانم سوگند ، چه بسا کسی که به چیزی آزمند است و وقتی آن چیز به او داده می شود، بدبخت می گردد، و چه بسا کسی که چیزی را نمی پسندد و وقتی آن چیز به او داده می شود، نیک بخت می گردد و این ، [معنای] سخن خداوند عز و جلاست که : «و تا خدا کسانی را که ایمان آورده اند ، خالص گرداند و کافران را [به تدریج] نابود سازد» .

الزهد به نقل از عطاء خراسانی : یکی از پیامبران به ساحلی گذر کرد . دید مردی که ماهی صید می کرد ، «به نام خدا» گفت و تورش را انداخت و حتی یک ماهی هم از آن ، بیرون نیامد . سپس به مرد دیگری گذر کرد که نام شیطان را بر زبان آورد و ماهیان زیادی را از تورش بیرون آورد ، به طوری که آن مرد ، از بسیاری آنها بر خود بالید . [آن پیامبر] گفت : پروردگارا! این ، تو را خواند و چیزی را با تو شریک نساخت ؛ ولی تو او را این گونه مبتلا کردی که هیچ چیزی از تورش بیرون نیامد . آن دیگری ، غیر تو را خواند ؛ ولی تو او را به گونه ای مبتلا کردی که از بسیاری ماهیان ، بر خود بالید، در حالی که می دانم همه اینها به دست توست . این ، چگونه است؟ [خدا به فرشتگان] فرمود: «برای بنده ام ، پرده از مقام آن دو ، کنار بزنید» . وقتی [پرده را کنار زدند و] آن کرامتی را که خدا برای او (اولی) مهیا ساخته بود و آن خواری ای را که برای آن دیگری مهیا نموده بود ، دید ، گفت : پروردگارا! راضی شدم .

۱- .. اشاره است به آن چه امام در آغاز کلام خود در وصف دنیا فرموده .

۲- این ترجمه مطابق معنای احتمالی ملّا صالح مازندرانی است .

الفصل الثانی : حکمہ المصائب ٢ / ١١ الإبتلاء والامتحان الكتاب «كُلُّ نَفْسٍ ذَالِقَةٌ لِمَوْتٍ وَ نَبَلُّوْكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً وَ إِنَّا تُرْجِعُوْنَ» . (١)

«إِن يَمْسَسِيكُمْ فَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ فَرْحٌ مِّثْلُهُ وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ يَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ * وَ لِيَمْحَضَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ يَمْحَقَ الْكٰفِرِينَ * أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ يَعْلَمَ الصَّابِرِينَ» . (٢)

الحديث رسول الله صلى الله عليه و آله : إِنَّ الْبَلَاءَ لِلظَّالِمِ أَذْبٌ ، وَلِلْمُؤْمِنِ امْتِحَانٌ ، وَلِلْأَنْبِيَاءِ دَرَجَةٌ ، وَلِلْأَوْلِيَاءِ كَرَامَةٌ . (٣)

١- . الأنبياء : ٣٥ .

٢- . آل عمران : ١٤٠ ١٤٢ .

٣- . جامع الأخبار : ص ٣١٠ ح ٨٥٢ ، بحار الأنوار : ج ٨١ ص ١٩٨ ح ٥٥ .

فصل دوم : حکمت گرفتاری ها

۱ / ۲ آزمایش و آزمون

فصل دوم : حکمت گرفتاری ها ۱ / ۲ آزمایش و آزمونقرآن «هر نفسی ، چشمنده مرگ است، و شما را از راه آزمایش به بد و نیک ، خواهیم آزمود و به سوی ما باز گردانیده می شوید» .

«اگر به شما آسیبی می رسد ، به آن قوم نیز آسیبی نظیر آن رسید ، و ما این روزها [ی شکست و پیروزی] را میان مردم ، به نوبت می گردانیم [تا پند بگیرند] و تا خداوند ، کسانی را که [واقعاً] ایمان آورده اند ، معلوم بدارد و از میان شما گواهانی بگیرد و خداوند ، ستمکاران را دوست نمی دارد و تا خدا کسانی را که ایمان آورده اند ، خالص گرداند و کافران را [به تدریج] نابود سازد. آیا پنداشتید که داخل بهشت می شوید، بی آن که خداوند ، جهادگران و شکیبایان شما را معلوم بدارد؟»

حدیثرسول الله صلی الله علیه و آله :بلا- برای ستمگر ، [وسیله] ادب، و برای مؤمن ، آزمون، و برای پیامبران ، درجه، و برای اولیا کرامت است .

الإمام علي عليه السلام: يُمْتَحَنُ الْمُؤْمِنُ بِالْبَلَاءِ ، كَمَا يُمْتَحَنُ بِالنَّارِ الْخِلَاصُ (١) . (٢)

عنه عليه السلام: لَا تَفْرَحِ بِالْغِنَاءِ وَالرِّخَاءِ ، وَلَا تَغْتَمَّ بِالْفَقْرِ وَالْبَلَاءِ ، فَإِنَّ الذَّهَبَ يُجْرَبُ بِالنَّارِ ، وَالْمُؤْمِنُ يُجْرَبُ بِالْبَلَاءِ . (٣)

الإمام الحسين عن الإمام علي عليهما السلام: مَرِضَ فَعَادَهُ إِخْوَانُهُ فَقَالُوا: كَيْفَ أَصْبَحْتَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَقَالَ: بِشَرٍّ. فَقَالُوا: سُبْحَانَ اللَّهِ ، هَذَا مِنْ كَلَامِ مِثْلِكَ؟! فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَنَبَلُّوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِنَّا تُرْجِعُونَ» (٤) ، فَالْخَيْرُ الصَّحَّةُ وَالْغِنَى ، وَالشَّرُّ الْمَرَضُ وَالْفَقْرُ ابْتِلَاءٌ وَاخْتِبَارًا . (٥)

إحياء علوم الدين: قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ: يَا بَنِيَّ إِنَّ الذَّهَبَ يُجْرَبُ بِالنَّارِ ، وَالْعَبْدَ الصَّالِحَ يُجْرَبُ بِالْبَلَاءِ ، فَإِذَا أَحَبَّ اللَّهُ قَوْمًا ابْتَلَاهُمْ ، فَمَنْ رَضِيَ فَلَهُ الرِّضَا ، وَمَنْ سَخِطَ فَلَهُ السَّخَطُ . (٦)

٢ / ١٢ التَّذَكُّرُ وَالِاتِّعَاطُ الْكِتَابِ «وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقَّصْنَا مِنْ الثَّمَرِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ» . (٧)

- ١- الخِلاصُ : ما أخلصته النار من الذهب وغيره (النهاية : ج ٢ ص ٦٢ «خلص»).
- ٢- غرر الحكم : ح ١١٠٢٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٥٠ ح ١٠١٥١ .
- ٣- غرر الحكم : ح ١٠٣٩٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٢٠ ح ٩٤٣٧ .
- ٤- الأنبياء : ٣٥ .
- ٥- الجعفریات : ص ٢٣٣ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، الدعوات : ص ١٦٨ ح ٤٦٩ ، مجمع البيان : ج ٧ ص ٧٤ كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٨١ ص ٢٠٩ ح ٢٥ .
- ٦- إحياء علوم الدين : ج ٤ ص ١٩٤ ؛ المحجَّه البيضاء : ج ٧ ص ٢٣٤ .
- ٧- الأعراف : ١٣٠ .

۲ / ۲ یادآوری و پندپذیری

امام علی علیه السلام: مؤمن با بلا- آزموده می شود، همان گونه که خالص بودن [چیزی مانند طلا]، با آتش، آزمایش می گردد.

امام علی علیه السلام: به ثروت و آسایش، خوش حال مباش و به خاطر نیازمندی و بلا غمگین مشو؛ چرا که طلا با آتش، آزمایش می شود و مؤمن با بلا.

امام حسین علیه السلام: [پدرم] بیمار شد و برادرانش از ایشان عیادت کردند و گفتند: ای امیر مؤمنان! چگونه ای؟ فرمود: «گرفتارِ شر! گفتند: سبحان الله! از همانند تو، چنین سخنی؟! فرمود: «خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «و به راستی، شما را به «شر» و «خیر»، خواهیم آزمود و به سوی ما باز گردانیده می شوید». خیر، همان سلامتی و بی نیازی است، و شر، بیماری و نیازمندی است برای ابتلاء و آزمودن.

إحیاء علوم الدین: لقمان به پسرش گفت: «ای پسر! طلا با آتش، و بنده خوب با بلا آزمایش می شود. خداوند، هر گاه گروهی را دوست بدارد، گرفتارشان می نماید. پس هر کس خشنود باشد، خشنودی [خدا] برای اوست، و هر کس ناخشنود باشد، خشم [خدا] برای اوست».

۲ / ۲ یادآوری و پندپذیری قرآن «و در حقیقت، ما فرعونیان را به خشک سالی و کمبود محصولات، دچار کردیم، باشد که عبرت گیرند».

«وَلَنذِيقَنَّهُم مِّنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» . (١)

«ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» . (٢)

الحديث للإمام علي عليه السلام: إذا رأيت الله سبحانه يتابع عليك البلاء فقد أيقظك . إذا رأيت الله سبحانه يتابع عليك النعم مع المعاصي فهو استدراج لك . (٣)

عنه عليه السلام: إن الله يتلى عبادة عند الأعمال السيئة بنقص الثمرات ، وحبس البركات ، وإغلاق خزائن الخيرات ، ليتوب تائب ، ويقلع مقلع ، ويتذكر متذكر ، ويزدرج مزدرج . (٤)

عنه عليه السلام: من سلبته الحوادث ماله ، أفادته الحذر . (٥)

الإمام الصادق عليه السلام: ما من مؤمن إلا وهو يذكر لبلاء (٦) يصيبه في كل أربعين يوماً أو بشيء من ماله وولده ، ليأجره الله عليه ، أو بهم لا يدرى من أين هو ؟ (٧)

عنه عليه السلام: إن الله إذا أراد بعبد خيراً فأذنّب ذنباً أتبعه بنعمه ويذكره الاستغفار ، وإذا أراد بعبد شراً فأذنّب ذنباً أتبعه بنعمه ليسيه الاستغفار ويتمادي بها ، وهو قول الله عز وجل : «سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ» (٨) بالنعم عند المعاصي . (٩)

١- السجده : ٢١ .

٢- الروم : ٤١ .

٣- غرر الحكم : ح ٤٠٤٦ و ٤٠٤٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٣٥ ح ٣٠٦٩ و ٣٠٧٤ .

٤- نهج البلاغه : الخطبه ١٤٣ ، أعلام الدين : ص ٢٨٥ عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام ، التمحيص : ص ٤ ، بحار الأنوار : ج ٩١ ص ٣١٢ ح ٣ .

٥- غرر الحكم : ح ٩١٤٣ .

٦- في المصدر : «البلاء» والصواب ما أثبتناه كما في بحار الأنوار . وفي جامع الأخبار : «بلاء» .

٧- التمحيص : ص ٣٣ ح ١٦ عن معاوية بن عمّار ، جامع الأخبار : ص ٣١٢ ح ٨٦٤ ، مشكاة الأنوار : ص ٣١٢ ح ٨٦٤ كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٦٧ ص ٢٤١ ح ٢٨ وراجع المؤمن : ص ٢٢ ح ٢٧ .

٨- الأعراف : ١٨٢ .

٩- الكافي : ج ٢ ص ٤٥٢ ح ١ ، علل الشرايع : ص ٥٦١ ح ١ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١٦٠ كلّها عن سفيان بن السمط ، مشكاة الأنوار : ص ٥٧٩ ح ١٩٢٦ وليس فيه صدره إلى «ويذكره الاستغفار» ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٢١٧ ح ٩ .

«و قطعاً غیر از آن عذاب بزرگ تر، از عذاب این دنیا [نیز] به آنان می چشایم . امید که آنها [به سوی خدا] باز گردند» .

«به سبب آنچه دست های مردم فراهم آورده اند ، فساد ، در خشکی و دریا نمودار شده است، تا [سزای] بعضی از آنچه را کرده اند ، به آنان بچشاند . باشد که باز گردند» .

حدیث امام علی علیه السلام : هر گاه دیدی که خداوند سبحان پی در پی بر تو بلا می فرستد، در حقیقت، بیدارت می کند و هر گاه دیدی که خداوند سبحان همراه گناهان [تو] ، پی در پی بر تو نعمت می فرستد، آن برای تو نابودی تدریجی است .

امام علی علیه السلام : خداوند ، بندگانش را هنگام ارتکاب کارهای بد، به کمبود محصولات و باز داشت برکت ها و بسته شدن گنجینه های خیر ، گرفتار می سازد تا توبه کار ، توبه کند و جدا شونده [از گناه] ، جدا شود و پندپذیر، پند پذیرد و باز داشته شده ، خودداری کند .

امام علی علیه السلام : رویدادها، دارایی هر کس را برابیند، احتیاط کردن را برای او به ارمغان می آورند .

امام صادق علیه السلام : هیچ مؤمنی نیست ، جز این که به خاطر بلایی که در هر چهل روز به خودش ، یا دارایی و فرزندانش می رسد ، متذکر می گردد تا خداوند بر پایه آن ، به او پاداش دهد و یا به اندوهی متذکر می گردد که نمی داند از کجاست .

امام صادق علیه السلام : هر گاه خداوند برای بنده ای خیری بخواهد، چون آن بنده مرتکب گناهی شود ، در پی آن ، عذابی می فرستد و او را به یاد استغفار (آمرزش خواهی) می اندازد . و هر گاه برای بنده ای شرّی بخواهد، چون بنده مرتکب گناهی شود ، در پی آن، نعمتی می فرستد تا استغفار را از یاد وی ببرد و نعمت را برایش تداوم می بخشد، و این ، معنای آن سخن خداوند عز و جلاست که : «به تدریج، از جایی که نمی دانند ، گریبانشان را خواهیم گرفت» ، [یعنی] با نعمت ها هنگام ارتکاب گناهان .

عنه عليه السلام: المؤمن لا يمضى عليه أربعون ليلة، إلا عرض له أمر يحزنه، يذكر به. (١)

عنه عليه السلام للمفضل بن عمر: ... ثم هذه الآفات التي ذكرناها من الوباء والجراد وما أشبه ذلك ما بالها لا تدوم ... ويلدع (٢) أحيانا بهذه الآفات اليسيرة لتأديب الناس وتقويمهم، ثم لا تدوم هذه الآفات، بل تكشف عنهم عند القنوط منهم، فتكون وقوعها بهم موعظة وكشفها عنهم رحمة ... فإذا عصته المكاره ووجد مفضضاها اتعت وأبصر كثيرا مما كان جهله وغفل عنه، ورجع إلى كثير مما كان يجب عليه ... إن هذه الآفات وإن كانت تنال الصالح والطالح جميعا، فإن الله جعل ذلك صيلا للسنين كليهما: أما الصالحون فإن الذي يصيبهم من هذا يؤدبهم (٣) نعم ربهم عندهم في سالف أيامهم فيحدوهم ذلك على الشكر والصبر، وأما الطالحون فإن مثل هذا إذا نالهم كسر شررتهم وردعهم عن المعاصي والفواحش، وكذلك يجعل لمن سلم منهم من السنين صيلا في ذلك، أما الأبرار فإنهم يغبطون بما هم عليه من البر والصلاح ويزدادون فيه رغبة وبصيرة، وأما الفجار فإنهم يعرفون رافة (٤) ربهم وتطوؤة عليهم بالسلامة من غير استحقاقهم، فيحضهم ذلك على الرافة بالناس والصفح عن أساء إليهم. (٥)

- ١- الكافي: ج ٢ ص ٢٥٤ ح ١١، المؤمن: ص ٢٣ ح ٣٠، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٠٤ كلها عن محمد بن مسلم، مشكاة الأنوار: ص ٥٠٧ ح ١٧٠٢، التمهيد: ص ٤٤ ح ٥٤، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢١١ ح ١٤.
- ٢- لدعه: آذاه (المصباح المنير: ص ٥٥٢ «لدع»).
- ٣- كذا في النسخ والظاهر: يذكرهم (هامش المصدر).
- ٤- وفي نسخه: رحمه ربهم (هامش المصدر).
- ٥- بحار الأنوار: ج ٣ ص ١٣٨ و ١٣٩ نقلا عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضل.

امام صادق علیه السلام: بر مؤمن، چهل شب نمی گذرد، مگر این که یک حادثه برای او رخ می دهد که بیدان متذکر می شود.

امام صادق علیه السلام به مُفَضَّل بن عمر: ... سپس این آفت ها که یاد کردیم (از قبیل وبا و [هجوم] ملخ و همانند اینها)، چگونه است که دوام ندارند؟! گاهی با این آفت های ناچیز، آزار می رسد تا مردم، تربیت شوند و مقاوم گردند. سپس این آفت ها باقی نمی مانند؛ بلکه هنگام نومییدی، ابتلا به آنها نیز از آنان برداشته می شود تا معلوم گردد که گرفتاری به آفات، برای آنان پند و برداشته شدن آنها از آنان، مهربانی بوده است... پس هر گاه سختی ها دامنش را گرفتند و درد آنها را چشید، پند می گیرد و نسبت به بسیاری از چیزهایی که نمی دانست و غفلت داشت، آگاه می گردد و به سوی بسیاری از چیزهایی که بر او واجب بوده اند، باز می گردد... هر چند این آفت ها، هم به نیکوکاران و هم به بدکاران می رسند، ولی خداوند، آنها را برای هر دو گروه، خوب قرار داده است. برای نیکوکاران، خوب است؛ چون هر چه آفت به آنان می رسد، آنان را نسبت به نعمت های پروردگارشان که در گذشته داشته اند، متذکر می کند و به سپاس گزاری و شکیبایی بر می انگیزد، و برای بدکاران، خوب است؛ چون وقتی چنین آفتی به آنان برسد، شرارتشان را می شکند و از گناهان و زشتی ها بازشان می دارد. همچنین [خداوند] به سلامت رستن از آفت ها را برای هر دو گروه، خوب قرار داده است. برای نیکوکاران، خوب است؛ چون به نیکی و به سامان بودن خود، غبطه می خورند و تمایل و آگاهی شان آنان به آن (نیکی و به سامانی) بیشتر می گردد، و برای بدکاران، خوب است؛ چون مهربانی و احسان پروردگارشان را در دادن سلامت به آنان، بدون آن که شایسته اش باشند، در می یابند و همین، آنان را به مهربانی با مردم و گذشت از بدی دیگران به آنان، تشویق می نماید.

٢ / ٣ أجزاء السِّيئَاتِ الْكُتَابِ «وَمَا أَصَبَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ». (١)

«أَوْ لَمَّا أَصَبْتُمْ مُصِيبَهُ قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَيْهَا قُلْتُمْ أَنَّى هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (٢)

«وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلِهَا ظَالِمُونَ». (٣)

«أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّهِمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ يُنَمِّكُنَّ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ». (٤)

«ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ». (٥)

الحديث رسول الله صلى الله عليه و آله :المصائبُ والأمراضُ والأحزانُ في الدنيا جزاءً . (٦)

١- .الشورى : ٣٠ .

٢- .آل عمران : ١٦٥ .

٣- .القصص : ٥٩ .

٤- .الأنعام : ٦ .

٥- .الأعراف : ٩٥ .

٦- .حليه الأولياء : ج ٨ ص ١١٩ ، تفسير ابن كثير : ج ٢ ص ٣٧١ كلاهما عن أبي بكر ، كنز العمال : ج ٣ ص ٢٩٦ ح ٦٦٢٩ .

۳ / ۲ کیفر بدی ها

۳ / ۲ کیفر بدی هاققرآن «و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد ، به سبب دستاورد خود شماست ، و [خدا] از بسیاری [از آنها] در می گذرد» .

«آیا چون به شما [در نبرد اُحد] مصیبتی رسید - با آن که دو برابرش را [در نبرد بدر ، به دشمنان خود] رساندید گفتید : «این [مصیبت] از کجاست [که به ما رسید]؟! بگو: آن ، از خود شماست [و ناشی از بی انضباطی خودتان] . آری! خدا بر هر چیزی تواناست» .

«و ما شهرها را ، تا مردمشان ستمگر نبوده اند ، ویران کننده نبوده ایم» .

«آیا ندیده اند که پیش از آنان ، چه بسیار امت هایی را هلاک کردیم که در زمین به آنان امکاناتی داده بودیم که برای شما آن امکانات را فراهم نکرده ایم و [نیز باران های] آسمان را پی در پی بر آنان فرو فرستادیم و رودبارها را از زیر [شهرهای] آنان روان ساختیم [و] آن گاه ، ایشان را به [سزای] گناهانشان هلاک کردیم و پس از آنان ، نسل های دیگری پدید آوردیم؟» .

«آن گاه به جای بدی (بلا) ، نیکی (نعمت) قرار دادیم تا انبوه شدند و گفتند: «پدران ما را [هم مسلماً و به حکم طبیعت ،] رنج و راحت می رسیده است» . پس ، در حالی که بی خبر بودند ، به ناگاه [گریبان] آنان را گرفتیم» .

حدیثیامبر خدا صلی الله علیه و آله : گرفتاری ها و بیماری ها و اندوه های دنیا، کیفرند .

عنه صلى الله عليه وآله: مَا اخْتَلَجَ عِرْقٌ وَلَا عَثْرَتْ قَدَمٌ إِلَّا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ ، وَمَا يَعْفُو اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْهُ أَكْثَرَ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام: أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عِرْقٍ يُضْرَبُ وَلَا نَكْبَةٍ وَلَا صُدَاعٍ وَلَا مَرَضٍ إِلَّا بِذَنْبٍ ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ : «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ» . قَالَ : ثُمَّ قَالَ : وَمَا يَعْفُو اللَّهُ أَكْثَرَ مِمَّا يُؤَاخِذُ بِهِ . (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا يُصِيبُ عَبْدًا نَكْبَةً فَمَا فَوْقَهَا أَوْ دُونَهَا إِلَّا بِذَنْبٍ ، وَمَا يَعْفُو اللَّهُ عَنْهُ أَكْثَرَ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله في قوله تعالى: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ»: مَا مِنْ خَدَشِهِ عَوْدٍ ، وَلَا اخْتِلَاجِ عِرْقٍ وَلَا نَكْبَةٍ حَجَرٍ ، وَلَا عَثْرَةٍ قَدَمٍ إِلَّا بِذَنْبٍ ، وَمَا يَعْفُو اللَّهُ أَكْثَرَ . (٤)

الإمام علي عليه السلام في قول الله عز وجل: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ»: لَيْسَ مِنَ التَّوَاءِ عِرْقٍ ، وَلَا نَكْبَةٍ حَجَرٍ ، وَلَا عَثْرَةٍ قَدَمٍ ، وَلَا خَدَشٍ عَوْدٍ ، إِلَّا بِذَنْبٍ ، وَلَمَا يَعْفُو اللَّهُ أَكْثَرَ . (٥)

١- الأمامي للطوسي: ص ٥٧٠ ح ١١٨٠ عن علي بن جعفر عن أخيه الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٧٠، أعلام الدين: ص ٢٠٨ كلاهما عن أبي ذر، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٣٦٣ ح ٩٤؛ تاريخ دمشق: ج ٢٤ ص ١٩٠ ح ٥٢١٣ عن شقيق بن البراء.

٢- الكافي: ج ٢ ص ٢٦٩ ح ٣ عن هشام بن سالم، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٦٩ ح ٢٤١٦، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٣١٥ ح ٣.

٣- سنن الترمذي: ج ٥ ص ٣٧٨ ح ٣٢٥٢، مشكاة المصابيح: ج ١ ص ٤٩٣ ح ١٥٥٨، تهذيب الكمال: ج ٤ ص ٢٨٣ الرقم ٧٧٩ كلها عن أبي موسى، كنز العمال: ج ٣ ص ٣٣٢ ح ٦٨٠٧.

٤- الزهد لهناد: ج ١ ص ٢٤٩ ح ٤٣١، تاريخ دمشق: ج ٥٤ ص ٥٨ ح ١١٣٥١ كلاهما عن الحسن، شعب الإيمان: ج ٧ ص ١٥٣ ح ٩٨١٥، تفسير الطبري: ج ٤ الجزء ٥ ص ١٧٥ و ج ١٣ الجزء ٢٥ ص ٣٢، تفسير ابن كثير: ج ٢ ص ٣١٨ كلها عن قتاده نحوه، كنز العمال: ج ٣ ص ٣٤١ ح ٦٨٤٩.

٥- الكافي: ج ٢ ص ٤٤٥ ح ٦ عن مسمع بن عبد الملك عن الإمام الصادق عليه السلام، الجعفریات: ص ١٧٩ عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلاموفيه «المؤمن» بدل «التوأة».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: رگی نمی لرزد (رنجی نمی رسد) و گامی نمی لغزد، جز به خاطر آنچه از پیش فرستاده اید است و البتّه آنچه خداوند عز و جل از آن درمی گذرد، بیشتر است.

امام صادق علیه السلام: هان! هیچ رگی نمی زند (رنجی پیدا نمی شود) و پایی آسیب نمی بیند و سردرد و بیماری ای پیش نمی آید، جز به خاطر گناهی، و این [معنای این] سخن خداوند عز و جل در کتابش است: «و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد، به سبب دستاورد خود شماست، و [خدا] از بسیاری در می گذرد». و آنچه خدا از آن می گذرد، بیشتر از آنی است که بدان بازخواست می نماید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای به بدبختی و بالاتر و پایین تر از آن نمی رسد، جز به خاطر گناهی، و البتّه آنچه خدا از آن می گذرد، بیشتر است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره این سخن خدای متعال: «و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد، به سبب دستاورد خود شماست، و [خدا] از بسیاری در می گذرد»: هیچ خراشی از برخورد چوبکی و لرزش رگی و آسیب دیدن پای و لغزش قدمی رخ نمی دهد، جز به خاطر گناهی، و آنچه خدا می بخشد، بیشتر است.

امام علی علیه السلام درباره این سخن خداوند عز و جل: «و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد، به سبب دستاورد خود شماست، و [خدا] از بسیاری در می گذرد»: هیچ پیچش [و فشرده گی] رگی و آسیب دیدن پای و لغزش قدمی و خراشی از برخورد چوبکی رخ نمی دهد، جز به خاطر گناهی، و همانا آنچه خدا می بخشد، بیشتر است.

رسول الله صلى الله عليه وآله: ما تكون من عله إلا من ذنب، وما يعفو الله عز وجل عنه أكثر. (١)

الأمالى للمفيد عن عبد الله بن محمد عن عقال: سمعت علي بن الحسين بن زين العابدين عليه السلام يقول: «ما اختلج عرق ولا ضيدع مؤمن إلا بعدنيه، وما يعفو الله عنه أكثر». وكان إذا رأى المريض قد برئ قال: «ليهنك الطهر من الذنوب، فاستأنف العمل». (٢)

مسند أبي يعلى عن أبي سخيلى عن الإمام علي عليه السلام: ألا أخبركم بأفضل آية في كتاب الله حدثنى بها رسول الله صلى الله عليه وآله؟ قال: «ما أصيبكم من مصيبة فيما كسبتم أو عفوكم عن كثير». قال رسول الله صلى الله عليه وآله: سافسرها لك يا علي، ما أصابكم في الدنيا من بلاء أو مرض أو عقوبة، فالله أكرم من أن يئنن عليكم العقوبة في الآخرة، وما عفا عنه في الدنيا فالله أحلم من أن يعود بعد عفوهِ. (٣)

بحار الأنوار عن المفصل بن عمر في حديث عن الإمام الصادق عليه السلام يدكر فيه حكمه إنبات الشعر في وجه الرجل دون المرأة: فقالت: يا مولاي، فقد رأيت من يبقى على حالته ولا يثبت الشعر في وجهه وإن بلغ حال الكبر؟ فقال: ذلك بما قدمت أيديهم وإن الله ليس بظلام للعبيد. (٤)

- ١- مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٧٩ ح ٢٤٦٢، الكافي: ج ٢ ص ٢٦٩ ح ٤ عن الفضيل بن يسار عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «نكبه» بدل «عله»، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام: ص ٣٤٠ عن العالم عليه السلام وكلاهما نحوه.
- ٢- الأمالى للمفيد: ص ٣٥ ح ١، الأمالى للطوسي: ص ٦٣ ح ١٣٠٠، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ١٨٦ ح ٤١.
- ٣- مسند أبي يعلى: ج ١ ص ٢٤٠ ح ٤٤٩ و ص ٣٠٠ ح ٦٠٤، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ١٨٥ ح ٦٤٩ نحوه، المستدرک على الصحيحين: ج ٤ ص ٤٢٩ ح ٨١٦٦ وليس فيه من «قال رسول الله صلى الله عليه وآله» إلى «أو مرض أو عقوبته»، كنز العمال: ج ٢ ص ٤٩٧ ح ٤٥٩١؛ الدعوات: ص ١٦٧ ح ٤٦٥، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ١٨٨ ح ٤٥.
- ٤- بحار الأنوار: ج ٣ ص ٦٣ نقلاً عن الخبر المشتهر بتوحيد المفصل.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بیماری ای نیست، جز به خاطر گناهی، و آنچه خداوند عز و جلاز آن می گذرد، بیشتر است.

الأمالی، مفید به نقل از عبد الله بن محمد، از عقیل: از امام زین العابدین علیه السلام شنیدم که می فرمود: «هیچ برگی نمی لرزد و مؤمنی درد نمی کشد، جز به خاطر گناه او، و آنچه خدا از آن در می گذرد، بیشتر است». نیز هر گاه می دید که بیماری بهبود یافته، می فرمود: «پاکی از گناهان، مبارکت باد! پس، عمل [خوب] را از سر بگیر».

مسند أبی یعلیٰ به نقل از ابو سَیخِله: امام علی علیه السلام فرمود: آیا شما را از برترین آیه کتاب خدا که پیامبر خدا درباره آن برایم سخن گفته است، آگاه نکنم؟ «هر مصیبتی به شما برسد، به سبب دستاورد خود شماست، و خدا از بسیاری در می گذرد». پیامبر خدا فرمود: «ای علی! اکنون، آن را برای تو تفسیر می کنم. آنچه از بلا یا بیماری یا کیفر در دنیا به شما می رسد، خداوند، برتر از آن است که کیفرش را در آخرت بر شما تکرار نماید، و آنچه خدا در دنیا بخشیده، او بردبارتر از آن است که از بخشش خویش برگردد».

بحار الأنوار به نقل از مفضّل بن عمر، در حدیثی که امام صادق علیه السلام در آن، حکمت روییدن مو در چهره مرد و روییدن آن در چهره زن را بیان فرموده است: گفتم: ای سَیْرور من! کسی را دیدم که به حالت خود باقی مانده است و هر چند به حال پیری رسیده، مو در صورتش نمی روید. فرمود: «این به خاطر آن چیزهایی است که از پیش فرستاده اند و البته خدا نسبت به بندگان، ستمکار نیست».

٢ / ٤ التَّطَهِيرُ مِنَ الذُّنُوبِ لِلْمُؤْمِنِينَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْمُؤْمِنُ يُكْفِّرُ ذُنُوبَهُ بِسَبَبِ الْإِيذَاءِ وَالْمَصَائِبِ . (١)

الدرّ المنثور عن أبي إدريس الخولاني: سَأَلْتُ عُبَادَةَ بْنَ الصَّامِتِ ، عَنْ قَوْلِ اللَّهِ : «وَلَنذِيقَنَّهُم مِّنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ» (٢) فَقَالَ : سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْهَا ، فَقَالَ : هِيَ الْمَصَائِبُ وَالْأَسْقَامُ وَالْأَنْصَابُ ، عَذَابٌ لِلْمُسْرِفِ فِي الدُّنْيَا دُونَ عَذَابِ الْآخِرَةِ . قُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، فَمَا هِيَ لَنَا ؟ قَالَ : زَكَاةٌ وَطَهْوَرٌ . (٣)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَصَابَهُ السُّقْمُ ثُمَّ أَعْفَاهُ اللَّهُ مِنْهُ كَانَ كَفَّارَةً لِّمَا مَضَىٰ مِنْ ذُنُوبِهِ ، وَمَوْعِظَةً لَهُ فِيمَا يَسْتَقْبِلُ ، وَإِنَّ الْمُنَافِقَ إِذَا مَرِضَ ثُمَّ أَعْفَىٰ كَانَ كَالْبَعِيرِ عَقَلَهُ (٤) أَهْلُهُ ثُمَّ أَرْسَلُوهُ ، فَلَمْ يَدِرْ لِمَ عَقَلُوهُ وَلَمْ يَدِرْ لِمَ أَرْسَلُوهُ . (٥)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ ابْتَلَاهُ اللَّهُ بَبَلَاءٍ فِي جَسَدِهِ فَهُوَ لَهُ حِطَّةٌ (٦) . (٧)

١- .جامع الأخبار (طبعه مؤسسه الأعلمی للمطبوعات): ص ١٢٤ .

٢- .السجده: ٢١ .

٣- .الدرّ المنثور: ج ٦ ص ٥٥٤ نقلاً عن ابن مردويه .

٤- .عَقَلْتُ الْبَعِيرَ: هُوَ أَنْ تَتَنَّىٰ وَظِيفَهُ مَعَ ذِرَاعِهِ فَتَشُدُّهَا جَمِيعًا فِي وَسْطِ الذِّرَاعِ (الصحاح: ج ٥ ص ١٧٧١ «عقل»).

٥- .سنن أبي داود: ج ٣ ص ١٨٢ ح ٣٠٨٩ عن عامر الرام أخى الخضر ، كثر العمال: ج ٣ ص ٣٠٧ ح ٦٦٨٦ .

٦- .حِطَّةٌ: أَى تَحَطُّ عَنْهُ خَطَايَاهُ وَذُنُوبُهُ ، حَطَّ الشَّيْءُ: إِذَا أَنْزَلَهُ وَأَلْقَاهُ (النهاية: ج ١ ص ٤٠٢ «حطط»).

٧- .مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٤١٤ ح ١٦٩٠ ، المستدرک علی الصحیحین: ج ٣ ص ٢٩٧ ح ٥١٥٣ ، السنن الكبرى: ج ٩ ص

٢٨٩ ح ٨٥٦٧ ، شعب الإيمان: ج ٣ ص ٢٨٩ ح ٣٥٧٢ ، مسند أبى يعلى: ج ١ ص ٤٠٢ ح ٨٧٥ ، مسند الطيالسى: ص ٣١ ،

تاريخ دمشق: ج ٣٢ ص ٢٢٢ نحوه وكلها عن أبى عبيده بن الجراح ، كثر العمال: ج ١٥ ص ٩٠٢ ح ٤٣٥٥٣ .

۲ / ۴ پاکي مؤمنان از گناهان

۲ / ۴ پاکي مؤمنان از گناهان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با آزار دیدن و گرفتاری ها، از گناهان مؤمن چشم پوشی می شود .

الدرّ المنثور به نقل از ابو ادریس خولانی: از عباده بن صامت درباره این سخن خداوند پرسیدم: «و قطعاً غیر از آن عذاب بزرگ تر، از عذاب این دنیا [نیز] به آنان می چشایم». گفت: من از پیامبر خدا درباره این آیه پرسیدم . فرمود: «گرفتاری ها و بیماری ها و رنج ها، برای اسرافکار، عذابی در دنیا هستند، غیر از عذاب آخرت». گفتم: ای پیامبر خدا! این بلاها در زندگی ما چه نقشی دارند؟ فرمود: «پاکي و پاکيزگی [از گناه]» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه مؤمن بیمار شد و سپس خدا او را عافیت بخشید، آن، کفاره گناهان گذشته اش و عبرت برای آینده اش خواهد بود؛ ولی هر گاه منافق مریض شد و سپس عافیت یافت، به شتری می ماند که صاحبش او را بسته و سپس رهایش کرده است، که نمی داند چرا او را بستند و چرا رهایش کردند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، هر کسی را به بلایی در جسمش گرفتار سازد، همان، گناهان او را می ریزد .

عنه صلى الله عليه و آله : إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ أَلَمَ بِهِ الْفَقْرَ وَالْمَرَضَ ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُرِيدُ أَنْ يُصَافِيَهُ . (١)

صحيح مسلم عن أبي هريره : لَمَّا نَزَلَتْ «مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ» (٢) بَلَغَتْ مِنَ الْمُسْلِمِينَ مَبْلَغًا شَدِيدًا ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله : قَارِبُوا وَسَدِّدُوا فَفِي كُلِّ مَا يُصَابُ بِهِ الْمُسْلِمُ كَفَّارَةٌ حَتَّى النَّكْبَةِ يُنَكَّبُهَا ، أَوْ الشُّوْكَهَ يُشَاكَّبُهَا . (٣)

صحيح البخارى عن عبد الله بن مسعود : دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَهُوَ يُوَعِّكُ (٤) وَعَكَا شَدِيدًا فَمَسِسْتُهِ بِيَدِي . فَقُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنَّكَ لَتُوَعِّكُ وَعَكَا شَدِيدًا . فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله : أَجِل . إِنِّي أُوَعِّكُ كَمَا يُوَعِّكُ رَجُلَانِ مِنْكُمْ . فَقُلْتُ : ذَلِكَ ، أَنْ لَكَ أَجْرَيْنِ ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله : أَجَل . ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله : مَا مِنْ مُسْلِمٍ يُصِيبُهُ أذى ؛ مَرَضٌ فَمَا سِوَاهُ ، إِلَّا حَطَّ اللَّهُ لَهُ سَيِّئَاتِهِ ، كَمَا تَحَطُّ الشَّجَرَةُ وَرَقَهَا . (٥)

رسول الله صلى الله عليه و آله : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ : إِنِّي إِذَا ابْتَلَيْتُ عَبْدًا مِنْ عِبَادِي مُؤْمِنًا فَحَمِدَنِي عَلَى مَا ابْتَلَيْتُهُ ، فَإِنَّهُ يَقُومُ مِنْ مَضْجَعِهِ ذَلِكَ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ مِنَ الْخَطَايَا . وَيَقُولُ الرَّبُّ عَزَّ وَ جَلَّ : أَنَا قَيْدُ عَبْدِي وَابْتَلَيْتُهُ ، وَأَجْرُوا لَهُ كَمَا كُنْتُمْ تُجْرُونَ لَهُ وَهُوَ صَاحِبُ . (٦)

١- الفردوس : ج ١ ص ٢٦١ ح ١٠١٥ عن الإمام علي عليه السلام ، كتر العَمَال : ج ٦ ص ٤٧٢ ح ١٦٦٠٢ .

٢- النساء : ١٢٣ .

٣- صحيح مسلم : ج ٤ ص ١٩٩٣ ح ٥٢ ، سنن الترمذى : ج ٥ ص ٢٤٧ ح ٣٠٣٨ ، مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٤٩ ح ٧٣٩٠ وليس فيه ذيله ، السنن الكبرى : ج ٣ ص ٥٢٢ ح ٦٥٣٥ وكلها نحوه ، كتر العَمَال : ج ٣ ص ٣٣٠ ح ٦٧٩٧ .

٤- الوَعِّكُ : هو الحُمَى ، وقيل : ألمها (النهاية : ج ٥ ص ٢٠٧ «وعك»).

٥- صحيح البخارى : ج ٥ ص ٢١٤٣ ح ٥٣٣٦ و ص ٢١٤٥ ح ٥٣٤٣ ، صحيح مسلم : ج ٤ ص ١٩٩١ ح ٤٥ ، مسند ابن حنبل : ج ٢ ص ٢١ ح ٣٦١٨ ، صحيح ابن حبان : ج ٧ ص ١٩٩ ح ٢٩٣٧ ، سنن الدارمى : ج ٢ ص ٧٧٢ ح ٢٦٦٩ وكلها نحوه ، كتر العَمَال : ج ٣ ص ٣١٧ ح ٦٧٣٥ .

٦- مسند ابن حنبل : ج ٦ ص ٧٧ ح ١٧١١٨ ، المعجم الكبير : ج ٧ ص ٢٨٠ ح ٧١٣٦ ، المعجم الأوسط : ج ٥ ص ٧٤ ح ٤٧٠٩ ، حليه الأولياء : ج ٩ ص ٣٠٩ ، مسند الشاميين : ج ٢ ص ١٥٤ ح ١٠٩٧ والثلاثة الأخيره نحوه وكلها عن شَدَاد بن أوس ، كتر العَمَال : ج ٣ ص ٣٠٥ ح ٦٦٦٩ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه کسی را دیدید که خداوند به ناداری و بیماری گرفتارش ساخته، [بدانید که] خدای متعال می خواهد او را پاک نماید.

صحیح مسلم به نقل از ابو هریره: وقتی [این آیه] نازل شد: «هر کس بدی کند، در برابر آن، کیفر می بیند»، به مسلمانان، گرفتاری های سختی رسید. پیامبر خدا فرمود: «به همدیگر، نزدیک شوید و محکم باشید، که در هر آنچه مسلمان بدان گرفتار شود، کفاره ای است، حتی در سنگی که به پائین می خورد، یا خاری که به تنش فرو می رود».

صحیح البخاری به نقل از عبد الله بن مسعود: حضور پیامبر خدا رسیدم، در حالی که درد و تب شدیدی داشت. ایشان را با دستم لمس کردم و گفتم: ای پیامبر خدا! تب شدیدی داری! پیامبر خدا فرمود: «آری. تب من، برابر تب دو مرد از شماست». گفتم: یعنی برای تو، دو پاداش است؟ پیامبر خدا فرمود: «آری» و سپس فرمود: «به هیچ مسلمانی، آزار و بیماری و از این دست چیزها نمی رسد، جز این که خداوند [به خاطر آنها] بدی های او را می ریزد، چنان که درخت، برگ هایش را می ریزد».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل می فرماید: «هر گاه من یکی از بندگان مؤمنم را گرفتار ساختم و به خاطر آن گرفتاری، ستایشم نمود، بی گمان از بسترش همانند روزی که از مادر متولد شده، بدون گناهان بر می خیزد» و پروردگار عز و جلمی فرماید: «من بنده ام را گرفتار نمودم و مبتلا ساختم. شما، اجر او را همانند زمان سلامتیش به او بدهید».

عنه صلى الله عليه وآله: ما يُصِيبُ الْمُؤْمِنَ مِنْ وَصَبٍ (١)، ولا نَصَبٍ (٢)، ولا سَقَمٍ، ولا حَزَنٍ؛ حَتَّى الْهَمُّ يُهْمُهُ، إِلَّا كُفِّرَ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِهِ (٣).

عنه صلى الله عليه وآله: ما يُصِيبُ الْمُسْلِمَ، مِنْ نَصَبٍ وَلَا وَصَبٍ، وَلَا هَمٍّ وَلَا حَزَنٍ وَلَا أَذَى وَلَا غَمٍّ، حَتَّى الشُّوْكَهَ يُشَاكُهَا، إِلَّا كَفَّرَ اللَّهُ بِهَا مِنْ خَطَايَاهُ (٤).

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ لَيَبْتَلِي عَبْدَهُ بِالْبَلَاءِ وَالْهَمِّ، حَتَّى يَتْرُكَهُ مِنْ ذَنْبِهِ كَالْفِضَّةِ الْمُصَفَّاهِ (٥).

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الصُّدَاعَ وَالْمَلِيلَةَ (٦) لَا تَزَالُ بِالْمُؤْمِنِ، وَإِنَّ ذَنْبَهُ مِثْلُ أُخْرِيٍّ، فَمَا تَدَعُهُ وَعَلَيْهِ مِنْ ذَلِكَ مِثْقَالُ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ (٧).

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَصَابَ فِي الدُّنْيَا ذَنْبًا فَعُوقِبَ بِهِ، فَاللَّهُ أَعْدَلُ مِنْ أَنْ يُنْتَنَى عُقُوبَتُهُ عَلَى عَبْدِهِ، وَمَنْ أَذْنَبَ ذَنْبًا فِي الدُّنْيَا فَاسْتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ، فَاللَّهُ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَعُودَ فِي شَيْءٍ قَدْ عَفَا عَنْهُ (٨).

١- الوَصْبُ: دوام الوجع ولزومه (النهاية: ج ٥ ص ١٩٠ «وصب»).

٢- النَّصَبُ: التَّعَبُ (النهاية: ج ٥ ص ٦٢ «نصب»).

٣- صحيح مسلم: ج ٤ ص ١٩٩٣ ح ٥٢ عن أبي سعيد الخدري وأبي هريره، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ١٠ ح ١١٠٠٧ و ص ١٢٢ ح ١١٥٨٤، مسند الشهاب: ج ٢ ص ٣٣ ح ٨٢٥، تاريخ بغداد: ج ١٤ ص ٣٥ كلُّها عن أبي سعيد الخدري نحوه.

٤- صحيح البخارى: ج ٥ ص ٢١٣٧ ح ٥٣١٨، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ١٦٨ ح ٨٠٣٣، الأدب المفرد: ص ١٥٠ ح ٤٩٢، صحيح ابن حبان: ج ٧ ص ١٦٦ ح ٢٩٠٥، مسند أبي يعلى: ج ٢ ص ٧٩ ح ١٢٣٢ كلُّها عن أبي سعيد الخدري وأبي هريره، كنز العمال: ج ٣ ص ٣٣٠ ح ٦٧٩٩.

٥- شعب الإيمان: ج ٧ ص ١٨٢ ح ٩٩٢٧ عن ابن عمر.

٦- المَلِيلَةُ: حراره الحُمى ووهجها، وقيل: هى الحُمى التى تكون فى العظام (النهاية: ج ٤ ص ٣٦٢ «ملل»).

٧- مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ١٧٠ ح ٢١٧٨٧، المعجم الأوسط: ج ٣ ص ٢٧١ ح ٣١١٩ نحوه وكلاهما عن أبي الدرداء، كنز العمال: ج ٣ ص ٣٢٢ ح ٦٧٥٦.

٨- سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ٨٦٨ ح ٢٦٠٤، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٢١٣ ح ٧٧٥، مسند الشهاب: ج ١ ص ٣٠٣ ح ٥٠٣، المستدرک على الصحيحين: ج ٢ ص ٤٨٣ ح ٣٦٦٤، السنن الكبرى: ج ٨ ص ٥٧٠ ح ١٧٥٩٣ كلُّها عن أبي جحيفه عن الإمام على عليه السلام، كنز العمال: ج ٥ ص ٣٠٧ ح ١٢٩٦٥.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به مؤمن، درد طولانی و رنج و بیماری و اندوهی نمی رسد و حتی اندیشناک چیزی نمی شود، مگر این که به خاطر آن، از بدی های او چشم پوشی می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به مسلمان، رنج و درد طولانی و غم و اندوه و آزار و غصه ای نمی رسد، حتی خاری به تنش فرو نمی رود، مگر این که خداوند به خاطر آنها، گناهان او را پاک می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا خداوند، بنده اش را به بلا- و اندوه گرفتار می سازد تا او را همانند نقره خالص، از گناهش بیرون آورد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا درد و داغی تب (تب استخوان)، پیوسته با مؤمن اند و گناه او، همچون [کوه] اُحد است. اگر حتی هموزن دانه ای خردل، گناه [نبخشیده] داشته باشد، [آنها] او را رها نمی کنند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در دنیا گناهی مرتکب شود و کیفر آن را ببیند، خداوند، دادگتر از آن است که کیفرش را درباره [آن] بنده اش تکرار کند؛ و هر کس در دنیا گناهی مرتکب شود و خداوند آن را ببوشاند، خداوند، گرامی تر از آن است که به چیزی باز گردد که از آن، گذشته است.

صحيح ابن حبان عن عائشه: إِنَّ رَجُلًا تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَى بِهِ» فَقَالَ: إِنَّا لَنَجْزِي بِكُلِّ مَا عَمَلْنَا؟! هَلَكْنَا إِذَا! فَبَلَغَ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: نَعَمْ، يُجْزَى بِهِ فِي الدُّنْيَا مِنْ مُصِيبَةٍ فِي جَسَدِهِ مِمَّا يُؤْذِيهِ. (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله: شَكَى نَبِيٌّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ إِلَى رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ: يَا رَبِّ يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ عِبِيدِكَ يُؤْمِنُ بِكَ وَيَعْمَلُ بِطَاعَتِكَ، فَتَزْوَى (٢) عَنْهُ الدُّنْيَا، وَتَعْرِضُ لَهُ الْبَلَاءَ، وَيَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ عِبِيدِكَ يَكْفُرُ بِكَ وَيَعْمَلُ بِمَعَاصِيكَ، فَتَزْوَى عَنْهُ الْبَلَاءُ وَتَعْرِضُ لَهُ الدُّنْيَا. فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ: أَنْ الْبِلَادَ وَالْعِبَادَ لِي، وَأَنْتَ لَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَيِّبُنِي وَيُهْلِكُنِي وَيُكَبِّرُنِي، وَأَمَّا عَبْدِي الْمُؤْمِنُ فَلَهُ سَيِّئَاتٌ فَازْوَى عَنْهُ الدُّنْيَا، وَأَعْرِضْ لَهُ الْبَلَاءَ حَتَّى يَأْتِيَنِي فَأَجْزِيَهُ بِحَسَنَاتِهِ، وَأَمَّا عَبْدِي الْكَافِرُ فَلَهُ حَسَنَاتٌ فَازْوَى عَنْهُ الْبَلَاءَ، وَأَعْرِضْ لَهُ الدُّنْيَا حَتَّى يَأْتِيَنِي فَأَجْزِيَهُ بِسَيِّئَاتِهِ. (٣)

الموطأ عن يحيى بن سعيد: إِنَّ رَجُلًا جَاءَهُ الْمَوْتُ فِي زَمَانِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ رَجُلٌ: هَنِينًا لَهُ، مَاتَ وَلَمْ يُبْتَلْ بِمَرَضٍ! فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَيَحْكُكُ، وَمَا يُدْرِيكَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ ابْتَلَاهُ بِمَرَضٍ يُكْفِرُ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِهِ. (٤)

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا يَزَالُ الْبَلَاءُ بِالْمُؤْمِنِ وَالْمُؤْمِنَةِ فِي نَفْسِهِ وَوَلَدِهِ وَمَالِهِ، حَتَّى يَلْقَى اللَّهَ وَمَا عَلَيْهِ خَطِيئَةٌ. (٥)

١- صحيح ابن حبان: ج ٧ ص ١٨٦ ح ٢٩٢٣، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٣٣٤ ح ٢٤٤٢٢، مسند أبي يعلى: ج ٤ ص ٣٥٥ ح ٤٦٥٦ كلاهما نحوه.

٢- زُوِيَ عَنِّي: أَي صَرَفْتَهُ عَنِّي (النهاية: ج ٢ ص ٣٢٠ «زوى»).

٣- المعجم الكبير: ج ١٢ ص ١١٧ ح ١٢٧٣٥، حليه الأولياء: ج ٨ ص ١٢٣ كلاهما عن ابن عباس، كنز العمال: ج ٣ ص ٧٥٥ ح ٨٦٦٢.

٤- الموطأ: ج ٢ ص ٩٤٢ ح ٨.

٥- سنن الترمذی: ج ٤ ص ٦٠٢ ح ٢٣٩٩، الأدب المفرد: ص ١٥١ ح ٤٩٤ وفيه «جسده وأهله» بدل «نفسه وولده»، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ١٣٤ ح ٧٨٦٤، صحيح ابن حبان: ج ٧ ص ١٧٦ ح ٢٩٢٤ وفيهما «جسده» بدل «نفسه» وكلها عن أبي هريره، كنز العمال: ج ٣ ص ٣٢٦ ح ٦٧٧٧؛ مسكن الفؤاد: ص ٣١، جامع الأخبار: ص ٣١٠ ح ٨٥٦ عن أبي هريره وفيه «جسده» بدل «نفسه».

صحیح ابن حبان به نقل از عایشه: مردی این آیه را تلاوت کرد: «هر کس بدی کند، در برابر آن، کیفر می بیند» و گفت: آیا ما در برابر هر کاری که انجام داده ایم، مجازات می شویم؟ در این صورت که هلاک شده ایم! این سخن به پیامبر خدا رسید. فرمود: «آری؛ [به همین خاطر،] در دنیا، با گزند می رسد و او را آزار می دهد، کیفر می شود».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یکی از پیامبران به پروردگارش شکوه نمود و گفت: پروردگارا! بنده ای از بندگانت به تو ایمان می آورد و طبق فرمان تو عمل می کند و تو، دنیا را از او باز می داری و او را در معرض بلا قرار می دهی. بنده ای از بندگانت نیز به تو کفر می ورزد و تو را نافرمانی می کند و تو، بلا را از او باز می داری و دنیا را به او عرضه می کنی! خداوند عز و جل به او وحی فرمود: «سرزمین ها و بندگان، از آن من اند، و هیچ چیزی نیست، جز این که مرا تسبیح و تهلیل و تکبیر می گوید. اما بنده مؤمنم، گناهانی دارد و من دنیا را از او باز می دارم و او را در معرض بلا قرار می دهم تا این که [روز قیامت،] نزد من بیاید و پاداش نیکی هایش را بدهم. و اما بنده کافر نیز، نیکی هایی دارد و من بلا را از او باز می دارم و دنیا را بدو عرضه می کنم تا نزد من بیاید و کیفر گناهانش را بدهم».

الموطأ به نقل از یحیی بن سعید: مردی در زمان پیامبر خدا مُرد. کسی درباره او گفت: گوارایش باد! او مُرد، در حالی که به مرضی مبتلا نشد. آن گاه پیامبر خدا فرمود: «وای بر تو! تو چه می دانی؟ چنانچه خداوند عز و جل او را به مرضی مبتلا می کرد، گناهانش را با آن، پاک می نمود».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بلا، پیوسته برای مرد یا زن مؤمن و [نیز] فرزند و دارایی او هست تا خداوند را در حالی دیدار نماید که گناهی ندارد.

عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّمَا مَثَلُ الْعَبْدِ الْمُؤْمِنِ حِينَ يُصِيبُهُ الْوَعَكُ أَوْ الْحُمَى ، كَمَثَلِ حَدِيدِهِ تَدْخُلُ النَّارَ فَيَذْهَبُ حَبْثُهَا وَيَبْقَى طَيِّبًا . (١)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِنْ مُصِيبَةٍ تُصِيبُ الْمُسْلِمَ إِلَّا كَفَّرَ اللَّهُ بِهَا عَنْهُ ، حَتَّى الشَّوْكَهَ يُشَاكُهَا . (٢)

الإمام الحسين عليه السلام :عادَ أميرُ المؤمنينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ فَقَالَ : يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، كَيْفَ أَصْبَحْتَ مِنْ عِلَّتِكَ ؟ فَقَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، أَحَمَدُ اللَّهُ كَثِيرًا ، وَأَشْكَو إِلَيْكَ كَثْرَةَ الضَّجْرِ . قَالَ : فَلَا تَضْجُرْ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، فَمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ شِيعَتِنَا يُصِيبُهُ وَجَعٌ إِلَّا بَدَنِبٍ قَدْ سَبَقَ مِنْهُ ، وَذَلِكَ الْوَجَعُ تَطْهِيرٌ لَهُ . قَالَ سَلْمَانُ : فَإِنْ كَانَ الْأَمْرُ عَلَيَّ مَا ذَكَرْتَ وَهُوَ كَمَا ذَكَرْتَ فَلَيْسَ لَنَا فِي شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ أَجْرٌ خَلَا التَّطْهِيرَ ! قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا سَلْمَانُ ، إِنَّ لَكُمْ الْأَجْرَ بِالصَّبْرِ عَلَيْهِ وَالتَّضَرُّعِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ اسْمُهُ ، وَالدُّعَاءِ لَهُ ، بِهِمَا يُكْتَبُ لَكُمْ الْحَسَنَاتُ وَيُرْفَعُ لَكُمْ الدَّرَجَاتُ ، وَأَمَّا الْوَجَعُ فَهُوَ خَاصَّةٌ تَطْهِيرٌ وَكَفَّارَةٌ . (٣)

١- .المستدرک علی الصحیحین : ج ١ ص ٤٩٩ ح ١٢٨٨ و ص ١٤٥ ح ٢٤٦ وفيه «الرعد» بدل «الوعك» ، السنن الكبرى : ج ٣ ص ٥٢٤ ح ٦٥٤٤ ، تاريخ دمشق : ج ٣٤ ص ١٨٥ ح ٦٩٧٠ كلها عن عبد الرحمن بن أزهر ، كنز العمال : ج ٣ ص ٣٢٠ ح ٦٧٤٨ .

٢- .صحیح البخاری : ج ٥ ص ٢١٣٧ ح ٥٣١٧ ، صحیح مسلم : ج ٤ ص ١٩٩٢ ح ٤٩ ، مسند ابن حنبل : ج ٩ ص ٣٧٤ ح ٢٤٦٢٧ ، السنن الكبرى : ج ٣ ص ٥٢٣ ح ٦٥٣٧ كلها عن عائشه ، كنز العمال : ج ٣ ص ٣٢٩ ح ٦٧٩٤ .

٣- .طب الأئمة لابن بسطام : ص ١٥ عن محمد بن سنان عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٨١ ص ١٨٥ ح ٣٩ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا مَثَل بنده مؤمن، زمانی که درد یا تب به او می رسد، همانند آهن است که در آتش، داخل می شود تا ناخالصی اش زدوده شود و خالص گردد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مصیبتی به مسلمان نمی رسد، جز این که خداوند به خاطر آن، از او در می گذرد، حتی خاری که در تنش فرو می رود.

امام حسین علیه السلام: امیر مؤمنان، علی بن ابی طالب علیه السلام، از سلمان فارسی عیادت کرد و فرمود: «ای ابو عبد الله! با بیماری ات چه طوری؟». گفت: ای امیر مؤمنان! خدا را بسیار می ستایم و از شدت ناراحتی، به تو شکوه می کنم. فرمود: «ای ابو عبد الله! ناراحت نباش. به هیچ یک از شیعیان ما دردی نمی رسد، جز به خاطر گناهی که در گذشته از او سر زده است و این درد، برای او پاک کننده است». سلمان گفت: اگر چنین است که فرمودی و البته چنین است که فرمودی، ما از بابت آن، جز پاکی [از گناه]، پاداش دیگری نداریم. علی علیه السلام فرمود: «ای سلمان! همانا به خاطر صبر بر آن و زاری به سوی خداوند گرامی نام و دعا در درگاه او، پاداش دارید. به خاطر آن دو (صبر و دعا)، پاداش های نیک برای شما نوشته می شود و درجاتتان بالا می رود؛ اما درد، به خودی خود، پاک کردن [از گناه] است و کفاره محسوب می شود».

الإمام عليّ عليه السلام: الحمد لله الذي جعلَ تمحيصَ ذنوبِ شيعتنا في الدنيا بِمَحْنِهِمْ ، لِتَسَلَّمَ لَهُمْ (١) طَاعَاتُهُمْ وَيَسْتَحِقُّوا عَلَيْهَا ثَوَابَهَا . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: لله في السَّراءِ نِعْمَةٌ التَّفَضُّلِ ، وفي الضَّرَّاءِ نِعْمَةٌ التَّطَهُّرِ . (٣)

عنه عليه السلام: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لِيَهْوُلَ عَلَيْهِ فِي نَوْمِهِ فَيَغْفِرُ لَهُ ذُنُوبَهُ ، وَإِنَّهُ لِيَمْتَهَنُ فِي بَدَنِهِ فَيَغْفِرُ لَهُ ذُنُوبَهُ . (٤)

كنز الفوائد عن يونس بن يعقوب: سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ كُلُّ بَدَنِ لَا يُصَابُ فِي كُلِّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا ، فَقُلْتُ: مَلْعُونٌ؟! قَالَ: مَلْعُونٌ ، فَلَمَّا رَأَى عِظَمَ ذَلِكَ عَلَيَّ قَالَ: يَا يُونُسُ ، إِنَّ مِنَ الْبِلْيَةِ الْخَدِشَةَ ، وَاللُّطْمَةَ ، وَالْعَثْرَةَ ، وَالنَّكْبَةَ (٥) ، وَالْفَفْزَةَ (٦) ، وَانْقِطَاعَ الشُّسْعِ وَأَشْبَاهَ ذَلِكَ . يَا يُونُسُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ أَنْ يَمُرَّ عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ يَوْمًا لَا يُمَحَّصُ فِيهَا مِنْ ذُنُوبِهِ ، وَلَوْ بَعَثَ يُصَيِّبُهُ لَا يَدْرِي مَا وَجْهُهُ ، وَإِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَضَعُ الدَّرَاهِمَ بَيْنَ يَدَيْهِ فَيَرَاهَا فَيَجِدُهَا نَاقِصَةً فَيَغْتَمُّ بِذَلِكَ ، فَيَجِدُهَا سَوَاءً فَيَكُونُ ذَلِكَ حَطًّا لِبَعْضِ ذُنُوبِهِ . (٧)

١- في بحار الأنوار: «بها» بدل «لهم».

٢- التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص ٢٣ ، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٢٣٢ ح ٤٨ .

٣- تحف العقول: ص ٣٦١ ، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٤٣ ح ٤٤ .

٤- الكافي: ج ٢ ص ٤٤٥ ح ٤ ، الأمل للصدوق: ص ٥٨٩ ح ٨١٥ كلاهما عن أبان بن تغلب ، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ١٧٧

ح ٦ .

٥- نَكَبَتِ الْحِجَارَةُ رِجْلَهُ: لَثَمَتْهَا وَأَذَمَتْهَا (المعجم الوسيط: ج ٢ ص ٩٥٠ «نكب»).

٦- في المصدر: «الفقر» وهو تصحيف ظاهر والتصويب من نسخه بحار الأنوار .

٧- كنز الفوائد: ج ١ ص ١٤٩ ، التمهيص: ص ٣١ ح ٧ ، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٣٥٤ ح ٢١ .

امام علی علیه السلام: ستایش، از آنِ خدایی است که پاکی گناهان شیعیان ما را در دنیا، در گرفتاری هایشان قرار داد تا عبادت هایشان سالم بماند و سزاوار دریافت پاداش آنها گردند.

امام صادق علیه السلام: نعمتِ خداوند در هنگامه آسایش، احسان [او] و در هنگامه سختی، پاک کردن [گناهان] است.

امام صادق علیه السلام: مؤمن که در خواب می ترسد، گناهانش آمرزیده می شوند، و [نیز] رنجی که در بدنش پیدا می شود، گناهانش آمرزیده می گردند.

کنز الفوائد به نقل از یونس بن یعقوب: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «ملعون است، ملعون است بدن من که در طول چهل روز، گزندِ بدان نرسد». گفتم: ملعون است؟ فرمود: «ملعون است» و وقتی دید که این سخن بر من گران آمده، فرمود: «ای یونس! از جمله بلاها، خراش برداشتن، آسیب دیدن، لغزیدن، به سنگ خوردن پا، [از ترس] جستن، پاره شدن بند کفش و نظایر اینهاست. ای یونس! مؤمن در نزد خداوند، گرامی تر از آن است که چهل روز بر او بگذرد، ولی از گناهانش پاک نگردد، هر چند با اندوهی که به او می رسد و دلیل آن را هم نمی داند. همانا یکی از شما درهم هایی را در دستانش می گیرد و نگاه می کند و می بیند که کم شده و به خاطر آن، غمگین می شود. آن گاه می بیند که [کم نشده و] درست است. همین، مایه ریزش بعضی از گناهان او می گردد».

الإمام الباقر عليه السلام: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ «مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ» قَالَ بَعْضُ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا أَشَدَّهَا مِنْ آيَةٍ. فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَمَا تُبْتَلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَذَرَارِيِّكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى. قَالَ: هَذَا مِمَّا يَكْتُبُ اللَّهُ لَكُمْ بِهِ الْحَسَنَاتِ وَيَمْحُو بِهِ السَّيِّئَاتِ. (١)

عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا كَانَ مِنْ أَمْرِهِ أَنْ يُكْرِمَ عَبْدًا وَلَهُ ذَنْبٌ ابْتِلَاؤُهُ بِالسُّقْمِ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ لَهُ ابْتِلَاؤُهُ بِالْحَاجَةِ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ بِهِ ذَلِكَ شَدَّدَ عَلَيْهِ الْمَوْتَ لِيُكَافِيَهُ بِذَلِكَ الذَّنْبِ. قَالَ: وَإِذَا كَانَ مِنْ أَمْرِهِ أَنْ يُهَيِّنَ عَبْدًا وَلَهُ عِنْدَهُ حَسَنَةٌ صَحَّحَ بَدَنَهُ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ بِهِ ذَلِكَ وَسَّعَ عَلَيْهِ فِي رِزْقِهِ، فَإِنْ هُوَ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ بِهِ هَوَّنَ عَلَيْهِ الْمَوْتَ لِيُكَافِيَهُ بِتِلْكَ الْحَسَنَةِ. (٢)

تفسير القمى عن الأصمغ بن نباته عن الإمام على عليه السلام، قال: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: إِنِّي أُحَدِّثُكُمْ بِحَدِيثٍ يَتَّبَعِي لِكُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَعِيَهُ. ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْنَا فَقَالَ: مَا عَاقَبَ اللَّهُ عَبْدًا مُؤْمِنًا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا إِلَّا كَانَ اللَّهُ أَحْلَمَ وَأَمْجَدَ وَأَجْوَدَ مِنْ أَنْ يَعُودَ فِي عِقَابِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَا سَتَرَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ مُؤْمِنٍ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا وَعَفَا عَنْهُ إِلَّا كَانَ اللَّهُ أَمْجَدَ وَأَجْوَدَ وَأَكْرَمَ مِنْ أَنْ يَعُودَ فِي عِقَابِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَقَدْ يَتَّبَلَى اللَّهُ الْمُؤْمِنَ بِالْبَلِيَّةِ فِي بَدَنِهِ أَوْ مَالِهِ أَوْ وَلَدِهِ أَوْ أَهْلِهِ، ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ...» (٣)

١- تفسير العياشى: ج ١ ص ٢٧٧ ح ٢٧٨، تفسير نور الثقلين: ج ١ ص ٥٥٣ ح ٥٧٦ كلاهما عن محمد بن مسلم.

٢- الكافى: ج ٢ ص ٤٤٤ ح ١، التمهيد: ص ٣٨ ح ٣٥ كلاهما عن حمزان بن أعين، مشكاة الأنوار: ص ٢٧٤ ح ٨٢٠، المؤمن: ص ١٨ ح ١١، أعلام الدين: ص ٤٣٣ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ١٩٨ ح ٥٤.

٣- تفسير القمى: ج ٢ ص ٢٧٦، تحف العقول: ص ٢١٣ وفيه «عفوه» بدل «عقوبته»، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ١٧٩ ح ٢٥.

امام باقر علیه السلام: وقتی این آیه نازل شد: «هر کس بدی کند، در برابر آن، کیفر می بیند»، بعضی از اصحاب پیامبر خدا گفتند: آیه ای از این، سخت تر نیست. پیامبر خدا به آنان فرمود: «آیا در کارِ دارایی هایتان و خودتان و فرزندانان گرفتار نشده اید؟». گفتند: چرا. فرمود: «خدا به خاطر همان، برای شما نیکی ها می نویسد و با آن، گناهان را محو می کند».

امام باقر علیه السلام: خداوند عز و جل هر گاه بخواهد بنده ای را که گناهی کرده است، اکرام نماید، او را به بیماری مبتلا می کند، و اگر چنین نکند، او را به نیازمندی مبتلا می سازد، و اگر چنین نکند، مرگ را بر او سخت می گیرد تا بدین وسیله، آن گناه را جبران نماید. خداوند، هر گاه بخواهد بر بنده نیکوکارش آسان بگیرد، بدنش را سالم می گرداند، و اگر چنین نکند، روزی او را فراوان می کند، و اگر چنین نکند، مرگ را بر او آسان می گیرد تا بدین وسیله، نیکی را جبران نماید.

تفسیر القمّی به نقل از اصیغ بن نباته: از او (امام علی علیه السلام) شنیدم که می فرمود: «من به شما سخنی می گویم که شایسته است هر مسلمانی، آن را به خاطر بسپارد». سپس رو به ما کرد و فرمود: «خداوند در این دنیا بنده مؤمنی را کیفر نمی دهد، جز این که بردبارتر و بزرگ تر و بخشنده تر از آن است که در روز رستاخیز، او را دوباره کیفر نماید و [نیز] خداوند در این دنیا، [گناه] بنده مؤمنی را نمی پوشاند و از آن در نمی گذرد، جز این که بزرگ تر و نیکوتر و گرامی تر از آن است که در روز رستاخیز، او را دوباره کیفر دهد». سپس فرمود: «گاهی خداوند، مؤمن را به گرفتاریِ بدنی یا مالی یا گرفتاری ای در فرزند یا خانواده اش مبتلا می سازد» و سپس این آیه را تلاوت فرمود: «و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد، دستاورد خود شماست و البته [خداوند] از بسیاری در می گذرد».

رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا كثرت ذنوب العبد ولم يكن له ما يكفرها من العمل، ابتلاه الله عز وجل بالحزن ليكفرها عنه. (١)

٢ / ٥ التكاثر للأبياء والأولياء رسول الله صلى الله عليه وآله: إن البلاء... للأبياء درجة، وللأولياء كرامته. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: سئل رسول الله صلى الله عليه وآله: من أشد الناس بلاء في الدنيا؟ فقال: النبيون ثم الأمثل فالأمثل، ويبتلى المؤمن بعد علي قدر إيمانه وحسن أعماله، فمن صح إيمانه وحسن عمله اشتد بلاؤه، ومن سخط إيمانه وضعف عمله قل بلاؤه. (٣)

الإمام الباقر عليه السلام: إن الله تبارك وتعالى إذا أحب عبدا غتته (٤) بالبلاء غتا. (٥)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إن الله أشد حمية للمؤمن من الدنيا من المريض أهله من الطعام، والله عز وجل أشد تعاهدا للمؤمن بالبلاء من الوالد لولده بالخير. (٦)

١- مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٥٠٠ ح ٢٥٢٩١، تاريخ بغداد: ج ٦ ص ٨٨ الرقم ٣١٢٢ نحوه، تاريخ أصبهان: ج ٢ ص ١٥٩ الرقم ١٣٥٠ كلها عن عائشه، كنز العمال: ج ٣ ص ٣٢٨ ح ٦٧٨٧؛ الكافي: ج ٢ ص ٤٤٤ ح ٢، الأمل للمفيد: ص ٢٤ ح ٧ كلاهما عن الحكم بن عتيبه عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، مشكاة الأنوار: ص ٤٨٩ ح ١٦٣١، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٥٧ ح ٣.

٢- جامع الأخبار: ص ٣١٠ ح ٨٥٢، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٢٣٥ ح ٥٤.

٣- الكافي: ج ٢ ص ٢٥٢ ح ٢، مسكن الفؤاد: ص ١١٣ كلاهما عن عبد الرحمن بن الحجاج، علل الشرايع: ص ٤٤ ح ١ وفيه «إن في كتاب علي عليه السلام» بدل «سئل رسول الله صلى الله عليه وآله»، تحف العقول: ص ٣٩ من دون إسناد إلى الإمام الصادق عليه السلام وكلاهما نحوه، مشكاة الأنوار: ص ٥٠٦ ح ١٦٩٨، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٢٠٧ ح ٦.

٤- الغت: الغت (النهاية: ج ٣ ص ٣٤٢ «غت»).

٥- الكافي: ج ٢ ص ٢٥٣ ح ٧ عن حماد عن أبيه وح ٦، مسكن الفؤاد: ص ١١٣ كلاهما عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عليه السلام، المؤمن: ص ٢٥ ح ٤٠ عن أبي حمزة عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «غته بالبلاء غتا» بدل «غته بالبلاء غتا»، عدّه الداعي: ص ٢٤٠ عن أبي الصباح عن الإمام الصادق عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص ٥١٣ ح ١٧٢٠، التمهيد: ص ٣٤ ح ٢٥ عن سدير، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٢٠٨ ح ١٠.

٦- المعجم الكبير: ج ٣ ص ١٦٣ ح ٣٠٠٤، حليه الأولياء: ج ١ ص ٢٧٧، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٣٢٢ ح ١٠٤٥٢، تاريخ دمشق: ج ١٢ ص ٢٨٨ ح ٢٩٥٩ كلاهما نحوه وكلها عن حذيفة، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٠٠ ح ٦١٦٤؛ تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٨٦ عن حذيفة نحوه.

۲ / ۵ تکاملِ انبیا و اولیا

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه گناهان بنده بسیار شدند و او دارای عملی نبود که آنها را پاک کند، خداوند عز و جل او را به اندوه، گرفتار می سازد تا گناهان او را پاک گرداند.

۲ / ۵ تکاملِ انبیا و اولیا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بلا ... برای پیامبران، درجه و برای دوستان خدا، کرامت است.

امام صادق علیه السلام: از پیامبر خدا پرسیدند: گرفتارترین مردم در دنیا کیان اند؟ فرمود: «پیامبران، سپس برترین های پس از آنان و [سپس] برترین های پس از آنها. مؤمن به اندازه ایمان و نیکی عمل هایش، گرفتار می گردد. پس هر کس ایمانش کامل و عملش نیکو باشد، گرفتاری اش بیشتر، و هر کس ایمانش ناقص و عملش اندک باشد، گرفتاری اش کمتر خواهد بود».

امام باقر علیه السلام: خداوند تبارک و تعالی هر گاه بنده ای را دوست بدارد، او را در بلا فرو می برد.

عنه صلى الله عليه و آله: ما ضُربَ من مؤمنٍ عِرْقٌ إلَّا حَطَّ اللهُ عنه بهِ حَطيئتهُ ، وَكُتِبَ لَهُ بِهِ حَسَنَةٌ ، وَرَفَعَ لَهُ بِهِ دَرَجَةٌ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ الرَّجُلَ لَتَكُونُ لَهُ دَرَجَةٌ رَفِيعَةٌ مِنَ الْجَنَّةِ لَا يَنَالُهَا إِلَّا بِشَيْءٍ مِنَ الْبَلَايَا تُصِيبُهُ ، حَتَّى يَنْزِلَ بِهِ الْمَوْتُ وَمَا بَلَغَ تِلْكَ الدَّرَجَةَ ، فَيَشَدُّ عَلَيْهَا حَتَّى يَبْلُغَهَا . (٢)

عُمِدَةُ الدَّاعِي : عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مَنَازِلَ لَا يَنَالُهَا الْعِبَادُ بِأَعْمَالِهِمْ ، لَيْسَ لَهَا عِلَاقَةٌ مِنْ فَوْقِهَا وَلَا عِمَادٌ مِنْ تَحْتِهَا . قِيلَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، مَنْ أَهْلُهَا ؟ فَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : هُمْ أَهْلُ الْبَلَايَا وَالْهُمُومِ . (٣)

رسول الله صلى الله عليه و آله : إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَيَكْتُبُ لِلْعَبْدِ الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا (٤) فِي الْجَنَّةِ ، فَلَا يَبْلُغُهَا عَمَلُهُ ، فَلَا يَزَالُ يُتَعَهَّدُ بِالْبَلَاءِ حَتَّى يَبْلُغَهَا . (٥)

مسند ابن حنبل عن عبد الرحمن بن شيبه : إِنَّ عَائِشَةَ أَخْبَرَتْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ طَرَفَهُ وَجَعٌ ، فَجَعَلَ يَشْتَكِي وَيَتَقَلَّبُ عَلَى فِرَاشِهِ . فَقَالَتْ عَائِشَةُ : لَوْ صَنَعَ هَذَا بَعْضُنَا لَوَجَدْتِ (٦) عَلَيْهِ . فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ الصَّالِحِينَ يُشَدَّدُ عَلَيْهِمْ ، وَإِنَّهُ لَا يُصِيبُ مُؤْمِنًا نَكْبَةً مِنْ شَوْكِهِ فَمَا فَوْقَ ذَلِكَ إِلَّا حُطَّتْ بِهِ عَنْهُ حَطيئتهُ ، وَرُفِعَ بِهَا دَرَجَةٌ . (٧)

١- المستدرک علی الصحیحین : ج ١ ص ٤٩٨ ح ١٢٨٤ ، المعجم الأوسط : ج ٣ ص ٥٧ ح ٢٤٦٠ ، شعب الإيمان : ج ٧ ص ١٦٥ ح ٩٨٦٠ ، فتح الباری : ج ١٠ ص ١٠٥ ، الفردوس : ج ٤ ص ٦٤ ح ٦٢٠١ کلها عن عائشه ، کنز العمال : ج ٣ ص ٣٠٦ ح ٦٦٧٥ .

٢- مسند زید : ص ٤١٠ عن الإمام زین العابدین عن آبائه علیهم السلام ، دعائم الإسلام : ج ١ ص ٢٢٠ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٨٢ ص ١٦٧ ح ٣ .

٣- عدّه الداعی : ص ٢٤٠ ، أعلام الدین : ص ٢٧٧ ، بحار الأنوار : ج ٨١ ص ١٩٤ ح ٥٠ .

٤- .. فی المصدر : «درجه العليا» ، والصواب ما أثبتناه كما فی مشکاه الأنوار .

٥- روضه الواعظین : ص ٤٦٣ ، مشکاه الأنوار : ص ٥١٧ ح ١٧٣٨ و ليس فيه «للعبد» وفيه «عبد» بدل «عمله» .

٦- وَجَدَ عَلَيْهِ : غَضِبَ (تاج العروس : ج ٥ ص ٢٩٤ «وجد»).

٧- مسند ابن حنبل : ج ٩ ص ٥٠٥ ح ٢٥٣١٩ ، صحيح ابن حبان : ج ٧ ص ١٨٢ ح ٢٩١٩ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ١ ص ٤٩٦ ح ١٢٧٨ ، شعب الإيمان : ج ٧ ص ٢٥٣ ح ١٠٢١٠ ، مسند الشاميين : ج ٤ ص ٩٢ ح ٢٨٢٠ ، کنز العمال : ج ٣ ص ٣٣٠ ح ٦٧٩٥ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بیش از آنچه خانواده بیمار، او را از غذاها [ی زیانبار] پرهیز می دهند، خداوند متعال، مؤمن را از [آلودگی] به دنیا پرهیز می دهد. همچنین نوازش خداوند عز و جل، به مؤمن با گرفتار کردن، از نوازش پدر به فرزندش با خیر است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: رگی از مؤمن نمی زند، جز این که خداوند در برابر آن، گناهی را از او می ریزد و برایش ثوابی می نویسد و او را درجه ای بالا می برد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انسان [، گناه]، درجه عالی ای در بهشت دارد که جز در سایه برخی از گرفتاری هایی که به او می رسد، بدان نایل نمی شود. چنانچه مرگ او فرا رسد و او به آن درجه نرسیده باشد، مرگ، چنان بر او سخت گرفته می شود تا به آن درجه دست یابد.

عُمَدَةُ الدَّاعِي: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در بهشت، جایگاه هایی هست که بندگان با عمل هایشان بدانها نمی رسند. آن جایگاه ها، آویزی [نگه دارنده] از بالا و پایه ای از پایین ندارند». گفته شد: ای پیامبر خدا! صاحبان آن منازل، کیان اند؟ فرمود: «آنان، گرفتاران و اندوهناکان اند».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای متعال برای بنده در بهشت درجه ای بلند مقرر کرده که عمل او به آن نمی رسد. پس پیوسته گرفتار بلا می شود تا بدان برسد.

مسند ابن حنبل به نقل از عبد الرحمان بن شیبه: عایشه [به من] خبر داد که دردمندی، در خانه پیامبر خدا را کوبید و شروع کرد به شِکوه کردن و به خود پیچیدن. عایشه [به پیامبر صلی الله علیه و آله] گفت: اگر بعضی از ما این کار را می کرد، بر او خشم می گرفتی. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بر نیکوکاران، سخت گرفته می شود و به مؤمن، هیچ آسیبی (از رفتن خار در تنش گرفته تا بالاتر از آن) نمی رسد، جز این که با آن، گناهی از او ریخته می شود و با آن، یک درجه بالا می رود».

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الرَّجُلَ تَكُونُ لَهُ الْمَنْزِلَةُ عِنْدَ اللَّهِ فَمَا يُبْلَغُهَا بِعَمَلٍ ، فَلَا يَزَالُ يَبْتَلِيهِ بِمَا يَكْرَهُ حَتَّى يُبْلَغَهُ ذَلِكَ .
(١)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا سَبَقَتْ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَنْزِلَةٌ لَمْ يُبْلَغْهَا بِعَمَلِهِ ابْتِلَاءُ اللَّهِ فِي جَسَدِهِ ، أَوْ فِي مَالِهِ ، أَوْ فِي وَدَيْهِ ، ثُمَّ صَبَّرَهُ عَلَى ذَلِكَ حَتَّى يُبْلَغَهُ الْمَنْزِلَةَ الَّتِي سَبَقَتْ لَهُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يُصَيَّبُ صَيْدًا فِي رَأْسِهِ أَوْ شَوْكَةً فَتُؤْذِيهِ أَوْ مَا سِوَى ذَلِكَ مِنَ الْأَذَى ، إِلَّا رَفَعَهُ اللَّهُ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ دَرَجَةً ، أَوْ كَفَّرَ عَنْهُ بِهَا خَطِيئَةً . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا تَكُونُ مُؤْمِنًا حَتَّى تَعِيدَ الْبَلَاءَ نِعْمَةً وَالرِّخَاءَ مِحْنَةً ؛ لِأَنَّ بَلَاءَ الدُّنْيَا نِعْمَةٌ فِي الْآخِرَةِ ، وَرِخَاءَ الدُّنْيَا مِحْنَةٌ فِي الْآخِرَةِ . (٤)

١- المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٤٩٥ ح ١٢٧٤ ، صحیح ابن حبان: ج ٧ ص ١٦٩ ح ٢٩٠٨ ، مسند أبی یعلی: ج ٥ ص ٤٠٣ ح ٦٠٦٩ نحوه وکلها عن أبی هریره ؛ کنز العمال: ج ٣ ص ٣٢٧ ح ٦٧٨٦ ؛ الدعوات: ج ١٧٢ ص ٤٨٣ نحوه ، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ١٧٤ ح ١١ .

٢- سنن أبی داوود: ج ٣ ص ١٨٣ ح ٣٠٩٠ عن مهدي السلمی عن أبيه ، السنن الكبرى: ج ٣ ص ٥٢٤ ح ٦٥٤٥ عن إبراهيم السلمی عن أبيه عن جدّه ، مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٣١٥ ح ٢٢٤٠١ ، مسند أبی یعلی: ج ١ ص ٤٣٠ ح ٩١٩ ، الطبقات الكبرى: ج ٧ ص ٤٧٧ والثلاثة الأخيره عن خالد السلمی عن أبيه نحوه ، کنز العمال: ج ٣ ص ٣٠٧ ح ٦٦٨٣ ؛ مشکاه الأنوار: ص ٢٢٧ ح ٦٣٢ عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه .

٣- مسند الشاميين: ج ٢ ص ٢٢١ ح ١٢٢٣ ، حليه الأولياء: ج ٦ ص ٨٥ ، تاريخ دمشق: ج ١١ ص ٤٧٢ ح ٢٨٧٤ کلها عن أبی سعيد الخدری ، کنز العمال: ج ٣ ص ٣٣٩ ح ٦٨٣٨ .

٤- جامع الأخبار: ص ٣١٣ ح ٨٧٢ ، بحار الأنوار: ج ٦٠ ص ٢٣٧ ح ٥٤ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مرد در نزد خداوند، جایگاهی دارد که با هیچ عملی بدان نمی رسد. پس [خداوند] پیوسته وی را با چیزی که نمی پسندد، گرفتار می سازد تا او را به آن جایگاه برساند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: وقتی از جانب خداوند، برای بنده جایگاهی از پیش تعیین شده است که با عملش بدان نمی رسد، خداوند، او را در تن یا دارایی یا فرزندش گرفتار می کند. سپس او را بر آن، شکیب می سازد تا وی را به آن جایگاهی که پیشاپیش برایش مقرر داشته، برساند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به هیچ مؤمنی، دردی در سر، یا خاری در تن که او را بیازارد، یا غیر از این اذیت ها نمی رسد، مگر این که در روز رستاخیز، خداوند، مقام او را درجه ای بالا می برد، یا با آن، گناهی را از او پاک می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن [راستین] نخواهی بود، مگر این که گرفتاری را نعمت، و آسایش را رنج بشماری؛ زیرا گرفتاری دنیا در آخرت، نعمت است، و آسایش دنیا در آخرت، رنج است.

عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا أَرَادَ بِقَوْمٍ خَيْرًا ابْتَلَاهُمْ . (١)

الطبقات الكبرى عن أبي فاطمه : كُنْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَالِسًا ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَصِحَّ وَلَا يَسْقُمْ ؟ قُلْنَا : نَحْنُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَهْ ! وَعَرَفْنَا فِي وَجْهِهِ . فَقَالَ : أَتُحِبُّونَ أَنْ تَكُونُوا كَالْحَمِيرِ الصَّيَالِهِ ؟ (٢) قَالَ : قَالُوا : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، لَا . قَالَ : أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ تَكُونُوا أَصْحَابَ بَلَاءٍ وَأَصْحَابَ كَفَّارَاتٍ ؟ قَالُوا : بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ . قَالَ : فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : فَوَاللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَيَبْتَلِي الْمُؤْمِنَ وَمَا يَبْتَلِيهِ إِلَّا لِكِرَامَتِهِ عَلَيْهِ ، وَإِنَّ لَهُ عِنْدَهُ مَنَزَلَهُ مَا يَبْلُغُهَا شَيْءٌ مِنْ عَمَلِهِ دُونَ أَنْ يَنْزَلَ بِهِ مِنَ الْبَلَاءِ مَا يَبْلُغُ بِهِ تِلْكَ الْمَنَزَلَةَ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مَنَزَلَةً لَا يَبْلُغُهَا عَبْدٌ إِلَّا بِالْإِبْتِلَاءِ فِي جَسَدِهِ (٤) . (٥)

- ١- مسند الشهاب : ج ٢ ص ١٧٠ ح ١١٢٠ ، مسند أبي يعلى : ج ٤ ص ١٩٢ ح ٤٢٠٧ ؛ جامع الأخبار : ص ٣١٠ ح ٨٥٥ كلها عن أنس ، بحار الأنوار : ج ٦٧ ص ٢٣٦ ح ٥٤ .
- ٢- أوصاؤل : أسطو وأقهر ، والصوله : الحمله والوثبه (النهايه : ج ٣ ص ٦١ «صول»).
- ٣- الطبقات الكبرى : ج ٧ ص ٥٠٨ ، المعجم الكبير : ج ٢٢ ص ٣٢٣ ح ٨١٣ ، التاريخ الكبير : ج ٧ ص ٢٦٧ الرقم ١١٢٩ ، تاريخ دمشق : ج ٦٧ ص ١٢٧ ح ١٣٥١٨ وفيهما «الضالّه» بدل «الصياله» ، شرح نهج البلاغه : ج ١٨ ص ٣١٧ عن أنس وكلها نحوه ، كنز العمال : ج ٣ ص ٣١٤ ح ٦٧٢١ ؛ مشكاة الأنوار : ص ٥١٨ ح ١٧٤٤ نحوه .
- ٤- قال المجلسي رحمه الله : يدلّ على أنّ بعض درجات الجنّه يمكن البلوغ إليها بالعمل والسعي ، وبعضها لا يمكن الوصول إليها إلّا بالابتلاء في الجسد ، فيمنّ الله تعالى على من أحبّ من عباده بالابتلاء ليصلوا إليها .
- ٥- الكافي : ج ٢ ص ٢٥٥ ح ١٤ عن فضيل بن عثمان ، مشكاة الأنوار : ص ٦٤ ح ٨٩ و ص ٥٠٨ ح ١٧٠٥ ، جامع الأخبار : ص ٣١٢ ح ٨٦٦ ، بحار الأنوار : ج ٦٧ ص ٢١٢ ح ١٦ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل هر گاه برای گروهی خیری بخواهد، گرفتارشان می سازد.

الطبقات الکبری به نقل از ابو فاطمه: همراه پیامبر خدا نشسته بودم که فرمود: «کیست که دوست دارد سالم باشد و بیمار نشود؟». گفتیم: ای پیامبر خدا! ما. پیامبر خدا فرمود: «خاموش!» و اثر ناراحتی را در چهره او فهمیدیم. آن گاه فرمود: «آیا دوست دارید مانند الاغ قوی باشید [که هیچ گاه بیمار نمی شود]؟». گفتند: ای پیامبر خدا! نه. فرمود: «آیا دوست دارید که اهل بلا و کفاره باشید؟». گفتند: ای پیامبر خدا! آری. آنگاه پیامبر خدا فرمود: «همانا خداوند، مؤمن را گرفتار می سازد و جز از سر بزرگواری اش در حق او، گرفتارش نمی کند. مؤمن در نزد خداوند، جایگاهی دارد که با هیچ عملی بدان نمی رسد، مگر این که بر او بلایی نازل شود تا با آن، به آن جایگاه، دست یابد».

امام صادق علیه السلام: در بهشت، جایگاهی است که بنده بدان نمی رسد، مگر با گرفتاری در جسمش.

عنه عليه السلام: إِنَّهُ لَيَكُونُ لِلْعَبْدِ مَنْزِلَةٌ عِنْدَ اللَّهِ فَمَا يَنَالُهَا إِلَّا بِأِحْدَى خَصَلَتَيْنِ: إِمَّا بِذَهَابِ مَالِهِ، أَوْ بِبَيْتِهِ فِي جَسَدِهِ. (١)

الكافي عن علي بن رثاب: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ» أَرَأَيْتَ مَا أَصَابَ عَلِيًّا وَأَهْلَ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْ بَعْدِهِ هُوَ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيهِمْ، وَهُمْ أَهْلُ بَيْتِ طَهَارَةٍ مَعْصُومُونَ؟ فَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ مِثْلَ مَرَّةٍ مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ، إِنَّ اللَّهَ يُخْصُّ أَوْلِيَاءَهُ بِالْمَصَائِبِ لِأَجْرِهِمْ عَلَيْهَا مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ. (٢)

الكافي عن ابن بكير: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ» فَقَالَ هُوَ: «وَيَغْفُوا عَنْ كَثِيرٍ» قَالَ: قُلْتُ: لَيْسَ هَذَا أَرَدْتُ، أَرَأَيْتَ مَا أَصَابَ عَلِيًّا وَأَشْبَاهَهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْ ذَلِكَ؟ فَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ. (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: لَمَّا أَدْخَلَ رَأْسَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى يَزِيدَ لَعَنَهُ اللَّهُ، وَأَدْخَلَ عَلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَبَنَاتُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَكَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُقَيِّدًا مَغْلُولًا، فَقَالَ يَزِيدُ: يَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَتَلَ أَبَاكَ. فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَ أَبِي، قَالَ: فَغَضِبَ يَزِيدُ وَأَمَرَ بِضَرْبِ عُنُقِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَإِذَا قَتَلْتَنِي فَبَنَاتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ يَرُدُّهُنَّ إِلَى مَنْزِلِهِمْ وَلَيْسَ لَهُمْ مَحْرَمٌ غَيْرِي؟ فَقَالَ: أَنْتَ تَرُدُّهُنَّ إِلَى مَنْزِلِهِمْ، ثُمَّ دَعَا بِمِبرِدٍ (٤) فَأَقْبَلَ يَبْرُدُ الْجَامِعَةَ مِنْ عُنُقِهِ بِيَدِهِ، ثُمَّ قَالَ لَهُ: يَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، أَتَدْرِي مَا الَّذِي أُرِيدُ بِذَلِكَ؟ قَالَ: بَلَى، تُرِيدُ أَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ عَلَيٌّ مِثْلَ غَيْرِكَ. فَقَالَ يَزِيدُ: هَذَا وَاللَّهِ مَا أَرَدْتُ أَفْعَلُهُ، ثُمَّ قَالَ يَزِيدُ: يَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ». فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَلَّا، مَا هَذِهِ فِينَا نَزَلَتْ، إِنَّمَا نَزَلَتْ فِينَا: «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لِمَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلٍ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ * لَكِنَّا نَأْسُوهُ عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَلَكُمُ» (٥) فَنَحْنُ الَّذِينَ لَا نَأْسِي عَلَىٰ مَا فَاتَنَا وَلَا نَفْرَحُ بِمَا آتَانَا مِنْهَا. (٦)

١- الكافي: ج ٢ ص ٢٥٧ ح ٢٣ عن سليمان بن خالد، المؤمن: ص ٢٨ ح ٥٠، مشكاة الأنوار: ص ٥٠٧ ح ١٧٠٣، جامع الأخبار: ص ٣١٢ ح ٨٦٥، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٢١٦ ح ٢٣.

٢- الكافي: ج ٢ ص ٤٥٠ ح ٢، معاني الأخبار: ص ٣٨٤ ح ١٥، تفسير القمّي: ج ٢ ص ٢٧٧، بحار الأنوار: ج ٤٤ ص ٢٧٦ ح ٤.

٣- الكافي: ج ٢ ص ٤٤٩ ح ١، قرب الإسناد: ص ١٦٨ ح ٦١٨، بحار الأنوار: ج ٤٤ ص ٢٧٥ ح ٢.

٤- المِبرِدُ: ما بُرِدَ به، وهو السُّوْهَانُ بِالْفَارِسِيَّةِ (لسان العرب: ج ٣ ص ٨٧ «برد»).

٥- الحديد: ٢٢ و ٢٣.

٦- تفسير القمّي: ج ٢ ص ٣٥٢، الكافي: ج ٢ ص ٤٥٠ ح ٣ نحوه، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ١٨٠ ح ٢٧.

امام صادق علیه السلام: بنده در نزد خداوند، جایگاهی دارد که بدان دست نمی یابد، جز با یکی از این دو چیز: از دست رفتن دارایی، یا گرفتاری بدنی.

الکافی به نقل از علی بن رئاب: از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند عز و جل: «و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد، دستاورد خود شماست» پرسیدم که: درباره آنچه به علی و اهل بیت او علیهم السلام پس از او رسید، چه نظر داری؟ آیا آن هم به خاطر دستاورد خودشان بود، در حالی که آنان اهل بیت طهارت و معصوم بودند؟ فرمود: «همانا پیامبر خدا بدون انجام دادن گناهی، هر روز و شب، صد مرتبه به درگاه خداوند، توبه می کرد و آمرزش می طلبید. خداوند، برای اولیایش، بدون هیچ گناهی [از جانب ایشان]، مصیبت هایی اختصاص داده تا بر پایه آنها پاداششان دهد».

الکافی به نقل از ابن بُکیر: از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند عز و جل پرسیدم: «و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد، به سبب دستاورد خود شماست». [امام علیه السلام برای برطرف کردن نگرانی من] فرمود: «[و] خدا [از بسیاری در می گذرد]». گفتم: منظورم، این نبود. درباره آنچه به علی علیه السلام و همانند او از اهل بیتش علیهم السلام رسید، چه نظر داری [و آیا مطابق این سخن خدا، مصیبت های رسیده به آنان نیز به سبب دستاورد و گناهان آنان است]؟ فرمود: «پیامبر خدا بدون هیچ گناهی، هر روز، هفتاد مرتبه به درگاه خداوند، توبه می کرد».

امام صادق علیه السلام: زمانی که سر [مبارک] حسین بن علی علیهما السلام را برای یزید که لعنت خدا بر او باد آوردند و علی بن الحسین (امام زین العابدین علیه السلام) و دختران امیر مؤمنان بر او وارد شدند در حالی که علی بن الحسین علیهما السلام، دست بسته و زنجیر به گردن بود، یزید گفت: ای علی بن الحسین! ستایش، از آن خدایی است که پدرت را کُشت. علی بن الحسین علیهما السلام فرمود: «لعنت خدا بر کسی که پدر مرا به قتل رساند!». یزید، خشمگین شد و دستور داد او را گردن بزنند. آن گاه، علی بن الحسین علیهما السلام فرمود: «اگر مرا بکشی، دختران پیامبر خدا را چه کسی به منازلشان برگرداند، در حالی که محرمی غیر از من ندارند؟». [یزید] گفت: تو آنان را به منازلشان باز می گردانی. سپس سوهانی خواست و پیش آمد تا غل و زنجیر را با دست خودش از گردن او ببرد. سپس به او گفت: ای علی بن الحسین! آیا می دانی از این کار، چه قصدی دارم؟ فرمود: «آری. می خواهی کسی غیر از تو بر من ممتی نداشته باشد». یزید گفت: به خدا، قصدم همین است. و سپس گفت: ای علی بن الحسین! «و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد، دستاورد خود شماست». علی بن الحسین علیهما السلام فرمود: «هرگز! این آیه درباره ما نازل نشده است. همانا درباره ما این آیه نازل شده است: «هیچ مصیبتی در زمین و جان های شما [به شما] نمی رسد، مگر آن که پیش از آن که آن را پدید آوریم، در کتابی هست. این [کار] بر خدا آسان است. تا بر آنچه از دست شما رفته، اندوهگین نشوید و به [سبب] آنچه به شما داده است، شادمانی نکنید، و خدا هیچ خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد». پس ماییم که به سبب آنچه بر ما گذشته، اندوهگین نمی شویم و به سبب آنچه به ما عطا فرموده، شادمان نمی گردیم».

مقاتل الطالبين: دَعَا يَزِيدُ لَعَنَهُ اللَّهُ بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَقَالَ : مَا اسْمُكَ ؟ فَقَالَ : عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ . قَالَ : أَوْ لَمْ يَفْتُلِ اللَّهُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ؟ قَالَ : قَدْ كَانَ لِي أَخٌ أَكْبَرُ مِنِّي يُسَمِّي عَلِيًّا ، فَفَتَلْتُمُوهُ . قَالَ : بَلِ اللَّهُ قَتَلَهُ . قَالَ عَلِيُّ : «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا» . (١) قَالَ لَهُ يَزِيدُ : «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ» . (٢) فَقَالَ عَلِيُّ : «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلٍ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكُمْ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ * لَكِنَّا تَأْسُؤُا عَلَيَّ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» . (٣)

١- الزمر : ٤٢ .

٢- الشورى : ٣٠ .

٣- مقاتل الطالبين : ص ١١٩ وراجع : الإرشاد : ج ٢ ص ١١٦ ومثير الأحزان : ص ٩١ وبحار الأنوار : ج ٤٥ ص ١١٧ ح ١ .

مقاتل الطالبتین: یزید که لعنت خدا بر او باد علی بن الحسین را خواست و گفت: نامت چیست؟ فرمود: «علی بن الحسین». گفت: آیا خداوند، علی بن الحسین را نکشته است؟ فرمود: «برادر بزرگتری به نام علی داشتم که او را کشتید». گفت: بلکه خدا او را کشت. علی [بن الحسین] فرمود: «خدا روح مردم را به هنگام مرگشان، به تمامی باز می ستاند» . یزید گفت: «و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد، به سبب دستاورد خود شماست». علی [بن الحسین] فرمود: «هیچ مصیبتی، در زمین و جان های شما [به شما] نمی رسد، مگر آن که پیش از آن که آن را پدید آوریم، در کتابی هست. این [کار] بر خدا آسان است. تا بر آنچه از دست شما رفته، اندوهگین نشوید و به [سبب] آنچه به شما داده است، شادمانی نکنید، و خدا هیچ خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد» .

الإمام الحسن عليه السلام: سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ شَجْرَةً يُقَالُ لَهَا شَجَرَةُ الْبَلْوَى ، يُؤْتَى بِأَهْلِ الْبَلَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، فَلَا يُرْفَعُ لَهُمْ دِيْوَانٌ (١) وَلَا يُنْصَبُ لَهُمْ مِيزَانٌ ، يُصَبُّ عَلَيْهِمُ الْأَجْرُ صَيْبًا ، وَقَرَأَ: «إِنَّمَا يُؤَفِّي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (٢) . (٣)

مصباح الشريعة فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام : ... إعلم أن بلاياه محشوة بكراماته الأبدية ، ومحنة مورثه رضاه وقربه ولو بعد حين . (٤)

الإمام الصادق عليه السلام: البلاء زين المؤمن ، وكرامة لمن عقل ؛ لأن في مباشرته والصبر عليه والثبات عنده تصحيح نسبه الإيمان . قال النبي صلى الله عليه وآله : نحن معاشر الأنبياء أشد بلاء ، والمؤمن الأمثل فالأمثل ، ومن ذاق طعم البلاء تحت ستر حفظ الله له تلمذذ به أكثر من تلمذذ به بالنعمه ، ويشتاق إليه إذا فقدته ؛ لأن تحت نيران البلاء والمحنة أنوار النعمه ، وتحت أنوار النعمه نيران البلاء والمحنة ، وقد ينجو منه كثير ، ويهلك في النعمه كثير . وما أثنى الله تعالى على عبد من عباده من لدن آدم عليه السلام إلى محمد صلى الله عليه وآله إلا بعد ابتلائه ووفاء حق العبودية فيه ، فكرامات الله تعالى في الحقيقة نهايات ، وبداياتها البلاء ، وبدايات نهاياتها البلاء . ومن خرج من شبكه البلوى جعل سراج المؤمنين ومؤنس المقربين ، ودليل القاصدين . (٥)

١- الديوان : هو دفتر الذي يكتب فيه أسماء الجيش وأهل العطاء (النهاية : ج ٢ ص ١٥٠ «ديوان»).

٢- الزمر : ١٠ .

٣- المعجم الكبير : ج ٣ ص ٩٣ ح ٢٧٦٠ ، تاريخ أصبهان : ج ١ ص ٧٠ ، الدعاء للطبراني : ص ٣٤٧ ح ١١٣٨ كلها عن الأصمغ بن نباته ، كنز العمال : ج ٣ ص ٣٣٦ ح ٦٨٢٤ ؛ مسكن الفؤاد : ص ٤٨ ، بحار الأنوار : ج ٨٢ ص ١٣٧ ح ٢٢ .

٤- مصباح الشريعة : ص ٤٠٣ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٢٠٠ ح ٢٧ .

٥- مسكن الفؤاد : ص ٥٨ ، مصباح الشريعة : ص ٤٨٦ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٦٧ ص ٢٣١ ح ٤٧ .

امام حسن علیه السلام: از جدّم، پیامبر خدا، شنیدم که می فرمود: «در بهشت، درختی است که به آن، درخت بلا- گفته می شود. روز رستاخیز، گرفتاران را می آورند و برای آنان حساب و کتاب و محکمه ای دایر نمی شود [و] بر آنان، پاداش، فراوان ریخته می شود، و این آیه را قرائت فرمود: «بی تردید، شکیبایان، پاداش خود را بی حساب [و] به تمام، خواهند یافت».

مصباح الشریعه در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده است: ... بدان که بلاهای خداوند، با کرامت های همیشگی او همراه اند و سختی های او، خشنودی و نزدیکی او را در پی دارند، هر چند پس از روزگاری باشد.

امام صادق علیه السلام: بلا، زینت مؤمن و [مایه] کرامت خردمند است؛ زیرا در همراهی با آن و شکیبایی بر آن و پایداری در برابر آن، کامل شدن ایمان است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سخت ترین بلاها، از آن ما گروه پیامبران است، و مؤمن به نسبت درجه ایمانش، پس از ماست. هر کس مزه بلا را در زیر پوشش حفاظت خدا بچشد، بیشتر از لذت نعمت، از آن، لذت می برد و هر گاه آن را از دست بدهد، مشتاق آن می شود؛ زیرا زیر آتش بلا- و سختی، نورهای نعمت است و زیر نورهای نعمت، آتش بلا و سختی است. بسیاری، از آن، نجات می یابند و بسیاری در نعمت، نابود می گردند». خدای متعال، هیچ بنده ای را از زمان آدم علیه السلام تا زمان محمد صلی الله علیه و آله، جز پس از گرفتار شدن وی و وفا نمودنش به حقّ بندگی، نستوده است. پس در حقیقت، کرامت های خدای متعال، پایان هایی هستند که آغاز آنها گرفتاری است و نیز آغازهایی هستند که پایان آنها، گرفتاری است. هر کس از دام بلا [پیروزمندانه] بیرون بیاید، چراغ مؤمنان و همدم مقربان و راهنمای سالکان، قرار داده می شود.

عنه عليه السلام: مَنْ ابْتُلِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِبَلَاءٍ فَصَبَرَ عَلَيْهِ ، كَانَ لَهُ مِثْلُ أُجْرِ الْفِ شَهِيدٍ . (١)

الكافي عن أحمد بن الحسن الميثمي عن رجل عن الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ مَرَضَ لَيْلَةً فَقَبَّلَهَا بِقَبُولِهَا ، كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ عِبَادَةَ سِتِّينَ سَنَةً . قُلْتُ : مَا مَعْنَى قَبُولِهَا ؟ قَالَ : لَا يَشْكُو مَا أَصَابَهُ فِيهَا إِلَى أَحَدٍ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ لَيَتَعَاهِدُ عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ بِالْبَلَاءِ ، كَمَا يَتَعَاهِدُ الْغَائِبُ أَهْلَهُ بِالطَّرْفِ ، وَإِنَّهُ لَيَحْمِيهِ الدُّنْيَا ، كَمَا يَحْمِي الطَّبِيبُ الْمَرِيضَ . (٣)

١- الكافي : ج ٢ ص ٩٢ ح ١٧ ، مسكن الفؤاد : ص ٥١ ، التمهيد : ص ٥٩ ح ١٢٥ وفيه «شيعتنا» بدل «المؤمنين» وكلها عن أبي حمزة الثمالي ، المؤمن : ص ١٦ ح ٨ عن الإمام الكاظم عليه السلام نحوه ، مشكاة الأنوار : ص ٦٤ ح ٨٨ ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ٧٨ ح ١٤ .

٢- الكافي : ج ٣ ص ١١٥ ح ٤ ، ثواب الأعمال : ص ٢٢٩ ح ١ عن أبي عبد الرحمن ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ١٧٠ ح ٢٤٢١ كلاهما نحوه ، مشكاة الأنوار : ص ٤٨٨ ح ١٦٢٩ ، بحار الأنوار : ج ٨١ ص ٢٠٥ ح ١١ .

٣- الكافي : ج ٢ ص ٢٥٩ ح ٢٨ عن الحلبي و ص ٢٥٥ ح ١٧ ، المؤمن : ص ٢١ ح ٢١ كلاهما عن حمزان عن الإمام الباقر عليه السلام ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٢٠٤ عن الإمام الباقر عليه السلام وفيها «الرجل أهله بالهدية» بدل «الغائب أهله بالطرف» ، تحف العقول : ص ٣٠٠ عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «بالهدية» بدل «بالطرف» ، التمهيد : ص ٣١ ح ٥ عن أبي عبيدة الحذاء عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٦٧ ص ٢٢١ ح ٢٨ .

امام صادق علیه السلام: هر مؤمنی که به بلایی گرفتار آید و بر آن شکیبایی ورزد، ثواب هزار شهید دارد.

الکافی به نقل از احمد بن حسن میثمی، از مردی: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس یک شب بیمار شود و آن را به راستی بپذیرد، خداوند عز و جل عبادت شصت سال را برای او می نویسد». گفتم: معنای پذیرفتن آن چیست؟ فرمود: «[این که] از آنچه در آن شب به او رسیده، به کسی شکوه نکند».

امام صادق علیه السلام: همانا خداوند، بنده مؤمنش را با بلا مورد توجه قرار می دهد، چنان که شخص غایب، خانواده اش را با چیزهایی خوشایند، مورد توجه قرار می دهد، و همانا او را از دنیا بر حذر می دارد، چنان که پزشک، بیمار را به پرهیز و می دهد.

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَتَعَهَّدُ عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ فِي نَفْسِهِ وَمَالِهِ بِالْبَلَاءِ ، كَمَا تَتَعَهَّدُ الْوَالِدَةُ وَلَمَدَهَا بِاللَّبَنِ ، وَإِنَّهُ لِيَحْمِي عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ مِنَ الدُّنْيَا ، كَمَا يَحْمِي الطَّيِّبُ الْمَرِيضَ مِنَ الطَّعَامِ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ لَيُعْذِي عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ بِالْبَلَاءِ ، كَمَا تُعْذِي الْوَالِدَةُ وَلَدَهَا بِاللَّبَنِ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ يَتَعَاهِدُ وَلِيِّهِ بِالْبَلَاءِ ، كَمَا يَتَعَاهِدُ الْمَرِيضَ أَهْلُهُ بِالِدَّوَاءِ ، وَإِنَّ اللَّهَ لَيَحْمِي عَبْدَهُ الدُّنْيَا كَمَا يُحْمِي الْمَرِيضُ الطَّعَامَ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَيَتَعَاهِدُ الْمُؤْمِنَ بِالْبَلَاءِ ، مَا يَمُنُّ عَلَيْهِ أَنْ يَقُومَ لَيْلَهُ إِلَّا تَعَاهِدَهُ إِمَّا بِمَرَضٍ فِي جَسَدِهِ ، أَوْ بِمُصِيبَةٍ فِي أَهْلِ أَوْ مَالٍ ، أَوْ مُصِيبَةٍ مِنْ مَصَائِبِ الدُّنْيَا ؛ لِأَجْرِهِ عَلَيْهَا . (٤)

٢ / ٦ ما يوجبُ مَحَنَ الْمُسْتَضْعَفِينَ الْكُتَابِ «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ مِنْهُ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَيسْتَحْيُونَ نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» . (٥)

«وَمَا لَكُمْ لِمَا تَتْلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» . (٦)

١- إرشاد القلوب : ص ٢٦ .

٢- أعلام الدين : ص ٢٧٧ ، بحار الأنوار : ج ٨١ ص ١٩٥ ح ٥٢ .

٣- جامع الأخبار : ص ٣١٠ ح ٨٥٤ ، بحار الأنوار : ج ٦٧ ص ٢٣٦ ح ٥٤ .

٤- جامع الأخبار : ص ٣١١ ح ٨٦٣ ، مشكاة الأنوار : ص ٥٠٧ ح ١٧٠٠ ، المؤمن : ص ٢٢ ح ٢٦ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٦٧ ص ٢٣٦ ح ٥٤ .

٥- القصص : ٤ .

٦- النساء : ٧٥ .

۲ / ۶ عوامل گرفتاری های مستضعفان

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای متعال، بنده مؤمنش را در جان و مال، با بلا مورد توجه قرار می دهد، چنان که مادر، فرزندش را با شیر دادن مراقبت می کند، و بنده مؤمنش را از دنیا بر حذر می دارد، چنان که پزشک، بیمار را به پرهیز از غذا وا می دارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا خداوند، بنده مؤمنش را با بلا تغذیه می کند، چنان که مادر، فرزندش را با شیر، تغذیه می نماید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، دوست خود را با بلا مورد توجه قرار می دهد، چنان که خانواده بیمار از او با دارو مراقبت می کنند، و خداوند، بنده اش را از دنیا بر حذر می دارد، چنان که بیمار از غذا پرهیز داده می شود.

امام صادق علیه السلام: همانا خداوند تبارک و تعالی مؤمن را با بلا می نوازد و این گونه بر او منت می نهد که هر شبی از خواب بر می خیزد، او را با بیماری ای در بدنش یا گزندی در خانواده و دارایی [اش] و یا مصیبتی از مصیبت های دنیا، می نوازد تا به خاطر اینها، به او پاداش دهد.

۲ / ۶ عوامل گرفتاری های مستضعفان قرآن «فرعون در سرزمین [مصر] سر بر افراشت و مردم آن را طبقه طبقه ساخت. طبقه ای از آنان را زبون می داشت: پسرانشان را سر می برید و زنانشان را [برای بهره کشی]، [زنده بر جای می گذاشت. وی از فسادکاران بود].»

«و چرا شما در راه خدا و [در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی جنگید؛ همانان که می گویند: «پروردگارا! ما را از این شهری که مردمش ستم پیشه اند، بیرون ببر و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار بده و از نزد خویش، یآوری برای ما تعیین فرما؟»» .

«وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ». (١)

«فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقْتَلْتَنِي نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا * قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّكَ لَنْ تَسِيطَعَ مَعِيَ صَبْرًا». (٢)

«وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا * فَأَرَدْنَا أَنْ يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا». (٣)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا لم يأمرُوا بالمعروفِ ولم ينهوا عن المنكرِ، ولم يتبعوا الأخيارَ من أهل بيتي، سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ شِرَارَهُمْ، فَيَدْعُو خِيَارَهُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ. (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: لا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى، فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نَزَعَتْ مِنْهُمْ الْبَرَكَاتُ، وَسَلَطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ. (٥)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْأَجْبَارَ مِنَ الْيَهُودِ وَالرُّهْبَانِ مِنَ النَّصَارَى لَمَّا تَرَكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، لَعَنَهُمُ اللَّهُ عَلَى لِسَانِ أَنْبِيَائِهِمْ ثُمَّ عُمُوا بِالْبَلَاءِ. (٦)

١- الأنفال: ٢٥.

٢- الكهف: ٧٤ و ٧٥.

٣- الكهف: ٨٠ و ٨١.

٤- الكافي: ج ٢ ص ٣٧٤ ح ٢ عن أبي حمزة عن الإمام الباقر عليه السلام، علل الشرايع: ص ٥٨٤ ح ٢٦، ثواب الأعمال: ص ٣٠١ ح ١، الأمالي للصدوق: ص ٢٥٤ ح ٢ والثلاثة الأخيره عن أبي حمزة عن الإمام الباقر عليه السلام عن كتاب علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، تحف العقول: ص ٥١، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ٧٢ ح ٥.

٥- تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ١٨١ ح ٣٧٣، المقنعه: ص ٨٠٨، مشكاة الأنوار: ص ١٠٥ ح ٢٣٩، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٢٦، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ٩٤ ح ٩٥.

٦- الترغيب والترهيب: ج ٣ ص ٢٣١ ح ٢٢ نقلاً عن الأصفهاني عن ابن عمر.

«و از فتنه ای که تنها به ستمکاران شما نمی رسد، بترسید و بدانید که خدا سخت کیفر است» .

«پس [بنده ما و موسی] رفتند تا به نوجوانی برخوردند. [بنده ما] او را کُشت. [موسی به او] گفت: «آیا شخص بی گناهی را بدون این که کسی را به قتل رسانده باشد، کُشتی؟ واقعاً کار ناپسندی مرتکب شدی». گفت: آیا به تو نگفتم که هرگز نمی توانی همپای من، صبر کنی؟» .

«و اما نوجوان، پدر و مادرش [هر دو] مؤمن بودند. پس ترسیدیم [که مبادا] آن دو را به طغیان و کفر بکشد. پس خواستیم که پروردگارشان، آن دو را به پاک تر و مهربان تر از او عوض دهد» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [مردم] هر گاه امر به معروف و نهی از منکر نکنند و از برگزیدگان اهل بیت من پیروی نمایند، خداوند، بدترینشان را بر آنها مسلط خواهد کرد. در این هنگام، نیکانشان دعا می کنند؛ ولی اجابت نمی شوند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیوسته مردم در خیرند، مادام که امر به معروف و نهی از منکر کنند و همدیگر را بر نیکی و پرهیزگاری یاری رسانند. پس هر گاه چنین نکنند، برکت ها از ایشان رخت بر می بندد، و بعضی بر دیگری مسلط می شوند و در زمین و آسمان، یاری رسانی نخواهند داشت.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: وقتی علمای یهود و راهبان نصارا، امر به معروف و نهی از منکر را رها کردند، خداوند، آنان را بر زبان پیامبرانشان نفرین نمود. سپس به بلای عمومی، گرفتار شدند.

الترغيب والترهيب عن أنس عن رسول الله صلى الله عليه وآله: لا تزال «لا إله إلا الله» تنفع من قالها، وتترد عنهم العذاب والنقمة، ما لم يستخفوا بحقها. قالوا: يا رسول الله، وما الاستخفاف بحقها؟ قال: يظهر العمل بمعاصي الله، فلا ينكر، ولا يعير. (١)

الإمام علي عليه السلام: من وصيته للحسنين عليهما السلام بعد أن ضربته ابن ملجم: لا تتركوا الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر فيؤلى عليكم شراركم ثم تدعون فلا يستجاب لكم. (٢)

قصص الأنبياء عن ابن عباس: قال عزير: يا رب إني نظرت في جميع أمورك وأحكامها فعرفت عذلك بعقلي وبقى باب لم أعرفه إنك تسخط على أهل البليه فتعمهم بعذابك وفيهم الأطفال فأمره الله تعالى أن يخرج إلى البرية وكان الحر شديد فرأى شجرة فاستظل بها ونام فجاءت نملة فقرصته فمدلك الأرض برجله فقتل من النمل كثيرا فعرف أنه مثل ضرب فقيل له: يا عزير إن القوم إذا استحقوا عذابي قدرت نزوله عند انقضاء آجال الأطفال فمات أولئك بأجلهم وهلك هؤلاء بعذابي (٣). (٤)

١- الترغيب والترهيب: ج ٣ ص ٢٣١ ح ٢٣ نقلاً عن الأصفهاني.

٢- نهج البلاغه: الكتاب ٤٧، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ٩٠ ح ٧٥.

٣- قال العلامة المجلسي: لعله تعالى إنما أراه قصه النمل لبيان أن الحكمة قد تقتضى تعميم البليه والانتقام لرعايه المصالح العامه، وحاصل الجواب: إن الله تعالى كما أنه يميت الأطفال متفرقا؛ إما لمصلحتهم أو لمصلحه آبائهم أو لمصلحه النظام الكلى، كذلك قد يقدر موتهم جميعا فى وقت واحد لبعض تلك المصالح، وليس ذلك على جهه الغضب عليهم بل هى رحمه لهم؛ لعلمه تعالى بأنهم يصيرون بعد بلوغهم كفارا، أو يعوضهم فى الآخرة ويميتهم لردع سائر الخلق عن الاجترار على مساخط الله، أو غير ذلك، مع أنه ليس يجب على الله تعالى إبقاء الخلق أبدا، فكل مصلحه تقتضى موتهم فى كبرهم يمكن جريانها فى موتهم عند صغرهم، والله تعالى يعلم (بحار الأنوار: ج ٥ ص ٢٨٦).

٤- قصص الأنبياء: ص ٢٤٠ ح ٢٨١، بحار الأنوار: ج ٥ ص ٢٨٦ ح ٨.

الترغیب و الترهیب به نقل از انس : پیامبر خدا فرمود: «همواره [ذکر] لا-إله إلا الله، به گوینده آن، سود می رساند و از او عذاب و رنج را بر می گرداند، مادام که حق آن را سُبُک نشمارد». گفتند: ای پیامبر خدا! سبک شمردن حق آن به چیست؟ فرمود: «[این که] نافرمانی از خدا [و ارتکاب گناهان]، آشکار گردد؛ ولی انکار نشود و اصلاح نگردد».

امام علی علیه السلام از سفارشش به امام حسن و امام حسین علیهما السلام، پس از این که ابن ملجم به او ضربت زد: امر به معروف و نهی از منکر را رها نکنید، و گرنه بدترین شما بر شما حکمرانی خواهد کرد. آن گاه دعا می کنید؛ ولی اجابت نمی شود.

قصص الأنبياء به نقل از ابن عباس : عَزَّير [پیامبر] گفت: پروردگارا! من به همه کارهای تو و حکم های آنها نگریستم و دادگری تو را با خرد خود دریافتم؛ ولی یک باب باقی ماند که آن را ندانستم: تو بر گرفتاران، خشم می گیری و عذابت را بر آنان همه گیر می نمایی، در حالی که کودکان در میان آنها هستند. خدای متعال به او دستور داد که به بیابان برود، در حالی که هوا به شدت گرم بود. [عَزَّير]، درختی را دید و به زیر سایه آن رفت و خوابید. آن گاه مورچه ای آمد و او را نیش زد. او دو پایش را به زمین کشید و مورچه های بسیاری را کشت. این جا بود که فهمید کار او، مثالی است که [برایش] زده شده است. پس به او گفته شد: «ای عَزَّير! هر گاه قومی سزاوار عذاب من شدند، زمان نازل شدن آن را هنگام فرا رسیدن اجل های کودکان قرار می دهم. آن گاه آنان به اجل هایشان می میرند و اینان به عذاب من هلاک می شوند». (۱)

۱- .علمايه مجلسي رحمه الله مي گويد: چه بسا خداوند، ماجرای مورچه را به عَزَّير نشان داد تا حکمت همه گیر بودن بلا و انتقام را در برخی موارد که به خاطر مصالح عمومی انجام می گیرد بیان کند. حاصل جواب، این است که: چنان که خداوند، اطفال را تک تک به جهت مصالح خود آنان، یا پدرانشان و یا نظام عالم می میراند، همان گونه و برای همان مصالح، گاهی مرگ دسته جمعی و همزمان را برایشان مقرر می کند و این، نه به خاطر خشم خدا بر آنان، بلکه به خاطر رحمتش به آنهاست؛ چرا که خداوند می داند که آنها اگر بمانند و به بزرگ سالی برسند، کافر می شوند، یا این که در آخرت، به آنان عوض خواهد داد و یا آنان را می میراند تا مردمان را از کارهایی که خشم خداوند را بر می انگیزاند، باز دارد و یا غیر این جهات. به علاوه، بر خداوند، لازم نیست که برای همیشه بنده اش را نگه بدارد و این امکان، وجود دارد که همان مصلحتی که مرگ آنان را در بزرگ سالی رقم می زند، در خردسالی هم رقم بزند و خداوند، به آن دانا است (بحار الأنوار: ج ۵ ص ۲۸۶).

الاحتجاج: من سؤال الزنديق الذي سأل أبا عبد الله عليه السلام عن مسائيل كثيره أن قال: ... فبما استحقَّ الطفلُ الصَّغيرُ ما يُصيبُهُ مِنَ الأوجاعِ والأمراضِ بلا ذنبِ عَمَلِهِ ولا جُرمِ سَيِّئِهِ مِنْهُ؟ قال: إِنَّ المَرَضَ عَلَيَّ وَجُوهِ شَتَّى: مَرَضٌ بَلَوَى وَمَرَضٌ عَقُوبَهُ وَمَرَضٌ جُعِلَ عَلَيْهِ لِلْفَنَاءِ، وَأَنْتَ تَزْعُمُ أَنَّ ذَلِكَ مِنْ أَغْذِيَةِ رَدِيئِهِ وَأَشْرِبَهُ وَبَيْتِهِ أَوْ مِنْ عَلَّةٍ كَانَتْ بِأُمِّهِ ... (١)

١- الاحتجاج: ج ٢ ص ٢٢٥ ح ٢٢٣، بحار الأنوار: ج ١٠ ص ١٧١ ح ٢.

الاحتجاج: از جمله پرسش های زندیقی در شمار پرسش های بسیاری که از امام صادق علیه السلام پرسید، گفت: ... چرا کودک، سزاوار گرفتار شدن به دردها و بیماری ها می گردد، بی آن که گناهی مرتکب شده و جرمی از او سر زده باشد؟ فرمود: «بیماری، انواع گوناگون دارد: بیماری آزمون، بیماری کیفر، و بیماری ای که برای نابودی، قرار داده شده است، در حالی که تو گمان می کنی همه آنها ناشی از تغذیه نادرست و آشامیدنی آلوده به وبا و یا ناشی از بیماری ای است که مادرش داشته است...» .

الفصل الثالث : عوامل الشرور ٣ / الجهلاء الكتاب «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» . (١)

«وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» . (٢)

«وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» . (٣)

«تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» . (٤)

الحديث للإمام علي عليه السلام: الجهل أصل كل شر . (٥)

عنه عليه السلام: بالجهل يُستثار كل شر . (٦)

١- الأنفال : ٢٢ .

٢- الملك : ١٠ .

٣- يونس : ١٠٠ .

٤- الحشر : ١٤ .

٥- غرر الحكم : ح ٨١٩ .

٦- غرر الحكم : ح ٤٣٢١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٨٩ ح ٣٩٠٢ .

فصل سوم : عوامل شرور

۳ / ۱ نادانی

فصل سوم : عوامل شرور ۳ / ۱ نادانیقرآن «قطعاً بدترین جنبنندگان نزد خدا، کران و لالانی اند که نمی اندیشند» .

«و می گویند: اگر شنیده [و پذیرفته] بودیم، یا تعقل کرده بودیم، در [میان] دوزخیان نبودیم» .

«و [خدا] برای کسانی که نمی اندیشند، پلیدی قرار می دهد» .

«آنان را متحد می پنداری، در حالی که دل هایشان پراکنده است. این، به سبب آن است که آنها مردمانی هستند که نمی اندیشند» .

حدیثامام علی علیه السلام : نادانی، ریشه هر بدی است.

امام علی علیه السلام : هر بدی ، با نادانی، گسترش می یابد.

رسول الله صلى الله عليه وآله: الْجَهْلُ رَأْسُ الشَّرِّ كُلِّهِ . (١)

الإمام علي عليه السلام: الْجَهْلُ مَعْدِنُ الشَّرِّ . (٢)

عنه عليه السلام: السَّفَهُ (٣) يَجْلِبُ الشَّرَّ . (٤)

٣ / ١٢ الكُفْرُ «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» . (٥)

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» . (٦)

٣ / ٣ غَضِبَ اللَّهُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا غَضِبَ اللَّهُ عَلَى أُمَّهِ وَلَمْ يُنَزِلْ بِهَا الْعَذَابَ ، غَلَّتْ أَسْعَارُهَا ، وَقَصُرَتْ أَعْمَارُهَا ، وَلَمْ تَرْبِحْ تُجَارُهَا ، وَلَمْ تَزُكْ ثِمَارُهَا ، وَلَمْ تَغْزُرْ أَنْهَارُهَا ، وَحُبِسَ عَنْهَا أَمْطَارُهَا ، وَسُلِّطَ عَلَيْهَا شِرَارُهَا . (٧)

١- .جامع الأحاديث للقمي : ص ١٠٢ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ١٧٥ ح ٩ .

٢- .غرر الحكم : ٦٥٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٩ ح ٧٣ .

٣- .السَّفَهُ: الخِفَّةُ والطيش ، والسفيه : الجاهل (النهاية : ج ٢ ص ٣٧٦ «سفه»).

٤- .غرر الحكم : ح ٨٣٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٢ ح ٥٤١ .

٥- .الأنفال : ٥٥ .

٦- .الأعراف : ٩٦ .

٧- .الكافي : ج ٥ ص ٣١٧ ح ٥٣ ، الخصال : ص ٣٦٠ ح ٤٨ كلاهما عن الأصبغ بن نباته عن الإمام علي عليه السلام ، تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ١٤٨ ح ٣١٩ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٥٢٤ ح ١٤٨٩ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٣٥٠ ح ٤٦ ؛ تاريخ دمشق : ج ٢٧ ص ٣٩١ ح ٥٨٣٩ عن الأصبغ عن الإمام علي عليه السلام نحوه ، الفردوس : ج ١ ص ١٦١ ح ٥٩٨ عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، كنز العمال : ج ٧ ص ٨٣٩ ح ٢١٦١١ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نادانی، اساس همه بدی هاست.

امام علی علیه السلام : نادانی، معدن بدی است.

امام علی علیه السلام : فرومایگی و بی خردی ، بدی به بار می آورد .

۲ / ۳ کفر «بی تردید، بدترین جنبندگان نزد خدا، کسانی هستند که کفر ورزیدند و آنان ایمان نمی آورند» .

«و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به پرهیزگاری گراییده بودند، قطعاً برکاتی را از آسمان و زمین برایشان می گشودیم؛ ولی تکذیب کردند. پس به [کیفر] دستاوردهشان، [گریبان] آنان را گرفتیم» .

۳ / ۳ خشم خدا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه خداوند بر امتی خشم بگیرد ، ولی بر آنها عذاب نازل نکند، نرخ ها گران می شوند و عمرها کوتاه می گردند و بازرگانان، سود نمی کنند و میوه ها سالم نمی مانند، و رودها پر آب نمی شوند، باران از آنان باز داشته می شود و بدانسان بر آنان مسلط می گردند.

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا غَضِبَ عَلَى أُمَّهِ لَمْ يُنْزِلْ بِهَا عَذَابَ خَسْفٍ وَلَا مَسْخٍ، (١) غَلَّتْ أَسْعَارُهَا، وَيُحْبَسُ عَنْهَا أَمْطَارُهَا، وَيَلِي عَلَيْهَا أَشْرَارُهَا (٢). (٣)

٣ / ١٤ النَّفْسُ الْأَمَارَةُ بِالسُّوءِ الْكُتَابُ «إِنَّ النَّفْسَ لِأَمَارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ» (٤).

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: تَكَلَّفُوا فِعْلَ الْخَيْرِ وَجَاهِدُوا نَفْسَكُمْ عَلَيْهِ، فَإِنَّ الشَّرَّ مَطْبُوعٌ عَلَيْهِ الْإِنْسَانُ. (٥)

الإمام علي عليه السلام: إِنَّ النَّفْسَ لِأَمَارَةٌ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ، فَمَنْ ائْتَمَنَهَا خَانَتْهُ، وَمَنْ اسْتَنَامَ إِلَيْهَا أَهْلَكَتُهُ، وَمَنْ رَضِيَ عَنْهَا أَوْرَدَتْهُ شَرَّ الْمَوَارِدِ. (٦)

عنه عليه السلام: الشَّرُّ كَامِنٌ فِي طَبِيعِهِ كُلِّ أَحَدٍ، فَإِنْ غَلَبَهُ صَاحِبُهُ بَطَنَ، وَإِنْ لَمْ يَغْلِبْهُ ظَهَرَ. (٧)

عنه عليه السلام: اِقْمَعُوا هَذِهِ النَّفْسَ، فَإِنَّهَا طُلَعَةٌ (٨)، إِنْ تُطِيعُهَا تَزِغْ بِكُمْ إِلَى شَرِّ غَايَةٍ. (٩)

عنه عليه السلام في ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ... يَا أَحْمَدُ لَا تَزَيِّنْ بِلَيْنِ اللَّبَاسِ (١٠)، وَطِيبِ الطَّعَامِ، وَلَيْنِ الْوِطَاءِ، فَإِنَّ النَّفْسَ مَأْوَى كُلِّ شَرٍّ، وَرَفِيقُ كُلِّ سُوءٍ. (١١)

١- المَسْخُ: هُوَ قَلْبُ الْخَلْقِ مِنْ شَيْءٍ إِلَى شَيْءٍ (النهاية: ج ٤ ص ٣٢٩ «مسخ»).

٢- في المصدر: «أسوارها» وما أثبتناه من نسخه «م» والمطبوعه.

٣- تاريخ دمشق: ج ٢٧ ص ٣٩١ ح ٥٨٣٩ عن الأصمعي عن الإمام علي عليه السلام، كنز العمال: ج ٧ ص ٨٣٣ ح ٢١٥٩٧.

٤- .. يوسف: ٥٣.

٥- تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٢٠.

٦- غرر الحكم: ح ٣٤٩١، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٥١ ح ٣٣٢٣ وفيه «أخلد» بدل «استنام».

٧- غرر الحكم: ح ٢١٩٠.

٨- الطَّلَعَةُ: الْكَثِيرَةُ التَّطَّلَعُ إِلَى الشَّيْءِ، أَيْ أَنَّهَا كَثِيرَةُ الْمِيلِ إِلَى هَوَاهَا وَمَا تَشْتَهِيهِ حَتَّى تَهْلِكَ صَاحِبَهَا (النهاية: ج ٣ ص ١٣٣ «طلع»).

٩- غرر الحكم: ح ٢٥٥٩ و ح ٣٤٨٥ نحوه، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٥١ ح ٣٣١٩.

١٠- في المصدر: «لبس اللباس» وما في المتن أثبتناه من بحار الأنوار.

١١- إرشاد القلوب: ص ١٩٩ و ٢٠١، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٣ ح ٦.

۳ / ۴ نفس بد فرمان

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه خداوند عز و جل بر امتی خشم گیرد، ولی بر آنان عذاب فرو بردن در زمین و مسخ شدن نازل نکند، نرخ هایشان گران می شود و باران از آنان باز داشته می شود و بدترین آنها بر ایشان ریاست می کند.

۳ / ۴ نفس بد فرمانقرآن «چرا که نفس قطعاً به بدی امر می کند، مگر کسی را که خدا رحم کند، زیرا پروردگار من آمرزنده مهربان است»

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در کار خیر، خود را به زحمت اندازید و برای آن با خویشتن مبارزه کنید؛ چرا که بدی، با جان آدمی سرشته است.

امام علی علیه السلام: همانا نفس به کار بد و به گناه، فرمان می دهد. هر کس آن (نفس) را امین بشمارد، به او خیانت خواهد کرد، و هر کس به آن اطمینان کند، هلاکش می کند، و هر کس از آن خشنود شود، او را به بدترین جایگاه ها می برد.

امام علی علیه السلام: بدی، در سرشت هر کسی نهفته است. اگر صاحبش بر آن چیره شود، پنهان می گردد و اگر بر آن چیره نشود، آشکار می گردد.

امام علی علیه السلام: این نفس ها را سرکوب کنید؛ چرا که خواهش های فراوانی دارند. اگر از آنها پیروی کنید، شما را به سوی بدترین مقصد (دوزخ) گم راه می کنند.

امام علی علیه السلام در بیان حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل فرمود: «ای احمد! لباس نرم و غذای گوارا و فرش لطیف را زنی خود قرار نده؛ چرا که نفس، جایگاه هر بدی و همراه هر نادرستی است».

عنه عليه السلام: إِنَّكُمْ إِنْ أَطَعْتُمْ أَنْفُسَكُمْ نَزَعَتْ بِكُمْ إِلَى شَرِّ غَايِهِ . (١)

عنه عليه السلام مِنْ كِتَابِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مُعَاوِيَةَ : فَقَدْ أُجْرِيَتْ إِلَى غَايِهِ حُسْرٍ ، وَمَحَلَّهُ كُفْرٍ ، فَإِنَّ نَفْسَكَ قَدْ أَوْلَجَتْكَ (٢) شَرًّا ، وَأَقْحَمَتْكَ (٣) غَيًّا (٤) ، وَأوردتكَ المَهَالِكَ ، وَأوعزتْ عَلَيْكَ المَسَالِكَ . (٥)

٣ / ٥ مساوئ الأخلاق الحُرْصُ للإمام علي عليه السلام: الحِرْصُ رَأْسُ الفَقْرِ ، وَأُسُّ الشَّرِّ . (٦)

عنه عليه السلام: لَا تُشْرِكَنَّ فِي مَشُورَتِكَ حَرِيصًا يُهَوِّنُ عَلَيْكَ الشَّرَّ ، وَيُزَيِّنُ لَكَ الشَّرَّ (٧) . (٨)

ب الطَّمَعُ للإمام علي عليه السلام: الطَّمَعُ أَوَّلُ الشَّرِّ . (٩)

- ١- غرر الحكم : ح ٣٨٥٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٧٥ ح ٣٦٣٥ .
- ٢- وَلَجَ يَلِجُ : أى دخل (مجمع البحرين : ج ٣ ص ١٩٧٢ «ولج»).
- ٣- تَقْتَحِمُونَ فِيهَا : أى تقعون فيها (النهاية : ج ٤ ص ١٨ «قحم»).
- ٤- الغَيُّ : الضلاله والانهاك فى الباطل (النهاية : ج ٣ ص ٣٩٧ «غوا»).
- ٥- نهج البلاغه : الكتاب ٣٠ ، بحار الأنوار : ج ٣٣ ص ٨٣ ح ٣٩٨ .
- ٦- غرر الحكم : ح ١٥٧٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٩ ح ١٢٥٠ .
- ٧- الشَّرُّ : شدَّة الحِرْص (الصحاح : ج ٦ ص ٢٢٣٧ «شره»).
- ٨- غرر الحكم : ح ١٠٣٥٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٢٥ ح ٩٥٦٣ .
- ٩- غرر الحكم : ح ٢٩٧ .

الف آزمندی

ب طمع

امام علی علیه السلام: اگر از نَفُستان پیروی کنید، شما را به سوی نهایتِ بدی می کشاند.

امام علی علیه السلام در نامه اش به معاویه: قطعاً به سوی نهایتِ زیان و جایگاه کفر، رانده ای. نَفُس تو، تو را به بدی در آورده و به گم راهی انداخته و به مهلکه ها فرو برده و راه ها را بر تو ناهموار نموده است.

۳ / ۵ صفات ناشایستالف آزمندیامام علی علیه السلام: آزمندی، اوج فقر و اساس بدی است.

امام علی علیه السلام: هر گز آزمند را مشاور خود نگیر؛ زیرا بدی را برای تو سُبُک نشان می دهد و بسیاریِ آز را برای تو می آراید.

ب طمعامام علی علیه السلام: طمع، آغاز بدی است.

عنه عليه السلام: مِلَاكُ الشَّرِّ الطَّمَعُ . (١)

عنه عليه السلام: جَمَالُ الشَّرِّ الطَّمَعُ . (٢)

مصباح الشريعة فيما نَسَبَهُ إِلَى الإِمَامِ الصِّيَادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَلَّمَا نَقَصَ مِنَ القَنَاعَةِ زَادَ فِي الرِّغْبَةِ وَالتَّمَعِ ، وَالتَّمَعِ وَالتَّرغِبُهُ فِي الدُّنْيَا أَصْلَانِ لِكُلِّ شَرٍّ . (٣)

ج الشَّرُّهُالإمام علي عليه السلام: الشَّرُّهُ أُسُّ كُلِّ شَرٍّ . (٤)

عنه عليه السلام: الشَّرُّهُ دَاعِيَةُ الشَّرِّ . (٥)

عنه عليه السلام: لِكُلِّ شَيْءٍ بَذْرٌ ، وَبَذْرُ الشَّرِّ الشَّرُّهُ . (٦)

عنه عليه السلام: يُسْتَدَلُّ عَلَى شَرِّ الرَّجُلِ بِكَثْرَةِ شَرِّهِهِ وَشِدَّةِ طَمَعِهِ . (٧)

عنه عليه السلام: إِيَّاكُمْ وَدَنَاءَةَ الشَّرِّهِهِ وَالتَّمَعِ ، فَإِنَّهُ رَأْسُ كُلِّ شَرٍّ ، وَمَرْعَةُ الدُّلِّ ، وَمُهِينُ النَّفْسِ ، وَمُتَعِبُ الجَسَدِ . (٨)

د العَضْبُالإمام علي عليه السلام: بِنَسِّ القَرِينِ العَضْبُ ؛ يُبْدِي المَعَايِبَ ، وَيُدْنِي الشَّرَّ ، وَيُبَاعِدُ الحَيْرَ . (٩)

١- غرر الحكم: ح ٩٧٢٠ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٨٦ ح ٨٩٧٠ .

٢- غرر الحكم: ح ٤٧٩١ .

٣- مصباح الشريعة: ص ١٨٤ ، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٣٤٩ ح ١٨ .

٤- غرر الحكم: ح ١١٦٧ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٥ ح ١١١٤ وفيه «رأس» بدل «أس» .

٥- غرر الحكم: ح ٣٥٣ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٣ ح ٦٢٣ .

٦- غرر الحكم: ح ٧٣١١ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٠١ ح ٦٧٦٥ .

٧- غرر الحكم: ح ١٠٩٦٠ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٥٠ ح ١٠١٥٣ .

٨- غرر الحكم: ح ٢٧٤٣ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٠١ ح ٢٣٠٨ .

٩- غرر الحكم: ح ٤٤١٧ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٩٤ ح ٣٩٧٥ ، مستدرک الوسائل: ج ١٢ ص ١٣ ح ١٣٣٧٦ .

ج لذتجویی

د خشم

امام علی علیه السلام: معیار بدی، طمع است.

امام علی علیه السلام: زیبایی بدی، طمع است.

مصباح الشریعه در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده است: هر چه از قناعت کاسته شود، بر رغبت و طمع افزوده می شود، و طمع و رغبت به دنیا، دو ریشه برای هر بدی هستند.

ج لذتجویی امام علی علیه السلام: لذتجویی (۱)، اساس هر بدی است.

امام علی علیه السلام: آزمندی بسیار، انگیزاننده به هر بدی است.

امام علی علیه السلام: هر چیزی بذری دارد و بذر بدی، لذتجویی است.

امام علی علیه السلام: بر بدی مرد، به بسیاری لذتجویی و فراوانی طمعش دلیل آورده می شود.

امام علی علیه السلام: از پستی لذتجویی و طمع بپرهیزید؛ چرا که اساس هر بدی، و کشتزار ذلت، و خوار کننده نفس، و رنجور سازنده بدن است.

د خشم امام علی علیه السلام: چه بد همراهی است خشم! عیب ها را آشکار، بدی را نزدیک، و نیکی را دور می سازد.

۱- واژه «شَرَه» که در اصل عربی حدیث به کار رفته است، به معنای: غلبه حرص، آزمندی، افراط در کامجویی و لذت طلبی زیاد از حد است. آزمندی (حرص)، به «طمع زیاد» گفته می شود.

رسول الله صلى الله عليه وآله: خَيْرُ الرَّجَالِ مَنْ كَانَ بَطِيءَ الْغَضَبِ سَرِيعَ الرِّضَا، وَشَرُّ الرَّجَالِ مَنْ كَانَ سَرِيعَ الْغَضَبِ بَطِيءَ الرِّضَا (١).

الإمام الصادق عليه السلام: الْغَضَبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ (٢).

الإمام علي عليه السلام: الْغَضَبُ شَرٌّ، إِنْ أَطَعْتَهُ دَمَّرَ (٣).

ه الحِقْدُ الإمام علي عليه السلام: سِلَاحُ الشَّرِّ الْحِقْدُ (٤).

عنه عليه السلام: الْغِلُّ (٥) بَذْرُ الشَّرِّ (٦).

عنه عليه السلام: شَرُّ مَا أَلْقَى فِي الْقُلُوبِ الْغُلُوبُ (٧).

و المِرَاءُ الإمام علي عليه السلام: المِرَاءُ (٨) بَذْرُ الشَّرِّ (٩).

١- مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٣٩ ح ١١١٤٣، المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٥٥١ ح ٨٥٤٣، مسند أبي يعلى: ج ٢ ص ٣٤ ح ١٠٩٦، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص ٢٧٣ ح ٨٦٤، الفردوس: ج ٢ ص ١٧٨ ح ٢٨٩٤ كلها عن أبي سعيد الخدري وفيها «الفيء» بدل «الرضا» في كلا الموضوعين، كنز العمال: ج ١٥ ص ٩٢٢ ح ٤٣٥٨٧.

٢- الكافي: ج ٢ ص ٣٠٣ ح ٣، الخصال: ص ٧ ح ٢٢، الزهد للحسين بن سعيد: ص ٢٧ ح ٦١ كلها عن داوود بن فرقد، تحف العقول: ص ٤٨٨ عن الإمام الجواد عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص ٣٨٣ ح ١٢٦٦ عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٢٧٤ ح ٢٤.

٣- غرر الحكم: ح ١٢٢٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٦ ح ١١٣٨ وفيه «اطلعت» بدل «أطعته»، مستدرک الوسائل: ج ١٢ ص ١١ ح ١٣٣٧٦.

٤- غرر الحكم: ح ٥٥٥٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٨٤ ح ٥١٢١.

٥- الغلُّ: الحِقْدُ والشحناء (النهاية: ج ٣ ص ٣٨١ «غلل»).

٦- غرر الحكم: ح ٥٤٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٣ ح ٥٨١.

٧- غرر الحكم: ح ٥٦٩٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٩٥ ح ٥٢٧٤.

٨- المِرَاءُ: الجِدَالُ، والمماراه: المجادله على مذهب الشكِّ والريبه (النهاية: ج ٤ ص ٣٢٢ «مرا»).

٩- غرر الحكم: ح ٣٩٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٣ ح ٦١١.

ه کینه

و بگو مگو کردن

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین مردان، کسانی اند که دیر به خشم می آیند و زود خشنود می گردند، و بدترین مردان، کسانی هستند که زود به خشم می آیند و دیر خشنود می گردند.

امام صادق علیه السلام: خشم، کلید هر بدی است.

امام علی علیه السلام: خشم، بدی است. اگر اطاعتش کنی، نابود می کند.

ه کینه امام علی علیه السلام: سلاح بدی، کینه است.

امام علی علیه السلام: کینه، بذر بدی است.

امام علی علیه السلام: بدترین چیزی که در دل ها انداخته شده، کینه است.

و بگو مگو کردن امام علی علیه السلام: بگو مگو کردن بذر بدی است.

عنه عليه السلام :جَمَاعُ الشَّرِّ اللَّجَاجُ (١) وكَثْرَةُ المُمَارَاهِ . (٢)

مصباح الشريعة فيما نَسَبَهُ إِلَى الإمامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السلام : المِرَاءُ دَاءٌ دَوِيٌّ وَلَيْسَ فِي الإنسانِ خَصْلَةٌ بِشَرٍّ مِنْهُ ، وَهُوَ خُلِقَ إبْلِيسَ وَنَسَبَتْهُ ، فَلَا يُمَارَى فِي أَىِّ حَالٍ كَانَ إِلَّا مَنْ كَانَ جاهِلًا بِنَفْسِهِ وَبِغَيْرِهِ ، مَحْرُومًا مِنْ حَقَائِقِ الدِّينِ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام لِمَحْمَدِ بْنِ النُّعْمَانِ : يَابَنَ النُّعْمَانِ ، إِيَّاكَ وَالْمِرَاءَ فَإِنَّهُ يُحْبِطُ عَمَلَكَ ، وإِيَّاكَ وَالجِدَالَ فَإِنَّهُ يُوْبِقُكَ (٤) ، وإِيَّاكَ وَكَثْرَةَ الخُصُومَاتِ فَإِنَّهَا تُبْعِدُكَ مِنَ اللَّهِ . (٥)

ز اللُّؤْمُ للإمامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السلام : اللُّؤْمُ أَسُّ الشَّرِّ . (٦)

عنه عليه السلام :اللَّثِيمُ لَا يُرْجَى خَيْرُهُ ، وَلَا يُسَلَّمُ مِنْ شَرِّهِ ، وَلَا يُؤْمَنُ مِنْ غَوَائِلِهِ (٧) . (٨)

عنه عليه السلام :شَرُّ النَّاسِ مَنْ أَدْرَعَ اللُّؤْمَ ، وَنَصَرَ الظُّلْمَ . (٩)

ح اللُّجَاجُ للإمامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السلام :اللُّجَاجُ بَدْرُ الشَّرِّ . (١٠)

١- اللُّجَاجُ : التَّمَادَى فِي الخُصُومَةِ (تاج العروس : ج ٣ ص ٤٦٩ «لجج»).

٢- غرر الحكم : ح ٤٧٩٥ .

٣- مصباح الشريعة : ص ٢٦٧ ، منيه المريد : ص ١٧١ ، بحار الأنوار : ج ٢ ص ١٣٤ ح ٣١ .

٤- وَبِقَ : هَلَكَ (النهاية : ج ٥ ص ١٤٦ «وبق»).

٥- تحف العقول : ص ٣٠٩ عن مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٢٨٧ ح ٢ .

٦- غرر الحكم : ح ٥٦٩ .

٧- الغَوَائِلُ : المَهَالِكُ (النهاية : ج ٣ ص ٣٩٧ «غول»).

٨- غرر الحكم : ح ١٩٣٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٨ ح ١٤٧٦ .

٩- غرر الحكم : ح ٥٧٣٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٩٥ ح ٥٢٨٤ ، مستدرک الوسائل : ج ١٢ ص ١٠٩ ح ١٣٦٥٤ .

١٠- غرر الحكم : ح ٩٢٩ و ٣٥٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣١ ح ٥١٣ .

ز پستی

ح لجازی

امام علی علیه السلام: گردآورنده همه بدی ها، لجازی و کشمکش بسیار است.

مصباح الشریعه در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده است: بگو مگو کردن، درد بدی است و در انسان، صفتی بدتر از آن نیست و آن، خوی ابلیس و نسب اوست. در هیچ حالی بگو مگو نمی کند، جز کسی که به خود و دیگری نادان، و از حقایق دین، محروم باشد.

امام صادق علیه السلام به محمّد بن نعمان: ای پسر نعمان! از بگو مگو کردن پرهیز؛ چرا که عمل تو را نابود می کند. از کشمکش پرهیز؛ چرا که تو را نابود می سازد. و از دشمنی کردن زیاد هم کناره بگیر؛ چرا که تو را از خدا دور می کند.

ز پستی امام علی علیه السلام: پستی، اساس بدی است.

امام علی علیه السلام: از پستی، امید خیر نمی رود، و از شرش آسایش نیست، و از آشوب های او ایمنی نیست.

امام علی علیه السلام: بدترین مردم، کسانی اند که زره پستی بر تن می کنند و ستمگر را یاری می رسانند.

ح لجازی امام علی علیه السلام: لجازی، بذر بدی است.

عنه عليه السلام: جَمَاعُ الشَّرِّ اللَّجَاجُ وَكَثْرَةُ المُمَارَاهِ . (١)

ط المَكْرُ الإِمَامِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ أَمِنَ المَكْرَ لَقِيَ الشَّرَّ . (٢)

ي قَلَّةُ الحَيَاءِ مِصْبَاحُ الشَّرِيعَةِ فِيمَا نَسَبَهُ إِلَى الإِمَامِ الصِّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : «الحَيَاءُ مِنَ الإِيمَانِ ، وَالإِيمَانُ بِالحَيَاءِ» . وَصَاحِبُ الحَيَاءِ خَيْرٌ كُلُّهُ ، وَمَنْ حُرِمَ الحَيَاءُ فَهُوَ شَرُّ كُلُّهُ ، وَإِنْ تَعَبَّدَ وَتَوَرَّعَ (٣) . (٤)

الإِمَامِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : رَأْسُ كُلِّ شَرِّ الفِحْهَةِ (٥) . (٦)

عنه عليه السلام: الفِحْهَةُ عُنْوَانُ الشَّرِّ . (٧)

ك الكَسَلُ وَالصَّجْرُ الإِمَامُ البَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِيَاكَ وَالكَسَلَ وَالصَّجْرَ ، فَإِنَّهُمَا مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ ؛ مَنْ كَسَلَ لَمْ يُؤَدِّ حَقًّا ، وَمَنْ صَجَرَ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى حَقٍّ . (٨)

-
- ١- غرر الحكم : ح ٤٧٩٥ .
 - ٢- غرر الحكم : ح ٨٣٧٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٤٨ ح ٧٩٢٠ .
 - ٣- الورع : الكف عن المحارم والتحرر منه (النهاية : ج ٥ ص ١٧٤ «ورع») .
 - ٤- مصباح الشريعة : ص ٥١١ ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ٣٣٦ ح ١٩ .
 - ٥- وقح الرجل : قل حياؤه ، والوقاحه والقحه الجراهه على القبائح وعدم المبالاه بها (تاج العروس : ج ٤ ص ٢٥١ «وقح») .
 - ٦- غرر الحكم : ح ٥٢٣١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٦٤ ح ٤٨٠٨ .
 - ٧- غرر الحكم : ح ٣٤١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٣ ح ٥٩٩ ، مستدرک الوسائل : ج ١٢ ص ٨٤ ح ١٣٥٨٢ .
 - ٨- تحف العقول : ص ٢٩٥ ، كشف الغمه : ج ٢ ص ٣٥٩ عن خالد بن أبي الهيثم نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١٧٥ ح ٣١ .

ط نیرنگ

ی کم حیایی

ک تنبلی و بی حوصلگی

امام علی علیه السلام: گردآورنده همه بدی ها ، لجاجزی و کشمکش بسیار است .

ط نیرنگامام علی علیه السلام: هر کس [خود را] از نیرنگ در امان بداند، به شر برخورد می کند .

ی کم حیایمصباح الشریعه در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده است : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «حیا از ایمان است و ایمان، به حیاست» . آبرومند ، سراسر خوبی است، و هر کس از حیا محروم باشد، سراسر بدی است ، هر چند عبادت کند و پارسایی پیشه نماید .

امام علی علیه السلام: اوج هر بدی ، کم حیایی است .

امام علی علیه السلام: کم حیایی، نشانه بدی است .

ک تنبلی و بی حوصلگیامام باقر علیه السلام: از تنبلی و بی حوصلگی بپرهیز ؛ چرا که آن دو ، کلید هر بدی اند . هر کس تنبلی نماید ، حقی را ادا نمی کند و هر کس بی حوصلگی نشان دهد، بر حقی شکیبایی نمی ورزد .

ل غَلَبَهُ الشَّهْوَاهُ الْإِمَامَ عَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَبَبُ الشَّرِّ غَلَبَةُ الشَّهْوَاهِ .

م سَوْءُ الظَّنِّ الْإِمَامَ عَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَوْءُ الظَّنِّ يُفْسِدُ الْأُمُورَ ، وَيَبْعَثُ عَلَى الشُّرُورِ . (١)

عنه عليه السلام: سَوْءُ الظَّنِّ بِالْمُحْسِنِ ، شَرُّ الْإِثْمِ وَأَقْبَحُ الظُّلْمِ . (٢)

الإمام الرضا عليه السلام: أَحْسِنِ بِاللَّهِ الظَّنَّ ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي ، إِنْ خَيْرًا فَخَيْرٌ ، وَإِنْ شَرًّا فَشَرٌّ . (٣)

ن حُبُّ الدُّنْيَا الْإِمَامَ عَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الدُّنْيَا مَعْدِنُ الشَّرِّ وَمَحَلُّ الْغُرُورِ . (٤)

عنه عليه السلام: الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الشَّرِّ . (٥)

س تِلْكَ الْخِصَالُ الْإِمَامَ عَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جِمَاعُ الشَّرِّ فِي الْإِغْتِرَارِ بِالْمَهَلِ ، وَالْإِتْكَالِ عَلَى الْأَمَلِ (٦) . (٧)

عنه عليه السلام: النَّفَاقُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ: عَلَى الْهَوَى ، وَالْهُوَيْنَا (٨) ، وَالْحَفِيفَةَ (٩) ، وَالطَّمَعِ . فَالْهَوَى عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ: عَلَى الْبَغْيِ ، وَالْعِيدُونِ ، وَالشَّهْوَةِ ، وَالطُّغْيَانِ ، فَمَنْ بَغَى كَثُرَتْ غَوَائِلُهُ وَتُخْلِى مِنْهُ وَقَصِرَ عَلَيْهِ ، وَمَنْ اعْتَدَى لَمْ يُؤْمِنْ بِوَأْتِقُهُ وَلَمْ يَسَلِّمْ قَلْبَهُ وَلَمْ يَمْلِكْ نَفْسَهُ عَنِ الشَّهْوَاتِ ، وَمَنْ لَمْ يَعْدِلْ نَفْسَهُ فِي الشَّهْوَاتِ خَاصًّا فِي الْخَبِيثَاتِ ، وَمَنْ طَغَى ضَلَّ عَلَى عَمَدٍ بِلا حِجَّةٍ . وَالْهُوَيْنَا عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ: عَلَى الْغِرَّةِ ، وَالْأَمَلِ ، وَالْهَيْبَةِ ، وَالْمُطَاطَلَةِ ، وَذَلِكَ بِأَنَّ الْهَيْبَةَ تَرُدُّ عَنِ الْحَقِّ ، وَالْمُطَاطَلَةَ تُفَرِّطُ فِي الْعَمَلِ حَتَّى يَقْدَمَ عَلَيْهِ الْأَخِيْلُ ، وَلَوْ لَمَا الْأَمِيلُ عَلِمَ الْإِنْسَانُ حَسَبَ مَا هُوَ فِيهِ ، وَلَوْ عَلِمَ حَسَبَ مَا هُوَ فِيهِ مَاتَ خُفَاتًا مِنَ الْهَوْلِ وَالْوَجَلِ ، وَالْغِرَّةُ تَقْصُرُ بِالْمَرْءِ عَنِ الْعَمَلِ . وَالْحَفِيفَةُ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ: عَلَى الْكِبَرِ وَالْفَخْرِ وَالْحَمِيَّةِ (١٠) وَالْعَصِيْبَةِ ، فَمَنْ اسْتَكْبَرَ أَدْبَرَ عَنِ الْحَقِّ ، وَمَنْ فَخَرَ فَجَزَرَ ، وَمَنْ حَمَى أَصِيْرَ عَلَى الدُّنُوبِ ، وَمَنْ أَخَذَتْهُ الْعَصِيْبَةُ جَارَ ، فَبِئْسَ الْأَمْرُ أَمْرٌ بَيْنَ إِدْبَارِ وَفُجُورٍ ، وَإِصْرَارِ وَحِيْورٍ عَلَى الصَّرَاطِ . وَالطَّمَعُ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ: الْفَرَحِ ، وَالْمَرْحِ وَاللَّجَاجَةِ وَالتَّكَاثُرِ ؛ فَالْفَرَحُ مَكْرُوهٌ عِنْدَ اللَّهِ ، وَالْمَرْحُ خِيْلَاءٌ ، وَاللَّجَاجَةُ بَلَاءٌ لِمَنْ اضْطَرَّتْهُ إِلَى حَمْلِ الْأَثَامِ وَالتَّكَاثُرِ لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَشُغْلٌ ، وَاسْتِبْدَالُ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ . (١١)

١- غرر الحكم: ح ٥٥٣٣ . ٢. غرر الحكم: ح ٥٥٧٥ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٨٣ ح ٥٠٩٦ .

٢- غرر الحكم: ح ٥٥٧٣ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٨٤ ح ٥١٣٣ .

٣- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ٢٠ ح ٤٤ عن إسماعيل بن بزيع ، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣٨٥ ح ٤٤ .

٤- غرر الحكم: ح ١٤٧٣ .

٥- غرر الحكم: ح ٦٩٣ و ح ٤٠١ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٨ ح ٨٣٤ .

٦- .. في الطبعة المعتمدة: «والإتكال على العمل» ، والتصويب من طبعه النجف وطهران وبيروت .

٧- غرر الحكم: ح ٤٧٧١ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٢٣ ح ٤٣٤٠ .

- ٨- .الهوننا : التؤده والرفق والسكينه والوقار (لسان العرب : ج ١٣ ص ٤٣٩ «هون») . والمراد هنا : التهاون فى أمر الدين وترك الاهتمام فيه .
- ٩- .الحَفِيظَةُ : الغَضَبُ (النهايه : ج ١ ص ٤٠٨ «حفظ») .
- ١٠- .الحَمِيَّةُ : الأنفَةُ والغَيْرَةُ (النهايه : ج ١ ص ٤٤٧ «حما») .
- ١١- .الكافى : ج ٢ ص ٣٩٣ ح ١ عن سليم بن قيس الهلالى ، الخصال : ص ٢٣٤ ح ٧٤ عن الأصيغ بن نباته ، تحف العقول : ص ١٦٧ ، الغارات : ج ١ ص ١٤٤ ، كتاب سليم بن قيس : ج ٢ ص ٩٥٢ ح ٨٦ كلها نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٢ ص ١١٦ ح ١٥

ل چیرگی شهوت**م بدگمانی****ن دنیا دوستی****س این ویژگی ها**

ل چیرگی شهوت امام علی علیه السلام: چیرگی شهوت، موجب بدی است .

م بدگمانی امام علی علیه السلام: بدگمانی، کارها را تباه می کند و به بدی ها وادار می نماید .

امام علی علیه السلام: بدگمانی به نیکوکار، بدترین گناه و زشت ترین ستم است .

امام رضا علیه السلام: به خدا خوش گمان باش ؛ چرا که خداوند عز و جل می فرماید: «من، در نزد گمان بنده ام هستم. اگر [گمانش] خیر بود، [من برای او] خیر خواهم خواست، و اگر [گمانش] شر بود، [برایش] شر خواهم خواست» .

ن دنیا دوستی امام علی علیه السلام: دنیا، کان بدی و جایگاه فریب است .

امام علی علیه السلام: دنیا، کشتزار شر (بدی) است .

س این ویژگی ها امام علی علیه السلام: همه بدی ها، در فریب خوردن از مهلت، و پشت گرمی به آرزو است .

امام علی علیه السلام: دورویی، بر چهار پایه استوار است: هوس، سستی [در دین]، خشم و طمع. هوس، بر چهار پایه استوار است: زیاده طلبی، تجاوز، شهوت، و سرکشی. هر کس زیاده طلبی نماید، آشوبگری هایش بسیار می شود و تنها می ماند و عرصه بر او تنگ می گردد، و هر کس تجاوز نماید، از شر آفرینی اش ایمنی نیست و دلش [از بیماری نفسانی] سالم نمی ماند و خود را از شهوت ها باز نمی دارد، و هر کس نفس خود را از شهوت ها باز ندارد، در پلیدی ها فرو می رود، و هر کس سرکشی نماید، از روی عمد و بی دلیل، خود را گم راه می سازد. سستی [در دین]، بر چهار پایه استوار است: غرور، آرزو، ترس، و تأخیر انداختن. این، به خاطر آن است که ترس، از حقیقت باز می دارد، و تأخیر انداختن، موجب کوتاهی در [انجام دادن] عمل می گردد تا این که اجل فرارسد، و اگر آرزو نبود، انسان جایگاه خود را می شناخت و اگر جایگاه خود را می شناخت، از ترس و وحشت، سکت می کرد. و غرور، موجب کاسته شدن عمل انسان می شود. خشم، بر چهار پایه استوار است: خودبزرگی بینی، فخر فروشی، غرور، و تعصب. هر کس خودبزرگ بینی کند، از حقیقت روی می گرداند، و هر کس فخر فروشی نماید، از درستی، روی بر می گرداند، و هر کس غرور داشته باشد، بر گناهان پافشاری می کند، و هر کس

تعصیب بورزد، ستم می کند . چه بد کارهایی هستند روی گرداندن [از حقیقت] و گناه کردن و پافشاری [بر گناه] و ستمکاری! طمع، بر چهار پایه استوار است : شادمانی، سرمستی بسیار، لجبازی، و زیاده خواهی . شادمانی [بیش از حد] در نزد خداوند، ناپسند است ، سرمستی، تیختر است ، لجبازی، برای کسی که او را به کشیدن بار گناهان وادار ساخته، بلاست ، و زیاده خواهی، سرگرمی است و بازی و گرفتاری و جایگزین کردن چیز بهتر با چیز پست تر .

عنه عليه السلام: الخِلالُ المُنتِجَةُ لِلشَّرِّ: الكَذِبُ وَالبُخْلُ وَالجَوْرُ وَالجَهِلُ . (١)

الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ أُعْطِيَ الخُلُقَ وَالرَّفَقَ فَقَدَ أُعْطِيَ الخَيْرَ وَالرَّاحَةَ ، وَحَسُنَ حالُهُ فِي دُنْيائِهِ وَآخِرَتِهِ ، وَمَنْ حُرِمَ الخُلُقَ وَالرَّفَقَ كانَ ذَلِكَ سَبيلًا إلى كُلِّ شَرٍّ وَيَلِيهِ ، إِلَّا مَنْ عَصَمَهُ اللهُ . (٢)

١- غرر الحكم : ح ٢٠٠٥ .

٢- كشف الغمّة : ج ٢ ص ٣٤٥ عن ابن المبارك ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١٨٦ ح ٢٣ .

امام علی علیه السلام: خصلت هایی که بدی به بار می آورند، دروغ و بخل و ستم و نادانی اند.

امام باقر علیه السلام: هر کس از اخلاق خوب و مُیدارا برخوردار شود، از خیر و راحتی برخوردار گردیده است و وضعیت او در دنیا و آخرت، نیکو می گردد، و هر کس از اخلاق خوب و مدارا محروم شود، این، راه هر شرّ (بدی) و بلایی است، مگر آن که خداوند، نگهش دارد.

٣ / ٦ مساوي الأعمالاً شرب الخمر رسول الله صلى الله عليه وآله : جُمِعَ الشَّرُّ كُلُّهُ فِي بَيْتٍ ، وَجُعِلَ مِفْتَاحُهُ شُرْبَ الْخَمْرِ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله : الخمرُ جماعُ الإثمِ ، وأُمُّ الخبائثِ ، ومِفْتَاحُ الشَّرِّ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام : الشُّرْبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ ، وَمِيدَانُ الْخَمْرِ كَعَابِدٍ وَثَنٍ ، وَإِنَّ الْخَمْرَ رَأْسُ كُلِّ إِثْمٍ ، وَشَارِبُهَا مُكَذِّبٌ بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى ، لَوْ صَدَّقَ كِتَابَ اللَّهِ حَرَّمَ حَرَامَهُ . (٣)

الإمام الحسين عليه السلام : (٤) : شاربُ المُسكِرِ مِنَ الأَشْرَارِ . (٥)

الإمام الصادق عليه السلام : الخمرُ لَنْ تَزِيدَ شَارِبَهَا إِلَّا كُلَّ شَرٍّ . (٦)

١- .جامع الأخبار : ص ٤٢٣ ح ١١٧٦ ، بحار الأنوار : ج ٧٩ ص ١٤٨ ح ٥٨ وراجع كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٤ ص ٣٥٤ ح

٥٧٦٢ ومكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٢٠ ح ٢٦٥٦ والمصنّف لعبد الرزاق : ج ٩ ص ٢٣٨ ح ١٧٠٦٨ .

٢- .جامع الأخبار : ص ٤٢٥ ح ١١٨٦ ، بحار الأنوار : ج ٧٩ ص ١٤٩ ح ٥٨ .

٣- .الكافي : ج ٦ ص ٤٠٣ ح ٤ عن أبي أسامة و ح ٩ وفيه صدره ، ثواب الأعمال : ص ٢٩١ ح ١٢ نحوه ، علل الشرايع : ص

٤٧٦ ح ٣ عن أبي بكر الحضرمي عن أحدهما عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٩ ص ١٣٣ ح ٢٢ .

٤- .في هامش المصدر : «الإمام الحسن عليه السلام» .

٥- .دعائم الإسلام : ج ٢ ص ١٣٣ ح ٤٦٨ ، بحار الأنوار : ج ٦٦ ص ٤٩٥ ح ٤١ .

٦- .تهذيب الأحكام : ج ٩ ص ١٢٨ ح ٥٥٣ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٣ ص ٣٤٦ ح ٤٢١٥ ، علل الشرايع : ص ٤٨٤ ح ١

كلاهما عن الإمام الباقر عليه السلام ، المحاسن : ج ٢ ص ٦٣ ح ١١٧٥ عن المفضل بن عمر ، الأمل للصدوق : ص ٧٦٤ ح

١٠٢٧ عن عذافر عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٩ ص ١٣٣ ح ٢٢ وراجع الكافي : ج ٦ ص ٢٤٣ ح ١ .

الف میخوارگی

۳ / ۶ اعمال ناشایستالف میخوارگیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همه بدی ها در خانه ای گرد آمدند و کلید آن [خانه] ، میخوارگی قرار داده شد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شراب، گردآورنده گناه ها، مادر پلیدی ها و کلید هر بدی است .

امام صادق علیه السلام :باده نوشی ، کلید هر بدی است و شرابخوارِ دائم، مانند بت پرست است و همانا شراب، اساس هر گناه، و نوشنده آن، تکذیب کننده کتاب خدای متعال است، [که] اگر کتاب خدا را تصدیق می کرد، حرام آن را حرام می دانست .

امام حسین علیه السلام :نوشنده [چیز] مستی آور، در زمره بدان است .

امام صادق علیه السلام :شراب، هر گز به نوشنده اش چیزی جز همه شرّ را نمی افزاید .

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ لِلشَّرِّ أَفْقَالاً ، وَجَعَلَ مَفَاتِيحَ تِلْكَ الْأَقْفَالِ الشَّرَابَ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام لَمَّا سَأَلَهُ الزُّنْدِيقُ : لِمَ حَرَّمَ اللَّهُ الخَمْرَ : حَرَّمَهَا لِأَنَّهَا أُمُّ الخَبَائِثِ وَرَأْسُ كُلِّ شَرٍّ ، يَأْتِي عَلَى شَارِبِهَا سَاعَةٌ يُسَلَبُ نُبُّهُ (٢) ، وَلَا يَعْرِفُ رَبَّهُ ، وَلَا يَتْرُكُ مَعْصِيَتَهُ . (٣)

عنه عليه السلام : الْمُضْطَرُّ لَا يَشْرَبُ الخَمْرَ لِأَنَّهَا لَا تَزِيدُهُ إِلَّا شَرًّا ؛ وَلِأَنَّهُ إِنْ شَرِبَهَا قَتَلَتْهُ ، فَلَا يَشْرَبُ مِنْهَا قَطْرَةً . (٤)

بِ الكَذِبِ بالإمام علي عليه السلام : عَاقِبَةُ الكَذِبِ الدَّمُّ ، وَفِي الصِّدْقِ السَّلَامَةُ ، وَعَاقِبَةُ الكَذِبِ شَرُّ عَاقِبِهِ . (٥)

عنه عليه السلام : شَرُّ الْأَخْلَاقِ الكَذِبُ وَالنَّفَاقُ . (٦)

عنه عليه السلام : شَرُّ الشُّيْمِ (٧) الكَذِبُ . (٨)

-
- ١- الكافي : ج ٢ ص ٣٣٩ ح ٣ عن محمد بن مسلم و ج ٦ ص ٤٠٣ ح ٥ ، ثواب الأعمال : ص ٢٩١ ح ٨ كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٢ ص ٢٣٦ ح ٣ .
 - ٢- اللُّبُّ : العقل ، والجمع : ألباب (النهاية : ج ٤ ص ٢٢٣ «لب»).
 - ٣- الاحتجاج : ج ٢ ص ٢٣٨ ح ٢٢٣ ، بحار الأنوار : ج ٦٦ ص ٤٩٠ ح ٢٨ .
 - ٤- علل الشرايع : ص ٤٧٨ ح ١ ، تفسير العياشي : ج ١ ص ٧٤ ح ١٥٢ كلاهما عن أبي بصير ، بحار الأنوار : ج ٦٥ ص ١٥٧ ح ٣٣ .

٥- تحف العقول : ص ٨٤ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٢٣٠ ح ٢ .

٦- غرر الحكم : ح ٥٦٨٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٩٣ ح ٥٢١٤ .

٧- الشَّيْمَةُ : هي الغريزة والطبيعه والجبلَّة التي خُلِقَ الإنسان عليها ، والجمع : شِيم (مجمع البحرين : ج ٢ ص ٩٩٩ «شيم»).

٨- غرر الحكم : ح ٥٧٢٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٩٤ ح ٥٢٣٧ .

ب دروغ

امام باقر علیه السلام: خداوند عز و جل برای بدی، قفل‌هایی قرار داده و کلیدهای آن قفل‌ها را شراب قرار داده است .

امام صادق علیه السلام وقتی زندیق از او پرسید که: چرا خداوند، شراب را حرام نموده است؟ : آن را به خاطر این حرام نمود که مادر پلیدی‌ها و ریشه هر بدی ای است . برای نوشنده آن، ساعتی است که خردش از وی جدا می‌شود و پروردگارش را نمی‌شناسد و نافرمانی خدا را رها نمی‌کند .

امام صادق علیه السلام: مضطر (ناچار) [هم]، شراب ننوشد؛ زیرا جز بدی، بر او نمی‌افزاید و نیز اگر آن را بنوشد، او را می‌کشد. (۱) پس قطره‌ای از آن را ننوشد .

ب دروغامام علی علیه السلام: سرانجامِ دروغ، سرزنش است . سلامت، در راستی است و فرجامِ دروغ، بدترین فرجام است .

امام علی علیه السلام: بدترین اخلاق‌ها، دروغ و دورویی اند .

امام علی علیه السلام: بدترین سرشت ، دروغ است .

۱- . احتمالاً مقصود ، هلاکت روحی و اخلاقی است .

عنه عليه السلام: لا سَوَاءَ (١) أَسْوَأُ مِنَ الْكَذِبِ . (٢)

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ لِلشَّرِّ أَفْقَالاً ، وَجَعَلَ مَفَاتِحَ تِلْكَ الْأَقْفَالِ الشَّرَابَ ، وَالْكَذِبُ شَرٌّ مِنَ الشَّرَابِ . (٣)

ج إطلاق اللسان رسول الله صلى الله عليه وآله: رَحِمَ اللَّهُ مُؤْمِنًا أَمْسَكَ لِسَانَهُ مِنْ كُلِّ شَرٍّ ، فَإِنَّ ذَلِكَ صَدَقَهُ مِنْهُ عَلَى نَفْسِهِ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنْ كَانَ فِي شَيْءٍ شُوْمٌ ، فَفِي اللِّسَانِ . (٥)

الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ أَبُو ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ يَقُولُ: يَا مُبْتَغِي الْعِلْمِ إِنَّ هَذَا اللِّسَانَ مِفْتَاحُ خَيْرٍ وَمِفْتَاحُ شَرٍّ ، فَاخْتِمِ عَلَى لِسَانِكَ كَمَا تَخْتِمُ عَلَى ذَهَبِكَ وَوَرِقِكَ (٦) . (٧)

١- السَّوْأَةُ: الخَلَّةُ القَيْيْحَةُ ، أَى الخِضْلَةُ الرَدِيئَةُ (تاج العروس: ج ١ ص ١٧٦ «سوأ»).

٢- الكافي: ج ٨ ص ١٩ ح ٤ عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٤٠٦ ح ٥٨٨٠ ، التوحيد: ص ٧٤ ح ٢٧ ، الأمل للصدوق: ص ٣٩٩ ح ٥١٥ كَلَّمَهَا عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَنِ أَبِيهِ عَنِ جَدِّهِ عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ٢٥٩ ح ٢٣ .

٣- الكافي: ج ٢ ص ٣٣٩ ح ٣ عن محمد بن مسلم ، ثواب الأعمال: ص ٢٩١ ح ٨ عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ٢٣٦ ح ٣ .

٤- تحف العقول: ص ٢٩٨ عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٧٨ ح ٥٤ .

٥- الكافي: ج ٢ ص ١١٦ ح ١٧ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاة الأنوار: ص ٥٥١ ح ١٨٥١ و ص ٣٠٥ ح ٩٥٣ عن الإمام الصادق عن الإمام عليّ عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله ، الاختصاص: ص ٢٤٩ ، بحار الأنوار: ج ٦٨ ص ٣٠٥ ح ٨١ نقلاً عن الاختصاص وفيه «إِنْ كَانَ الشَّرُّ فِي شَيْءٍ ...» .

٦- الوَرْقُ: الدراهم المصروبه . وفي الوَرْقُ ثلاث لغات: وَرِقٌ ، وَوَرِقٌ ، وَوَرَقٌ (الصحيح: ج ٤ ص ١٥٦٤ «ورق»).

٧- الكافي: ج ٢ ص ١١٤ ح ١٠ ، الأمل للمفيد: ص ١٨٠ ح ١ وفيه «باغى» بدل «مبتغى» ، الأمل للطوسي: ص ٥٤٤ ح ١١٦٦ وفيهما «فمك» بدل «لسانك» وكلها عن أبي بصير ، تحف العقول: ص ٢٩٨ وليس فيه صدره و ص ٣٩٥ وفيه «فيك» بدل «لسانك» ، مشكاة الأنوار: ص ٣٠٥ ح ٩٥٢ ، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٣٠١ ح ٧٤ .

ج هرزه زبانی

امام علی علیه السلام: بدی بدتر از دروغ نیست .

امام باقر علیه السلام: خداوند عز و جل برای بدی، قفل هایی قرار داده و شراب را کلیدهای این قفل ها قرار داده است و دروغ، از شراب، بدتر است .

ج هرزه زبانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدا رحمت کند مؤمنی را که زبانش را از هر بدی، باز بدارد؛ چرا که آن، صدقه دادن بر خودش است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر در چیزی نُحوست (بدیمنی) باشد، در زبان است .

امام باقر علیه السلام: ابو ذر که رحمت خدا بر او باد پیوسته می گفت: ای دانشجو! همانا این زبان، کلید خیر و کلید شر است . پس بر زبان، مُهر بزن، همچنان که بر طلا و سکه ات مهر می زنی .

الإمام على عليه السلام: لا- تقولن ما يوافق هواك وإن قلتها لهما أو خلته لغوا، فرب لهو يوحش منك حرا، ولغو يجلب عليك شرا. (١)

عنه عليه السلام: رب لغو يجلب شرا. (٢)

٣ / ٧ شياطين الجن والإنس وسوسة الشيطان الكتاب «الشيطان يعدكم الفقر ويأمركم بالفحشاء». (٣)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: إن للشيطان لمة (٤) بابن آدم وللملك لمة، فأما لمة الشيطان فإيعاد بالشر وتكذيب بالحق، وأما لمة الملك فإيعاد بالخير وتصديق بالحق، فمن وجد ذلك فليعلم أنه من الله فليحمد الله، ومن وجد الأخرى فليتعوذ بالله من الشيطان الرجيم. (٥)

١- غرر الحكم: ح ١٠٢٧٠.

٢- غرر الحكم: ح ٥٢٩٠.

٣- البقره: ٢٦٨.

٤- اللمة: الهمة تقع في القلب، فما كان من خطرات الخير فهو من الملك، وما كان من خطرات الشر فهو من الشيطان (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٦٤٨ «لم»).

٥- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٢١٩ ح ٢٩٨٨، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ٣٠٥ ح ١١٠٥١، صحيح ابن حبان: ج ٣ ص ٢٧٨ ح ٩٩٧، مسند أبى يعلى: ج ٥ ص ١٩ ح ٤٩٧٨ كلها عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال: ج ١ ص ٢٤٦ ح ١٢٤٠.

الف وسوسه شیطان (ابلیس)

امام علی علیه السلام: چیزی را که موافق هوای نفس توست، هرگز نگو، هر چند گفتنش برای سرگرمی یا وقت گذرانی باشد. چه بسیار سرگرمی ای که آزاده را از تو هراسان می کند، و چه بسیار بیهوده گویی ای که برایت شر می آفریند!

امام علی علیه السلام: چه بسیار بیهوده گویی ای که شرآفرین است!

۳ / ۷ شیطان های جن و انسالف وسوسه شیطان (ابلیس) قرآن «شیطان، شما را از تهی دستی بیم می دهد و شما را به زشتی وا می دارد».

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا شیطان القائاتی به فرزند آدم دارد و فرشته نیز القائاتی دارد: القای شیطان، به بدی وعده دادن و حق را تکذیب نمودن است و القای فرشته، به نیکی وعده دادن و حق را تصدیق کردن. پس هر کس این را یافت، باید بداند که از جانب خداوند است و بدین خاطر باید خدا را ستایش نماید، و هر کس آن دیگری را یافت، باید از شیطان رانده شده به خدا پناه ببرد.

عنه صلى الله عليه وآله: [إِنَّ] (١) لِلشَّيْطَانِ كُحْلًا وَلَعُوقًا (٢)، فَإِذَا كَحَلَ الْإِنْسَانَ مِنْ كُحْلِهِ نَامَتْ عَيْنَاهُ عَنِ الذِّكْرِ، وَإِذَا لَعَقَهُ مِنْ لَعُوقِهِ ذَرَبَ (٣) لِسَانَهُ بِالشَّرِّ. (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ إبليسَ يَخْطُبُ شَيْطَانِيَهُ وَيَقُولُ: عَلَيْكُمْ بِاللَّحْمِ وَالْمُسْكِرِ وَالنِّسَاءِ، فَإِنِّي لَا أَجِدُ جَمَاعَ الشَّرِّ إِلَّا فِيهَا. (٥)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ لِلْقَلْبِ أُذُنَيْنِ: رُوحَ الْإِيمَانِ يُسَارُهُ بِالْخَيْرِ، وَالشَّيْطَانُ يُسَارُهُ بِالشَّرِّ، فَأَيُّهُمَا ظَهَرَ عَلَى صَاحِبِهِ غَلَبَهُ. (٦)

بِطَانَتِهِ السُّوءِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا بَعَثَ اللَّهُ مِنْ نَبِيٍّ وَلَمْ اسْتَخْلَفْ مِنْ خَلِيفَةٍ إِلَّا كَانَتْ لَهُ بَطَانَتَانِ، بَطَانَةٌ تَأْمُرُهُ بِالْمَعْرُوفِ وَتَحْضُرُهُ عَلَيْهِ، وَبَطَانَةٌ تَأْمُرُهُ بِالشَّرِّ وَتَحْضُرُهُ عَلَيْهِ، فَالْمَعْصُومُ مَنْ عَصَمَ اللَّهُ تَعَالَى. (٧)

٣ / ٨ تِلْكَ الْأَعْمَالُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ وَقِيَ شَرَّ ثَلَاثٍ فَقَدَ وَقِيَ الشَّرَّ كُلَّهُ: لَقَلَقَهُ وَقَبَقَهُ وَذَبَذَبَهُ؛ فَلَقَلَقَهُ لِسَانُهُ، وَقَبَقَهُ بَطْنُهُ، وَذَبَذَبَهُ فَرْجُهُ. (٨)

- ١- ما بين المعقوفين سقط من المصدر وأثبتناه من المصادر الأخرى .
- ٢- اللُّعُوقُ: اسم لما يُلَعَقُ كالِدَوَاءِ وَالْعَسَلِ وَغَيْرِهِ (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٦٤٣ «لعق»).
- ٣- ذَرَبَ لِسَانَهُ: إِذَا كَانَ حَادًّا اللَّسَانَ لَا يَبَالِي مَا قَالَ (النهاية: ج ٢ ص ١٥٦ «ذرب»).
- ٤- المعجم الكبير: ج ٧ ص ٢٠٦ ح ٦٨٥٥، شعب الإيمان: ج ٤ ص ٢٤٩ ح ٤٩٦٣، تاريخ أصبهان: ج ٢ ص ٢٠٤ الرقم ١٣٩٤ كُلُّهَا عَنْ سَمَرِهِ، كَنْزُ الْعَمَالِ: ج ١ ص ٢٤٥ ح ١٢٣٤ .
- ٥- طب النبي صلى الله عليه وآله: ص ٥، بحار الأنوار: ج ٦٢ ص ٢٩٣ .
- ٦- قرب الإسناد: ص ٣٣ ح ١٠٨ عن بكر بن محمد الأزدي، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٥٣ ح ١٧ .
- ٧- صحيح البخاري: ج ٦ ص ٢٦٣٢ ح ٦٧٧٣، سنن النسائي: ج ٧ ص ١٥٨، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٧٨ ح ١١٣٤٢، صحيح ابن حبان: ج ١٤ ص ٧٢ ح ٦١٩٢، السنن الكبرى: ج ١٠ ص ١٩٠ ح ٢٠٣١٤ كُلُّهَا عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخَدْرِيِّ، كَنْزُ الْعَمَالِ: ج ٦ ص ٨١ ح ١٤٩٣٠ .
- ٨- كَنْزُ الْفَوَائِدِ: ج ٢ ص ١٠، معدن الجواهر: ص ٣٢، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٠٥، إرشاد القلوب: ص ١٠٣ وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٣١٥ ح ٧؛ الفردوس: ج ٣ ص ٦٣٢ ح ٥٩٧٨ عن أنس نحوه .

ب ندیمان بد**۳ / ۸ و این کارها**

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا شیطان، توتیا و معجونی دارد. پس هر گاه از توتیای خود بر چشم انسان بریزد، چشمانش از یاد خدا غافل می شوند، و هر گاه از معجون خود به کام انسان بچشانند، زبانش به بدی، تند می گردد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا ابلیس به شیطان هایش خطاب می کند و می گوید: در پی گوشت و مست کننده و زنان باشید؛ چرا که من همه بدی ها را جز در آنها نمی یابم.

امام صادق علیه السلام: همانا دل، دو گوش دارد: روح ایمان که آن را به سوی خیر می برد، و شیطان که آن را به سوی شر می راند. هر یک از آن دو بر دیگری چیره شود، پیروز می گردد.

ب ندیمان بد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، هیچ پیامبری بر نینگیخت و هیچ خلیفه ای بر نگزید، جز این که دو ندیم مخصوص داشت: ندیمی که او را به نیکوکاری فرمان می داد و بر آن تشویق می نمود، و ندیمی که او را به بدی، فرمان می داد و بر آن، تحریک می نمود. معصوم، کسی است که خدای متعال، او را نگه داشته است.

۳ / ۸ و این کارها پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس از شرّ سه چیز محفوظ بماند، از همه بدی ها در امان می ماند: آویزه اش، انبانش و جنبانش. آویزه اش [از زبان اوست، انبانش شکم اوست و جنبانش [نیز] فَرْج [و شهوت] اوست.

الموطأ عن عطاء بن يسار: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: مَنْ وَقَاهُ اللَّهُ شَرَّ اثْنَيْنِ وَلَجَّ الْجَنَّةَ. فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لَا تُخْبِرُنَا؟ فَسَكَتَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. ثُمَّ عَادَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ مِثْلَ مَقَالَتِهِ الْأُولَى. فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: لَا تُخْبِرُنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَسَكَتَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِثْلَ ذَلِكَ أَيْضًا. فَقَالَ الرَّجُلُ: لَا تُخْبِرُنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِثْلَ ذَلِكَ أَيْضًا. ثُمَّ ذَهَبَ الرَّجُلُ يَقُولُ مِثْلَ مَقَالَتِهِ الْأُولَى فَأَسَكَّتَهُ رَجُلٌ إِلَى جَنْبِهِ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ وَقَاهُ اللَّهُ شَرَّ اثْنَيْنِ وَلَجَّ الْجَنَّةَ، مَا بَيْنَ لَحْيَيْهِ وَمَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ، مَا بَيْنَ لَحْيَيْهِ وَمَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ، مَا بَيْنَ لَحْيَيْهِ وَمَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ. (١)

عيسى عليه السلام: بِحَقِّ أَقْوَالٍ لَكُمْ: إِنَّ الْمِدْحَةَ بِالْكَذِبِ وَالْتَرَكِيهَ فِي الدِّينِ، لَمِنْ رَأْسِ الشُّرُورِ الْمَعْلُومَةِ. (٢)

-
- ١- الموطأ: ج ٢ ص ٩٨٧ ح ١١، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٣٥ ح ٢٣١٢٧ نحوه، سنن الترمذی: ج ٤ ص ٦٠٦ ح ٢٤٠٩، مسند أبي يعلى: ج ٥ ص ٤٤٣ ح ٦١٧٢، موارد الظمان: ص ٦٣٢ ح ٢٥٤٥ والثلاثة الأخيرة عن أبي هريره وفيها «من وقاه الله شر ما بين لحييه وشر ما بين رجليه دخل الجنة» فقط، كنز العمال: ج ٣ ص ٥٥٣ ح ٧٨٧١.
- ٢- تحف العقول: ص ٥٠٨، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣١١ ح ١٧.

الموطأ به نقل از عطاء بن یسار: همانا پیامبر خدا فرمود: «هر که خداوند او را از شرّ دو چیز ننگه بدارد، به بهشت وارد می شود». مردی گفت: ای پیامبر خدا! آیا ما را [از آنها] آگاه نمی سازی؟ پیامبر خدا خاموشی گزید و سپس همان سخن نخست خویش را تکرار فرمود. آن مرد به ایشان گفت: ای پیامبر خدا! آیا ما را آگاه نمی سازی؟ پیامبر خدا، باز سکوت کرد و سپس همان سخن را فرمود. آن مرد گفت: ای پیامبر خدا! آیا ما را آگاه نمی سازی؟ پیامبر خدا، باز همان سخن را فرمود و چون آن مرد خواست بار دیگر، سخن خود را تکرار کند، مردی که در کنارش بود، او را ساکت نمود. آن گاه پیامبر خدا فرمود: «هر که خداوند او را از شرّ دو چیز ننگه بدارد، به بهشت وارد می شود: آنچه میان دو فک است (زبان) و آنچه میان دو پاست (فَرْج). آنچه میان دو فک است و آنچه میان دو پاست. آنچه میان دو فک است و آنچه میان دو پاست».

عیسی علیه السلام: حقیقتاً به شما می گویم: به دروغ، مدح گفتن و خود را پاک شمردن در دین، اساس شرهای آشکار است

الفصل الرابع : موانع الشرور ٤ / ١ المعرفه الكتاب «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِمَّنْ إِمْلَقْتُمْ نَحْنُ نَزَرُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَلَّكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» . (١)

الحديث للإمام علي عليه السلام : مَنْ لَمْ يَعْرِفْ مَضْرَّةَ الشَّرِّ ، لَمْ يَقْدِرْ عَلَى الْإِمْتِنَاعِ مِنْهُ . (٢)

الإمام الباقر عليه السلام : إِدْفَعْ عَنِ نَفْسِكَ حَاضِرَ الشَّرِّ بِحَاضِرِ الْعِلْمِ . (٣)

الإمام الكاظم عليه السلام : يَا هِشَامُ ، كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ ، وَمَا تَمَّ عَقْلُ امْرِئٍ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ خِصَالُ سِتِّي ، الْكُفْرُ وَالشُّرُّ مِنْهُ مَأْمُونَانِ ... (٤)

١- الأنعام : ١٥١ .

٢- غرر الحكم : ح ٩٠٠٨ .

٣- تحف العقول : ص ٢٨٥ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١٦٣ ح ١ .

٤- الكافي : ج ١ ص ١٨ ح ١٢ عن هشام بن الحكم ، تحف العقول : ص ٣٨٨ ، بحار الأنوار : ج ١ ص ١٤٠ ح ٣٠ .

فصل چهارم : موانع شرور

۴ / ۱ شناخت

فصل چهارم : موانع شرور ۴ / ۱ شناختقرآن «بگو: «بیایید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده، برای شما بخوانم: چیزی را با او شریک قرار مدهید و به پدر و مادر احسان کنید و فرزندان خود را از بیم تنگ دستی مکشید [که] ما شما و آنان را روزی می رسانیم و به کارهای زشت (چه علنی آن و چه پوشیده [اش]) نزدیک نشوید و نفسی را که خدا حرام گردانیده، جز به حق مکشید. اینهاست که [خدا] شما را به [انجام دادن] آن سفارش کرده است. باشد که بیندیشید» .

حدیثامام علی علیه السلام: کسی که زیان شر را نداند، توان خودداری از آن را نخواهد داشت.

امام باقر علیه السلام: وجود شرّ را با کسب دانش، از خود دور کن .

امام کاظم علیه السلام: ای هشام! امیر مؤمنان، پیوسته می فرمود: «خداوند به چیزی برتر از خرد، پرستش نشده است، و خرد مردی کامل نمی گردد، مگر این که در او، ویژگی های فراوانی باشد: [یکی] در امان بودن [مردم] از کفر و شرّ او...» .

الإمام علي عليه السلام في بيان ثمرات العلم: ومن ثمراته ترك الانتقام عند القدره، واستقباح مفاربه الباطل، واستحسان متابعه الحق، وقول الصدق، والتجاني عن سيرور في غفله، وعن فعل ما يعقب ندامه، والعلم يزيد العاقل عقلاً ويورث متعلمه صفات حمد، فيجعل الحليم أميراً، وذا المشوره وزيراً، ويقمع الحرص، ويخلع المكر، ويُميت البخل، ويجعل مُطلق الفحش مأسوراً، ويُعيد السداد قريباً. (١)

راجع: ص ٣٦٨ (الفصل الثاني: مبادئ السعادة / المعرفة).

٤ / ١٢ الإيمان الكتاب «كذ لك يجعل الله الرجس على الذين لا يؤمنون». (٢)

«وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ». (٣)

«إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ». (٤)

الحدِيث رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ صِدْقَهُ السَّرُّ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ، وَإِنَّ صِدْقَهُ تَقَى مَصَارِعَ السَّوِّءِ، وَإِنَّ صِدْقَهُ الرَّحْمُ تَزِيدُ فِي الْعُمْرِ وَتَقَى الْفَقْرَ وَأَكْثَرُوا مِنْ قَوْلٍ: لا- حَوْلَ وَلا- قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، فَإِنَّهَا كَنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ، وَإِنَّ فِيهَا شِفَاءً مِنْ تِسْعَةِ وَتِسْعِينَ دَاءً، أَدَانَهَا اللَّهُمَّ. (٥)

١- مطالب السؤل: ص ٤٨، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٦ ح ٥٧.

٢- الأنعام: ١٢٥.

٣- ص: ٢٤.

٤- الأعراف: ٢٧.

٥- المعجم الأوسط: ج ١ ص ٢٨٩ ح ٩٤٣ عن بهز بن حكيم عن أبيه عن جده، تاريخ دمشق: ج ١٧ ص ١٧٢ ح ٤٠٨٧ عن ابن عباس نحوه، كثر العمال: ج ٦ ص ٣٩٨ ح ١٦٢٤٢؛ دعائم الإسلام: ج ٢ ص ٣٣١ ح ١٢٤٩ نحوه، مستدرک الوسائل: ج ٧ ص ١٨٣ ح ٧٩٨٢.

امام علی علیه السلام در بیان فایده های دانش : از جمله فایده های آن، انتقام نگرفتن به هنگام قدرت ، زشت دانستن نزدیک شدن به باطل، نیک شمردن پیروی از حق ، سخن راست گفتن، فاصله گرفتن از شادی غفلت آمیز ، و کاری که پشیمانی در پی آورد ، است. دانش ، خرد خردمند را افزون می کند و برای آموزنده آن، صفت های پسندیده به ارث می گذارد . پس، بردبار را امیر، و اهل مشورت را وزیر می کند و آزمندی را بر می کند و حيله را نابود می سازد و بخل را می میراند و همه ناسزاگویی ها را در بند می کشد و درستی [و راستی] را نزدیک می کند.

ر . ک : ص ۳۶۹ (فصل دوم : عوامل نیک بختی / شناخت) .

۲ / ۴ ایمانقرآن «این گونه، خدا پلیدی را بر کسانی که ایمان نمی آورند، قرار می دهد» .

«و در حقیقت، بسیاری از شریکان به همدیگر ستم روا می دارند، به استثنای کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، و اینها بس اندک اند» .

«ما شیاطین را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : صدقه پنهانی، خشم پروردگار را فرو می نشاند و کارهای نیک، از حوادث بد، نگه می دارند و صله رحم، عمر را زیاد می کند و از ناداری، حفظ می نماید . این سخن را بسیار بگویید : «لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ؛ هیچ نیرو و توانی، جز از جانب خدا نیست»؛ چرا که این سخن، گنجی از گنج های بهشت است و در آن، شفای نود و نه درد است که کمترین آنها افسردگی است.

الإمام علي عليه السلام: الْمُؤْمِنُونَ خَيْرُهُمْ مَأْمُولَةٌ ، وَشُرُورُهُمْ مَأْمُونَةٌ . (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله : أَعَفَّ النَّاسِ قِتْلَةً ، (٢) أَهْلُ الْإِيمَانِ . (٣)

الكافي عن علي بن سويد : كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ فِي الْحَبْسِ كِتَابًا أَسْأَلُهُ عَنْ حَالِهِ وَعَنْ مَسَائِلَ كَثِيرَةٍ ، فَاحْتَبَسَ الْجَوَابَ عَلَيَّ أَشْهُرًا ، ثُمَّ أَجَابَنِي بِجَوَابٍ هَذِهِ نُسخَتُهُ : ... لَيْسَ مِنْ أَخْلَاقِ الْمُؤْمِنِينَ الْغِشُّ وَلَا الْأَذَى وَلَا الْخِيَانَةُ وَلَا الْكِبْرُ وَلَا الْخَنَا (٤) وَلَا الْفَحْشُ (٥) وَلَا الْأَمْرُ بِهِ . (٦)

راجع : ص ٣٧٠ (الفصل الثاني : مبادئ السعادة / الإيمان) .

٣ / ٤ محاسن الأخلاقاً التقوي بالإمام علي عليه السلام في وصف المتقين : الْمُتَّقُونَ ... قُلُوبُهُمْ مَحْزُونَةٌ، وَشُرُورُهُمْ مَأْمُونَةٌ . (٧)

- ١- غرر الحكم : ح ١٣٤٩ .
- ٢- القتل بالكسر : حاله من القتل (النهاية : ج ٤ ص ١٣ «قتل»).
- ٣- سنن أبي داود : ج ٣ ص ٥٣ ح ٢٦٦٦ ، مسند ابن حنبل : ج ٢ ص ٤٥ ح ٣٧٣٨ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ٨٩٤ ح ٢٦٨١ ، السنن الكبرى : ج ٨ ص ١٠٧ ح ١٦٠٧٨ ، مسند أبي يعلى : ج ٥ ص ٨ ح ٤٩٥٣ كلها عن ابن مسعود ، كنز العمال : ج ١٥ ص ١٢ ح ٣٩٨٤٨ .
- ٤- الخنا : القبيح من الكلام (لسان العرب : ج ١٤ ص ٢٢٤ «خنا»).
- ٥- الفحش : القبيح من الكلام والفعل (لسان العرب : ج ٦ ص ٣٢٥ «فحش»).
- ٦- الكافي : ج ٨ ص ١٢٤ ح ٩٥ ، بحار الأنوار : ج ٤٨ ص ٢٤٢ ح ٥١ .
- ٧- نهج البلاغه : الخطبه ١٩٣ ، تحف العقول : ص ١٥٩ ، الأمالي للصدوق : ص ٦٦٦ ح ٦٦٧ ح ٨٩٧ عن عبد الرحمن بن كثير الهاشمي عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٩١ ح ٢٦٦٣ ، كنز الفوائد : ج ١ ص ٩٠ ، بحار الأنوار : ج ٦٧ ص ٣١٥ ح ٥٠ .

الف پرهیزگاری

امام علی علیه السلام: مؤمنان، نیکی هایشان انتظار می رود و [مردم] از بدی هایشان در امان اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خویشترترین مردم در نوع کشتن [دشمن]، مؤمنان اند.

الکافی به نقل از علی بن سويد: به امام کاظم علیه السلام که در زندان بود، نامه ای نوشتم و از حال ایشان و درباره مسائل بسیاری از ایشان پرسش نمودم. چند ماه، پاسخی به من نرسید. سپس پاسخی داد که این، نسخه همان پاسخ است: «... فریب دادن و آزار رساندن و خیانت و خودبزرگ بینی و ناسزاگویی و دشنام دادن و نیز فرمان دادن به آنها، از اخلاق مؤمنان نیست».

ر. ک: ص ۳۷۱ (فصل دوم: عوامل نیک بختی / ایمان).

۴ / ۳ فضایل اخلاقی الف پرهیزگاری امام علی علیه السلام در وصف پرهیزگاران: پرهیزگاران ... دل هایشان اندوهگین است و [مردم از] شرشان در امان اند.

رسول الله صلى الله عليه وآله: ما عبد الله بمثل العقل، وما تمَّ عقل امرئٍ حتى يكون فيه عشر خصالٍ، الخَيْرُ مِنْهُ مَأْمُولٌ، وَالشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونٌ ... (١).

الإمام علي عليه السلام في وصفِ الْمُتَّقِينَ: الخَيْرُ مِنْهُ مَأْمُولٌ، وَالشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونٌ. (٢)

عنه عليه السلام في وصفِ الْمُتَّقِينَ: مُقْبِلًا خَيْرُهُ مُدْبِرًا شَرُّهُ. (٣)

رسول الله صلى الله عليه وآله في جُمْلِهِ خَيْرٌ طَوِيلٌ وَمَسَائِلٌ كَثِيرَةٌ سَأَلَ عَنْهَا شَمْعُونَ بْنُ لَأَوِيٍّ بِنِ يَهُودَا مِنْ حَوَارِيِّ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَجَابَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ... وَأَمَّا الصَّيَانَةُ فَيَتَشَعَّبُ مِنْهَا: الصَّلَاحُ، وَالتَّوَاضُّعُ، وَالْوَرَعُ، وَالْإِنَابَةُ، وَالْفَهْمُ، وَالْأَدَبُ، وَالْإِحْسَانُ، وَالتَّجَبُّبُ، وَالْخَيْرُ، وَاجْتِنَابُ الشَّرِّ (٤)، فَهَذَا مَا أَصَابَ الْعَاقِلَ بِالصَّيَانَةِ. (٥)

بِالْحَيَاءِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي خَيْرٍ طَوِيلٍ وَمَسَائِلَ كَثِيرَةٍ سَأَلَهُ عَنْهَا رَاهِبٌ يُعْرَفُ بِشَمْعُونَ بْنِ لَأَوِيٍّ بِنِ يَهُودَا مِنْ حَوَارِيِّ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَجَابَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ... أَمَّا الْحَيَاءُ فَيَتَشَعَّبُ مِنْهُ: اللَّيْنُ، وَالرَّأْفَةُ، وَالْمُرَاقَبَةُ لِلَّهِ فِي السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَالسَّلَامَةُ، وَاجْتِنَابُ الشَّرِّ، وَالبَشَاشَةُ، وَالسَّمَاخَةُ، وَالظَّفَرُ. (٦)

١- علل الشرايع: ص ١١٦ ح ١١، الخصال: ص ٤٣٣ ح ١٧ عن سليمان بن خالد عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، الأمالى للطوسى: ص ١٥٣ ح ٢٥٣ عن زر بن أنس عن الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول: ص ٤٤٣ عن الإمام الرضا عليه السلام، معدن الجواهر: ص ٧٠، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٣٩٥ ح ٧٨.

٢- نهج البلاغه: الخطبه ١٩٣، تحف العقول: ص ١٦١، الأمالى للصدوق: ص ٦٦٩ ح ٨٩٧ عن عبد الرحمن بن كثير الهاشمي عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٩٢ ح ٢٦٦٣، كنز الفوائد: ج ١ ص ٩١، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٣١٦ ح ٥٠.

٣- نهج البلاغه: الخطبه ١٩٣، تحف العقول: ص ١٦١، الأمالى للصدوق: ص ٦٦٩ ح ٨٩٧ عن عبد الرحمن بن كثير الهاشمي عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٩٢ ح ٢٦٦٣، كنز الفوائد: ج ١ ص ٩١، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٣١٦ ح ٥٠.

٤- في المصدر «واجتناء البشر»، والتصويب من بحار الأنوار.

٥- تحف العقول: ص ١٧، بحار الأنوار: ج ١ ص ١١٨ ح ١١ وراجع علل الشرايع: ص ١١٣ ح ٩ وتهذيب الكمال: ج ٣١ ص ١٥٨.

٦- تحف العقول: ص ١٧، بحار الأنوار: ج ١ ص ١١٨ ح ١١ وراجع علل الشرايع: ج ١ ص ١١٣ وتهذيب الأحكام: ج ٣١ ص ١٥٨.

ب حیا

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، هرگز به مانند [پرستش] خرد، پرستش نشده است . خردِ مردی، کامل نمی شود، مگر در آن، ده ویژگی باشد : از او امید خیر برود ، از شرّش احساس امتیّت شود

امام علی علیه السلام در وصف پرهیزگاران : خیر از او امید می رود و از شرّ او احساس امتیّت می شود .

امام علی علیه السلام در وصف پرهیزگاران : خوبی او روی آور ، و شرّش [از همگان] روی گردان است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی طولانی و در میان مسائل بسیاری که شمعون بن لاوی بن یهودا (یکی از حواریون عیسی علیه السلام) درباره آنها پرسش نمود و پیامبر خدا پاسخ گفت : ... و از صیانت [که از عفاف، حاصل می شود]، اموری جوانه می زند : درستکاری، فروتنی، پارسایی، توبه، فهم، ادب، نیکی، دوستی کردن، خیر، و اجتناب از شر . اینها چیزهایی هستند که به وسیله صیانت [حاصل از عفاف]، نصیب خردمند می گردند .

ب حیاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی طولانی و در میان مسائل بسیاری که شمعون بن لاوی بن یهودا (یکی از حواریون عیسی علیه السلام) درباره آنها پرسش نمود و پیامبر خدا پاسخ فرمود : ... از حیا، اینها سرچشمه می گیرند : نرمی، مهربانی، در نهان و آشکارا متوجه خدا بودن ، سلامت، اجتناب از شرّ ، خوش رویی، آسانگیری، و پیروزی .

ج حُسْنُ الْعِشْرَةِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ» كَلِمَةً «حُسَيْنًا» مُؤْمِنِهِمْ وَمُخَالَفِهِمْ ، أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فَيَبْسُطُ لَهُمْ وَجْهَهُ وَبِشْرَهُ ، وَأَمَّا الْمُخَالَفُونَ فَيَكَلِّمُهُمْ بِالْمِدَارَاهِ لِاجْتِنَابِهِمْ إِلَى الْإِيمَانِ ، فَإِنْ يَبْأَسَ مِنْ ذَلِكَ يَكْفُفُ شُرُورَهُمْ عَنْ نَفْسِهِ وَعَنْ إِخْوَانِهِ الْمُؤْمِنِينَ . (١)

د مُكَافَحَةُ الْحِقْدِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَحْصَدِ الشَّرَّ مِنْ صَدْرٍ غَيْرِكَ بِقَلْعِهِ مِنْ صَدْرِكَ . (٢)

ه الْإِتِّكَالُ عَلَى اللَّهْبِ حَارِ الْأَنْوَارِ نَقْلًا عَنْ صُحُفِ إِدْرِيسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَتَى الْأَمْرَ مُتَّبِرًا مِنْ حَوْلِهِ وَقُوَّتِهِ ، اسْتَكْتَرَ الْخَيْرَ وَأَمِنَ مِنْ تَوَابِعِ الشَّرِّ . (٣)

الإمام علي عليه السلام: مَنْ وَثِقَ بِاللَّهِ أَرَاهُ الشُّرُورَ ، وَمَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ الْأُمُورَ ، وَالثَّقَّةُ بِاللَّهِ حِصْنٌ لَا يَتَخَصَّنُ فِيهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ أَمِينٌ ، وَالتَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ نَجَاةٌ مِنْ كُلِّ سُوءٍ ، وَحِرْزٌ مِنْ كُلِّ عَدُوٍّ . (٤)

١- التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص ٣٥٣ ح ٢٤٠ ، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٣٠٩ .

٢- نهج البلاغه: الحكمة ١٧٨ ، خصائص الأئمة عليهم السلام: ص ١١٠ ، غرر الحكم: ح ٢٢٩٣ ، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٢١٢ ح ١٠ .

٣- بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٤٦٢ .

٤- كشف الغمّة: ج ٣ ص ١٣٦ عن الإمام الجواد عليه السلام ، جامع الأخبار: ص ٣٢٢ ح ٩٠٥ وفيه صدره إلى «كفاه الأمور» ، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٧٩ ح ٥٦ .

ج معاشرت نیکو**د کینه زدایی****ه توکل به خدا**

ج معاشرت نیکو امام صادق علیه السلام: «و با مردم [به زبان] خوش، سخن بگویند»، چه با مؤمنان و چه با مخالفان. [مؤمن،] با مؤمنان با چهره گشاده و خندان برخورد می کند، و با مخالفان، با مدارا سخن می گوید تا به سوی ایمان جذب شوند، که اگر هم از آن (ایمان آوردن مخالفان) ناامید شد، [با مدارای خویش،] بدی هایشان را از خود و برادران مؤمنش، باز می دارد.

د کینه زدایی امام علی علیه السلام: با برکندن شر از سینه خود، آن را از سینه دیگری [نیز] بر کن.

ه توکل به خدا بحار الأنوار به نقل از صحف ادریس علیه السلام: هر کس کاری را با تکیه بر نیرو و قدرت خدا انجام دهد، خیر را می گسترد و از پیامدهای شر، در امان می ماند.

امام علی علیه السلام: هر کس به خدا اعتماد کند، خداوند، شادمانی را به او نشان می دهد، و هر کس بر خدا توکل نماید، خدا کارهایش را کفایت می کند. اعتماد به خدا، دژی است که جز مؤمن امین، در آن سنگر نمی گیرد و توکل بر خدا، نجات از هر بدی، و نگهدار از هر دشمنی است.

الكافي عن إبراهيم بن عبد الحميد: مرَّ بي مُعْتَبٌ وَمَعَهُ خَاتَمٌ ، فَقُلْتُ لَهُ : أَيْ شَيْءٍ هَذَا ؟ فَقَالَ : خَاتَمُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَأَخَذْتُ لِأَقْرَأَ مَا فِيهِ ، فَإِذَا فِيهِ : اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي ، فَفَنِي شَرَّ خَلْقِكَ . (١)

جامع الأخبار: إنَّ أعرابياً جاءَ إلى الحُسينِ بنِ عليٍّ عليه السلام وقال: يا بنِ رسولِ اللهِ ، قد ضَمِنْتُ دِيَةَ كَامِلَةَ وَعَجَزْتُ عَنْ أَدَائِهَا ، فَقُلْتُ فِي نَفْسِي : أَسْأَلُ أَكْرَمَ النَّاسِ ، وَمَا رَأَيْتُ أَكْرَمَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . فَقَالَ الحُسينُ عليه السلام : يَا أَخَا العَرَبِ ، أَسْأَلُكَ عَنْ ثَلَاثِ مَسَائِلَ ، فَإِنْ أُجِبْتَ عَنْ وَاحِدَةٍ أُعْطَيْتُكَ ثُلْثَ المَالِ ، وَإِنْ أُجِبْتَ عَنِ اثْنَتَيْنِ أُعْطَيْتُكَ ثُلْثَيِ المَالِ ، وَإِنْ أُجِبْتَ عَنِ الكُلِّ أُعْطَيْتُكَ الكُلَّ . فَقَالَ الأعرابيُّ : يَا بنِ رَسُولِ اللَّهِ ، أَمْثَلُكَ يَسْأَلُ عَنْ مِثْلِي وَأَنْتَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ العِلْمِ وَالشَّرَفِ ؟ فَقَالَ الحُسينُ عليه السلام : بَلَى ، سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ : المَعْرُوفُ بِقَدْرِ المَعْرِفَةِ . فَقَالَ الأعرابيُّ : سَلْ عَمَّا بَدَأَ لَكَ ، فَإِنْ أُجِبْتُ وَإِلَّا تَعَلَّمْتُ مِنْكَ ، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . فَقَالَ الحُسينُ عليه السلام : أَيْ الأَعْمَالِ أَفْضَلُ ؟ فَقَالَ الأعرابيُّ : الإِيمَانُ بِاللَّهِ . فَقَالَ الحُسينُ عليه السلام : فَمَا النِّجَاةُ مِنَ المَهْلَكَةِ ؟ فَقَالَ الأعرابيُّ : الثِّقَةُ بِاللَّهِ . فَقَالَ الحُسينُ عليه السلام : فَمَا يُزَيِّنُ الرَّجُلَ ؟ فَقَالَ الأعرابيُّ : عِلْمٌ مَعَهُ حِلْمٌ . فَقَالَ : فَإِنْ أَخْطَأَهُ ذَلِكَ ؟ فَقَالَ : مَا مَعَهُ مُرُوءَةٌ . فَقَالَ : فَإِنْ أَخْطَأَهُ ذَلِكَ ؟ فَقَالَ : فَقَرَّ مَعَهُ صَبْرٌ . فَقَالَ الحُسينُ عليه السلام : فَإِنْ أَخْطَأَهُ ذَلِكَ . فَقَالَ الأعرابيُّ : فَصَاعِقُهُ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ فَتَحْرِقُهُ فَإِنَّهُ أَهْلٌ لِذَلِكَ . فَضَحِكَ الحُسينُ عليه السلام وَرَمَى بِبُصْرِهِ إِلَيْهِ فِيهَا أَلْفَ دِينَارٍ ، وَأَعْطَاهُ خَاتَمَهُ ، وَفِيهِ فَصٌّ قِيَمَتُهُ مِئَتَا دِرْهَمٍ . (٢)

١- الكافي: ج ٦ ص ٤٧٣ ح ٣ ، دعائم الإسلام: ج ٢ ص ١٦٥ ح ٥٩٢ عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٤٧ ص ١١ ح ١٠ .

٢- جامع الأخبار: ص ٣٨١ ح ١٠٦٩ ، بحار الأنوار: ج ٤٤ ص ١٩٦ ح ١١ ؛ مقتل الحسين للخوارزمي: ج ١ ص ١٥٧ .

الکافی به نقل از ابراهیم بن عبد الحمید : مُعْتَبَ از کنار من گذر کرد و انگشتی به همراه داشت . به او گفتم : این چیست؟ گفت : انگشت امام صادق علیه السلام است . آن را گرفتم تا آنچه را بر آن است ، بخوانم . این عبارت، بر آن بود : «اللَّهُمَّ أَنْتَ ثَقْتِي، فَفِنِي شَرَّ خَلْقِكَ؛ خدایا! تو ، مورد اعتماد منی . پس مرا از شر آفریدگانت ، نگه دار» .

جامع الأخبار : بادیه نشینی به حضور امام حسین علیه السلام رسید و گفت : ای فرزند پیامبر خدا! من ضامن دیه کامل [یک انسان] هستم و از پرداخت آن ناتوانم . نزد خود گفتم : از کریم ترین مردم درخواست می کنم و کریم تر از اهل بیت پیامبر خدا ندیده ام . امام حسین علیه السلام فرمود : «ای برادر عرب ! سه مسئله از تو می پرسم . اگر پاسخ یکی را دادی، یک سوم دیه را به تو می دهم ، اگر دو مسئله را پاسخ گفتی، دو سوم آن را به تو می دهم و اگر هر سه را پاسخ دادی، همه را می دهم» . بادیه نشین گفت : ای فرزند پیامبر خدا ! آیا شخصی همانند تو، از کسی مثل من مسئله می پرسد ، در حالی که تو از خاندان دانش و شرفی؟». امام حسین علیه السلام فرمود : «آری، از پیامبر خدا شنیدم که می فرمود : معروف، به اندازه معرفت است» . بادیه نشین گفت : آنچه در نظر داری، پرس . اگر پاسخ دادم [که دادم]، و گرنه از تو یاد می گیرم ، و هیچ نیرو و توانی، جز به خدا نیست . امام حسین علیه السلام فرمود : «کدام عمل، برترین عمل است؟». بادیه نشین گفت : ایمان به خدا . امام حسین علیه السلام فرمود : «چه چیزی مایه نجات از هلاکت است؟». بادیه نشین گفت : اعتماد به خدا . امام حسین علیه السلام فرمود : «چه چیزی زینت مرد است؟». بادیه نشین گفت : دانش همراه با بردباری . فرمود : «و اگر به آن نرسیدی؟». گفت : دارایی همراه با جوان مردی . فرمود : «اگر به آن نرسیدی؟». گفت : ناداری همراه با شکیبایی . امام حسین علیه السلام فرمود : «و اگر به آن نرسیدی؟». بادیه نشین گفت : [باید] صاعقه ای از آسمان فرود آید و او را بسوزاند ؛ چرا که او شایسته آن است . پس، امام حسین علیه السلام تبسم کرد و همیانی را که هزار دینار در آن بود، به سویش انداخت و انگشترش را که در آن، نگینی به قیمت دویست درهم بود، به او عطا نمود .

٤ / ٤ مَحَاسِنُ الْأَعْمَالِ طَاعَةُ اللَّهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ طَاعَةَ اللَّهِ نَجَاحٌ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ يُبْتَغَى ، وَنَجَاهٌ مِنْ كُلِّ شَرٍّ يُتَّقَى .

(١)

١- الكافي : ج ٨ ص ٨٢ ح ٣٩ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٤ ص ٤٠٣ ح ٥٨٦٨ ، الزهد للحسين بن سعيد : ص ١٤ ح ٢٨ ، الأمالى للصدوق : ص ٥٧٧ ح ٧٨٨ كلها عن أبي الصباح عن الإمام الصادق عليه السلام ، مستطرفات السرائر : ص ١٢١ ح ٦ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٣٩٤ ح ١٠ ؛ المعجم الكبير : ج ١٨ ص ٩٠ ح ١٦٥ عن الجارود وفيه «دركا» بدل «نجاح» .

الف فرمان برداری از خدا

۴ / ۴ کارهای نیکوالف فرمان برداری از خدا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا فرمان برداری از خدا ، دستیابی به هر خوبی ای است که طلب می شود ، و نجات از هر بدی ای است که از آن پرهیز می گردد .

ب الخَيْرِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ لَيْسَ الْخَيْرَ تَعَرَى مِنَ الشَّرِّ . (١)

عنه عليه السلام: لَمْ يَتَعَرَّ مِنَ الشَّرِّ مَنْ لَمْ يَتَجَلَّبَبِ الْخَيْرَ . (٢)

عنه عليه السلام: لَنْ تَتَحَقَّقَ الْخَيْرَ حَتَّى تَتَبَرَّأَ مِنَ الشَّرِّ . (٣)

عنه عليه السلام: عَزِيمَةُ الْخَيْرِ تُطْفِئُ نَارَ الشَّرِّ . (٤)

عنه عليه السلام: مَنْ دَفَعَ الشَّرَّ بِالْخَيْرِ غَلَبَ . (٥)

عنه عليه السلام: ضَادُّوا الشَّرَّ بِالْخَيْرِ . (٦)

تنبيه الخواطر عن لقمان: يَا بَنِيَّ ، الشَّرُّ لَا يُطْفَأُ بِالشَّرِّ كَالنَّارِ لَا تُطْفَأُ بِالنَّارِ ، وَلَكِنَّهُ يُطْفَأُ بِالْخَيْرِ كَالنَّارِ تُطْفَأُ بِالمَاءِ . (٧)

تنبيه الخواطر عن لقمان: يَا بَنِيَّ ، كَذَبَ مَنْ قَالَ : إِنَّ الشَّرَّ يُطْفِئُ الشَّرَّ ، فَإِنْ كَانَ صَادِقًا فَلْيُوقِدْ نَارَيْنِ ثُمَّ لِيَنْظُرْ هَلْ تُطْفِئُ إِحْدَاهُمَا

(٨) الأخرى! وَإِنَّمَا يُطْفِئُ الْخَيْرُ الشَّرَّ كَمَا يُطْفِئُ المَاءُ النَّارَ . (٩)

١- غرر الحكم: ح ٨٠٨٥ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٤٢ ح ٧٦٩٣ .

٢- غرر الحكم: ح ٧٥٣٧ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤١٤ ح ٧٠٢٩ .

٣- غرر الحكم: ح ٧٤٢٨ .

٤- غرر الحكم: ح ٦٣٠٨ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٣٩ ح ٥٧٨٥ .

٥- غرر الحكم: ح ٩١٢١ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٢٤ ح ٧١٨٣ .

٦- غرر الحكم: ح ٥٩١٤ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٠٩ ح ٥٤٣٨ .

٧- تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٣١ ، إرشاد القلوب: ص ٧٢ .

٨- فى المصدر: «هل يطفى إحديهما»، والتصويب من بحار الأنوار .

٩- تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٣٨ ، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٤٢٢ ح ١٧ .

ب به خیر ، رو کردن

ب به خیر ، رو کردن امام علی علیه السلام : هر کس جامه خیر (نیکی) به تن کند ، از شر برهنه می گردد .

امام علی علیه السلام : هر کس جامه خیر نپوشد ، از شر برهنه نمی گردد .

امام علی علیه السلام : هرگز به حقیقت خیر نمی رسی ، مگر این که از شر پاک گردی .

امام علی علیه السلام : تصمیم خیر ، آتش شر را خاموش می کند .

امام علی علیه السلام : هر کس شر را با خیر دفع کند ، پیروز می گردد .

امام علی علیه السلام : با خیر ، به رویارویی با شر بروید .

تنبيه الخواطر به نقل از لقمان : ای پسر! شر با شر خاموش نمی شود، مانند آتش که با آتش، خاموش نمی گردد ؛ لیکن شر با خیر، خاموش می شود، چنان که آتش با آب، خاموش می گردد .

تنبيه الخواطر به نقل از لقمان : ای پسر! هر کس بگوید : شر ، شر را خاموش می کند، دروغ گفته است. اگر راست می گوید ، دو آتش شعله ور کند . آن گاه ببیند که آیا یکی دیگری را خاموش می نماید. همانا خیر، شر را خاموش می کند، چنان که آب، آتش را خاموش می نماید .

ج صُحْبَةُ الْأَخْيَارِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: صَاحِبِ الْأَخْيَارِ ، تَأْمَنُ مِنَ الْأَشْرَارِ . (١)

عنه عليه السلام: لَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى لِخَيْرٍ وَأُنْجِي مِنْ شَرٍّ ، مِنْ صُحْبَةِ الْأَخْيَارِ . (٢)

د الصَّدَقَةُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الصَّدَقَةُ تُسَدُّ بِهَا سَبْعِينَ بَابًا مِنَ الشَّرِّ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام عن آبائه عليهم السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ، لِيَدْفَعَ بِالصَّدَقَةِ الدَّاءَ وَالذُّبِيلَةَ (٤) وَالْحَرْقَ وَالْعَرَقَ وَالْهَدْمَ وَالْجُنُونَ . وَعَدَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَبْعِينَ بَابًا مِنَ السُّوءِ . (٥)

ه قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْبَيْتُ إِذَا قُرِئَ فِيهِ الْقُرْآنُ حَضَرَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَتَنَكَّبَتْ عَنْهُ الشَّيَاطِينُ ، وَأَتَسَعَ عَلَى أَهْلِهِ ، وَكَثُرَ خَيْرُهُ وَقَلَّ شَرُّهُ . وَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا لَمْ يُقْرَأْ فِيهِ حَضَرَتْهُ الشَّيَاطِينُ وَتَنَكَّبَتْ عَنْهُ الْمَلَائِكَةُ ، وَضَاقَ عَلَى أَهْلِهِ ، وَقَلَّ خَيْرُهُ وَكَثُرَ شَرُّهُ . (٦)

- ١- المواعظ العددية : ص ٥٨ .
- ٢- غرر الحكم : ح ٧٥١٨ .
- ٣- الدعوات : ص ١٠٧ ح ٢٣٧ ، بحار الأنوار : ج ٩٦ ص ١٣٢ ح ٦٤ ؛ المعجم الكبير : ج ٤ ص ٢٧٤ ح ٤٤٠٢ ، تاريخ أصبهان : ج ١ ص ٢٧٤ كلاهما عن رافع بن خديج وفيهما «السوء» بدل «الشر» ، شرح نهج البلاغة : ج ١٠ ص ٢٠٩ .
- ٤- الدُّبِيلَةُ : هِيَ خُرَاجٌ وَدُمْلٌ كَبِيرٌ تَظْهَرُ فِي الْجُوفِ فَتَقْتُلُ صَاحِبَهَا غَالِبًا (النهاية : ج ٢ ص ٩٩ «دبل»).
- ٥- الكافي : ج ٤ ص ٥ ح ٢ عن السكوني ، كتاب من لا- يحضره الفقيه : ج ٢ ص ٦٧ ح ١٧٣٤ وفيه «الشر» بدل «السوء» ، الجعفریات : ص ٥٦ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، النوادر للراوندى : ص ٢١٤ ح ٤٢٣ ، دعائم الإسلام : ج ١ ص ٢٤٢ كلاهما عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج ٦٢ ص ٢٦٩ ح ٦١ .
- ٦- كنز العمال : ج ١ ص ٥٤٤ ح ٢٤٣٧ نقلًا- عن محمّد بن نصر عن أنس وراجع سنن الدارمي : ج ٢ ص ٨٨٨ ح ٣١٩١ والمصنّف لعبد الرزاق : ج ٣ ص ٣٦٩ ح ٥٩٩٩ والمصنّف لابن أبي شيبة : ج ٧ ص ١٦٧ ح ٤ والكافي : ج ٢ ص ٦١٠ ح ١ و ص ٤٩٩ ح ١ وعده الداعي : ص ٢٣٣ .

ج همنشینی با نیکان

د صدقه

ه قرائت قرآن

ج همنشینی با نیکان امام علی علیه السلام: با نیکان همنشینی کن ، از بدان در امان می مانی .

امام علی علیه السلام: هیچ چیزی برای فراخوانی به خیر و نجات از شر ، بهتر از همنشینی با نیکان نیست .

د صدقه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : صدقه، هفتاد درِ شر را می بندد .

امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام : پیامبر خدا فرمود : «همانا خداوند که جز او معبودی نیست ، با صدقه ، درد و دمل بزرگ در شکم و آتش سوزی و غرق شدن و ویرانی و دیوانگی را دفع می کند » و پیامبر هفتاد نوع بدی را شمرد .

ه قرائت قرآن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه در خانه قرآن خوانده شود، فرشتگان در آن حاضر می شوند و شیاطین از آن دور می گردند و [عرصه اش] بر اهل خانه وسعت می یابد و خیرش بسیار و شرش کم می شود . همانا هر گاه در خانه قرآن خوانده نشود، شیاطین در آن حاضر می شوند و فرشتگان از آن دور می گردند و [عرصه اش] بر اهل خانه تنگ می شود و خیرش کم و شرش بسیار می گردد .

و دَفَعَ الْغَيْبَةَ عَنِ الْمُؤْمِنِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا وَمَنْ تَطَوَّلَ عَلَى أَخِيهِ فِي غَيْبِهِ سَمِعَهَا فِيهِ فِي مَجْلِسٍ فَرَدَّهَا عَنْهُ، رَدَّ اللَّهُ عَنْهُ أَلْفَ بَابٍ مِنَ الشَّرِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، فَإِنْ هُوَ لَمْ يَرُدَّهَا وَهُوَ قَادِرٌ عَلَى رَدِّهَا، كَانَ عَلَيْهِ كَوْزِرٌ مِنْ اغْتَابَةِ سَبْعِينَ مَرَّةً. (١)

زِيَارَةُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَصْبَاحَ الْمُتَهَجِّدِ عَنْ ابْنِ مِيثَمِ التَّمَارِ عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَوْ قَالَ: مَنْ زَارَ لَيْلَةَ عَرَفَةَ أَرْضَ كَرْبَلَاءَ وَأَقَامَ بِهَا حَتَّى يُعَيَّدَ ثُمَّ يَنْصَرِفَ، وَقَاهُ اللَّهُ شَرَّ سَنَّتِهِ. (٢)

ح تِلْكَ الْأَعْمَالُ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ صَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ يَوْمَ الْجُمُعَةِ قَبْلَ الصَّلَاةِ، يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ عَشْرَ مَرَّاتٍ ... ثُمَّ يَقُولُ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ مِنْهُ مَرَّةً، وَيُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْهُ مَرَّةً. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ صَلَّى هَذِهِ الصَّلَاةَ وَقَالَ هَذَا الْقَوْلَ، دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ شَرَّ أَهْلِ السَّمَاءِ وَشَرَّ أَهْلِ الْأَرْضِ، وَشَرَّ الشَّيَاطِينِ وَشَرَّ كُلِّ سُلْطَانٍ جَائِرٍ (٣) وَقَضَى اللَّهُ لَهُ سَبْعِينَ حَاجَةً... (٤)

١- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ١٥ ح ٤٩٦٨، الأمالي للصدوق: ص ٥١٦ ح ٧٠٧ كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، ثواب الأعمال: ص ٣٣٥ ح ١ عن أبي هريره وابن عبياس، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣١٥ ح ٢٦٥٥ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عن صلى الله عليه وآله، مستطرفات السرائر: ص ٦٢٤ ح ٧ وليس فيه ذيله، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٢٤٧ ح ١٠.

٢- مصباح المتهجد: ص ٧١٦، الإقبال: ج ٢ ص ٥٦، بحار الأنوار: ج ١٠١ ص ٩١ ح ٣٤.

٣- في المصدر: «جار»، والتصويب من بحار الأنوار.

٤- جمال الأسبوع: ص ١٠٤، مصباح المتهجد: ص ٣١٦ وليس فيه ذيله من «وشر الشياطين» وكلاهما عن محمد بن عماره عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، الإقبال: ج ٣ ص ٢٨٩ نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٣٧٢ ح ٦٧.

و جلوگیری از غیبت مؤمن

ز زیارت امام حسین علیه السلام

ح و این کارها

و جلوگیری از غیبت مؤمن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هان! هر کس به برادر [دینی] خود درباره غیبتی که از او در مجلسی می شود، نیکی نماید و از آن جلوگیری کند، خداوند، هزار نوع بدی را در دنیا و آخرت از او باز می گرداند؛ ولی اگر او در حالی که می تواند از آن جلوگیری نماید، اقدام نکند، همانند گناه کسی که هفتاد مرتبه از مؤمن غیبت کند، بر ذمه اوست.

ز زیارت امام حسین علیه السلام مصباح المتهجد به نقل از فرزند میثم تمّار: امام باقر علیه السلام فرمود: هر کس امام حسین علیه السلام را زیارت نماید» یا فرمود: «هر کس در شب عرفه، زمین کربلا را زیارت نماید و در آن اقامت کند تا عید کند و سپس برگردد، خداوند، او را از شرّ آن سال ننگه می دارد».

ح و این کارها امام علی علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «هر کس روز جمعه پیش از نماز [جمعه]، چهار رکعت نماز بگزارد و در هر رکعت، ده مرتبه سوره حمد را بخواند... و سپس صد مرتبه بگوید: خدا منزّه است و ستایش، از آن اوست و معبودی جز خدای یکتا نیست و خدا بزرگ تر است، و نیرو و توانی جز از جانب خدای والا مرتبه و بزرگ نیست و صد مرتبه بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود بفرستد...». پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس این نماز را بخواند و این ذکرها را بگوید، خداوند، شرّ اهل آسمان و شرّ اهل زمین و شرّ شیاطین و شرّ هر پادشاه ستمگر را از او دفع می کند و هفتاد حاجت او را برآورده می نماید...».

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ صَامَ أَيَّامَ الْبَيْضِ مِنْ رَجَبٍ أَوْ قَامَ لَيَالِيهَا ، وَيُصَلِّيَ لَيْلَةَ النُّصْفِ مِنْهُ رَكَعَهُ ، يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ : «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» عَشْرَ مَرَّاتٍ ، فَإِذَا فَرَغَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ اسْتَغْفَرَ سَبْعِينَ مَرَّةً ، رُفِعَ عَنْهُ شَرُّ أَهْلِ السَّمَاءِ ، وَشَرُّ أَهْلِ الْأَرْضِ ، وَشَرُّ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ ... (١)

الأمامي للطوسي عن علي بن عمر العطار: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ فَقَالَ : لَمْ أَرَكَ أَمْسٍ ! قُلْتُ : كَرِهْتُ الْحَرَكَهَ فِي يَوْمِ الْإِثْنَيْنِ . قَالَ : يَا عَلِيُّ ، مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَقِيَهُ اللَّهُ شَرَّ يَوْمِ الْإِثْنَيْنِ ، فَلْيَقْرَأْ فِي أَوَّلِ رَكَعِهِ مِنْ صِيْلَةِ الْغَدَاةِ : «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ» ، ثُمَّ قَرَأَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «فَوَقَلَهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكِ الْيَوْمِ وَ لَقَلَّهْمُ نَصْرَهُ وَسُرُورًا» (٢) . (٣)

ط الاستعانة بالله رسول الله صلى الله عليه وآله: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» كُنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ ، مَنْ قَالَهَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ بَابًا مِنَ الشَّرِّ أَذْنَاهَا اللَّهُمَّ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله في الدعاء: يَا مُنِيرُ يَا مُبِينُ يَا رَبَّ ، اكْفِنِي شَرَّ الشُّرُورِ وَأَفَاتِ الدُّهُورِ ، وَأَسْأَلُكَ النَّجَاةَ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ . (٥)

١- بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٥٠ ح ٣٨ نقلًا عن النوادر للراوندي عن ابن عباس .

٢- الإنسان: ١١ .

٣- الأمامي للطوسي: ص ٢٢٤ ح ٣٨٩ ، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٣٠ ح ٢٠ .

٤- تاريخ دمشق: ج ١٥ ص ١٦٣ ح ٣٧١٥ عن بهز بن حكيم عن أبيه عن جدّه ، كنز العيال: ج ١ ص ٤٥٦ ح ١٩٧١ وراجع سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٨٠ ح ٣٦٠١ والمعجم الصغير: ج ١ ص ١٥٧ وتاريخ أصبهان: ج ٢ ص ٥٥ الرقم ١٠٦٤ .

٥- كمال الدين: ص ٢٦٧ ح ١١ ، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١ ص ٦٢ ح ٢٩ ، قصص الأنبياء للراوندي: ص ٣٦٣ ح ٤٣٧ ، إعلام الوري: ج ٢ ص ١٨٩ كلّها عن علي بن عاصم عن الإمام الجواد عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٣٦ ص ٢٠٧ ح ٨ .

ط یاری جستن از خدا

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس ایام بیض (روزهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم) را در ماه رجب، روزه بگیرد یا شب های آن را شب زنده داری کند و در شب نیمه رجب، صد رکعت نماز بگزارد و در هر رکعت، ده مرتبه [سوره] «قل هو الله أحد» را بخواند و پس از این نماز، هفتاد مرتبه استغفار نماید، شرّ اهل آسمان و شرّ اهل زمین و شرّ ابلیس و سپاهش از او برداشته می شود

الأمالی، طوسی به نقل از علی بن عمر عطار: روز سه شنبه به حضور امام هادی علیه السلام رسیدم. فرمود: «دیروز، تو را ندیدم!». گفتم: حرکت در روز دوشنبه را دوست نداشتم. فرمود: «ای علی! هر کس می خواهد که خداوند، او را از شرّ روز دوشنبه ننگه بدارد، باید در رکعت اول نماز صبح [سوره] «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ» . آنگاه امام هادی علیه السلام این آیه را خواند: «پس، خدا آنان را از آسیب آن روز، نگاه داشت و شادابی و شادمانی را به آنان ارزانی داشت» .

ط یاری جستن از خدا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [ذکر] «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»، گنجی از گنج های بهشت است. هر کس آن را بگوید، خداوند، هفتاد نوع بدی را از او دور می کند که کمترین آنها، اندوه است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعا: ای نوربخش! ای روشن! ای پروردگار من! بدی بدان و آفت های روزگاران را از من کفایت کن، و از تو می خواهم در روزی که در صور دمیده می شود، نجاتم دهی.

عنه صلى الله عليه و آله : إذا هَيَّم أَحَدُكُمْ بِالْأَمْرِ فَلْيُرْكَعْ رَكَعَتَيْنِ مِّنْ غَيْرِ الْفَرِيضَةِ ، ثُمَّ لِيَقُلْ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ وَأَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ ، فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ ، وَتَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ . اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي أَوْ قَالَ : عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ فَاقْدِرْهُ لِي وَيَسِّرْهُ لِي ثُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ ، وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي أَوْ قَالَ : فِي عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْنِي عَنْهُ ، وَاقْدِرْ لِي الْخَيْرَ حَيْثُ كَانَ ثُمَّ أَرْضِنِي بِهِ . (١)

الإمام علي عليه السلام : اللَّهُمَّ اهْدِنِي لِأَرْشَادِ الْأُمُورِ ، وَوَقِنِي شَرَّ نَفْسِي ، اللَّهُمَّ أَوْسِعْ لِي فِي رِزْقِي ، وَامْدُدْ لِي فِي عُمْرِي . (٢)

عنه عليه السلام فِي الدُّعَاءِ : اصْرِفْ عَنِّي شَرَّ كُلِّ ذِي شَرٍّ إِلَى خَيْرٍ مَا لَا يَمْلِكُهُ أَحَدٌ سِوَاكَ ، وَاحْتَمِلْ عَنِّي مُفْتَرَضَاتِ حُقُوقِ الْأَبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ . (٣)

الإمام زين العابدين عليه السلام أيضا : ... أَسْأَلُكَ خَوْفًا تُعِينُنِي بِهِ عَلَى حُدُودِ رِضَاكَ ، وَأَسْأَلُكَ الْأَخَذَ بِأَحْسَنِ مَا أَعْلَمُ ، وَالتَّرْكَ لِسَرِّ مَا أَعْلَمُ ، وَالْعِصْمَةَ لِي مِنْ أَنْ أَعْصِي وَأَنَا أَعْلَمُ ... (٤)

١- صحیح البخاری : ج ١ ص ٣٩١ ح ١١٠٩ ، سنن الترمذی : ج ٢ ص ٣٤٥ ح ٤٨٠ ، سنن النسائی : ج ٦ ص ٨٠ ، الأدب المفرد : ص ٢١١ ح ٧٠٣ کلها عن جابر ، کنز العمال : ج ٧ ص ٨١٣ ح ٢١٥٣٠ ؛ فتح الأبواب : ص ١٥٤ عن جابر ، بحار الأنوار : ج ٩١ ص ٢٢٨ ح ٤ .

٢- الدرر الوقیة : ص ٢٥٠ ، بحار الأنوار : ج ٩٧ ص ٢١٩ .

٣- البلد الأمين : ص ١٠٦ ، جمال الأسبوع : ص ٥٤ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٠ ص ١٦١ ح ١١ .

٤- تهذیب الأحكام : ج ٣ ص ٨٢ ح ٢٣٨ عن محمد بن حماد عن أبيه عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، الإقبال : ج ١ ص ٣١٩ عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام ، مصباح المتهجد : ص ٥٥٦ ح ٦٥٠ ، المصباح للكفعمی : ص ٧٥٧ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ١٢٧ ح ٣ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما خواست به کاری اهتمام ورزد، دو رکعت نماز مستحبی بگزارد و سپس بگوید: «خدایا! من با تو سئل به دانش تو، از تو خیر می طلبم و با تو سئل به قدرت تو، از تو نیرو می خواهم و از فضل بزرگ تو درخواست می کنم؛ چرا که تو می توانی و من نمی توانم، و تو می دانی و من نمی دانم، و تو دانا به همه نهان هایی . خدایا! اگر تو می دانی که این کار برای من در دین و زندگی و سرانجام کارم (در کار دنیا و آخرت) نیکوست، آن را برایم مقدر کن و برایم آسان بگردان و برایم در آن برکت قرار بده، و اگر می دانی که این کار برای من در دین و زندگی و سرانجام کارم (در دنیا و آخرت) شر است، آن را از من باز دار و مرا [نیز] از آن بر گردان، و نیکی را هر جا که هست، برایم مقدر کن و مرا بدان خوشنود ساز» .

امام علی علیه السلام: خدایا! مرا به درست ترین کارها هدایت فرما و مرا از شرّ نفسم ننگه دار . خدایا! روزی ام را فراوان کن و عمرم را طولانی گردان .

امام علی علیه السلام در دعا: [خدایا!] شرّ هر شروری را از من به سوی بهترین چیزی که در اختیار کسی جز تو نیست، بگردان و حقوق پدران و مادران را از جانب من، عهده دار باش .

امام زین العابدین علیه السلام در دعا: [خدایا!] از تو ترسی را درخواست می کنم که با آن، مرا در رسیدن به آستانِ خوشنودی ات یاری کنی، و از تو می خواهم که بهترین چیزی را که می دانم، عمل کنم و بدترین چیزی را که می دانم، رها نمایم، و [از تو می خواهم که] مرا از نافرمانی ات با علم به آن ننگه داری ...

عنه عليه السلام فى دُعائه يَوْمَ الْخَمِيسِ : اللَّهُمَّ فَكَمَا أَبْقَيْتَنِي لَهُ فَمَا بَقِيتَنِي لِأَمْثَالِهِ ، وَصَيْلٌ عَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَلَا تَفْجَعْنِي فِيهِ
وفى غَيْرِهِ مِنَ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ ، بِارْتِكَابِ الْمَحَارِمِ وَاكْتِسَابِ الْمَآثِمِ ، وَارزُقْنِي خَيْرَهُ وَخَيْرَ مَا فِيهِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهُ ، وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُ
وَشَرَّ مَا فِيهِ وَشَرَّ مَا بَعْدَهُ . (١)

عنه عليه السلام : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَمَنْ أَرَادَنِي بِسَوْءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي ، وَادْحَرْ عَنِّي مَكْرَهُ ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّهُ ، وَرُدِّ كَيْدَهُ
فِي نَحْرِهِ . (٢)

عنه عليه السلام : اللَّهُمَّ عَافِنِي بِأَحْسَنِ عَافِيَتِكَ ، وَارزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ ، وَاكْفِنِي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ . (٣)

عنه عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ فِي الصُّبْحِ وَالْمَسَاءِ : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَوَقِّفْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَلَيْلَتِنَا هَذِهِ وَفِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا
لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ ، وَهَجْرَانِ الشَّرِّ ، وَشُكْرِ النِّعَمِ ، وَاتِّبَاعِ السُّنَنِ . (٤)

عنه عليه السلام : اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَحَبِّبْ إِلَيَّ مَا رَضَيْتَ لِي ، وَيَسِّرْ لِي مَا أَحَلَلْتَ بِي ، وَطَهِّرْنِي مِنْ دَنَسٍ مَا أَسْلَفْتُ
، وَامْحُ عَنِّي شَرَّ مَا قَدَّمْتُ ، وَأَوْجِدْنِي حَلَاوَةَ الْعَافِيَةِ ، وَأَذِقْنِي بَرْدَ السَّلَامَةِ . (٥)

١- البلد الأمين : ص ١٣٩ ، المصباح للكفعمى : ص ١٧٤ ، بحار الأنوار : ج ٩٠ ص ٢١١ ح ٣٦ .

٢- الصحيفه السَّجَادِيَّة : ص ٩٨ الدعاء ٢٣ ، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام : ص ٤٠٤ ، المجتنبى : ص ٨٠ ، الإقبال : ج ٢
ص ٢٩٢ والثلاثة الأخيره من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلامنحوه ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ٣١٠ ح ٣ .

٣- الإقبال (طبعه دار الكتب الإسلاميه) : ص ١٥٤ .

٤- الصحيفه السَّجَادِيَّة : ص ٤١ الدعاء ٦ ، مصباح المتهجِّد : ص ٢٤٦ ح ٣٦١ ، المصباح للكفعمى : ص ١٠٣ ، بحار الأنوار : ج
٨٣ ص ١١٣ ح ٢٢ .

٥- الصحيفه السَّجَادِيَّة : ص ٦٦ الدعاء ١٥ ، المصباح للكفعمى : ص ١٩٨ ، البلد الأمين : ص ٤٥١ ، الدعوات : ص ١٧٥ .

امام زین العابدین علیه السلام در دعای روز پنجشنبه : خدایا! چنان که مرا برای این روز باقی گذاشتی ، مرا برای [روزهای دیگر] مانند آن، باقی بدار و بر پیامبر و خاندان او درود فرست و مرا در این روز و غیر آن از شب ها و روزها، با ارتکاب محرمات و کسب گناهان ، به غم و اندوه، گرفتار نگردان و برایم از خیر آن و خیر آنچه در آن است و خیر پس از آن ، روزی فرما و مرا از شرّ آن و شرّ آنچه در آن است و شرّ پس از آن ، باز دار .

امام زین العابدین علیه السلام :خدایا! بر محمّد و خاندان او درود فرست و هر کس را که قصد بدی درباره من دارد ، از من دور کن و مکر او را برطرف ساز و شرّ او را از من باز دار و نیرنگش را به خودش باز گردان .

امام زین العابدین علیه السلام :خدایا! نیکوترین تن درستی را عطایم کن و از فضل خویش ، روزی ام فرما و از شرّ همه آفریدگانت کفایتم کن .

امام زین العابدین علیه السلام از دعایش در صبح و شام : خدایا! بر محمّد و خاندانش درود فرست و در این روز و شب و در همه روزها، ما را برای انجام دادن کار خیر و دوری کردن از شر و سپاس گزاری نعمت ها و پیروی از آداب و سنّت ها [ی دینی] موفق فرما .

امام زین العابدین علیه السلام :خدایا! بر محمّد و خاندانش درود فرست و آنچه را تو برایم پسندیده ای، محبوبم گردان و چیزی را که برایم فرود آورده ای ، بر من آسان گردان و مرا از پلیدی چیزی که در گذشته انجام داده ام، پاک فرما و شرّ چیزی را که پیش فرستاده ام، محو کن و شیرینی عافیت را برایم حاصل کن و گوارایی تن درستی را به من بچشان .

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنَّكَ مَنْ وَالَيْتَ لَمْ يَضُرَّهُ خِذْلَانُ الْخَاذِلِينَ ، وَمَنْ أَعْطَيْتَ لَمْ يَنْقُصْهُ مَنَعُ الْمَانِعِينَ ، وَمَنْ هَدَيْتَ لَمْ يُغْوِهِ إِضْلَالُ الْمُضِلِّينَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْتَنِعْنَا بِعِزِّكَ مِنْ عِبَادِكَ ، وَأَغْنِنَا عَنْ غَيْرِكَ بِإِرْفَادِكَ (١) . (٢)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَضْغَاثِ الْأَحْلَامِ ، وَأَنْ يَلْعَبَ بِي الشَّيْطَانُ فِي الْيَقَظَةِ وَالْمَنَامِ ، بِإِسْمِ اللَّهِ تَحَصَّنْتُ ، وَبِالْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَأَحْذَرُ ، وَرَمَيْتُ مَنْ يُرِيدُ بِي سُوءًا أَوْ مَكْرُوهًا مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ ، بِلا (٣) حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ . (٤)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ سَهِّلْ لِي حُزُونَكَ (٥) أَمْرِي ، وَذَلِّلْ لِي صُعُوبَتَهُ ، وَأَعْطِنِي مِنَ الْخَيْرِ أَكْثَرَ مِمَّا أَرْجُو ، وَاصْرِفْ عَنِّي مِنَ الشَّرِّ أَكْثَرَ مِمَّا أَخَافُ وَأَحْذَرُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ . (٦)

عنه عليه السلام: اكْفِنِي شَرَّ الشَّيْطَانِ ، وَشَرَّ السُّلْطَانِ ، وَسَيِّئَاتِ عَمَلِي . (٧)

١- الرَّفْدُ: الإِغَاثَةُ (النَّهْيَةُ: ج ٢ ص ٢٤١ «رَفْدٌ»).

٢- الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ: ص ٣٦ الدَّعَاءُ ٥.

٣- فِي بَحَارِ الْأَنْوَارِ: «وَلَا» بَدَلَ «بِلا».

٤- مَهْجِ الدَّعَوَاتِ: ص ٢٧، بَحَارِ الْأَنْوَارِ: ج ٨٦ ص ٣١١ ح ٦٣.

٥- الْحُزُونَةُ: الْخُشُونَةُ (النَّهْيَةُ: ج ١ ص ٣٨٠ «حُزْنٌ»).

٦- مَهْجِ الدَّعَوَاتِ: ص ٢٨ وَ ٢٣٥، مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ: ج ١ ص ٥٢٦ ح ١٨٣٣ كِلَاهِمَا عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَحْوَهُ، الْإِقْبَالُ: ج ٣ ص ٢٤٩ مِنْ دُونَ إِسْنَادٍ إِلَى أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ: ج ٧٦ ص ٢٥٠ ح ٤٦.

٧- مَصْبَاحُ الْمُتَهَجِّدِ: ص ٥٩٥ ح ٦٩١، الْإِقْبَالُ: ج ١ ص ١٧٢، الْبَلَدُ الْأَمِينُ: ص ٢١٢، الْمَصْبَاحُ لِلْكَفْعَمِيِّ: ص ٧٩٥ كُلُّهَا عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ: ج ٩٨ ص ٩٢ ح ٢.

امام زین العابدین علیه السلام: خدایا! هر که تو یاری اش کردی ، خواری خوارکنندگان به او زیان نرساند ، و هر که تو عطایش نمودی ، جلوگیری منع کنندگان ، از او نکاست ، و هر که تو راهنمایی اش نمودی ، گم راهی گم راه کنندگان او را از راه بیرون ببرد . پس بر محمد و خاندان او درود فرست و ما را به عزت خود، از [زیان] بندگان باز دار و ما را به یاری خویش، از دیگران بی نیاز گردان .

امام زین العابدین علیه السلام: خدایا! از خواب های آشفته و از این که شیطان در خواب و بیداری، مرا بازی دهد، به تو پناه می برم . به [یاری] نام خدا ، و به [یاری] زنده ای که نمی میرد ، از شر آنچه می ترسم و پرهیز می کنم ، پناه گرفتم ، و کسی را که قصد بد یا ناپسندی درباره من دارد ، از پیش خود راندم ، با [ذکر] «لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم ؛ هیچ نیرو و توانی، جز به خدای والا و بلندمرتبه نیست» .

امام زین العابدین علیه السلام: خدایا! ناهمواری کارم را بر من هموار و سختی آن را برایم آسان کن و از خیر، بیشتر از آنچه امیدش را دارم ، عطایم فرما و از شر ، بیشتر از آنچه می هراسم و پرهیز می کنم ، از من دور کن ، و هیچ نیرو و توانی، جز به خدای والا و بلندمرتبه نیست .

امام زین العابدین علیه السلام: [خدایا!] شر شیطان و شر پادشاه ، و بدی های عملم را از من، کفایت کن .

عنه عليه السلام: نَسَأَلُكَ اللَّهُمَّ أَنْ تُلْهِمَنَا الْخَيْرَ وَتُعْطِينَاهُ ، وَأَنْ تَصْرِفَ عَنَّا الشَّرَّ وَتَكْفِينَاهُ ، وَأَنْ تَدْحَرَ (١) عَنَّا الشَّيْطَانَ وَتُبْعِدَنَا .

(٢)

الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ صَيِّمًا لَمَاتُ اللَّهُ عَلَيْهِمَا إِذَا هَمَّ بِأَمْرٍ حَرَجَّ أَوْ عُمِرَ أَوْ بَاعَ أَوْ شَرَاءٍ أَوْ عَتَقَ ، نَطَهَّرَ ثُمَّ صَلَّى رَكَعَتَيْ الْإِسْتِخَارَةِ ، فَقَرَأَ فِيهِمَا بِسُورَةِ الْحَشْرِ وَبِسُورَةِ الرَّحْمَنِ ، ثُمَّ يَقْرَأُ الْمَعْوِذَتَيْنِ وَ«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» إِذَا فَرَغَ وَهُوَ جَالِسٌ فِي دُبُرِ الرَّكَعَتَيْنِ . ثُمَّ يَقُولُ : اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ كَذَا وَكَذَا خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَعَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَيَسِّرْهُ لِي عَلَى أَحْسَنِ الْوُجُوهِ وَأَجْمَلِهَا ، اللَّهُمَّ وَإِنْ كَانَ كَذَا وَكَذَا شَرًّا لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَعَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاصْرِفْهُ عَنِّي ، رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعِزِّمْ لِي عَلَى رُشْدِي وَإِنْ كَرِهْتَ ذَلِكَ أَوْ أَبْتَهُ نَفْسِي . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ : اللَّهُمَّ ... ادْفَعْ عَنِّي شَرَّ الْحَسَدِ . (٤)

عنه عليه السلام: قُلْ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ رَجَبٍ صِيَابِحًا وَمَسَاءً ، وَفِي أَعْقَابِ صَيِّمَاتِكَ وَفِي يَوْمِكَ وَلَيْلَتِكَ : يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ وَأَمِنْ سَخَطِهِ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ ... أَعْطِنِي بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ خَيْرِ الدُّنْيَا وَجَمِيعَ خَيْرِ الْآخِرَةِ ، وَاصْرِفْ عَنِّي بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ شَرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ الْآخِرَةِ . (٥)

١- الدَّحْرُ: الدَّفْعُ بعنف على سبيل الإهانة والإذلال (النهاية: ج ٢ ص ١٠٣ «دحر»).

٢- الإقبال: ج ١ ص ٢٥٣ ، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٠ .

٣- الكافي: ج ٣ ص ٤٧٠ ح ٢ ، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ١٨٠ ح ٤٠٨ ، المحاسن: ج ٢ ص ٤٣٤ ح ٢٥٠٥ كلها عن جابر ، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٠٥ ح ٢٣٠٠ و ص ١٠١ ح ٢٢٩١ عن الإمام علي عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٢٥٩ ح ٧ .

٤- الكافي: ج ٢ ص ٥٥٣ ح ١٣ عن أبي بصير ، جمال الأسبوع: ص ٢٣٤ عن الإمام زين العابدين عليه السلام و ص ٢٤١ عن

أبي يحيى الصنعاني عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٤ ح ١ .

٥- الإقبال: ج ٣ ص ٢١١ عن محمد السجّاد ، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٣٩٠ ح ١ .

امام زین العابدین علیه السلام: خدایا! از تو می خواهیم که خیر را به ما الهام و عطا فرمایی، و شر را از ما دور و از آن کفایتمان کنی، و شیطان را به زور و ذلتبار از ما برانی و دور کنی.

امام باقر علیه السلام: هر گاه [پدرم] علی بن الحسین که درود خدا بر آن دو باد می خواست به کار حج یا عمره یا فروختن یا خریدن و یا آزاد کردن بنده ای اقدام کند، وضو می ساخت و سپس دو رکعت نماز استخاره به جا می آورد و در آن دو رکعت، سوره های حشر و الرحمان را می خواند. سپس در پی آن نماز دو رکعتی، سوره های فلق، ناس و اخلاص را در حال نشسته می خواند. سپس می گفت: «خدایا! اگر این و آن (۱)، برای دین و دنیا و حال و آینده من، خیر است، بر محمّد و خاندانش درود فرست و آن را به نیکوترین و زیباترین وجه برایم آسان گردان. خدایا! و اگر این و آن، برای دین و دنیا و حال و آینده من، شر است، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و آن را از من دور کن. پروردگارا! بر محمّد و خاندانش درود فرست و بر راهنمایی و پیشرفت من اراده کن، هر چند آن را نپسندم یا نفسم از آن خودداری کند».

امام صادق علیه السلام: علی بن الحسین (امام زین العابدین علیه السلام) پیوسته این دعا را می خواند: «خدایا! ... شرّ حسودان را از من بر گردان».

امام صادق علیه السلام: در هر روز ماه رجب، صبح و شام و در پی نمازهایت و در روز و شب بگو: «ای کسی که همه خیر را از او امید دارم و در هر شری، از خشم او امان می جویم ...! همه خیر دنیا و همه خیر آخرت را با درخواستم از تو، عطایم فرما، و همه شرّ دنیا و همه شرّ آخرت را با درخواستم از تو، از من دور فرما».

۱- اشاره به چیزهایی است که امر مورد نظر ایشان بوده است.

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَصْرِفَ عَنِّي شَرَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ، وَشَرَّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ ، وَشَرَّ كُلِّ ضَعِيفٍ مِنْ خَلْقِكَ وَشَدِيدٍ ، وَمِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَالْهَامَةِ (١) وَاللَّامَةِ (٢) وَالْخَاصَّةِ وَالْعَامَّةِ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ، وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ ، وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . (٣)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ ... ارزُقْنِي مِنَ الْخَيْرِ فَوْقَ مَا أَرْجُو ، وَاصْرِفْ عَنِّي مِنَ الشَّرِّ فَوْقَ مَا أَحْذَرُ . (٤)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ ... أَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا ، وَأَنْ تَقِينِي جَوَامِعَ الشَّرِّ . (٥)

عنه عليه السلام: يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ ، يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ ، يَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ ، يَا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَعْطِنِي مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ ، وَاصْرِفْ عَنِّي مِنَ الشَّرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ . (٦)

١- الهامَةُ: الحَيَّةُ ، والسامَةُ: العقرب (تاج العروس: ج ١٧ ص ٧٦٥ «همم»).

٢- اللامَةُ: أى ذات لَمَمٍ، واللَّمَمُ: طرف من الجنون يَلْمُ بالإنسان (النهاية: ج ٤ ص ٢٧٢ «لمم»).

٣- الإقبال: ج ٢ ص ١٣٠ عن سلمه بن الأ-كوع ، مصباح المتهجد: ص ٣٩٨ ح ٥١٩ عن جابر عن الإمام الباقر عن أبيه عليهما السلام ، جمال الأسبوع: ص ٣٨٧ عن عبد الله بن عطا عن الإمام الباقر عليه السلام ، البلد الأمين: ص ٧٩ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام والثلاثة الأخيره نحوه ، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٤٨ .

٤- مهج الدعوات: ص ٢٣٥ عن إبراهيم بن جبله ، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٥٢٦ ح ١٨٣٣ نحوه ، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٨٥ ؛ تاريخ دمشق: ج ١٨ ص ١٣٦ عن رزام مولى خالد بن عبد الله القسرى نحوه .

٥- الكافي: ج ٤ ص ٤٦٨ ح ١ ، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ١٨٩ ح ٦٢٦ كلاهما عن الحلبي ، مصباح المتهجد: ص ٦٩٩ ح ٧٧٤ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام .

٦- الكافي: ج ٢ ص ٥٦٥ ح ٤ وج ٣ ص ٣٢٦ ح ٢٠ ، عدّه الداعى: ص ٢٥٧ ، طب الأئمة عليهم السلام: ص ٢٥٧ نحوه وكلها عن يونس بن عمّار ، الدعوات: ص ١٨٩ ح ٥٢٥ ، مصباح المتهجد: ص ١٣٩ ح ٢٢٦ ، المصباح للكفعمي: ص ١٩٦ ، البلد الأمين: ص ١٤٦ والثلاثة الأخيره من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٨٠ ح ٦.

امام صادق علیه السلام: خدایا! از تو می خواهم که شرّ هر زورگویی لجوج ، و شرّ شیطان رانده شده ، و شرّ هر ناتوان و توانا از آفریده هایت را ، و [نیز] شرّ مار و عقرب و چشم بد و خاص و عام ، و شرّ هر جنبنده ریز و درشت در شب و روز، و شرّ فاسقان عرب و عجم ، و شرّ فاسقان جن و انس را از من باز داری ؛ چرا که تو بر هر چیزی توانایی .

امام صادق علیه السلام: خدایا! ... از خیر ، بیش از آنچه آرزو می کنم، روزی ام فرما و از شر ، بیش از آنچه پرهیز دارم ، از من دور کن .

امام صادق علیه السلام: خدایا! ... در این جایگاهم از تو می خواهم که آنچه را که به اولیایت شناساندی ، به من بشناسانی و مرا از همه شرها نگه بداری .

امام صادق علیه السلام: ای والا مرتبه، ای بزرگ! ای بخشنده، ای مهربان! ای شنونده دعاها! ای بخشنده نیکی ها! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و از خیر دنیا و آخرت ، آنچه شایسته توست ، عطایم کن ، و از شرّ دنیا و آخرت ، آنچه تو شایسته آنی ، از من دور کن .

الإمام الكاظم عليه السلام: اللَّهُمَّ كَمَا كَفَيْتَ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَوْلَ عَدُوِّهِ ، وَفَرَّجْتَ هَمَّهُ وَكَشَفْتَ غَمَّهُ ، وَصَدَقْتَهُ وَعَدَّكَ ، وَأَنْجَزْتَ لَهُ مَوْعِدَكَ بِعَهْدِكَ ، اللَّهُمَّ بِذَلِكَ فَكَفِنِي هَوْلَ هَذِهِ السَّنَةِ وَأَفَاتِهَا ، وَأَسْقَامَهَا وَفِتْنَتَهَا وَشُرُورَهَا ، وَأَحْزَانَهَا وَضِيقَ الْمَعَاشِ فِيهَا ، وَبَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ كَمَالَ الْعَافِيَةِ بِتَمَامِ دَوَامِ الْعَافِيَةِ وَالنُّعْمَةِ عِنْدِي إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي . (١)

الإمام الرضا عليه السلام: اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ ، وَوَجِيهَتِكَ عَلَى خَلْقِكَ ، وَلِسَانِكَ الْمُعْبِّرِ عَنكَ النَّاطِقِ بِحُكْمِكَ ، وَعِيَّتِكَ النَّاطِرَةِ بِإِذْنِكَ وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ ، الْجَحْجَاحِ (٢) الْمُجَاهِدِ الْعَائِدِ بِكَ الْعَابِدِ عِنْدَكَ ، وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ . (٣)

الإمام المهدي عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَخْيَارِ فِي آنَاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ ، وَآكْفِنِي شَرَّ الْأَشْرَارِ . (٤)

راجع: ص ٣٨٢ (الفصل الثاني: مبادئ السعادة / محاسن الأخلاق والأعمال).

- ١- الكافي: ج ٤ ص ٧٣ ح ٣، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ١٠٨ ح ٢٦٦ كلاهما عن علي بن رثاب، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ١٠٤ ح ١٨٤٨، الإقبال: ج ١ ص ١١٧، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٣٤٢ ح ٢.
- ٢- الجحجج: وهو السيد الكريم (النهاية: ج ١ ص ٢٤٠ «جحجج»).
- ٣- مصباح المتهجد: ص ٤٠٩ ح ٥٣٥، المصباح للكفعمي: ص ٧٢٧، جمال الأسبوع: ص ٣٠٧ كلها عن يونس بن عبد الرحمن، الإقبال: ج ١ ص ٢٨٧ من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٣٣٠ ح ٤.
- ٤- المزار الكبير: ص ٥٠٩، بحار الأنوار: ج ١٠١ ص ٣٢٥.

امام کاظم علیه السلام: خدایا! چنان که پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله را از هراس دشمنش کفایت نمودی و اندوه و غم او را برطرف کردی و وعده ات را که به او داده بودی، [وفا و] تصدیق نمودی، و در زمانی که با او پیمان بسته بودی، وعده ات را به انجام رساندی، خدایا مرا از هراس و گزندهای این سال، و بیمارها و آشوب ها و بدی ها و اندوه های آن و تنگنایی زندگی در آن، کفایت کن و مرا با رحمت خویش، به عافیت کامل و بقای عافیت و برخورداری از نعمت تا پایان اجلم برسان.

امام رضا علیه السلام: خدایا! شرّ همه آنچه را که آفریدی و به وجود آوردی و ایجاد نمودی و صورت بخشیدی، از ولی و جانشینت، و حجّت بر آفریدگان، و زبانت که توصیفگر تو و بیان کننده حکم توست و چشمت که به اذن تو نظاره گر است و گواهد بر بندگانت که سرور تلاشگر و پناهنده به تو و بنده درگاه توست، دور کن و او را پناه بده.

امام مهدی علیه السلام: خدایا! بر محمد و خاندان برگزیده محمد، در شب و روز، درود فرست و مرا از شرّ بدان، کفایت کن.

ر. ک: ص ۳۸۳ (فصل دوم: عوامل نیک بختی / اخلاق و رفتار خوب).

بخش چهارم: عدل الهی، نیک بختی و بدبختی

اشاره

بخش چهارم: عدل الهی، نیک بختی و بدبختی در آمد فصل یکم: معنای نیک بختی و بدبختی فصل دوم: عوامل نیک بختی فصل سوم: عوامل تیره بختی

درآمد سعادت ، به معنای نیک بختی ، از ریشه «سعد» به معنای خیر ، شادی ، و شُگون است و شقاوت ، ضد آن و به معنای تیره روزی و بدبختی است . ابن فارس در این باره می گوید : السین والعین والذال أصل يدلّ على خير وسرور ، خلاف النحس ، فالسعد : اليُمن في الأمر . (۱) سین و عین و دال ، ریشه ای است که دلالت بر خیر و خوشی می کند ، بر خلاف نحس . سعادت ، خوش یمنی در کار است . وی در ریشه یابی «شقاوت» آورده است : الشين والقاف والحرف المعتل أصل يدلّ على المعاناه ، وخلاف السهوله والسعاده . (۲) شین و قاف و حرف عله (ی) ، ریشه ای است که دلالت بر بدبختی می کند ، بر خلاف سهولت و سعادت . ابن منظور نیز می گوید : السعد : اليُمن ، وهو نقيض النحس ، والسعوده خلاف النحوسه ، والسعاده خلاف

۱- .معجم مقاييس اللغة : مادّه «سعد» .

۲- .معجم مقاييس اللغة : مادّه «شقو» .

سعادت و شقاوت در مکتب های مختلف

الشقاوه. (۱) سعد ، خجستگی است و نقيض نحس است . سعودت ، خلاف نحوست است و سعادت بر خلاف شقاوت . همچنين در عرف عام ، سعيد ، به کسی می گویند که از آنچه مردم آن را خیر (خوبی) می دانند ، بهره مند باشد . بنا بر این ، می توانیم سعادت را به «دستیابی به خیر و کمال» و شقاوت را به «رسیدن به شر و نقص» ، تفسیر کنیم . بدین ترتیب ، آنچه در تبیین خیر و شر و ملائک تشخیص آن در جهان بینی اسلامی ارائه گردید ، (۲) با تفسیر سعادت و شقاوت نیز قابل انطباق است . با توجه به آیات و احادیث این بخش ، توضیح کوتاهی درباره تفسیر سعادت و شقاوت در مکتب های مختلف و نیز در جهان بینی اسلام ، ضروری است :

سعادت و شقاوت در مکتب های مختلف همان طور که اشاره شد ، سعادت به معنای خیر و کمال است و شقاوت به معنای شر و نقص . در مورد این تعریف کلی ، می توان گفت که بین مکتب های مختلف فکری ، اختلافی وجود ندارد ؛ ولی در تفسیر مصادیق خیر و شر ، و نقص و کمال ، در مکتب ها و جهان بینی های مختلف ، اختلاف نظر وجود دارد . این مسئله از دیرباز ، مورد توجه اهل نظر و فلاسفه بوده و هست . برای نمونه : از نگاه اپیکور ، (۳) سعادت ، چیزی جز لذت نیست و لذت ، غایت مطلوب بشر

۱- لسان العرب : ماده «سعد» .

۲- ر . ک : ص ۲۰۱ (معیار شناخت خیر و شر) .

۳- اپیکور یا ابیقورس . نام حکیمی یونانی مؤسس طریقه اپیکوری ، متولد ۳۴۱ ق . م (لغت نامه دهخدا) .

سعادت و شقاوت در مکتب اسلام

است. او می گوید: لذت، خیر مطلق است و تمام افعال انسان باید در جهت کسب آن باشد. البته مقصود وی از کسب لذت، کسب فضایل و لذات روحانی است. (۱) از منظر ارسطو، سعادت، رعایت حدّ وسط، یعنی اعتدال است. (۲) از نظر نیچه، کمال، چیزی جز قدرت نیست. (۳) و اسپینوزا، سعادت و کمال را صیانت ذات می داند. ۴ به طور کلی می توان گفت که در جهان بینی های مختلف، بجز جهان بینی اسلامی، گروهی لذایذ و کمالات معنوی را سعادت می دانند و شماری، لذایذ مادی را.

سعادت و شقاوت در مکتب اسلامبا یک نگاه اجمالی به آیات و احادیث این فصل، مشخص می گردد که در جهان بینی اسلام، نه برخورداری از لذایذ مادی به تنهایی، و نه برخورداری از لذایذ معنوی به تنهایی، سعادت کامل محسوب نمی شوند؛ بلکه برخورداری از لذایذ مادی و معنوی در دنیا و آخرت، با هم، کمال سعادت است. در مقابل، هر چیزی که از بهره مندی مادی یا معنوی انسان در دنیا و آخرت بکاهد، شقاوت نامیده می شود. به سخن دیگر، اسلام، برنامه تکامل جسم و جان، ماده و معنا، و تأمین کننده

۱- تاریخ فلسفه، کاپلستن: ج ۱ ص ۵۶۱؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «ابیقورس».

۲- تاریخ فلسفه: ج ۱ ص ۴۵۸.

۳- اخلاق، اسپینوزا: ص ۲۲۵.

حقیقت سعادت و شقاوت

سعادت دنیا و آخرت انسان در کنار یکدیگر است. بر این اساس ، آنچه موجب خوشی و آسایش مادی انسان است ، مشروط به این که برای حیات معنوی و زندگی اُخروی او زیانبار نباشد ، سعادت محسوب می شود و در مقابل ، آنچه موجب رنج و ناراحتی مادی انسان می گردد، ولی زمینه ساز حیات معنوی و آسایش کامل تروی نیست ، شقاوت نامیده می شود . بنا بر این ، آنچه در احادیث در تبیین سعادت آمده (مانند : صورت زیبا، همسر زیبا و شایسته، خانه خوب و بزرگ، مَرکب رهوار) (۱) ، و نیز آنچه در تبیین شقاوت آمده (مانند : همسر ناشایست، خانه نامطلوب و مَرکب نامناسب) ، (۲) تنها بخشی از مصادیق سعادت و شقاوت است .

حقیقت سعادت و شقاوت نکته مهم و قابل توجه در تفسیر سعادت و شقاوت ، این است که سعادت و شقاوت اُخروی ، قابل مقایسه با سعادت و شقاوت دنیوی نیست ؛ چرا که لذت ها و رنج های دنیا ، هر قدر هم زیاد باشند ، ناقص و پایان پذیرند ، در حالی که لذت و رنج آخرت ، کامل تر از دنیا و همیشگی اند . از این رو ، امام علی علیه السلام در حدیثی ، سعادت حقیقی را چنین تبیین می فرماید : حَقِيقَةُ السَّعَادَةِ أَنْ يَخْتِمَ الرَّجُلُ عَمَلَهُ بِالسَّعَادَةِ . (۳) حقیقت خوش بختی ، آن است که مردی ، کارش به خوش بختی پایان پذیرد . و درباره شقاوت حقیقی می فرماید :

۱- ر . ک : ص ۳۴۹ (نشانه های نیک بختی) .

۲- ر . ک : ص ۳۶۱ (نشانه های تیره بختی) .

۳- ر . ک : ص ۳۴۴ ح ۶۶۴۵ .

حَقِيقَةُ الشَّقَاءِ أَنْ يَخْتِمَ الْمَرْءُ عَمَلَهُ بِالشَّقَاءِ . (۱) حقیقت بدبختی ، آن است که مردی ، کارش به بدبختی ختم شود . این سخن ، بدین معناست که لذا یزد و رنج های دنیوی ، به دلیل پایان پذیر بودن ، شایسته عنوان «سعادت و شقاوت حقیقی» نیستند ، چنان که در سخنی دیگر از ایشان آمده است : الَّذِي يَسْتَحِقُّ اسْمَ السَّعَادَةِ عَلَى الْحَقِيقَةِ سَعَادَةُ الْآخِرَةِ ، وَهِيَ أَرْبَعَةُ أَنْوَاعٍ : بَقَاءٌ بِإِلْفَاءٍ ، وَعِلْمٌ بِإِلْفَاءٍ ، وَقُدْرَةٌ بِإِلْفَاءٍ ، وَغِنَىٌ بِإِلْفَاءٍ . (۲) آنچه حقیقتاً شایسته نام خوش بختی است ، خوش بختی اُخروی است و آن ، چهار نوع است : ماندگاری بدون نابودی ، دانایی بدون نادانی ، توانایی بدون ناتوانی ، و بی نیازی بدون ناداری . بر این اساس ، آنچه در فصل دوم این بخش ، عامل سعادت شمرده شده است (مانند : معرفت ، ایمان ، ولایت اهل بیت علیهم السلام و ارزش های اخلاقی و عملی) ، در واقع ، تأمین کننده سعادت حقیقی ، یعنی سعادت اُخروی است ، ضمن آن که سعادت مادی و دنیوی انسان را نیز به بهترین وجه ، تحقق می بخشد . نیز آنچه در فصل سوم ، عامل شقاوت معرفی شده است (مانند : نادانی ، کفر و ضد ارزش های اخلاقی و عملی) ، در واقع ، عامل شقاوت حقیقی ، یعنی شقاوت اُخروی است ، ضمن آن که زندگی مادی و دنیوی انسان را نیز با تلخی و رنج ، همراه می نماید .

۱- ر . ک : ص ۳۴۸ ح ۶۶۵۲ .

۲- ر . ک : ص ۳۴۴ ح ۶۶۴۷ .

الفصل الأوّل: معنى السعادة والشقاوه ١ / ١ حقيقته السعاده الكتاب «وَأَمَّا الَّذِينَ سِعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَ الْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرٌ مَجْدُودٍ». (١)

الحديث للإمام علي عليه السلام: حقيقته السعاده أن يختتم الرجل عمله بالسعاده. (٢)

عنه عليه السلام: السعاده ما أفضت (٣) إلى الفوز. (٤)

عنه عليه السلام في الحكم المنسوبه إليه: الذي يستحق اسم السعاده على الحقيقه سعاده الآخره، وهى أربعه أنواع: بقاء بلا فناء، وعلم بلا جهل، وقدره بلا عجز، وغنى بلا فقر. (٥)

١- هود: ١٠٨.

٢- الخصال: ص ٥ ح ١٤ عن وهب بن وهب عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، معانى الأخبار: ص ٣٤٥ ح ١ عن

وهب بن وهب عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٥ ص ١٥٤ ح ٥.

٣- أفضى إلى: أى أنتهى إليه (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٤٠٠ «فضا»).

٤- غرر الحكم: ح ١١٢٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٥ ح ١٠٩١.

٥- شرح نهج البلاغه: ج ٢٠ ص ٣٠٦ ح ٥٠٩.

فصل یکم: معنای نیک بختی و بدبختی

۱ / ۱ / حقیقت نیک بختی

فصل یکم: معنای نیک بختی و بدبختی ۱ / ۱ حقیقت نیک بختیقرآن «و اما کسانی که نیک بخت شده اند، تا آسمان ها و زمین برجایند، در بهشت جاودان اند، مگر این که پروردگارت چیزی [دیگر] بخواهد؛ بخششی که بریدنی نیست» .

حدیثامام علی علیه السلام: حقیقت نیک بختی، این است که مرد، عملش را با کامیابی به پایان برساند .

امام علی علیه السلام: نیک بختی، چیزی است که پایانش رستگاری باشد .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به او: چیزی که حقیقتا سزاوار نام نیک بختی است، نیک بختی آخرت است و آن، چهار نوع است: ماندگاری بدون نابودی، دانش بدون نادانی، قدرت نیامیخته با ناتوانی، و بی نیازی بدون ناداری .

عنه عليه السلام :عِنْدَ الْعَرَضِ عَلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ ، تَتَحَقَّقُ السَّعَادَةُ مِنَ الشَّقَاءِ . (١)

عنه عليه السلام :الْآخِرَةُ فَوْزُ السُّعْدَاءِ . (٢)

الإمام زين العابدين عليه السلام فى الدعاء :اللَّهُمَّ... وَ السَّعِيدُ مَنْ آوَيْتَهُ إِلَى كَنَفِ (٣) نِعْمَتِكَ ، وَنَقَلْتَهُ حَمِيدًا إِلَى مَنَازِلِ رَحْمَتِكَ . (٤)

سعد السعود نقلًا عن الزبور :السَّعِيدُ مَنْ أَخَذَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ وَانصَرَفَ إِلَى أَهْلِهِ مُضِيءَ الْوَجْهِ . (٥)

١ / ٢ حَقِيقَةُ الشَّقَاءِ الْكِتَابُ «يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلِّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ * فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ * خَلِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَ الْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ» . (٦)

١- .غرر الحكم : ح ٦٢٢٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٣٨ ح ٥٧٦٧ .

٢- .غرر الحكم : ح ٦٩٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٤ ح ٢٣٢ .

٣- .الكَنْفُ : الْجَانِبُ وَالنَّاحِيَةُ (النَّهْيَةُ) : ج ٤ ص ٢٠٥ «كنف» .

٤- .البلد الأمين : ص ٤٩٩ ؛ شرح نهج البلاغه : ج ١١ ص ٢٧٣ عن أبي حيان التوحيدى من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام .

٥- .سعد السعود : ص ٥٣ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٤١ ح ٨ .

٦- .هود : ١٠٥ ١٠٧ .

۱ / ۲ حقیقت بدبختی

امام علی علیه السلام: هنگام عرضه شدن بر خداوند سبحان است که حقیقت نیک بختی از بدبختی معلوم می گردد .

امام علی علیه السلام: آخرت، [زمان] رستگاری نیک بختان است .

امام زین العابدین علیه السلام در دعا : خدایا! ... خوش بخت، کسی است که او را در سایه نعمت خویش، مورد حمایت قرار دادی و در حالتی ستوده، به سوی جایگاه های رحمت منتقل نمودی .

سعد السعود به نقل از زبور : خوش بخت، کسی است که نامه عملش را به دست راستش بگیرد و با چهره نورانی به سوی خاندانش برگردد .

۱ / ۲ حقیقت بدبختیقرآن«[روز قیامت،] روزی [است] که چون فرا رسد، هیچ کس جز به اذن وی [خداوند] سخن نمی گوید. آن گاه بعضی از آنان تیره بخت اند و [برخی] نیک بخت: کسانی که تیره بخت شده اند، در آتش، فریاد و ناله ای دارند [و] تا آسمان ها و زمین برجایند، در آن ماندگار خواهند بود، مگر این که پروردگارت چیزی [دیگر] بخواهد. پروردگار تو، همان می کند که بخواهد» .

الحديث للإمام علي عليه السلام: حَقِيقَةُ الشَّقَاءِ أَنْ يَخْتِمَ الْمَرْءُ عَمَلَهُ بِالشَّقَاءِ . (١)

عنه عليه السلام: وَاِرْدُ النَّارِ مُؤَبَّدُ الشَّقَاءِ . (٢)

سعد السعود نقلاً عن الزبور: الشَّقِيُّ مَنْ أَخَذَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ وَمِنْ وَرَاءِ ظَهْرِهِ ، [و] (٣) انصَرَفَ إِلَى أَهْلِهِ بِاسِرِّ (٤) الْوَجْهِ . (٥)

١ / ٣ أمارات السَّعَادَةِ رسول الله صلى الله عليه وآله : كَفَى بِالْمَرْءِ سَعَادَةً أَنْ يُوْتَقَ بِهِ فِي أَمْرِ دِينِهِ وَدُنْيَاهُ . (٦)

عنه صلى الله عليه وآله : مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ اسْتِخَارَةُ اللَّهِ وَرِضَاؤُهُ بِمَا قَضَى اللَّهُ . (٧)

عنه صلى الله عليه وآله : لا- تَمْتَوُوا الْمَوْتَ ، فَإِنَّ هَوْلَ الْمُطَّلَعِ (٨) شَدِيدٌ ، وَإِنَّ مِنَ السَّعَادَةِ أَنْ يَطُولَ عُمُرُ الْعَبْدِ وَيَرْزُقَهُ اللَّهُ الْإِنَابَةَ

(٩) . (١٠)

١- .الخصال : ص ٥ ح ١٤ عن وهب بن وهب عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، معانى الاخبار : ص ٣٤٥ ح ١ عن

وهب بن وهب عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ١٥٤ ح ٥ .

٢- .غرر الحكم : ح ١٠١١٦ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٠٥ ح ٩٢٧١ .

٣- .. الزيادة من بحار الأنوار .

٤- .بَسْرَ : أظهر العُبُوس (مفردات ألفاظ القرآن : ص ١٢٢ «بسر»).

٥- .سعد السعود : ص ٥٣ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٤١ ح ٨ .

٦- .مسند الشهاب : ج ٢ ص ٣٠٥ ح ١٤١٧ ، الفردوس : ج ٣ ص ٢٨٥ ح ٤٨٥٦ ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٧٧٨ ح ٤٣٠٧٠ نقلاً

عن ابن النجار وكلها عن أنس ، غرر الحكم : ح ٧٠٥٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٨٦ ح ٦٥٤٦ كلاهما عن الإمام علي

عليه السلام .

٧- .تحف العقول : ص ٥٥ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ١٥٩ ح ١٥٣ ؛ سنن الترمذى : ج ٤ ص ٤٥٥ ح ٢١٥١ ليس فيه «استخاره

الله» ، مسند ابن حنبل : ج ١ ص ٣٥٧ ح ١٤٤٤ نحوه ، شعب الإيمان : ج ١ ص ٢١٩ ح ٢٠٣ والثلاثة الأخيره عن سعد بن أبي

وقاص .

٨- .هَوْلُ الْمُطَّلَعِ : يريد به الموقف يوم القيامة ، أو ما يشرف عليه من أمر الآخرة عُقِيبُ الْمَوْتِ (النهاية : ج ٣ ص ١٣٢ «طلع»).

٩- .الْإِنَابَةُ : الرجوع إلى الله بالتوبه (النهاية : ج ٥ ص ١٢٣ «نوب»).

١٠- .مسند ابن حنبل : ج ٥ ص ٨٧ ح ١٤٥٧٠ ، المستدرک على الصحيحين : ج ٤ ص ٢٦٨ ح ٧٦٠٢ وليس فيه صدره إلى

«شديد» ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص ٣٤٩ ح ١١٥٥ كلها عن جابر بن عبد الله ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٥٥٤ ح

٤٢١٤٩ : الدعوات : ص ١٢٢ ح ٢٩٧ وفيه بزياده «إلى دار الخلود» فى آخره ، تنبيه الخواطر : ج ١ ص ٧ ، بحار الأنوار : ج ٦ ص

۱ / ۳ نشانه های نیک بختی

حدیث امام علی علیه السلام: حقیقت بدبختی، این است که مرد، عملش به تیره بختی به پایان برسد .

امام علی علیه السلام: وارد شونده در دوزخ ، بدبخت همیشگی است .

سعد السعود به نقل از زبور: تیره بخت، کسی است که [روز قیامت،] نامه عملش را به دست چپش و از پشت سرش بگیرد و با چهره در هم کشیده به سوی خاندانش برگردد .

۱ / ۳ نشانه های نیک بختی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای نیک بختی مرد، همین بس که در کار دین و دنیايش، به او اعتماد شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از نیک بختی فرزند آدم ، خیرخواستن از خداوند و خشنودی به قضای خداست .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آرزوی مرگ نکنید ؛ چرا که وحشت پس از مرگ، سخت است . همانا از خوش بختی است که عمر بنده، طولانی گردد و خداوند، توبه را نصیب او نماید .

- عنه صلى الله عليه و آله :مِن سَعَادَةِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ ، وَالْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ ، وَالْمَرْكَبُ الْهَنِيُّ ، وَالْوَلَدُ الصَّالِحُ . (١)
- عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يُشَبِّهَهُ وَلَدُهُ ، وَالْمَرْأَةُ الْجَمَلَاءُ (٢) ذَاتَ دِينٍ ، وَالْمَرْكَبُ الْهَنِيُّ ، وَالْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ . (٣)
- عنه صلى الله عليه و آله :ثَلَاثٌ مِنَ السَّعَادَةِ ، وَثَلَاثٌ مِنَ الشَّقَاوَةِ ، فَمِنَ السَّعَادَةِ الْمَرْأَةُ تَرَاهَا تُعْجِبُكَ وَتَغِيبُ فَتَأْمَنُهَا عَلَى نَفْسِهَا وَمَالِكَ ، وَالذَّائِبَةُ تَكُونُ وَطِيئَهُ (٤) فَتَلْحَقُكَ بِأَصْحَابِكَ ، وَالذَّارُ تَكُونُ وَاسِعَةً كَثِيرَةَ الْمَرَافِقِ . (٥)
- عنه صلى الله عليه و آله :مِن سَعَادَةِ الْمُسْلِمِ سَعَةُ الْمَسْكَنِ ، وَالْجَارُ الصَّالِحُ ، وَالْمَرْكَبُ الْهَنِيُّ . (٦)

- ١- الجعفریات : ص ٩٩ ، النوادر للراواندى : ص ١٥١ ح ٢١٩ كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، دعائم الإسلام : ج ٢ ص ١٩٥ ح ٧٠٩ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ١٥٥ ح ٣٥ .
- ٢- جملاء : أى جميله مليحه (النهايه : ج ١ ص ٢٩٩ «جمل»).
- ٣- قرب الإسناد : ص ٧٧ ح ٢٤٨ عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ١٤٩ ح ٣ ؛ أسد الغابه : ج ٥ ص ٤٣٨ الرقم ٥٥١٤ ، الإصابه : ج ٦ ص ٥٥٨ الرقم ٩٤٤٩ كلاهما عن يحيى بن صيفى وفيهما صدره إلى «ولده» .
- ٤- الوطىء : المذلل ، يُقال : هذا الفراش وطفىء لا يؤذى جنب النائم (المعجم الوسيط : ج ٢ ص ١٠٤١ «وطأ»). وقال المناوى : وطيئه أى هنيئه سريعه المشى سهله الانقياد (فيض القدير : ج ٣ ص ٤٢٢) .
- ٥- المستدرک على الصحيحين : ج ٢ ص ١٧٦ ح ٢٦٨٤ عن محمد بن سعد عن أبيه ، كتر العمال : ج ١١ ص ٩٣ ح ٣٠٧٥٥ .
- ٦- الخصال : ص ١٨٣ ح ٢٥٢ ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٢٨٩ ح ٣ ؛ الأدب المفرد : ص ٤٧ ح ١١٦ ، مسند ابن حنبل : ج ٥ ص ٢٤٠ ح ١٥٣٧٢ ، المستدرک على الصحيحين : ج ٤ ص ١٨٤ ح ٧٣٠٦ بزياده «فيالدينا» بعد «المسلم»، شعب الإيمان : ج ٧ ص ٨٣ ح ٩٥٥٨ كلها عن نافع بن عبد الحارث ، كتر العمال : ج ١١ ص ٩٨ ح ٣٠٧٧٨ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از خوش بختی مرد مسلمان است: زن نیکو و خانه بزرگ و مرکب خوش رکاب و فرزند نیکو

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از خوش بختی مرد مسلمان است که فرزندش شبیه او باشد و زن زیبای دیندار و مرکب خوش رکاب و خانه بزرگ داشته باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه چیز، از نیک بختی و سه چیز، از تیره بختی است. از نیک بختی است: داشتن زنی که دیدنش خوشایند تو باشد و در غیاب تو امانتدار خودش و مال تو باشد، و داشتن حیوانی خوش رکاب است تا تو را به یارانت برساند، و داشتن خانه ای جادار و دارای رفاه بسیار.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از نیک بختی مرد مسلمان، داشتن خانه بزرگ، همسایه نیکوکار، و مرکب خوش رکاب است.

عنه صلى الله عليه و آله : أَرْبَعَةٌ مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ : الْخُلَطَاءُ الصَّالِحُونَ ، وَالْوَلَدُ الْبَارُّ ، وَالْمَرْأَةُ الْمُؤَاتِيَةُ ، وَأَنْ تَكُونَ مَعِيشَتُهُ فِي بَلَدِهِ .
(١)

عنه صلى الله عليه و آله : خَمْسَةٌ مِنَ السَّعَادَةِ : الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ ، وَالْبَنُونَ الْأَبْرَارُ ، وَالْخُلَطَاءُ الصَّالِحُونَ ، وَرِزْقُ الْمَرْءِ فِي بَلَدِهِ ،
وَالْحُبُّ لَيْلٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أُعْطِيَ نِصْفَ السَّعَادَةِ . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله : مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ الْوَلَدُ الصَّالِحُ . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله : مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ حُسْنُ الْخُلُقِ . (٥)

عنه صلى الله عليه و آله : مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ ، رِضَاهُ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ . (٦)

عنه صلى الله عليه و آله : مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ يُشْبِهَ أَبَاهُ . (٧)

عنه صلى الله عليه و آله : مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ الْمَرَكَبُ الْهَنِيءُ . (٨)

١- النوادر للراوندى : ص ١١٠ ح ٩٣ ، الجعفریات : ص ١٩٤ كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، جامع الأخبار : ص ٢٨٥ ح ٧٤٨ نحوه ، بحار الأنوار : ج ١٠٣ ص ١٨٦ ح ١٧ .

٢- دعائم الإسلام : ج ٢ ص ١٩٥ ح ٧٠٦ عن الإمام الصادق عليه السلام ، عوالي اللآلى : ج ٣ ص ٢٩٣ ح ٥٥ ، مستدرک الوسائل : ج ١٣ ص ٢٩٢ ح ١٥٣٨٧ .

٣- مستدرک الوسائل : ج ١٤ ص ١٥٤ ح ١٦٣٥٢ نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .

٤- الكافى : ج ٦ ص ٣ ح ٦ عن الإمام الصادق عليه السلام ، عدّه الداعى : ص ٧٦ ، بحار الأنوار : ج ١٠٤ ص ٩٨ ح ٦٧ .

٥- مسند الشهاب : ج ١ ص ١٩٩ ح ٣٠٠ ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٢ ح ٥١٩٣ نقلاً عن شعب الإيمان وكلاهما عن جابر بن عبد الله ، مشكاة الأنوار : ص ٣٩٣ ح ١٢٩٣ عن الإمام الصادق عليه السلام ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٢٥٠ ، مستدرک الوسائل : ج ٨ ص ٤٤٦ ح ٩٩٥٢ .

٦- نثر الدرّ : ج ١ ص ١٦٨ .

٧- مسند الشهاب : ج ١ ص ١٩٩ ح ٢٩٩ ، الإصابه : ج ٣ ص ٢٠ الرقم ٦٠١٢ ، الفردوس : ج ٤ ص ٧ ح ٦٠١٢ كلّها عن أنس ، كنز العمال : ج ١١ ص ٩١ ح ٣٠٧٤٦ .

٨- الكافى : ج ٦ ص ٥٣٦ ح ٨ عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، المحاسن : ج ٢ ص ٤٦٦ ح ٢٦١٥ ، بحار الأنوار

ج ٦٤ ص ١٧١ ح ١٩.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چهار چیز، از نیک بختی مرد است : رفیقان خوب و فرزند نیکوکار و همسر مطیع [و همراه] ، و این که شغلش (محلّ درآمدش) در شهر خودش باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پنج چیز، از نیک بختی [مرد] است : همسر صالح ، فرزندان نیکوکار ، رفیقان خوب ، [بودن] [اروزی] مرد در شهرش ، و دوست داشتن خاندان محمّد صلی الله علیه و آله .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که ازدواج کند ، در حقیقت ، نیمی از نیک بختی به او عطا شده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از نیک بختی مرد ، فرزند صالح است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از نیک بختی مرد ، اخلاق نیک است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از نیک بختی فرزند آدم ، خشنودی اوست به آنچه خداوند برایش مقرر نموده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از نیک بختی مرد ، شبیه بودن او به پدرش است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از نیک بختی مرد مسلمان ، داشتن مرکب خوش رکاب است .

الإمام علي عليه السلام: أمارات (١) السَّعَادَةِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ . (٢)

عنه عليه السلام: السَّخَاءُ إِحْدَى السَّعَادَتَيْنِ . (٣)

عنه عليه السلام: سَعَادَةُ الْمَرْءِ الْقَنَاعَةُ وَالرِّضَا . (٤)

عنه عليه السلام: يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفَافًا تَوَلَّوهُمْ الْأَذْبَارَ» (٥) فَحَافِظُوا عَلَيَّ أَمْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي هَذِهِ الْمَوَاطِنِ ، الَّتِي الصَّبْرُ عَلَيْهَا كَرَمٌ وَسَعَادَةٌ ، وَنَجَاةٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مِنْ فَطْيَعِ الْهَوْلِ وَالْمَخَافَةِ . (٦)

عنه عليه السلام: الصَّمْتُ حُكْمٌ ، وَالسُّكُوتُ سَلَامَةٌ ، وَالْكِتْمَانُ طَرْفٌ مِنَ السَّعَادَةِ . (٧)

عنه عليه السلام: خُلُوُّ الصَّدْرِ مِنَ الْغِلِّ وَالْحَسَدِ ، مِنْ سَعَادَةِ الْعَبْدِ . (٨)

عنه عليه السلام: مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ تَكُونَ صِنَائِعُهُ عِنْدَ مَنْ يَشْكُرُهُ ، وَمَعْرُوفُهُ عِنْدَ مَنْ لَا يَكْفُرُهُ . (٩)

عنه عليه السلام: مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ يَضَعَ مَعْرُوفَهُ عِنْدَ أَهْلِهِ . (١٠)

عنه عليه السلام: حُسْنُ الصُّورَةِ أَوَّلُ السَّعَادَةِ . (١١)

- ١- الأمانة (النهاية: ج ١ ص ٦٧ «أمر»).
- ٢- غرر الحكم: ح ١٢٣١ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٧٠ ح ١٧٨٨ .
- ٣- غرر الحكم: ح ١٦٤٤ .
- ٤- غرر الحكم: ح ٥٥٦١ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٨٤ ح ٥١٢٤ .
- ٥- الأنفال: ١٥ .
- ٦- الكافي: ج ٥ ص ٣٨ ح ١ عن عقيل الخزاعي ، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٤٤٨ ح ٦٥٩ .
- ٧- تحف العقول: ص ٢٢٣ ، تاريخ اليعقوبي: ج ٢ ص ٢١٠ وفيه «حلم» بدل «حكم» ، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٦٣ ح ١٤٦ .
- ٨- غرر الحكم: ح ٥٠٨٣ .
- ٩- غرر الحكم: ح ٩٤٤٧ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٧٣ ح ٨٦٧٩ وفيه «إحسانه» بدل «صنائه» .
- ١٠- غرر الحكم: ح ٩٣٩٢ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٧٠ ح ٨٥٨٦ .
- ١١- غرر الحكم: ح ٤٨٠٣ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٢٨ ح ٤٣٨٧ .

امام علی علیه السلام: نشانه های نیک بختی ، خالص بودن عمل است .

امام علی علیه السلام: سخاوت ، یکی از دو نیک بختی است .

امام علی علیه السلام: نیک بختی مرد ، قناعت و رضایت است .

امام علی علیه السلام: خداوند عز و جل می فرماید : «ای کسانی که ایمان آورده اید! هر گاه [در میدان نبرد] به کافران برخورد کردید که [به سوی شما] روی می آورند، به آنان پشت مکنید» . پس، امر خداوند عز و جل را در این موارد، مراقبت نمایید که شکیبایی بر آنها، کرامت و نیک بختی ، و [مایه] نجات از زشتی و وحشت و هراس در دنیا و آخرت است .

امام علی علیه السلام: خاموشی ، حکمت است و سکوت ، سلامت است و رازپوشی، بخشی از نیک بختی است .

امام علی علیه السلام: تهی بودن سینه از کینه و حسد ، از نیک بختی بنده است .

امام علی علیه السلام: از نیک بختی مرد، این است که کارهایش برای کسی باشد که او را سپاس می گزارد و نیکی هایش برای کسی باشد که او را ناسپاسی نمی کند .

امام علی علیه السلام: از نیک بختی مرد، این است که نیکی هایش را به پای کسانی که شایسته آن اند صرف کند .

امام علی علیه السلام: چهره نیکو ، اول نیک بختی است .

عنه عليه السلام: الصَّوْرَةُ الْجَمِيلَةُ أَقْلُ السَّعَادَتَيْنِ . (١)

عنه عليه السلام: مَنْ سَلِمَ مِنَ أَلْسِنَةِ النَّاسِ كَانَ سَعِيدًا . (٢)

عنه عليه السلام: عُنْوَانُ صَحِيفَةِ السَّعِيدِ حُسْنُ الثَّنَاءِ عَلَيْهِ . (٣)

عنه عليه السلام فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ : مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ يَطُولَ عُمُرُهُ ، وَيَرَى فِي أَعْدَائِهِ مَا يَسُرُّهُ . (٤)

الإمام الحسين عليه السلام: أَلَا تَرَوْنَ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَالْبَاطِلَ لَا يُتَنَاهَى عَنْهُ ، لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ ، وَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا (٥) . (٦)

الإمام زين العابدين عليه السلام: إِنَّ مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ يَكُونَ مَتَجِرُّهُ فِي بَلَدِهِ ، وَيَكُونَ خُلَطَاؤُهُ صَالِحِينَ ، وَيَكُونَ لَهُ وُلْدٌ يَسْتَعِينُ بِهِمْ . (٧)

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ الْوَلَدُ يَعْرِفُ فِيهِ شِبْهَ خَلْقِهِ وَخُلُقِهِ وَشَمَائِلِهِ . (٨)

الإمام الصادق عليه السلام: مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ يَكُونَ مَتَجِرُّهُ فِي بَلَدِهِ ، وَيَكُونَ لَهُ أَوْلَادٌ يَسْتَعِينُ بِهِمْ ، وَخُلَطَاءٌ صَالِحُونَ ، وَمَنْزِلٌ وَاسِعٌ ، وَامْرَأَةٌ حَسَنَاءٌ ، إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا سُرَّ بِهَا وَإِذَا غَابَ عَنْهَا حَفِظَتْهُ فِي نَفْسِهَا . (٩)

١- غرر الحكم : ح ١٦٥٩ .

٢- مطالب السؤل : ص ٥٦ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١٢ ح ٧٠ .

٣- كشف الغمّة : ج ٣ ص ١٣٧ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٧٩ ح ٦١ .

٤- شرح نهج البلاغه : ج ٢٠ ص ٣٠٢ ح ٤٥٩ .

٥- بَرَمٌ بَرَمًا : ضَجِرٌ ضَجْرًا ، فَهُوَ ضَجِرٌ وَزَنَا وَمَعْنَى : إِذَا سَثِمَهُ وَمَلَّهَ (مجمع البحرين : ج ١ ص ١٤٥ «برم»).

٦- المعجم الكبير : ج ٣ ص ١١٥ ح ٢٨٤٢ ، سير أعلام النبلاء : ج ٣ ص ٣١٠ كلاهما عن محمّد بن الحسن ، تحف العقول : ص ٢٤٥ ، نزّه الناظر : ص ٨٨ ح ٢٦ ، كشف الغمّة : ج ٢ ص ٢٤٤ ، بحار الأنوار : ج ٤٤ ص ١٩٢ ح ٤ .

٧- الكافي : ج ٥ ص ٢٥٧ ح ١ و ص ٢٥٨ ح ٣ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٣ ص ١٦٤ ح ٣٥٩٨ ، الخصال : ص ١٥٩ ح ٢٠٧ ، مشكاة الأنوار : ص ٤٥٨ ح ١٥٣٣ ، بحار الأنوار : ج ١٠٣ ص ٧ ح ٢٧ .

٨- الكافي : ج ١ ص ٣٠٦ ح ٣ و ج ٦ ص ٤ ح ٢ كلاهما عن سدير الصيرفي ، مكارم الأخلاق : ج ١ ص ٤٧٧ ح ١٦٤٤ عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ١٠٤ ص ٩٥ ح ٣٧ .

٩- جامع الأحاديث للقمي : ص ٢٠٧ ، مستدرک الوسائل : ج ١٣ ص ٢٩٢ ح ١٥٣٨٨ .

امام علی علیه السلام: چهره زیبا، نیمه کوچک تر نیک بختی است .

امام علی علیه السلام: هر که از زبان مردم آسوده باشد، نیک بخت است .

امام علی علیه السلام: عنوانِ نامه اعمال نیک بخت، ستایش [مردم از] اوست .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به او: از نیک بختی مرد، این است که عمرش طولانی باشد و چیزهایی درباره دشمنانش ببیند که او را شادمان سازد .

امام حسین علیه السلام: آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل، جلوگیری نمی گردد؟ [با این وضعیت،] مؤمن باید به دیدار خدا علاقه مند باشد، و من، مرگ را جز نیک بختی، و زندگی با ستمگران را جز ملال نمی بینم .

امام زین العابدین علیه السلام: از نیک بختی مرد، این است که محلّ تجارتش در شهرش باشد و رفیقانش صالح باشند و فرزندی داشته باشد که از آنان یاری بگیرد .

امام باقر علیه السلام: از نیک بختی مرد، این است که فرزندش در شکل و اخلاق و صفات، شبیه او باشد .

امام صادق علیه السلام: از نیک بختی مرد، این است که محلّ تجارتش در شهرش باشد، فرزندی داشته باشد که از آنان یاری بگیرد، و رفیقان صالح و خانه بزرگ و زنی زیبا داشته باشد که هر گاه بدو می نگرد، شاد شود و هر گاه غایب بود، خودش را برای وی حفظ نماید .

عنه عليه السلام: ثَلَاثَةٌ مِنَ السَّعَادَةِ: الزَّوْجَةُ الْمُؤَاتِبَةُ، وَالْأَوْلَادُ الْبَارُونَ، وَالرَّجُلُ يُرْزَقُ مَعِيشَتَهُ بِلَدِهِ يَغْدُو إِلَى أَهْلِهِ وَيَرُوحُ. (١)

عنه عليه السلام: مِنَ السَّعَادَةِ سَعَةُ الْمَنْزِلِ. (٢)

عنه عليه السلام: مِنَ سَعَادَةِ الْمُؤْمِنِ دَابَّةٌ يَرْكَبُهَا فِي حَوَائِجِهِ، وَيَقْضَى عَلَيْهَا حُقُوقَ إِخْوَانِهِ. (٣)

عنه عليه السلام: مِنَ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ الْقَيِّمَ (٤) عَلَى عِيَالِهِ. (٥)

تحف العقول: قَالَ أَبُو عُبَيْدَةَ [لِلْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ]: أَدْعُ اللَّهَ لِي أَلَّا يَجْعَلَ رِزْقِي عَلَى أَيْدِي الْعِبَادِ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَبِي اللَّهُ عَلَيْكَ ذَلِكَ إِلَّا أَنْ يَجْعَلَ أَرْزَاقَ الْعِبَادِ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ، وَلَكِنْ أَدْعُ اللَّهَ أَنْ يَجْعَلَ رِزْقَكَ عَلَى أَيْدِي خِيَارِ خَلْقِهِ فَإِنَّهُ مِنَ السَّعَادَةِ، وَلَا يَجْعَلُهُ عَلَى أَيْدِي شِرَارِ خَلْقِهِ فَإِنَّهُ مِنَ الشَّقَاوَةِ. (٦)

- ١- الكافي: ج ٥ ص ٢٥٨ ح ٢ عن عبد الله بن عبد الكريم، تهذيب الأحكام: ج ٧ ص ٢٣٦ ح ١٠٣٢ عن عبد الكريم، الأموال للطوسي: ص ٣٠٣ ح ٦٠١ عن داوود نحوه، بحار الأنوار: ج ١٠٤ ص ١٠٣ ح ٩٤.
- ٢- الكافي: ج ٦ ص ٥٢٥ ح ١، المحاسن: ج ٢ ص ٤٤٩ ح ٢٥٤٧، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٢٧٢ ح ٨٢٤ كلها عن هشام بن الحكم، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١٥٢ ح ٢٣.
- ٣- الكافي: ج ٦ ص ٥٣٦ ح ٧، المحاسن: ج ٢ ص ٤٦٦ ح ٢٦١٦ كلاهما عن محمد بن مروان، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٥٥٨ ح ١٩٢٨ وفيهما «المرء» بدل «المؤمن»، بحار الأنوار: ج ٦٤ ص ١٧١ ح ٢٠.
- ٤- قِيَمُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ: أَيِ الَّذِي يَقُومُ بِحِفْظِهَا وَمِرَاعَاتِهَا وَيَقُومُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ بِمَا تَرَاهُ مِنْ تَدْبِيرِهِ (مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ: ج ٣ ص ١٥٣٢ «قوم»).
- ٥- الكافي: ج ٤ ص ١٣ ح ١٣ عن معاذ بن كثير، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ١٦٨ ح ٣٦٢٨، وسائل الشيعة: ج ١٢ ص ٤٣ ح ٦.
- ٦- تحف العقول: ص ٣٦١، مشكاة الأنوار: ص ٢٣٤ ح ٦٦٥، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٤٤ ح ٥٠.

امام صادق علیه السلام: سه چیز، از نیک بختی است: زن مطیع [و همراه]، فرزندان نیک، و این که مرد، در آمدش را در شهر خود به دست آورد و [بتواند] به نزد خانواده اش رفت و آمد نماید.

امام صادق علیه السلام: از نیک بختی، بزرگی خانه است.

امام صادق علیه السلام: از نیک بختی مؤمن، داشتن مرکبی است که برای نیازهای خود بر آن سوار شود و با آن، حقوق برادرانش را ادا نماید.

امام صادق علیه السلام: از نیک بختی مرد، این است که تکیه گاه خانواده اش باشد.

تحف العقول: ابو عبيده به امام صادق علیه السلام گفت: از خدا بخواه که روزی مرا در دستان بندگان قرار ندهد. فرمود: «خداوند از انجام دادن این [خواست] درباره تو، خود داری می کند. جز این نیست که خدا روزی برخی بندگان را در دست دیگری قرار داده است. از خدا بخواه که روزی تو را در دستان بندگان خویش قرار دهد؛ چرا که آن، از نیک بختی است، و [بخواه که] آن را در دستان بندگان بدش قرار ندهد؛ چرا که آن، از بدبختی است».

الإمام الكاظم عليه السلام: إِنَّ جَعْفَرًا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ: سَعِدَ امْرُؤٌ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرَى خَلْفَهُ مِنْ نَفْسِهِ . (١)

الإمام الرضا عليه السلام: مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكْشِفَ الثَّوبَ عَنِ امْرَأَةٍ بَيْضَاءَ . (٢)

عنه عليه السلام فِي الْفِقْهِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ: كِبْرُ الدَّارِ مِنَ السَّعَادَةِ، وَكَثْرَةُ الْمُحِبِّينَ مِنَ السَّعَادَةِ، وَمُوَافَقَةُ الزَّوْجِ كَمَالُ الشُّرُورِ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: أَلَا إِنَّ النِّسَاءَ خُلِقْنَ شَتَّى فَمِنْهُنَّ الْغَنِيمَةُ وَالْغَرَامُ وَمِنْهُنَّ الْهَالِكُ (٤) إِذَا تَجَلَّى لِصَاحِبِهِ وَمِنْهُنَّ الظُّلَامُ فَمَنْ يَظْفَرُ بِصَالِحِهِنَّ يَسْعَدُ وَمَنْ يُعْبَنُ فَلَيْسَ لَهُ انْتِقَامٌ (٥)

١ / ٤ أماراتُ الشَّقَاءِ رسولُ الله صلى الله عليه وآله: أَرْبَعٌ مِنَ الشَّقَاوَةِ: الْجَارُ السَّوُّءُ، وَالْمَرَأَةُ السَّوُّءُ، وَالْمَسْكَنُ الضَّيِّقُ، وَالْمَرْكَبُ السَّوُّءُ . (٦)

١- الغيبة للطوسي: ص ٤١ ح ٢١، الخصال: ص ٢٧ ح ٩٤، كفاية الأثر: ص ٢٦٩ كلها عن موسى بن بكر، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٤٧٧ ح ١٦٤٦، عده الداعي: ص ٧٨ من دون إسناد إلى الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٤٩ ص ٢٦ ح ٤٢.

٢- الكافي: ج ٥ ص ٣٣٥ ح ٧، عوالي اللآلي: ج ٣ ص ٢٩٩ ح ٨٢، وسائل الشيعة: ج ١٤ ص ٣٦ ح ١.

٣- الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام: ص ٣٥٤، بحار الأنوار: ج ٧٩ ص ٣٠٣ ح ١٦.

٤- في المصدر: «الحلال» والصواب ما أثبتناه كما في المصادر الأخرى.

٥- الكافي: ج ٥ ص ٣٢٣ ح ٣، تهذيب الأحكام: ج ٧ ص ٤٠١ ح ١٦٠١، معاني الأخبار: ص ٣١٧ ح ١ كلها عن إبراهيم الكرخي، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ٣٨٦ ح ٤٣٥٨، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٤٣٦ ح ١٤٩٠ كلاهما عن داوود الكرخي وفيها «الهلال» بدل «الحلال»، بحار الأنوار: ج ١٠٣ ص ٢٣٢ ح ١١.

٦- صحيح ابن حبان: ج ٩ ص ٣٤١ ح ٤٠٣٢، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٣٥٧ ح ١٤٤٥، المستدرک على الصحيحين: ج ٢ ص ١٥٧ ح ٢٦٤٠ كلاهما نحوه وليس فيهما «الجار السوء» وكلها عن سعد بن أبي وقاص، كنز العمال: ج ١١ ص ٩٢ ح ٣٠٧٥٣؛ مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٢٧٤ ح ٨٣٢، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١٥٤ ح ٣٤.

۱ / ۴ نشانه های تیره بختی

امام کاظم علیه السلام: جعفر صادق علیه السلام پیوسته می فرمود: «نیک بخت است مردی که نمیرد تا این که فرزند صالح خود را ببیند».

امام رضا علیه السلام: از نیک بختی مرد، این است که لباس از تن همسر سفید، بر کند.

امام رضا علیه السلام در کتاب الفقه منسوب به او: بزرگی خانه، از نیک بختی است و بسیاریِ دوستان، از نیک بختی است و سازگاری همسر، کمال خرسندی است.

امام صادق علیه السلام: هان! زنان، گوناگون آفریده شده اند بعضی از آنها غنیمت، و برخی خسارت اند و بعضی چون ماه اند، هنگامی که برای شوهرش می درخشد و بعضی چون تاریکی اند. هر کس به نیکوی آنان دست یابد، نیک بخت است و هر که مغبون شود، انتقام برایش روا نیست.

۱ / ۴ نشانه های تیره بختیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار چیز از تیره بختی است: همسایه بد، زن بد، خانه کوچک، و مرکب بد.

المعجم الكبير عن أسماء: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ مِنْ شَقَاءِ الْمَرْءِ فِي الدُّنْيَا ثَلَاثَةٌ: سَوْءَ الدَّارِ، وَسَوْءَ الْمَرْأَةِ وَسَوْءَ الدَّابَّةِ، قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا سَوْءَ الدَّارِ؟ قَالَ: ضَيْقُ سَاحَتِهَا وَحُبُّ جِيرَانِهَا، قِيلَ: فَمَا سَوْءَ الدَّابَّةِ؟ قَالَ: مَنْعُهَا ظَهْرَهَا وَسَوْءَ ضَلْعِهَا، قِيلَ: فَمَا سَوْءَ الْمَرْأَةِ؟ قَالَ: عُقْمُ رَحِمِهَا وَسَوْءُ خُلُقِهَا. (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله: ثَلَاثٌ مِنَ السَّعَادَةِ وَثَلَاثٌ مِنَ الشَّقَاوَةِ... وَمِنَ الشَّقَاوَةِ: الْمَرْأَةُ تَرَاهَا فَتَسْوُوكَ وَتَحْمِلُ لِسَانَهَا عَلَيْكَ، وَإِنْ غَبَتْ عَنْهَا لَمْ تَأْمَنْهَا عَلَى نَفْسِهَا وَمَالِكَ، وَالدَّابَّةُ تَكُونُ قَطُوفًا (٢)، فَإِنْ ضَرَبَتْهَا أَتَعَبَتْكَ وَإِنْ تَرَكَهَا لَمْ تَلْحَقْكَ بِأَصْحَابِكَ، وَالدَّارُ تَكُونُ ضَيِّقَةً قَلِيلَةً الْمَرَافِقِ. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: مِنْ عِلَامَاتِ الشَّقَاءِ: جُمُودُ الْعَيْنِ (٤)، وَقَسْوَةُ الْقَلْبِ، وَشِدَّةُ الْحِرْصِ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا، وَالْإِصْرَارُ عَلَى الذَّنْبِ. (٥)

عنه صلى الله عليه وآله: مِنْ شِقْوَةِ ابْنِ آدَمَ تَرَكَهُ اسْتِخَارَةَ اللَّهِ، وَسَخَطُهُ بِمَا قَضَى اللَّهُ. (٦)

عنه صلى الله عليه وآله لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ أَرْبَعٌ خِصَالٍ مِنَ الشَّقَاوَةِ: جُمُودُ الْعَيْنِ، وَقَسَاوَةُ الْقَلْبِ، وَبُعْدُ الْأَمَلِ، وَحُبُّ الْبِقَاءِ. (٧)

١- المعجم الكبير: ج ٢٤ ص ١٥٣ ح ٣٩٥، فتح الباري: ج ٩ ص ١٣٨ نحوه، كنز العمال: ج ١١ ص ٩٩ ح ٣٠٧٨٢.

٢- القُطُوفُ مِنَ الدَّوَابِّ: الْبَطِيءُ (الصَّحَاحُ: ج ٤ ص ١٤١٧ «قطف»).

٣- المستدرک علی الصحیحین: ج ٢ ص ١٧٦ ح ٢٦٨٤ عن محمد بن سعد عن أبيه، كنز العمال: ج ١١ ص ٩٣ ح ٣٠٧٥٥.

٤- جَمَدَتْ عَيْنُهُ: قَلَّ مَاؤُهَا، كُنَايَةُ عَنْ قَسْوَةِ الْقَلْبِ (مجمع البحرين: ج ١ ص ٣٠٩ «جمد»).

٥- الكافي: ج ٢ ص ٢٩٠ ح ٦ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال: ص ٢٤٣ ح ٩٦ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «الرزق» بدل «الدنيا»، تحف العقول: ص ٤٧، كنز الفوائد: ج ٢ ص ١٠، معدن الجواهر: ص ٣٩ وفيهما «أربع خصال من الشقاء» بدل «من علامات الشقاء»، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٥٢ ح ١١.

٦- تحف العقول: ص ٥٥، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٥٩ ح ١٥٣؛ سنن الترمذي: ج ٤ ص ٤٥٥ ح ٢١٥١، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٣٥٧ ح ١٤٤٤ كلاهما نحوه، شعب الإيمان: ج ١ ص ٢١٩ ح ٢٠٣ والثلاثة الأخيره عن سعد بن أبي وقاص.

٧- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٦٠ ح ٥٧٦٢ عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه جميعا عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، الخصال: ص ٢٤٣ ح ٩٧ عن أنس بن محمد عن أبيه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص ١٢ وفيه «الدنيا» بدل «البقاء»، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٢٥ ح ٢٦٥٦ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٥٢ ح ١٢.

المعجم الكبير: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سه چیز، از بدبختی مرد در دنیا است: خانه بد، زن بد و حیوان (مَرکب) بد». اسماء گفت: ای پیامبر خدا! بدیِ خانه به چیست؟ فرمود: «کوچکی مساحت آن و بدی همسایگانش». گفته شد: بدی حیوان به چیست؟ فرمود: «چموشی آن و پهلو ندادنش برای سواری». گفته شد: بدی زن به چیست؟ فرمود: «نازایی و بد اخلاقی او».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه چیز، از نیک بختی و سه چیز، از بدبختی است. . . . و از بدبختی است: زنی که وقتی او را می بینی، غمگین می شوی و زبانش بر تو سنگینی می کند، و اگر غایب باشی، امانتدار خودش و مال تو نیست؛ و حیوانی که کُندرو است، که اگر آن را بزنی، تو را خسته می کند و اگر سوارش شوی، تو را به یارانت نمی رساند؛ و خانه ای که کوچک و رفاهش کم است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از نشانه های تیره بختی است: چشم خشک، سنگ دلی، آزمندی شدید به دنیا، و پافشاری بر گناه.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از بدبختی فرزند آدم، ترک خیرخواهی از خدا و ناخشنودی از قضای خداوند است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام: ای علی! چهار ویژگی، از بدبختی است: چشم خشک، سنگ دلی، آرزوی دراز، و دوست داشتنِ ماندگاری.

عنه صلى الله عليه و آله و... ومن شِقْوَتِهِ [أَيِ ابْنِ آدَمَ] سَوْءُ الْخُلُقِ . (١)

الإمام علي عليه السلام: مِنَ الشَّقَاءِ فَسَادُ النَّبِيِّهِ . (٢)

عنه عليه السلام: مِنَ الشَّقَاءِ احْتِقَابُ (٣) الْحَرَامِ . (٤)

عنه عليه السلام: مِنَ الشَّقَاءِ أَنْ يَصُونَ الْمَرْءُ دُنْيَاهُ بِدِينِهِ . (٥)

عنه عليه السلام: الْحِرْصُ أَحَدُ الشَّقَاءِ بِنِ . (٦)

عنه عليه السلام: أَعْظَمُ الْمَصَائِبِ وَالشَّقَاءِ ، الْوَلَاءُ (٧) بِالْدُّنْيَا . (٨)

عنه عليه السلام: الْخِذْلَانُ مِنَ الشَّقَاوَةِ . (٩)

الإمام زين العابدين عليه السلام: مِنَ شَقَاءِ الْمَرْءِ أَنْ تَكُونَ عِنْدَهُ امْرَأَةٌ مُعْجَبٌ بِهَا وَهِيَ تَخُونُهُ . (١٠)

-
- ١- شعب الإيمان: ج ٦ ص ٢٤٩ ح ٨٠٣٩ عن جابر، كنز العمال: ج ٣ ص ١٢ ح ٥١٩٣؛ تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٥٠.
 - ٢- غرر الحكم: ح ٩٤٠٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٧٠ ح ٨٥٩٢.
 - ٣- احتقَابُ الإِثْمِ: كَأَنَّهُ جَمَعَهُ (الصَّحَاحُ: ج ١ ص ١١٤ «حَقَبُ»).
 - ٤- غرر الحكم: ح ٩٢٧١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٧٢ ح ٨٦٣٢.
 - ٥- غرر الحكم: ح ٩٣٤٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٦٩ ح ٨٥٤٧.
 - ٦- غرر الحكم: ح ١٦٢٩.
 - ٧- الْوَلَاءُ: ذَهَابُ الْعَقْلِ وَالتَّحْيِيرُ مِنْ شِدَّةِ الْوَجْدِ (النَّهَائِيَّة: ج ٥ ص ٢٢٧ «وله»).
 - ٨- غرر الحكم: ح ٣٠٨١.
 - ٩- مطالب السؤول: ص ٥٦؛ بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٢ ح ٧٠.
 - ١٠- الكافي: ج ٥ ص ٢٥٨ ح ٣، وسائل الشيعة: ج ١٢ ص ١٨٠ ح ٢.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و و از بدبختی [فرزند آدم]، بد اخلاقی است .

امام علی علیه السلام: از جمله بدبختی ، نیت فاسد است .

امام علی علیه السلام: از جمله بدبختی ، گرد آوردن [ثروت] حرام است .

امام علی علیه السلام: از جمله بدبختی ، این است که مرد، دنیایش را با دینش حفظ کند .

امام علی علیه السلام: آزمندی ، یکی از دو بدبختی است .

امام علی علیه السلام: بزرگ ترین گرفتاری و بدبختی ، دل باختگی به دنیا است .

امام علی علیه السلام: به خود و اگذار شدن [از جانب خدا] ، از جمله بدبختی است .

امام زین العابدین علیه السلام: از بدبختی مرد، این است که زن خوشایندش ، به او خیانت نماید .

الإمام الباقر عليه السلام: مِنْ شَقَاءِ الْعَيْشِ ضَيْقُ الْمَنْزِلِ . (١)

عنه عليه السلام: مِنْ شَقَاءِ الْعَيْشِ الْمَرْكَبُ السَّوُّءُ . (٢)

١- الكافي: ج ٦ ص ٥٢٦ ح ٦، المحاسن: ج ٢ ص ٤٥١ ح ٢٥٥٥ كلاهما عن عليّ بن أبي المغيرة، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص

١٥٣ ح ٣١.

٢- الكافي: ج ٦ ص ٥٣٧ ح ١٠ عن عليّ بن المغيرة، بحار الأنوار: ج ٦٤ ص ١٦١ ح ٦.

امام باقر علیه السلام: از جمله بدبختی زندگانی ، تنگی منزل است .

امام باقر علیه السلام: از جمله بدبختی زندگانی ، مَرکب بد است .

الفصل الثانی : مبادئ السعادة ٢ / ١ المَعْرِفَةُ الْكِتَابُ «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» . (١)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله : الْعِلْمُ إِمَامٌ الْعَمَلُ وَالتَّوْبَةُ ، يُلْهِمُهُ اللَّهُ السُّعْدَاءَ وَيَحْرِمُهُ الْأَشْقِيَاءَ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ لِيَلْتَمِسَ بِأَبَا مِنَ الْعِلْمِ ، كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بِكُلِّ قَدَمٍ تَوَابَ نَبِيِّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ ، وَأَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ حَرْفٍ يَسْمَعُ أَوْ يَكْتُبُ مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ ، وَطَالِبُ الْعِلْمِ أَحَبُّهُ اللَّهُ وَأَحَبُّهُ الْمَلَائِكَةُ وَأَحَبُّهُ النَّبِيُّونَ ، وَلَا يُحِبُّ الْعِلْمَ إِلَّا السَّعِيدُ ، وَطُوبَى (٣) لِطَالِبِ الْعِلْمِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (٤)

١- البقره : ٢٦٩ .

٢- الخصال : ص ٥٢٣ ح ١٢ عن الإمام علي عليه السلام ، الأمالى للصدوق : ص ٧١٤ ح ٩٨٢ عن الأصمغ بن نباته عن الإمام علي عليه السلام وفيه «العقل» بدل «العمل» فى الموضوعين ، منيه المريد : ص ١٠٩ عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، عدّه الداعى : ص ٦٤ عن محمد بن علي بن الحسين بن زيد عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٧٠ عن أبى ذرّ ، بحار الأنوار : ج ١ ص ١٦٦ ح ٧ .

٣- طوبى : اسم الجنّه ، وقيل : هى شجره فيها (النهايه : ج ٣ ص ١٤١ «طوب»).

٤- جامع الأخبار : ص ١١٠ ح ١٩٥ عن الإمام علي عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ١ ص ١٧٨ ح ٦٠ .

فصل دوم : عوامل نیک بختی

۱ / ۲ شناخت

فصل دوم : عوامل نیک بختی ۲ / ۱ شناختقرآن«خدا» دانش و حکمت را به هر که بخواهد، می دهد و به هر کس دانش داده شود ، خیر فراوانی داده شده است و جز خردمندان، متذکر نمی شوند» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دانش، پیشوای عمل است و عمل، پیرو آن . خداوند، آن را به نیک بختان الهام می کند و بدبختان را از آن محروم می سازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که از خانه اش بیرون بیاید تا بابتی از دانش را بجوید ، خداوند عز و جلیبرای او در برابر هر گامی ، پاداش پیامبری از پیامبران را می نویسد و در برابر هر حرفی که می شنود یا می نویسد ، شهری را در بهشت به او عطا می کند . خدا و فرشتگان و پیامبران، دانشجو را دوست دارند و جز نیک بخت، دانش را دوست ندارد. خوشا به حال دانشجو در روز رستاخیز!

الإمام علي عليه السلام: مَنْ قَاتَلَ جَهْلَهُ بِعِلْمِهِ ، فَازَ بِالْحِظِّ الْأَسْعَدِ . (١)

عنه عليه السلام: مَنْ عَرَفَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَشَقَّ أَبَدًا . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: لَا يَتَّبِعِي لِمَنْ لَمْ يَكُنْ عَالِمًا أَنْ يُعَدَّ سَعِيدًا . (٣)

الإمام الكاظم عليه السلام في بيانِ جُنُودِ الْعَقْلِ وَالْجَهْلِ : السَّعَادَةُ ، الشَّقَاءُ . (٤)

راجع : ص ٣٠٢ (الفصل الرابع : موانع الشرور / المعرفة) .

٢ / الإمام نرسول الله صلى الله عليه و آله : أَسْعَدُ النَّاسِ بِشَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، مَنْ قَالَ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» ، خَالِصًا مِنْ قَلْبِهِ أَوْ نَفْسِهِ .

(٥)

عنه صلى الله عليه و آله : سَيَبَقُ الْعِلْمُ وَجَفَّ الْقَلَمُ وَمَضَى الْقَدَرُ ، بِتَحْقِيقِ الْكِتَابِ وَتَصَدِيقِ الرُّسُلِ ، وَبِالسَّعَادَةِ مِنَ اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ لِمَنْ آمَنَ وَاتَّقَى ، وَبِالشَّقَاءِ لِمَنْ كَذَّبَ وَكَفَرَ ، وَبِوَلَايَةِ اللَّهِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِرَاءَتِهِ مِنَ الْمُشْرِكِينَ . (٦)

١- غرر الحكم : ح ٨٨٥٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٥٧ ح ٨٢٨٤ .

٢- غرر الحكم : ح ٨٩٥٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٦٣ ح ٨٤٢٧ .

٣- تحف العقول : ص ٣٦٤ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٢٤٦ ح ٧٠ .

٤- تحف العقول : ص ٤٠٢ ، بحار الأنوار : ج ١ ص ١٥٩ ح ٣٠ .

٥- صحيح البخارى : ج ١ ص ٤٩ ح ٩٩ و ج ٥ ص ٢٤٠٢ ح ٦٢٠١ ، السنن الكبرى للنسائى : ج ٣ ص ٤٢٧ ح ٥٨٤٢ ، مسند

ابن حنبل : ج ٣ ص ٣٠٨ ح ٨٨٦٧ وفيها «قبل» بدل «قلبه أو» ، السنن لابن أبى عاصم : ص ٣٨٠ ح ٨٢٥ وليس فيه «قلبه أو» وكلها عن أبى هريره ، كنز العمال : ج ١ ص ٤١٥ ح ١٧٥٨ .

٦- التوحيد : ص ٣٤٣ ح ١٣ عن معاذ بن جبل ، تفسير القمى : ج ٢ ص ٢١٠ عن السكونى عن الإمام الصادق عن أبيه

عليهما السلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٩٤ ح ١٣ .

امام علی علیه السلام: هر کس به کمک دانش خویش، با نادانی اش بجنگد، به سعادت آمیزترین بهره، دست می یابد.

امام علی علیه السلام: هر که خدای سبحان را بشناسد، هرگز بدبخت نمی شود.

امام صادق علیه السلام: آن که دانشمند نیست، شاید که نیک بخت به حساب آید.

امام کاظم علیه السلام در بیان سپاهیان خرد و نادانی: نیک بختی و بدبختی.

ر. ک: ص ۳۰۳ (موانع شرور / شناخت).

۲ / ۲ ایمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برخوردارترین افراد از سعادت شفاعت من در روز رستاخیز، کسانی اند که با اخلاصی برخاسته از دل و جان، «لا إله إلا الله» بگویند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دانش [الهی]، پیشی گرفت و قلم [قضا]، نگاشت و آنچه [در نزد او] تقدیر شد، نافذ گشت بر تحقق یافتن قرآن و تصدیق فرستادگان خدا و نیک بختی از جانب خداوند عز و جل برای کسی که ایمان بیاورد و تقوا پیشه نماید، و بدبختی برای کسی که تکذیب کند و کفر ورزد، و ولایت خدا بر مؤمنان و بیزاری او از مشرکان.

الإمام الرضا عليه السلام: جَفَّ الْقَلَمُ بِحَقِيقَةِ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ بِالسَّعَادَةِ لِمَنْ آمَنَ وَاتَّقَى ، وَالشَّقَاوَةَ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِمَنْ كَذَّبَ وَعَصَى . (١)

الإمام علي عليه السلام: بِالْإِيمَانِ يُرْتَقَى إِلَى ذُرْوَةِ السَّعَادَةِ وَنَهَائِهِ الْجُبُورِ . (٢)

عنه عليه السلام: مَا أَعْظَمَ سَعَادَةَ مَنْ بُوْشِرَ قَلْبُهُ بِبَرْدِ الْيَقِينِ . (٣)

عنه عليه السلام: أَفْضَلُ السَّعَادَةِ اسْتِقَامَةُ الدِّينِ . (٤)

عنه عليه السلام: فَازَ السُّعْدَاءُ بِوِلَايَةِ الْإِيمَانِ . (٥)

عنه عليه السلام: مُعْتَصِمُ السُّعْدَاءِ بِالْإِيمَانِ ، وَخِذْلَانُ الْأَشْقِيَاءِ بِالْعِصْيَانِ مِنْ بَعْدِ إِجَابِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِمُ بِالْبَيَانِ ، إِذَا وَضَحَ لَهُمْ مَنَارَ الْحَقِّ وَسَبِيلَ الْهُدَى . (٦)

الإمام الصادق عليه السلام: لَمْ يُؤْمِنْ اللَّهُ الْمُؤْمِنَ مِنْ هَزَاهِزِ الدُّنْيَا ، وَلَكِنَّهُ آمَنَهُ مِنَ الْعَمَى فِيهَا وَالشَّقَاءِ فِي الْآخِرَةِ . (٧)

راجع: ص ٣٠٤ (الفصل الرابع: موانع الشرور / الإيمان).

١- قرب الإسناد: ص ٣٥٥ ح ١٢٧٠ عن البرنظي ، بحار الأنوار: ج ٥ ص ١٥٤ ح ٤ .

٢- غرر الحكم: ح ٤٣٢٣ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٨٩ ح ٣٩١٥ .

٣- غرر الحكم: ح ٩٥٥٦ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٨١ ح ٨٨٧٣ .

٤- غرر الحكم: ح ٢٨٦٩ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ١١٧ ح ٢٦٠٧ .

٥- دستور معالم الحكم: ص ٩٥ ، كنز العمال: ج ١٦ ص ١٨٩ ح ٤٤٢١٦ نقلاً عن وكيع عن عبد الله بن حسن عنه عليه السلام

٦- دستور معالم الحكم: ص ٩٤ ، كنز العمدة: ج ١٦ ص ١٨٨ ح ٤٤٢١٦ نقلاً عن وكيع عن عبد الله بن الحسن عنه عليه السلام نحوه .

٧- الكافي: ج ٢ ص ٢٥٥ ح ١٨ عن محمد بن بهلول العبدى ، الغيبة للنعمانى: ص ٢١١ ح ١٩ عن الفضل بن أبي قره التفليسي عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام نحوه ، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٢١٣ ح ٢٠ .

امام رضا علیه السلام: قلم [قضا] نگاشت تحقّق [وعدده] قرآن را از جانب خدا درباره نیک بختی کسی که ایمان بیاورد و تقوا پیشه نماید، و درباره بدبختی از جانب خداوند تبارک و تعالی برای کسی که تکذیب کند و نافرمانی نماید.

امام علی علیه السلام: با ایمان، می توان به بلندای نیک بختی و نهایت شادمانی ارتقا یافت.

امام علی علیه السلام: چه سعادت بزرگی دارد آن که دلش با گوارایی یقین، همراه است!

امام علی علیه السلام: بالاترین نیک بختی، پایداری در دین است.

امام علی علیه السلام: نیک بختان، در سایه حکومت ایمان [بر دل]، رستگار شدند.

امام علی علیه السلام: در آویختن [و پناه بردن] نیک بختان به ایمان و وا ماندن [و یاری نشدن] بدبختان در اثر نافرمانی، پس از اتمام حجّت بر آنان از طریق بیان [حکم خداوند] است، آن گاه که نشانه حق و راه هدایت برای آنان روشن شده باشد.

امام صادق علیه السلام: خداوند، مؤمن را از آشوب های دنیا ایمن نمی کند؛ ولی او را از گم راهی در دنیا و بدبختی در آخرت، در امان نگه می دارد.

ر. ک: ص ۳۰۵ (موانع شرور / ایمان).

٢ / ٣ ولاية أهل البيت رسول الله صلى الله عليه وآله : يا علي ، سَعِدَ مَنْ تَوَلَّاكَ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام : إِنَّ السَّعِيدَ حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحْبَبَكَ وَأَطَاعَكَ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام : أَلَا إِنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحْبَبَكَ وَأَخَذَ بِطَرِيقَتِكَ . (٣)

الأمامي للمفيد عن سلمان الفارسي : خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَ عَرَفَةَ ، فَقَالَ [لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام] : ... إِنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ حَقَّ السَّعِيدِ ، مَنْ أَطَاعَكَ وَتَوَلَّاكَ مِنْ بَعْدِي . (٤)

رسول الله صلى الله عليه وآله : يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ ، أَطِيعُوا عَلِيًّا وَاتَّبِعُوهُ وَتَوَلَّوْهُ وَلَا تُخَالِفُوهُ ، وَابْرَأُوا مِنْ عَدُوِّهِ وَأَزْرُوهُ وَأَنْصُرُوهُ وَاقْتَدُوا بِهِ ، تَرشُدُوا وَتَهْتَدُوا وَتَسْعَدُوا . (٥)

عنه صلى الله عليه وآله : يَا أَيُّهَا النَّاسُ ، اتَّبِعُوا هُدَى اللَّهِ تَهْتَدُوا وَتَرشُدُوا وَهُوَ هُدَايَ ، وَهُدَايَ هُدَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ، فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَاهُ فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ مَوْتِي فَقَدْ اتَّبَعَ هُدَايَ ، وَمَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ فَقَدْ اتَّبَعَ هُدَى اللَّهِ ، وَمَنْ اتَّبَعَ هُدَى اللَّهِ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى . (٦)

عنه صلى الله عليه وآله : إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا سَيِّدِي وَإِلَهِي أَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ أَهْلِي وَزَيْرًا تَشُدُّ بِهِ عَضُدِي ، فَجَعَلَ اللَّهُ لِي عَلِيًّا وَزَيْرًا وَأَخًا ، وَجَعَلَ الشَّجَاعَةَ فِي قَلْبِهِ ، وَأَلْبَسَهُ الْهَيْبَةَ عَلَى عِيدُوهُ ، وَهُيَ أَوْلُ مَنْ آمَنَ بِي وَصَيَّدَفَنِي ، وَأَوْلُ مَنْ وَحَدَّ اللَّهُ مَعِي ، وَإِنِّي سَأَلْتُ ذَلِكَ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ فَأَعْطَانِيهِ ، فَهُوَ سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ ، اللُّحُوقُ بِهِ سَعَادَةٌ وَالْمَوْتُ فِي طَاعَتِهِ شَهَادَةٌ ، وَاسْمُهُ فِي التَّوْرَةِ مَقْرُونٌ إِلَى اسْمِي . (٧)

- ١- الأمامي للصدوق : ص ٦٧ ح ٣٢ ، بشاره المصطفى : ص ١٨ و ص ١٦٢ كلها عن ابن عباس ، مشكاة الأنوار : ص ١٥٢ ح ٣٦٧ ، روضه الواعظين : ص ٣٢٤ ، بحار الأنوار : ج ٦٨ ص ٧ ح ١ .
- ٢- الأمامي للطوسي : ص ٤٢٦ ح ٩٥٣ ، الأمامي للصدوق : ص ٤٦٦ ح ٦٢١ ، بشاره المصطفى : ص ٦٠ كلها عن أبي الحمراء خادم رسول الله صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج ٢٧ ص ٢٢١ ح ٦ .
- ٣- الأمامي للطوسي : ص ٤٩٨ ح ١٠٩٣ عن علي بن جعفر عن أخيه الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عن جابر بن عبد الله ، بحار الأنوار : ج ٢١ ص ١٤٣ ح ٦ .
- ٤- الأمامي للمفيد : ص ١٦١ ح ٣ ، بحار الأنوار : ج ٣٩ ص ٢٦٥ ح ٣٧ .
- ٥- كتاب سليم بن قيس : ج ٢ ص ٩٠٧ ح ٦١ .
- ٦- تأويل الآيات الظاهرة : ج ١ ص ٣٢٠ ح ١٩ عن عيسى بن داوود النخعي عن الإمام الكاظم عن أبيه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج ٢٤ ص ١٤٩ ح ٣٠ .
- ٧- الأمامي للصدوق : ص ٧٤ ح ٤٢ عن جابر بن عبد الله الأنصاري ، بحار الأنوار : ج ٣٨ ص ٩٢ ح ٦ .

۳ / ۲ ولایت اهل بیت

۳ / ۲ ولایت اهل بیت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ای علی! نیک بخت است هر که ولایت تو را بپذیرد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام : نیک بخت حقیقی، کسی است که تو را دوست بدارد و از تو فرمان برد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام : هان! نیک بخت کامل، کسی است که تو را دوست بدارد و روش تو را در پیش بگیرد .

الأمالی ، مفید به نقل از سلمان فارسی : پیامبر خدا روز عرفه بیرون آمد و [به علی علیه السلام] فرمود : « ... نیک بخت کامل و حقیقی ، کسی است که پس از من ، از تو فرمان برد و ولایت تو را بپذیرد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ای فرزندان عبد المطلب! از علی، فرمان ببرید و پیروی اش کنید و ولایتش را بپذیرید و با او مخالفت نوزید و از دشمنش بیزاری بجویید، و با او همکاری کنید و یاری اش نمایید و به او اقتدا کنید تا به راه در آید و هدایت یابید و نیک بخت گردید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ای مردم! از راهنمایی خدا پیروی کنید تا هدایت یابید و رشد کنید. آن (راهنمایی خدا) راهنمایی من ، و راهنمایی من، راهنمایی علی بن ابی طالب است . پس هر که از راهنمایی او در زمان بودن من و پس از مرگ من پیروی کند ، در حقیقت، از راهنمایی من پیروی نموده است و هر که از راهنمایی من پیروی کند ، در حقیقت، از راهنمایی خدا پیروی نموده است، و هر که از راهنمایی خدا پیروی نماید، گم راه و بدبخت نمی گردد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : [گفتم:] ای سیرور و خدای من! از تو می خواهم که برای من از خاندان خودم، دست یار و همکاری قرار دهی که بازویم بدان محکم گردد . آن گاه خداوند، علی را برایم وزیر و برادر قرار داد ، و در دلش شجاعت افکند و [لباس] هیبت علیه دشمنش را بر تن او پوشاند . او نخستین کسی است که به من ایمان آورد و تصدیقم نمود ، و نخستین کسی است که به همراه من ، خدا را یگانه شمرد . من، این را از پروردگارم عز و جل خواستم و او هم آن را به من عطا فرمود . او سیرور جانشینان من است . پیوستن به او، نیک بختی و مردن در راه فرمان برداری از او ، شهادت است . نام او در تورات، همراه نام من است .

الإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام: اتَّبَعَ الْكِتَابِ يورثُ السَّعَادَةَ «فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى» (١) وَاتَّبَعَ الْأَثَمَةَ يورثُ الْجَنَّةَ . (٢)

الكافي عن علي بن عبد الله (٣): سَأَلَهُ رَجُلٌ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: «فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى». قَالَ: مَنْ قَالَ بِالْأَثَمَةِ وَاتَّبَعَ أَمْرَهُمْ وَلَمْ يَجُزْ (٤) طَاعَتَهُمْ . (٥)

الإمام علي عليه السلام: فِينَا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (٦) فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنَا الْمُنذِرُ وَأَنْتَ الْهَادِي يَا عَلِيُّ، فَمِنَّا الْهَادِي وَالنَّجَاهُ وَالسَّعَادَةُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . (٧)

١- طه: ١٢٣ .

٢- المناقب لابن شهر آشوب: ج ٤ ص ٢٨٤، بحار الأنوار: ج ٢٤ ص ٥٢ ح ٤ .

٣- .. الظاهر أنَّ المراد بـ «علي بن عبد الله» هو علي بن محمّد بن عبد الله بن بندار الذي قد يعبر عنه بهذين الوجهين وبـ «علي بن بندار» و روايته عن السياري أكثر من روايه السياري عنه . وأمّا الإضممار فالظاهر أيضاً أنّه لا يخلو من رجوعه إلى الإمام الهادي أو الإمام الجواد عليهما السلام . كلّ ذلك بقرائن، منها: طبقتهما فيالروايه؛ والعلم عندالله تعالى .

٤- أي: فمن قال بهم واتبع أمرهم ولم يتجاوز عن طاعتهم فلا يضلّ في الدنيا عن طريق الحقّ (مرآة العقول: ج ٥ ص ١٥) .

٥- الكافي: ج ١ ص ٤١٤ ح ١٠، بصائر الدرجات: ص ١٤ ح ٢، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٤ ص ٤٠٠، تأويل الآيات الظاهرة: ج ١ ص ٣٢١ ح ٢٠، بحار الأنوار: ج ٢٤ ص ١٥٠ ح ٣١ .

٦- الرعد: ٧ .

٧- تفسير العياشي: ج ٢ ص ٢٠٣ ح ٥ عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام .

امام باقر و امام صادق علیهماالسلام: پیروی از قرآن، موجب نیک بختی است. «پس، هر که از هدایت من پیروی کند، نه گم راه می شود و نه بدبخت». پیروی از امامان، موجب [ورود به] بهشت است.

الکافی به نقل از علی بن عبد الله: مردی از امام علیه السلام (۱) درباره این سخن خدای متعال پرسید: «پس، هر که از هدایت من پیروی کند، نه گم راه می شود و نه بدبخت». فرمود: «کسی [منظور است] که قائل به امامان باشد و از امرشان پیروی نماید و از پیروی شان پا بیرون نهد».

امام علی علیه السلام: در شأن ما این آیه نازل شد: «تو فقط بیم دهنده ای و البته برای هر گروهی، هدایت کننده ای است»، پیامبر خدا فرمود: «من بیم دهنده ام و تو ای علی هدایت کننده ای». پس، هدایت کننده و نیز نجات و نیک بختی تا روز رستاخیز، از ماست.

۱- ظاهراً مراد از امام، در این حدیث، امام جواد و یا امام هادی علیهماالسلام است. و علی بن عبد الله، علی بن محمد بن عبد الله بن بندار است که گاهی به اختصار، از او به علی بن محمد یا علی بن بندار یاد می شود.

عنه عليه السلام: بَيْنَمَا نَحْنُ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ يَجُودُ بِنَفْسِهِ وَهُوَ مُسَجِّيٌّ (١) بِتُوبٍ وَمُؤْمَلَاءِهِ (٢) خَفِيفَهُ عَلَى وَجْهِهِ ، فَمَكَتْ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَمَكْتُ ، وَنَحْنُ حَوْلَهُ بَيْنَ بَاكِ وَمُسْتَرْجِعٍ ، إِذْ تَكَلَّمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَالَ : ائْتَيْتُ وَجُوهَ وَاسْوَدَّتْ وَجُوهٌ ، وَسَيَّعَدَ أَقْوَامٌ وَشَقِيَّ آخَرُونَ ، سَيَّعَدَ أَصْحَابُ الْكِسَاءِ الْخَمْسَةَ أَنَا سَيَّئِدُهُمْ ، وَلَا فَخْرَ ، عِترتى أهل بيتى السابقون ، أولئك المقربون ، يسعد من اتبعهم وشايعهم على دينى ودين آبائى . (٣)

فاطمه عليها السلام: خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَشِيَّةَ عَرَفَةَ ، فَقَالَ : إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَاهَى بِكُمْ وَعَفَرَ لَكُمْ عَامَةً وَلِعَلِّيَّ خَاصَّةً ، وَإِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ غَيْرُ مُحَارِبٍ لِقِرَابَتِي ، هَذَا جَبْرَائِيلُ يُخْبِرُنِي أَنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ ، وَإِنَّ الشَّقِيَّ كُلَّ الشَّقِيَّ حَقَّ الشَّقِيَّ مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ وَفَاتِهِ . (٤)

الإمام الصادق عليه السلام: السَّعِيدُ مَنْ اتَّبَعَنَا ، وَالشَّقِيُّ مَنْ عَادَانَا وَخَالَفَنَا . (٥)

٢ / ١٤ التَّوْفِيقُ لِلْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: التَّوْفِيقُ مِنَ السَّعَادَةِ . (٦)

١- سُجِّي : أَى غُطِّي (النهاية : ج ٢ ص ٣٤٤ «سجا»).

٢- الْمُؤْمَلَاءُ : الْإِزَار (النهاية : ج ٤ ص ٣٥٢ «ملا»).

٣- طُرْفٌ مِنَ الْأَنْبَاءِ وَالْمُنَاقِبِ: ص ٢٠٧ عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٢٢ ص ٤٩٤ ح ٤٠.

٤- الْأُمَالِي لِلصَّدُوقِ : ص ٢٤٨ ح ٢٧٠ ، دلائل الإمامة : ص ٧٥ ح ١٣ ، العمدة : ص ٢٠٠ ح ٣٠٤ وليس فيه ذيله من «وإنّ الشقيّ...» ، بحار الأنوار: ج ٢٧ ص ٧٤ ح ١ ؛ المعجم الكبير: ج ٢٢ ص ٤١٥ ح ١٠٢٦ نحوه وكلّها عن عباد الكلبي عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عن فاطمه الصغرى عن الإمام الحسين عليه السلام ، كنز العمال: ج ١٣ ص ١٤٥ ح ٣٦٤٥٨.

٥- دلائل الإمامة : ص ٢٣٣ ح ١٦٢ عن عماره بن زيد الواقدي، الأمان : ص ٦٦، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ١٨١ ح ٩.

٦- مطالب السؤل : ص ٥٦ ؛ بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٢ ح ٧٠.

امام علی علیه السلام: خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم و ایشان در حال جان دادن بود و با لباسی، پوشانده و چادر شب نازکی بر صورتش کشیده شده بود. به اندازه ای که خدا می خواست، درنگ کرد. ما در اطرافش گریان و ناامید بودیم که ناگهان به سخن آمد و فرمود: «چهرگانی، سفید و چهرگانی، سیاه شدند و گروهی، نیک بخت و [گروه] دیگری، بدبخت شدند. پنج تن اصحاب کسا، نیک بخت شدند. من سِرورشان هستم و فخری [در این باره] نیست. خاندان من، اهل بیت من که پیشی گیرندگان [در ایمان] اند، مقربان [درگاه خدای متعال] اند. هر که از آنان پیروی کند و آنان را بر دین من و دین پدران من همراهی نماید، نیک بخت می شود».

فاطمه علیها السلام: پیامبر خدا در شامگاه عرفه نزد ما آمد و فرمود: «خداوند تبارک و تعالی به طور عام به شما و به طور خاص به علی، مباهات کرد و [همه] شما را آمرزید. من، فرستاده خدا به سوی شمایم و با خویشانم در جنگ نیستم. این، جبرئیل است که به من خبر می دهد: نیک بخت کامل و حقیقی، کسی است که علی را در زندگی و مرگش دوست بدارد، و بدبخت کامل و حقیقی، کسی است که علی را در زندگی و مرگش دشمن بدارد».

امام صادق علیه السلام: نیک بخت، کسی است که از ما پیروی کند و بدبخت، کسی است که با ما دشمنی و مخالفت ورزد.

۴ / ۲ توفیق امام علی علیه السلام: توفیق، از [نشانه های] نیک بختی است.

عنه عليه السلام: بِالتَّوْفِيقِ تَكُونُ السَّعَادَةُ . (١)

عنه عليه السلام: التَّوْفِيقُ رَأْسُ السَّعَادَةِ . (٢)

عنه عليه السلام: التَّوْفِيقُ رَأْسُ النَّجَاحِ . (٣)

عنه عليه السلام: مِنَ السَّعَادَةِ التَّوْفِيقُ لِصَالِحِ الْأَعْمَالِ . (٤)

عنه عليه السلام: نَالَ الْفَوْزَ مَنْ وُفِّقَ لِلطَّاعَةِ . (٥)

الإمام الصادق عليه السلام: رَأَيْتُ الْمَعْرُوفَ كَاسْمِهِ ، وَلَيْسَ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنَ الْمَعْرُوفِ إِلَّا ثَوَابُهُ وَذَلِكَ يُرَادُ مِنْهُ ، وَلَيْسَ كُلُّ مَنْ يُحِبُّ أَنْ يَصْنَعَ الْمَعْرُوفَ إِلَى النَّاسِ يَصْنَعُهُ ، وَلَيْسَ كُلُّ مَنْ يَرُغِبُ فِيهِ يَقْدِرُ عَلَيْهِ ، وَلَا كُلُّ مَنْ يَقْدِرُ عَلَيْهِ يُؤَدِّنُ لَهُ فِيهِ ، فَإِذَا اجْتَمَعَتِ الرَّغْبَةُ وَالْقُدْرَةُ وَالْإِذْنُ ، فَهَنَالِكَ تَمَّتِ السَّعَادَةُ لِلطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبُ إِلَيْهِ . (٦)

عنه عليه السلام: مَا كُلُّ مَنْ نَوَى شَيْئًا قَدَرَ عَلَيْهِ ، وَلَا كُلُّ مَنْ قَدَرَ عَلَى شَيْءٍ وُفِّقَ لَهُ ، وَلَا كُلُّ مَنْ وُفِّقَ أَصَابَ لَهُ مَوْضِعًا ، فَإِذَا اجْتَمَعَتِ النَّيَّةُ وَالْقُدْرَةُ وَالتَّوْفِيقُ وَالْإِصَابَةُ ، فَهَنَالِكَ تَمَّتِ السَّعَادَةُ . (٧)

١- غرر الحكم: ح ٤١٩٦ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٨٥ ح ٣٧٥٠ .

٢- غرر الحكم: ح ٨٥٨ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣١ ح ٥٣٧ .

٣- غرر الحكم: ح ٩٤٢ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤١ ح ٩٤٢ .

٤- غرر الحكم: ح ٩٢٩٦ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٦٧ ح ٨٥١١ .

٥- غرر الحكم: ح ٩٩٩٢ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٩٨ ح ٩١٨٦ .

٦- الكافي: ج ٤ ص ٢٦ ح ٣ عن أبي يقظان ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٥ ح ١٦٨٦ ، الأمالى للطوسى: ص ٤٨٠

ح ١٠٤٨ عن عبد العزيز بن محمّد بن الدراوردي ، تحف العقول: ص ٣٦٣ كلاهما نحوه ، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٢٩٤ ح

٩١٥ ، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ٤١٤ ح ٣١ .

٧- الإرشاد: ج ٢ ص ٢٠٤ ، كنز الفوائد: ج ٢ ص ٣٣ ، مشكاة الأنوار: ص ٥٧٦ ح ١٩٢١ ، نزهة الناظر: ص ١١٩ ح ٦٤ ،

كشف الغمّة: ج ٢ ص ٣٩٠ ، بحار الأنوار: ج ٥ ص ٢١٠ ح ٥٠ .

امام علی علیه السلام: نیک بختی، در سایه توفیق است .

امام علی علیه السلام: توفیق، سرآمد نیک بختی است.

امام علی علیه السلام: توفیق، اوج کامیابی است.

امام علی علیه السلام: توفیق انجام دادن کارهای نیک، از جمله نیک بختی است.

امام علی علیه السلام: آن که توفیق طاعت یابد، به رستگاری می رسد.

امام صادق علیه السلام: نیکی را همچون نامش دیدم، و چیزی برتر از نیکی نیست، جز پاداش آن و مُراد از آن هم همین است. چنین نیست که هر کس بخواهد به مردم نیکی کند، بتواند نیکی کند، و چنین نیست که هر کس نیکی را دوست می دارد، بر انجام دادن آن [نیز] توانا باشد، و چنین نیست که هر کسی بر آن توانا باشد، بر انجام دادن آن، اجازه یابد. پس هر گاه شوق و توانایی و اجازه با هم جمع شدند، آن جاست که نیک بختی برای جوینده و جُسته شده، کامل می گردد.

امام صادق علیه السلام: چنین نیست که هر کسی [چیزی را] قصد کند، بر آن توانا باشد، و چنین نیست که هر کس بر چیزی توانا باشد، برای آن توفیق داشته باشد، و چنین نیست که هر که توفیق یابد، به هدف برسد. پس هر گاه قصد و توانایی و توفیق و رسیدن به هدف، با هم گرد آمدند، آن جاست که نیک بختی، کامل می گردد.

٢ / ٥ محاسن الأخلاق والأعمال الإخلاص للإمام على عليه السلام: فاز بالسعادة من أخلص العبادة . (١)

عنه عليه السلام: قدّموا خيرا تغنموا ، وأخلصوا أعمالكم تسعدوا . (٢)

عنه عليه السلام: السعيد من أخلص الطاعة . (٣)

ب التّقوير رسول الله صلى الله عليه و آله : السعادة في اثنتين : الطاعة والتّقوى . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله : اللهم ... أسعدني بتقواك . (٥)

ج الزهد في الدنيا للإمام على عليه السلام : أصل الزهد اليقين ، وثمرته السعادة . (٦)

١- غرر الحكم : ح ٦٥٨٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٥٨ ح ٦٠٥٢ .

٢- غرر الحكم : ح ٦٧٧٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٧٢ ح ٦٢٩٦ .

٣- غرر الحكم : ح ١٢٩٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٧ ح ١١٨٦ .

٤- تاريخ يعقوبى : ج ٢ ص ٩٠ .

٥- المعجم الأوسط : ج ٦ ص ١٢١ ح ٥٩٨٢ ، الدعاء للطبراني : ص ٤٢١ ح ١٤٢٤ كلاهما عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ٢

ص ١٧٦ ح ٣٦١٧ ؛ الكافي : ج ٢ ص ٥٧٧ ح ١ عن جندب عن الإمام الصادق عليه السلام ، مصباح المتهجد : ص ٢٧٠ ، جمال

الأسبوع : ص ١٣٤ كلاهما من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام ، الإقبال : ج ٢ ص ٧٨ عن الإمام زين العابدين

عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٨٩ ص ٢٩٦ ح ٨ .

٦- غرر الحكم : ح ٣٠٩٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٢١ ح ٢٧٤٩ .

الف اخلاص

ب پرهیزگاری

ج پارسایی در دنیا

۲ / ۵ اخلاق و رفتار خوبالف اخلاصامام علی علیه السلام: کسی که خالصانه عبادت کند، به نیک بختی نایل می شود.

امام علی علیه السلام: نیکی را پیش بدارید، که بهره مند می شوید، و عمل هایتان را خالصانه انجام دهید، که نیک بخت می گردید.

امام علی علیه السلامنیک بخت، کسی است که خالصانه [خدا را] فرمانبری کند.

ب پرهیزگاریپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نیک بختی، در دو چیز است: اطاعت خدا و پرهیزگاری.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدایا!... در سایه پرهیزگاری در برابر خویش، نیک بختم گردان.

ج پارسایی در دنیاامام علی علیه السلام: ریشه پارسایی، یقین، و میوه آن، خوش بختی است.

عنه عليه السلام: اعزف (١) عن دُنْيَاكَ تَسْعَدُ بِمُنْقَلَبِكَ ، وَتُصْلِحَ مَثْوَاكَ . (٢)

عنه عليه السلام: إِنَّ السُّعْدَاءَ بِالْدُّنْيَا غَدَا ، هُمُ الْهَارِبُونَ مِنْهَا الْيَوْمَ . (٣)

عنه عليه السلام: كَفَى بِالْمَرْءِ سَعَادَةً أَنْ يَعْرِفَ عَمَّا يَفْنَى ، وَيَتَوَلَّاهُ بِمَا يَبْقَى . (٤)

د الْحُبِّ فِي اللَّهِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا ، تَسْعَدُوا لَدَيْهِ بِالنَّعِيمِ الْمُقِيمِ . (٥)

ه التَّوَاصُلُ مَعَ اللَّهِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: صِلِ الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ ، تَسْعَدُ بِمُنْقَلَبِكَ . (٦)

عنه عليه السلام: صِلُوا الَّذِي بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ اللَّهِ تَسْعَدُوا . (٧)

و إِتْبَاعُ الْقُرْآنِ الْكِتَابِ «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ أَنْ يَهْدِيَ لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ» . (٨)

١- عَزَفَ عَنِ الشَّيْءِ : انصَرَفَ عَنْهُ (المصباح المنير: ص ٤٠٧ «عزف»).

٢- غَرَّرَ الْحَكْمَ : ح ٢٢٩٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٧٨ ح ١٨٨١ وفيه «اعزب» بدل «اعزف» .

٣- نهج البلاغه : الخطبه ٢٢٣ ، غرر الحكم : ح ٣٥٦٢ ، بحار الأنوار : ج ٧ ص ١١٥ ح ٥١ .

٤- غرر الحكم : ح ٧٠٧٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٨٧ ح ٦٥٥٨ .

٥- غرر الحكم : ح ١١٠٠٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٥٢ ح ١٠١٨٣ .

٦- غرر الحكم : ح ٥٨٦٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٠٢ ح ٥٣٦٧ .

٧- غرر الحكم : ح ٥٨٤٦ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٠٤ ح ٥٤١١ .

٨- الإسراء : ٩ .

د دوستی در راه خدا

ه پیوند با خدا

و پیروی از قرآن

امام علی علیه السلام: از دنیایت روی بگردان، تا در بازگشتگاهت نیک بخت شوی و جایگاه همیشگی خود را سامان دهی .

امام علی علیه السلام: نیک بختانِ فردا، دنیاگريزانِ امروزند.

امام علی علیه السلام: برای نیک بختی مرد، همین بس که از چیزی که نابود می شود، روی بگرداند و چیزی را که باقی می ماند، دوست بدارد.

د دوستی در راه خدا امام علی علیه السلام: با بندگان خدا برادری کنید، نزد او با نعمتِ پایدار، نیک بخت می شوید.

ه پیوند با خدا امام علی علیه السلام: با کسی که میان تو و خداست (امام یا عالم) ، پیوند برقرار کن، تا در بازگشتگاهت نیک بخت شوی .

امام علی علیه السلام: میان خود و کسی که میان شما و خداست، پیوند برقرار کنید، تا نیک بخت شوید.

و پیروی از قرآن قرآن «همانا این قرآن ، به راهی که استوارترین راه هاست، هدایت می کند» .

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّوْرُ الْمُبِينُ ... مَنْ جَعَلَهُ شِعَارَهُ وَدِثَارَهُ (١) أَسْعَدَهُ اللَّهُ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنْ أَرَدْتُمْ عَيْشَ السُّعْدَاءِ ، وَمَوْتَ الشُّهَدَاءِ ، وَالنَّجَاةَ يَوْمَ الْحَسْرَةِ ، وَالظَّلَّ يَوْمَ الْحُرُورِ (٣) ، وَالهُدَى يَوْمَ الضَّلَالَةِ ، فَادْرُسُوا الْقُرْآنَ ؛ فَإِنَّهُ كَلَامُ الرَّحْمَنِ ، وَحِرْزٌ (٤) مِنَ الشَّيْطَانِ ، وَرُجْحَانٌ فِي الْمِيزَانِ . (٥)

الإمام علي عليه السلام فى كتابه للأشتر حين ولّاه على مصر: هذا ما أمر به عبد الله عليّ أمير المؤمنين ، مالك بن الحارث الأشتر ... أمره بتقوى الله وإيثار طاعته ، وأتباع ما أمر به فى كتابه من فرائضه وسننه ، التى لا يسعد أحد إلا بتابعها ، ولا يشقى إلا مع جُحودها (٦) وإضاعتها . (٧)

ز العميل الصالح الكتاب «مَنْ عَمَلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْشَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» . (٨)

- ١- الشعار: الثوب الذى يلى الجسد ، لأنه يلى شعره ، والدثار: الثوب الذى فوق الشعار (النهاية: ج ٢ ص ٤٨٠ «شعر»).
- ٢- التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام: ص ٤٤٩ ح ٢٩٧ ، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٣١ ح ٣٤ .
- ٣- الحزور: الرّيح الحارّة (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٢٢٤ «حر»).
- ٤- الحرز: الموضع الحصين (الصحاح: ج ٣ ص ٨٧٣ «حرز»).
- ٥- جامع الأخبار: ص ١١٥ ح ٢٠٣ ، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ١٩ ؛ الفردوس: ج ٥ ص ٣٧١ ح ٨٤٧١ عن عصف بن الحارث ، كنز العمال: ج ١ ص ٥٤٥ ح ٢٤٣٩ .
- ٦- الجحود: الإنكار مع العلم (الصحاح: ج ٢ ص ٤٥١ «جحد»).
- ٧- نهج البلاغه: الكتاب ٥٣ ، تحف العقول: ص ١٢٦ ، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٥٩٩ ح ٧٤٤ .
- ٨- النحل: ٩٧ .

ز کار شایسته

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: این قرآن، همان نور آشکار است... هر کس آن را جامه رویین و زیرین خود قرار دهد، خداوند او را خوش بخت می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر زندگی نیک بختان و مرگ شهیدان و نجات روز حسرت و سایه در باد سوزان و هدایت در روز گم راهی را می خواهید، قرآن بیاموزید؛ چرا که آن، سخن خدای بخشنده، پناه از شیطان، و [موجب] سنگینی در سنجه اعمال است.

امام علی علیه السلام در نامه اش به مالک اشتر، هنگامی که او را والی مصر قرار داد: این، چیزی است که بنده خدا، علی امیر مؤمنان، مالک بن حارث اشتر را بدان فرمان می دهد... او را به پرهیزگاری در برابر خداوند و برگزیدن اطاعت او و پیروی از آنچه در کتابش بدان امر کرده (اعم از واجبات و مستحباتش، که هیچ کس جز در سایه پیروی از آنها نیک بخت نمی گردد و جز به انکار و ضایع نمودن آنها بدبخت نمی شود)، فرمان می دهد.

ز کار شایسته قرآن «هر کس کار شایسته ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک، زنده می داریم و پاداش آنان را به بهترین اعمالی که انجام می دادند، خواهیم داد».

«فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَءَامَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ» . (١)

الحدِيثُ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا شَهِدَتْ لَهُ جَوَارِحُهُ ، وَبِقَاعُهُ ، وَشُهُورُهُ ، وَأَعْوَامُهُ ، وَسَاعَاتُهُ ، وَأَيَّامُهُ ، وَلِيَالِي الْجُمُعِ وَسَاعَاتُهَا وَأَيَّامُهَا ، فَيَسَعُدُ بِذَلِكَ سَعَادَةَ الْأَبَدِ . (٢)

الإمام عليّ عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ تِجَارَةٍ وَرَبْحُهَا أَوْ خُسْرُهَا الْآخِرَةُ ، فَالْسَّعِيدُ مَنْ كَانَتْ بِضَاعَتُهُ فِيهَا الْأَعْمَالَ الصَّالِحَةَ ، وَمَنْ رَأَى الدُّنْيَا بَعَيْنَيْهَا وَقَدَّرَهَا بِقَدْرِهَا . (٣)

عنه عليه السلام: سَعَادَةُ الرَّجُلِ فِي إِحْرَازِ دِينِهِ وَالْعَمَلِ لِآخِرَتِهِ . (٤)

ح الجِدِّ فِي الْعَمَلِ الإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَدْ سَعِدَ مَنْ جَدَّ . (٥)

ط لَزُومِ الْحَقِّ الإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي لَزُومِ الْحَقِّ تَكُونُ السَّعَادَةُ . (٦)

١- .القصص : ٦٧ .

٢- .التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام : ص ٦٥٤ ح ٣٧٣ ، بحار الأنوار : ج ٧ ص ٣١٥ ح ١١ .

٣- .شرح نهج البلاغه : ج ١٦ ص ١٣٣ ، بحار الأنوار : ج ٣٣ ص ٨٥ ح ٤٠٠ .

٤- .غرر الحكم : ح ٥٦٢٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٨٥ ح ٥١٤٧ .

٥- .غرر الحكم : ح ٦٦٢٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٦٧ ح ٦١٦٢ .

٦- .غرر الحكم : ح ٦٤٨٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٥٣ ح ٥٩٦٠ .

ح کوشایی در عمل

ط همراهی با حق

«اما کسی که توبه کند و ایمان آورد و عملی شایسته انجام دهد، امید است که از رستگاران باشد».

حدیثیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس کار شایسته ای انجام دهد، اعضا و مکان ها و ماه ها و سال ها و لحظات و روزهای او و شب های جمعه و ساعات و روزهای آن، برای او گواهی می دهند و بدین وسیله به نیک بختی جاوید نایل می شود.

امام علی علیه السلام: دنیا، سرای تجارت است و سود و زیان آن، [در] آخرت است. نیک بخت، کسی است که سرمایه او در دنیا کارهای شایسته باشد و [نیز] کسی است که دنیا را ببیند و آن را به اندازه خودش ارزش بگذارد.

امام علی علیه السلام: نیک بختی مرد، در حفظ دین خود و عمل برای آخرت خویش است.

ح کوشایی در عملامام علی علیه السلام: هر که کوشید، به خوش بختی رسید.

ط همراهی با حقامام علی علیه السلام: نیک بختی، در همراهی با حق است.

ي دَوَامُ الْعِبَادَةِ لِإِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: دَوَامُ الْعِبَادَةِ بُرْهَانُ الظَّفَرِ بِالسَّعَادَةِ . (١)

ك التَّوْبُهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيُّهَا النَّاسُ ، تَوَبُوا إِلَى اللَّهِ قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا ، وَبَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ قَبْلَ أَنْ تَشْتَغَلُوا ، وَأَصْلِحُوا الَّذِي بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ رَبِّكُمْ تَسْعُدُوا . (٢)

عنه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ يَعْزُضُ عَلَى عَبْدِهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ نَصِيحَةً ، فَإِنْ هُوَ قَبْلَهَا سَعِدَ ، وَإِنْ تَرَكَهَا شَقِيَ ، فَإِنَّ اللَّهَ بَاسِطُ يَدِهِ لِمُسَىءِ النَّهَارِ لِيَتُوبَ ، فَإِنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ . (٣)

الإمام زين العابدين عليه السلام في دُعَائِهِ: لَا يَشْقَى بِتَقَمَّتِكَ الْمُسْتَغْفِرُونَ . (٤)

الإمام الصادق عليه السلام: رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا تَابَ إِلَى اللَّهِ قَبْلَ الْمَوْتِ ، فَإِنَّ التَّوْبَةَ مُطَهِّرَةٌ مِنْ دَنَسِ الْخَطِيئَةِ ، وَمُنْقِذَةٌ مِنْ شَفَا (٥) الْهَلَاكِه ، فَزَضَ اللَّهُ بِهَا عَلَى نَفْسِهِ لِعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ ، فَقَالَ: «كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا مَا يَجْهَلُهُ ثُمَّ تَابَ مِنْهُ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّهُ غُفُورٌ رَحِيمٌ» (٦) «وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غُفُورًا رَحِيمًا» (٧) . (٨)

١- غرر الحكم : ح ٥١٤٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٥١ ح ٤٧٠٦ .

٢- أعلام الدين : ص ٣٣٣ ح ٣ عن أبي الدرداء ، إرشاد القلوب : ص ٤٥ بزياده «توبه نصوحا» بعد «اللّه» ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ١٧٦ ح ١٠ ؛ سنن ابن ماجه : ج ١ ص ٣٤٣ ح ١٠٨١ ، السنن الكبرى : ج ٣ ص ٢٤٤ ح ٥٥٧٠ ، مسند أبي يعلى : ج ٢ ص ٣٤١ ح ١٨٥١ كلها عن جابر بن عبد الله نحوه .

٣- تاريخ دمشق : ج ١٦ ص ٣٧٣ عن خزيمه بن حكيم السلمى ، المعجم الأوسط : ج ٧ ص ٣٦١ ح ٧٧٣١ عن جابر بن عبد الله وليس فيه صدره إلى «شقى» وبزياده «وباسط يده بالنهار لمسىء الليل ليتوب ، فإن تاب تاب الله عليه» فى آخره ، كنز العمال : ج ٤ ص ٢٢٠ ح ١٠٢٥٠ .

٤- الصحيفه السجاديّه : ص ١٨٢ الدعاء ٤٦ ، المزار الكبير : ص ٤٥٨ ، جمال الأسبوع : ص ٢٦٢ عن المتوكل بن هارون عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام ؛ شرح نهج البلاغه : ج ٦ ص ١٧٩ عن الإمام عليّ والإمام زين العابدين عليهما السلام .

٥- شفا البئر : حَرْفُهُ ، ويضرب به المثلُ فى القرب من الهلاك (مفردات ألفاظ القرآن : ص ٤٥٩ «شفا»).

٦- الأنعام : ٥٤ .

٧- النساء : ١١٠ .

٨- تفسير العياشى : ج ١ ص ٣٦١ ح ٢٧ عن أبى عمرو الزبيرى ، بحار الأنوار : ج ٦ ص ٣٣ ح ٤٥ .

ی استمرار عبادت

ک توبه

ی استمرار عبادت امام علی علیه السلام: استمرار در عبادت ، نشانه دستیابی به نیک بختی است .

ک توبه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای مردم! پیش از مرگتان به درگاه خدا توبه کنید (به سوی او باز گردید) ، و پیش از سرگرم شدنتان [به کارهای دیگر]، به کارهای نیک مبادرت کنید ، و بین خود و پروردگارتان را اصلاح کنید، که خوش بخت می گردید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند، هر روز، نصیحتی را به بنده اش عرضه می دارد. اگر آن را بپذیرد، خوش بخت می شود و اگر رهاش کند، تیره بخت می گردد . خداوند، دست [رحمت] خود را برای گناهکارِ روز، گشوده است تا او باز گردد و اگر او توبه کند ، خدا نیز توبه او را می پذیرد .

امام زین العابدین علیه السلام در دعایش : [خدایا!] آمرزش خواهان، با نقت های تو تیره بخت نمی شوند .

امام صادق علیه السلام : خدا رحمت کند بنده ای را که پیش از مرگ، به سوی خدا توبه می کند ؛ چرا که توبه، پاک کننده از پلیدی گناه، و نجات دهنده از پرتگاه نابودی است . خداوند به خاطر توبه، برای بندگانِ خوبش ، [رحمت را] بر خود واجب نموده و فرموده است : «پروردگارتان، رحمت را بر خود، مقّر کرده است که هر کس از شما به نادانی، کار بدی کند و سپس توبه کند و درستکاری پیشه سازد ، وی آمرزنده مهربان است» ، «و هر کس کار بدی کند ، یا بر خویشتن ستم ورزد ، سپس از خدا آمرزش بخواهد ، خدا را آمرزنده مهربان خواهد یافت» .

ل طاعه اللّٰه الكتاب «قال اهبطا منها جميعا بغيركم لبعض عدو فاما يا ايها الذين امنوا فممن اتبع هداى فلا يضل ولا يشقى» . (١)

الحديث رسول الله صلى الله عليه و آله :ممن اتبع كتاب الله هداى الله من الضلاله ، ووقاه سوء الحساب يوم القيامه ، وذلك ان الله يقول : «ممن اتبع هداى فلا يضل ولا يشقى» . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله :ان السعاده كل السعاده ، طول العمر فى طاعه الله عز و جل . (٣)

الإمام على عليه السلام :لا يسعد امرؤ إلا بطاعه الله سبحانه . (٤)

عنه عليه السلام :ان عمرك مهر سعادتك ، ان أفدته فى طاعه ربك . (٥)

١- طه : ١٢٣ .

٢- المعجم الكبير : ج ١٢ ص ٣٨ ح ١٢٤٣٧ ، المعجم الأوسط : ج ٥ ص ٣٣٢ ح ٥٤٦٦ كلاهما عن ابن عباس ، المستدرک على الصحيحين : ج ٢ ص ٤١٣ ح ٣٤٣٨ ، المصنف لابن أبى شيبه : ج ٧ ص ١٥٦ كلاهما عن ابن عباس من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه ، كنز العمال : ج ١ ص ١٩٨ ح ١٠٠٠ .

٣- تاريخ بغداد : ج ٦ ص ١٧ الرقم ٣٠٤٦ عن المطلب عن أبيه ، مسند الشهاب : ج ١ ص ٢٠٦ ح ٣١٢ ، تاريخ دمشق : ج ٣٥ ص ٣٤٠ ح ٧٢١٢ ، الفردوس : ج ٢ ص ٣٤٦ ح ٣٥٦٦ كلها عن ابن عمر ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٦٦٦ ح ٤٢٦٤٦ .

٤- غرر الحكم : ح ١٠٨٤٨ ، عيون الحكم والمواعظ ص ٥٤٣ ح ١٠٠٨٢ .

٥- غرر الحكم : ح ٣٤٢٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٤٩ ح ٣٢٨٦ .

ل اطاعت از خدا

ل اطاعت از خدا قرآن «فرمود: همگی از آن [مقام] فرود آید، در حالی که بعضی از شما دشمن بعضی دیگرند. پس اگر برای شما از جانب من هدایتی رسد، هر کس از هدایتم پیروی کند، نه گم راه می شود و نه تیره بخت».

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس از کتاب خدا پیروی نماید، خداوند، او را از گم راهی [به راه راست] هدایت می کند و روز رستاخیز، او را از بدی (سختی) حساب حفظ می نماید. این به دلیل آن است که خدا می فرماید: «پس، هر که از هدایت من پیروی نماید، نه گم راه می شود و نه تیره بخت».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همه نیک بختی، داشتن عمر طولانی در اطاعت خداوند عز و جلاست.

امام علی علیه السلام: هیچ مردی، جز در سایه اطاعت خداوند سبحان، به نیک بختی نمی رسد.

امام علی علیه السلام: همانا عمر تو، کابین نیک بختی توست، [البته] اگر آن را در اطاعت پروردگارت صرف کنی.

عنه عليه السلام: دَعُوا طَاعَةَ الْبَغِيِّ (١) وَالْعِنَادِ ، وَاسْلُكُوا سَبِيلَ الطَّاعَةِ وَالْإِنْقِيَادِ ، تَسْعَدُوا فِي الْمَعَادِ . (٢)

عنه عليه السلام: لَا يَسْعُدُ أَحَدٌ إِلَّا بِإِقَامَةِ حُدُودِ اللَّهِ . (٣)

عنه عليه السلام: مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ لَمْ يَشَقَّ أَبَدًا . (٤)

لقمان لابنِهِ: اسْتَعِزَّ بِرِضَا اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ ، فَفِيهِ شُغْلٌ شَاغِلٌ وَسَعَادَةٌ وَإِقْبَالٌ فِي الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْحِسَابِ وَالسُّؤَالِ . (٥)

م إنْفَاقُ الْمَالِ لِلْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا قَدَّمْتَ مَالَكَ لِاخْتِرَتِكَ ، وَاسْتَخَلَفْتَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ عَلَيَّ مَنْ خَلَفْتَهُ مِنْ بَعْدِكَ ، سَعِدْتَ بِمَا قَدَّمْتَ ، وَأَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْخِلَافَةَ عَلَيَّ مَنْ خَلَفْتَ . (٦)

عنه عليه السلام: الْجَوَادُ فِي الدُّنْيَا مَحْمُودٌ ، وَفِي الْآخِرَةِ مَسْعُودٌ . (٧)

ن مُحَاسَبَةُ النَّفْسِ لِلْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ سَعِدَ . (٨)

س مُجَاهَدَةُ النَّفْسِ لِلْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَجْهَدَ نَفْسَهُ فِي إِصْلَاحِهَا سَعِدَ . (٩)

١- البغى: تجاوز الحق إلى الباطل (مفردات ألفاظ القرآن: ص ١٣٦ «بغى»).

٢- غرر الحكم: ح ٥١١٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٠ ح ٤٦٧٣.

٣- غرر الحكم: ح ١٠٨٥٣.

٤- غرر الحكم: ح ٨٣٧٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٤٨ ح ٧٩٢٥.

٥- فتح الأبواب: ص ٣٠٨، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٤٣٤ ح ٢٧.

٦- غرر الحكم: ح ٤١٣٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٣٢ ح ٢٩٧٨.

٧- غرر الحكم: ح ٢١٥٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٦٧ ح ١٧١٣.

٨- غرر الحكم: ح ٧٨٨٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٢٤ ح ٧١٥٨.

٩- غرر الحكم: ح ٨٢٤٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٤٥ ح ٧٨٢١.

م بخشش دارایی

ن حسابرسی از خود

س جهاد با نفس

امام علی علیه السلام: پیروی از تجاوز و عناد را رها کنید و راه اطاعت و فرمان برداری [از خدا] را بیمایید ، تا در رستخیز، خوش بخت گردید .

امام علی علیه السلام: هیچ کسی، جز در سایه برپایی قوانین خداوند ، نیک بخت نمی گردد .

امام علی علیه السلام: هر که خدا را اطاعت نماید ، هرگز تیره بخت نمی گردد .

لقمان به پسرش : به [جلب] خشنودی خداوند عز و جلمشغول باش ، که در آن ، کاری مشغول کننده، و نیک بختی و آسایش در دنیا و روز حساب و بازخواست است .

م بخشش داراییامام علی علیه السلام: هر گاه دارایی ات را برای آخرت پیش فرستادی و خدای سبحان را پس از خود بر آن [فرزندی] که به جای گذاشتی، جانشین قرار دادی ، به واسطه آنچه پیش فرستاده ای ، نیک بخت می گردی و خداوند، جانشینی را به نیکویی برای تو بر آن که بر جای گذاشته ای ، انجام خواهد داد .

امام علی علیه السلام: بخشنده ، در دنیا ، ستوده و در آخرت، نیک بخت است .

ن حسابرسی از خودامام علی علیه السلام: هر که خود را حسابرسی نماید ، خوش بخت می شود .

س جهاد با نفسامام علی علیه السلام: هر که در اصلاح نفس خود بکوشد ، خوش بخت می گردد .

عنه عليه السلام: اعلموا أنَّ الجِهَادَ الأَكْبَرَ جِهَادُ النَّفْسِ ، فَاشْتَغِلُوا بِجِهَادِ أَنْفُسِكُمْ تَسْعِدُوا . (١)

عنه عليه السلام: إِنَّ النَّفْسَ الَّتِي تَجْهَدُ فِي اقْتِنَاءِ الرِّغَائِبِ البَاقِيَةِ ، لَتَدْرِكُ طَلَبَهَا وَتَسْعُدُ فِي مُنْقَلَبِهَا . (٢)

ع مُجَالَسَةُ العُلَمَاءِ وَمُتَابَعَتُهُمُ للإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : جَالِسِ العُلَمَاءَ تَسْعَدُ . (٣)

عنه عليه السلام: عاشِرُ أَهْلِ الفَضْلِ تَسْعَدُ وَتَبْتَلُ . (٤)

الإمام الصادق عليه السلام: وَصِيَّتُهُ وَرَقَّةُ بِنِ نوْفَلٍ لِخَدِيجَةَ بِنْتِ خُوَيْلِدٍ عَلَيْهَا السَّلَامُ ، إِذَا دَخَلَ عَلَيْهَا يَقُولُ لَهَا : يَا بِنْتَ أَخِي لَا تُمَارِي (٥) جَاهِلًا وَلَا عَالِمًا ، فَإِنَّكَ مَتَى مَارَيْتِ جَاهِلًا آذَاكَ ، وَمَتَى مَارَيْتِ عَالِمًا مَنَعَكَ عِلْمَهُ ، وَإِنَّمَا يَسْعَدُ بِالعُلَمَاءِ مَنْ أَطَاعَهُمْ . (٦)

ف المُبَادَرَةُ إِلَى الخَيْرَاتِ للإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : دَرَكُ السَّعَادَةِ بِمُبَادَرَةِ الخَيْرَاتِ وَالْأَعْمَالِ الزَّكَايَاتِ . (٧)

عنه عليه السلام: بَادِرِ الطَّاعَةَ تَسْعَدُ . (٨)

ص الإِسْتِعْدَادُ لِلْمَوْتِ للإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِحْذَرِ المَوْتَ وَأَحْسِنِ لَهُ الإِسْتِعْدَادَ ، تَسْعَدُ بِمُنْقَلَبِكَ . (٩)

١- غرر الحكم : ح ١١٠٠٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٥٢ ح ١٠١٨٣ .

٢- غرر الحكم : ح ٣٥٢٨ .

٣- غرر الحكم : ح ٤٧١٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٢١ ح ٤٣٠٣ .

٤- غرر الحكم : ح ٦٣١٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٤٠ ح ٥٨٠٥ .

٥- التمارى والمماراه : المجادله على مذهب الشك والريبه (النهايه : ج ٤ ص ٣٢٢ «مرا»).

٦- الأمالى للطوسى : ص ٣٠٢ ح ٥٩٨ عن أبى قتاده ، بحار الأنوار : ج ٢ ص ١٣٠ ح ١٦ .

٧- غرر الحكم : ح ٥١٥٢ .

٨- غرر الحكم : ح ٤٣٦٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٩١ ح ٣٩٢٧ .

٩- غرر الحكم : ح ٢٦١٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٠٤ ح ٢٣٥٥ .

ع همنشینی با دانشمندان و پیروی از آنان

ف پیشگامی در انجام دادن نیکی ها

ص آماده شدن برای مرگ

امام علی علیه السلام: بدانید که جهاد بزرگ تر، مبارزه با نفس است. پس به مبارزه با نفستان پردازید، که سعادت می یابید.

امام علی علیه السلام: همانا نفسی که در راه گردآوری خواسته های ماندگار بکوشد، به یقین، خواسته اش را در می یابد و در بازگشتگاهش نیک بخت می گردد.

ع همنشینی با دانشمندان و پیروی از آنان امام علی علیه السلام: با دانشمندان، همنشینی کن، که نیک بخت می شوی.

امام علی علیه السلام: با اهل فضل معاشرت کن، که نیک بخت و نجیب می گردی.

امام صادق علیه السلام: سفارش ورقه بن نوفل به خدیجه، دختر خویلد، [این بود که] هر گاه بر او وارد می شد به او می گفت: ای دختر برادرم! با نادان و دانا، بگو مگو نکن؛ چرا که هر گاه با نادان بگو مگو کنی، آزارت می دهد و هر گاه با دانا بگو مگو کنی، دانشش را از تو دریغ می دارد. به وسیله دانشمندان، تنها آن کسی نیک بخت می گردد که اطاعتشان نماید.

ف پیشگامی در انجام دادن نیکی ها امام علی علیه السلام: درک نیک بختی، در پیشگامی در انجام دادن نیکی ها و کارهای پاکیزه است.

امام علی علیه السلام: به اطاعت مبادرت کن، که نیک بخت می شوی.

ص آماده شدن برای مرگ امام علی علیه السلام: از مرگ، بر حذر باش و به خوبی، خود را برای آن آماده کن، تا در بازگشتگاهت نیک بخت باشی.

عنه عليه السلام: احذر قلبه الزاد وأكثر من الاستعداد، تسعد برحلتك. (١)

عنه عليه السلام: تدارك في آخر عمرك ما أضعت في أوله، تسعد بمنقلبك. (٢)

عنه عليه السلام: سابقوا الأجل، وأحسنوا العمل، تسعدوا بالمهل. (٣)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا استحيقت ولاية الله والسعادة، جاء الأجل بين العينين، وذهب الأمل وراء الظهر. (٤)

الإمام علي عليه السلام في خطبته: اتقوا الله عباد الله تقيته ذي لب شغل التفكير قلبه... وقد عبر العاجله حميدا، وقدّم زاد الأجله سعيدا. (٥)

عنه عليه السلام: تفكروا أيها الناس وتبصروا، واعتبروا واتعظوا، وتزودوا لآخره تسعدوا. (٦)

ق الاستعانة من الله الكتاب «كهيعص * ذكر رحمت ربك عبده زكريا * إذ نادى ربه نداء خفيا * قال رب اني وهن العظم مني واشتعل الرأس شيبا ولم أكنم بدعاءك رب شقيا». (٧)

«قال أرأيت أنت عن الهتي يا بئر هيم لئن لم تنته لأرجمنك وأهجرني مليا * قال سألتم عليكم سألتم تغفروا لك رب اني إنّه كان بي خفيا * وأعتزلكم وما تدعون من دون الله وأدعوا ربّي عسى ألا أكون بدعاء ربّي شقيا». (٨)

١- عيون الحكم والمواعظ: ص ١٠٣ ح ٢٣٣٠، غرر الحكم: ح ٢٦١٤ نحوه.

٢- غرر الحكم: ح ٤٥٧٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٠٢ ح ٤١٠٥.

٣- غرر الحكم: ح ٥٦٤٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٨٥ ح ٥١٥٧.

٤- الكافي: ج ٣ ص ٢٥٨ ح ٢٧ عن ابن أبي شيبه الزهري عن الإمام الباقر عليه السلام.

٥- نهج البلاغه: الخطبه ٨٣، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٤٢٦ ح ٤٤.

٦- غرر الحكم: ح ٦٥٨٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٥٩ ح ٦٠٨٩.

٧- مريم: ٤١.

٨- مريم: ٤٦ ٤٨.

ق یاری جستن از خدا

امام علی علیه السلام: از اندکی زاد [توشه] بر حذر باش و خود را بسیار آماده کن، تا در سفر [آخرت] نیک بخت باشی.

امام علی علیه السلام: در آخر عمرت، آنچه را در اول آن ضایع کرده ای، جبران کن، تا در بازگشتگاہ نیک بخت باشی.

امام علی علیه السلام: به سوی اجل بشتابید و عمل را نیکو سازید، که در مهلت، نیک بخت می گردید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه ولایت خدا و نیک بختی محقق شدند، اجل در برابر دو چشم می آید و آرزو پشت سر می رود.

امام علی علیه السلام در سخنرانی اش: ای بندگان خدا! پرهیزگاری پیشه کنید، همانند آن اندیشمندی که اندیشه، دل او را مشغول ساخته... و از گذرگاه دنیا، ستوده عبور کرده و زاد آخرت را سعادت‌مندانہ پیش فرستاده است.

امام علی علیه السلام: ای مردم! اندیشه کنید و بینایی بجوید و عبرت و پند بگیرید و برای آخرت، توشه بگیرید، تا سعادت یابید.

ق یاری جستن از خدا قرآن «کاف، ها، یا، عین، صاد! [این،] یادی از رحمت پروردگار تو درباره بنده اش زکریاست، آن گاه که [زکریا] پروردگارش را آهسته ندا کرد [و] گفت: «پروردگارا! من استخوانم سست گردیده و [موی] سرم از پیری سپید گشته و ای پروردگار من هرگز درخواست از تو، محروم نبوده ام».

«[نمرود] گفت: ای ابراهیم! آیا تو از خدایان من متنفری؟ اگر باز نایستی، تو را سنگسار خواهم کرد، [برو] و برای مدتی طولانی از من دور شو. [ابراهیم] گفت: «درود بر تو باد! به زودی، از پروردگارم برای تو آمرزش می خواهم؛ زیرا او همواره نسبت به من، پر مهر بوده است»».

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: يا الله يا الله يا الله الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ، ارحمني رَحْمَةً تُطْفِئُ بِهَا غَضَبَكَ ، وَتَكْفُفُ بِهَا عَذَابَكَ ، وَتَرْزُقُنِي بِهَا سَعَادَةً مِنْ عِنْدِكَ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْفَوْزَ فِي الْعَطَاءِ ، وَنُزُلَ الشُّهَادِ ، وَعَيْشَ السُّعْدَاءِ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَكْرَمُ مَسْئُولٍ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُحْيِيَنِي حَيَاةَ السُّعْدَاءِ ، وَأَنْ تَتَوَفَّانِي وَفَاةَ الشُّهَادِ ، وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ غَيْرُ غَضْبَانَ يَا رَحِيمٌ . (٣)

الإمام علي عليه السلام في خُطْبَتِهِ : نَسَأَلُ اللَّهَ مَنَازِلَ الشُّهَادِ ، وَمُعَايِشَةَ السُّعْدَاءِ ، وَمُرَاقَةَ الْأَنْبِيَاءِ . (٤)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ ، وَمِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ وَمِنْ فَجْأِ نِقْمَتِكَ ، وَمِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ ، وَمِنْ شَرِّ مَا سَبَقَ فِي اللَّيْلِ . (٥)

١- مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٤٣ ح ٢٣٥٤ عن معاذ بن جبل ، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٣٥٦ ح ١١ .

٢- سنن الترمذی: ج ٥ ص ٤٨٣ ح ٣٤١٩ ، صحيح ابن خزيمة: ج ٢ ص ١٦٦ ح ٤٦٤ ، المعجم الكبير: ج ١٠ ص ٢٨٣ ح ١٠٦٦٨ وفيهما «عند القضاء» بدل «في العطاء» ، المعجم الأوسط: ج ٤ ص ٩٥ ح ٣٦٩٦ وفيه «عند اللقاء» بدل «في العطاء» وكلها عن ابن عباس ، كنز العميال: ج ٢ ص ٦٥٠ ح ٤٩٨٨ ؛ العدد القويه: ص ٢١٤ نحوه ، عوالي اللآلي: ج ١ ص ١٩٣ ح ٢٨٣ كلاهما عن ابن عباس .

٣- البلد الأمين: ص ٤٢٤ ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٧١ ح ١ .

٤- الكافي: ج ٥ ص ٥٨ ح ٦ عن حسن و ج ٢ ص ٥٧٥ ح ١ عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «اللهم ارزقنا» بدل «نسال الله» ، نهج البلاغه: الخطبه ٢٣ ، وقعه صفين: ص ١٠ ، الغارات: ج ٢ ص ٧٢٨ كلاهما عن سليمان بن المغيرة عن الإمام زين العابدين عنه عليهما السلام ، بحار الأنوار: ج ١٠٣ ص ٣٩ ح ٨٧ .

٥- الكافي: ج ٢ ص ٥٢٧ ح ١٦ عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عليه السلام ، قرب الإسناد: ص ٨٤ ح ٢٧٥ عن مسعده بن زياد عن الإمام الصادق عن أبيه عن الإمام علي عليهم السلام وفيه صدره إلى «نقمتك» ، الإقبال: ج ٢ ص ٥٤ نحوه ، المصباح للكفعمي: ص ١١٧ من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وفيه «الكتاب» بدل «الليل» ، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٩٦ ح ٢٤ .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای خدا! ای خدا! ای خدای بخشنده مهربان! بر من رحمتی ارزانی بدار که با آن، خشم خود را خاموش کنی و عذابت را باز داری و نیک بختی نزد خودت را نصیبم فرمایی.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوندا! کامیابی در بخشش، جایگاه شهیدان و زندگی نیک بختان را از تو می خواهم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوندا! تو گرامی ترین درخواست شده ای. از تو می خواهم که مرا به زندگی نیک بختان زنده بداری و به مرگ شهیدان بمیرانی، در حالی که تو از من خشنود و ناخشمگینی، ای مهربان!

امام علی علیه السلام در خطبه اش: از خداوند، جایگاه شهیدان و زندگی نیک بختان و همراهی با پیامبران را می خواهم.

امام علی علیه السلام: خدایا! از نابودی نعمت، و از زوال عافیت، و از عذاب ناگهانی ات، و از رسیدن تیره بختی، و از شر آنچه در [این] شب گذشت، به تو پناه می برم.

عنه عليه السلام فى كتابه للأشتر حين ولّاه على مصر: أسأل الله... أن يختم لى ولك بالسعادة والشهادة، إنا إليه راجعون. (١)

عنه عليه السلام فى دعائه: أخصصنى منك بمغفره لا يقاربها شقاء، وسعاده لا يدانها أذى. (٢)

الإمام الحسين عليه السلام: صل على محمد وآل محمد، وأتمم علينا نعمتك، وأسعدنا بطاعتك. (٣)

الإمام زين العابدين عليه السلام فى دعائه: سيدي، عظم قدر من أسعدته باصطفائك. (٤)

عنه عليه السلام فى دعائه: أسألك... من الحدود (٥) أسعدها. (٦)

عنه عليه السلام: اللهم وأيما عبد نال منى ما حظرت (٧) عليه، وانتهك منى ما حجرت عليه، فمضى بظلامتى ميتا، أو حصلت لى قبله حيا فماغفر له ما ألم به منى، واعف له عما أدبر به عنى، ولا تقفه على ما ارتكب فى، ولا تكشفه عما اكتسب بى، واجعل ما سيمحت به من العفو عنهم، وتبرعت به من الصدقه عليهم، أركى صدقات المتصدقين، وأعلى صلوات المتقربين، وعوضنى من عفوى عنهم عفوك، ومن دعائى لهم رحمتك، حتى يسعد كل واحد منا بفضلك، وينجو كل منا بمنك. (٨)

(٩)

- ١- نهج البلاغه: الكتاب ٥٣، تحف العقول: ص ١٤٨ وفيه «راغبون» بدل «راجعون»، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٦١٢.
- ٢- البلد الأمين: ص ١٣٦، العدد القويه: ص ٣١٢ وفيه «بلاء» بدل «شقاء»، جمال الأسبوع: ص ٨٢ وفيه «لا يقاربها» بدل «لا يقارنها» وكلاهما من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٢٠٨ ح ٣٥.
- ٣- الإقبال: ج ٢ ص ٨٤، البلد الأمين: ص ٢٥٦، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٢٣.
- ٤- بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٧٢ ح ٢٢ نقلاً عن كتاب أنيس العابدين.
- ٥- أقمتم حدوده: أى أحكامه وشرائعه (مجمع البحرين: ج ١ ص ٣٧٣ «حدد»).
- ٦- بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٥٥ ح ٢٢ نقلاً عن كتاب أنيس العابدين.
- ٧- حظرت الشيء: إذا حرّمته، والحظر: المنع (النهايه: ج ١ ص ٤٠٥ «حظر»).
- ٨- منّ عليه: أنعم عليه، والاسم: المنّه (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٧٢٦ «منن»).
- ٩- الصحيفه السجّاديه: ص ١٤٩ الدعاء ٣٩.

امام علی علیه السلام در نامه اش به اشتر نخعی، آن گاه که او را والی مصر نمود: از خدا می خواهم ... که پایان کار من و تو را نیک بختی و شهادت قرار دهد. همه ما به سوی او باز می گردیم.

امام علی علیه السلام در دعایش: [خدایا!] آمرزشی نصیب من کنی که تیره بختی ای نزدیک آن نشود، و نیک بختی ای که آزاری به همراه نداشته باشد.

امام حسین علیه السلام: [خدایا!] بر محمد و خاندان محمد درود فرست و نعمت را بر ما کامل گردان و به خاطر اطاعت ما را سعادت مند فرما.

امام زین العابدین علیه السلام در دعایش: ای سرور من! ارزش کسی که تو او را به نیک بختی برگزیدی، بسیار بزرگ است.

امام زین العابدین علیه السلام در دعایش: [خدایا!] سعادت مندانه ترین احکام (قوانین) را از تو می خواهم.

امام زین العابدین علیه السلام: خدایا! هر بنده ای که درباره من آنچه را بر او حرام کرده ای، انجام داده و درباره من پرده ای را که تو بر [کارهای] من انداخته ای، دریده و حق مرا برده، و اکنون مرده یا زنده است و حق من نزد اوست، او را در ستمی که بر من کرده، بیامرزد و از او در حقی که از من برده، در گذرد و او را به خاطر آنچه درباره من انجام داده، [بر صراط] متوقف مساز و او را به خاطر آنچه در حق من مرتکب شده، رسوا نکن و گذشتی را که درباره آنان انجام دادم و صدقه ای را که بر ایشان بخشیدم، پاکیزه ترین صدقه های بخشندگان و بالاترین عطاهای تقرب جوین قرار بده و در مقابل گذشتم از ایشان، گذشتت را و در مقابل دعایم درباره ایشان، رحمت را عوض بده، تا این که هر یک از ما با فضل و احسان تو، نیک بخت گردد و با منت و نعمت تو، نجات یابد.

عنه عليه السلام في دُعائه: أَسْعِدْنِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ ، سَيِّدِي . (١)

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ بِكُلِّ مَا حَمِدَهُ بِهِ أَدْنَى مَلَائِكَتِهِ إِلَيْهِ ، وَأَكْرَمُ خَلِيقَتِهِ عَلَيْهِ ، وَأَرْضَى حَامِدِيهِ لَدَيْهِ ... حَمْدًا نَسَعْدُ بِهِ فِي السُّعْدَاءِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ ، وَنَصِيرٌ بِهِ فِي نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ ، إِنَّهُ وَلِيُّ حَمِيدٍ . (٢)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ أَوْلِنِي فِي كُلِّ يَوْمٍ إِثْنَيْنِ نِعْمَتَيْنِ تَنْتَبِئِينَ : سَيِّعَادَةً فِي أَوْلِيهِ بِطَاعَتِكَ ، وَنِعْمَةً فِي آخِرِهِ بِمَغْفِرَتِكَ ، يَا مَنْ هُوَ الْإِلَهَ ، وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ سِوَاهُ . (٣)

عنه عليه السلام في دُعائه: يَا مَنْ أَنْوَارُ قُدْسِهِ لِأَبْصَارِ مُحِبِّيهِ رَائِقَةٌ (٤) ، وَسَيِّبِحَاتُ وَجْهِهِ لِقُلُوبِ عَارِفِيهِ شَائِقَةٌ . يَا مَنْ قُلُوبِ الْمُشْتَاقِينَ ، وَيَا غَايَةَ آمَالِ الْمُحِبِّينَ ... وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْإِسْعَادِ وَالْحُظُوهِ (٥) عِنْدَكَ ، يَا مُجِيبُ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (٦)

الإمام علي عليه السلام في دُعائه: السَّعِيدُ مَنْ أَسْعَدَتْ . (٧)

الإمام الباقر عليه السلام: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ تَسْقِيهِ فِي الْمَعَادِ مِنْ حَوْضِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَتُسَعِّدُهُ بِمُرَافَقَتِهِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (٨)

الإمام المهدي عليه السلام في دُعائه: أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُحْيِيَنِي حَيَاةَ السُّعْدَاءِ . (٩)

- ١- مصباح المتهجد: ص ٣٥٥ الرقم ٤٧٢ ، جمال الأسبوع: ص ٢٣٧ ، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٦ ح ١ .
- ٢- الصحيفه السجاديّه: ص ٢٢ الدعاء ١ ؛ شرح نهج البلاغه: ج ٦ ص ١٨٥ نحوه ، ينابيع المودّه: ج ٣ ص ٤١٢ .
- ٣- البلد الأمين: ص ١١٧ ، المصباح للكفعمي: ص ١٥٨ ، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ١٧٧ ح ١٩ .
- ٤- راق الشيء: إذا صفا وخلص (النهايه: ج ٢ ص ٢٧٩ «روق»).
- ٥- الحظوة: بلوغ المرام ، وحظى في الناس: إذا أحبوه ورفعوا منزلته (مجمع البحرين: ج ١ ص ٤٢٥ «حظا»).
- ٦- بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٤٨ نقلًا عن كتب الأصحاب .
- ٧- البلد الأمين: ص ١٣٦ ، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٢٠٧ ح ٣٥ .
- ٨- مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٣٢٤ ح ١٠٣٩ ، الأمان: ص ٦٢ من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٤٧٥ ح ٥٩ .
- ٩- مهج الدعوات: ص ٣٤٩ ، البلد الأمين: ص ٤٠١ كلاهما عن محمد بن علي العلوي الحسيني المصري ، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٢٧٧ ح ٣٤ .

امام زین العابدین علیه السلام در دعایش : ای سرور من! مرا با گستردگی رحمت، سعادتمند فرما .

امام زین العابدین علیه السلام : ستایش [می کنم] خدای را به هر آنچه نزدیک ترین فرشتگان به او و گرامی ترین آفریدگان او و خوشنودترین ستاینندگانش در نزد او، وی را بدان ستوده اند ... ؛ ستایشی که بدان در میان دوستان نیک بختش، نیک بخت می گردیم و با آن ، در زمره شهیدشدگان به شمشیرهای دشمنانش قرار می گیریم . همانا او دوست ستوده ای است .

امام زین العابدین علیه السلام : خدایا! در هر روز دوشنبه، دو نعمت نصیب فرما : نیک بختی با اطاعتت در اول آن ، و نعمتی با آمرزشت در آخر آن . ای که فقط او خداست و جز او گناهان را نمی آمرزد!

امام زین العابدین علیه السلام در دعایش : ای [خدایی] که نورهای پاکش برای دیدگان دوستانش صفابخش است و درخشش رویش برای دل های عارفان، آرزو! ای آرزوی دل های آرزومندان و ای نهایت آرزوهای دوستداران! ... مرا از سعادتمندان و بهره مندان نزدت قرار بده ، ای اجابت کننده، ای مهربان ترین مهربانان!

امام علی علیه السلام در دعایش : [خدایا!] نیک بخت ، کسی است که تو نیک بختش نموده ای .

امام باقر علیه السلام : خدایا ! مرا از کسانی قرار بده که روز رستاخیز، از حوض [کوثر] محمد صلی الله علیه و آله سیرابشان می کنی و آنان را با همراهی وی سعادتمند می نمایی ، به رحمت، ای مهربان ترین مهربانان !

امام مهدی علیه السلام در دعایش : [خدایا!] از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و همانند زندگی نیک بختان، زنده ام بداری .

الإمام زين العابدين عليه السلام فى دُعائِهِ : نَعُوذُ بِكَ مِنَ الحَسْرَةِ العُظْمَى ، وَالمُصِيبَةِ الكُبْرَى ، وَأشَقَى الشَّقَاءِ . (١)

عنه عليه السلام فى دُعائِهِ : أَنَا أَفقرُ الفُقراءِ إِلَيْكَ ، فَأَجْبِرْ فَأَقْتِنَا بِوُسْعِكَ ، وَلَا تَقْطَعْ رَجاءَنَا بِمَنَعِكَ ، فَتَكُونَ قَدْ أَشَقَيْتَ مِنِ اسْتَسْعَدَ بِكَ . (٢)

عنه عليه السلام فى دُعائِهِ : اللَّهُمَّ لَكَ الحَمْدُ عَلَى حُسْنِ قَضائِكَ ، وَبِما صَيْرَفْتَ عَنِّي مِنَ بَلائِكَ ، فَلَا تَجْعَلْ حَظِّي مِنَ رَحْمَتِكَ ما عَجَّلْتَ لى مِنَ عافِيَتِكَ ، فَأَكُونَ قَدْ شَقِيتُ بِما أَحْبَبْتُ ، وَسَعَدَ غَيْرى بِما كَرِهْتُ . (٣)

الإمام الرضا عليه السلام فى دُعائِهِ : يا شِقوتاهِ إِنْ ضاقتِ عَنِّي سَعَةُ رَحْمَتِكَ . (٤)

راجع : ص ٣١٤ (الفصل الرابع : موانع الشرور / محاسن الأعمال) .

٢ / ٦ / خصائصُ السَّعِيدِ رسولِ اللَّهِ صلى اللهُ عليه و آله فى مكارِمِ الأخلاقِ : عَشْرَةٌ تَكُونُ فى الرَّجُلِ وَلَا تَكُونُ فى ابْنِهِ ، وَتَكُونُ فى الابنِ وَلَا تَكُونُ فى أبِيهِ ، وَتَكُونُ فى العَبْدِ وَلَا تَكُونُ فى سَيِّدِهِ ، يَقْسِمُها اللَّهُ لِمَنْ أَرادَ بِهِ السَّعادَةَ : صِدْقُ الحَدِيثِ ، وَصِدْقُ النَّاسِ (٥) وَهُوَ أَنْ لا- يَشْبَعُ وَجارُهُ وَصاحِبُهُ جائِعانِ وإِعطاءُ السَّائِلِ ، وَالمُكَافَأَةُ بالصَّنائِعِ ، وَحِفْظُ الأمانَةِ ، وَصِلَةُ الرَّحِمِ ، وَالتَّذمُّمُ لِلجارِ ، وَالتَّذمُّمُ لِلصَّاحِبِ ، وإِقرأ (٧) الضَّيفِ ، وَرَأْسُهُنَّ الحِياءُ . (٨)

١- .الصحيحه السَّجاديَّة : ص ٤٦ الدعاء ٨؛ شرح نهج البلاغه : ج ٦ ص ١٨٥ وليس فيه ذيله .

٢- .الصحيحه السَّجاديَّة : ص ٤٩ الدعاء ١٠ .

٣- .الصحيحه السَّجاديَّة : ص ٧٧ الدعاء ١٨ .

٤- .بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ٢٨٠ ح ٧٢ نقلًا عن الاختيار .

٥- .فى أكثر المصادر : «صدق البأس» .

٦- .التَّذمُّمُ : هو أن يُلْزَمَ نَفْسَهُ ذِماماً أَى حَقًّا يُوْجِبُهُ عَلَيْهِ ، يَجْرى مَجْرى المِعاوَدَةِ (مجمع البحرين : ج ١ ص ٦٤٤ «ذمم»).

٧- .قَرِيتُ الضَّيفِ أَقْرِبُهُ : إِذا أَحْسَنْتَ إِليه ، وَالقِرَى : الضَّيافَةُ (مجمع البحرين : ج ٣ ص ١٤٧٥ «قرى»).

٨- .شعب الإيمان : ج ٦ ص ١٣٨ ح ٧٧٢٠ عن عائشه ، تاريخ دمشق : ج ٦١ ص ٣٧٠ ح ١٢٦٥٥ و ص ٣٧١ ح ١٢٦٥٦ ، كنز

العَمالِ : ج ٣ ص ٢ ح ٥١٢٩ ؛ الكافى : ج ٢ ص ٥٥ ح ١ ، الأمالى للمفيد : ص ٢٢٦ ح ٤ ، الخصال : ص ٤٣١ ح ١١ ، الأمالى

للطوسى : ص ١٠ ح ١٢ كلَّها عن الحسين بن عطيه عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه وليس فيها «يقسمها الله لمن أراد به

السعادة» ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٣٦٧ ح ١٧ .

۲ / ۶ ویژگی های نیک بختان

امام زین العابدین علیه السلام در دعایش: [خدایا!] از بزرگ ترین حسرت و بزرگ ترین مصیبت و بدترین بدبختی، به تو پناه می برم!

امام زین العابدین علیه السلام در دعایش: [خدایا!] من نیازمندترین نیازمندان به تو هستم. پس، تنگ دستی ما را با گشایش خود، جبران فرما و امید ما را با منع خود، قطع نکن که در این صورت، بدبخت کرده ای کسی را که از تو سعادت طلبیده است.

امام زین العابدین علیه السلام در دعایش: خدایا! به خاطر نیکویی قضایت و به خاطر بلایی که از من دور کردی، ستایش، از آن توست. پس، بهره مرا از رحمت، در آسایش زودگذر قرار نده که مبادا به خاطر آنچه دوست دارم، تیره بخت گردم و غیر من به خاطر آنچه نمی پسندم، خوش بخت شود.

امام رضا علیه السلام در دعایش: وای از بدبختی، اگر گستردگی رحمت بر من تنگ گردد!

ر. ک: ص ۳۱۵ (موانع شرور / کارهای نیکو).

۲ / ۶ ویژگی های نیک بختان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره فضایل اخلاقی: ده چیز است که [گاه] در مرد هست؛ ولی در پسرش نیست، یا در پسر هست؛ ولی در پدر نیست، و یا در غلام هست؛ ولی در مولایش نیست. [زیرا] خداوند، آنها را به هر که سعادتش را بخواهد، روزی می کند: راستگویی، درستکاری با مردم و آن، به این است که سیر نگردد، در حالی که همسایه و دوستش گرسنه اند...، بخشش به نیازمند، پاداش دادن در مقابل کارها، امانتداری، صله رحم، تعهد در برابر همسایه، تعهد در برابر همراه، نیکی به میهمان، و در رأس آنها، حیا.

عنه صلى الله عليه و آله من وصييه طويله اوصى بها ابا ذر: ... اعلم يا ابا ذر، ان الله جعل اهل بيتي كسفينه النجاه في قوم نوح، من ركبها نجا، ومن رغب عنها غرق، ومثل باب حطه في بنى اسرائيل؛ من دخلها كان آمنا. يا ابا ذر، احفظ ما اوصيتك به، تكن سعيدا في الدنيا والآخره ... (١)

الإمام علي عليه السلام: ثلاث من حافظ عليها سيعد: إذا ظهرت عليك نعمه فاحمد الله، وإذا أبطأ عنك الرزق فاستغفر الله، وإذا أصابتك شدة فأكثر من قول: «لا حول ولا قوة إلا بالله». (٢)

٧ / ٢ ما يوجب كمال السعاده للإمام علي عليه السلام: إذا اقترن العزم بالحزم كملت السعاده. (٣)

-
- ١- الأمالى للطوسى : ص ٥٢٦ ح ١١٦٢ ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٦٣ ح ٢٦٦١ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٥٢ ، أعلام الدين : ص ١٨٩ كلها عن أبى ذر ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٧٥ ح ٣ .
 - ٢- تحف العقول : ص ٢٠٧ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٤٥ ح ٥١ .
 - ٣- غرر الحكم : ح ٤٠٦٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٣٥ ح ٣٠٨١ وفيه «بالحزم» بدل «بالحزم» .

۲ / ۷ عوامل کمال نیک بختی

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در وصیتی طولانی به ابو ذر: ... ای ابو ذر! بدان که خداوند، اهل بیت مرا مانند کشتی نجات در قوم نوح قرار داده است که هر کس بر آن کشتی سوار شد، نجات یافت و هر کس از آن روی گرداند، غرق شد و [نیز] مانند باب حطّه (۱) در بنی اسرائیل اند، که هر که به آن وارد شد، ایمن گشت. ای ابو ذر! آنچه را به تو سفارش نمودم، نگه دار تا در دنیا و آخرت، سعادت مند شوی ...

امام علی علیه السلام: سه چیز را هر کس حفظ کند، سعادت می یابد: هر گاه نعمتی بر تو آشکار شد، خدا را ستایش کن، و هر گاه روزی از تو باز داشته شد، از خدا آمرزش بخواه، و هر گاه سختی به تو رسید، این ذکر را بسیار بگو: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛ هیچ نیرو و توانی جز از خدا نیست».

۲ / ۷ عوامل کمال نیک بختی: هر گاه تصمیم با تدبیر همراه شود، نیک بختی کامل می گردد.

۱- باب حطّه، یکی از دروازه های شهر بیت المقدس است که در داستان حضرت موسی علیه السلام در قرآن، یاد شده است و عبور از آن، موجب مغفرت و نجات بنی اسرائیل بود و مراد از آن در این جا، شفیع بودن اهل بیت در درخواست آمرزش گناهان از خداوند است. حطّ، در لغت، به معنای ریختن و پاک کردن است.

عنه عليه السلام: مِنْ كَمَالِ السَّعَادَةِ السَّعْيُ فِي صَلَاحِ الْجُمْهُورِ . (١)

عنه عليه السلام: مَنْ عَزَفَتْ نَفْسُهُ عَنِ دَنِيِّ الْمَطَامِعِ كَمَلَتْ مَحَاسِنُهُ . وَمَنْ كَمَلَتْ مَحَاسِنُهُ حَمِيدًا ، وَالْمَحْمُودُ مَحْبُوبٌ . وَلَنْ يُحِبَّ الْعِبَادُ عَبْدًا إِلَّا بَعْدَ حُبِّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنِّي ، فَتَكُونُ الْمَحَبَّةُ دَرَجَةً إِلَى نَيْلِ صَلَاحِ مَعَاشِهِ مَعَ وَفُورِ مَعَادِهِ . وَمَنْ اجْتَمَعَتْ لَهُ الْخَصَلَتَانِ كَمَلَتْ سَعَادَتُهُ ، وَالشَّقِيُّ الْكَامِلُ الشَّقَاءِ مَنْ كَانَ بِخِلَافِ ذَلِكَ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: رَأَيْتُ الْمَعْرُوفَ كَاسِمِهِ ، وَلَيْسَ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنَ الْمَعْرُوفِ إِلَّا ثَوَابُهُ وَذَلِكَ يُرَادُ مِنْهُ ، وَلَيْسَ كُلُّ مَنْ يُحِبُّ أَنْ يَصْنَعَ الْمَعْرُوفَ إِلَى النَّاسِ يَصْنَعُهُ ، وَلَيْسَ كُلُّ مَنْ يَرُغَبُ فِيهِ يَقْدِرُ عَلَيْهِ ، وَلَا كُلُّ مَنْ يَقْدِرُ عَلَيْهِ يُؤَدِّنُ لَهُ فِيهِ ، فَإِذَا اجْتَمَعَتِ الرَّغْبَةُ وَالْقُدْرَةُ وَالِإِذْنُ ، فَهَنَالِكَ تَمَّتِ السَّعَادَةُ لِلطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ إِلَيْهِ . (٣)

٢ / ٨ ما يُخَوِّلُ الْأَشْقِيَاءَ سَعَادَةً رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : «يَمُخِرُوا اللَّهَ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» ، (٤) الصَّدَقَةُ وَاصْطِنَاعُ الْمَعْرُوفِ وَصِلَةُ الرَّحِمِ وَبُرُّ الْوَالِدَيْنِ ، يُحَوِّلُ الشَّقَاءَ سَعَادَةً ، وَيَزِيدُ مِنَ الْعُمْرِ ، وَيَقِي مَصَارِعَ السَّوَاءِ . (٥)

١- غرر الحكم: ح ٩٣٦١ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٦٩ ح ٨٥٥٩ .

٢- دستور معالم الحكم: ص ١١٣ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٦٦ ح ٨٤٨٩ و ٨٤٩٠ وليس فيه ذيله من «فتكون المحبته...»

٣- الكافي: ج ٤ ص ٢٦ ح ٣ عن أبي يقظان ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٥ ح ١٦٨٦ ، الأمالى للطوسى: ص ٤٨٠ ح ١٠٤٨ عن عبد العزيز بن محمّد بن الدراوردي ، تحف العقول: ص ٣٦٣ كلاهما نحوه ، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٢٩٤ ح ٩١٥ ، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ٤١٤ ح ٣١ .

٤- الرعد: ٣٩ . وأُمُّ الْكِتَابِ: أى اللُّوْحُ الْمُحْفُوظُ وَذَلِكَ لِكَوْنِ الْعُلُومِ كُلِّهَا مَنْسُوبَةً إِلَيْهِ وَمَتَوَلَّمَةً مِنْهُ (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٨٥ «أمم»).

٥- الفردوس: ج ٥ ص ٢٦٢ ح ٨١٣٠ عن الإمام عليّ عليه السلام .

۲ / ۸ آنچه تیره بختان را نیک بخت کند

امام علی علیه السلام: از کمال نیک بختی، تلاش در جهت صلاح همگان است.

امام علی علیه السلام: هر که جانش از پستی طمع‌ها متنفر شود، نیکویی‌هایش کامل می‌گردد، و هر که نیکویی‌هایش کامل گردد، ستوده می‌شود و ستوده، محبوب است. هرگز بندگان، بنده‌ای را دوست ندارند، جز پس از این که خداوند عز و جلاو را دوست بدارد. پس، دوستی، درجه‌ای است برای رسیدن [او] به صلاح زندگانی‌اش در عین تأمین معاش. این دو صفت، در هر کس جمع شوند، نیک بختی‌اش کامل می‌گردد و تیره بخت کامل، کسی است که خلاف آن باشد.

امام صادق علیه السلام: نیکی را مانند نامش دیدم و چیزی برتر از نیکی نیست، جز پاداش آن، و همین، از آن مراد است. چنین نیست که هر کس دوست داشته باشد به مردم نیکی کند، بتواند، و چنین نیست که هر کس به کار نیک علاقه داشته باشد، بر آن توانا باشد، و چنین نیست که هر کس بر آن توانا باشد، اجازه انجام دادن آن را داشته باشد. پس، هر گاه میل و قدرت (توانایی) و اجازه با هم گرد آمدند، آن جاست که سعادت برای جوینده و جُسته شده، کامل می‌گردد.

۲ / ۸ آنچه تیره بختان را نیک بخت کند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «خدا هر چه را بخواهد، محو یا اثبات می‌کند و اصل کتاب، نزد اوست». صدقه و نیکوکاری و صله رحم و نیکی به پدر و مادر، بدبختی را به نیک بختی تبدیل می‌کنند، عمر را زیاد می‌نمایند، و از مرگ‌های بد، ننگه می‌دارند.

حليه الأولياء عن الاوزاعي: قَدِمْتُ الْمَدِينَةَ فَسَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ، عَنْ قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ : «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» . فَقَالَ : نَعَمْ ، حَدَّثَنِيهِ أَبِي عَنْ جَدِّهِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : سَأَلْتُ عَنْهَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ : لِأَبَشْرَتِكَ بِهَا يَا عَلِيُّ ، فَبَشِّرْ بِهَا أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي ، الصَّدَقَةُ عَلَيَّ وَجْهَهَا ، وَاصْطِنَاعُ الْمَعْرُوفِ ، وَبُرُّ الْوَالِدِينَ ، وَصِلَةُ الرَّحِمِ ، تُحَوِّلُ الشَّقَاءَ سَعَادَةً ، وَتَزِيدُ فِي الْعُمْرِ ، وَتَقِي مَصَارِعَ السَّوَاءِ . (١)

كامل الزيارات عن عبد الله بن ميمون القداح عن الإمام الصادق عليه السلام ، قَالَ : قُلْتُ لَهُ [عَلَيْهِ السَّلَامُ] : مَا لِمَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّهِ ، غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَلَا - مُسْتَكْبِرٍ ؟ قَالَ : يُكْتَبُ لَهُ أَلْفُ حَجَّةٍ مَقْبُولَةٍ ، وَأَلْفُ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ (٢) ، وَإِنْ كَانَ شَقِيحًا كُتِبَ سَعِيدًا ، وَلَمْ يَزَلْ يَخُوضُ فِي رَحْمَةِ اللَّهِ . (٣)

-
- ١- .حليه الأولياء : ج ٦ ص ١٤٥ ، كنز العمال : ج ٢ ص ٤٤١ ح ٤٤٤٤ .
 - ٢- .المبرور : الذي لا يخالطه شيء من المآثم ، وقيل : المقبول المقابل بالبر وهو الثواب (مجمع البحرين : ج ١ ص ١٣٩ «برر») .
 - ٣- .كامل الزيارات : ص ٢٧٤ ح ٤٢٦ ، بحار الأنوار : ج ١٠١ ص ٢٠ ح ٦ .

حلیه الأولیاء به نقل از اوزاعی : به مدینه آمدم و از محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب [علیهم السلام] درباره این سخن خداوند عز و جل پرسیدم : «خدا هر چه را بخواهد، محو یا اثبات می کند و اصل کتاب، نزد اوست». فرمود : «آری ! پدرم از جدش علی بن ابی طالب علیه السلام برایم نقل کرد که فرمود : درباره آیه ، از پیامبر خدا پرسیدم . فرمود: به یقین، درباره آن به تو مژده می دهم . تو هم درباره آن ، پس از من به امتم مژده بده که : صدقه خالصانه ، نیکوکاری ، نیکی به پدر و مادر ، و صلح رحم ، تیره بختی را به نیک بختی تبدیل می کنند و عمر را زیاد می نمایند و از مرگ های بد، ننگه می دارند»

کامل الزیارات به نقل از عبد الله بن میمون قدّاح : به او (امام صادق علیه السلام) گفتم: برای کسی که قبر حسین بن علی علیهما السلام را با شناخت شأن وی و بدون خودخواهی و تکبر ، زیارت نماید ، چه پاداشی است ؟ فرمود : «برای او هزار حج پذیرفته شده و هزار عمره پاداش یافته نوشته می شود، و اگر تیره بخت باشد ، نیک بخت نوشته می شود ، و همواره در رحمت خداوند ، غوطه ور خواهد بود» .

الفصل الثالث: مبادئ الشقاء ٣ / ١ الجهل الكتاب «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» . (١)

الحديث للإمام علي عليه السلام: الجهل مُميت الأحياء ، ومُخلد الشقاء . (٢)

عنه عليه السلام: فقد العقل شقاء . (٣)

عنه عليه السلام: أشقى الناس الجاهل . (٤)

الإمام الصادق عليه السلام: بين المرء والحكمه نعمة العالم ، والجاهل شقي بينهما . (٥)

١- الملك : ١٠ .

٢- غرر الحكم : ح ١٤٦٤ .

٣- غرر الحكم : ح ٦٥٣٤ .

٤- غرر الحكم : ح ٢٨٩٤ .

٥- الكافي : ج ١ ص ٢٧ ح ٢٩ عن المفضل بن عمر .

فصل سوم : عوامل تیره بختی

۳ / ۱ نادانی

فصل سوم : عوامل تیره بختی ۳ / ۱ نادانیقرآن«و [جهنمیان] می گویند : اگر شنیده [و پذیرفته] بودیم یا تعقل کرده بودیم، در [میان] دوزخیان نبودیم» .

حدیثامام علی علیه السلام : نادانی ، میراننده زندگان و جاویدکننده تیره بختی است .

امام علی علیه السلام : نبود خرد ، بدبختی است .

امام علی علیه السلام : نادان ، بدبخت ترین مردم است .

امام صادق علیه السلام : [حلقه وصل] میان انسان و حکمت ، نعمت [وجود] عالم است . و شخص نابخرد میان این دو (حکمت و عالم) ، [بی بهره و] بدبخت است .

٣ / ٢ الكفر الكتاب «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَسِرِينَ» . (١)

«فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى * لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى * الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى» . (٢)

«أَلَمْ تَكُنْ تَأْتِي تَنْتَلِي عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ * قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ» . (٣)

«وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى * الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى * ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَ لَّا يُحْيَى» . (٤)

الحديث بالإمام علي عليه السلام: مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا تَتَحَقَّقُ شِقْوَتُهُ . (٥)

الإمام الصادق عليه السلام في قوله: «فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى * لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى * الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى»: في جَهَنَّمَ وادٍ فِيهِ نَارٌ لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى الَّذِي كَذَّبَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي عِلِّيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَتَوَلَّى عَنْ وِلَايَتِهِ . (٦)

١- آل عمران : ٨٥ .

٢- الليل : ١٤ ١٦ .

٣- المؤمنون : ١٠٥ و ١٠٦ .

٤- الأعلى : ١١ ١٣ .

٥- نهج البلاغه : الخطبه ١٦١ .

٦- تفسير القمّي : ج ٢ ص ٤٢٦ عن عبد الرحمن بن كثير ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ٣١٣ ح ٨٧ .

۲ / ۳ کفر قرآن «و هر که جز اسلام، دینی [دیگر] بجوید، هرگز از وی پذیرفته نمی شود و وی در آخرت، از زیانکاران است»

«پس، شما را به آتشی که زبانه می کشد، هشدار دادم. جز نگون بخت ترین [مردم] کسی در آن در نمی آید؛ همان که تکذیب کرد و رُخ بر تافت».

«آیا آیات من بر شما خوانده نمی شد و [همواره] آن را مورد تکذیب قرار نمی دادید؟ می گویند: «پروردگارا! شقاوت ما، بر ما چیره شد و ما مردمی گم راه بودیم»».

«و نگون بخت، خود را از آن (پند)، دور می دارد؛ همان کس که در آتشی بزرگ در می آید، آن گاه نه در آن می میرد و نه زندگانی می یابد».

حدیث امام علی علیه السلام: هر کس دین دیگری غیر از اسلام بجوید، تیره بختی اش ثابت می گردد.

امام صادق علیه السلام درباره این سخن خدا: «پس، شما را به آتشی که زبانه می کشد، هشدار دادم. جز نگون بخت ترین مردم [در آن در نمی آید؛ همان که تکذیب کرد و رخ بر تافت]: در جهنم، وادی است که جز نگون بخت ترین مردم که پیامبر خدا را درباره علی علیه السلام تکذیب نموده، و از ولایت او رُخ بر تافته، در آن در نمی آید».

٣ / ٣ مساوي الأَخلاقاً حُبُّ الدُّنْيَا رسولَ اللَّهِ صلى اللهُ عليه و آله :مَنْ أَشْرَبَ قَلْبُهُ حُبَّ الدُّنْيَا ، التَّاطُّ (١) مِنْهَا بِثَلَاثٍ : شَقَاءٌ لَا يَنْفَدُ عَنَّا ، وَحِرْصٌ لَا يَبْلُغُ غِنَاءَهُ ، وَأَمَلٌ لَا يَبْلُغُ مُتْنَهَاءَهُ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله :بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ خُلِقَ لِلْعِبَادَةِ فَأَلْهَتُهُ الْعَاجِلَةُ عَنِ الْآجِلَةِ ، فَازَ بِالرَّغْبَةِ الْعَاجِلَةِ وَشَقِيَ بِالْعَاقِبَةِ . (٣)

الإمام عليّ عليه السلام :إِيَّاكَ وَالْوَلَةَ بِالدُّنْيَا ، فَإِنَّهَا تَوْرِثُكَ الشَّقَاءَ وَالْبَلَاءَ ، وَتَحْدُوكَ عَلَى بَيْعِ الْبَقَاءِ بِالْفَنَاءِ . (٤)

عنه عليه السلام :سَبَبُ الشَّقَاءِ حُبُّ الدُّنْيَا . (٥)

عنه عليه السلام :لَا تَمَهَّرِ الدُّنْيَا دِينَكَ ، فَإِنَّ مَنْ مَهَّرَ الدُّنْيَا دِينَهُ ، زُفَّتْ إِلَيْهِ بِالشَّقَاءِ وَالْعَنَاءِ وَالْمِحْنَةِ وَالْبَلَاءِ . (٦)

عنه عليه السلام :حُكِمَ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا ، بِالشَّقَاءِ وَالْفَنَاءِ وَالذَّمَارِ وَالبَوَارِ (٧) . (٨)

١- التَّاطُّ : أَى التَّصِقُ (النهاية : ج ٤ ص ٢٧٧ «لوط»).

٢- المعجم الكبير : ج ١٠ ص ١٦٣ ح ١٠٣٢٨ ، مسند الشهاب : ج ١ ص ٣٢١ ح ٥٤١ وليس فيه «قلبه» وكلاهما عن عبد الله بن مسعود ، كنز العمّال : ج ٣ ص ٢٢٤ ح ٦٢٦٦ وراجع تاريخ دمشق : ج ٤٧ ص ٤٢٩ ونهج البلاغه : الحكمة ٢٢٨ وخصائص الأئمة عليهم السلام : ص ١٠٣ .

٣- النوادر للراوندى : ص ١٤٥ ح ١٩٨ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ١٣٥ ح ٤٧ .

٤- غرر الحكم : ح ٢٧٠٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٩٨ ح ٢٢٦٩ .

٥- غرر الحكم : ح ٥٥١٦ .

٦- غرر الحكم : ح ١٠٣٣٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٢٤ ح ٩٥٤٤ .

٧- البوارُ : الهلاكُ (النهاية : ج ١ ص ١٦١ «بور»).

٨- غرر الحكم : ح ٤٩٣٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٣٤ ح ٤٤٨٦ .

الف دنیا دوستی

۳ / ۳ زشتی های اخلاقی الف دنیا دوستی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس دلش آکنده از دوستی دنیا شود، سه چیز از دنیا به او می چسبد: گرفتاری ای که رنجش پایان ندارد، آزمندی ای که به سیری نمی رسد، و آرزویی که به نهایت آن، دست نمی یابد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدترین بنده، کسی است که برای عبادت آفریده شده؛ ولی دنیا او را از آخرت باز دارد، و به دنیای دلخواه برسد؛ ولی سرانجام [در آخرت] بدبخت گردد.

امام علی علیه السلام: از عشق به دنیا پرهیز؛ چرا که تیره بختی و گرفتاری را برای تو به ارمغان می آورد و تو را بر فروختن ماندگاری به نابودی، وادار می کند.

امام علی علیه السلام: عامل بدبختی، دوست داشتن دنیا است.

امام علی علیه السلام: دینت را مهر دنیا نکن؛ چرا که هر کس دینش را مهر دنیا کند، بدبختی و سختی و رنج و گرفتاری، او را به شتاب [از بین] می برد.

امام علی علیه السلام: بدبختی و نابودی و هلاکت و تباهی، برای دنیاگرایان، قطعی است.

عنه عليه السلام: إِنَّ النَّفْسَ الَّتِي تَطْلُبُ الرَّغَائِبَ الْفَانِيَةَ ، لَتَهْلِكُ فِي طَلِبِهَا وَتَشْقَى فِي مُنْقَلَبِهَا . (١)

عنه عليه السلام: اِزْهَدْ فِي الدُّنْيَا وَاعْرِزْ عَنْهَا ، وَإِيَّاكَ أَنْ يَنْزِلَ بِكَ الْمَوْتُ وَأَنْتَ آبِقٌ (٢) مِنْ رَبِّكَ فِي طَلِبِهَا فَتَشْقَى . (٣)

عنه عليه السلام: مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّهِ ، طَالَ شَقَاؤُهُ وَغَمُّهُ . (٤)

عنه عليه السلام: اُنْظُرُوا إِلَى الدُّنْيَا نَظْرَ الزَّاهِدِ فِيهَا ، فَإِنَّهَا ... وَاللَّهِ عَنْ قَلِيلٍ تُشْقَى الْمُتَرَفِّ ، وَتُحَرِّكُ السَّاكِنَ ، وَتُزِيلُ الثَّوَابِي (٥) . (٦)

عنه عليه السلام: مَنْ اعْتَمَدَ عَلَى الدُّنْيَا فَهُوَ الشَّقِيُّ الْمَحْرُومُ . (٧)

عنه عليه السلام: مَنْ رَغِبَ فِيهَا [أَيِ الدُّنْيَا] أُنْعَبَتْهُ وَأَشَقَّتْهُ . (٨)

الإمام الصادق عليه السلام: أَنْزَلَ الدُّنْيَا كَمَا نَزَلَ نَزْلَتُهُ فَارْتَحَلَتْ عَنْهُ ، أَوْ كَمَا لِ أَصْبَتْهُ فِي مَنَامِكَ فَاسْتَيْقَظَتْ وَلَيْسَ فِي يَدِكَ شَيْءٌ مِنْهُ ، فَكَمْ مِنْ حَرِيصٍ عَلَى أَمْرٍ قَدْ شَقِيَ بِهِ حِينَ أَتَاهُ ، وَكَمْ مِنْ تَارِكٍ لِأَمْرٍ قَدْ سَعِدَ بِهِ حِينَ أَتَاهُ . (٩)

١- غرر الحكم : ح ٣٥٢٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٥٢ ح ٣٣٣٥ .

٢- الأبق : هروب العبد من سيده (المصباح المنير : ص ٢ «أبق»).

٣- غرر الحكم : ح ٢٣٩٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٨٥ ح ٢٠٤٩ نحوه .

٤- كنز الفوائد : ج ١ ص ٣٤٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٢٥ ح ٧١٨٩ وليس فيه «أكبر» ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٨١ ح ٤٣ .

٥- ثاويبا : أي مُقيما (مجمع البحرين : ج ١ ص ٢٦٠ «ثوي»).

٦- مطالب السؤل : ص ٥٢ ؛ بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٢١ ح ٨١ .

٧- غرر الحكم : ح ٩٠٨٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٢٥ ح ٧١٩٨ .

٨- غرر الحكم : ح ٨٤٨١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٥٦ ح ٨٢٤٣ .

٩- تحف العقول : ص ٣٧٧ عن سفيان الثوري ، الكافي : ج ٢ ص ١٣٣ ح ١٦ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٢٦٢ ح ١٦٤ وراجع الزهد للحسين بن سعيد : ص ٥٠ ح ١٣٣ .

امام علی علیه السلام: نفسی که آرزوهای فناپذیر بجوید ، همانا در جستجوی آنها هلاک می شود و در بازگشتگاه خود، تیره بخت خواهد شد .

امام علی علیه السلام: در دنیا پارسایی کن و از آن دست بکش ، و از این که مرگت فرا رسد و تو در جستجوی دنیا ، از پروردگارت گریزان باشی، پروا کن، که مبادا تیره بخت گردی .

امام علی علیه السلام: هر کس دنیا بزرگ ترین همتش باشد ، بدبختی و غصه اش طولانی می گردد .

امام علی علیه السلام: به دنیا، همانند نگاه پارسا بنگرید ؛ چرا که... به خدا سوگند که پس از اندک زمانی ، شخص مرفه و بی دغدغه را تیره بخت می کند و شخص آرام را به اضطراب می افکند ، و شخص اقامت کرده را ، بیرون می کند [و به سرای دیگر می فرستد] .

امام علی علیه السلام: هر که به دنیا اعتماد کند ، تیره بخت و محروم است .

امام علی علیه السلام: هر کس به دنیا علاقه مند باشد ، دنیا او را خسته و تیره بخت می کند .

امام صادق علیه السلام: دنیا را مانند جایگاهی بشمار که در آن فرود می آیی و سپس کوچ می کنی یا مانند کمالی که در خوابت به تو رسیده و وقتی بیدار می شوی، می بینی که چیزی از آن در دستت چیزی نیست . چه بسیار کسانی که به چیزی آزمندند و وقتی به آن می رسند ، تیره بخت می شوند ! و چه بسیار ترک کنندگان چیزی که وقتی به آن می رسند، نیک بخت می گردند .

ب الحِرْصُ للإمام عليّ عليه السلام: مَنْ كَثُرَ حِرْصُهُ (١) كَثُرَ شَقَاؤُهُ. (٢)

عنه عليه السلام: كَثُرَتْ الحِرْصُ تُشْقَى صَاحِبُهُ ، وَتُذِلُّ جَانِبُهُ. (٣)

عنه عليه السلام: الحِرْصُ وَالشَّرُّ (٤) يَكْسِبَانِ الشَّقَاءَ وَالذُّلَّ. (٥)

عنه عليه السلام: عَبْدُ الحِرْصِ مُحَلَّدُ الشَّقَاءِ. (٦)

عنه عليه السلام: فِي الحِرْصِ الشَّقَاءُ وَالنَّصَبُ. (٧)

عنه عليه السلام: الحِرْصُ يُذِلُّ وَيُشْقَى. (٨)

عنه عليه السلام: مَنْ حَرَصَ شَقِيَ وَتَعَنَى. (٩)

ج الطَّمَعُ للإمام عليّ عليه السلام: ثَمَرَةُ الطَّمَعِ الشَّقَاءُ. (١٠)

عنه عليه السلام: لَا تُمَلِّكْ نَفْسَكَ بَغُورِ الطَّمَعِ ، وَلَا تُجِبْ دَوَاعِيَ الشَّرِّ ، فَإِنَّهُمَا يَكْسِبَانِكَ الشَّقَاءَ وَالذُّلَّ. (١١)

١- الحِرْصُ : الجَشَعُ (الصباح : ج ٣ ص ١٠٣٢ «حرص»).

٢- غرر الحكم : ح ٨٦٠٢ ، عيون الحكم والمواعظ ص ٤٥٩ ح ٨٣٣٧ .

٣- غرر الحكم : ح ٧١٠٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٩٠ ح ٦٥٩٧ .

٤- شَرَّةٌ : غَلَبَ حِرْصُهُ واشتدَّ ، وقيل : الشَّرَّةُ أسوأ الحِرْصِ (تاج العروس : ج ١٩ ص ٥٢ «شره»).

٥- غرر الحكم : ح ١٣٦٩ .

٦- غرر الحكم : ح ٦٣٠٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٣٩ ح ٥٧٨٠ .

٧- غرر الحكم : ح ٦٥٠١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٥٤ ح ٦٠١٠ .

٨- عيون الحكم والمواعظ : ص ٤١ ح ٩٢٦ ، مستدرک الوسائل : ج ١٢ ص ٦٢ ح ١٣٥١٢ .

٩- غرر الحكم : ح ٧٧٢٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٢٨ ح ٧٢٨٨ .

١٠- غرر الحكم : ح ٤٦٠٩ ، عيون الحكم والمواضع : ص ٢٠٨ ح ٤١٨٨ .

١١- غرر الحكم : ح ١٠٤١٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٣٠ ح ٩٦٣٦ .

ب آزمندی

ج طمعکاری

ب آزمندیامام علی علیه السلام: هر کس آزمندی اش بسیار باشد ، تیره بختی اش بسیار می گردد .

امام علی علیه السلام: بسیاریِ آز ، صاحبش را بدبخت و خودش را خوار می کند .

امام علی علیه السلام: آزمندی و سیری ناپذیری ، تیره بختی و خواری به بار می آورند .

امام علی علیه السلام: بنده آز ، همیشه بدبخت است .

امام علی علیه السلام: نگون بختی و سختی ، در آزمندی است .

امام علی علیه السلام: آزمندی ، خوار و تیره بخت می کند .

امام علی علیه السلام: هر که آز بورزد ، تیره بخت و رنجور می گردد.

ج طمعکاریامام علی علیه السلام: نتیجه طمعکاری ، بدبختی است .

امام علی علیه السلام: جانت را در اختیار فریب طمع قرار نده و به خواسته های سیری ناپذیر پاسخ نده ؛ چرا که این دو ، برای

تو تیره بختی و خواری به بار می آورند .

عنه عليه السلام: الْمَذَلَّةُ وَالْمَهَانَةُ وَالشَّقَاءُ ، فِي الطَّمَعِ وَالْحِرْصِ . (١)

د الْبُخْلُرسول الله صلى الله عليه و آله :ألا وإنَّ السَّعِيدَ مِنِ اخْتَارَ بِاقِيَّةِ يَدَوْمٍ نَعِيمِهَا ، عَلَى فَائِيهِ لَا يَنْفَدُ عَذَابُهَا ، وَقَدَّمَ لِمَا يَقْدَمُ عَلَيْهِ مِمَّا هُوَ فِي يَدَيْهِ ، قَبْلَ أَنْ يُخَلِّفَهُ لِمَنْ يَسْعَدُ بِانْفَاقِهِ ، وَقَد شَقِيَ هُوَ بِجَمْعِهِ . (٢)

الإمام عليّ عليه السلام :إِذَا جَمَعْتَ الْمَالَ فَأَنْتَ فِيهِ وَكَيْلٌ لِّغَيْرِكَ ، يَسْعَدُ بِهِ وَتَشْقَى أَنْتَ . (٣)

عنه عليه السلام :كَمْ مِنْ غَافِلٍ وَثِقَ بِغَفْلَتِهِ وَتَعَلَّلَ بِمَهْلَتِهِ ، فَأَمَّلَ بَعِيدًا ، وَبَنَى مَشِيدًا ، فَانْغَصَّ بِقُرْبِ أَجَلِهِ بَعْدَ أَمَلِهِ ، وَفَاجَأَهُ مَبِيتُهُ بِانْقِطَاعِ أُمِّيَّتِهِ ، فَصَارَ بَعْدَ الْعِزِّ وَالْمَنْعَةِ وَالشَّرَفِ وَالرَّفْعَةِ ، مُرْتَهِنًا بِمَوْبِقَاتِ (٤) عَمَلِهِ ، قَدْ غَابَ فَمَا رَجَعَ ، وَنَدِمَ فَمَا انْتَفَعَ ، وَشَقِيَ بِمَا جَمَعَ فِي يَوْمِهِ ، وَسَعَدَ بِهِ غَيْرُهُ فِي غَدِهِ . (٥)

عنه عليه السلام لِإِنِّهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا تُخَلِّفَنَّ وِرَاءَكَ شَيْئًا مِنَ الدُّنْيَا ، فَإِنَّكَ تُخَلِّفُهُ لِأَحَدٍ رَجُلَيْنِ : إِمَّا رَجُلٌ عَمِلَ فِيهِ بِطَاعَةِ اللَّهِ فَسَيَعِدُ بِمَا شَقِيتَ بِهِ ، وَإِمَّا رَجُلٌ عَمِلَ فِيهِ بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ فَشَقِيَ بِمَا جَمَعْتَ لَهُ ، فَكُنْتَ عَوْنَا لَهُ عَلَى مَعْصِيَتِهِ . وَلَيْسَ أَحَدٌ هَدَى حَقِيقًا أَنْ تُؤَثِّرَهُ عَلَى نَفْسِكَ . (٦)

- ١- غرر الحكم : ح ٢٠٩٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٦٤ ح ١٦٤٨ .
- ٢- أعلام الدين : ص ٣٤٥ عن ابن عباس ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ١٨٨ ح ٣٨ .
- ٣- غرر الحكم : ح ٤١٣٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٣٢ ح ٢٩٧٧ .
- ٤- الموبقات : أى الذنوب المهلكات (النهاية : ج ٥ ص ١٤٦ «وبق»).
- ٥- دستور معالم الحكم : ص ٧٧ ؛ بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٤٤٠ ح ٤٨ .
- ٦- نهج البلاغه : الحكمة ٤١٦ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥١٩ ح ٩٤٣٢ وليس فيه «فشقى بما جمعت له» ؛ تاريخ دمشق: ج ٤٢ ص ٥٠٨ عن سماك بن حرب عن الإمام الحسن عنه عليهما السلام، كنز العمال: ج ٣ ص ٧٢١ ح ٨٥٧٢ .

د بخل ورزی

امام علی علیه السلام: خواری و سستی و بدبختی، در طمعکاری و آزمندی است.

د بخل ورزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هان! نیک بخت، کسی است که چیز ماندگار را که رفاه آن همیشگی است، بر چیز ناپایدار که عذابش پایان ندارد، برگزیند و از آنچه در دستانش است، برای آنچه برایش پیش می آید، هزینه کند، پیش از آن که آن را برای کسی باقی بگذارد که با بخشش آن، نیک بخت می گردد، در حالی که خود او با گردآوری آن، تیره بخت گشته است.

امام علی علیه السلام: هر گاه دارایی را گرد آوردی، تو درباره آن وکیل دیگری هستی. او با آن، خوش بخت می شود و تو بدبخت می گردی.

امام علی علیه السلام: چه بسیار غافلی که به غفلتش اعتماد کرد و فرصتش را بهانه قرار داد. از این رو، آرزویی دور و دراز کرد و کاخ ساخت؛ اما نزدیک شدن اجلش، آرزویش را کاست و سر رسیدن ناگهانی مرگش، امیدش را قطع کرد و پس از عزت و قوت و شرف و بزرگی، گرفتار گناهان نابود کننده عملش گردید. در حقیقت، ناپدید شد و باز نگشت، و پشیمان شد و سود نبرد، و با آنچه در روزگار [عمر] خود گرد آورده بود، تیره بخت گردید و دیگری با همان، در فردایش به سعادت رسید.

امام علی علیه السلام به پسرش حسن علیه السلام: پس از خود، چیزی از دنیا بر جا مگذار؛ چرا که تو آن را برای یکی از دو نفر، بر جا می گذاری: یا مردی است که آن را در اطاعت خدا به کار می گیرد و با آنچه تو بدان تیره بخت شده ای، نیک بخت می گردد، یا مردی است که آن را در نافرمانی خدا به کار می گیرد و با آنچه برایش جمع کرده ای، تیره بخت می شود که [در این صورت]، او را بر گناهای یاری کرده ای. و هیچ یک از این دو، شایسته این نیست که او را بر خودت مقدم بداری.

عنه عليه السلام: إِنَّ الَّذِي فِي يَدِكَ مِنَ الدُّنْيَا قَدْ كَانَ لَهُ أَهْلٌ قَبْلَكَ ، وَهُوَ صَائِرٌ إِلَى أَهْلِ بَعْدِكَ ، وَإِنَّمَا أَنْتَ جَامِعٌ لِأَحَدِ رَجُلَيْنِ : رَجُلٍ عَمِلَ فِيهَا جَمَعْتَهُ بِطَاعَةِ اللَّهِ فَسَدَّ بِهَا شَقِيَّتَ بِهِ ، أَوْ رَجُلٍ عَمِلَ فِيهِ بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ فَشَقِيَّتَ بِهَا جَمَعَتْ لَهُ ، وَلَيْسَ أَحَدٌ هَذَيْنِ أَهْلًا أَنْ تُؤَثِّرَهُ عَلَى نَفْسِكَ ، وَلَا أَنْ تَحْمِلَ لَهُ عَلَى ظَهْرِكَ ، فَارْجُ لِمَنْ مَضَى رَحْمَةَ اللَّهِ ، وَلِمَنْ بَقِيَ رِزْقَ اللَّهِ . (١)

ه الرِّبَاءُ رسول الله صلى الله عليه و آله :يُؤَمَّرُ بِرِجَالٍ إِلَى النَّارِ فَيَقُولُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ لِمَالِكٍ : قُلْ لِلنَّارِ : لَا تُحْرِقِي لَهُمْ أَقْدَامًا فَقَدْ كَانُوا يَمْشُونَ إِلَى الْمَسَاجِدِ ، وَلَا تُحْرِقِي لَهُمْ أَوْجُهًا فَقَدْ كَانُوا يُسْبِغُونَ الْوُضُوءَ ، وَلَا تُحْرِقِي لَهُمْ أَيْدِيًا فَقَدْ كَانُوا يَرْفَعُونَهَا بِالْدُّعَاءِ ، وَلَا تُحْرِقِي لَهُمْ أَلْسِنَةً فَقَدْ كَانُوا يُكْثِرُونَ تِلَاوَةَ الْقُرْآنِ!! قَالَ : فَيَقُولُ لَهُمْ خَازِنُ النَّارِ : يَا أَشْقِيَاءَ ، مَا كَانَ حَالَكُمْ ؟ قَالُوا : كُنَّا نَعْمَلُ لِعَبْرِ اللَّهِ تَعَالَى ، فَقِيلَ لَنَا : خُذُوا ثَوَابَكُمْ مِمَّنْ عَمِلْتُمْ لَهُ . (٢)

و الحَسَدُ الإمام عليّ عليه السلام : ثَمَرَةُ الحَسَدِ شَقَاءُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (٣)

- ١- نهج البلاغه : الحكمة ٤١٦ ، الكافي : ج ٨ ص ٧٢ ح ٢٨ عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام ، المناقب لابن شهر آشوب : ج ٢ ص ١١١ كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٣٣ ص ٢٨٥ ح ٥٤٨ .
- ٢- علل الشرايع : ص ٤٦٦ ح ١٨ ، ثواب الأعمال : ص ٢٦٦ ح ١ كلاهما عن عليّ بن جعفر عن أخيه الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، الاعتقادات للصدوق : ص ٧٨ ، عدّه الداعي : ص ٢١٤ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وكلّهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٢ ص ٢٩٦ ح ٢١ .
- ٣- غرر الحكم : ح ٤٦٣٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٠٨ ح ٤١٧١ .

و حسدورزی

امام علی علیه السلام: آنچه از دنیا در دست توست، پیش از تو مالکی داشت و پس از تو به دست اهلش خواهد رسید و تو فقط برای یکی از دو نفر، گردآورنده ای: مردی که گردآورده تو را در اطاعت خدا به کار می گیرد و با آنچه تو بدان تیره بخت شده ای، نیک بخت می گردد، یا مردی که گردآورده تو را در نافرمانی خدا به کار می گیرد و [باز هم] با آنچه تو برایش گرد آورده ای، تیره بخت می گردد. و هیچ یک از این دو، سزاوار نیست که او را بر خودت مقدم بداری و بار او را بر دوش بکشی. پس برای درگذشتگان، رحمت خدا، و برای باقی ماندگان، روزی او را آرزو کن.

ه ریایمبر خدا صلی الله علیه و آله: مردانی دستور می یابند که به جهنم بروند. خداوند عز و جل به مالک جهنم می فرماید: «به آتش بگو: قدم های آنان را نسوزان؛ چرا که آنان به مسجدها می رفتند، و چهره هایشان را نسوزان؛ چرا که نیکو وضو می ساختند، و دستانشان را نسوزان؛ چرا که آنها را به دعا بلند می کردند، و زبان هایشان را نسوزان؛ چرا که بسیار قرآن تلاوت می نمودند». نگهبان جهنم به آنان می گوید: ای تیره بختان! شما چه وضعی دارید؟ می گویند: ما برای غیر خدای متعال، کار می کردیم. پس به ما گفته شد: پاداشتان را از کسی که برایش کار کردید، بگیرید.

و حسدورزی امام علی علیه السلام: نتیجه حسدورزی، بدبختی دنیا و آخرت است.

ز الْعَفْلُهُاَلِإِمَامِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي وَصِيَّتِهِ لِعُوَاذِهِ بَعْدَ مَا ضُرِبَ : فَيَا لَهَا حَسْرَةً عَلَيَّ كُلِّ ذِي غَفْلَةٍ ، أَنْ يَكُونَ عُمْرُهُ عَلَيَّ حُجَّةً ، أَوْ تُؤَدِّيَهُ أَيَّامُهُ إِلَى شِقْوِهِ . (١)

ح الْحَمِيَّةُاَلِإِمَامِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ مَا ذَكَرَ صِفَةَ خَلْقِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَقَالَ سُبْحَانَهُ : «اسْجُدُوا لِأَدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْنِيسَ» (٢) اعْتَرَتْهُ الْحَمِيَّةُ (٣) ، وَغَلَبَتْ عَلَيْهِ الشَّقْوَةُ . (٤)

٣ / ٤مساوئ الأعمال معصية اللهاالإمام الصادق عليه السلام في قول الله عز وجل : «قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا» (٥) : بِأَعْمَالِهِمْ شَقُوا . (٦)

رسول الله صلى الله عليه وآله : مَنْ عَمِلَ سِوَأَ شَهَادَتِ عَلِيٍّ : جَوَارِحُهُ ، وَبِقَاعُهُ ، وَشُهُورُهُ ، وَأَعْوَامُهُ ، وَسَاعَاتُهُ (وَأَيَّامُهُ) وَلِيَالِي الْجَمْعِ وَسَاعَاتُهَا وَأَيَّامُهَا ، فَيَشْقَى بِذَلِكَ شَقَاءَ الْأَبَدِ . (٧)

-
- ١- الكافي : ج ١ ص ٢٩٩ ح ٦ ، نهج البلاغه : الخطبه ٦٤ ، خصائص الأئمه عليهم السلام : ص ٩٨ وليس فيه ذيله ، بحار الأنوار : ج ٤٢ ص ٢٠٧ ح ١١ ؛ المعيار والموازنه : ص ٢٧٠ .
 - ٢- البقره : ٣٤ .
 - ٣- الْحَمِيَّةُ : وَهِيَ الْأَنْفَةُ وَالغَيْرَةُ (النهايه : ج ١ ص ٤٤٧ «حما») .
 - ٤- نهج البلاغه : الخطبه ١ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٣٠٣ ح ٧ .
 - ٥- المؤمنون : ١٠٦ .
 - ٦- التوحيد : ص ٣٥٦ ح ٢ عن أبي بصير ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ١٥٧ ح ٩ .
 - ٧- التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام : ص ٦٥٥ ح ٣٧٣ ، بحار الأنوار : ج ٧ ص ٣١٥ ح ١١ .

ز غفلت

ح تعصب

۳ / ۴ اعمال ناشایست

الف نافرمانی خدا

ز غفلت امام علی علیه السلام در سفارش به عیادت کنندگان خویش، پس از ضربت خوردنش: افسوس بر هر غافل، که عمرش بر زیان او حجت خواهد بود، یا روزگارش او را به سوی بدبختی می کشاند!

ح تعصّب با امام علی علیه السلام پس از توصیف آفرینش آدم علیه السلام: خداوند سبحان فرمود: «برای آدم، سجده کنید. پس بجز ابلیس، [همگی] به سجده در افتادند». تعصّب، او را گرفتار کرد [و مانعش شد] و تیره بختی بر او چیره گشت.

۳ / ۴ اعمال ناشایست الف نافرمانی خدا امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند عز و جل: «می گویند: پروردگارا! تیره بختی ما، بر ما چیره شد»: به سبب رفتارهایشان، نگون بخت شدند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس هر کار بدی انجام دهد، اعضای بدنش و مکان ها، ماه ها، سال ها، ساعت ها [و روزهای] آن [کار] و شب های جمعه و لحظه ها و روزهای آن، علیه او گواهی می دهند. آن گاه بدین سبب، برای همیشه تیره بخت می گردد.

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ ... لَا تُشَقِّنِي بِمَعْصِيَتِكَ . (١)

الإمام علي عليه السلام فى كتابه للأشتر حين ولّاه على مصر: هذا ما أمر به عبد الله على أمير المؤمنين مالك بن الحارث الأشتر ... أمره بتقوى الله وإيثار طاعته، وأتباع ما أمر به فى كتابه من فرائضه وشئنه، التى لا يسعد أحد إلا بتابعها، ولا يشقى إلا مع جحودها وإضاعته. (٢)

عنه عليه السلام: لا يسعد أحد إلا بإقامه حدود الله، ولا يشقى أحد إلا بإضاعته. (٣)

عنه عليه السلام: خذلان الأشقياء بالعصيان. (٤)

عنه عليه السلام: لا يشقى امرؤ إلا بمعصية الله. (٥)

عنه عليه السلام: بالمعصية تكون الشقاء. (٦)

الإمام زين العابدين عليه السلام: إياكم والذنوب التى قلما أصير عليها صاحبها إلا أذاه إلى الخذلان المؤدى إلى الخروج عن ولايه محمداً وعلياً والطيبين من آلهم، والدخول فى موالاه أعدائهما، فإن من أصير على ذلك فأدى خذلانه إلى الشقاء الأشقى من مفارقه ولايه سيّد أولى النهى، فهو من أخسر الخاسرين. (٧)

١- المعجم الأوسط: ج ٦ ص ١٢١ ح ٥٩٨٢، كتاب الدعاء للطبرانى: ص ٤٢١ ح ١٤٢٤ كلاهما عن أبى هريره، كنز العمال: ج ٢ ص ١٧٦ ح ٣٦١٧؛ الإقبال: ج ٢ ص ٧٨، البلد الأمين: ص ٢٥٣ كلاهما عن الإمام الحسين عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢١٩.

٢- نهج البلاغه: الكتاب ٥٣، تحف العقول: ص ١٢٦، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٥٩٩ ح ٧٤٤.

٣- غرر الحكم: ح ١٠٨٥٣.

٤- دستور معالم الحكم: ص ٩٤، كنز العمال: ج ١٦ ص ١٨٨ ح ٤٤٢١٦.

٥- غرر الحكم: ح ١٠٨٤٨.

٦- غرر الحكم: ح ٤٢٥١.

٧- التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص ٦١٨ ح ٣٦٣، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٣١٨ ح ٤١.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدایا! .. با نافرمانی از تو ، تیره بختم نگردان .

امام علی علیه السلام در نامه اش به مالک اشتر، هنگامی که او را والی مصر قرار داد : این، دستوری است که بنده خدا، امیر مؤمنان، به مالک بن حارث اشتر داده است ... او را به پرهیزگاری در برابر خداوند و برگزیدن اطاعت او و پیروی از آنچه خدا در کتابش فرمان داده (اعم از واجبات و مستحبات، که هیچ کس جز به پیروی از آنها، سعادت نمی یابد و جز با انکار و تزییع آنها، تیره بخت نمی گردد)، دستور داده است .

امام علی علیه السلام :هیچ کس جز با برپایی مقررات خداوند ، نیک بخت نمی شود و هیچ کس جز به تزییع آنها، تیره بخت نمی گردد .

امام علی علیه السلام :خواری تیره بختان ، در پیِ نافرمانی است .

امام علی علیه السلام :هیچ مردی جز در پیِ نافرمانی خدا ، نگون بخت نمی گردد .

امام علی علیه السلام :نگون بختی، در پیِ نافرمانی است .

امام زین العابدین علیه السلام :از گناهای پرهیزید که هرگز صاحب آنها بر آنها پافشاری نمی کند ، مگر این که او را به خواری ای می کشانند که موجب بیرون آمدن از ولایت محمّد و علی و پاکیزگان از خاندان آن دو ، و ورود در ولایت دشمنان آن دو می گردد . همانا کسی که بر گناهان پافشاری کند ، به گونه ای که خواری اش او را به بدترین تیره بختی یعنی جدایی از ولایت سرور خردمندان بکشاند ، از بدترین زیانکاران است .

الإمام الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ ... لَا تُشَقِّنِي بِنَشْطِي لِمَعَاصِيكَ . (١)

الإمام الرضا عليه السلام في دُعَائِهِ : أَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَوْرَثُ الشَّقَاءَ . (٢)

تحف العقول في مُنَاجَاهِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَوْسَى : يَا مَوْسَى ... مَنْ عَصَانِي شَقِي . (٣)

ب مُخَالَفَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : اَعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِنْ أَطَعْتُمْ عَلَيْنَا سَعِدْتُمْ ، وَإِنْ خَالَفْتُمُوهُ شَقِيتُمْ . (٤)

الإمام زين العابدين عليه السلام : اَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ خَالَفَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ ، وَدَانَ بِغَيْرِ دِينِ اللَّهِ ، وَاسْتَبَدَّ بِأَمْرِهِ دُونَ أَمْرِ وَلِيِّ اللَّهِ ، كَانَ فِي نَارٍ تَلْتَهُبُ ، تَأْكُلُ أَبْدَانًا قَدْ غَابَتْ عَنْهَا أَرْوَاحُهَا وَغَلَبَتْ عَلَيْهَا شَقَوَاتُهَا ، فَهُمْ مَوْتَى لَا يَجِدُونَ حَرَّ النَّارِ ، وَلَوْ كَانُوا أَحْيَاءَ لَوَجَدُوا مَضْضَ (٥) حَرِّ النَّارِ ، وَاعْتَبِرُوا يَا أُولَى الْأَبْصَارِ . (٦)

الإمام الصادق عليه السلام : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا وَأَكْرَمَنَا بِهِ ، فَحَنُّ صَيْفُوهُ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ وَخَيْرَتُهُ مِنْ عِبَادِهِ ، فَالْسَّعِيدُ مَنْ اتَّبَعَنَا ، وَالشَّقِيُّ مَنْ عَادَانَا وَخَالَفَنَا . (٧)

١- الكافي : ج ٢ ص ٥٧٧ ح ١ عن عبد الله بن جندب عن أبيه .

٢- تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ٩٦ ح ٢٥٧ عن سعد بن سعد ، مصباح المتهجد : ص ٥٧٢ ، المصباح للكفعمي : ص ٧٦٦ كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، الإقبال : ج ١ ص ٣٣٤ ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ١٣٧ .

٣- تحف العقول : ص ٤٩٣ ، بحار الأنوار : ج ١٣ ص ٣٣٤ ح ١٣ .

٤- تأويل الآيات الظاهرة : ج ١ ص ٣٧ ح ٩ ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام : ص ١١٥ ح ٦٠ كلاهما عن الإمام العسكري عن الإمام الكاظم عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج ٣٧ ص ١٤٤ ح ٣٦ .

٥- المَضْضُ : وجع المصيبة (الصحاح : ج ٣ ص ١١٠٦ «مضض»).

٦- الكافي : ج ٨ ص ١٦ ح ٢ ، الأمالي للمفيد : ص ٢٠٣ ح ٣٣ كلاهما عن أبي حمزة ، تحف العقول : ص ٢٥٤ وليس فيهما «ولو كانوا أحياء لوجدوا مضض حر النار» ، العدد القوي : ص ٦٢ ح ٧٩ عن أبي حمزة وليس فيه «أمر» ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١٥١ ح ١١ .

٧- دلائل الإمامة : ص ٢٣٣ ح ١٦٢ ، مدينته المعاجز : ج ٥ ص ٦٦ بزياده «وخلفاؤه» بعد «عباده» وكلاهما عن عماره بن زيد الواقدي ، الأمان : ص ٦٦ ، بحار الأنوار : ج ٤٦ ص ٣٠٦ ح ١ .

ب مخالفت با اهل بیت

امام صادق علیه السلام: خدایا! ... مرا به خاطر نشاطم در نافرمانی ات ، تیره بخت نگردان .

امام رضا علیه السلام در دعایش : [خدایا!] از گناهانی که موجب بدبختی می شوند ، به تو پناه می برم .

تحف العقول در نجوای خداوند با موسی علیه السلام : ای موسی! ... هر کس از من سرپیچی کرد ، بدبخت شد .

ب مخالفت با اهل بیت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بدانید که اگر از علی اطاعت کنید ، خوش بخت ، و اگر با او مخالفت ورزید ، بدبخت می شوید .

امام زین العابدین علیه السلام : بدانید که هر کس با اولیای خدا مخالفت ورزد و به غیر دین خدا در آید و فرمان خویشتن را در برابر فرمان ولیّ خدا برگزیند ، در آتشی شعله ور خواهد بود که بدن هایی را که بی روح (بی ایمان) اند و بدبختی شان بر آنها چیره شده ، می سوزاند. آنان، مردگانی هستند که داغی آتش (دوزخ) را [در این دنیا] در نمی یابند و اگر زنده بودند ، به یقین، سوزش داغی آتش را می چشیدند . پند بگیرید، ای صاحبان بصیرت!

امام صادق علیه السلام : ستایش، از آن خدایی است که محمد را به حق، به پیامبری فرستاد و ما را به خاطر او گرامی داشت . پس، ما برگزیدگان خدا بر آفریدگانش و برگزیدگان او از میان بندگانش هستیم . خوش بخت، کسی است که از ما پیروی کند و تیره بخت، کسی است که با ما دشمنی و مخالفت ورزد .

عنه عليه السلام: دَخَلَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ فِي بَيْتِ أُمِّ سَلَمَةَ ، فَلَمَّا رَأَاهُ قَالَ : كَيْفَ أَنْتَ يَا عَلِيُّ ، إِذَا جُمِعَتِ الْأُمَمُ ، وَوُضِعَتِ الْمِوَازِينُ ، وَبَرَزَ لِعَرَضِ خَلْقِهِ ، وَدُعِيَ النَّاسُ إِلَى مَا لَا بُدَّ مِنْهُ ؟ قَالَ : فَدَمَعَتْ عَيْنُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا يُبْكِيكَ يَا عَلِيُّ ؟ تُدْعَى وَاللَّهِ أَنْتَ وَشِيعَتُكَ غُرًّا مُحَجَّلِينَ (١) ، رِوَاءَ مَرْوِيِّينَ ، مُبَيَّضَةً وَجُوهَهُمْ ، وَيُدْعَى بِعُدْوِكَ مُسَوَّدَةً وَجُوهَهُمْ ، أَشْقِيَاءَ مُعَذِّبِينَ . (٢)

الأمالى للمفيد عن سلمان الفارسي: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَ عَرَفَةَ ، فَقَالَ [لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ] : ... إِنَّ الشَّقِيَّ كُلَّ الشَّقِيَّ حَقَّ الشَّقِيَّ مَنْ عَصَاكَ ، وَنَصَبَ لَكَ عِدَاوَةً مِنْ بَعْدِي . (٣)

الإمام المهدي عليه السلام: إِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجُّهَ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْنَا فَقُولُوا : ... يَا مَوْلَايَ ، شَقِيٌّ مَنْ خَالَفَكُمْ وَسَعِدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ . (٤)

جِ اتِّبَاعِ الْهُوَيْرِ سَوَّلَ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَحْذَرِ الْهُوَى ، فَإِنَّهُ قَائِدُ الْأَشْقِيَاءِ إِلَى النَّارِ . (٥)

الإمام علي عليه السلام: إِنَّكَ إِنْ مَلَكَتْ نَفْسَكَ قِيَادَكَ ، أَفْسَدْتَ مَعَادَكَ ، وَأُورِدَتْكَ بَلَاءٌ لَا يَنْتَهَى " وَشَقَاءٌ لَا يَنْقُضِي . (٦)

- ١- الغرّ المحجلون : أى بيض مواضع الوضوء من الأيدي والوجه والأقدام (النهاية : ج ١ ص ٣٤٦ «حجل»).
- ٢- الأمالى للطوسى : ص ٦٧١ ح ١٤١٤ ، حليه الأبرار : ج ٢ ص ١٨١ ح ١ كلاهما عن يحيى بن العلاء الرازى ، بحار الأنوار : ج ٧ ص ١٨٢ ح ٧ .
- ٣- الأمالى للمفيد : ص ١٦١ ح ٣ ، الأمالى للطوسى : ص ٤٢٦ ح ٩٥٣ ، الأمالى للصدوق : ص ٤٦٦ ح ٦٢١ كلاهما عن أبى الحمراء ، بحار الأنوار : ج ٣٩ ص ٢٦٥ ح ٣٧ .
- ٤- الاحتجاج : ج ٢ ص ٥٩٣ ح ٣٥٨ ، المزار الكبير : ص ٥٧١ وفيه «قد» بدل «يا مولاي» وكلاهما عن محمد بن عبد الله بن جعفر الحميرى ، بحار الأنوار : ج ٥٣ ص ١٧٢ ح ٥ .
- ٥- تاريخ أصبهان : ج ٢ ص ٣٣٢ ح ١٨٧٤ ، تاريخ دمشق : ج ٥٨ ص ٤١٠ ح ١٢١٧٩ كلاهما عن عبيد بن صخر ابن لوذان الأنصارى السلمى ، كنز العمال : ج ١٠ ص ٥٩٥ ح ٣٠٢٩٢ ؛ بحار الأنوار : ج ٢١ ص ٤٠٨ ح ٤١ .
- ٦- غرر الحكم : ح ٣٧٩١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٧٢ ح ٣٥٨٣ وفيه «أورثتك» بدل «أوردتك» .

ج پیروی از خواسته های نفس

امام صادق علیه السلام: علی علیه السلام در خانه اُم سلمه به حضور پیامبر خدا رسید. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله او را دید، فرمود: «ای علی! تو در چه حالی هستی، هنگامی که امت ها گرد می آیند و سنجه های اعمال بر پا می شوند و [قدرت خدا] برای نشان دادن [وضعیت] آفریدگانش آشکار می گردد و مردم به آنچه ناچارند، فرا خوانده می شوند؟». چشم امیر مؤمنان، اشکبار شد. پیامبر خدا فرمود: «ای علی! چه چیزی تو را به گریه وا داشت، در حالی که به خدا تو و پیروانت، با چهره درخشان و دست و پای سفید [و حاکی از نور طهارت و عبادت] فرا خوانده می شوید؛ ولی دشمنان تو، سیاه چهره و تیره بخت، به عذاب فرا خوانده می شوند؟».

الأمالی، مفید به نقل از سلمان فارسی: پیامبر خدا روز عرفه بیرون آمد و [به علی علیه السلام] فرمود: «... بدبخت و بدبخت حقیقی، کسی است که از تو سرپیچی کند و پس از من با تو دشمنی ورزد».

امام مهدی علیه السلام: هر گاه خواستید به خدا و ما توجه کنید، بگوئید: «ای آقای من! تیره بخت شد هر که با شما مخالفت ورزید، و نیک بخت شد هر که از شما اطاعت کرد».

ج پیروی از خواسته های نفسپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از هوای نفس بپرهیز؛ چرا که راهنمای تیره بختان به سوی جهنم است.

امام علی علیه السلام: اگر لجامت را در اختیار نفست قرار دادی، معادت را تباه نموده ای و بلایی بی پایان و بدبختی ای بی نهایت، بر خود وارد کرده ای.

عنه عليه السلام: مَنْ أَهْمَلَ نَفْسَهُ فِي لَذَاتِهَا شَقِيٌّ وَبُعْدٌ . (١)

عنه عليه السلام: مَغْلُوبُ الْهَوَى ، دَائِمُ الشَّقَاءِ ، مُؤَبَّدُ الرَّقِّ . (٢)

عنه عليه السلام: مَنْ سَامَحَ نَفْسَهُ فِيمَا يُحِبُّ ، أَتَعَبَتْهُ فِيمَا يَكْرَهُ . (٣)

د الظُّلْمَ لِإِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : ظَلَمَ الْمَرْءُ فِي الدُّنْيَا ، عُنْوَانُ شَقَائِهِ فِي الْآخِرَةِ . (٤)

ه عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ لِإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ مِنَ الْكِبَائِرِ ؛ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ الْعَاقَ عَصِيًّا شَقِيًّا (٥) . (٦)

و تِلْكَ الْأُمُورُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ آلِهِ : مَنْ ذَكَرَنِي وَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ فَقَدْ شَقِيَ ، وَمَنْ أَدْرَكَ رَمَضَانَ فَلَمْ تُصَلِّ بِهِ الرَّحْمَةُ فَقَدْ شَقِيَ ، وَمَنْ أَدْرَكَ أَبَوَيْهِ أَوْ أَحَدَهُمَا فَلَمْ يَبِرَّ فَقَدْ شَقِيَ . (٧)

١- .غرر الحكم : ح ٨٢٤٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٤٥ ح ٧٨٢٢ .

٢- .غرر الحكم : ح ٩٨٣٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٨٧ ح ٩٠١٣ .

٣- .غرر الحكم : ح ٨٧٨٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٥٦ ح ٨٢٥٨ .

٤- .غرر الحكم : ح ٦٠٦٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٢٣ ح ٥٥٧٢ .

٥- .. تشير إلى الآيتين من سوره مريم : «وَبَرَّ مَا بَوَّ لِدَيْهِ وَ لَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا» (١٤) و «وَبَرَّ مَا بَوَّ لِدَيْهِ وَ لَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا» (٣٢) .

٦- .علل الشرايع : ص ٤٧٩ ح ٢ عن عبد العظيم بن عبد الله الحسنى عن الإمام الجواد عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٤ ص ٧٤ ح ٦٥ .

٧- .جامع الأخبار : ص ١٥٤ ح ٣٥١ عن جابر بن عبد الله ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٦٣ ح ٥٢ .

د ستمگری

ه نافرمانی پدر و مادر

و این کارها

امام علی علیه السلام: هر کس نفسش را در لذت هایش رها کند، تیره بخت و دور می گردد.

امام علی علیه السلام: شکست خورده از هوای نفس، تیره بخت دائم و برده همیشگی است.

امام علی علیه السلام: هر که به نفسش در آنچه خود دوست دارد، خوش رویی نشان دهد، نفسش او را در آنچه نمی پسندد، به رنج می افکند.

د ستمگری امام علی علیه السلام: ستمگری مرد در دنیا، نشانه بدبختی او در آخرت است.

ه نافرمانی پدر و مادر امام صادق علیه السلام: نافرمانی پدر و مادر، از گناهان بزرگ است؛ چرا که خدای متعال، سرپیچی کننده از پدر و مادر را سرکش و تیره بخت قرار داده است. (۱)

و این کارها پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که مرا یاد کند، ولی بر من درود نفرستد، بدبخت است، و هر که ماه رمضان را دریابد، ولی رحمت خدا به او نرسد، بدبخت است، و هر که پدر و مادر یا یکی از آن دو را دریابد، ولی [به آنها] نیکی نکند، بدبخت است.

۱- اشاره به «و بَرًّا بَوِّ لِدَيْهِ وَ لَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا» و «و بَرًّا بَوِّ لِدَيْتِي وَ لَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا» (آیه های ۱۵ و ۳۲) از سوره مریم است.

ص: ۴۳۹

فهرست تفصیلی .

ص: ۴۴۱

..

ص: ۴۴۲

..

ص: ۴۴۳

..

ص: ۴۴۴

..

ص: ۴۴۵

..

ص: ٤٤٧

..

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹